

۱. از فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره کیانیان، شامل کدام دوره میباشد؟ دوران حماسی
۲. تهمورث فرزند کدام یک از پادشاهان زیر است؟ هوشنگ
۳. در زمان کدام پادشاه جنگ بین ایران و توران آغاز شد؟ منوچهر
۴. چه کسی حکومت کیانیان را به پایان رسانید؟ اسکندر
۵. در سال ۱۲۳۰ - میلادی، زمان حمله چنگیز، قره کلیسا غارت گردید. این زمان مصادف با کدام تاریخ قمری است؟ ۶۲۷
۶. در تبدیل سال شمسی به سال میلادی از یازده دی تا اول فروردین چه عملیاتی باید انجام شود؟ ۶۲۲ سال به سال شمسی اضافه گردد.
۷. در تقسیم بندی جشن ها و آیین ها ، نوروز جزء کدام رده زیر قرار می گیرد؟ جشن ها و آیین های باستانی
۸. تابو به چه معناست؟ حرام و ممنوع
۹. مردم شناسان شروع گاه شماری را با کدام یک از موارد زیر همراه می دانند؟ شروع کشاورزی
۱۰. در ایران باستان سال را چگونه کیبسه می کردند؟ هر ۱۲۰ سال یک ماه به سال اضافه می کردند.
۱۱. در کدام دوران کیبسه نمودن سال انجام نگرفته است؟ ساسانیان
۱۲. در آذربایجان و زنجان سومین چهارشنبه اسفند را چه می گویند؟ گوله
۱۳. جشن تیرگان در زمان کدام پادشاه به وجود آمد؟ منوچهر
۱۴. در کدام روز از ماه دی جشن دیگاه برگزار نمی شده است؟ روز بیست و دوم
۱۵. جشن سده در کدام ماه سال انجام می گرفته است؟ بهمن
۱۶. صاحب کتاب اغانی چه نام دارد؟ ابوالفرج اصفهانی
۱۷. از زمان کدام شیخ، پیش درآمد و چهار مضرب، به سلسله مراتب اجرای موسیقی اضافه شد؟ درویش خان
۱۸. همنازی در موسیقی از زمان کدام پادشاه در ایران آموزش داده شد؟ ناصرالدین شاه
۱۹. ابوالفرج اصفهانی چه شخصی را به دریا و سایرین را به نهر و جویبار تشبیه کرده است؟ اسحاق موصلی
۲۰. اولین شخصی که در دوره اسلامی کتابی در فن موسیقی نوشته چه نام دارد؟ ابونصر فارابی
۲۱. اولین بار در کدام زمان پرچم ایران از سه گوش به چهارگوش تبدیل شد؟ قاجاریه
۲۲. ایلات چادرنشین کرد برای چادرهایشان چه اصطلاحی به کار می برند؟ رش مال
۲۳. در ایالات و عشایر بختیاری توشمال به چه کسانی گفته می شود؟ نوازندگان
۲۴. کدام یک از موارد زیر از ایلات ترک زبان آذربایجان محسوب نمی شود؟ ایل بصری
۲۵. کاروان سراهای درون شهری در کجا قرار می گرفتند؟ پشت دکان های بازار
۲۶. کوشش ها، دستاوردها، سرمایه ها و اندوخته های مادی انسان که در طول قرن ها و هزاره ها تا به امروز ادامه یافته و بزرگترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی می باشد، کدام است؟ تمدن
۲۷. فرهنگ واژه ای است که از دو جزء " فر " به معنی و " هنگ ".....تشکیل شده. فارسی - شکوه و جلال - بیرون آوردن
۲۸. پدر مردم شناسی چه کسی است؟ ادوارد تیلر
۲۹. به نظر دانشمندان : تنها آن دسته از سرمایه های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب میشود که به گونه ای نشأت گرفته از باشد. ذوق هنری انسان
۳۰. عصر برنز با چه دورانی مطابقت دارد ؟ دوران شهرنشینی

۳۱. صنعت ابزارسازی الدوان و صنعت آشولین مربوط به کدام زمان بوده است؟ پارینه سنگی قدیم
۳۲. انسان نئادرثال حدفاصل انسان و انسان است. راست قامت - هوشمند
۳۳. بنای باشکوه تخت جمشید به چه دلیلی ساخته شده است؟ پایتخت آئینی
۳۴. سبک مجسمه های تخت جمشید برگرفته از کدام فرهنگ است و نشان دهنده ی چیست؟ آشوریان - عبرت آموزی و آگاهی حضور آسمانی
۳۵. دستیابی به گنبد روی گوشواره و ایوان طاق دار در معماری ایران مربوط به کدام دوره است؟ اشکانیان
۳۶. کدام یک از آثار دوره ساسانی است؟ طاق کسرا - چهارطاقی نیاسر - آتشکده آذرگشنسب
۳۷. کدام یک از شیوه های زیرمربوط به معماری دوران اسلامی ایران می باشند؟ خراسانی، رازی، آذری، اصفهانی
۳۸. فر یعنی چه؟ جلوه
۳۹. فرهنگ یعنی چه؟ هنجار ها و واکنش های تعیین کننده رفتار
۴۰. در برگیرنده همه عناصری است که برای رفع نیازهای ما ضروری است؟ فرهنگ
۴۱. همه فرهنگ ها به هم وابسته اند و.....؟ هویتی نامتغیر دارند
۴۲. OIKOS به چه معناست؟ محل زیست
۴۳. اکولوژی فرهنگی چیست؟ سازگاری ارگانیسم با محیط
۴۴. چه کسی برای اولین بار از اکولوژی فرهنگی حرف زد؟ هاکل
۴۵. چشم انداز در زبان آلمانی کدام است؟ لند شافت
۴۶. به عقیده یالویتگ چه چیزی به معنای چشم انداز است؟ محل سکونت و تعامل با محیط
۴۷. چشم انداز و فرهنگ چه رابطه ای دارند؟ چشم انداز جنبه ای از فرهنگ است.
۴۸. اساسی ترین ارکان تحکیم هویت و خودباوری ملی است؟ میراث فرهنگی
۴۹. دو بعدی میراث فرهنگی اند؟ مادی و معنوی
۵۰. گنجینه زنده بشری را تشکیل می دهد؟ میراث ناملموس
۵۱. بنا های تاریخی از جمله میراث..... هستند؟ ملموس تاریخی
۵۲. نخستین موزه در چه سالی ایجاد شد؟ ۱۲۹۰
۵۳. در سال ۱۳۲۸ چه قانونی تصویب شد؟ قانون اداری وزارت و معارف
۵۴. در سال..... مرتضی قلی خان دستور ساخت اداره..... را داد؟ ۱۳۲۷ ، تحقیقات
۵۵. در چه سالی قانون عتیقات به تصویب مجلس رسید؟ ۱۳۰۹
۵۶. در سال ۱۳۴۳..... تاسیس شد؟ وزارت فرهنگ و هنر
۵۷. هم اکنون کاخ های سلطنتی باقیمانده چه کاربردی دارند؟ فرهنگی
۵۸. کدام یک از کاخ های تهران زیر نظارت وزارت دارایی است؟ گلستان
۵۹. میراث فرهنگی.....؟ غیر قابل جایگزینی اند
۶۰. رشته های حفظ میراث ملموس کدامند؟ فرهنگ عامه
۶۱. رشته های حفظ میراث معنوی نیست؟ حفظ فیلم
۶۲. چند مجموعه میراث فرهنگی به ثبت جهانی رسیده؟ ۸۳۰
۶۳. چند اثر از ایران در یونسکو ثبت شده؟ ۲۱

۶۴. یک اثر با دارا بودن این ویژگی می تواند ثبت جهانی شود؟ منحصر به فرد باشد
۶۵. زورخانه در کدام دسته از میراث جای می گیرد؟ معنوی
۶۶. قلعه جوشی در کدام استان قرار دارد؟ آذربایجان شرقی
۶۷. استان ایلام دارای این اثر تاریخی است؟ پل گاومیشان
۶۸. کدام یک از آثار جهانی ثبت شده نیستند؟ کاخ نیاوران
۶۹. وی با نگرش کلاسیک به بررسی فرهنگ پرداخته است؟ تیلور
۷۰. فرهنگ دارای کدام ویژگی نیست؟ ذاتی
۷۱. دانشی است که سازگاری ارگانیسم را با محیط مورد بررسی قرار می دهد؟ اکولوژی
۷۲. محل سکونت انسان و تعامل زیست محیطی او چه نام دارد؟ چشم انداز
۷۳. شامل فناوری های سنتی است؟ دانش سنتی
۷۴. تصویب قانون میراث فرهنگی از چه دوره ای آغاز شد؟ مشروطه
۷۵. کتاب ها، اموال و بناهای تاریخی در این دسته جای می گیرد؟ اموال ملموس
۷۶. بخش احساسی جامعه را تشکیل می دهد؟ میراث ناملموس
۷۷. عمارت کلاه فرنگی در آنجا قرار دارد؟ بوشهر
۷۸. کدام یک از جمله آثار بین المللی ثبت شده در یونسکو نیست؟ آسیاب قطب آباد
۷۹. کوهستان های..... به علت دارا بودن امکانات و شرایط مناسب از مراکز مهم توریستی محسوب می شوند؟ دماوند
۸۰. میراث جهانی به دو دسته تقسیم می شوند، آنها کدامند؟ فرهنگی، طبیعی
۸۱. معنی قاجار در زبان ترکی کدام است؟ دهی در استان زنجان
۸۲. از بانیان سپاه قزلباش است؟ شاه اسماعیل اول
۸۳. اماکن تاریخی، موزه ها، معماری بناهای تاریخی و مذهبی جزو کدام یک از جاذبه ها می باشد؟ فرهنگی
۸۴. موسیقی، هنرهای نمایشی، شعر، ادبیات، نقاشی و حکاکی جز کدام یک از جاذبه ها هستند؟ فرهنگی
۸۵. استون هیچ و لاندن بریج در کجا واقع شده اند؟ انگلستان - انگلستان
۸۶. کدام بخش از جاذبه های ایران شهرت جهانی دارد؟ فرهنگی - اجتماعی
۸۷. بهترین وسیله برای اعتلای فرهنگی چیست؟ گردشگری
۸۸. گردشگران مذهبی از گروه گردشگران..... هستند؟ فرهنگی
۸۹. عناصر اصلی فرهنگ ایران در کدام مورد ذکر شده است؟ زبان، ادبیات
۹۰. ایران را به لحاظ مذهبی، مرکز..... می دانند. شیعیان
۹۱. در زمره قدیمی ترین انواع گردشگری است؟ گردشگری مذهبی
۹۲. چند درصد از کل گردشگری های جهان، گردشگری مذهبی است؟ ۱۱ درصد.
۹۳. انواع گردشگران مذهبی عبارتند از؟ زائران و گردشگران چندمنظوره
۹۴. از جمله دسته بندی های ادیان ایران باستان نیست؟ مزدک (سایر ادیان)
۹۵. کدام یک از ادیان زیر جزء مهمترین ادیان ایران باستان است؟ مهرپرستی
۹۶. چه کسانی نقشی پررنگ در گسترش ادیان یهودی و مسیحیت داشتند؟ ایرانیان
۹۷. در کتیبه..... به اسم خدایان آریین ها اشاره شده است؟ بوغاز کوی

۹۸. از جمله عناصر مشترک در میان ادیان ایران باستان چیست؟ قربانی، خدایان
۹۹. به فرآیندی جهت دلجویی و مدد خواهی از نیروهای طبیعت می گویند؟ جادو
۱۰۰. تاثیر زیادی بر مسیحیت داشته است؟ میترائیسم.
۱۰۱. مرحله پنجم آیین میترایسم یا مهرپرستی چه نام دارد؟ پارسی
۱۰۲. مغ به چه معناست؟ خادم
۱۰۳. ایمان به خدای خیر و شر در چه دینی وجود دارد؟ زرتشت
۱۰۴. در این دین سه اصل اخلاقی مهردل، مهرزبان و مهر دست وجود دارد؟ مانی
۱۰۵. تعالیم مانی بر چه ادیانی استوار است؟ زرتشت و مسیحیت
۱۰۶. در طبقه بندی مانویان از جامعه، ویزیدگان چه کسانی هستند؟ مبلغان
۱۰۷. معبد مانویان را چه می نامد؟ خانگاه
۱۰۸. کدام یک از ادیان زیر به شدت اجتماعی است؟ مزدک
۱۰۹. مزدیسنا به چه معناست؟ ستایش مزدا
۱۱۰. معیارهای تعیین هویت فرهنگی عبارتند از؟ زبان، دین
۱۱۱. آنیمیسم چه دینی است؟ نسبت دادن روح به تمام پدیده های طبیعی
۱۱۲. گونه شناسی فرهنگ ایران عبارتند از؟ شهری، عشایری و روستایی
۱۱۳. نخستین گام برای توسعه گردشگری چیست؟ شناخت جاذبه.
۱۱۴. مهمترین جاذبه گردشگری مذهبی در ایران کدام است؟ محرم
۱۱۵. ایران در چه زمینه هایی فضای گردشگری مناسبی دارد؟ فرهنگی
۱۱۶. گردشگران مذهبی در کدام دسته جای می گیرند؟ فرهنگی
۱۱۷. در گذشته کدام نوع از گردشگری رونق بیشتری داشت؟ دینی
۱۱۸. جامعه شناسان دوران..... را مقدم بر دوران..... می داند. شرک - توحید
۱۱۹. در این آیین براین باورند که روزی خدای مهرورزی در غاری ظهور خواهد یافت؟ مهرپرستی
۱۲۰. آخرین گروه مانویان در چه دورانی نابود شدند؟ قرن ۱۳ میلادی
۱۲۱. در ایجاد باورهای دینی نقش دارد؟ بحران اجتماعی
۱۲۲. ادیانی که تعیین کننده آن هستند را می توان به آسانی تشخیص داد؟ تاریخ تقویمی
۱۲۳. علت اهمیت توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه است؟ بیکار بالا
۱۲۴. مراسم فرهنگی و مذهبی ریشه در آن دارد؟ باورها و اعتقادات
۱۲۵. کدام سلسله دین شیعه را به عنوان دین رسمی در ایران اعلام کرد؟ صفویه
۱۲۶. رایج ترین شکل گردشگری از ایام گذشته تاکنون چیست؟ گردشگری مذهبی
۱۲۷. گردشگری صنعتی..... است؟ پویا
۱۲۸. کدام یک می تواند تعداد مناطق مقصد را برای گردشگران تغییر دهد؟ اقلیم
۱۲۹. اقلیم چیست؟ عامل مهم در چگونگی پوشش گیاهی و جانوری
۱۳۰. کدام عامل در برنامه ریزی و مدیریت گردشگری نقش مهمی دارد؟ شناخت اقلیم
۱۳۱. یکی از مهمترین عوامل محیط طبیعی است که در توسعه گردشگری نقش دارد؟ اقلیم

۱۳۲. مهمترین عامل در توسعه گردشگری است؟ آب و هوا
۱۳۳. و منبعی برای گذراندن اوقات فراغت هستند. هوا و اقلیم
۱۳۴. مهمترین شرایط اقلیمی فصل زمستان است؟ دما ۵ تا ۱۵ درجه
۱۳۵. دمای مناسب آب برای شنا کدام است؟ ۱۷
۱۳۶. اقلیم یک عامل است و به آسانی شدن کمک میکند. جغرافیا، اقامت
۱۳۷. استفاده از منابع انرژی ارزان در ساختمانهای اولویت دارد؟ سنتی
۱۳۸. بناهای کوچک، محصور و درونگرا، در کدام اقلیم هستند؟ کوهستانی
۱۳۹. چرا در معماری مناطق کوهستانی ارتفاع بنا کم است؟ جلوگیری از نفوذ سرما
۱۴۰. احداث ایوان در بنا، در کدام اقلیم رواج دارد؟ شمال ایران
۱۴۱. احداث بادگیرها برای هدایت باد به داخل خانه در مناطق رویت میشود؟ گرم و خشک
۱۴۲. تغییرات اجتماعی عبارتند از؟ تعادل ای ساختی
۱۴۳. اگر نیروهای موثر برای تغییر قوی باشند، تغییر است؟ ساختی
۱۴۴. «میزان در مسیر تغییر فرهنگ همیشه یکسان است» این جمله چگونه است؟ غلط است
۱۴۵. مهمترین مکانیزم تغییر فرهنگ است؟ طغیان
۱۴۶. جریانی که در آن مسائل فرهنگی از جامعه دیگر گرفته می شود چه نام دارد؟ اشاعه
۱۴۷. انواع اشاعه عبارتند از؟ مستقیم و غیرمستقیم
۱۴۸. اصطلاح فرهنگ پذیری توسط کدام افراد مطرح شده؟ انسان شناسان
۱۴۹. تغییرات در کلیه شئون زندگی چه چیزی را نشان می دهد؟ نوسازی
۱۵۰. از اصول مهم معماری پایدار نیست؟ عدم توجه به صرفه جویی
۱۵۱. مهمترین اصل معماری پایدار کدام است؟ توجه به انسان
۱۵۲. اصولی که سبب قرار گرفتن یک ساختمان در زمره بناهای پایدار میشود چیست؟ حفظ انرژی و هماهنگی با اقلیم و توجه به نیازهای انسان
۱۵۳. شناخت اقلیم در چه چیزی نقش مهمی دارد؟ توسعه گردشگری
۱۵۴. اقلیم برای گردشگری دارای امتیاز است؟ اقتصادی
۱۵۵. وجود پوشش گیاهی مناسب از جمله شرایط کدام فصل است؟ تابستان
۱۵۶. اقلیم یک عامل است که فضای ایجاد می کند؟ جغرافیایی، جغرافیایی
۱۵۷. از جمله عوامل تغییر روند معماری نیست؟ افزایش آلودگی
۱۵۸. عوامل تغییر روند معماری چیست؟ افزایش جمعیت، افزایش قیمت مصالح، افزایش قیمت ساختمان
۱۵۹. معابر دارای عرض کم و محدود از جمله ویژگی های معماری در کدام مناطق است؟ کوهستانی
۱۶۰. استفاده از رنگ روشن برای مصالح در معماری کدام منطقه به چشم می خورد؟ گرم و خشک
۱۶۱. تغییرات اجتماعی را در دوره های بررسی می کنند؟ کوتاه مدت
۱۶۲. ابن خلدون در خصوص کدام مورد به بیان نظرات خویش پرداخته است؟ تغییر فرهنگی
۱۶۳. جریانی است که امکان نشر و انتقال فرهنگی از جامعه ای به جامعه دیگر را فراهم می کند؟ اشاعه
۱۶۴. توصیف کدام پوشش در گزینه های زیر آمده است: «قد پیراهن تا زانو زد و در یقه پشت و جلو چاک می خورد»؟ لباس مردان بلوچ

۱۶۵. پوشش مردم خراسان به کدام یک از گزینه های زیر نزدیک است؟ افغان
۱۶۶. رواج بیشترین نوع گردشگری در ایام نوروز را نشان می‌دهد؟ تفریحی
۱۶۷. دیدار دوستان و آشنایان در کدام دسته جای می‌گیرد؟ گردشگری تفریحی
۱۶۸. وسیله نقلیه رایج در سفرهای درون مرزی کدام است؟ خودروی شخصی
۱۶۹. زبان؛ این تنها وسیله ارتباطی شاخص است؟ نهاد اجتماعی
۱۷۰. نام دیگر فولکلور چیست؟ توده شناسی
۱۷۱. فولکلور در ایران ابتدا توجه کسانی را به سوی خود جلب کرد؟ خاورشناسان
۱۷۲. دوگوبینو و خودسکو چه بخشی از فولکلور را در ایران بررسی کردند؟ تعزیه
۱۷۳. دهخدا در کدام اثر از اصطلاحات عامه استفاده کرد؟ لغت نامه
۱۷۴. نخستین فردی که در ایران به گنجینه ادبیات فارسی دست یافت کیست؟ کسروی
۱۷۵. چه کسی به شیوه های درست و در تحقیق در فولکلور نظر داده است؟ هدایت
۱۷۶. چند زبان در ایران تکلم می‌شود؟ ۶ زبان
۱۷۷. ریشه زبان کردی کدام است؟ هند و اروپایی
۱۷۸. زبان ترکی از چه زمانی در ایران رواج یافته؟ دوران تاتارها
۱۷۹. قلمرو اصلی زبان کردی کجاست؟ کردستان
۱۸۰. این زبان در مناطق هامون، سبزواری و خراسان صحبت می‌شود؟ بلوچی
۱۸۱. زبان عربی در کدام نواحی گسترش یافته است؟ جنوب
۱۸۲. اسطوره به چه معنی است؟ قصه گونه
۱۸۳. کتاب قلمرو وجدان از کیست؟ زرین کوب
۱۸۴. **HISTORIA** به چه معناست؟ جستجو
۱۸۵. کدام رشته علمی به بررسی اسطوره ها پرداخته است؟ مردم شناسی
۱۸۶. مردم شناسان از کدام منظر اساطیر را بررسی نمی‌کنند؟ اجتماعی
۱۸۷. رمز دوام و پایداری اسطوره ها در چیست؟ داشتن بن فرهنگی و اجتماعی
۱۸۸. از دیدگاه جامعه شناسان اسطوره یک..... است؟ ذهنیت اجتماعی
۱۸۹. در کدام گزینه اشاره‌هایی درباره اساطیر ایران و یونان وجود دارد؟ اوستا
۱۹۰. چه زمانی اسطوره های ایرانی رنگ باختند؟ بعد از اسلام
۱۹۱. ویژگی عجیب و منحصر به فرد اساطیر ایران کدام است؟ تصاویر کم
۱۹۲. بخش عظیمی از اساطیر ایرانی را..... تشکیل می‌دهند؟ قهرمانان
۱۹۳. اولین موضوع در تفاوت اسطوره های ایران و یونان چیست؟ وجود خدایان و کارکرد آنها
۱۹۴. در تفکر یونانیان پهلوانان چه کسانی هستند؟ دست خدایان
۱۹۵. تشابه اساطیر ایران و یونان چیست؟ وجود افراد رویین تن
۱۹۶. مسئله..... از مهم‌ترین از جمله تشابهات اساطیر یونان و ایران است؟ پدرکشی و پسرکشی
۱۹۷. در حماسه یونان خدایان خصلت دارند؟ انسانی
۱۹۸. واژه در میان خدایان یونان وجود ندارد؟ بخشش

۱۹۹. اسطوره ها حاوی چه چیزی هستند؟ وقایع
۲۰۰. چرا اسطوره های ایرانی ایجاد درام نکردند؟ ساختار اجتماعی و فکری
۲۰۱. دوگبینو و خودسکو نخستین کسانی بودند که به بررسی و گردآوری ها در این باره پرداختند؟ تعزیه
۲۰۲. متعلق به یک زبان است؟ لهجه
۲۰۳. عموماً ستیز میان نیروهای مخالف را نشان می دهد؟ اساطیر
۲۰۴. از دیدگاه جامعه شناختی؛ اسطوره چیست؟ ذهنیت اجتماعی
۲۰۵. ویژگی عجیب اساطیر ایرانی چیست؟ نبود مجسمه از آنها
۲۰۶. در کدام یک از کشورهای زیر، حکومت متمرکز نبوده است؟ یونان
۲۰۷. در این فرهنگ انسان ها در قبال سرنوشت خود بی اراده اند؟ فرهنگ غرب
۲۰۸. خدایان یونان چگونه اند؟ عدم بخشش و مهربانی
۲۰۹. در کدام فرهنگ پدرکشی مطرح شده؟ یونان
۲۱۰. موسیقی چیست؟ آوای ساختارمند و هنری
۲۱۱. از قدیمی ترین هنر های بشری چیست؟ موسیقی
۲۱۲. ساده ترین راه انتقال عواطف از چه طریق میسر است؟ موسیقی
۲۱۳. اولین نشانه های نواختن موسیقی مربوط به کجاست؟ آسیا
۲۱۴. موسیقی را عامل نزدیکی می دانند؟ دلها
۲۱۵. کدام قشر از جمله تاثیر گذار آن بر تحولات اجتماعی هستند؟ هنرمندان
۲۱۶. روند تاثیر موسیقی بر فرهنگ یک منطقه چگونه است؟ ریشه ای و آهسته
۲۱۷. از جمله دلایل انحطاط فرهنگی چیست؟ حفظ سنت ها
۲۱۸. از جمله نوازندگان ایران باستان نیست؟ همایون
۲۱۹. هنگام نواختن موسیقی در ایران باستان را بیان می کند؟ طلوع و غروب
۲۲۰. انواع موسیقی ایران باستان چیست؟ آیینی، رسمی، بزمی
۲۲۱. نام ترانه هایی که در هنگام جنگ و در دوران هخامنشی می نواختند چیست؟ هوره
۲۲۲. هفت خسروانی ساخته کیست؟ باربد
۲۲۳. نکيسا آهنگ را در ردیف موسیقی ایرانی نواخته است؟ جامه داران
۲۲۴. موسیقی ردیف امروز ایران از دوران چه کسی ایجاد شده است؟ علی اکبر خان
۲۲۵. ردیف چیست؟ مثال ملودیک
۲۲۶. هر دستگاه موسیقی ایرانی است؟ پرده های مختلف موسیقی
۲۲۷. از دستگاه های موسیقی ایرانی نیست؟ ابوعطا
۲۲۸. اکثر آهنگ های امروزی در جشن ها مربوط به این دستگاه است؟ همایون (شور)
۲۲۹. بین دستگاه شور و موسیقی کدام منطقه قرابت وجود دارد؟ کردستان
۲۳۰. دستگاه سه گاه با و تلفیق شده است؟ همایون، شور
۲۳۱. کدام یک از دستگاههای موسیقی ایرانی به زمان خاصی از روز تعلق دارد؟ شور
۲۳۲. این دستگاه تغییر یافته واژه مازور است؟ ماهور

۲۳۳. امکان تشخیص کدام دستگاه از دستگاه شور دشوار است؟ همایون
۲۳۴. آواز را می توان نامید؟ شور، دستگاه فرعی
۲۳۵. از آوازهای دستگاه موسیقی ایرانی نیست؟ دشتی
۲۳۶. برپط با سازی به نام.....جانشین شده است؟ مزهر
۲۳۷. کدام ساز بیشتر در ترکیه استفاده می شود؟ باغلاما
۲۳۸. چنگ در چه دوره ای بسیار محبوب بوده است؟ ساسانی
۲۳۹. تنبور چیست؟ ساز زهی
۲۴۰. قلندران و اهل طریقت بیشتر از کدام ساز استفاده می کردند؟ تنبور
۲۴۱. دهل به شکل مرسوم از کدام استان استفاده می شد؟ کردستان
۲۴۲. در قدیم دف یا دایره کوچک را چه میگفتند؟ خمبک
۲۴۳. کدام یک از ادوات موسیقی را زونا می نامند؟ سورنا
۲۴۴. ساز ملی ایران است و آن را ستاه می نامند؟ سه تار
۲۴۵. ساخت را به فیلسوف بزرگ فارابی نسبت می دهند؟ سنتور
۲۴۶. از جمله مراسم ویژه موسیقی عشایر است؟ تلقین به بیماران روانی
۲۴۷. نوازندگان ایل قشقایی هستند؟ عاشیق ها
۲۴۸. ساز اصلی عاشیق ها در گذشته چه بوده است؟ چگور
۲۴۹. چنگی ها کدام را نمی نوازند؟ سورنا
۲۵۰. آهنگ متداول میان ساربان ها کدام است؟ گدان دارغا بداند
۲۵۱. از جمله مهم ترین راه های کنترل عشایر در صد سال گذشته کدام بوده است؟ تخته قاپو
۲۵۲. آهنگ بویر احمدی را می نامند؟ قس
۲۵۳. آسان ترین راه انتقال احساسات محسوب می شود؟ موسیقی
۲۵۴. در ابتدا رابطه موسیقی و فرهنگ چگونه بوده؟ موسیقی از فرهنگ گرفته شده است
۲۵۵. توالی آنها، دستگاه موسیقی را ساخته است؟ پرده ها
۲۵۶. حال و هوای این دستگاه به مازندران نزدیک است؟ شور
۲۵۷. با شنیدن موسیقی در این دستگاه حالت خمیدگی در فرد رفع می شود؟ چهارگاه
۲۵۸. "شد خزان گلشن آشنایی" از جمله قطع هایی است که در این دستگاه ساخته شده؟ همایون
۲۵۹. شناخت این دستگاه به دلیل شباهت با دستگاه شور دشوار است؟ نوا
۲۶۰. این ساز هفت سیم دارد که به سه گروه؛ سه سیم دو سیم و دو سیم تقسیم می شود؟ برط
۲۶۱. ساز لیوا از ادوات موسیقی کدام استان است؟ سیستان و بلوچستان و هرمزگان
۲۶۲. کدام یک در مورد ترانه های عامی گیلان صحیح است؟ ترانه ای که هنگام کار در شالیزار می خوانند
۲۶۳. نام یکی از سبک های موسیقی خوزستان است؟ علوانیه
۲۶۴. کدام یک از نوازندگان این قشقایی هستند؟ عاشیق، چنگی
۲۶۵. ترانه عامیانه مردم گیلان در همه گزینه ها به جز ذکر شده است؟ چنگی
۲۶۶. جشنهای ایرانی دارای ریشه..... هستند؟ تاریخی

۲۶۷. جشن های زنده عبارتند از؟ جشن هایی که هنوز رواج دارد
۲۶۸. جشن پیروزی انقلاب اسلامی در کدام دسته از جشن ها قرار میگیرد؟ ملی
۲۶۹. ویژگی عمومی جشن های ایرانی است؟ پیوند با پدیده های طبیعی
۲۷۰. در جشن های ایرانی..... به جشن رسمیت و تقدس می بخشد. آتش
۲۷۱. چه چیزی سبب جشن گرفتن نزد ایرانیان باستان بوده است؟ کار بزرگ
۲۷۲. تفاوت های قومی و دینی در برگزاری جشن های ایران باستان چیست؟ بازدارنده نبوده
۲۷۳. نظریه های مرتبط با اسطوره کدام نیست؟ نظریه جامعه شناسی
۲۷۴. کدام نظریه معتقد است اسطوره به منظور روایت تثبیت و تدوین و توجیه است؟ مردم شناسی
۲۷۵. اسطوره ها ریشه در ذهن چه کسانی دارد؟ مردمان قبل از تاریخ
۲۷۶. نقش اسطوره ها زمان حال چیست؟ داستان های تخیلی
۲۷۷. تفاوت اساطیر با قصه های عادی در چیست؟ تمرکز بر اسطوره ها
۲۷۸. محرک ترین صنعت در ارتباط با اوقات فراغت کدام است؟ رویداد
۲۷۹. رویدادها بخشی از کدام نوع هستند؟ گردشگری جایگزین
۲۸۰. ویژگی اصلی هر رویداد در چیست؟ موقتی بودن
۲۸۱. امروزه برای حفظ فرهنگ ما مهم و حیاتی اند؟ رویدادها
۲۸۲. مزایای جشنواره و رویداد در کدام منطقه بیشتر است؟ روستایی
۲۸۳. هدف اساسی جشنواره های محلی نیست؟ توسعه گردشگری
۲۸۴. از طریق به کارگیری رویدادها در جذب گردشگر می توان..... افزایش داد؟ طول اقامت، در آمد
۲۸۵. از جمله ویژگی های رویداد نیست؟ عدم دسترسی
۲۸۶. رکن مهم گردشگری رویداد چیست؟ جشنواره
۲۸۷. گز گردشگری رویداد را از چه منظری مورد مطالعه قرار داده است؟ تاریخی هستی شناسی
۲۸۸. ضرورت بررسی کدام عامل در مدیریت رویدادهای فرهنگی وجود دارد؟ محدودیت ها
۲۸۹. از جمله محدودیت های مدیریت رویدادهای فرهنگی چیست؟ عدم حضور
۲۹۰. اثرات و پیامدهای جشنواره به چند دسته تقسیم شده اند؟ ۷
۲۹۱. ارزیابی نوع نگاه و نگرش سکنه به رویدادها در کدام دسته از پیامدها جای دارد؟ فرهنگی
۲۹۲. پروراندن تصور مطلوب از مقصد جزو کدام یک از اثرات گردشگری رویداد است؟ تصور و بازاریابی مکانی
۲۹۳. سومین ویژگی گردهمایی های ایرانی چیست؟ شور و شادی
۲۹۴. ویژگی پنجم جشنهای ایرانی چیست؟ احترام
۲۹۵. گستردگی مراسم از جشن های ایرانی از کدام ویژگی ایشان نشات می گیرد؟ پنجم
۲۹۶. کدام نظریه معتقدند است، اسطوره ها به منظور تدوین و روایت و تثبیت ایجاد شده اند؟ مردم شناسی
۲۹۷. کدام نظریه اسطوره ها را نماد عینی کشمکش عاطفی می داند؟ اجتماعی
۲۹۸. آنها جاذبه های خاص محدود و محیطی منحصر به فرد دارند؟ جشن ها
۲۹۹. جشنواره ها و رویدادها در این مناطق مزایای بیشتری دارند؟ روستاها
۳۰۰. هدف اساسی جشنواره های محلی است؟ پیام رسانی

۳۰۱. نوسازی و توسعه شهری از جمله کدام موارد در برگزاری رویدادها است؟ پیامدها
۳۰۲. نوروز بزرگ در چندمین روز از فروردین است؟ ۷ فروردین
۳۰۳. جشن سروشگان در چه ماهی برگزار می‌شود؟ ۱۷ فروردین
۳۰۴. تورسیم در کدام گزینه دارای تعریفی صحیح است؟ مجموعه امکانات و خدمات و صناعی که امکان سفر را ایجاد می‌کند
۳۰۵. جشن کاشت در کدام استان برگزار نمی‌شود؟ بوشهر
۳۰۶. جشن آزادی اسرا از چنگال رژیم بعثی در چه تاریخی است؟ ۲۶ مرداد
۳۰۷. کدام یک در مورد جشن چهلم نوروز صحیح نیست؟ استان کرمان و فارس در روز ۱۰ اردیبهشت ماه را جشن می‌گیرند
۳۰۸. خرداد شکل خوارزمی چه کلمه ای است؟ هردات
۳۰۹. سروش به چه معناست؟ نیک فرجامی
۳۱۰. کدام یک در مورد علت جشن های دوازده روزه نوروزی صحیح است؟ تعیین عمر بهار به میزان ۱۲ هزار سال توسط اساطیر باستانی ایران زمین.
۳۱۱. تمایل افراد به بازی و ورزش ناشی از چیست؟ غریزه
۳۱۲. فعالیت بدنی و ورزش چه تاثیری در زندگی اجتماعی افراد خواهد داشت؟ آموزش زندگی
۳۱۳. بازی چیست؟ انتخاب آزاد
۳۱۴. بسیاری از بازی ها برای پاسخگویی به و..... از زمانهای دور ایجاد شده‌اند؟ رضایتمندی، نیاز ها
۳۱۵. بازی و ورزش از جمله تأکیدات اسلام برای حفظ..... است؟ تندرستی
۳۱۶. بازی بومی چیست؟ در ناحیه محلی و بومی اجرا می‌شود
۳۱۷. از جمله مزایای بازی بومی نیست؟ اقتصادی
۳۱۸. جوجیتسو بازی محلی کجاست؟ ژاپن
۳۱۹. کدام یک تعریف ورزش محلی است؟ ورزش منطقه‌ای
۳۲۰. ورزش‌های سنتی از جمله ورزش‌های..... بوده و دارای..... هستند. بومی، ریشه تاریخی
۳۲۱. در این بازی فردی نقش استاد را ایفا می‌کند؟ آسیاب بچرخ
۳۲۲. در پایان بازی افراد بازنده به افراد برنده کولی می‌دهند؟ الک دولک
۳۲۳. نام دیگر الختر چیست؟ خروس جنگی
۳۲۴. در این بازی یک نفر نقش گرگ دارد؟ بالا بلندی
۳۲۵. این بازی در منطقه نیمور رواج دارد؟ بیل گردانی
۳۲۶. در این بازی به کمک کمر بند و ترسیم دایره برای گروه بندی افراد با هم رقابت می‌کنند؟ ترنا بازی
۳۲۷. فردی که نقش سالار را دارد به کمک طناب یا با دست به تیم خود وابسته است؟ تنور گرمه
۳۲۸. در شبهای طولانی پاییز و زمستان از این بازی برای سرگرمی استفاده می‌شود؟ جورابین
۳۲۹. در بازی کلاه پَران چه کسانی کلاه بر سر دارند؟ مدافع
۳۳۰. بازی با سنگ در کدام گزینه آمده است؟ یه قل دو قل
۳۳۱. مهمترین جنبه از بازی‌های محلی چیست؟ مسئولیت پذیری
۳۳۲. بازی های بومی و محلی ایران الهام گرفته از چه چیزی هستند؟ فرهنگ
۳۳۳. شبکه بین المللی بازی و ورزش های سنتی چیست؟ TSG

۳۳۴. زمان بازی ایل قشقایی کدام است؟ تابستان
۳۳۵. تعداد بازیهای محلی در ایران به چند عدد می‌رسد؟ ۴۰۰ عدد
۳۳۶. بازی ها جز کدام دسته از میراث هستند؟ ناملموس
۳۳۷. فرصتی را برای کسب آرامش مهیا می‌کند؟ بازی ها
۳۳۸. از جمله منافع بازی نیست؟ اقتصادی
۳۳۹. از جمله بازی هایی است که فقط در ایران اجرا می‌شود؟ اسب دوانی
۳۴۰. در کدام بازی استاد می گوید آسیاب صندلی بساز؟ آسیاب بچرخ
۳۴۱. کدام کشور به دلیل تاریخ کهن خود نقش زیادی در شکل گیری بازی های بومی داشته است؟ ایران
۳۴۲. بازی های بومی از جمله کدام دسته اند؟ میراث فرهنگی
۳۴۳. از چه طریق می توان بازی ها را به منبع درآمد و رویدادی خارق العاده تبدیل کرد؟ نگاه اقتصادی
۳۴۴. مهمترین فایده بازی بومی نیست؟ بازی و شادی
۳۴۵. در فرهنگ لغت فارسی بازی معادل کدام گزینه است؟ سرگرمی
۳۴۶. نام دیگر بازی ذو کدام است؟ کبدی
۳۴۷. فرهنگ هر جامعه در برگیرنده یافته های..... است؟ معنوی
۳۴۸. جزء اجزای فرهنگ نیست. باورها
۳۴۹. خاصیت فرهنگ ها در..... است؟ قدرت جاذبه و دافعه
۳۵۰. صنایع دستی جزئی از فرهنگ است یا.....؟ زاینده آن
۳۵۱. محافظت از میراث فرهنگی در سطح جهانی بر عهده چه نهادی است؟ یونسکو
۳۵۲. مهمترین اهداف شورای جهانی صنایع دستی کدام است؟ همبستگی میان صنعت گران
۳۵۳. صنایع دستی نوعی فعالیت است. اقتصادی
۳۵۴. چه عواملی سبب تمایز صنایع دستی از محصولات کارخانه ای می شود می باشد؟ سنت ها و عادات
۳۵۵. تعریف صنایع دستی در دایرة المعارف بریتانیا چیست؟ مهارت ذوق و بینش انسان
۳۵۶. صنایع دستی از جمله صنایع و..... است. ملی، ناوابسته
۳۵۷. صنایع دستی به دلیل برخورداری از کدام عامل قابلیت جانشینی محصولات را ماشینی را دارد؟ ویژگی مصرفی
۳۵۸. صنایع دستی تا قبل از این دوران نقش حیاتی در زندگی انسان ها داشته است؟ انقلاب صنعتی
۳۵۹. بعد از جنگ جهانی دوم توجه به صنایع دستی به کدام دلیل فزونی یافت؟ استقلال
۳۶۰. تعداد رشته های صنایع دستی در ایران عبارتند از: ۳۷۰
۳۶۱. ایرانیان در سه هزار سال قبل از میلاد در چه زمینه تخصص داشتند؟ فلزکاری
۳۶۲. علت عدم توجه به صنایع دستی در این دوران انعقاد قرارداد با روسیه و انگلیس بوده است؟ در دوران قاجار
۳۶۳. در دوران پهلوی صنایع دستی بیشتر به کدام شکل مطرح بوده است؟ افشارخاص
۳۶۴. صنایع دستی عشایر بیشتر به چه شکل مصرف می شوند؟ خانگی
۳۶۵. قالی و گلیم جز کدام دسته از صنایع دستی استان لرستان هستند؟ عشایری
۳۶۶. از طریق بافت "لی" و "سوف" می توان بافت. حصیر
۳۶۷. عمده ترین صنایع دستی استان تهران چیست؟ شیشه کاری

۳۶۸. قدیمی ترین صنایع دستی استان تهران متعلق به کدام دسته است؟ عشایری
۳۶۹. کاشی سازی از جمله صنایع دستی برجسته کدام منطقه است؟ یزد
۳۷۰. در اصفهان هنری به نام..... وجود دارد؟ کاشی معرق
۳۷۱. رواج صنعت میناکاری در..... و در سال..... است؟ اصفهان، ۱۳۱۰
۳۷۲. صنعتی که در اصفهان ارزش هنری زیادی دارد چیست؟ ملیله سازی
۳۷۳. معنی کنده کاری روی چوب است؟ منبت
۳۷۴. در دو شهر..... و..... منبت کاری رواج دارد؟ اصفهان، گلپایگان
۳۷۵. در خاتم کاری از چه موادی برای تشکیل مثلث سه پهلو استفاده نمی شود؟ مروارید
۳۷۶. قصد ما از سفر چیست؟ یادگیری
۳۷۷. گردشگر گروهی متقاضی چیست؟ سوغات
۳۷۸. می تواند در رشد اقتصادی پایدار تاثیر بگذارد؟ صنایع دستی
۳۷۹. جایگاه صنایع دستی در کشورهای در حال توسعه بعد از..... است. کشاورزی
۳۸۰. در صورت نبود بازار برای صنایع دستی چه اتفاقی می افتد؟ کمرنگ شدن آن
۳۸۱. تمامی ارزشها و یافته های معنوی را در بر می گیرد؟ فرهنگ
۳۸۲. خاصیت فرهنگها در آن است؟ جاذبه و دافعه
۳۸۳. نوعی فعالیت اقتصادی است که منجر به تولید کالای جدید می شود؟ صنایع دستی
۳۸۴. به دلیل برخورداری از ویژگی مصرفی؛ توانایی جانشینی محصول ماشینی را داراست؟ فرآورده های دست ساز
۳۸۵. اولین مرحله از تکامل اقتصاد است؟ شبانی
۳۸۶. قرارداد با روسیه و انگلستان در این دوران مانع از توجه کافی به صنایع دستی شد؟ قاجار
۳۸۷. بافت چادرشب از جمله صنایع دستی این استان است؟ لرستان
۳۸۸. دومین منبع درآمد کشورهای در حال توسعه چیست؟ صنایع دستی
۳۸۹. کدام گزینه قادر به فرمول بندی بر اساس سنت های بومی است؟ هنر گردشگران
۳۹۰. از جمله زیرمجموعه های گردشگری روستایی است؟ گردشگری غذا
۳۹۱. توسعه گردشگری غذا موجب چه چیزی میشود؟ توسعه پایدار گردشگری روستایی
۳۹۲. علت رونق گردشگری در دهه های قبل چه بوده است؟ افزایش سهولت در سفر
۳۹۳. تعریف گردشگری غذا کدام است؟ دستیابی و لذت از غذا خوردن
۳۹۴. سفر کردن برای لذت بردن از طریق تجربه خوردن، چه چیزی است؟ گردشگری غذا
۳۹۵. اصطلاح گردشگری آشپزی را چه کسی مطرح کرد؟ لانگ
۳۹۶. این نوع گردشگری شیوه های مرتبط با مصرف مواد غذایی را شامل می شود؟ گردشگری آشپزی
۳۹۷. چشم انداز انسانی در معانی و مفاهیم غذا خوردن است؟ گردشگری آشپزی
۳۹۸. کدام یک در حوزه گردشگری آشپزی نیست؟ طعم
۳۹۹. گردشگری آشپزی به طور کلی چه چیزهایی را شامل می شود؟ مصرف مواد غذایی
۴۰۰. تمرکز گردشگری آشپزی را بیان می کند؟ اکتشاف
۴۰۱. تا سال..... گردشگری آشپزی چندان مورد تاکید نبود؟ ۱۹۹۰

۴۰۲. در کدام گزینه؛ فعالیت‌های گردشگری آشپزی ذکر شده است؟ آموزش و دستور پخت غذاها
۴۰۳. به طور کلی در گردشگری آشپزی، گردشگران ضمن انجام سفر به چه کاری می‌پردازند؟ مشاهده و تحقیق روی روند تولید مواد غذایی
۴۰۴. ریشه گردشگری وابسته به غذا و پخت و پز در چیست؟ سلیقه در غذا
۴۰۵. گردشگری وابسته به غذا و پخت و پز به چه مواردی اشاره دارد؟ فرهنگ غذایی
۴۰۶. خوراک شناسی به چه چیزهایی ارتباط دارد؟ پذیرایی
۴۰۷. سلیقه در غذا به چه معناست؟ هنر ایجاد ترکیبات غذایی
۴۰۸. گردشگری وابسته به غذا و پخت و پز در چه سالی منتشر شد؟ ۱۹۸۵
۴۰۹. بر اساس تعریف unwtو گردشگری وابسته به غذا و سفر چیست؟ فعالیت‌های مربوط به غذا
۴۱۰. کدام مورد ویژگی گردشگری وابسته به غذا و سفر نیست؟ صنایع دستی
۴۱۱. کدام یک از موارد زیر به طور مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد پایداری عناصر مختلف منطقه تاثیر دارد؟ غذاهای محلی
۴۱۲. ریشه آشپزی کدام یک از کشورها در ایران نیست؟ آلمان
۴۱۳. "ایرانیان نحوه پخت گوشت را به دیگر مردمان آموختند" این جمله؟ صحیح است
۴۱۴. روستای کرفس کجاست؟ اصفهان
۴۱۵. کوکوی خاویار از غذاهای محلی کدام استان است؟ گیلان
۴۱۶. قلعه پرتغالی‌ها کجاست؟ قشم
۴۱۷. شکر پلو در کدام استان طبخ می‌شود؟ قزوین
۴۱۸. کتاب تذکره الاطعمه از کیست؟ افشار
۴۱۹. در شهر کاشان توجه به کدام وعده غذایی بیشتر است؟ صبحانه
۴۲۰. چلو دیزی در کدام شهر طبخ می‌شود؟ کاشان
۴۲۱. علت شهرت شهر کاشان در چه زمینه ای است؟ داشتن عرقیات
۴۲۲. از معروفترین غذاهای ایلامیان است؟ فلافل
۴۲۳. علت رواج غذاهای مایع در همدان چیست؟ اقلیم
۴۲۴. همدان به دلیل داشتن و معروف است. مربا ها، ترشیها
۴۲۵. مشهورترین غذاهای ترکمن ها عبارتند از: چکدرمه
۴۲۶. هلی آش را می‌پزند؟ ترکمن ها
۴۲۷. از انواع نان ترکمن ها می‌توان و و بیشمه را نام برد؟ بوروک
۴۲۸. دوغ شتر؛ نوشیدنی اصلی است؟ ترکمن
۴۲۹. کدام یک برنامه غذایی مبتنی بر دوغ شتر هستند؟ ترکمن
۴۳۰. به داشتن دوپپازه میگو شهرت دارد؟ سیراف
۴۳۱. یکی از انواع آش دوغ است؟ پردود
۴۳۲. چرا آبگوشت را دودزوقه می‌نامند؟ خوردن با دو سبک متفاوت
۴۳۳. چشم بین نام چه غذایی است؟ کباب
۴۳۴. سغدو نام یکی از غذاهای مردمان است. لر

۴۳۵. بین مردم جنوب کشور معروف است؟ آش سبزی
۴۳۶. به سبب داشتن خورش اصفهان شهرت زیادی دارد؟ شه میرزاد
۴۳۷. توجه به گردشگری در چند دهه رواج یافت؟ ۲
۴۳۸. علت توجه به مواد غذایی در گردشگری چیست؟ کارکردها و فواید
۴۳۹. آنچه در میان تمام رویدادها مشترک است، چیست؟ اصول اولیه
۴۴۰. ایران به دلیل نوپا بودن در عرصه گردشگری مشکلات..... ندارد. مشاهده
۴۴۱. در بخش گردشگری رویداد کشور ایران مشکلات بزرگی در حوزه..... دارد. ارزیابی
۴۴۲. ایران به سبب داشتن غنای فرهنگی؛ می تواند در حوزه گردشگری..... پیشرفت کند. رویداد
۴۴۳. متولیان جشنواره ها برای کاهش عوامل مسبب زوال؛ ضروری است که چه کاری انجام دهند؟ نظرخواهی از مشتریان
۴۴۴. متولی اصلی صنعت گردشگری ایران کدام سازمان است؟ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
۴۴۵. و بخشی از حیات فرهنگی مقاصد هستند؟ رویداد و جشن
۴۴۶. بیشتر شهرها برای ایجاد و توسعه گردشگری رویداد در خود حداقل..... دارند. یک رویداد
۴۴۷. در اروپا..... به یک صنعت تبدیل شده است؟ جشنواره
۴۴۸. جشنواره در جامعه میزبان چه هدفی دارد؟ لذت
۴۴۹. بیشتر جشنواره ها دارای زمینه و هستند. سنتی، ارزشی
۴۵۰. جشنواره در چه صورت دارای تاثیر ملی و جهانی خواهد بود؟ رویداد بزرگ
۴۵۱. مهمترین یادمان ها چند دسته اند؟ ملی، مذهبی
۴۵۲. ۱۲ فروردین در تقویم ایران یک رویداد است؟ ملی
۴۵۳. از جمله مهمترین رویدادهای مذهبی در ایران کدام است؟ محرم
۴۵۴. اصفهان به سبب داشتن کدام مورد از جاذبه گردشگری بدل شده؟ بناهای تاریخی
۴۵۵. مراکز خرید پیشرفته، پارک های زیبا از جمله زیبایی های کدام مقصد گردشگری هستند؟ تهران
۴۵۶. تنها شهری که به دلیل داشتن پارک موضوعی سبب جذب گردشگران می شود کدام است؟ مشهد
۴۵۷. وجود در شیراز سبب جلب توجه گردشگران خارجی به این شهر شده است؟ تخت جمشید و پاسارگاد
۴۵۸. خوزستان با داشتن توانایی جذب گردشگر فرهنگی دارد. اقلیم
۴۵۹. کدام شهر دارای تاثیر بر روند موفقیت گردشگری فرهنگی است؟ کرمان
۴۶۰. از جمله هزینه های بسته های سفر نیست؟ صنایع دستی
۴۶۱. توجه به تعداد مسافران در سفر؛ در کدام دسته جای می گیرد؟ امور جزئی
۴۶۲. آگاهی از گروه سنی افراد کمک می کند تا در مورد این موارد اطلاعات داشته باشیم؟ ویژگی های مشترک
۴۶۳. مهمترین ابزار کار در اجرای بسته های سفر عبارتند؟ از ظاهر و پوشش
۴۶۴. نخستین آژانس مسافرتی جهان در کشور..... ایجاد شد. انگلستان
۴۶۵. نخستین آژانس مسافرتی توسط چه کسی ایجاد شد. توماس کوک
۴۶۶. توریسم پدیده ای است که در آن دواعمل..... و..... نقش اساسی دارد. انسان و مکان
۴۶۷. دوشکل ازمتداولترین انواع جهانگردی ورزشهای و است؟ آبی و کوهستانی

۴۶۸. کوهستان های..... به علت دارا بودن امکانات و شرایط مناسب آب و هوایی از مراکز مهم توریستی است؟ دماوند
۴۶۹. میراث جهانی امروزه به دو دسته ی..... و..... تقسیم می شوند. طبیعی و فرهنگی
۴۷۰. قاجار در زبان ترکی به چه معناست ؟ فراری
۴۷۱. یکی از سازندگان سپاه قزلباش شدند. قاجارها
۴۷۲. سلسله ایی است که پس از انحلال سلسله قاجار بر ایران حکومت کردند. پهلوی
۴۷۳. رضاخان میرپنج با کودتای..... به قدرت رسید و محمدرضا شاه با کودتای..... قدرت استبدادی خود را تحکیم کرد. ۱۲۹۹، ۲۸ مرداد
۴۷۴. سلطنت پهلوی با انقلاب اسلامی در سال..... برچیده شد ؟ ۱۳۵۷
۴۷۵. چرا روزهای تعطیل در گذشته ، روزهای مقدس هم تلقی می شده اند؟ چون مردم عادی وقت آزاد خود را به امور مذهبی اختصاص می دادند.
۴۷۶. هتل شاتولیک در کدام کشور قرار دارد؟ هندوستان و کانادا
۴۷۷. «مجموعه فعالیت هایی که انجام می گیرد تا افرادی به مکان های خارج از محل زندگی و کار خود به قصد تفریح و استراحت و انجام امور دیگر، سفر کنند.» جهانگردی
۴۷۸. «مجموعه ای از اندیشه ها ، باورها ، ارزش ها ، معرفت ها و رفتارها که پایهء مشترک کلیه اعمال اجتماعی را تشکیل میدهد؟» تعریف بالا مربوط به چیست؟ فرهنگ
۴۷۹. بیانگر ترس یا نفرتی است غیر منطقی از غریبه ها و یا خارجی ها. بیگانه ستیزی
۴۸۰. این واژه به معنای باوری است دال بر اینکه گروه یا فرهنگ نژادی خود را ، ذاتا برترین نژاد یا فرهنگ بدانند؟ نژاد پرستی
۴۸۱. اماکن تاریخی ، موزه ها و معماری ، بناهای تاریخی ، مذهبی (مساجد ، کلیساها و)..... جزو کدامیک از جاذبه ها میباشد؟ جاذبه های فرهنگی و معنوی
۴۸۲. موسیقی، هنرهای نمایشی، شعر، ادبیات، نقاشی، مجسمه سازی، حکاکی و..... جزء کدامیک از جاذبه هاست؟ جاذبه های فرهنگی معنوی
۴۸۳. قصر ورسیلز در کجا قرار دارد ؟ در نزدیکی پاریس
۴۸۴. کاخ های نارا و کیوتو در کجا قرار دارند؟ ژاپن
۴۸۵. بقایای خرابه های زیمبابوه در کجا قرار دارند ؟ افریقای جنوبی
۴۸۶. کدامیک از موارد زیر بر گردشگری مؤثر است ؟ شیوع بیماری های نادر در مقصد ، وقوع جنگ و بحران های توریستی
۴۸۷. صنعت بدون دود نامیده می شود. گردشگری
۴۸۸. هشت هزار سال قبل به عصر..... معروف بوده است. عصرنوسنگی
۴۸۹. آثار بدست آمده از دوران پارینه سنگی، میان سنگی ونوسنگی گواهی بر فعالیت انسان در ساخت ابزار و وسایل دارد؟ سنگی
۴۹۰. یکی از ویژگی های دوره ی نوسنگی ساخت..... است. ظرف های سفالی
۴۹۱. ساخت ابزار در عصرنوسنگی بیشتر به پیدایش کدام صنایع کمک کرد؟ صنایع دامی صنایع کشاورزی صنایع بافندگی

۴۹۲. درهر کشوری به طور کلی صنایع به..... تقسیم می شود. چهار دسته
- ۴۹۳.....زمینه ساز توسعه اقتصادی هرکشور است واز آن به عنوان صنایع مادر یاد می شود. صنایع سنگین
- ۴۹۴.....به طور عمده حالت کارگاهی دارد. صنایع کوچک
۴۹۵. کدام یک از صنایع زیرهم حالت کارگاهی و هم حالت خانگی را شامل می شود ؟ صنایع دستی
۴۹۶. کدام یک از صنایع زیرمی تواند همزمان هردو ویژگی مصرفی و هنری را داشته باشد ؟ صنایع دستی
- ۴۹۷.....به مجموعه ایی از هنر صنعت ها اطلاق می شود که به طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام مراحل تولید به وسیله دست یا ابزاردستی موجب ساخت محصولاتی می شود که ذوق هنری و خلاقیت صنعتگر سازنده باعث تمایز محصول از مصنوعات ماشینی و کارخانه ایی می شود. صنایع دستی
۴۹۸. کدامیک از موارد زیر در طبقه بندی صنایع دستی ایران وجود دارد؟ طراحی سنتی و نگارگری نساجی شیشه ایی شیشه گری
۴۹۹. نقاشی روی بومی از جنس کاغذ که روی آن را با لاک یا روغن می پوشانند آثار..... نام دارد. آثار لاک و روغنی
۵۰۰. فرآورده هایی که با شیوه سنتی و ابزارهای دستی از انواع فلزات و آلیاژها ساخته می شوند..... نام دارد؟ هنرهای مرتبط با فلز
۵۰۱. آنچه به وسیله دست یا به کمک وسایل ساده بافته می شود..... نام دارد. دستباف
۵۰۲. دست بافت ها به چند دسته تقسیم می شوند؟ سه دسته
۵۰۳. دستبافت های سنتی شامل دست باف..... می شوند. دستگاهی و داری
۵۰۴. کدامیک از نوع دست باف دستگاهی می باشد ؟ پارچه
۵۰۵. دستبافت هایی که با کمک دارهای افقی و عمودی بافته می شوند چه نام دارند؟ بافته های داری
۵۰۶. تاریخ نخستین رسیدن نخ مربوط به..... سال قبل از میلاد است. ۶۰۰۰ سال
۵۰۷. از دستگاه های بافندگی ساده باف یا ورد دار برای بافت پارچه ها با چه نقوشی استفاده می شود؟ نقوش هندسی و نقوش راه راه
۵۰۸. دستگاه های بافندگی دستوری و ژاکارد برای بافت پارچه هایی با نقوش..... استفاده می شود. غیر هندسی
۵۰۹. یکی از پارچه های مناسب برای لباس های ساده ی تابستانی کدام است ؟ کتان
۵۱۰. مشهورترین بافنده پارچه های زری چه کسی بوده و در چه دوره ایی می زیسته است ؟ غیاث الدین نقشبند، صفویه
۵۱۱. عمده ترین ماده اولیه زری بافی کدام گزینه است ؟ ابریشم طبیعی
- ۵۱۲..... سنتی ترین روش بافندگی را دارد. جاجیم
۵۱۳. مصالح عمده قالی بافی چیست ؟ پنبه و پشم و ابریشم
۵۱۴. واژه گبه به چه معناست ؟ زمخت و درشت
۵۱۵. گرہ های رایج درقالیبافی ایران کدامند؟ فارسی و ترکی
۵۱۶. این نوع گلیم ها را که به شیوه پودپیچی بافته می شود..... نام نهاده اند. یک رو یا سوماک
۵۱۷. تاریخ آثار سفالی به دست آمده اند از((گنج دره تپه)) و((غار کمربند))به حدود..... سال قبل از میلاد میرسد؟
- هشت هزار سال

۵۱۸. لعاب کاری را چه کسانی وازکجا به ایران آورده اند؟ کاسی ها از بابل
۵۱۹. رنگ مینایی در زمان..... به اوج تکامل خود رسید. صفویه
۵۲۰. یکی از مهمترین مراکز ساخت سفالینه در دوره ی اسلامی کدام شهر است ؟ کاشان
۵۲۱. اولین ماده مصرفی در ساخت ظروف سفالی کدام است ؟ خاک رس
۵۲۲. ماده ایی جامد،سلولزی ،دارای بافت اسفنجی وساختمانی سازمان یافته است. چوب
۵۲۳. شلوار گشادوسپاه رنگ ازلباس های سنتی کدام ایل می باشد ؟ بختیاری
۵۲۴. برای تهیه دامن های سنتی لباس زنان بختیاری چند متر پارچه استفاده می شود ؟ ده متر
۵۲۵. عبارت کتوک به چه معنا یی می باشد ؟ نوعی کفش که تخت آن چوب و باروکار کاموا در پا محکم می شود.
۵۲۶. سرآستین لباس بانوان بلوچستان چه نام دارد؟ آستینک
۵۲۷. پوشاک خراسانی با پوشاک کدام کشورشبهات دارد؟ افغانستان
۵۲۸. قد این پیراهن تا زانو است ودریقه پشت وجلو آن چاک می خورند؟ پیراهن دوگریبانه
۵۲۹. کدام سلسله آیین شیعه را دین رسمی جای دادند وآن را عامل همبستگی ملی ایرانیان برگزیدند؟ صفویه
۵۳۰. افرادی که دریک دوره..... ساعته یا بیشتر به یک کشورخارجی سفر می کنند توریست خوانده میشوند؟ ۲۴
۵۳۱. نخستین آژانس مسافرتی جهان در.....قرن..... ایجاد شد. نیمه اول، قرن ۱۹
۵۳۲. عبارت ارخالق که درپوشش مردان قشقایی استفاده می شد به چه معنا است ؟ عبایی بلند
۵۳۳. کدام یک از موارد زیرجزء لباس های محلی زنان قشقایی می باشد ؟ قیناق، تنبان، شلیته
۵۳۴. فربخی یا فره جی ازپوشاک مردان کدام یک ازنواحی زیرمی باشد ؟ اورامانات
۵۳۵. براساس کاوش های بدست آمده زنان گیلان ازچه تاریخی ازروسی استفاده می کردند؟ سه هزار سال
۵۳۶. موسیقی منطقه تربت جام شامل کدام یک از مشخصه های زیر می باشد؟ با تار و سورنا اجرا می شوند ، متر آزاد دارند ، گروهی متر مشخص دارند.
۵۳۷. کدام یک از آواز های زیر حزن انگیز ترین آواز ایرانی می باشد؟ آواز دشتی
۵۳۸. موسیقی کوتل یا چه مردی در کدام استان اجرا می شود؟ کرمانشاه
۵۳۹. موسیقی کردستان به دلیل مسایل جنگی و تاریخی در آن حالتی از و دیده می شود؟ رزمی و کوبنده
۵۴۰. موسیقی رارا در استان لرستان در چه مراسمی نواخته می شود؟ در سوگ افراد خوانده می شود.
۵۴۱. کدام مورد جز موسیقی محلی و بومی استان لرستان نمی باشد؟ هوره
۵۴۲. ساز لیوا که نوعی ساز بادی است از موسیقی سنتی کدام استان است؟ هرمزگان
۵۴۳. کدام مورد جزء نوازندگان ایل قشقایی قرار نمی گیرند؟ کولی ها
۵۴۴. ترانه های عامیانه گیلان از نظر موضوع شامل کدام موارد می باشند؟ قهرمانی و حماسی ، حرفه ای و کشت و کار ، مراسم جشن و تولد و عروسی
۵۴۵. موسیقی سنتی خوزستان بیشتر توسط چه گروه هایی اجرا می شود؟ کولی ها
۵۴۶. نام دیگر آواز دشتی کدام یک از موارد زیر است؟ چوپانی

۵۴۷. کدام یک از موارد زیر باعث انحلال تدریجی موسیقی در ایل قشقایی می باشد؟ مهاجرت و پراکندگی در اثر بیلاق و قشلاق و موقعیت بد موسیقی دانان حرفه ای و جایگاه آنان در ایل
۵۴۸. موسیقی قیچاق مخصوص کدام ناحیه است؟ گلستان(ترکمن، به کمانچه میگویند)
۵۴۹. جشن بهار کردی در چه فصلی برگزار می شود؟ میانه زمستان
۵۵۰. جشن آذر گان در چه تاریخی و در چه ماهی برگزار می شود؟ نهم آذر
۵۵۱. جشن کاشت در کدام یک از استان های ایران برگزار می گردد؟ مهاباد
۵۵۲. در جشن نوروز تعطیلات آن کدام نوع گردشگری بیشتر رواج دارد؟ انبوه
۵۵۳. در گردشگری درون مرزی مسافری با کدام یک از وسایل نقلیه بیشتر سفر می کنند؟ ماشین شخصی
۵۵۴. در مسافرت ها در ایام تعطیل و جشن ها کدام عامل مهم ترین اثر را در سفر ها دارد؟ فصل تعطیلات
۵۵۵. کدام یک از جشن های زیر از جشنهای باستانی ایران است؟ چهارشنبه سوری، گلدان، تیرگان
۵۵۶. کدام یک از موارد زیر جزء اعیاد مسلمانان است؟ فطر
۵۵۷. جشن های همنام شدن روز و ماه در ایران باستان چه نام داشتند؟ فروردین
۵۵۸. در هفت سین ایرانیان چه چیزی نماد روشنایی است ، و حتما باید در سفره هفت سین قرار گیرد؟ آینه
۵۵۹. چه چیزی در هفت سین به نیت برکت و درآمد زیاد انتخاب می شود؟ سکه
۵۶۰. کدام مورد در فرهنگ ایرانی از تقدس و پاکی بسیار بالایی برخوردار است؟ عدد هفت
۵۶۱. کدام عدد در ایران باستان است که تاکنون هیچ دانشمندی آن را نحس ندانسته بلکه قریب به اتفاق آن روز را مسعود و فرخنده دانسته اند؟ سیزده بدر
۵۶۲. دوازده روز جشن گرفتن و شادی کردن نوروز به یاد چیست؟ دوازده ماه سال
۵۶۳. سروش به معنی است. بزرگ
۵۶۴. ایزدی که زمزمه کردن(نیایش) را به مردم آموخت چه نام دارد؟ سروش
۵۶۵. جشن چهلم نوروز چه روزی است؟ دهم اردیبهشت
۵۶۶. ارغسوان که مصادف با یکم خرداد ماه است به چه معنی است؟ نزدیک شدن گرما
۵۶۷. شصت بهار که با فرارسیدن گرما و همراه داشتن کنجد ، پنبه و است چه روزی است؟ اول خرداد
۵۶۸. عید به مناسبت نزول ده فرمان بر بنی اسرائیل جشن گرفته می شد و مردم از شب تا بامداد در کنیسه ها به خواندن تورات می پردازند؟ شاووت
۵۶۹. عید حلول روح القدس پنجاه روز پس از عید رستاخیز عیسی مسیح است و همیشه در روز واقع میشود؟ یکشنبه
۵۷۰. واژه پنطیکاست به چه معنی است؟ پنجاهه
۵۷۱. در این جشن، اهالی روستا میوه های نوبرانه را همراه با سبزی، کاهو، آرد و روغن در سینی بزرگی چیده و به خانه نوعروسان می برند؟ جشن گل یا گوجه عروس
۵۷۲. جشن آغاز تابستان، انقلاب تابستانی، رسیدن خورشید به بالاترین جایگاه است؟ یک تیر
۵۷۳. جشن هایی که با آب در پیوند هستند، با نام عمومی منسوب شده اند. آبریزگان

۵۷۴. برخی از بازیهای محلی برپایه چه اساسی در اکثر نقاط ایران مشترک بودند؟ اجتماعی، فرهنگی و مذهبی
۵۷۵. بازی هفت سنگ از بازیهای کدام کشور می باشد؟ ایرانی
۵۷۶. چه تعداد بازی سنتی در ایران شناسایی شده است ؟ ۱۵۰
۵۷۷. در فرهنگ ولغت فارسی کلمه بازی برابر با کدام یک از موارد زیر می باشد؟ لعب، مشغولیت، سرگرمی
۵۷۸. بازیهای سنتی در دو قالب..... و..... طبقه بندی می شود. فضای باز و فضای بسته
۵۷۹. تعداد بازیکنان بازی کبدی چند نفر است ؟ ۶ تا ۱۲
۵۸۰. نام دیگر بازی ذو کدام مورد زیر می باشد؟ بدبده
۵۸۱. کدام یک از بازیهای زیر جزء بازیهای سنتی ایران می باشد ؟ چشم گیرک، ذو، کبدی
۵۸۲. تعداد شرکت کنندگان در بازی دستمال پستی چند نفر می باشد ؟ ۴ تا ۱۵
۵۸۳. پدیده ای که از دیرزمان در جوامع انسانی وجود داشته و به تدریج در مراحل مختلف تاریخی به موضع فنی و اقتصادی و اجتماعی کنون رسیده است؟ توریسم
۵۸۴. قدیمی ترین اشکال جهانگردی در اروپا رایج بوده؟ مسافرتها ی اشراف
۵۸۵. کدام جزء گردشگر خاص محسوب نمی شود؟ سفر به دور دنیا
۵۸۶. کدام مورد جزء صادرات نامرئی است ؟ گردشگری
۵۸۷. توریسم: پدیده ای است که از دیرباز در جوامع انسانی وجود داشته است ، جزء صادرات نامرئی است و عامل اساسی سفرو جابجایی
۵۸۸. دیدار دوستان، آشنایان و خویشاوندان جزء گردشگری: اجتماعی
۵۸۹. یکی از رایج ترین اشکال جهانگردی در سراسر جهان: مذهبی و زیارتی
۵۹۰. این نوع گردشگری کاملاً به صنعت گردشگری و سازمانها و موسسات و خدمات گردشگری وابسته است ؟ انبوه
۵۹۱. ویژگی بارز گردشگری..... در برابر گردشگری..... این است که برنامه های سفر در گردشگری..... کاملاً رایج و دارای مقبولیت است. انبوه، جایگزین، انبوه
۵۹۲. نوعی از گردشگری که در واکنش به توسعه عناد گسیخته ی انبوه مطرح می شود؟ جایگزین
۵۹۳. کدام یک از آثار فرهنگی ایرانیان به عنوان اثر ناملموس و معنوی در سازمان یونسکو ثبت شده است؟ قالی بافی و نوروز
۵۹۴. چه کشوری برای اولین بار به فناوری ساخت لنج در دنیا دست یافت؟ ایران
۵۹۵. بزرگ ترین بازار سرپوشیده ایران در چه شهری قرار دارد؟ تبریز
۵۹۶. کاخ عالی قاپو در کدام یک از بناهای تاریخی اصفهان قرار دارد؟ میدان نقش جهان
۵۹۷. نقالی ایرانی با چه نامی در سازمان یونسکو ثبت شده است؟ قصه گویی
۵۹۸. مهم ترین اثر ناملموس و معنوی در کاشان که در فهرست سازمان یونسکو ثبت شده چیست؟ مراسم قالیبافی مشهد
- ارداهال
۵۹۹. کاخ سه دری نام دیگر کدام یک از کاخ های تخت جمشید است؟ شورا
۶۰۰. عید نوروز در چه سالی به عنوان مهم ترین جشن باستانی ایرانیان به ثبت جهانی رسید؟ ۱۳۸۸
۶۰۱. آرامگاه کوروش هخامنشی در کدام یک از کاخ های استان فارس است؟ پاسارگاد

۶۰۲. لوچو و آشیرما مربوط به کدام یک از میراث های معنوی ایرانیان است؟ آیین های پهلوانی
۶۰۳. سنگ نوشته بیستون در کدام گروه از آثار یونسکو ثبت شده است و یادگار کدام یک از شاهان ایران است؟ تاریخی، داریوش هخامنشی
۶۰۴. کلیساهای مسیحیان در کدام یک از مناطق ایران در فهرست سازمان یونسکو به ثبت رسیده است؟ آذربایجان
۶۰۵. بزرگ ترین سازه خشتی دنیا چه نام دارد مربوط به چه دوره ای بوده است؟ ارگ بم، اشکانی
۶۰۶. خانه زمستانی لقب کدام یک از کاخ های تخت جمشید است؟ تچر
۶۰۷. چه عاملی به شناخت باورها ، ارزش ها و شیوه های زندگی یک ملت کمک می کند؟ فرهنگ
۶۰۸. بزرگترین مشکل کشور های در حال توسعه در نگهداری از آثار فرهنگی چیست؟ عدم آگاهی و تخصص
۶۰۹. اولین پایتخت هخامنشیان که توسط خود آنان ایجاد شد کجا بود؟ پاسارگاد
۶۱۰. واژه فرهنگ ریشه در کدام یک از زبان های دنیا دارد؟ اوستایی
۶۱۱. در شاخه های گردشگری فرهنگی منظور از گاسترونومی چیست؟ گردشگری غذایی
۶۱۲. آداب و رسوم در کدام گروه از میراث های فرهنگی بشر قرار می گیرد؟ ناملموس
۶۱۳. اولین کاشی های لعاب دار دنیا در کدام یک از آثار فرهنگی ایرانی دیده می شود؟ چغازنبیل
۶۱۴. روستای میمند در کدام یک از استان های ایران قرار دارد؟ کرمان
۶۱۵. سیاست گذاری و هدایت صنعت توریسم در ایران به عهده کدام سازمان است؟ شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری
۶۱۶. در زبان آریایی دین به چه معنا می باشد؟ وجدان
۶۱۷. مرحله مسخ در تناسخ چه ماهیتی دارد؟ حلول روح متوفی در حیوان
۶۱۸. احترام به سنگ میان اقوام ابتدایی چه مرحله ای از باورهای دینی گذشتگان است؟ فتیش
۶۱۹. کتاب باستانی مکتب هندوئیسم چه نام دارد؟ ودا
۶۲۰. از ادیان فکری و فلسفی جهان است؟ کنفوسیوس
۶۲۱. حیات، رنج است و کمال، رسیدن به نیروانا و فنا شدن در ذات خدا است. این اعتقاد مربوط به کدام یک از ادیان دنیا است؟ بودا
۶۲۲. در طبقات اجتماعی هند، شودرها چه طبقه ای از مردم هستند؟ کارگران
۶۲۳. هوم، نوشیدنی مخصوص پیروان کدام یک از ادیان است؟ زرتشتیان
۶۲۴. دین زرتشتی در زمان کدام یک از حکومت های ایرانی رسمی شد؟ ساسانیان
۶۲۵. مهرابه پرستشگاه پیروان کدام یک از مکاتب دینی جهان است؟ میترائیسم
۶۲۶. آیین میترائیسم ایرانی در زمان کدام سلسله از ایران به اروپا رفت؟ سلوکی
۶۲۷. کدام بخش از کتاب اوستا نوشته زرتشت است؟ یسنا
۶۲۸. کدام یک از انجیل های مسیحیان مورد پذیرش مسلمانان است؟ برنابا
۶۲۹. از فرقه های اسلامی در مذهب تشیع نمی باشد؟ حنبلی
۶۳۰. در کدام یک از ادیان روزه واجب وجود ندارد؟ زرتشتی

- ۶۳۱ پیروان کدام آیین هنگام عبادت دستبند آهنی می بپندند؟ سیک
- ۶۳۲ جایگاه امشاسپندان در دین زرتشت چیست؟ فرشتگان
- ۶۳۳ مهم ترین کتاب مانی چه بود؟ ارژنگ
- ۶۳۴ اندیشه و افکار بابک خرم دین و پیروان ابومسلم از چه آیینی متأثر شده است؟ مزدک
- ۶۳۵ کدام یک از پادشاهان ایران، مانی را در ترویج دین خود همراهی کرد؟ شاپور
- ۶۳۶ تصویر عروج حضرت مسیح در کدام یک از کلیساهای ایران قرار دارد؟ وانک
- ۶۳۷ پلان های متراکم و فشرده مربوط به معماری کدام یک از اقلیم های ایران است؟ سرد و کوهستانی
- ۶۳۸ در نواحی شمالی ایران برای ساخت حصیر از چه مواد اولیه ای استفاده می شود؟ نی های تالاب
- ۶۳۹ باتوجه به معماری اقلیمی، سقف مساکن شهر یزد چگونه است؟ گنبدی
- ۶۴۰ گرم ترین منطقه آب و هوایی در ایران کجاست؟ شهداد
- ۶۴۱ کدام یک از مناطق ایران در اقلیم سرد و کوهستانی قرار دارد؟ سنندج
- ۶۴۲ زمستان های سرد و تابستان های گرم مربوط به کدام یک از مناطق ایران است؟ گرم و خشک
- ۶۴۳ بهترین نوع مصالح در اقلیم های گرم و مرطوب چیست؟ چوب
- ۶۴۴ بادگیر در معماری کدام یک از بناهای ایران کاربرد دارد؟ اقلیم گرم و خشک
- ۶۴۵ زبان لری از زیر شاخه های کدام یک از زبان های ایران است؟ پهلوی اشکانی (پارسی میانه)
- ۶۴۶ کرمانشاه از کانون های اصلی این زبان محسوب می شود؟ کردی
- ۶۴۷ ریشه واژه جشن از کدام زبان گرفته شده است؟ اوستایی
- ۶۴۸ ریشه زبانی ایران باستان را در چه مناطقی می توان یافت؟ در محدوده کشور ایران
- ۶۴۹ گوناگونی و تفاوت زبان ها و گویش ها بین ملت ها نشانه چیست؟ گوناگونی فرهنگ
- ۶۵۰ زبان ایرانی با کدام یک از شعبه های زبانی دنیا ارتباط پیدا می کند؟ هندو ایرانی و هندو اروپایی
- ۶۵۱ در حال حاضر زبان رسمی ایران چیست؟ فارسی
- ۶۵۲ در دوره صفویه چه عاملی باعث گسترش زبان کردی در مناطق شمالی خراسان شد؟ مهاجرت اجباری
- ۶۵۳ جنگ ایران و عراق باعث گسترش کدام زبان در جنوب ایران شد؟ عربی
- ۶۵۴ رایج ترین شاخه از زبان های ایران در منطقه جلفای اصفهان چیست؟ ارمنی
- ۶۵۵ کدام یک از پادشاهان ایران در گسترش زبان ارمنی در اصفهان نقش داشت؟ شاه عباس صفوی
- ۶۵۶ کدام یک از مناطق ایران کانون اصلی زبان ترکی است؟ شمال غربی ایران
- ۶۵۷ در حال حاضر قدیمی ترین زبان قومی رایج در ایران کدام است؟ بلوچی
- ۶۵۸ مهم ترین منبع ادبی برای بررسی زبان های ایران باستان چیست؟ شاهنامه
- ۶۵۹ مهم ترین منبع دینی برای بررسی زبان های ایران باستان چیست؟ اوستا
- ۶۶۰ کامل ترین منبع زبانی پارسی در کتیبه های ایرانی کدام است؟ کتیبه بیستون
- ۶۶۱ مهم ترین عامل فراموشی زبان اوستایی در ایران چیست؟ حمله اعراب و سقوط سلسله ساسانی

- ۶۶۲ فولکلور چیست؟ فرهنگ و ادبیات محلی
- ۶۶۳ در حال حاضر زبان فارسی، زبان مشترک چه کشور هایی است؟ ایران، افغانستان، تاجیکستان
- ۶۶۴ واژه اسطوره ریشه در کدام یک از زبان های دنیا دارد؟ یونانی
- ۶۶۵ کدام شاعر ایرانی مهم ترین هدف خود را مقابله با زبان عربی و احیای زبان فارسی قرار داد؟ فردوسی
- ۶۶۶ خط و زبان رسمی و محرمانه در دربار هخامنشیان چه بود؟ آرامی
- ۶۶۷ معروف ترین نوازندگان موسیقی در ایران باستان چه کسانی هستند؟ باربد، نکبسا
- ۶۶۸ نشان چغامیش مربوط به موسیقی کدامیک از دوره های ایران است؟ عصر اساطیری
- ۶۶۹ کدام یک از آثار تاریخی ایران نمایان گر فرهنگ موسیقی ایرانی است؟ کتیبه طاق بستان
- ۶۷۰ برای نواختن سازهای زهی از آن استفاده می شود؟ آرشه
- ۶۷۱ کدام یک از مجموعه آثار ایرانی با دستگاه همایون تهیه و تنظیم شده است؟ آلبوم بیداد - محمدرضا شجریان
- ۶۷۲ غم انگیزترین آوازهای ایرانی با کدام دستگاه نواخته می شود؟ شور (برای مثال، آواز دشتی در این دستگاه است)
- ۶۷۳ متداول ترین آواز ایرانی مربوط به کدام دستگاه است؟ شور
- ۶۷۴ کدام یک از ابزارهای موسیقی سنتی ایرانی با ترکان، ارمنه، و یونانیان مشترک است؟ تنبور
- ۶۷۵ نقش قدیمی ترین سنتور دنیا در کجا یافت شده است؟ ایران و یونان
- ۶۷۶ قدیمی ترین ساز تاردار ایرانی است؟ چنگ
- ۶۷۷ معروف ترین ساز مردم خراسان و فارس چیست؟ نی هفت بند
- ۶۷۸ قدیمی ترین ساز بادی کدام است؟ نی
- ۶۷۹ ساده ترین ساز بادی برنجی است؟ شیپور
- ۶۸۰ سیم مشتاق مربوط به کدام یک از ادوات موسیقی ایرانی است؟ سه تار
- ۶۸۱ بیشترین مخاطرات موسیقی در کدام دوره از تاریخ ایران اتفاق افتاد؟ تهاجم مغول
- ۶۸۲ در کدام یک از دوره تاریخی ایران موسیقی درباری شد و از اجتماع دور افتاد؟ صفویه
- ۶۸۳ در علم موسیقی به پیچیدگی ها و ساختارهای موسیقی چه می گویند؟ دستگاه
- ۶۸۴ مهم ترین کاربرد موسیقی در دوره هخامنشی چه بود؟ استفاده در محاکم دادگاهی
- ۶۸۵ کدام یک از ادوات موسیقی ایرانی از چهار قسمت شکم، سینه، دسته و سر تشکیل شده است؟ رباب
- ۶۸۶ جشن یلدای ایرانی هم زمان با تولد کدام یک از خدایان ایران باستان است؟ میترا
- ۶۸۷ در منابع افسانه ای جمشید پیشدادی پایه گذار کدامیک از جشن های ایرانیان است؟ نوروز
- ۶۸۸ جشن انگور در کدام یک از مناطق ایران برگزار می شود؟ ارومیه
- ۶۸۹ مهم ترین جشن محلی در دامغان چیست؟ جشن گل غلتان
- ۶۹۰ در فرهنگ کشورهای دنیا فستیوال معادل کدام واژه است؟ جشنواره
- ۶۹۱ در حال حاضر جشن های مذهبی زرتشتیان در کدام یک از مناطق ایران برگزار می شود؟ چک چک یزد
- ۶۹۲ از بزرگ ترین جشن های بین المللی ایرانیان است؟ نوروز

- ۶۹۳ جشن محلی گردو چینی در کدام یک از شهر های ایران برگزار می شود؟ همدان
- ۶۹۴ مهم ترین جشن محلی ترکمن ها چیست؟ آق قوین
- ۶۹۵ مراسم امیری خوانی مربوط به کدام یک از استان های ایران است؟ مازندران
- ۶۹۶ برگزاری جشن سده در ایران با کدام یک از رویدادهای افسانه ای ارتباط دارد؟ کشف آتش توسط هوشنگ پیشدادی
- ۶۹۷ اصیل ترین منبع افسانه ای در بررسی جشن های ایران باستان چیست؟ شاهنامه فردوسی
- ۶۹۸ سازمان ایسسکو چه ماهیتی دارد؟ سازمان بین المللی فرهنگی - علمی - و آموزشی اسلامی
- ۶۹۹ کدام یک از شهرهای ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شد؟ مشهد
- ۷۰۰ اعطای امتیاز وعنوان پایتخت فرهنگی برای شهر های اسلامی جهان بر عهده کدام سازمان است؟ آیسسکو
- ۷۰۱ کدام یک از کتاب های ایرانی در فهرست مکتوب سازمان یونسکو ثبت شده است؟ شاهنامه فردوسی
- ۷۰۲ جشن چله چختی در میان کدام یک از اقوام ایرانی برگزار می شود؟ ترکمن
- ۷۰۳ مهم ترین جشن مذهبی شیعیان ایران چیست؟ جشن غدیر
- ۷۰۴ مهم ترین هدف ایرانیان باستان از برگزاری جشن چه بوده است؟ خدمت رسانی و بخشش به تپی دستان
- ۷۰۵ جشن نوروز ایرانی در کدام یک از کشورهای زیر نیز برگزار می شود؟ افغانستان
- ۷۰۶ کدام بخش از کتاب اوستا در بر گیرنده اعیاد و جشن های زرتشتیان است؟ ویسپرد
- ۷۰۷ دال پلان از بازی های محلی کدام یک از استان های ایران است؟ لرستان
- ۷۰۸ کدام یک از بازی های محلی ایرانی امروزه به صورت رسمی اجرا می شود؟ کبدی
- ۷۰۹ نام دیگر بازی آب پشتک چیست؟ آفتاب مهتاب
- ۷۱۰ مهم ترین ابزار در بازی دال پلان چیست؟ سنگ
- ۷۱۱ کدام یک از بازی های محلی ایران با بازی بولینگ شباهت دارد؟ دال پلان
- ۷۱۲ از بازی های نمایشی سنتی در غرب مازندران است؟ بند بازی
- ۷۱۳ مهم ترین بازی محلی در لرستان چیست؟ دال پلان
- ۷۱۴ بازی دوز در زبان عامیانه به چه نامی معروف است؟ راسته قطار
- ۷۱۵ کدام یک از بازی های محلی در کردستان نیاز به ابزار ندارد؟ سُولَنجان و قولنجان (آفتاب و مهتاب)
- ۷۱۶ طرح چیستان مربوط به کدام یک از بازی های ایرانی است؟ قلندر آی قلندر
- ۷۱۷ وجه - مشترک بازی های محلی ایرانی چیست؟ شروع بازی با قرعه کشی
- ۷۱۸ اصلی ترین مرکز تولید ورنی در ایران کجاست؟ ارسباران - ایلات و عشایر دشت مغان
- ۷۱۹ طرح های گبه از کجا نشأت گرفته است؟ ذهنیت بافنده
- ۷۲۰ معروف ترین ترمه ایران در چه شهری تولید می شود؟ یزد
- ۷۲۱ این هنر به صورت کنده کاری روی چوب اجرا می شود؟ منبت
- ۷۲۲ هنر طلاکاری و زر اندود کردن را چه می گویند؟ تذهیب
- ۷۲۳ مهم ترین صنعت دستی در طرقله چیست؟ پوستین دوزی

۷۲۴. مشهورترین کاشی ایرانی است؟ زرفام
۷۲۵. آغاز هنر فیروزه کوبی در زمان کدام یک از سلسله های ایرانی بود؟ پهلوی
۷۲۶. مهم ترین صنعت دستی در استان زنجان چیست؟ چاقو سازی
۷۲۷. کدام یک از کاشی های ایرانی در مساجد و بناهای مذهبی کاربرد دارد؟ هفت رنگ
۷۲۸. سیلیس از مواد اولیه کدام یک از صنایع دستی محسوب می شود؟ شیشه
۷۲۹. درون مایه های رزمی و مذهبی مربوط به کدام یک از صنایع دستی ایران است؟ نقاشی قهوه خانه ای
۷۳۰. شروع معرق کاری کاشی مربوط به کدام یک از دوره های تاریخ ایران است؟ سلجوقیان
۷۳۱. کدام یک از بافت های ایرانی پرز ندارد و می توان از هر دو روی آن استفاده کرد؟ جاجیم
۷۳۲. برای تهیه کدام یک از زیراندازهای دستی عمل بافتن انجام نمی شود؟ نمد
۷۳۳. لندره دوزی نام دیگر کدام یک از صنایع دستی است؟ چهل تکه دوزی
۷۳۴. قدیمی ترین قالی پرزدار جهان چه نام دارد و مربوط به کدام کشور است؟ پازیریک، ایران
۷۳۵. کاربرد هنر دستی چاروق چیست؟ پاپوش
۷۳۶. شاخه ای از هنر فلز کاری که با مفتول های نازک نقره تهیه می شود؟ مليله کاری
۷۳۷. تنها فلزی که هنگام ذوب شدن اکسید نمی شود و در صنعت مینا کاری کاربرد دارد چیست؟ طلا
۷۳۸. میرک نقاش از پیشگامان کدام یک از صنایع دستی ایران است؟ تشعیر سازی
۷۳۹. کدام یک از کاشی های ایرانی شناسنامه تاریخی دارد؟ زرین فام
۷۴۰. نقره کوبی روی فلزات در کدام یک از دوره های تاریخی به اوج شکوه رسید؟ صفویه
۷۴۱. برای تزئین ترمه از کدام هنر دستی می توان کمک گرفت؟ سرمه دوزی
۷۴۲. نام دیگر هنر جواهر نگاری چیست؟ مرصع کاری
۷۴۳. در این هنر از عاج، صدف و استخوان استفاده می شود؟ معرق
۷۴۴. از مهم ترین هنرهای دستی استان کرمان است؟ پته دوزی
۷۴۵. پاپیه ماشه چیست؟ نقاشی لاکي یا روغنی
۷۴۶. در جنوب ایران از الیاف نخل خرما در کدام یک از صنایع دستی استفاده می شود؟ حصیر بافی
۷۴۷. پته به چه معنا می باشد؟ پشم و کرک
۷۴۸. کدام یک از بافت های ایرانی با دستگاه بافندگی چهاروردی تولید می شود؟ شعربافی
۷۴۹. از گلیم های فرش نمای بدون پرز است؟ ورنی
۷۵۰. رنگ چمنی رنگ ویژه کدام یک از کاشی های ایران است؟ فاز تگاری
۷۵۱. معروف ترین غذا در شهر مشهد چیست؟ شله
۷۵۲. کدام یک از شهرهای ایران خاستگاه غذاهای خورشتی است؟ رشت
۷۵۳. قیمة نثار از غذاهای مخصوص کدام منطقه ایران است؟ قزوین
۷۵۴. خاستگاه فالوده ایرانی کدام شهر است؟ شیراز

۷۵۵. از شیرینی های مخصوص کرمان است؟ کماج
۷۵۶. چرتمه پلو از غذاهای کدام منطقه است؟ سمنان
۷۵۷. شهر ترشی ها و مرباهای عجیب و غریب در ایران کجاست؟ همدان
۷۵۸. آش شولی مربوط به کدام شهر است؟ یزد
۷۵۹. آش دوغ از غذاهای ویژه این منطقه است؟ اردبیل
۷۶۰. معروف ترین سوغات خوراکی در سبلان اردبیل چیست؟ عسل
۷۶۱. معروف ترین کباب های ایرانی در کدام استان ایران طبخ می شود؟ کرمانشاه
۷۶۲. معروف ترین ترشی همدان چیست؟ ترشی گردو
۷۶۳. اصفهان با این غذا بین مردم معروف است؟ بریانی
۷۶۴. از غذا های سنتی و معروف تبریز است؟ کوفته
۷۶۵. خورش شش انداز در کدام یک از شهرهای ایران طبخ می شود؟ زنجان
۷۶۶. استفاده از غذاهای کم حجم و انرژی زا از برنامه های کدام تور است؟ طبیعت گردی و ماجراجویانه
۷۶۷. کهن ترین نوع گردشگری کدام است؟ زیارتی
۷۶۸. از وظایف مدیران فنی دفاتر مسافرتی نیست؟ همراهی مسافران در سفر
۷۶۹. برنامه سفر: itinerary
۷۷۰. معبد: shrine
۷۷۱. آرامگاه: cemetery
۷۷۲. لباس محلی ترکمن: دون
- ۷۷۳.

پاسخ *

تعداد سوالات ۴۰

۱- معابد در دوره ی کهن بین النهرین چه نام دارد؟			
الف)مقبره	ب)اپادنا	ج)زیگورات *	د)مصطبه
۲- کدام یک از دو روستای زیر از نظر شهرسازی دارای معماری صخره ای هستند؟			
الف)میمند کرمان- فهلپان فارس	ب)میمند کرمان- کندوان تبریز *		
ج)تکاب تبریز- کندوان تبریز	د)فهلپان فارس- تکاب تبریز		
۳-..... دربرگیرنده ی همه ی عناصری است که برای رفع نیازهای ما ضروری است .			
الف)آموزش	ب)نگرش اجتماعی	ج)گردشگری	د)فرهنگ *
۴-همه فرهنگ ها به هم وابسته اند و			
الف) مکمل هم هستند	ب)متمم هم هستند		
ج)باهم تعامل دارند	د)هویتی نامتغیر دارند *		
۱۵- تهمورث فرزند کدامیک از پادشاهان زیر است؟			
الف) کیومرث	ب) سیامک	ج) هوشنگ *	د) جمشید
۶-اکولوژی فرهنگی چیست ؟			
الف) دانش ارگانیسم زنده	ب)دانش محیط		
ج)دانش محیط فرهنگی	د)سازگاری ارگانیسم با محیط *		
۷-چه کسی برای اولین بار از اکولوژی فرهنگی حرف زد؟			
الف)هگل	ب)هانس	ج)هاگل *	د)لومن
۸-چشم انداز در زبان آلمانی کدام است ؟			
الف)پی ساگ	ب)لندشافت *	ج)پاسگیو	د)لنداسکیپ
۹-به عقیده یالویتگ به معنای چشم انداز است			
الف)محل سکونت	ب)تعامل انسان ومحیط		
ج)محل سکونت ومحیط	د)محل سکونت و تعامل با محیط *		
۱۰-چشم انداز و فرهنگ			
الف)مشابه اند	ب)متفاوتند		

ج) چشم انداز جنبه ای از فرهنگ است (د) فرهنگ جنبه ای از چشم انداز است *

۱۱-دوبعد میراث فرهنگی اند

الف) کلی . جزئی
ج) مادی . معنوی *
ب) معنوی . دینی
د) مادی . صوری

۱۲-گنجینه ی زنده ی بشری را تشکیل می دهد

الف) میراث فرهنگی
ج) میراث ناملموس *
ب) میراث ملموس
د) میراث مادی

۱۳-بناهای تاریخی از جمله میراث هستند .

الف) تاریخی
ج) ملموس تاریخی *
ب) معنوی
د) ناملموس

۱۴-در سال ۱۳۲۸ چه قانونی تصویب شد؟

الف) میراث فرهنگی
ج) قانون اداری وزارت و عارف *
ب) تشکیل وزارت علوم
د) تشکیل وزارت آموزش و پرورش

۱۵-در سال مرتضی قلی خان ، دستور ساخت اداره ی داد

الف) ۱۳۲۷/ علوم
ج) ۱۳۰۳/ آموزشی
ب) ۱۳۲۷/ عتیقات *
د) ۱۳۳۰/ علوم

۱۶-در چه سالی قانون عتیقات به تصویب مجلس رسید ؟

الف) ۱۳۰۶ (ب) ۱۳۰۸ (ج) ۱۳۰۲ (د) ۱۳۰۹ *

۱۷-در سال ۱۳۴۳ تاسیس شد .

الف) وزارت اوقاف
ج) اداره ی عتیقات
ب) وزارت فرهنگ و هنر *
د) اداره ی موزه ها

۱۸-هم اکنون کاخ های سلطنتی باقی مانده چه کاربردی دارند ؟

الف) سیاسی
ج) اجتماعی
ب) فرهنگی *
د) نظامی

۱۹-رشته های حفظ میراث ملموس کدامند ؟

الف) تاریخ شفاهی
ج) فرهنگ عامه *
ب) حفظ زبان
د) بایگانی

۲۰-رشته های حفظ میراث معنوی نیست ؟

الف) فولکور
ج) تاریخ شفاهی
ب) زبان
د) حفظ فیلم *

۲۱-مجموعه میراث فرهنگی به ثبت جهانی رسیده ؟

الف) ۹۰۰	ب) ۲۰۰	ج) ۸۵۰	د) ۸۳۰*
۲۲-چند اثر از ایران در یونسکو ثبت شده است ؟			
الف) ۲۱*	ب) ۲۵	ج) ۸۵	د) ۱۲
۲۳-یک اثر با دارا بودن این ویژگی می تواند ثبت جهانی شود			
الف)در معرض نابودی باشد	ب)مورد مشابه داشته باشد		
ج)به فرهنگ توجه نداشته باشد	د)منحصر به فرد باشد *		
۲۴-قلعه جوشی در کدام استان قرار دارد ؟			
الف)گیلان	ب)تهران	ج)قم	د)آذربایجان شرقی *
۲۵-استان ایلام دارای این اثر تاریخی است			
الف)قلعه خورموج	ب)پل گاومیشان *		
ج)قلعه بابک	د)قلعه بختک		
۲۶-وی با نگرش کلاسیک به بررسی فرهنگ پرداخته است			
الف)تیلور *	ب)اسمیت	ج)مک کلند	د)مورگان
۲۷-محل سکونت انسان و تعامل زیست محیطی او چه نام دارد ؟			
الف)چشم انداز *	ب)زیست بوم		
ج)زیست گاه	د)زیست		
۲۸-تصویب قانون میراث فرهنگی از چه دوره ای آغاز شد ؟			
الف)پهلوی	ب)قاجار	ج)زندیه	د)مشروطه*
۲۹-کتاب ها ، اموال و بناهای تاریخی در این دسته جای می گیرند؟			
الف)اموال ملموس *	ب)اموال محسوس		
ج)اموال ناملموس	د)اموال فرهنگی		
۳۰-بخش احساسی جامعه را تشکیل می دهد ؟			
الف)اموال فرهنگی	ب)اموال ناملموس		
ج)میراث ناملموس *	د)میراث مادی		
۳۱-عمارت کلاه فرنگی در آنجا قرار دارد ؟			
الف)گیلان	ب)بوشهر *	ج)تبریز	د)ایلام
۳۲-کدام یک از جمله آثار بین المللی ثبت شده در یونسکو نیست ؟			
الف)بم	ب)آسیاب قطب آباد *	ج)بازار تبریز	د)قنات ها

۳۳- کوهستان های به علت دارا بودن امکانات و شرایط مناسب از مراکز مهم توریستی محسوب

می شوند

الف) دماوند *	ب) البرز	ج) الوند	د) زاگرس
---------------	----------	----------	----------

۳۴- میراث جهانی به دو دسته تقسیم می شوند ، آنها کدام اند ؟

الف) فرهنگی - ورزشی	ب) فرهنگی - طبیعی *
ج) طبیعی - تاریخی	د) طبیعی - ملی

۳۵- معنی قاجار در زبان ترکی کدام است ؟

الف) بزرگ	ب) ترک زبان
ج) قدیمی	د) دهی در استان زنجان *

۳۶- ازبانیان سپاه قزلباش است ؟

الف) شاه طهماسب	ب) شاه اسماعیل دوم
ج) شاه اسماعیل اول *	د) آقا محمدخان

۳۷- امکان تاریخی ، موزه ها ، معماری بناهای تاریخی و مذهبی جز کدامیک از جاذبه ها نمی باشد ؟

الف) فرهنگی *	ب) تاریخ اجتماعی	ج) ملی	د) طبیعی
---------------	------------------	--------	----------

۳۸- موسیقی ، هنرهای نمایشی ، شعر ، ادبیات ، نقاشی ، حکاکی جز کدامیک از جاذبه ها هستند ؟

الف) تاریخی	ب) فرهنگی *	ج) اجتماعی	د) رویدادی
-------------	-------------	------------	------------

۳۹- استون هیچ ولاندن بریج در کجا واقع شده اند ؟

الف) انگلستان - انگلستان *	ب) فرانسه - انگلستان
ج) انگلستان - فرانسه	د) فرانسه - فرانسه

۴۰- در زمان کدام پادشاه جنگ بین ایران و توران آغاز شد؟

الف) منوچهر *	ب) کی قباد
ج) کی خسرو	د) اسفندیار

پاسخ *

تعداد سوالات ۴۰

۱-موسیقی، هنرهای نمایشی، شعر، ادبیات، نقاشی، حکاکی جز کدامیک از جاذبه ها هستند ؟			
الف)تاریخی	ب)فرهنگی *	ج)اجتماعی	د)رویدادی
۲-استون هیج ولاندن بریج در کجا واقع شده اند ؟			
الف)انگلستان-انگلستان *	ب)فرانسه -انگلستان		
ج)انگلستان -فرانسه	د)فرانسه -فرانسه		
۳- کوشش ها دستاوردها سرمایه ها و انداخته های مادی انسان که در طول قرن‌ها و هزاره ها تا امروز ادامه یافته و بزرگترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است.			
الف)فرهنگ تمدن	ب)باستان شناسی		
ج)تاریخ	د)تمدن *		
۴-علم باستان شناسی به چه جنبه هایی از تاریخ می پردازد؟			
الف)آثار به جای مانده مادی *	ب)گذشته جوامع انسانی از متون مدون		
ج)و استخراج فرهنگ ادوار گذشته	د)اقوام اولیه و نژادها		
۵-دوران پارینه سنگی قدیم-نوسنگی-دوران برنز با کدام تقسیم بندی جامعه شناسان تطابق دارد؟			
الف)عصرتوح و جمع اوری غذا- عصر بربریت و آغاز کشاورزی و دامداری- عصرتمدن وشهرنشینی *			
ب)عصرتوح وصنعت ابزارسازی-عصر بربریتوصنعت موسترین-عصر تمدن و یکجا نشینی			
ج)عصر توح وغار نشینی-انسان نئاندرتال-انسان راست قامت			
د)انسان ماهر-انسان نئاندرتال-انسان هوشمند هوشمند			
۶- فرهنگ واژه ای است.....که از دو بخش "فر" به معنی.....و "هنگ" تشکیل شده.			
الف)عربی- شکوه و جلال- بیرون آوردن			
ب)فارسی- شکوه و جلال- بیرون آوردن *			
ج)فارسی- کمال یافتن- شکوه و جلال			
د)عربی- بیرون آوردن- کمال یافتن			
۸-پدر مردم شناسی چه نام دارد؟			
الف)ابن خلدون	ب)ابن ندیم		
ج)ادوارد تیلر *	د)هرودت		

۹- به نظر دانشمندان: تنها آن دسته از سرمایه های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب می شود که به گونه ای نشأت گرفته از.....باشد

الف) ذوق هنری انسان *

ب) آیین و مذهب

ج) آیین مذهب

د) شیوه زندگی مردم

۱۰- رندگی مسالمت آمیز انسان، حیوانات و گیاهان را با چه عنوانی نامنده اند؟

الف) انقلاب صنعتی

ب) عصر تمدن

ج) عصر بربریت

د) انقلاب نوسنگی *

۱۱- تمدن و فرهنگ به ترتیب در بر گیرنده کدامیک هستند؟

الف) مظهر نمود صنعت و تکنولوژی- اداب و رسوم و فولکلور و سنت ها

ب) اداب و رسوم و فولکلورها- صنعت و تکنولوژی

ج) اداب و رسوم و فولکلورها و به طور کلی جنبه های معنوی- صنعت و تکنولوژی و ابزار و جنبه های مادی

د) صنعت و تکنولوژی و جنبه های مادی- اداب و رسوم و فولکلورها و سنت ها و جنبه های معنوی *

۱۲- با توجه به طبقه بندی سازمان جهانی گردشگری سال ۱۹۹۱ کدامیک از افراد زیر گردشگر محسوب میشوند؟

الف) مهاجرت موقت

ب) پناهندگان

ج) تاجر و بازرگانان *

د) دیپلمات ها

۱۳- اولین تکنولوژی قرن ۱۹ که برگسترش صنعت گردشگری تاثیرات جدی گذاشت، کدامند؟

الف) حمل و نقل هوایی

ب) حمل و نقل ریلی و کشتی بخار *

ج) اتومبیل و هواپیما

د) هاور کرافت

۱۴- عصر برنز با چه دورانی مطابقت داد؟

الف) دوان شهر نشینی *

ب) عصر مس

ج) عصر نو سنگی

د) عصر بربریت

۱۵- صنعت ابزار سازی الدوان و صنعت آشولین مربوط به کدام زمان بوده است؟

الف) دیرینه سنگی میانی

ب) پیرینه سنگی جدید

ج) پارینه سنگی قدیم *

د) میان سنگی

۲۱- صنعت ابزار سازی موسترین، مربوط به کدام دوره است؟

الف) پارینه سنگی میانی *

ب) پارینه سنگی قدیم- پارینه سنگی میانی

ج) پارینه سنگی جدید

د) پارینه سنگی میانی- پارینه سنگی جدید

۲۲- سلسله ی کیانیان با کدام پادشاه آغاز وبا کدامیک به پایان رسید؟

ب) کیخسرو - هما

الف) کیکاووس - دارا

د) کیکاووس - هما

ج) کی قباد - دارا *

۲۳- The original structure of the mosque belong to which period in Iran?

۱- Sassanid period

۲- QaraQoyunlu period *

۳- Seljuq period

۴- Qajar period

۲۴- What is the oldest Persian musical work?

۱- Sassanid choral music

۲- Zoroastrian Hymnology

۳- Old Persian symphonies

۴- Barbod's musical compositions.

۲۵- classical Persian literature has developed under two powerful patronages and.....

۱- royal and art

۲- royal and religious *

۳- art and painting

۴- religious and painting

۲۶- –Abu Sa'eed ,Baba Tahir, Gorgani and Sana'i all of them were in the period and they can boast of them.

۱- Seljuq period *

۲- Timurid period

۳- Sassanid period

۴- Il-Khan period

۲۷-Why were brick water tanks built along the main highways during the Safavie period?

۱- To attract foreign tourist

۲- For their practical benefits.

۳- To show the significance of Safavid architecture *

۴-Because of Shah Abbas's interest in travelling.

۲۸ –which of the following is NOT among the great achievements in the Seljuq period

۱- The construction of Isfahans's Jomeh's mosque.

۲- The establishment of a fine style throughout Iran

- ۳- the development of tile work. *
- ۴- The introduction of Islamic calligraphy.

۲۹ –In the Sassanid period ,.....was the best material for the fine workmanship

- ۱- metal ۲- leather ۳- silk * ۴- a and c

۳۰ –Other monuments of the Sassanid period include.....carved on rock face the style of.....

- ۱- Thirty bas-relief/Sassanid king *
- ۲- Forty bas-relief/Acheamenid king
- ۳- Forty bas-relief/Sassanid king
- ۴- Thirty bas-relief/Acheamenid king

۳۱ –Tag-e Bustan located near.....

- ۱- Isfahan ۲- Kerman ۳- Kermanshah * ۴- both b &c

۳۲- Tag-e Bustan located near.....

- ۱- Isfahan ۲- Kerman
- ۳- Kermanshah * ۴- both b &c

۳۳- Masolum means.....

- ۱- beautiful writing
- ۲- having many twists or curves
- ۳- the front of a building
- ۴- a special building made to hold the dead body of an important person *

۳۴- What was the greatest period for the art of carpet weaving?

- ۱- The Timurid period ۲- The Seljuq period
- ۳- The Il-Khan period ۴- The Safavid period *

۳۵- What is *Persian art* connected with?

- ۱- Architecture in the Sassanid period

- ۲- metal work and textile
- ۳- wealth of floral and geometric patterns *
- ۴- The meaning of Persian art.

۳۶- When did the art of the Far East begin to influence painting in Iran?

- ۱- During the Il-Khan period
- ۲- At the end of the ۱۵th century.
- ۳- under the Timurids.
- ۴- With the establishment of the Baghdad school.

۳۷- Which of the aspect of Persian art developed in Qajar period?

- | | |
|---------------------|------------------------------|
| ۱- Carpet weaving * | ۲- Standards of architecture |
| ۳- Textile weaving | ۴- The style of painting |

۳۸- what kind of design was used during the Sassanid period?

- | | |
|------------------------|-------------------|
| ۱- The art of painting | ۲- Scripts |
| ۳- Miniature | ۴- both a and b * |

۳۹- The art of miniature reached its zenith during the.....dynasty.

- | | | | |
|--------------|-----------|--------------|------------|
| ۱- Sasssanid | ۲- Seljuq | ۳- Safavid * | ۴- Timurid |
|--------------|-----------|--------------|------------|

۴۰- Painting in Iran has been greatly influenced by..... An.....

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| ۱- poetry,painting | ۲- poetry, theology * |
| ۳- theology, painting | ۴- theology, miniature |

پاسخ *

تعداد سوالات ۴۰

۱-سرناور ایران شامل کدامیک از دسته های زیر می باشد؟			
الف) فارسی و آذربایجانی	ب) فارسی و بختیاری		
ج) بلوچی و بختیاری	د) بختیاری و آذربایجانی *		
۲-هم اکنون کاخ های سلطنتی باقی مانده چه کاربردی دارند؟			
الف) فرهنگی *	ب) سیاسی	ج) اجتماعی	د) نظامی
۳-اکولوژی فرهنگی چیست؟			
الف) دانش ارگانیسم زنده	ب) سازگاری ارگانیسم با محیط *		
ج) دانش محیط فرهنگی	د) دانش محیط		
۴-نخستین پادشاه و بنیانگذار سلسله پیشدادی کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) کیومرث *	ب) آرش کمانگیر		
ج) کاوه آهنگر	د) گرشاسب		
۵-استفاده از بام های مسطح در کدام اقلیم زیر توصیه می شود؟			
الف) آب و هوای سرد *	ب) آب و هوای بیابانی		
ج) آب و هوای معتدل	د) هیچکدام		
۶-کدام یک جز آثار جانی ثبت شده نیستند؟			
الف) شهر سوخته	ب) کاخ نیاوران *		
ج) کاخ گلستان	د) گنبد قابوس		
۷-صورت تغییر یافته ای از یک زبان که برای سخنگویان آن زبان قابل فهم نباشد کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) گویش *	ب) زبان	ج) لهجه	د) هیچکدام
۸-معاهده وایتانگی از کدام کشور زیر به ثبت رسیده است؟			
الف) جمهوری کره	ب) سنگال		
ج) فنلاند	د) زلاندنو *		
۹-فرقه فریسیان مربوط به کدام دین و به چه معنی است؟			
الف) دین یهود - جداشوندگان *	ب) دین میترائیسم - جداشوندگان		
ج) دین مسیحیت - جداشوندگان	د) دین بودا - جداشوندگان		
۱۰-در کدام دوره از تجملات لباس ها کاسته شد و جامه های کوتاه اهمیت بیشتری پیدا کردند؟			
الف) ساسانیان	ب) افشاریه *	ج) اشکانیان	د) زندیه

۱۱- کدامیک از عوامل زیر نقش مهمی در فرآیند گرم شدن اتمسفر ایفا می کنند؟

الف) انتقال آشفته، تشعشع زمینی

ب) تشعشع زمینی، انتقال آشفته، گرمای نهان و پدیده گلخانه ای *

ج) پدیده وارونگی، پدیده گلخانه ای

د) هیچکدام

۱۲- فرقه های اهل سنت کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) حنفی - مالکی - شافعی - حنبلی *

ب) اسنیان - صدوقیان - فریسیان

ج) صدوقیان - مالکی - شافعی

د) حنفی - شافعی - اسنیان

۱۳- نام چینی و ایتالیایی ساز بربط کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) پی ئی یا آ - بادیسستوس *

ب) پی ئی یا آ - بربط

ج) بادیسستوس - چنگ

د) کمانچه - تار

۱۴- تصویب قانون میراث فرهنگی از چه دورا ای آغاز شد؟

الف) قاجار

ب) پهلوی

ج) زندیه

د) مشروطه *

۱۵- لقبی که زرتشتیان به خدا داده اند چیست وبه چه معنی است؟

الف) امرتات - سرور دانا

ب) اهورا مزدا - سروردانا *

ج) گرشاسب - سروردانا

د) هورواتات - سروردانا

۱۶- به عقیده یالویتگ به معنای چشم انداز است؟

الف) محل سکونت و تعامل با محیط *

ب) محل سکونت و محیط

ج) تعامل انسان و محیط

د) محل سکونت

۱۷- کدامیک از ادیان زیر ترکیبی از دین اسلام و هندو است؟

الف) هندو

ب) سیک *

ج) زرتشت

د) یهود

۱۸- مجموعه شویرت مربوط به کدامیک از کشورهای زیر می باشد؟

الف) ونزوئلا

ب) اتریش *

ج) آلمان

د) چین

۱۹- معنی لغوی اسطوره کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) روایت تاریخ *

ب) ضرب المثل

ج) داستان

د) گویش

۲۰- از کدامیک از ادیان غیرالهی زیر به عنوان سومین دین کهنسال جهان یاد می شود؟

الف) سیک

ب) شینتو *

ج) هندو

د) بودا

۲۱- کدام شکل از ساختمان های زیر مقاومت بیشتری در مقابل باد دارد؟

الف) ساختمان هایی که بناهای زاویه دار حاوی سطوح صاف دارند

ب) ساختمان هایی که شکل مدور دارند *

ج) ساختمان هایی که ستون های بلند دارند

د) هیچکدام

۲۲- معادل تمدن (مدینه) در زبان فارسی معادل کدام یک از گزینه های زیر می باشد؟

الف) شهرگرایی یا شهری گردی *	ب) Civic	ج) الحضاره	د) همه موارد
۲۳- عامل بادهای ۱۲۰ روزه سیستان کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) توده هوای سیبری	ب) توده هوای حاره ای		
ج) توده هوای مانسون یا موسمی هند *	د) توده هوای سودانی		
۲۴- جوجیستو بازی محلی کجاست؟			
الف) استرالیا	ب) تایلند	ج) ژاپن *	د) اندونزی
۲۵- فرهنگ جامعه در برگیرنده ی یافته های است؟			
الف) انسانی	ب) ارزشی	ج) معنوی *	د) مادی
۲۶- جشن گل نرگس در کدام شهر زیربرگزار می شود؟			
الف) کازرون *	ب) همدان	ج) دامغان	د) سمنان
۲۷- بازی های بومی و محلی ایران الهام گرفته از آن هستند؟			
الف) فرهنگ *	ب) اساطیر	ج) روایات	د) شرق
۲۸- کوکوی خاویار از غذاهای محلی کدام استان است؟			
الف) خوزستان	ب) گیلان *	ج) مازندران	د) گلستان
۲۹- صنعتی که در اصفهان ارزش هنری زیادی دارد؟			
الف) ملیله سازی *	ب) خاتم کاری	ج) میناکاری	د) سفال
۳۰- امکان تشخیص کدام دستگاه از دستگاه شور دشوار است؟			
الف) چهارگاه	ب) سه گاه	ج) همایون *	د) نوا
۳۱- ایرانیان در سه هزار سال ق.م در چه زمینه ای تخصص داشتند؟			
الف) گلیم بافی	ب) فلزکاری *	ج) تراشکاری	د) گچ بری
۳۲- کدامیک از جشن های زیر پس از نوروز مهم ترین جشن ایرانیان است؟			
الف) مهرگان *	ب) خرم روز	ج) آبانگان	د) آذرگان
۳۳- تعداد رشته های صنایع دستی در ایران عبارتند از؟			
الف) ۳۰۰	ب) ۳۶۰	ج) ۳۷۰ *	د) ۱۵۰
۳۴- مزایای جشنواره و رویداد در کدام منطقه بیشتر است؟			
الف) درون مرزی	ب) برون مرزی		
ج) روستایی *	د) شهری		
۳۵- بعداز جنگ جهانی دوم توجه به صنایع دستی به کدام دلیل فزونی یافت؟			
الف) برون زایی اقتصادی	ب) فزونی تقاضا		
ج) استقلال *	د) نیاز		
۳۶- صنایع دستی نوعی فعالیت است؟			
الف) اقتصادی *	ب) اجتماعی	ج) ارزشی	د) هنری

۳۷- قلعه ی پرتغالی ها در کجاست؟

الف) قشم *	ب) گیلان	ج) کیش	د) اهواز
------------	----------	--------	----------

۳۸- کدام یک از بافت های زیر جزء بافته های پودباف هستند؟

الف) ورنی	ب) قالی	ج) گبه	د) گلیم و زیلو *
-----------	---------	--------	------------------

۳۹- تعریف گردشگری غذا کدام است؟

الف) دستیابی و لذت از غذا خوردن *	ب) بردن غذاهای مختلف به مقصد
-----------------------------------	------------------------------

ج) سفر برای غذاهای مختلف	د) سفر برای خوردن
--------------------------	-------------------

۴۰- جزء اجزای فرهنگ نیست؟

الف) رفتار اجتماعی	ب) اعتقادات
--------------------	-------------

ج) سنت ها	د) باورها *
-----------	-------------

پاسخ *

تعداد سوالات ۴۰

۱- کدام یک از کتابهای زیر در دوره مکتب هرات مصور نشده است؟	
الف) کلیله و دمنه	ب) شاهنامه فردوسی *
ج) ظفرنامه	د) خمسه نظامی
۲- مقدار آبی که به صورت بخار در هوا وجود دارد، کدام گزینه ی زیر می باشد؟	
الف) دمای هوا	ب) رطوبت هوا *
ج) بارش	د) باد
۳- قدیمیترین پلی که بر روی رودخانه ی ارس احداث شده به نسبت میدهند.	
الف) اوراتورها *	ب) هخامنشیان
	ج) ساسانیان
	د) آل بویه
۴- معنی کلمه ی پروتستان کدام گزینه زیر می باشد؟	
الف) اعتراض کننده *	ب) سنتی
	ج) عمومی
	د) هیچ کدام
۵- تابو به چه معناست؟	
الف) روحانی	ب) مقدس
	ج) حرام و ممنوع *
	د) حلال
۶- ساده ترین روش قیمت گذاری بسته سفر کدام گزینه زیر میباشد؟	
الف) قیمت گذاری رقابتی بر مبنای ارزش محصول برای مشتری	
ب) قیمت گذاری رقابتی بر مبنای هزینه تمام شده محصول *	
ج) قیمت گذاری رقابتی بر مبنای مدیریت بازده	
د) قیمت گذاری رقابتی	
۷- همنوازی در موسیقی از زمان کدام پادشاه در ایران آموزش داده شد؟	
الف) مظفرالدین شاه	ب) ناصرالدین شاه *
ج) فتحعلی شاه	د) احمدشاه
۸- کدام مورد از ایلات خمسه به شمار می آیند.	
الف) بهارلو و زعفران لو	ب) اینانلو و گوران
ج) بهارلو و اینانلو *	د) گوران و کلهر
۹- در کدامیک از مناطق زیر بناها باید فاصله دار باشد ؟	
الف) مناطق سردسیر *	ب) مناطق حاره ای
ج) منطق گرمسیر	د) مناطق بیابانی
۱۰- عصر برنز با چه دورانی مطابقت دارد	
الف) دوران شهرنشینی *	ب) عصر نو سنگی
ج) عصر بربریت	د) عصر مس

۱۱-.....هر کشور از اساسی ترین ارکان تحکیم هویت ، ایجاد خلاقیت ، خودباوری ملی است ؟

الف) میراث فرهنگی *

ب) سیاست داخلی

ج) اقتصاد

د) تاریخ

۱۲-فیلم فانتزی موزیکال جادوگر شهر اوز از کدام کشور زیر به ثبت رسیده است؟

الف) آمریکا *

ب) آلمان

ج) سوئد

د) دانمارک

۱۳- مهمترین ماده اولیه مصرفی در تولید جاجیم کدام گزینه است؟

الف) نخ پشمی الوان *

ب) نی بامبو

ج) نخ کف

د) نخ ملانژ

۱۴-گردشگری نوستالژیک نوعی از گردشگری است که هدف آن برای گردشگر میباشد؟

الف) شرکت در اجلاس بین المللی و سمینارهای سیاسی

ب) مطالعه و بررسی ویژگی های اداب و سنین

ج) تداعی کردن خاطرات ایام گذشته *

د) بازدید از بازارها و نمایشگاهها

۱۵-کتاب دینی ارژنگ مربوط به کدام یک از ادیان غیر الهی است ؟

الف) میترائیسم

ب) هندو

ج) مانی *

د) مزدک

۱۶- تمدن و فرهنگ به ترتیب دربرگیرنده کدامیک هستند؟

الف) مظهرنمود صنعت و تکنولوژی - اداب و رسوم و فولکلور و سنت ها

ب) اداب و رسوم و فولکلورها و به طور کلی جنبه های معنوی - صنعت و تکنولوژی و ابزار و جنبه های مادی

ج) صنعت و تکنولوژی و جنبه های مادی - اداب و رسوم و فولکلورها و سنت ها و جنبه های معنوی *

د) اداب و رسوم و فولکلورها - صنعت و تکنولوژی

۱۷-شاخه های غربی و شرقی دین مسیحیت کدام گزینه زیر می باشد ؟

الف) کاتولیک - ارتدکس *

ب) کاتولیک - پروتستان

ج) ارتدکس - پروتستان

د) پروتستان - ارتدکس

۱۸-صنعت ابراسازی الدوان و صنعت آشولین مربوط به کدام زمان بوده است؟

الف) میان سنگی

ب) دیرینه سنگی میانی

ج) پارینه سنگی قدیم *

د) پارینه سنگی جدید

۱۹-توده های مدیترانه ای در چه دوره ای وارد ایران می شوند و چه ماهیتی دارند؟

الف) آبان تا اردیبهشت - سرد *

ب) آبان تا اردیبهشت - گرم

ج) آبان تا خرداد - سرد

د) آذر تا خرداد - گرم

۲۰-در کدامیک از ادیان زیر قربانی کردن وجود ندارد؟

الف) مسیحی

ب) بودا

ج) زرتشت *

د) یهود

۲۱- کدامیک از موارد زیر جزء زایش زرتشت نمی باشند؟

الف) نور زرتشت *

ب) فره زرتشت

ج) تن زرتشت

د) روان زرتشت

۲۲- در اعتقادات کدام دین غیر الهی زیر، منکر قربانی، دعا، رازی کردن برای خدایان هستند؟

الف) کنفوسیوس ب) شینتو ج) هندو د) بودا *

۲۴- آب و هوای کوهستانی ایران به چند بخش تقسیم می شوند؟

الف) گرم کوهستانی - معتدل کوهستانی ب) سرد کوهستانی - معتدل کوهستانی *
ج) سرد کوهستانی - گرم کوهستانی د) گرم کوهستانی - بیابانی کوهستانی

۲۵- کدامیک از موارد زیر جزء زایش زرتشت نمی باشند.

الف) فره زرتشت

ب) روان زرتشت

ج) نور زرتشت *

د) تن زرتشت

۲۶- تن زرتشت توسط کدامیک از ایزدان زیر ساخته شد؟

الف) بهمن و اردیبهشت

ب) خورداد - امرداد *

ج) بهمن - خورداد

د) اردیبهشت و امرداد

۲۷- کدامیک از موارد زیر از امشاسپندان محسوب نمی شود؟

الف) وهومن

ب) امرتات

ج) مهریشت *

د) خشته وئیریه

۲۸- در فرهنگ زرتشتی در وجود آدمی چند دیو وجود دارد؟

الف) ۵

ب) ۱۰

ج) ۱۵

د) ۲۰

۲۹- فروهر به چه معناست؟

الف) پیش برنده *

ب) روشنایی

ج) پایین برنده

د) فرمانروا

۳۰- خشتروئیریه به چه معناست؟

الف) کشور آرزو شده*

ب) بهترین راستی و درستی

ج) بی مرگی و جاودانگی

د) مهر و عشق

پاسخ *

تعداد سوالات ۳۰

۱- نوازندگان ایل قشقای هستند؟

الف) حسین تهرانی
ج) شتربانان
ب) عاشق ها *
د) باربد

۲- با شنیدن موسیقی در این دستگاه حالت خمودگی در فرد رفع خواهد شد؟

الف) چهارگاه *
ب) همایون
ج) سه گاه
د) هر سه مورد

۳- چه چیزی سبب جشن گرفتن نزد ایرانیان باستان بوده است؟

الف) کاربزرگ *
ب) اتفاق خوب
ج) مرگ
د) تولد

۴- اولین دست بافته بشر کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) جاجیم
ب) حصیر *
ج) قالی
د) گلیم

۵- رکن مهم گردشگری رویداد است؟

الف) جشنواره *
ب) فستیوال
ج) کارناوال
د) گردش

۶- اکثر آهنگ های امروزی در جشن ها مربوط به این دستگاه است؟

الف) همایون *
ب) سه گاه
ج) چهارگاه
د) شور

۷- روز اول ماه دی در رسوم ویژه آریایی کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) رستاخیز طبیعت
ج) اعتدال
ب) خرم روز *
د) جشن انگور

۸- از معروفترین غذاهای ایلامیان است؟

الف) مرصع پلو
ب) شکرپلو
ج) فلافل *
د) ترخینه

۹- پوسته ی بیرونی بنای گنبد را..... و گنبد موجود زیر گنبد خارجی که آن را از داخل مشاهده می کنیم اصطلاحاً..... میگویند .

الف) خود - آهیانه *
ج) آهیانه دو پوش
ب) آهیانه خود
د) خود-دوپوش

۱۰- بنای شاه نعمت الله ولی در کرمان جزء کدام دسته از بناها می باشد؟

الف) مقبره
ب) آرامگاه
ج) خانقاه *
د) تکیه

۱۱- قدیمی ترین پلی که بر روی رودخانه ی ارس احداث شده به نسبت می دهند.

الف) هخامنشیان
ب) اوراتورها *
ج) ساسانیان
د) آل بویه

۱۲- قدیمی ترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران مقبره امیر اسماعیل سامانی در..... است.

الف) شهرری ب) نیشابور ج) بخارا* د) زنجان

۱۳- قدیمی ترین پل اصفهان کدام است و مربوط به کدام دوره است؟

الف) مارنان سلجوقی ب) چوبی ساسانی
ج) پل شهرستان سلجوقی* د) مارنان ساسانی

۱۴- کاخ های معروف دوره اشکانی کدامند؟

الف) کاخ هترا-کاخ عشق آباد ب) کاخ کوه خواجه - کاخ نیشابور
ج) کاخ هترا-کاخ فیروزآباد* د) کاخ عشق آباد-کاخ نیشابور

۱۵- ظهور اسلام بر کدام فرم و شکل معماری کاخ سازی ایران تأثیر گذاشت؟

الف) استفاده شکل ها و نقوش اسلیمی
ب) استفاده زیاد از قوس های شکسته و تیزه دار*
ج) استفاده زیاد از قوس های مازه دار
د) استفاده از کتیبه های خط ثلث

۱۶- غلافخانه بخشی از محیط است.

الف) کاخ ب) مدارس ج) کاروانسرا* د) بازار

۱۷- کدامیک جزء تزیینات داخلی یک حمام نمی باشد؟

الف) ازاره های سنگی ب) آهک بری
ج) کاشی کاری د) گچ بری*

۱۸- فضاهای سرپوشیده در بازار که به عرضه یک نوع کالا اختصاص دارند و دارای حجره در اطراف هستند؟

الف) بازارچه ب) سرا ج) تیمچه* د) قیصریه

۱۹- یکی از پراهمیت ترین مصالح ساختمانی دوران اسلامی که به استادکاران این هنر جصاص می گفتند چه نام دارد؟

الف) کاشی هفت رنگ ب) شیشه های الوان
ج) آجر تراش دار د) گچ*

۲۰- کدامیک جزء ویژگی آلماها نیست؟

الف) سفر دوست هستند ب) روحیه کار جمعی بالا
ج) فعال ترین زنان اروپا د) بانکداری قدرتمند*

۲۱- کدام سبک معماری دارای ویژگی های زیر است ؟

سادگی - دوری از بیهودگی مردم واری - استفاده از مصالح بومی

الف) رازی ب) خراسانی* ج) آذری د) اصفهانی

۲۲-آرنولد توین بی در خصوص تمدن ساز بودن روحیه‌ی ملل چه نظریه‌ای دارد؟

الف (نژاد و جغرافیا تنها عامل تمدن ساز هستند

ب (نژاد با تمدن رابطه مستقیم ندارد

ج (روح مبارزه‌طلبی با محیط ، تمدن را می‌سازد*

د) اصالت نژادی در تشکیل تمدن مؤثر است

۲۳- کدامیک ویژگی صنایع‌دستی ایران نیست؟

الف (همانند و شبیه بودن فرآورده‌های تولیدی*

ب (انجام قسمتی از مراحل توسط دست

ج) برآوردن نیازهای داخلی

د) استفاده از مواد اولیه داخلی

۲۴- حصیر به‌طور عمده با دو و بافته می‌شود .

الف (مارپیچ و مشبک*

ب (مشبک و درهم بافته

ج) مارپیچ و مقطع دایره

د) مشبک و مقطع دایره

۲۵- معرق چوب چیست ؟

الف (انتقال طرح روی چوب

ب (تلفیق و ترکیبی از انواع چوب‌های خودرنگ *

ج) تلفیق و ترکیبی از یک نوع چوب خودرنگ

د) ترکیب مثبت و خاتم

۲۶- مغار شفره مغاری است

الف) که تیغه‌ای تخت با لبه برش صاف دارد و برای دوربری خطوط و کنده‌کاری زمینه و مثبت استفاده می‌شوند .

ب) که دارای تیغه‌ای ناودانی شکل با لبه برش هلالی است و برای دور بری قسمت‌های منحنی شکل و ساخت‌وساز استفاده می‌شوند.

ج) با تیغه‌ای ناودانی با لبه‌ی برش به شکل هفت است و از آن برای شیار زدن و دو بری اولیه نقوش استفاده می‌شود*

د) با تیغه‌ای ناودانی شکل و لبه برش دایره است و از آن برای دور بری قسمت‌های دایره‌ای شکل و ساخت‌وساز نقوش استفاده می‌شود

۲۷- کدام یک از موارد زیر از مراحل تولید مثبت نیست؟

الف) انتقال طرح روی چوب

ب) دور بری

ج) تلفیق چوب‌های خودرنگ *

د) کنده‌کاری

۲۸- ساخت اشیای فلزی به روش سرد به..... معروف است .

الف (مثبت‌کاری

ب (معرق‌کاری

ج (دواتگری*

د) قلم‌زنی

۲۹- کدامیک از موارد زیر از شیوه‌های رایج در قلمزنی نیست؟

(الف) شیوه عکسی (ب) شیوه مشبک

(الف) شیوہ عکسی

(ب) شیوہ مشبک

(ج) شیوه معرق کاری * (د) شیوه برجسته

(ج) شیوه معرق کاری * (د) شیوه برجسته

۳۰- موج‌دار کردن فولاد با طلا و نقره را گویند

الف) زرگری	ب) طلاکوبی*	ج) قلم زنی	د) دواتگری
------------	-------------	------------	------------

الف) زرگری	ب) طلاکوبی*	ج) قلم زنی	د) دواتگری
------------	-------------	------------	------------

الف) زرگری	ب) طلاکوبی*	ج) قلم زنی	د) دواتگری
------------	-------------	------------	------------

الف) زرگری	ب) طلاکوبی*	ج) قلم زنی	د) دواتگری
------------	-------------	------------	------------

(۱) کوشش‌ها دستاوردها سرمایه‌ها و اندوخته‌های مادی انسان که در طول قرن‌ها و هزاره‌ها تا امروز ادامه یافته و بزرگترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است. ت ۱ آسان

الف - فرهنگ

ب - تمدن

ج - باستانشناسی

د - تاریخ

(۲) فرهنگ واژه‌ای است که ازدو بخش "فر" به معنی و "هنگ" تشکیل شده. ت ۱ آسان

الف - عربی - شکوه و جلال - بیرون آوردن

ب - فارسی - شکوه و جلال - بیرون آوردن

ج - فارسی - کمال یافتن - شکوه و جلال

د - عربی - بیرون آوردن - کمال یافتن

(۳) پدر مردم شناسی چه نام دارد؟ ت ۱ آسان

الف - ابن خلدون

ب - ابن ندیم

ج - ادوارد تیلر

د - هرودت

(۴) به نظر دانشمندان: تنها آن دسته از سرمایه‌های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب می‌شود که به گونه‌ای نشأت گرفته از باشد. ت ۱ آسان

الف - ذوق هنری انسان

ب - احساس معنوی

ج - آیین و مذهب

د - شیوه زندگی مردم

(۵) عصر برنز با چه دورانی مطابقت دارد؟ ت ۱ آسان

الف - دوران شهرنشینی

ب - عصر مس

ج - عصر نو سنگی

د - عصر بربریت

(۶) صنعت ابزارسازی الدوان و صنعت آشولین مربوط به کدام زمان بوده است؟ ت ۱ متوسط

الف - دیرینه سنگی میانی

ب - پارینه سنگی جدید

ج - پارینه سنگی قدیم

د - میان سنگی

(۷) انسان نئادرثال حدفاصل انسان.....وانسان.....است. ت ۱ متوسط

الف - هوشمند-هوشمند هوشمند

ب - راست قامت -هوشمند هوشمند

ج - راست قامت-هوشمند

د - ماهر-راست قامت

(۸) زندگی مسالمت آمیز انسان ، حیوانات و گیاهان را با چه عنوانی نامیده اند؟ ت ۱ متوسط

الف - انقلاب صنعتی

ب - عصر تمدن

ج - عصر بربریت

د - انقلاب نوسنگی

(۹) تمدن و فرهنگ به ترتیب دربرگیرنده کدامیک هستند؟ ت ۱ متوسط

الف - مظهرنمود صنعت و تکنولوژی-اداب و رسوم و فولکلور و سنت ها

ب - اداب و رسوم و فولکلورها-صنعت و تکنولوژی

ج - اداب و رسوم و فولکلورها و به طور کلی جنبه های معنوی-صنعت و تکنولوژی

وابزار و جنبه های مادی

د - صنعت و تکنولوژی و جنبه های مادی-اداب و رسوم و فولکلورها و سنت ها و جنبه

های معنوی

(۱۰) با توجه به طبقه بندی سازمان جهانی گردشگری سال ۱۹۹۳ کدامیک از افراد زیر گردشگر

محسوب میشوند؟ ت ۱ متوسط

- الف - مهاجران موقت
- ب - پناهندگان
- ج - تجار و بازرگانان
- د - دیپلمات ها

(۱۱) اولین تکنولوژی قرن ۱۹ که برگسترش صنعت گردشگری تاثیرات جدی گذاشت، کدامند؟

- الف - حمل و نقل هوایی
- ب - حمل و نقل ریلی و کشتی بخار
- ج - اتومبیل و هواپیما
- د - هاورکرافت

(۱۲) گردشگری نوستالژیک نوعی از گردشگری است که هدف آن.....برای گردشگر میباشد؟ ت ۱ متوسط

- الف - شرکت در اجلاس بین المللی و سمینارهای سیاسی
- ب - مطالعه و بررسی ویژگی های آداب و سنن
- ج - بازدید از بازارها و نمایشگاهها
- د - تداعی کردن خاطرات ایام گذشته

(۱۳) کدامیک از انواع گردشگری زیر جزء گردشگری پایدار محسوب می شوند؟ ت ۱ متوسط

- الف - گردشگری تفریحی و انبوه
- ب - گردشگری درمانی
- ج - گردشگری ماجراجویانه
- د - گردشگری روستایی

(۱۴) گردشگری 4s که بعد از جنگ جهانی دوم معروف شده است باعث به وجود آمدن کدام نوع گردشگری شده است؟ ت ۱ متوسط

- الف - گردشگری ماجراجویانه
- ب - گردشگری نوستالژیک
- ج - گردشگری انبوه
- د - گردشگری ورزشی

۱۵) از هم پوشانی گردشگری ماجراجویانه، گردشگری محیط زیست و گردشگری درمانی کدام نوع گردشگری پدید می آید؟ ۱ متوسط

- الف - گردشگری قومی
- ب - گردشگری روستایی
- ج - گردشگری اکوتوریسم
- د - گردشگری تفریحی

۱۶) علم باستان شناسی به چه جنبه هایی از تاریخ می پردازد؟ ۱ دشوار

- الف - آثار به جای مانده مادی
- ب - گذشته جوامع انسانی از متون مدون
- ج - واستخراج فرهنگ ادوار گذشته
- د - اقوام اولیه ونژادها

۱۷) دوران پارینه سنگی قدیم-نوسنگی-دوران برنز با کدام تقسیم بندی جامعه شناسان تطابق دارد؟

- الف - عصر توحش و جمع اوری غذا- عصر بربریت و آغاز کشاورزی و دامداری- عصر تمدن وشهرنشینی
- ب - عصر توحش وصنعت ابزارسازی-عصر بربریتوصنعت موسترین-عصر تمدن و یکجا نشینی
- ج - عصر توحش وغار نشینی-انسان نئاندرتال-انسان راست قامت
- د - انسان ماهر-انسان نئاندرتال-انسان هوشمند هوشمند

۱۸) صنعت ابزار سازی موسترین، مربوط به کدام دوره است؟ ۱ دشوار

- الف - پارینه سنگی میانی
- ب - پارینه سنگی قدیم-پارینه سنگی میانی
- ج - پارینه سنگی جدید
- د - پارینه سنگی میانی-پارینه سنگی جدید

۱۹) سلسله ی کیانیان با کدام پادشاه آغاز وبا کدامیک به پایان رسید؟ ۱ دشوار

- الف - کیکاووس-دارا

- ب - کیخسرو-هما
 ج - کی قباد-دارا
 د - کیکاووس-هما

۲۰) معابد در دوره ی کهن بین النهرین چه نام دارد؟ تادشوار

- الف - مقبره
 ب - اپادانا
 ج - زیگورات
 د - مصطبه

۲۱) کدام یک از دو روستای زیر از نظر شهرسازی دارای معماری صخره ای هستند؟ تادشوار

- الف - میمند کرمان-فهلپان فارس
 ب - میمند کرمان-کندوان تبریز
 ج - تکاب تبریز-کندوان تبریز
 د - فهلپان فارس-تکاب تبریز

22) Why were brick water tanks built along the main highways during the Safavie period? ت ۲ آسان

- a) To attract foreign tourist
 b) For their practical benefits.
 c) To show the significance of Safavid architecture
 d) Because of Shah Abbas's interest in travelling.

23) which of the following is NOT among the great achievements in the Seljuq period . ت ۲ آسان

- a) The construction of Isfahans's Jomeh's mosque.
 b) The establishment of a fine style throughout Iran
 c) the development of tile work.
 d) The introduction of Islamic calligraphy.

24) In the Sassanid period ,.....was the best material for the fine workmanship. ت ۲ آسان

- a) metal
 b) leather
 c) silk

d) a and c

25) Other monuments of the Sassanid period include.....carved on rock face the style of..... ت ۲ آسان

- a) Thirty bas-relief/Sassanid king
- b) Forty bas-relief/Acheamenid king
- c) Forty bas-relief/Sassanid king
- d) Thirty bas-relief/Acheamenid king

26) Tag-e Bustan located near..... ت ۲ آسان

- a) Isfahan
- b) Kerman
- c) Kermanshah
- d) both b &c

27) Masolum means..... ت ۲ آسان

- a) beautiful writing
- b) having many twists or curves
- c) the front of a building
- d) a special building made to hold the dead body of an important person

28) What was the greatest period for the art of carpet weaving? ت ۲

متوسط

- a) The Timurid period
- b) The Seljuq period
- c) The Il-Khan period
- d) The Safavid period

29) What is *Persian art* connected with? ت ۲ متوسط

- a) Architecture in the Sassanid period
- b) metal work and textile
- c) wealth of floral and geometric patterns
- d) The meaning of Persian art.

30) When did the art of the Far East begin to influence painting in Iran? ت ۲

متوسط

- a) During the Il-Khan period
- b) At the end of the 15th century.
- c) under the Timurids.
- d) With the establishment of the Baghdad school.

31) Which of the aspect of Persian art developed in Qajar period? ت ۲

متوسط

- a) Carpet weaving
- b) Standards of architecture
- c) Textile weaving
- d) The style of painting

32) what kind of design was used during the Sassanid period? ت ۲

متوسط

- a) The art of painting
- b) Scripts
- c) Miniature
- d) both a and b

33) The art of miniature reached its zenith during the.....dynasty. ت ۲

متوسط

- a) Sasssanid
- b) Seljuq
- c) Safavid
- d) Timurid

34) Painting in Iran has been greatly influenced by.....and..... ت ۲ متوسط

- a) poetry,painting
- b) poetry, theology
- c) theology, painting
- d) theology, miniature

35) The earliest paintings are illustrations of..... ت ۲

متوسط

- a) Hafez
- b) Nezami's Khamseh
- c) Ferdowsi's Shahnameh
- d) non of them

36) The word of zenith means..... ت ۲ متوسط

- a) To honor or greatly respect
- b) A long narrow flat piece
- c) The best or most successful point or time
- d) To make somebody confused

37) The original structure of the mosque belong to which period in Iran? ت

۲ متوسط

- a) Sassanid period
- b) QaraQoyunlu period
- c) Seljuq period
- d) Qajar period

38) What is the oldest Persian musical work? ت ۲ متوسط

- a) Sassanid choral music
- b) Zoroastrian Hymnology
- c) Old Persian symphonies
- d) Barbod's musical compositions.

39) classical Persian literature has developed under two powerful patronages.....and..... ت ۲ دشوار

- a) royal and art
- b) royal and religious
- c) art and painting
- d) religious and painting

40) Abu Sa'eed ,Baba Tahir, Gorgani and Sana'i all of them were in the period and they can boast of them. ت ۲ دشوار

- a) Seljuq period
- b) Timurid period
- c) Sassanid period
- d) Il-Khan period

41) and.....wrrer two poetic geniuses of the first rank
in the thirteenth century. ت ۲ دشوار.

- a) Sa'adi ,Iraqi
- b) Sa'adi, Rumi
- c) Rumi, Hamdulah
- d) Hamdulah , Iraqi

۴۲) بنای باشکوه تخت جمشید به چه دلیلی ساخته شده است؟ ت ۳ آسان

- الف - پایتخت اقتصادی
- ب - پایتخت سیاسی
- ج - پایتخت آیینی
- د - پایتخت ملل

۴۳) سبک مجسمه های تخت جمشید برگرفته از کدام فرهنگ است و نشان دهنده ی چیست؟
ت ۳ آسان

- الف - بابلیان-عظمت و شکوه حکومت
- ب - مصریان-مهندسی دقیق و وقار در زندگی
- ج - اشوریان-عبرت آموزی واگاهی حضور آسمانی
- د - بین النهرین-رفتار متفاوت اقوام و صلح طلبی

۴۴) دستیابی به گنبد روی گوشواره و ایوان طاق دار مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳ آسان

- الف - ساسانیان
- ب - اشکانیان
- ج - ایلخانیان
- د - سلجوقیان

۴۵) کدامیک از آثار دوره ساسانی است؟ ت ۳ آسان

- الف - طاق کسرا-چهارطاقی نیاسر-اتشکده اذرگشسب
- ب - طاق کسرا-تخت سلیمان-معبد کنگاور

- ج - چهارطاق نیاسر-اتشکده اذرگشسب -کاخ هترا
د - چهارطاق نیاسر-کاخ اشور-معبد کنگاور

(۴۶) کدامیک از شیوه های زیرمربوط به معماری دوران اسلامی ایران میباشند؟ ت ۳متوسط

- الف - رازی - خراسانی-پارسی-شامی
ب - رازی-پارسی - شامی-اذری
ج - خراسانی-رازی-اذری-اصفهانی
د - خراسانی- رازی - اصفهانی - شامی

(۴۷) کدامیک جزء مساجد شبستانی محسوب میشوند؟ ت ۳متوسط

- الف - مسجد اولیه جامع نایین-تاریخانه دامغان-مسجد گوهرشاد
ب - تاریخانه دامغان-مسجد گوهرشاد-مسجد زواره
ج - تاریخانه دامغان-مسجد گوهرشاد-مسجد نطنز
د - مسجد اولیه جامع نایین-مسجد اولیه جامع اصفهان-تاریخانه دامغان

(۴۸) کدام یک از مساجد دارای شکل زیبا و کاملی هستند و بیشتر مربوط به چه دوره ای می باشند؟ ت ۳متوسط

- الف - دو ایونی-سلجوقیان
ب - دو ایوانی-صفویان
ج - شبستانی-صفویان
د - چهارایوانی-سلجوقیان

(۴۹) مسجد تاریخانه دامغان فاقد عناصر.....و.....میباشد. ت ۳متوسط

- الف - مناره-صحن
ب - شبستان-ایوان
ج - ایوان-گنبد
د - مناره-شبستان

(۵۰) چهار جزء اصلی مناره کدامند؟ ت ۳متوسط

- الف - پایه -ساقه-مآذنه-پله مارپیچ

- ب - شالوده-بدنه-پله مارپیچ-تاج
 ج - شالوده-بئنه-گلوگاه-پله پیچ
د - پایه-ساقه-مأذنه-کلاهک

(۵۱) پوسته ی بیرونی بنای گنبد را..... و گنبد موجود زیر گنبد خارجی که آن را از داخل مشاهده میکنیم اصطلاحاً.....میگویند. ت ۳متوسط

- الف - خود-آهیانه
 ب - آهیانه-خود
 ج - آهیانه-دوپوش
 د - خود-دوپوش

(۵۲) بنای شاه نعمت الله ولی در کرمان جزء کدام دسته از بناها میباشد؟ ت ۳متوسط

- الف - مقبره
 ب - آرامگاه
ج - خانقاه
 د - تکیه

(۵۳) قدیمترین پلی که بر روی رودخانه ی ارس احداث شده به نسبت میدهند. ت ۳متوسط

- الف - هخامنشیان
ب - اوراتورها
 ج - ساسانیان
 د - آل بویه

(۵۴) قدیمی ترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران مقبره امیر اسماعیل سامانی در.....است. ت ۳متوسط

- الف - شهر ری
 ب - نیشابور
ج - بخارا
 د - زنجان

۵۵) قدیمی ترین پل اصفهان کدام است و مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳متوسط

- الف - مارنان-سلجوقی
- ب - چوبی-ساسانی
- ج - پل شهرستان-سلجوقی
- د - مارنان-ساسانی

۵۶) کاخ های معروف دوره اشکانی کدامند؟ ت ۳متوسط

- الف - کاخ هترا-کاخ عشق آباد
- ب - کاخ کوه خواجه-کاخ نیشابور
- ج - کاخ هترا-کاخ فیروز آباد
- د - کاخ عشق آباد-کاخ بیشابور

۵۷) ظهور اسلام بر کدام فرم و شکل معماری کاخ سازی ایران تاثیر گذاشت؟ ت ۳متوسط

- الف - استفاده شکل ها و نقوش اسلیمی
- ب - استفاده زیاد از قوس های شکسته و تیزه دار
- ج - استفاده زیاد از قوس های مازه دار
- د - استفاده از کتیبه های خط ثلث

۵۸) غلافخانه بخشی از محیط است. ت ۳متوسط

- الف - کاخ
- ب - مدارس
- ج - کاروانسرا
- د - بازار

۵۹) کدامیک جزء تزیینات داخلی یک حمام نمی باشد؟

- الف - ازاره های سنگی
- ب - آهک بری
- ج - کاشی کاری
- د - گچ بری

۶۰) فضاهای سرپوشیده در بازار که به عرضه یک نوع کالا اختصاص دارند و دارای حجره در اطراف هستند؟ ت ۳متوسط

الف - بازارچه

ب - سرا

ج - تیمچه

د - قیصریه

۶۱) یکی از پر اهمیت ترین مصالح ساختمانی دوران اسلامی که به استادکاران این هنر جصاص میگفتند چه نام دارد؟ ت ۳متوسط

الف - کاشی هفت رنگ

ب - گچ

ج - شیشه های الوان

د - آجر تراشدار

۶۲) کدامیک جزء ویژگی آلمان ها نیست؟ ت ۳متوسط

الف - سفر دوست هستند

ب - روحیه کار جمعی بالا

ج - فعال ترین زنان اروپا

د - بانکداری قدرتمند

۶۳) کدام سبک معماری دارای ویژگی های زیر است ؟ سادگی - دوری از بیهودگی - مردم واری - استفاده از مصالح بومی) ت ۳متوسط

الف - رازی

ب - خراسانی

ج - آذری

د - اصفهانی

۶۴) آرنولد توین بی در خصوص تمدن ساز بودن روحیه ی ملل چه نظریه ای دارد؟ ت ۳متوسط

الف - نژاد و جغرافیا تنها عامل تمدن ساز هستند

ب - نژاد با تمدن رابطه مستقیم ندارد

ج - روح مبارزه طلبی با محیط ، تمدن را میسازد

د - اصالت نژادی در تشکیل تمدن موثر است

۶۵) کدام یک ویژگی صنایع دستی ایران نیست؟ ت ۳متوسط

الف - همانند و شبیه بودن فراورده های تولیدی

ب - انجام قسمتی از مراحل توسط دست

ج - بر آوردن نیازهای داخلی

د - استفاده از مواد اولیه داخلی

۶۶) حصیر به طور عمده با دو روش و..... بافته میشود. ت ۳متوسط

الف - مارپیچ و مشبک

ب - مشبک و درهم بافته

ج - مارپیچ و مقطع دایره

د - مشبک و مقطع دایره

۶۷) معرق چوب چیست ؟ ت ۳دشوار

الف - انتقال طرح روی چوب

ب - تلفیق و ترکیبی از انواع چوب های خود رنگ

ج - تلفیق و ترکیبی از یک نوع چوب خود رنگ

د - ترکیب مثبت و خاتم

۶۸) مغار شفره مغاری است..... ت ۳دشوار

الف - که تیغه ای تخت با لبه برش صاف دارد و برای دوربری خطوط و کنده کاری زمینه

منبت استفاده میشوند.

ب - که دارای تیغه ای ناودانی شکل با لبه برش هلالی است و برای دور بری قسمت

های منحنی شکل و ساخت و ساز استفاده میشوند.

- ج - با تیغه ای ناودانی با لبه ی برش به شکل هفت است و از آن برای شیار زدن و دو
بری اولیه نقوش استفاده میشود.
- د - با تیغه ای ناودانی شکل و لبه برش دایره است و از آن برای دور بری قسمت های
دایره ای شکل و ساخت و ساز نقوش استفاده میشود.

(۶۹) کدام یک از موارد زیر از مراحل تولید منبت نیست؟ ت ۳دشوار

- الف - انتقال طرح روی چوب
- ب - دور بری
- ج - تلفیق چوبهای خودرنگ
- د - کنده کاری

(۷۰) ساخت اشیای فلزی به روش سرد به.....معروف است. ت ۳دشوار

- الف - منبت کاری
- ب - معرق کاری
- ج - دواتگری
- د - قلمزنی

(۷۱) کدامیک از موارد زیر از شیوه های رایج در قلمزنی نیست؟ ت ۳دشوار

- الف - شیوه عکسی
- ب - شیوه مشبک
- ج - شیوه معرق کاری
- د - شیوه برجسته

(۷۲) موج دار کردن فولاد با طلا و نقره را.....گویند. ت ۳دشوار

- الف - زرگری
- ب - طلا کوبی
- ج - قلمزنی
- د - دواتگری

(۷۳) مکتب بغداد به چه دوره ای از تاریخ مربوط است ویژگی بارز آن کدام است؟ ت ۳دشوار

- الف - دوره صفوی-شبهات چهره ها به نژاد آریایی

- ب - دوره سلجوقی-شبهات چهره ها به نژاد ترک
ج - دوره عباسی-شبهات چهره ها با نژاد سامی
د - دوره عباسی - شبهات چهره ها با نژاد ایرانی

۷۴) در کدام دوره هنر نگارگری به اوج و عالی ترین درجه خود رسید؟ ت ۳دشوار

- الف - دوره عباسی
ب - دوره مغول
ج - دوره هرات
د - دوره بغداد

۷۵) کدام یک از کتابهای زیر در دوره مکتب هرات مصور نشده است؟ ت ۳دشوار

- الف - کلیله و دمنه
ب - شاهنامه فردوسی
ج - ظفرنامه
د - خمسه نظامی

۷۶) کدامیک ابزار و وسایل نگارگری می باشد ت ۳دشوار

- الف - قلم مو-بوم-اره مویی-پوست
ب - قلم مو-رنگ-اره مویی-بست
ج - قلم مو-بوم-رنگ-بست
د - قلم مو-پوست-رنگ-بست

۷۷) رنگهای مورد استفاده در نگارگری به چند گروه تقسیم می شوند؟ ت ۳دشوار

- الف - دو گروه-گیاهی و معدنی
ب - دو گروه-گیاهی-شیمیایی
ج - سه گروه-معدنی-شیمیایی-گیاهی
د - سه گروه-معدنی-فیزیکی-گیاهی

۷۸) کدامیک از موارد زیر از تعریف دقیق سکه دوزی است؟ ت ۳دشوار

- الف - قدیمترین نوع رودوزی که معمولاً روی کتان سفید یا رنگی با نخ های هم رنگ انجام میشود.
- ب - قدیمترین نوع رودوزی که معمولاً روی کتان با نخ های متفاوت انجام میشود
- ج - معمولاً روی پارچه کتانی، ابریشمی و پشمی ظریف، در اطراف کارها قلاب دوزی انجام میشود.
- د - عبارت است از بیرون کشیدن تعدادی تار و پود یا هر دو از نقطه معینی از پارچه و پر کردن آن با سوزن.

۷۹) کدامیک از موارد زیر از رودوزی با زمینه پر است؟ ت ۳ دشوار

- الف - رو دوزی با نخ های رنگی
- ب - چشمه دوزی
- ج - بخارا دوزی
- د - شبکه دوزی

۸۰) از نمونه های رودوزی با افزودنیهای تزئینی هستند؟ ت ۳ دشوار

- الف - سکه دوزی- شبکه دوزی
- ب - سکه دوزی- بخارا دوزی
- ج - نقره دوزی- سکه دوزی
- د - مليله دوزی- نقره دوزی

۸۱) چاپی که روی پارچه های پنبه ای و کتانی زده میشود به.....یا.....معروف است. ت ۳ دشوار

- الف - چاپ سنتی- چیت سازی
- ب - چاپ سنتی- چاپ کلاته ای
- ج - قلم کار - کلاته ای
- د - قلم کار - چیت سازی

۸۲) از ترکیب اکسید مس با شیشه، رنگ.....بدست میاید. ت ۳ دشوار

الف - سبز روشن و تیره

- ب - زرد یا آبی سبز
- ج - سبز یا آبی سبز
- د - آبی خیلی کمرنگ

۸۳) انواع جلدها از نظر روکش شامل چند گروه است؟ ت ۳دشوار

- الف - ۳ گروه-ضربی، روغنی، منبت
- ب - ۳ گروه-ضربی، روغنی، معرق
- ج - ۴ گروه-ضربی، سوخت، منبت، روغنی
- د - ۴ گروه-ضربی، روغنی، سوخت، معرق

۸۴) کربنات کلسیم جزء کدامیک از مواد مصالح شیشه گری محسوب می شود؟ ت ۳دشوار

- الف - عناصر تثبیت کننده
- ب - عناصر ذوب کننده
- ج - عناصر پایه
- د - عناصر سفیدکننده

۸۵) آب گز کردن شیشه به چه معناست؟ ت ۳دشوار

- الف - ایجاد نقش برجسته بر روی شیشه
- ب - کنده کاری روی شیشه
- ج - ایجاد ترکهای ریز در بدنه
- د - رنگ آمیزی شیشه

۸۶) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای اقتصادی صنایع دستی محسوب نمی شود؟ ت ۳دشوار

- الف - سهولت ایجاد مراکز تولید
- ب - اشتغال زا بودن
- ج - بی نیازی به سرمایه کلان
- د - همانند نبودن فراورده های تولیدی با یکدیگر

۸۷) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای گلیم می باشد؟ ت ۳دشوار

- الف - دارای طرح لچک و ترنج
- ب - بدون دار بافته می شود
- ج - از نخ پشمی رنگارنگ بعنوان پود استفاده می شود
- د - دارای گره های متقارن است

۸۸) قدیمی ترین نسخه شاهنامه مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳دشوار

- الف - مکتب بغداد
- ب - مکتب سلجوقی
- ج - مکتب هرات
- د - دوره ایلخانیان

۸۹) کدام مورد از ایلات خمسه به شمار می آیند. ت ۴آسان

- الف - اینانلو و گوران
- ب - گوران و کلهر
- ج - بهارلو و اینانلو
- د - بهارلو و زعفران لو

۹۰) کدامیک از موارد زیر علت غم انگیز بودن موسیقی قشقایی نیست؟ ت ۴آسان

- الف - مسایل و مشکلات کوچ نشینی
- ب - جریان های مذهبی و مصایبی که بر خاندان نبوت گذشته
- ج - دلبستگی به دنیای مادی
- د - مهاجرت های اجباری و تبعید و دورماندن از غافله گروه ها

۹۱) کدام قوم اکثرا نوزاد اول را چنانچه دختر باشد، به نام مادر و اگر پسر باشد به نام پدر می

نهند. ت ۴آسان

- الف - کرد
- ب - بختیاری
- ج - قشقایی
- د - بلوچ

۹۲) کدامیک از عناصر اصلی باغ به شمار نمیاید؟ ت ۴آسان

- الف - آب

ب - گیاه

ج - فضا

د - فواره

۹۳) لقب کدام الهه بغدادت یا بیدخت است. ت ۴ آسان

الف - زروان

ب - آناهیتا

ج - شیوانا

د - میترا

۹۴) ریشه واژه باغ مربوط به کدام زبان است؟ ت ۴ متوسط

الف - فارسی

ب - یونانی

ج - سغدی

د - هندی

۹۵) در کدام زبان به جای واژه باغ از «باک» استفاده می شده است؟ ت ۴ متوسط

الف - فارسی

ب - یونانی

ج - سغدی

د - هندی

۹۶) کدامیک از موارد زیر جزء عناصر اصلی باغ ایرانی نیست؟ ت ۴ متوسط

الف - باغچه

ب - زمین

ج - آب

د - گیاه

۹۷) ایجاد آبشار و آبشره در باغ وابسته به کدامیک از عناصر اصلی است. ت ۴ متوسط

الف - زمین

ب - فضای معمارانه

ج - خاک و آب

د - زمین و آب

۹۸) آب به دلیل کدامیک از موارد زیر در باغ ایرانی اهمیت دارد؟ ت ۴متوسط

الف - زیباشناختی و کارکردی

ب - ایجاد آبشار

ج - ایجاد استخر

د - ایجاد فواره

۹۹) دو مشعل دار همراه میترا در زمان زایش وی نشان دهنده ؟ ت ۴متوسط

الف - نور و روشنایی

ب - خورشید

ج - طلوع و غروب

د - آتش

۱۰۰) میترا چه نوع رب النوعی بوده است؟ ت ۴متوسط

الف - مرگ

ب - زایش

ج - داوری در حیات

د - عهد و پیمان

(۱) کدام دین به مخالفت با میترا پرداخت؟ ت ۴متوسط

الف - اسلام

ب - زرتشت

ج - بودا

د - برهمن

(۲) اولین مرحله تشریف به مناسک میترا چه نام دارد؟ ت ۴متوسط

الف - سرباز

ب - همسر

ج - شیر

د - کلاغ

(۳) همسر در آیین میترا برابر با کدامیک از عناصر چهارگانه است؟ ت ۴متوسط

الف - آب

ب - باد

ج - آتش

د - خاک

(۴) فشردن دست راست به علامت وفاداری در کدام مرحله دین میترا وجود داشته است؟ ت ۴متوسط

الف - شیر

ب - پارسی

ج - همسر

د - سرباز

(۵) داس نشان کدام مرحله در آیین میترا می باشد؟ ت ۴متوسط

الف - کلاغ

ب - همسر

ج - پارسی

د - مرشد

(۶) کدامیک از موارد زیر از معانی زرتشت محسوب نمی شود. ت ۴متوسط

- الف - ستاره زرین
- ب - دارنده شتر زردفام
- ج - ستاره شناس
- د - شتر زردفام

(۷) کدامیک از موارد زیر جزء زایش زرتشت نمی باشند. ت ۴متوسط

- الف - فره زرتشت
- ب - روان زرتشت
- ج - نور زرتشت
- د - تن زرتشت

(۸) تن زرتشت توسط کدامیک از ایزدان زیر ساخته شد؟ ت ۴متوسط

- الف - بهمن و اردیبهشت
- ب - خرداد - امرداد
- ج - بهمن - خرداد
- د - اردیبهشت و امرداد

(۹) کدامیک از موارد زیر از امشاسپندان محسوب نمی شود؟ ت ۴متوسط

- الف - وهومن
- ب - امرتات
- ج - مهریشت
- د - خستره وئیریه

(۱۰) در فرهنگ زرتشتی در وجود آدمی چند دیو وجود دارد؟ ت ۴متوسط

- الف - ۵
- ب - ۱۰
- ج - ۱۵
- د - ۲۰

(۱۱) فروهر به چه معناست؟ ت ۴متوسط

- الف - پیش برنده
- ب - روشنایی

ج - پایین برنده

د - فرمانروا

(۱۲) خستروئیریه به چه معناست؟ ت ۴ متوسط

الف - کشور آرزو شده

ب - بهترین راستی و درستی

ج - بی مرگی و جاودانگی

د - مهر و عشق

(۱۳) کشتی در دین زرتشت چیست؟ ت ۴ دشوار

الف - بندی است زردرنگ و بلند از ۷۲ نخ

ب - بندی است سفید رنگ و کوتاه از ۲۷ نخ

ج - بندی است سفیدرنگ و بلند از ۷۲ نخ

د - بندی است زردرنگ و کوتاه از ۷۲ نخ

(۱۴) از فرمانروایی کیخسر تا اواخر دوره کیانیان شامل کدامیک از موارد زیر می باشد؟ ت ۴ دشوار

الف - دوران افسانه ای

ب - دوران اسطوره ای

ج - دوران حماسی

د - دوران تاریخی

(۱۵) تهمورث فرزند کدامیک از پادشاهان زیر است؟ ت ۴ دشوار

الف - کیومرث

ب - سیامک

ج - هوشنگ

د - جمشید

(۱۶) در زمان کدام پادشاه جنگ بین ایران و توران آغاز شد؟ ت ۴ دشوار

الف - منوچهر

ب - کی قباد

ج - کی خسرو

د - اسفندیار

(۱۷) چه کسی حکومت کیانیان را به پایان رسانید. ت ۴ دشوار

- الف - اسکندر
- ب - ارجاسب
- ج - اشک اول
- د - اردشیر بابکان

(۱۸) در سال ۱۲۳۰ میلادی زمان حمله چنگیز قره کلیسا غارت گردید این تاریخ مطابق با هجری قمری چه سالی را نشان می دهد؟ ت ۴ دشوار

- الف - ۶۱۰
- ب - ۶۱۴
- ج - ۶۱۷
- د - ۶۲۷

(۱۹) برای تبدیل سال شمسی به سال میلادی از یازده دی تا اول فروردین چه عملیاتی باید انجام داد؟ ت ۴ دشوار

- الف - ۶۲۱ سال به شمسی اضافه می نماییم
- ب - ۶۲۱ سال از شمسی کم می نماییم
- ج - ۶۲۲ سال به شمسی اضافه می کنیم
- د - ۶۲۱ سال از میلادی کم می نماییم

(۲۰) در تقسیم بندی جشن ها و آئین ها ، نوروز جزء کدام رده زیر قرار می گیرد. ت ۴ دشوار

- الف - جشن ها و آئین های منطقه ای
- ب - جشن ها و آئین های ملی و میهنی
- ج - جشن ها و آیین های دینی
- د - جشن ها و آیین های باستانی

(۲۱) تابو به چه معناست؟ ت ۴ دشوار

- الف - روحانی
- ب - مقدس
- ج - حلال
- د - حرام و ممنوع

(۲۲) در کدامیک از ادیان زیر قربانی کردن وجود ندارد؟ ت ۴ دشوار

- الف - یهود
- ب - زرتشت
- ج - بودا
- د - مسیحی

(۲۳) مردم شناسان شروع گاهشماری را با کدامیک از موارد زیر همراه می دانند. ت ۴ دشوار

- الف - شروع کشاورزی
- ب - شناختن چهار جهت اصلی
- ج - شناختن جهت حرکت زمین
- د - شناختن ستارگان

(۲۴) کدامیک از موارد زیر یکی از چهار روز نابر است؟ ت ۴ دشوار

- الف - انارام
- ب - باد
- ج - رشن
- د - رام

(۲۵) در آیین زرتشتی هرگاهنبار چند روز طول می کشیده است؟ ت ۴ دشوار

- الف - ۵ روز
- ب - ۶ روز
- ج - ۱۰ روز
- د - ۳۰ روز

(۲۶) در ایران باستان سال را چگونه کبیسه می کردند؟ ت ۴ دشوار

- الف - به پایان سال یک روز اضافه می کردند.
- ب - به پایان سال ۵ روز اضافه می کردند.
- ج - هر سه سال یک ماه به سال اضافه می نمودند.
- د - هر ۱۲۰ سال یک ماه به سال اضافه می کردند.

(۲۷) در کدام دوران کبیسه نمودن سال انجام نگرفته است؟ ت ۴ دشوار

- الف - هخامنشیان

- ب - پارتها
- ج - ساسانیان
- د - مادها

(۲۸) در آذربایجان و زنجان سومین چهارشنبه اسفند را چه می گویند؟ ت ۴ دشوار

- الف - کوله
- ب - گوله
- ج - سوله
- د - موله

(۲۹) جشن تیرگان در زمان کدام پادشاه به وجود آمد؟ ت ۴ دشوار

- الف - منوچهر
- ب - تهمورث
- ج - کیومرث
- د - کیخسرو

(۳۰) امرداد در عالم جسمانی چه وظیفه ای را بر عهده دارد؟ ت ۴ دشوار

- الف - نگهبان آب
- ب - نگهبان فلزات
- ج - نگهبان آتش
- د - نگهبان نباتات و روئیدنی ها

(۳۱) در کدام روز از ماه دی جشن دیگاه برگزار نمی شده است؟ ت ۵ آسان

- الف - روز اول
- ب - روز هشتم
- ج - روز پانزدهم
- د - روز بیست و دوم

(۳۲) جشن سده در کدام ماه سال انجام می گرفته است؟ ت ۵ آسان

- الف - مهر
- ب - آبان
- ج - دی
- د - بهمن

ت ۵ آسان

(۳۳) زبارتگاه پیرسبز چک چک زیارتگاه چه کسی است؟

الف - پارس بانو

ب - حیات بانو

ج - باباکمال

د - شاه مهر ایزد

(۳۴) صاحب کتاب اغانی چه نام دارد؟ ت ۵ آسان

الف - یونس

ب - نشیط

ج - فارابی

د - ابوالفرج اصفهانی

(۳۵) از زمان کدام شخص پیش درآمد و چهار مضرب به سلسله مراتب اجرای موسیقی اضافه شد؟

ت ۵ آسان

الف - درویش خان

ب - حسینقلی خان

ج - میرزا عبدالله

د - صبا

(۳۶) همنوازی در موسیقی از زمان کدام پادشاه در ایران آموزش داده شد؟ ت ۵ متوسط

الف - ناصرالدین شاه

ب - فتحعلی شاه

ج - مظفرالدین شاه

د - احمدشاه

(۳۷) ابوالفرج اصفهانی چه شخصی را به دریا و سایرین را به نهر و جویبار تشبیه کرده است؟ ت ۵ متوسط

الف - ابراهیم موصلی

ب - اسحق موصلی

ج - ابونصر فارابی

د - ابن سینا

(۳۸) اولین شخصی که در دوره اسلامی کتابی در فن موسیقی نوشته چه نام دارد؟ ت ۵ متوسط

- الف - یونس
- ب - ابن سینا
- ج - ابراهیم موصلی
- د - ابونصر فارابی

(۳۹) نخستین پرچم در تاریخ اساطیر ایران مربوط به قیام چه کسی است؟ ت ۵ متوسط

- الف - قیام ضحاک علیه جمشید
- ب - قیام کاوه آهنگر علیه جمشید
- ج - قیام ضحاک علیه کاوه آهنگر
- د - قیام کاوه آهنگر علیه ضحاک

(۴۰) اولین بار در کدام پرچم ایران از سه گوش به چهارگوش تبدیل شد؟ ت ۵ متوسط

- الف - زندیه
- ب - قاجاریه
- ج - افشاریه
- د - صفویه

(۴۱) مجموعه شرایطی که در نتیجه ترکیب عناصر و عوامل آب و هوایی در طولانی مدت بر یک منطقه بوجود می

آید؟ ت ۵ متوسط

- الف - آب و هوا
- ب - فشار هوا
- ج - توده های جوی
- د - دمای هوا

(۴۲) آب و هوای مدیترانه خاص کدام منطقه ایران است؟ ت ۵ متوسط

- الف - شمال
- ب - مرکز ایران
- ج - غرب
- د - مناطق جنوبی

(۴۳) آب و هوای مدیترانه در تابستان بین مناطق کوه دره به چه صورت می باشد؟ ت ۵ متوسط

- الف - گرمای شدید در دره ها و هوای معتدل در ارتفاعات

- ب - گرمای شدید در ارتفاعات و هوای معتدل در دره ها
- ج - هوای معتدل در دره ها و سرمای شدید در ارتفاعات
- د - هوای معتدل در ارتفاعات و سرمای شدید در دره ها

۴۴) کدام یک از موارد زیر کوچکتر از تیره است؟ ت۵دشوار

الف - خانوار

ب - طایفه

ج - ایل

د - قوم

۴۵) در میان آداب و رسوم، عشایر به کدامیک از موارد زیر اهمیت بیشتری می دهند؟ ت۵دشوار

الف - ازدواج

ب - مرگ

ج - طلاق

د - تولد

۴۶) در خانه های کردنشین به جای انبار سوخت از چه واژه ای استفاده می شده است؟ ت۵دشوار

الف - کلانه

ب - تپال دان

ج - گل خان

د - کاوان

۴۷) ایلات چادرنشین کرد برای چادرهایشان چه اصطلاحی به کار می برند؟ ت۶آسان

الف - خانه سیاه

ب - سیاه چادر

ج - رش مال

د - بوهون

۴۸) در ایلات و عشایر بختیاری توشمال به چه کسانی گفته می شود؟ ت۶آسان

الف - نوازندگان

ب - کسبه

ج - نوکران

د - قهرمانان

۴۹) کدامیک از موارد زیر از ایلات ترک زبان آذربایجان محسوب نمی شوند. ت ۶ آسان

- الف - ایل خمسه
- ب - ایل شاهسون
- ج - ایل ارسباران
- د - ایل خلخالی

۵۰) ایل قشقایی در چه دوران به خراسان کوچانده شد؟ ت ۶ آسان

- الف - زندیه
- ب - قاجاریه
- ج - صفویه
- د - افشاریه

۵۱) رقص قشقایی نشان دهنده چه نمادی است؟ ت ۶ متوسط

- الف - نماد زیبایی
- ب - نماد خداشناسی
- ج - نماد عشق
- د - نماد همبستگی

۵۲) کدامیک از موارد زیر جزء ایل خمسه به شمار می آید؟ ت ۶ متوسط

- الف - باصری
- ب - سکوند
- ج - زلقی
- د - صفی خانی

۵۳) کدامیک از موارد زیر در اقتصاد ترکمن ها تاثیر زیادی ندارد؟ ت ۶ متوسط

- الف - ماهیگیری
- ب - قالی بافی
- ج - پرورش اسب
- د - برنج کاری

۵۴) کدام مورد از علل اصلی بی نظمی در میان ایرانیان است؟ ت ۶ متوسط

- الف - دوری آبادیها از یکدیگر
- ب - وابستگی های قومی و سنتی ایران
- ج - حملات اقوام مهاجم
- د - وابستگی کشاورزان در دوره های گذشته به باران

(۵۵) چه عاملی باعث درون گرایی انگلیسی ها شده است؟ ت ۶متوسط

- الف - اهل مطالعه بودن
- ب - کمرو بودن
- ج - خودخواهی زیاد
- د - بارانی بودن کشور انگلستان

(۵۶) کدام کشور به صبحانه اهمیت می دهند و معمولاً صبحانه خود را با آب سرد شروع می کنند. ت ۶دشوار

- الف - آلمان
- ب - فرانسه
- ج - اسپانیا
- د - انگلستان

(۵۷) کدام مورد جزء شخصیت یک فرد آلمانی نمی باشد؟ ت ۶دشوار

- الف - مسئولیت ناپذیری
- ب - حیوان دوستی
- ج - روحیه کار جمعی
- د - نظم

(۵۸) دادگاه منازعات بین المللی در کدام کشور قرار دارد؟ ت ۶دشوار

- الف - هلند
- ب - انگلیس
- ج - سوئیس
- د - آلمان

(۵۹) کدام یک از موارد زیر از مشخصات روحی سوئیسیها است؟ ت ۶دشوار

- الف - بی طرفی
- ب - عادل بودن
- ج - هوشمندی

د - دقت زیاد

۶۰) کدام ویژگی مربوط به ژاپنی ها است؟ ت ۶دشوار

- الف - ساعت ساخت ژاپن معروف است
- ب - مبادی آداب و کمی تعارفی هستند
- ج - بسیاری عادل هستند
- د - سیستم بانکداری آنان معروف است

۶۱) کدام کشور سرشار از هوش جمعی هستند؟ ت ۶دشوار

- الف - ژاپن
- ب - فرانسه
- ج - چین
- د - هند

۶۲) ریشه شیوه معماری شامی کدامیک از موارد زیر می باشد؟ ت ۷آسان

- الف - هنر و معماری ایران
- ب - هنر و معماری بیزانس
- ج - هنر و معماری مصر
- د - هنر و معماری اندلسی

۶۳) گسترده ترین شیوه معماری در جهان اسلام کدام شیوه است؟ ت ۷آسان

- الف - شیوه ایرانی
- ب - شیوه مصری
- ج - شیوه مغربی
- د - شیوه حجازی

۶۴) شیوه اندلسی برگرفته از کدام شیوه زیراست؟ ت ۷آسان

- الف - شیوه ایرانی
- ب - شیوه مصری
- ج - شیوه مغربی
- د - شیوه شام

۶۵) کدامیک از بناهای زیر در معماری دوران اسلامی مهمتر بوده است؟ ت ۷ متوسط

- الف - حمام
- ب - مدرسه
- ج - مصلی
- د - مسجد

۶۶) نقشه چهار ایوانی در مساجد از نقشه کدام بنا الهام گرفته است؟ ت ۷ متوسط

- الف - کاخ بیشاپور
- ب - کاخ تیسفون
- ج - کاخ آشور
- د - کاخ اختصاصی کوروش

۶۷) سلجوقیان در تزئینات مساجد بیشتر از کدام عنصر تزئینی بهره بردند؟ ت ۷ متوسط

- الف - آجرکاری
- ب - کاشیکاری
- ج - گچبری
- د - شیشه کاری

۶۸) مدارس در کدام دوره و به تشویق چه کسی از مساجد جدا شد؟ ت ۷ متوسط

- الف - سلجوقیان - خواجه نظام الملک
- ب - سلجوقیان - تاج الملک
- ج - صفویه - شیخ بهایی
- د - دیلمیان - صاحب بن عباد

۶۹) اینگونه بناها با توجه به مکانهای شهری و عمومی در گذرگاهها، میدانها و راسته بازارها ساخته می شدند؟ ت ۷ متوسط

- الف - مصلی
- ب - مدارس
- ج - حمام ها
- د - کارونسرا

۷۰) کدامیک از موارد زیر جزء کاربری پل محسوب نمی شود؟ ت ۷ دشوار

- الف - تسهیل در امر عبور و مرور

- ب - ایجاد آب بند
- ج - مهار کامل آب
- د - ذخیره موقت آب

(۷۱) کدامیک از موارد زیر نام دیگر آرامگاهها و زیارتگاهها نبوده است؟ ت ۷ دشوار

- الف - بقعه
- ب - مزار
- ج - گنبد
- د - خانقاه

(۷۲) کدام کاخ در دوره قاجار ساخته شده است؟ ت ۷ دشوار

- الف - فرح آباد ساری
- ب - شمس العماره
- ج - کلات خورشید
- د - صفی آباد

(۷۳) کارونسراهای درون شهری در کجا قرار می گرفتند؟ ت ۷ دشوار

- الف - میدان مرکزی شهر
- ب - نزدیک دارالحکومه
- ج - مناطق مسکونی
- د - پشت دکان های بازار

(۷۴) میان در، در حمام های سنتی چه کاربردی داشته اند؟ ت ۸ آسان

- الف - محل استراحت
- ب - مکان خلوت
- ج - مانع اتلاف دما
- د - پیش فضا

(۷۵) کدامیک از موارد زیر جزء فضاهای حمام محسوب نمی شود؟ ت ۸ آسان

- الف - سربینه
- ب - میان در
- ج - هشتی
- د - رواق

(۷۶) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای قلعه های کوهستانی میباشد؟ ت ۸ آسان

- الف - دارای طرح و نقشه بوده اند
- ب - در ساخت آنها فقط از اجر و خشت استفاده می شده
- ج - پلان مربع داشته اند
- د - در صعب العبورترین منطقه ساخته می شدند

(۷۷) ایرانیان قدیم از ساخت آب انبارها چه بهره برده اند؟ ت ۸ متوسط

- الف - انبار نمودن آبهای اضافی
- ب - مهار نمودن آبها برای کشاورزی
- ج - ذخیره سازی آبهای زمستانی
- د - ذخیره سازی آبهای تابستانی

(۷۸) چار سوق بازار چگونه بوجود آمده است؟ ت ۸ متوسط

- الف - در پایان راسته بازار تشکیل می شود
- ب - مسیری که دو راسته بازار موازی را به هم وصل می کند
- ج - محل تقاطع دو راسته
- د - محل تقاطع دو رسته

(۷۹) به کدام قسمت از بازار قیصریه گفته می شود؟ ت ۸ متوسط

- الف - بازار مسگران
- ب - بازار کفاشان
- ج - همان تجارتخانه است
- د - محل کار پیشه وران ظریفکار

(۸۰) ایوانها بیشتر توسط کدامیک از عوامل تزئینی زیر آراسته می شود؟ ت ۸ متوسط

- الف - کاربندی
- ب - نقشهای اسلیمی
- ج - رسمی بندی
- د - مقرنس

(۸۱) به فضاهای سر پوشیده ستوندار متشکل از چشمه تاقهایی گفته می شود که در طرفین مساجد ساخته می شود؟ ت ۸ متوسط

الف - چهار صفه

ب - حجره

ج - رواق

د - ایوان

۸۲) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای شبستان محسوب می گردد؟ ت ۸ دشوار

الف - غیر قابل تغییر هستند

ب - ستون ندارند

ج - سقفهای بلند دارند

د - می توان آنها را توسعه داد یا کوچک کرد

۸۳) کدامیک از مواد زیردرمورد استفاده از حجره صحیح می باشد؟ ت ۸ دشوار

الف - محل گفتن اذان است

ب - محل زندگی مدرس و روحانی است

ج - در زمستان جهت اقامه نماز استفاده می شود

د - برای استفاده طلاب است

۸۴) کدامیک از اسامی زیر درابتدا برای مناره استفاده می شد؟ ت ۹ آسان

الف - ماذنه

ب - گلدسته

ج - میل

د - کلاه فرنگی

۸۵) ساقهء مناره در کدام قسمت آن قرار گرفته است؟ ت ۹ آسان

الف - ابتدای مناره

ب - انتهای مناره

ج - بین تاج و راس مناره

د - بین پایه و کلاهک

۸۶) از نظر شرایط اقلیمی و جغرافیایی بادگیر بیشتر در کدام مناطق ساخته می شود؟ ت ۹ آسان

الف - مناطق کوهستانی

ب - مناطق ساحلی

ج - مناطق جنگلی

د - مناطق کویری

(۸۷) از چه زمانی نصب ضریح چوبی بر روی مزارها بصورت سمبلیک متداول شد؟ ت ۹ متوسط

الف - قرن پنجم هجری

ب - قرن ششم هجری

ج - قرن هشتم هجری

د - قرن یازده هجری

(۸۸) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای گچ در مصالح ساختمانی محسوب نمی شود؟ ت ۹ متوسط

الف - قیمت آن ارزان است

ب - دیر سفت می شود

ج - زود سفت می شود

د - به هر قالب در می آید

(۸۹) در معماری بناها تلفیق آجر و کاشی را چه می نامند؟ ت ۹ متوسط

الف - مقرنس

ب - معقلی

ج - کار بندی

د - یزدی بندی

(۹۰) از سنگ در کدام قسمت از بنا استفاده نمی شده است؟ ت ۹ دشوار

الف - شالوده

ب - بدنه

ج - فرش کردن کف

د - سقف

(۹۱) کهنترین مسجد ایران که قدمت آن به قرن اول هجری می رسد کدام یک از موارد زیر است؟ ت ۹ دشوار

الف - تاربخانه دامغان

ب - مسجد جامع نایین

ج - مسجد جامع نیریز

د - مسجد جامع فهرج یزد

(۹۲) طاقها و ستونها ی مسجد تاربخانه دامغان مشابه ستونها ی کدام دوره است؟ ت ۱۰ آسان

الف - ساسانی

ب - اشکانی

ج - سلوکی

د - هخامنشی

۹۳) گنبد قابوس در کدام شهر قرار دارد؟ ت ۱۰ آسان

الف - بهشهر

ب - قزوین

ج - گرگان

د - ساری

۹۴) گنبد سلطانیه بر روی کدام پلان هندسی زیر ساخته شده است؟ ت ۱۰ متوسط

الف - پلان مربع

ب - پلان شش ضلعی

ج - پلان دایره

د - پلان هشت ضلعی

۹۵) گنبد سلطانیه دارای چند مناره می باشد؟ ت ۱۰ متوسط

الف - دو

ب - چهار

ج - شش

د - هشت

۹۶) ساخت گنبد سلطانیه در کدام دوران بوده است؟ ت ۱۰ متوسط

الف - سلجوقی

ب - ایلخانی

ج - تیموری

د - صفوی

۹۷) کاشیهای گنبد مسجد کبود تبریز از کدام نمونه کاشی می باشند؟ ت ۱۰ متوسط

الف - معرق

ب - هفت رنگ

ج - ساده

د - معقلی

۹۸ امروزه از کدام نوع نی در اجرای موسیقی اصیل ایران استفاده می شود؟ ت ۱۰ دشوار

- الف - نی کوتاه
- ب - نی بلند
- ج - نی هفت بند
- د - نی باصدای بم

۹۹ کدام ویژگی مربوط به نی بلند می باشد؟ ت ۱۰ دشوار

- الف - در قدیم به خرسک معروف بوده.
- ب - صدای زیر دارد.
- ج - چهار سوراخ رو و یک سوراخ در پشت دارد.
- د - بین صد تا صد و بیست سانتی متر است.

۱۰۰ نام دیگر عود چیست؟ ت ۱۰ دشوار

- الف - قانون
- ب - دهل
- ج - بربط
- د - قیچک

(۱) کوشش‌ها دستاوردها سرمایه‌ها و اندوخته‌های مادی انسان که در طول قرن‌ها و هزاره‌ها تا امروز ادامه یافته و بزرگترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است. ت ۱ آسان

الف - فرهنگ

ب - تمدن

ج - باستانشناسی

د - تاریخ

(۲) فرهنگ واژه‌ای است که ازدو بخش "فر" به معنی و "هنگ" تشکیل شده. ت ۱ آسان

الف - عربی - شکوه و جلال - بیرون آوردن

ب - فارسی - شکوه و جلال - بیرون آوردن

ج - فارسی - کمال یافتن - شکوه و جلال

د - عربی - بیرون آوردن - کمال یافتن

(۳) پدر مردم شناسی چه نام دارد؟ ت ۱ آسان

الف - ابن خلدون

ب - ابن ندیم

ج - ادوارد تیلر

د - هرودت

(۴) به نظر دانشمندان: تنها آن دسته از سرمایه‌های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب می‌شود که به گونه‌ای نشأت گرفته از باشد. ت ۱ آسان

الف - ذوق هنری انسان

ب - احساس معنوی

ج - آیین و مذهب

د - شیوه زندگی مردم

(۵) عصر برنز با چه دورانی مطابقت دارد؟ ت ۱ آسان

الف - دوران شهرنشینی

ب - عصر مس

ج - عصر نو سنگی

د - عصر بربریت

(۶) صنعت ابزارسازی الدوان و صنعت آشولین مربوط به کدام زمان بوده است؟ ت ۱ متوسط

الف - دیرینه سنگی میانی

ب - پارینه سنگی جدید

ج - پارینه سنگی قدیم

د - میان سنگی

(۷) انسان نئادرثال حدفاصل انسان.....وانسان.....است. ت ۱ متوسط

الف - هوشمند-هوشمند هشمند

ب - راست قامت -هوشمند هشمند

ج - راست قامت-هوشمند

د - ماهر-راست قامت

(۸) زندگی مسالمت آمیز انسان ، حیوانات و گیاهان را با چه عنوانی نامیده اند؟ ت ۱ متوسط

الف - انقلاب صنعتی

ب - عصر تمدن

ج - عصر بربریت

د - انقلاب نوسنگی

(۹) تمدن و فرهنگ به ترتیب دربرگیرنده کدامیک هستند؟ ت ۱ متوسط

الف - مظهر نمود صنعت و تکنولوژی-اداب و رسوم و فولکلور و سنت ها

ب - اداب و رسوم و فولکلورها-صنعت و تکنولوژی

ج - اداب و رسوم و فولکلورها و به طور کلی جنبه های معنوی-صنعت و تکنولوژی

وابزار و جنبه های مادی

د - صنعت و تکنولوژی و جنبه های مادی-اداب و رسوم و فولکلورها و سنت ها و جنبه

های معنوی

(۱۰) با توجه به طبقه بندی سازمان جهانی گردشگری سال ۱۹۹۳ کدامیک از افراد زیر گردشگر

محسوب میشوند؟ ت ۱ متوسط

الف - مهاجران موقت

ب - پناهندگان

ج - تجار و بازرگانان

د - دیپلمات ها

(۱۱) اولین تکنولوژی قرن ۱۹ که برگسترش صنعت گردشگری تاثیرات جدی گذاشت، کدامند؟

الف - حمل و نقل هوایی

ب - حمل و نقل ریلی و کشتی بخار

ج - اتومبیل و هواپیما

د - هاورکرافت

(۱۲) گردشگری نوستالژیک نوعی از گردشگری است که هدف آن.....برای گردشگر می باشد؟ ت ۱ متوسط

الف - شرکت در اجلاس بین المللی و سمینارهای سیاسی

ب - مطالعه و بررسی ویژگی های اداب و سنن

ج - بازدید از بازارها و نمایشگاهها

د - تداعی کردن خاطرات ایام گذشته

(۱۳) کدامیک از انواع گردشگری زیر جزء گردشگری پایدار محسوب می شوند؟ ت ۱ متوسط

الف - گردشگری تفریحی و انبوه

ب - گردشگری درمانی

ج - گردشگری ماجراجویانه

د - گردشگری روستایی

(۱۴) گردشگری 4s که بعد از جنگ جهانی دوم معروف شده است باعث به وجود آمدن کدام نوع گردشگری شده است؟ ت ۱ متوسط

الف - گردشگری ماجراجویانه

ب - گردشگری نوستالژیک

ج - گردشگری انبوه

د - گردشگری ورزشی

(۱۵) از هم پوشانی گردشگری ماجراجویانه، گردشگری محیط زیست و گردشگری درمانی کدام نوع گردشگری پدید می آید؟ ت ۱ متوسط

الف - گردشگری قومی

ب - گردشگری روستایی

ج - گردشگری اکوتوریسم

د - گردشگری تفریحی

(۱۶) علم باستان شناسی به چه جنبه هایی از تاریخ می پردازد؟ ت ۱ دشوار

الف - آثار به جای مانده مادی

ب - گذشته جوامع انسانی از متون مدون

ج - واستخراج فرهنگ ادوار گذشته

د - اقوام اولیه ونژادها

(۱۷) دوران پارینه سنگی قدیم-نوسنگی-دوران برنز با کدام تقسیم بندی جامعه شناسان تطابق دارد؟

الف - عصر توحش و جمع اوری غذا - عصر بربریت و آغاز کشاورزی و دامداری -

عصر تمدن و شهرنشینی

ب - عصر توحش و صنعت ابزار سازی - عصر بربریت و صنعت موسترین - عصر تمدن و یکجا نشینی

ج - عصر توحش و غار نشینی - انسان نئاندرتال - انسان راست قامت

د - انسان ماهر - انسان نئاندرتال - انسان هوشمند هوشمند

(۱۸) صنعت ابزار سازی موسترین، مربوط به کدام دوره است؟ ت ۱ دشوار

الف - پارینه سنگی میانی

ب - پارینه سنگی قدیم - پارینه سنگی میانی

ج - پارینه سنگی جدید

د - پارینه سنگی میانی - پارینه سنگی جدید

(۱۹) سلسله ی کیانیان با کدام پادشاه آغاز وبا کدامیک به پایان رسید؟ ت ۱ دشوار

الف - کیکاووس - دارا

ب - کیخسرو-هما

ج - کی قباد-دارا

د - کیکاووس-هما

(۲۰) معابد در دوره ی کهن بین النهرین چه نام دارد؟ تادشوار

الف - مقبره

ب - اپادانا

ج - زیگورات

د - مصطبه

(۲۱) کدام یک از دو روستای زیر از نظر شهرسازی دارای معماری صخره ای هستند؟ تادشوار

الف - میمند کرمان-فهلان فارس

ب - میمند کرمان-کندوان تبریز

ج - تکاب تبریز-کندوان تبریز

د - فهلان فارس-تکاب تبریز

22) Why were brick water tanks built along the main highways during the Safavie period? ت ۲ آسان

- a) To attract foreign tourist
- b) For their practical benefits.
- c) To show the significance of Safavid architecture
- d) Because of Shah Abbas's interest in travelling.

23) which of the following is NOT among the great achievements in the Seljuq period . ت ۲ آسان

- a) The construction of Isfahans's Jomeh's mosque.
- b) The establishment of a fine style throughout Iran
- c) the development of tile work.
- d) The introduction of Islamic calligraphy.

24) In the Sassanid period ,.....was the best material for the fine workmanship. ت ۲ آسان

- a) metal
- b) leather
- c) silk

d) a and c

25) Other monuments of the Sassanid period include.....carved on rock face the style of.....

ت ۲ آسان

- a) Thirty bas-relief/Sassanid king
- b) Forty bas-relief/Acheamenid king
- c) Forty bas-relief/Sassanid king
- d) Thirty bas-relief/Acheamenid king

26) Tag-e Bustan located near.....

ت ۲ آسان

- a) Isfahan
- b) Kerman
- c) Kermanshah
- d) both b &c

27) Masolum means.....

ت ۲ آسان

- a) beautiful writing
- b) having many twists or curves
- c) the front of a building
- d) a special building made to hold the dead body of an important person

28) What was the greatest period for the art of carpet weaving? ت ۲

متوسط

- a) The Timurid period
- b) The Seljuq period
- c) The Il-Khan period
- d) The Safavid period

29) What is *Persian art* connected with?

ت ۲ متوسط

- a) Architecture in the Sassanid period
- b) metal work and textile
- c) wealth of floral and geometric patterns
- d) The meaning of Persian art.

30) When did the art of the Far East begin to influence painting in Iran? ت ۲

متوسط

- a) During the Il-Khan period
- b) At the end of the 15th century.
- c) under the Timurids.
- d) With the establishment of the Baghdad school.

31) Which of the aspect of Persian art developed in Qajar period? ت ۲

متوسط

- a) Carpet weaving
- b) Standards of architecture
- c) Textile weaving
- d) The style of painting

32) what kind of design was used during the Sassanid period? ت ۲

متوسط

- a) The art of painting
- b) Scripts
- c) Miniature
- d) both a and b

33) The art of miniature reached its zenith during the.....dynasty. ت ۲

متوسط

- a) Sasssanid
- b) Seljuq
- c) Safavid
- d) Timurid

34) Painting in Iran has been greatly influenced by.....and..... ت ۲ متوسط

- a) poetry,painting
- b) poetry, theology
- c) theology, painting
- d) theology, miniature

35) The earliest paintings are illustrations of..... ت ۲

متوسط

- a) Hafez
- b) Nezami's Khamseh
- c) Ferdowsi's Shahnameh
- d) non of them

36) The word of zenith means.....

ت ۲ متوسط

- a) To honor or greatly respect
- b) A long narrow flat piece
- c) The best or most successful point or time
- d) To make somebody confused

37) The original structure of the mosque belong to which period in Iran? ت

ت ۲ متوسط

- a) Sassanid period
- b) QaraQoyunlu period
- c) Seljuq period
- d) Qajar period

38) What is the oldest Persian musical work?

ت ۲ متوسط

- a) Sassanid choral music
- b) Zoroastrian Hymnology
- c) Old Persian symphonies
- d) Barbod's musical compositions.

39) classical Persian literature has developed under two powerful patronages.....and..... ت ۲ دشوار

- a) royal and art
- b) royal and religious
- c) art and painting
- d) religious and painting

40) Abu Sa'eed ,Baba Tahir, Gorgani and Sana'i all of them were in the period and they can boast of them. ت ۲ دشوار

- a) Seljuq period
- b) Timurid period
- c) Sassanid period
- d) Il-Khan period

41) and.....wrrer two poetic geniuses of the first rank
in the thirteenth century. ت ۲ دشوار.

- a) Sa'adi, Iraqi
- b) Sa'adi, Rumi
- c) Rumi, Hamdulah
- d) Hamdulah, Iraqi

۴۲) بنای باشکوه تخت جمشید به چه دلیلی ساخته شده است؟ ت ۳ آسان

الف - پایتخت اقتصادی

ب - پایتخت سیاسی

ج - پایتخت آیینی

د - پایتخت ملل

۴۳) سبک مجسمه های تخت جمشید برگرفته از کدام فرهنگ است و نشان دهنده ی چیست؟

ت ۳ آسان

الف - بابلیان - عظمت و شکوه حکومت

ب - مصریان - مهندسی دقیق و وقار در زندگی

ج - اشوریان - عبرت آموزی و آگاهی حضور آسمانی

د - بین النهرین - رفتار متفاوت اقوام و صلح طلبی

۴۴) دستیابی به گنبد روی گوشواره و ایوان طاق دار مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳ آسان

الف - ساسانیان

ب - اشکانیان

ج - ایلخانیان

د - سلجوقیان

۴۵) کدامیک از آثار دوره ساسانی است؟ ت ۳ آسان

الف - طاق کسرا - چهارطاقی نیاسر - آتشکده اذرگشسب

ب - طاق کسرا - تخت سلیمان - معبد کنگاور

ج - چهارطاق نیاسر - اتشکده اذرگشسب - کاخ هترا

د - چهارطاق نیاسر - کاخ اشور - معبد کنگاور

(۴۶) کدامیک از شیوه های زیر مربوط به معماری دوران اسلامی ایران میباشند؟ ت ۳ متوسط

الف - رازی - خراسانی - پارسی - شامی

ب - رازی - پارسی - شامی - اذری

ج - خراسانی - رازی - اذری - اصفهانی

د - خراسانی - رازی - اصفهانی - شامی

(۴۷) کدامیک جزء مساجد شبستانی محسوب میشوند؟ ت ۳ متوسط

الف - مسجد اولیه جامع نایین - تاریخانه دامغان - مسجد گوهرشاد

ب - تاریخانه دامغان - مسجد گوهرشاد - مسجد زواره

ج - تاریخانه دامغان - مسجد گوهرشاد - مسجد نطنز

د - مسجد اولیه جامع نایین - مسجد اولیه جامع اصفهان - تاریخانه دامغان

(۴۸) کدام یک از مساجد دارای شکل زیبا و کاملی هستند و بیشتر مربوط به چه دوره ای می

باشند؟ ت ۳ متوسط

الف - دو ایونی - سلجوقیان

ب - دو ایوانی - صفویان

ج - شبستانی - صفویان

د - چهار ایوانی - سلجوقیان

(۴۹) مسجد تاریخانه دامغان فاقد عناصر و میباشد. ت ۳ متوسط

الف - مناره - صحن

ب - شبستان - ایوان

ج - ایوان - گنبد

د - مناره - شبستان

(۵۰) چهار جزء اصلی مناره کدامند؟ ت ۳ متوسط

الف - پایه - ساقه - مآذنه - پله مارپیچ

ب - شالوده-بدنه-پله مارپیچ-تاج

ج - شالوده-بئنه-گلوگاه-پله پیچ

د - پایه-ساقه-مأذنه-کلاهک

(۵۱) پوسته ی بیرونی بنای گنبد را..... و گنبد موجود زیر گنبد خارجی که آن را از داخل مشاهده میکنیم اصطلاحاً..... میگویند. ت ۳متوسط

الف - خود-آهیانه

ب - آهیانه-خود

ج - آهیانه-دوپوش

د - خود-دوپوش

(۵۲) بنای شاه نعمت الله ولی در کرمان جزء کدام دسته از بناها میباشد؟ ت ۳متوسط

الف - مقبره

ب - آرامگاه

ج - خانقاه

د - تکیه

(۵۳) قدیمیترین پلی که بر روی رودخانه ی ارس احداث شده به نسبت میدهند. ت ۳متوسط

الف - هخامنشیان

ب - اوراتورها

ج - ساسانیان

د - آل بویه

(۵۴) قدیمی ترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران مقبره امیر اسماعیل سامانی در.....است. ت ۳متوسط

الف - شهر ری

ب - نیشابور

ج - بخارا

د - زنجان

(۵۵) قدیمی ترین پل اصفهان کدام است و مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳متوسط

- الف - مارنان - سلجوقی
- ب - چوبی - ساسانی
- ج - پل شهرستان - سلجوقی
- د - مارنان - ساسانی

(۵۶) کاخ های معروف دوره اشکانی کدامند؟ ت ۳متوسط

- الف - کاخ هترا - کاخ عشق آباد
- ب - کاخ کوه خواجه - کاخ نیشابور
- ج - کاخ هترا - کاخ فیروز آباد
- د - کاخ عشق آباد - کاخ بیشابور

(۵۷) ظهور اسلام بر کدام فرم و شکل معماری کاخ سازی ایران تاثیر گذاشت؟ ت ۳متوسط

- الف - استفاده شکل ها و نقوش اسلیمی
- ب - استفاده زیاد از قوس های شکسته و تیزه دار
- ج - استفاده زیاد از قوس های مازه دار
- د - استفاده از کتیبه های خط ثلث

(۵۸) غلافخانه بخشی از محیط است. ت ۳متوسط

- الف - کاخ
- ب - مدارس
- ج - کاروانسرا
- د - بازار

(۵۹) کدامیک جزء تزیینات داخلی یک حمام نمی باشد؟

- الف - ازاره های سنگی
- ب - آهک بری
- ج - کاشی کاری
- د - گچ بری

۶۰) فضاهای سرپوشیده در بازار که به عرضه یک نوع کالا اختصاص دارند و دارای حجره در اطراف هستند؟ ت ۳ متوسط

الف - بازارچه

ب - سرا

ج - تیمچه

د - قیصریه

۶۱) یکی از پر اهمیت ترین مصالح ساختمانی دوران اسلامی که به استادکاران این هنر جصاص می‌گفتند چه نام دارد؟ ت ۳ متوسط

الف - کاشی هفت رنگ

ب - گچ

ج - شیشه های الوان

د - آجر تراشدار

۶۲) کدامیک جزء ویژگی آلمان ها نیست؟ ت ۳ متوسط

الف - سفر دوست هستند

ب - روحیه کار جمعی بالا

ج - فعال ترین زنان اروپا

د - بانکداری قدرتمند

۶۳) کدام سبک معماری دارای ویژگی های زیر است ؟ سادگی - دوری از بیهودگی - مردم واری - استفاده از مصالح بومی) ت ۳ متوسط

الف - رازی

ب - خراسانی

ج - آذری

د - اصفهانی

۶۴) آرنولد توین بی در خصوص تمدن ساز بودن روحیه ی ملل چه نظریه ای دارد؟ ت ۳ متوسط

- الف - نژاد و جغرافیا تنها عامل تمدن ساز هستند
- ب - نژاد با تمدن رابطه مستقیم ندارد
- ج - روح مبارزه طلبی با محیط ، تمدن را میسازد
- د - اصالت نژادی در تشکیل تمدن موثر است

۶۵) کدام یک ویژگی صنایع دستی ایران نیست؟ ت ۳ متوسط

- الف - همانند و شبیه بودن فراورده های تولیدی
- ب - انجام قسمتی از مراحل توسط دست
- ج - بر آوردن نیازهای داخلی
- د - استفاده از مواد اولیه داخلی

۶۶) حصیر به طور عمده با دو روش و بافته میشود. ت ۳ متوسط

- الف - مارپیچ و مشبک
- ب - مشبک و درهم بافته
- ج - مارپیچ و مقطع دایره
- د - مشبک و مقطع دایره

۶۷) معرق چوب چیست ؟ ت ۳ دشوار

- الف - انتقال طرح روی چوب
- ب - تلفیق و ترکیبی از انواع چوب های خود رنگ
- ج - تلفیق و ترکیبی از یک نوع چوب خود رنگ
- د - ترکیب مثبت و خاتم

۶۸) مغار شفره مغاری است ت ۳ دشوار

- الف - که تیغه ای تخت با لبه برش صاف دارد و برای دوربری خطوط و کنده کاری زمینه مثبت استفاده میشوند.
- ب - که دارای تیغه ای ناودانی شکل با لبه برش هلالی است و برای دوربری قسمت های منحنی شکل و ساخت و ساز استفاده میشوند.

- ج - با تیغه ای ناودانی با لبه ی برش به شکل هفت است و از آن برای شیار زدن و دو
بری اولیه نقوش استفاده میشود.
- د - با تیغه ای ناودانی شکل و لبه برش دایره است و از آن برای دور بری قسمت های
دایره ای شکل و ساخت و ساز نقوش استفاده میشود.

(۶۹) کدام یک از موارد زیر از مراحل تولید منبت نیست؟ ت ۳دشوار

- الف - انتقال طرح روی چوب
- ب - دور بری
- ج - تلفیق چوبهای خودرنگ
- د - کنده کاری

(۷۰) ساخت اشیای فلزی به روش سرد به.....معروف است. ت ۳دشوار

- الف - منبت کاری
- ب - معرق کاری
- ج - دواتگری
- د - قلمزنی

(۷۱) کدامیک از موارد زیر از شیوه های رایج در قلمزنی نیست؟ ت ۳دشوار

- الف - شیوه عکسی
- ب - شیوه مشبک
- ج - شیوه معرق کاری
- د - شیوه برجسته

(۷۲) موج دار کردن فولاد با طلا و نقره را.....گویند. ت ۳دشوار

- الف - زرگری
- ب - طلا کوبی
- ج - قلمزنی
- د - دواتگری

(۷۳) مکتب بغداد به چه دوره ای از تاریخ مربوط است ویژگی بارز آن کدام است؟ ت ۳دشوار

- الف - دوره صفوی-شبهات چهره ها به نژاد آریایی

ب - دوره سلجوقی - شباهت چهره ها به نژاد ترک

ج - دوره عباسی - شباهت چهره ها با نژاد سامی

د - دوره عباسی - شباهت چهره ها با نژاد ایرانی

(۷۴) در کدام دوره هنر نگارگری به اوج و عالی ترین درجه خود رسید؟ ت ۳دشوار

الف - دوره عباسی

ب - دوره مغول

ج - دوره هرات

د - دوره بغداد

(۷۵) کدام یک از کتابهای زیر در دوره مکتب هرات مصور نشده است؟ ت ۳دشوار

الف - کلیله و دمنه

ب - شاهنامه فردوسی

ج - ظفرنامه

د - خمسه نظامی

(۷۶) کدامیک ابزار و وسایل نگارگری می باشد ت ۳دشوار

الف - قلم مو - بوم - اره مویی - پوست

ب - قلم مو - رنگ - اره مویی - بست

ج - قلم مو - بوم - رنگ - بست

د - قلم مو - پوست - رنگ - بست

(۷۷) رنگهای مورد استفاده در نگارگری به چند گروه تقسیم می شوند؟ ت ۳دشوار

الف - دو گروه - گیاهی و معدنی

ب - دو گروه - گیاهی - شیمیایی

ج - سه گروه - معدنی - شیمیایی - گیاهی

د - سه گروه - معدنی - فیزیکی - گیاهی

(۷۸) کدامیک از موارد زیر از تعریف دقیق سکه دوزی است؟ ت ۳دشوار

الف - قدیمترین نوع رودوزی که معمولاً روی کتان سفید یا رنگی با نخ های هم رنگ انجام میشود.

ب - قدیمترین نوع رودوزی که معمولاً روی کتان با نخ های متفاوت انجام میشود

ج - معمولاً روی پارچه کتانی، ابریشمی و پشمی ظریف، در اطراف کارها قلاب دوزی انجام میشود.

د - عبارت است از بیرون کشیدن تعدادی تار و پود یا هر دو از نقطه معینی از پارچه و پر کردن آن با سوزن.

(۷۹) کدامیک از موارد زیر از رودوزی با زمینه پر است؟ ت ۳ دشوار

الف - رو دوزی با نخ های رنگی

ب - چشمه دوزی

ج - بخارا دوزی

د - شبکه دوزی

(۸۰) از نمونه های رودوزی با افزودنیهای تزئینی هستند؟ ت ۳ دشوار

الف - سکه دوزی - شبکه دوزی

ب - سکه دوزی - بخارا دوزی

ج - نقره دوزی - سکه دوزی

د - مليله دوزی - نقره دوزی

(۸۱) چاپی که روی پارچه های پنبه ای و کتانی زده میشود به..... یا..... معروف است. ت ۳ دشوار

الف - چاپ سنتی - چیت سازی

ب - چاپ سنتی - چاپ کلاته ای

ج - قلم کار - کلاته ای

د - قلم کار - چیت سازی

(۸۲) از ترکیب اکسید مس با شیشه، رنگ..... بدست میاید. ت ۳ دشوار

الف - سبز روشن و تیره

- ب - زرد یا آبی سبز
ج - سبز یا آبی سبز
 د - آبی خیلی کمرنگ

(۸۳) انواع جلدها از نظر روکش شامل چند گروه است؟ ت ۳دشوار

- الف - ۳ گروه - ضربی، روغنی، منبت
 ب - ۳ گروه - ضربی، روغنی، معرق
 ج - ۴ گروه - ضربی، سوخت، منبت، روغنی
د - ۴ گروه - ضربی، روغنی، سوخت، معرق

(۸۴) کربنات کلسیم جزء کدامیک از مواد مصالح شیشه گری محسوب می شود؟ ت ۳دشوار

- الف - عناصر تثبیت کننده
 ب - عناصر ذوب کننده
 ج - عناصر پایه
 د - عناصر سفید کننده

(۸۵) آب گز کردن شیشه به چه معناست؟ ت ۳دشوار

- الف - ایجاد نقش برجسته بر روی شیشه
 ب - کنده کاری روی شیشه
ج - ایجاد ترکهای ریز در بدنه
 د - رنگ آمیزی شیشه

(۸۶) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای اقتصادی صنایع دستی محسوب نمی شود؟ ت ۳دشوار

- الف - سهولت ایجاد مراکز تولید
 ب - اشتغال زا بودن
 ج - بی نیازی به سرمایه کلان
د - همانند نبودن فراورده های تولیدی با یکدیگر

(۸۷) کدامیک از موارد زیر از ویژگیهای گلیم می باشد؟ ت ۳دشوار

- الف - دارای طرح لچک و ترنج
- ب - بدون دار بافته می شود
- ج - از نخ پشمی رنگارنگ بعنوان پود استفاده می شود
- د - دارای گره های متقارن است

(۸۸) قدیمی ترین نسخه شاهنامه مربوط به کدام دوره است؟ ت ۳ دشوار

- الف - مکتب بغداد
- ب - مکتب سلجوقی
- ج - مکتب هرات
- د - دوره ایلخانیان

(۸۹) کدام مورد از ایلات خمسه به شمار می آیند. ت ۴ آسان

- الف - اینانلو و گوران
- ب - گوران و کلهر
- ج - بهارلو و اینانلو
- د - بهارلو و زعفران لو

(۹۰) کدامیک از موارد زیر علت غم انگیز بودن موسیقی قشقایی نیست؟ ت ۴ آسان

- الف - مسایل و مشکلات کوچ نشینی
- ب - جریان های مذهبی و مصایبی که بر خاندان نبوت گذشته
- ج - دلبستگی به دنیای مادی
- د - مهاجرت های اجباری و تبعید و دور ماندن از غافله گروه ها

(۹۱) کدام قوم اکثرا نوزاد اول را چنانچه دختر باشد، به نام مادر و اگر پسر باشد به نام پدر می

نهند. ت ۴ آسان

- الف - کرد
- ب - بختیاری
- ج - قشقایی
- د - بلوچ

(۹۲) کدامیک از عناصر اصلی باغ به شمار نمیاید؟ ت ۴ آسان

- الف - آب

ب - گیاه

ج - فضا

د - فواره

۹۳) لقب کدام الهه بغداد یا بیدخت است. ت ۴ آسان

الف - زروان

ب - آناهیتا

ج - شیوانا

د - میترا

۹۴) ریشه واژه باغ مربوط به کدام زبان است؟ ت ۴ متوسط

الف - فارسی

ب - یونانی

ج - سغدی

د - هندی

۹۵) در کدام زبان به جای واژه باغ از «باک» استفاده می شده است؟ ت ۴ متوسط

الف - فارسی

ب - یونانی

ج - سغدی

د - هندی

۹۶) کدامیک از موارد زیر جزء عناصر اصلی باغ ایرانی نیست؟ ت ۴ متوسط

الف - باغچه

ب - زمین

ج - آب

د - گیاه

۹۷) ایجاد آبشار و آبشره در باغ وابسته به کدامیک از عناصر اصلی است. ت ۴ متوسط

الف - زمین

ب - فضای معمارانه

ج - خاک و آب

د - زمین و آب

۹۸) آب به دلیل کدامیک از موارد زیر در باغ ایرانی اهمیت دارد؟ ت ۴ متوسط

الف - زیباشناختی و کارکردی

ب - ایجاد آبشار

ج - ایجاد استخر

د - ایجاد فواره

۹۹) دو مشعل دار همراه میترا در زمان زایش وی نشان دهنده ؟ ت ۴ متوسط

الف - نور و روشنایی

ب - خورشید

ج - طلوع و غروب

د - آتش

۱۰۰) میترا چه نوع رب النوعی بوده است؟ ت ۴ متوسط

الف - مرگ

ب - زایش

ج - داوری در حیات

د - عهد و پیمان



سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای

راهنمای فرهنگس گر دشگرس



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
تاریخ و فرهنگ ایران	۱
مفاهیم پایه گردشگری	۲
تاریخچه مسافرت و جهانگردی	۴
تفاوت گردشگری در عصر سنت و عصر مدرن	۶
مروری اجمالی بر تاریخچه سفر و سیاحت در ایران	۹
انواع گردشگری	۱۳
باستان شناسی	۱۷
تاریخ ایران پیش از اسلام	۲۱
تبدیل تاریخ ها	۲۴
اولین سکونت گاهها در ایران	۲۵
معماری دوره تاریخی ایران	۲۷
بناهای مذهبی	۳۳
بنا های غیر مذهبی	۴۵
عناصر تشکیل دهنده معماری	۵۹
سبک شناسی معماری ایرانی	۶۵
روحیات ملل	۷۳
آشنایی با صنایع دستی ایران	۸۱
ایلات و عشایر ایران	۱۳۱
غذای محلی	۱۵۰
آب و هوا	۱۵۲
باغ ایرانی	۱۵۵
اُسطوره ها و ادیان باستانی	۱۵۶
رده بندی کردن جشن ها	۱۷۳
پیر سبز چک چک	۱۸۵
آیین سالانه قره کلیسا	۱۸۶
آیین قالی شویان اردهال	۱۸۷
موسیقی سنتی ایران	۱۹۱
پرچم شیر و خورشید ایران	۲۰۹
زبان ایرانی کهن	۲۱۳

مقدمه

تاریخ و فرهنگ ایران

تمدن: مصدر باب تفاعل از واژه مدینه و مدن به معنی زندگانی و حیات شهری به کار می رود. معادل این واژه در زبان فارسی شهرگرایی یا شهری گری است. ولی در زبان های عربی از زامان ابن خلدون جامعه شناس عرب (قرن هشتم هـ برابر با چهاردهم میلادی) در کتاب المقدمه معادل واژه تمدن را الحضاره به کار برده که از واژه حضری در مقابل بدوی و ابتدایی گرفته شده و درست به معنای شهر نشینی است. در زبان های اروپایی civilization معادل تمدن و از واژه لاتینی civic به معنی شهر اقتباس شده است.

بر روی هم می توان تمدن را عبارت از:

مجموعه کوشش ها، دستاوردها، سرمایه ها و اندوخته های مادی انسان دانست که در طول قرن ها و هزاره ها تا به امروز ادامه یافته و بزرگ ترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است.

فرهنگ: فرهنگ بر خلاف تمدن واژه ای فارسی است که از دو بخش فر به معنی جلو، بالا، شکوه و جلال و بخش دوم هنگ (بیرون آوردن) و بر روی هم به معنی بیرون آوردن آب از چاه است. بعد از اسلام ایرانیان (هرچند که در شاهنامه فردوسی واژه فرهنگ را برای کمال یافتن انسان به کار برده است) بیشتر واژه ادب و جمع آن آداب را استعمال می کردند. منتهی در زبان عربی امروز معادل واژه فرهنگ الثقافه است و در زبان های اروپایی واژه culture به کار برده می شود. بر روی هم هنوز در میان جامعه شناسان، مردم شناسان و فرهنگ شناسان درباره تعاریف فرهنگ اتفاق نظری موجود نیست. ادوارد تیلر پدر مردم شناسی معتقد است که هیچ یک از اقوام ابتدایی و اقوام عصر حجر را که بقایای آنها تا اوایل قرن بیستم در اقیانوسیه و آفریقا حضور داشته اند را نباید اقوام وحشی نامید. زیرا همان اقوام ابتدایی نیز برای خود فرهنگی خاص داشته اند. به عقیده وی فرهنگ مجموعه ای از سرمایه ها و اندوخته های مادی و معنوی انسان است که از یک نسل به نسل دیگر منتقل شده و بر روی هم مجموعه آداب و رسوم، سنت ها، فولکور یا ادبیات عامه و تمام مسائلی که به نحوی منبعث از دین و مذهب است، می توان به عنوان فرهنگ و پدیده های فرهنگی دانست. به نظر دانشمندان تنها آن دسته از سرمایه های مادی انسان در شمار فرهنگ محسوب می شود که به گونه ای نشأت گرفته از ذوق هنری انسان باشد. برای نمونه هنرهای تجسمی که به صورت پیکرها و مجسمه ها از جنس های مختلف سنگی، گچی، گلی، زرین و سیمین و مفرغی در ایام گذشته تهیه شده است. با توجه به این که توسط هنرمند زمانه خود ساخته شده بایستی در شمار میراث های فرهنگی آن دوره و زمانه قلمداد گردد. بدین ترتیب هنرها هرچند که مظاهر و نمود مادی دارند و به عبارت دیگر عینی و مشهودند (objective) ولی با صنعت مغایر و متمایزند و همچون شعر و ادبیات زمینه های ذهنی (subjective) دارند.

به عبارت دیگر صنعت و ابزارها و تکنولوژی صرفاً جهت استفاده مادی و زیبایی و هنر برای استفاده معنوی انسان است.

مفاهیم پایه گردشگری

لغت گردشگری (Tourism) از کلمه Tour به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین Turns به معنای دور زدن ، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد ، و چرخش دارد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه ، و در نهایت به انگلیسی راه یافته است .

در فرهنگ و بستر ، گردشگری : به سفری که در آنجا مسافرتی به مقصدی انجام می گیرد و سپس بازگشتی به محل سکونت را در بردارد ، اطلاق می گردد .

در فرهنگ لغت لانگمن (Longman, 1988) ، گردشگری به معنای مسافرت و تفریح برای سرگرمی ، معنا شده ؛ در فرهنگ لاروس (Larousse, 1991) گردشگری به معنای مسافرت برای تفریح (لذت یا رضایت) آمده است ؛ و در فرهنگ دهخدا گردشگری، سفر به اقطار عالم به منظور شناخت .

سازمان جهانی جهانگردی (که بسیاری از دولت ها در آن عضویت دارند) راهی را برای ارائه تعریفی عمومی از جهانگردی نشان داده است . در سال ۱۹۹۱ ، سازمان جهانی جهانگردی و دولت کانادا ، کنفرانس بین المللی درباره مسافرت و آمارهای جهانگردی در اتاوا ، کانادا تشکیل دادند که نظر و پیشنهادهایی مربوط به جهانگردی (تعریف و طبقه بندی آن) ارائه دادند . تعاریفی که در زیر صورت گرفته ، مبتنی بر تعریف هایی هستند که سازمان جهانی جهانگردی از جهانگردی و جهانگرد ارائه نموده است . (شکل ۱-۱)

- **توریسم ، جهانگردی ، گردشگری :** " به عمل فردی که به مسافرت می رود و در آن مکان که خارج از محیط زندگی وی است ، برای مدتی کمتر از یکسال ، جهت تفریح ، تجارت و دیگر هدف ها اقامت نماید ، گفته می شود

- **توریست ، جهانگرد ، گردشگر :** واژه گردشگر نیز مانند گردشگری تعاریف متعددی دارد ؛ در واقع ، هر تعریفی از گردشگری را که بپذیریم ، واژه گردشگر را هم باید بر همان اساس تعریف کنیم . سازمان جهانی گردشگری در تعریفی کامل گردشگر را چنین توصیف کرده است :

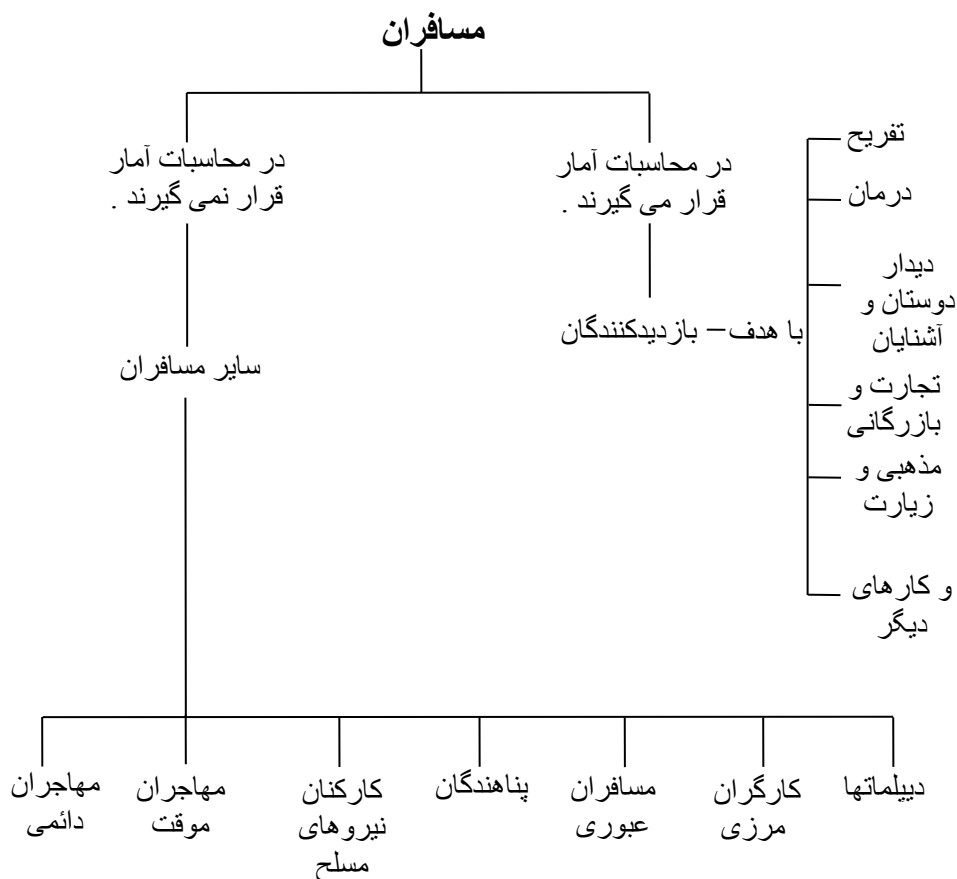
" به کسیکه برای مدت زمانی ، دست کم یک شب و کمتر از یکسال به کشوری غیر از وطن یا محل سکونت خود مسافرت می کند و هدف او کار کردن و کسب درآمد نیست ، توریست گفته می شود . "

این تعریف شامل کسانی می شود که برای تفریح ، گذراندن تعطیلات ، دیدار دوستان و بستگان ، انجام دادن امور تجارت و حرفه ای ، درمان و زیارت و یا تأمین هدف های دیگر به مسافرت می روند ؛ توجه شود که بازدیدهای یک روزه که گاه آن را تفرج می نامند ، در این تعریف نمی گنجد . همچنین تمام کسانی که صرفاً از مرز خارج می شوند مثل خدمه و کارکنان شرکت های هوایی و کشتیرانی ، مأموران نیروهای مسلح ، صحرانشینان ، کارگران مرزی ، دانشجویانی که برای تحصیل به کشورهای دیگر می روند و سایر گروه هایی که هدف های دیگری دارند گردشگر محسوب نمی شوند .

- **بازدید کننده (Visitor) :** گردشگری است که شب را در یک اقامتگاه عمومی یا خصوصی در محل مورد بازدید به سر نمی برد (مسافرت یک روزه) .

- بازدیدکننده یک شبه : کسی که حداقل یک شب را در یک اقامتگاه عمومی یا خصوصی در محل مورد بازدید ، به سر برد .

- مسافر (Traveler) : کسی که بین دو یا چند مکان سفر کند.



**شکل ۱-۱ ، طبقه بندی مسافران در صنعت
جهانگردی (مأخذ : سازمان جهانی جهانگردی ۱۹۹۳)**

اگر معیار سنجش را کشور قرار دهیم ، می توان عبارت های جهانگردی " بومی " (داخلی) ، جهانگردی " درون مرزی " (ملی) و جهانگردی " برون مرزی " (بین المللی) را به روش های مختلفی بیان نمود و سه دسته بندی زیر را ارائه داد :

- گردشگری داخلی : به ساکنان منطقه ای خاص اطلاق می شود که فقط در منطقه مربوطه سفر می کنند .

- گردشگری ملی : به افرادی غیر از ساکنان منطقه ای خاص گفته می شود که فقط در بین مناطق درون کشور خود مسافرت می کنند .

- گردشگری بین المللی : به افراد ساکن یک منطقه که به کشوری غیر از کشور محل سکونت خود سفر می کنند .

تاریخچه مسافرت و جهانگردی

از آنجا که واژه مسافرت و جهانگردی به قدمت تمدن است، تاریخ نشان می دهد که مسافرت همیشه با تجربه های خوش آیندی همراه نبوده است. در این قسمت به طور خلاصه، مروری بر تکامل تاریخچه جهانگردی از عهد باستان تا دنیای امروز انجام می شود و چالش های پیش روی جهانگردی در حالیکه دنیا پا به هزاره جدید می گذارد، مورد بررسی قرار می گیرد.

- عهد باستان

مردم تمدن های ما قبل تاریخ با انگیزه بدست آوردن غذا، دوری از خطر و نقل مکان به آب و هوای مساعد، مسافرت می کردند. با افزایش مهارت و کسب فنون، نیاز انسان به زندگی بدوی و خانه بدوشی کاهش یافت و دیگر با انگیزه تجارت و معامله کالا مسافرت می کرد. از آنجا که امپراتوری های عهد باستان در قاره آفریقا، آسیا و خاورمیانه ایجاد شدند، زیر بنای اقتصادی به وجود آمد که باعث ایجاد جاده و راه های آبی و همچنین وسایل نقلیه ای برای سهولت راه شد. در دوره حکومت خانواده های سلطنتی در مصر، مسافرت با قصد تجارت و تفریح انجام می گرفت که اینگونه مسافرت ها رونق زیادی یافت و در نتیجه در مسیرهای طولانی و شهرها برای پذیرایی از مسافرانی که بین قرارگاه های دولت مرکزی و مناطق خارج از قلمرو مسافرت می کردند، مهمانخانه هایی ساخته شد.

یونانیان باستان در دو مرحله باعث پیشبرد و توسعه مسافرت و جهانگردی شدند؛ نخست با گسترش ضرب سکه که دیگر مسافران مجبور نبودند به خاطر معاوضه کالاهای مورد نظر، آنها را با خود حمل کنند؛ دوم، با گسترش زبان یونانی در سراسر حوزه مدیترانه که باعث شد مسافران بتوانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. از آنجایی که بیشتر شهرها و شهرک های یونان در کنار ساحل قرار داشتند، اصولاً مسافرتها به وسیله خطوط دریایی انجام می شدند. یونانیان علاقه بسیاری به بازدید از شهرها به ویژه آتن داشتند؛ در ضمن آنها از مسافرت برای تماشای جشن های مذهبی لذت می بردند و می کوشیدند مسابقات المپیک را که هر چهار سال یکبار برگزار می شد را ببینند.

زمانیکه امپراتوری روم به قدرت رسید، طبقه اشراف زاده حاکم، سرگرم تفریح در دوره ای نسبتاً آرام بودند. آنها همانند یونانیان از مراسم مذهبی و ورزشی لذت می بردند. اشراف زادگان روم علاوه بر دیدن جاهای دیدنی، از یونان نیز بازدید می کردند. فردی به نام پوسانیاس که اهل یونان بود و در سال ۱۷۰ میلادی کتاب ده جلدی به نام «راهنمای یونان» منتشر کرد تا مسافران را راهنمایی کند. این کتاب برای سیاحان رومی نوشته شد. بر عکس اهالی روم به مصر مسافرت می کردند تا از «مجسمه ابوالهول» و «اهرام ثلاثه» دیدن کنند. آسمان مصر همیشه آفتابی بود و آب و هوای گرم و خشکی داشت؛ از این رو رومی ها جذب این مکان شدند.

در تمدن های آسیایی هم تاریخ بلند بالایی از سیاحت، تفریح و گردش وجود دارد، که نمونه های شناخته شده آن وجود تفریحگاه هایی در مناطق خوش آب و هوای چین و ژاپن است.

- قرون وسطی (قرن پنجم تا چهاردهم میلادی)

تجارت و مسافرت در قرون وسطی رونق کمتری داشت، به صورتی که جاده ها تقریباً از بین رفته و شرایط مسافرت بسیار مشکل و حتی خطرناک شد. طی این دوره، دیدار از کلیساهای مسیحیان، نخستین اولویت بود؛ زیرا صومعه های زیادی در نقاط مختلف پراکنده بودند و راهبان و کشیشان مسیحی مردم را تشویق به زیارت این مکان ها می کردند. در سده چهارم،

مسافرت به قصد زیارت به صورت یک پدیده انبوه و سازمان یافته درآمد. مسیحیان به بیت المقدس و روم مسافرت می کردند و با وجود اینکه این مسافرت ها اساس و رنگ مذهبی داشتند، مسافرت های تفریحی و اجتماعی هم به حساب می آمدند.

در نیمه دوم سده سیزدهم، «مارکوپولو» مسیری از اروپا به آسیا تعیین کرد. او در چین پی به یک سیستم جاده ای بسیار عالی، که برای اولین بار در زمان سلطنت خانواده چو ساخته شده بود، برد (۱۲۲۱-۱۲۲۲ ق.م) مارکوپولو کتاب خود را بر مبنای این سفر نوشت و این کتاب نخستین منبع اطلاعاتی غرب درباره زندگی شرق در آن دوران قرار گرفت.

نخستین مسافرت کاروانی مربوط به کاروانی است که از ونیز به بیت المقدس می رفت. پیش از شروع سفر، از مسافران مبلغ مشخصی برای هزینه سفر مانند: رفت و برگشت، غذا، استراحتگاه، حیوان برای حمل مسافر و بار، و پولی که باید به عنوان رشوه پرداخت می شد، گرفتند. نخستین نمونه غذاهای فوری امروزی را می توان در مسیر این مسافرت های پر جمعیت مشاهده کرد.

- رنسانس (سده چهارده تا هفده میلادی)

در این دوره بیشتر مسافرت ها با هدف کسب دانش و تجربه آموزی انجام می شد. در انگلستان، ملکه الیزابت اول، برای تربیت و پرورش نمایندگان خارجی، مسافرت هایی را برای آنان فراهم می کرد و دانشگاه هایی مانند آکسفورد و کمبریج در انگلستان به همراه بورسیه تحصیلی برای دانشجویان ایجاد نمود؛ علاوه بر این جواز مسافرت که دو تا سه سال اعتبار داشت صادر گردید و بدین وسیله محدودیت هایی بر مقدار پول، تعداد اسب و خدمه (معمولاً سه نفر) مشخص شد. برای هر مسافر فقط هنگام خروج از کشور، گذرنامه ای صادر می شد. مسافران پول نقد کمتری حمل میکردند و در ازای پول نقد زیاد، از برگ اعتباری که امروزه به چک های مسافرتی معروف اند، استفاده می نمودند.

کاروان های مسافرتی دوره الیزابت پس از چندی، دارای ساختار و سازمان منظمی گردیدند و آن را «گرانده تور» نامیدند. این کاروان ها کار خود را در نیمه سده هفده شروع کردند و تا نیمه سده نوزده پابرجا بودند. بیشتر اعضای این کاروان ها برای کسب دانش و تجربه های جدید به مسافرت می رفتند. گراند تور یک راهنمای سفر داشت که در سال ۱۷۷۸ میلادی توسط توماس نوگنت تهیه شد و پر فروشترین کتاب، معرفی گردید.

- انقلاب صنعتی (۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰)

انقلاب صنعتی که از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ ادامه یافت، پایه و اساس گردش های دسته جمعی را، که امروز ما با آن آشنا هستیم، به وجود آورد. در این دوره تغییرات اقتصادی و اجتماعی عمیقی به وجود آمد که از آن جمله مهاجرت کارگران کشاورز از مناطق روستایی و روی آوردن آنها به شهر نشینی بود. انقلاب صنعتی، قدرت بخار را که در قطارها و کشتی ها مورد استفاده قرار می گرفت، معرفی کرد. تغییرات اجتماعی، موجب تغییر مشاغل و گسترش طبقه میانی اجتماع گردید و این طبقه توان بیشتری یافت تا بیشتر به مسافرت و تفریح برود؛ در نتیجه افزایش تقاضا برای مسافرت، باعث شد که

مسافرت های تخصصی طبقه اشرف گرانند تور ، شکل تازه ای به خود بگیرد و به مسافرت های تفریحی در سطح عمومی تبدیل شود .

در ابتدا مسافرت های تفریحی یک روزه بودند ؛ زیرا هم مردم دارای توان مالی زیاد نبودند و هم اینکه روزهای کاری هفته پنج روز نبود . در پایان سده نوزدهم ، کارگران تعطیلات سالانه داشتند .

بوجود آمدن تقسیم کار بعد از انقلاب صنعتی ، موجب شد تا افراد برای اوقات فراغت خود برنامه ریزی نموده و به بهترین نحو از آن استفاده نمایند .

در قرن نوزدهم میلادی ، دو پیشرفت عمده تکنولوژیک بر گسترش صنعت گردشگری تأثیرات جدی گذاشت . تردیدی نیست که نخستین آنها معرفی صنعت حمل و نقل ریلی بود . دومین عنصر مهم در این زمینه نیز تولید کشتی بخار به حساب می آمد . چنین شد که گردشگری و فعالیت های مرتبط با آن به صورت یک فعالیت اقتصادی ، توجه مردمان را بیش از پیش به سوی خود جلب کرد تا آنها به عنوان یک کسب و کار به این فعالیت بنگرند .

شاید نخستین دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری در ۱۸۲۲ توسط « روبرت اسمارت (Robert Smart) » در بریستول انگلستان تأسیس گردید . آنچه این دفتر بر عهده گرفت ، مشتری یابی برای کشتی های تجاری بود که در کانال بریستول میان بنادر مختلف انگلستان و ایرلند سفر می کردند .

اولین قطار تفریحی نیز در ۱۸۴۱ توسط « توماس کوک (Thomas Cook) » میان لیستر و لاف برو در انگلستان به راه افتاد . شاید این اولین سفری باشد که برای برگزاری آن اطلاع رسانی عمومی انجام پذیرفت .

به احتمال قوی اولین توره های تخصصی نیز از سوی « توماس بنت (Thomas Bennett) » عضو سفارت انگلستان در اسلو نروژ و برای گردانیدن انگلیسی های سرشناسی که به این شهر سفر می کردند ، ترتیب داده شده است .

در قرن نوزدهم مسافرت توسط دلیجان نیز عمومیت یافت و قهوه خانه های بین راهی ، ماحصل این امر به حساب می آیند . اتومبیل در آغاز قرن بیستم میلادی و با اختراع مدل T فورد توسط « هنری فورد » در سال ۱۹۰۸ بطور جدی به عرصه حمل و نقل وارد گردید . امروزه در اقتصادهای پیشرفته ، بیش از ۸۴ درصد سفرهای درون شهری و ۸۰ درصد کل سفرها ، توسط خودروها انجام می پذیرد .

کمتر از دو دهه بعد از نخستین پرواز هواپیما ، صنعت گردشگری نیز شاهد حضور حمل و نقل هوایی گردید ؛ این به سال ۱۹۱۸ باز می گردد که شرکت « لوفت هانزا » در آلمان نخستین پروازهای مسافربری زمانبندی شده را آغاز کرد و میان برلین و لایپزیک پرواز برقرار شد .

اولین پرواز ما بین دو سوی اقیانوس اطلس از سوی « چارلز لیدنبرگ » میان نیویورک و پاریس در سال ۱۹۲۷ اجرا گردید . در دهه ۱۹۵۰ میلادی اختراع موتور جت ، تحولی جدی در صنعت حمل و نقل هوایی و در واقع در صنعت گردشگری به حساب می آید .

تفاوت گردشگری در عصر سنت و عصر مدرن

بین گردشگران قبل از انقلاب صنعتی و بعد از انقلاب صنعتی تفاوت هایی وجود دارد که مختصراً به شرح تعدادی از آنها می پردازیم :

۱- **مبدأ و امور مبدأ :** در عصر سنت ، جهانگرد هر موقع که اراده می کرد ، می توانست مسافرت خود را به هر کجای عالم آغاز کند . یعنی در عصر سنت موانع زمان و وقت ، مسائل اداری مثل گذرنامه و اخذ روادید و ... مطرح نبوده است. اما در عصر مدرن گردشگر برای حرکت ، به خصوص حرکت به سوی کشورهای دیگر باید یک سری اقدامات قانونی را به عمل آورد ، که ما آنها را تحت عنوان اسناد مسافرت بررسی خواهیم کرد .

۲- **مسیر سفر :** در جهانگردی عصر سنت ، مسیر سفر کاملاً مشخص و ثابت نبود و می توانست بسیار متغیر باشد . مسائلی مثل ناامنی ، سیل و برف و بوران ، گرما و سرما ، قحطی و خشکسالی ، بیماری های واگیردار و ... می توانست مسیر سفر را تغییر دهد ؛ در صورتیکه در گردشگری امروزی تقریباً در همه موارد ، مسیر سفر کاملاً مشخص است و حتی در مسافرت های بین المللی ، به دلایل اداری مثل ویزای ترانزیت ، گردشگر نمی تواند مسیر سفر خود را به طور شخصی و لحظه ای تغییر دهد .

۳- **مقصد سفر :** در جهانگردی سنتی ، مقصد جهانگرد نامعلوم یا متغیر بوده است . فرد جهانگرد که به قصد کشف جهان و سیاحت ، از مبدأ حرکت می کرد ، هر چند که مقصدی را در ذهن داشت ، اما در اکثر موارد نمی توانست مقصد مشخصی را برای خود تعریف کند . حتی زمانی که به مقصد خاصی مثلاً زیارت خانه خدا حرکت می کرد ، باز هم ممکن بود که مقصد خود را تغییر دهد . مثل ناصر خسرو که به قصد حج از زادبوم خود حرکت کرد و بعد از حج به مصر رفت و سال ها در آن دیار ماند و حتی تغییر مذهب داد و به صورت داعی فاطمیون به دیار خود بازگشت ؛ ولی هم اکنون مقصد گردشگران از چندی قبل مشخص می شود و به راحتی نمی توانند آن را تغییر دهند.

۴- **کسب اطلاعات با توجه به هدف گردشگر :** در جهانگردی سنتی ، کسب اطلاعات از مقصد ، محل اقامت ، مسیر و ... بسیار ناقص و محدود بود و به طریق شفاهی و یا کتبی بدست می آمد ؛ در صورتیکه در عصر مدرن ، گردشگر می تواند به طرق مختلف اداری ، آژانس های مسافرتی و گردشگری ، کتاب ، مقاله ، مجله ، فیلم و ... کسب اطلاع کند .

۵- **تبلیغات :** در جهانگردی سنتی ، عملاً هیچ گونه تبلیغاتی در زمینه جهانگردی در کار نبود ؛ در صورتیکه در گردشگری مدرن تبلیغات در تصمیم گردشگر برای تعیین زمان مسافرت ، مقصد ، مسیر ، محل اقامت ، نوع غذا ، وسیله نقلیه و ... بسیار مهم است .

۶- **زمان :** در جهانگردی سنتی ، با توجه به اینکه مسیر ، مقصد ، امکانات مسیر و غیره مشخص نبود ، جهانگرد نمی توانست مدت زمان مسافرت خود را بطور دقیق تعیین کند ؛ در صورتیکه در گردشگری عصر مدرن ، زمان حرکت و زمانی که باید برای طی کردن مسیر گذاشت (به خصوص برای آنهایی که با وسیله نقلیه عمومی مسافرت می کنند) کاملاً مشخص است .

۷- محل اقامت : در عصر سنت ، جهانگرد چه در طول مسیر و چه در مقصد ، محل اقامت از پیش تعیین شده و درجه بندی شده ای در اختیار نداشته است و در کاروانسراهای عمومی که هر کسی می توانست در آن منزل کند ، اقامت می کرد ؛ در صورتیکه در گردشگری مدرن ، محل اقامت (هتل - متل - مهمانسرا و ...) باید از قبل رزرو شود و هر کس بر مبنای درآمد و پولی که می خواهد خرج کند ، محل اقامت مناسب حال خود را اختیار می کند .

۸- میزبان : در عصر سنت ، میزبان معمولاً نا معلوم بود و پولی از جهانگرد نمی گرفت ، یعنی رابطه جهانگرد و میزبان معمولاً رابطه اقتصادی نبوده است .

جهانگرد برای اقامت در کاروانسرا ، مبلغی جزئی را که بیشتر حق الزحمه سرایدار بود ، پرداخت می کرد . در برخی جاده ها و مسیرها تعداد مسافر به قدری کم بوده است که برخی کاروانسراها و یا مکان های ویژه ، نه تنها محل رایگان در اختیار مسافران می گذاشتند ، بلکه غذای رایگان هم به آنها می دادند . در عصر حاضر میزبان گردشگر ، هتلداری است که سعی دارد هر چه بهتر از مهمان یا گردشگر خود پذیرایی کند ، تا هر چه بیشتر از او کسب درآمد کند . امروزه میزبانی به صورت تخصصی ، حالت رقابت آمیز اقتصادی به خود گرفته و فقط در عصر پست مدرن است که با استفاده از کمپ و چادر ، گردشگر خود میزبان خودش است .

۹- اسناد مسافرت : در زمان سنت ، جهانگرد تقریباً هیچ گونه سندی ، اعم از گذرنامه ، روادید و اسناد بانکی لازم نداشت ؛ در صورتیکه در عصر مدرن که عصر مرزبندی های سیاسی است و در عصر نظام بانکداری جهانی ، گردشگر احتیاج به اسناد متعدد دارد ، گردشگر برای جا به جایی در داخل کشورش به کارت هویت و اسناد بانکی احتیاج دارد و برای حرکت در سطح بین المللی نیز نیازمند گذرنامه ، روادید ، کارت بهداشتی بین المللی و ... است .

۱۰- کاروانهای جمعی / تورهای مسافرتی : جهانگردی سنتی و مدرن ، هر دو مسافرت های جمعی را تدارک می دیدند . زیارت ، هدف عمده مسافرت جمعی در عصر سنت و دلیل عمده جمعی حرکت کردن نیز ، مسئله امنیت بوده است ؛ اما در تورهای مسافرتی عصر مدرن ، بیشتر جنبه تورگردی و گردشگری تفریحی دارد ؛ یعنی شرکتی که مسئول راه اندازی گردش های دسته جمعی است ، تمام خدمات مسافرتی اعم از گرفتن گذرنامه ، روادید ، رزرو بلیط ، بیمه نامه ، تهیه غذا و ... را بر عهده می گیرد .

۱۱- وسایل حمل و نقل : مهمترین عنصری است که موجب گسترش گردشگری شده است ؛ و بدون آن جابجایی میلیون ها مسافر و زائر و گردشگر در جهان ممکن نبود . تحولات فناورانه در عصر حمل و نقل ، سریع است . در گذشته افراد می بایست شش ماه ، کار و زندگی خود را رها کنند تا به مکه معظمه مشرف شوند ؛ اما امروزه با استفاده از وسایل پیشرفته حمل و نقل ، انجام این فریضة الهی بسیار آسان شده است . تولید انبوه اتومبیل ، موجب عمومیت یافتن گردشگری شده است.

۱۲- امنیت : امنیت یکی از اساسی ترین مبانی گردشگری است . هیچ صنعتی به این اندازه به امنیت وابسته نیست . یک بمب گذاری کوچک در یک کشور موجب می شود که هزاران بلکه دهها و صدها هزار گردشگر ، مسافرت خود را به آن کشور لغو کنند . تأثیر عظیم فاجعه یازده سپتامبر بر صنعت ، نمونه ای برای این موضوع است .

۱۳- بهداشت : امروزه گردشگری ، به خصوص در سطح بین المللی ، به مسائل بهداشتی بسیار حساس است . کشف یک مورد از بیماری واگیردار در یک کشور ، صنعت گردشگری در آن کشور را برای مدت مدیدی با مشکل جدی روبرو می کند . لذا کشورهایی که وارد این صنعت شده اند ، به شدت مراقب مسائل بهداشتی و اخبار بهداشتی هستند ؛ و علاوه بر مردم ، مسائل دامپزشکی و گیاه پزشکی را تحت کنترل و آزمایش دارند و در مواقع لزوم و به خصوص در فصول ازدیاد گردشگر ، از گردشگران می خواهند که قبل از مسافرت به کشور آنها ، واکسن های لازم را تزریق کنند و در ورود به آن کشور مدارک مربوطه را ارائه دهند .

مروری اجمالی بر تاریخچه سفر و سیاحت در ایران

مهمترین مسافرت دسته جمعی که به نوعی با تاریخ ایران پیوند خورده است را باید مهاجرت اقوام آریایی از روسیه به ایران دانست . مادها در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد در ایران سکنی گزیدند . آنها علاوه بر اسب از سایر حیوانات همچون شتر و گاو برای حمل و نقل استفاده می کرده و با کاربرد ارابه در حمل و نقل آشنا بوده اند . با به قدرت رسیدن کوروش کبیر و بنا نهادن امپراتوری هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م) به منظور تسهیل ارتباط بخش های گوناگون امپراتوری ، به بهبود و توسعه راه ها اهتمام ورزیده شد . گزارش هرودوت در شرح لشکر کشی کوروش به لیدیّه ، نشان می دهد که برای نخستین بار در تاریخ به فرمان کوروش بر روی رودخانه ها پل زده شد .

در دوره داریوش ، راه شاهی به مسافتی در حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مورد بهره برداری قرار می گرفت که از تخت جمشید تا سارد امتداد داشته است . در این راه نیز کاروانسراها و ایستگاه های شاهی ، به منظور رفاه مسافران تأمین شده بود . به منظور نگهداری راه ها و رسانیدن نامه ها ، تشکیلات اداری وسیعی با عنوان « دیوان برید » تأسیس گردیده بود . راه شاهی در رونق بازرگانی و جابجایی سریع ، در اقصی نقاط امپراتوری ، مردمان را یاری می رسانید . چنانچه حمل و نقل کالا به کمک این مسیر در مدتی در حدود ۹۰ روز میسر بود . این جاده دارای ۱۱۱ ایستگاه و استراحتگاه بود .

نخستین مرآوده سیاسی - تجاری مهم میان ایران و چین ، به سفر نماینده خاقان چین به ایران در عهد اشک نهم (مهرداد دوم) (۸۶ تا ۱۲۴ ق.م باز میگردد . این مرآوده را در واقع می توان مبنای شکل گیری راه ابریشم دانست . راه ابریشم از دروازه یشم در چین آغاز میگردد و ضمن تقسیم شدن به شاخه های فرعی ، مسیر نهایی آن به افسوس در سواحل دریای مدیترانه ، ترکیه و پالمیرا در سوریه ختم میگردد . مسیر اصلی این راه در ایران قدیم از شهرهایی همچون سمرقند ، نیشابور ، دامغان ، سمنان ، ری ، قزوین ، سراب ، تبریز ، مرنده و خوی می گذشته است . البته شاخه های فرعی آن در ایران از شهرهای متعدد دیگری ، در فلات مرکزی کشور عبور می کرده است . باید گفت که جاده ابریشم بیش از بیست قرن پیش ، شرق و غرب جهان مسکون را به هم پیوند زده بود .

شاید بتوان گفت که مارکوپولو ، تاجر ونیزی ، نخستین کسی بود که در قرن سیزدهم میلادی ، مسیر جاده ابریشم را از ایتالیا تا چین پیمود .

در عهد ساسانیان ، راه ها به قرار پیشین بودند ؛ در ضمن آنکه ایشان نیز همانند اشکانیان برای تأمین هزینه نگهداری راه ها ، مالیات هایی از کالاهای بازرگانی اخذ می نمودند .

آغاز دوران اسلامی با رکود سفر و تجارت در ایران همراه بود ؛ لیکن با گذشت تقریباً دو قرن ، تجارت و سفر ، رونق پیشین خود را بازیافت . در زمان حکومت سلجوقیان و صدارت خواجه نظام الملک ، ایجاد راه های جدید و تأمین امنیت آن ها ، طرف توجه دولت قرار گرفت که رونق تجارت را به دنبال داشت . سیر و سیاحت در این دوران در ایران و سایر سرزمین های اسلامی بسیار آسان بود ؛ زیرا هر کس برای کمک به دیگری آماده بود و حس مهمان نوازی شرقی و توصیه های دینی به رعایت حرمت مسافران ، احداث ابنیه های عام المنفعه و برقراری موقوفات به منظور پذیرایی از گردشگران سفر را برای مردم تسهیل می نمود . چنانچه بر خانقاه شیخ ابوالحسن خرقانی ، این جمله معروف حک می شود که :

« هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش مپرسید ، چه آنکس که به درگاه باریتعالی به جان ارزد، البته بر خوان بوالحسن به نان ارزد . »

پس از استیلای مغولان بر ایران و دوران ناامنی و غارت ، نخستین اقدامات به منظور ایمن کردن راهها به عمل آمد ، که از آن جمله می توان به احداث چاپارخانه هایی که در زبان مغولی به **یامخانه** معروف بود ، اشاره کرد .

علیرغم آشفتگی های اوایل دوران صفوی (قرن دهم هجری) که به تجارت لطمه بسیار زد ، گاه و بیگاه مسافرانی با مقاصد تجاری - سیاسی از اروپا به ایران مسافرت می کردند ؛ اما در دوران شاه عباس اول ، امنیت عمومی و ثبات سیاسی ، مهمترین عامل توسعه اقتصادی کشور و رونق سفر به ایران به حساب می آمد . در این دوران ، شبکه راه های مهمی احداث گردید که هنوز نیز گاه به راه های شاه عباسی شهرت دارند . در این دوران بود که احداث راه هایی با جنبه گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفت .

از آن جمله راه " فرح آباد " بود که به کمک آن ، امکان سفر به شمال کشور و بهره برداری از سواحل زیبای دریای مازندران برای طبقات مرفه فراهم گردید . همچنین تأسیساتی ایجاد شد که در حکم پلاژها و ویلاها و کاخهای امروزی هستند . افسانه ۹۹۹ کاروانسرای شاه عباسی نیز حکایت از اهتمام این پادشاه در گسترش امکانات رفاهی برای مسافران است ؛ اما جالب توجه است که اسباب سفر در عهد صفوی در ایران همچنان منحصر به چهارپایان بوده و از وسایل چرخدار استفاده نمی شده است . سلطه افغانه در ایران در پایان عصر صفوی ، دیگر بار به رکود سفر و تجارت منجر گردید ، تا اینکه نادرشاه افشار در قرن ۱۲ هجری ، با بیرون راندن افغانه ، دیگر بار کشور را آباد ساخت .

در دوران قاجاریه ، ایران به محلی برای آمد و شد نمایندگان سیاسی کشورهای غربی مبدل شد . تا عصر صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر ، تحولی جدی در گسترش امکانات سفر پدید نیامد ؛ لیکن امیر کبیر کوشید تا میراث هخامنشی را در تأسیس چاپارخانه و امنیت راهها باز زنده سازد و به امور آنها اهتمام ورزیده شد ؛ لیکن پس از وی دوباره اقدامات اصلاحی او به فراموشی سپرده شد .

نخستین کالسکه ها احتمالاً در دوران قاجاریه در کشور و در مسیرهایی نظیر تهران - تبریز به راه افتادند .^۱

۱- میرزا محمد حسین حسینی فراهانی ، یکی از جهانگردان ایرانی است که در سال ۱۳۰۲ ق به قصد خانه خدا ، عازم مکه شد و به فرمان ناصرالدین شاه ، سفرنامه مفصلی نوشت . او در بخشی از سفرنامه خود به چند نوع وسیله نقلیه اشاره کرده است :

۱- **تران تاس** : این وسیله چهار چرخه ای است شبیه دلجان ، که کروک دارد و فنر ندارد و فقط برای سه نفر جا دارد .

۲- **تروکه** : کالسکه ای که فاقد کروک و فنر است و سه نفر به سختی در آن می نشینند .

در سال ۱۲۹۹ هجری ، مهندس فرانسوی به نام بوآتال ، امتیاز راه آهن حضرت عبدالعظیم را از ایران تحصیل نمود و با مشارکت بلژیکی ها ، ساختمان این خط آغاز گشت . این خط بطول ۸/۷ کیلومتر در سال ۱۳۰۱ بدست ناصرالدین شاه قاجار افتتاح گردید . مظفرالدین شاه در سفر نخست فرنگ خود به سال ۱۳۱۷ هـ . ق در بروکسل یک دستگاه اتومبیل که با زغال سنگ کار می کرد، خریداری نمود. این نخستین خودرویی بود که به کشور وارد شد .

در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی ، برای اولین بار در وزارت داخله (کشور) اداره ای به نام اداره جلب سیاحان خارجی و تبلیغات تأسیس گردید و انجام امور مربوط به جهانگردی کشور بر عهده آن اداره محول گردید .

از سال ۱۳۱۵ هجری شمسی ، مؤسسه مهمانخانه ها ، با بهره برداری از چند مهمانخانه دربند ، مهمانخانه گچسر ، مهمانخانه چالوس ، مهمانخانه قدیمی رامسر و غیره فعالیت هتلداری خود را آغاز نمود .

در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی ، نخستین آژانس جهانگردی ایران در تهران تأسیس شد .

در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی ، اداره جلب سیاحان خارجی و تبلیغات ، جای خود را به شورای عالی جهانگردی داد ، که هفته ای یکبار در وزارت کشور تشکیل جلسه می داد .

در سال ۱۳۳۳ شمسی ، بار دیگر اهمیت جلب سیاحان و سیر و سیاحت با توجه به جنبه های اقتصادی و تحکیم مبانی حسن تفاهم میان افراد کشورهای مختلف ، مورد توجه واقع شد و اداره امور جهانگردی در وزارت کشور متمرکز گردید .

در سال ۱۳۴۰ شمسی ، شورای عالی جهانگردی مرکب از ۱۲ نفر از نمایندگان وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و ۳ نفر از اشخاص مطلع و بصیر در امر جهانگردی ، بموجب تصویب نامه هیئت وزیران وقت تشکیل شد که وظیفه آنها تعیین خط مشی و برنامه های اجرایی اداره امور جهانگردی کشور بود و اصولاً بر امور مربوط به جهانگردی کشور در سطح عالی نظارت داشت .

طی تصویب نامه ای که در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۴۲ شمسی ، به تصویب هیئت وزیران وقت رسید ، سازمانی به نام « سازمان جلب سیاحان » تأسیس گردید ؛ که هدف از تشکیل آن ، معرفی بیشتر کشور ایران و تشویق جهانگردان خارجی و ایرانگردان به بازدید از آثار باستانی - تاریخی و مناظر طبیعی ایران بود . بدین منظور که این امر موجب تحصیل خارجی بیشتر ، توسعه و ترویج صنایع ملی و کمک به صاحبان حرفه های مختلف گردد .

در سوم تیرماه ۱۳۵۳ با توجه به گسترش ، و نیز به منظور هماهنگ شدن سیاست جهانگردی و اطلاعاتی کشور در داخل و خارج از مرزهای ایران ، بموجب قانون ، سازمان جلب سیاحان و وزارت اطلاعات در یکدیگر ادغام شدند و وزارتخانه جدیدی به نام « وزارت اطلاعات و جهانگردی » به وجود آمد .

وزارت اطلاعات و جهانگردی در سال ۱۳۵۷ شمسی پس از پیروزی انقلاب ، به وزارت ارشاد ملی و سپس به وزارت ارشاد اسلامی تغییر نام داد و حوزه معاونت جهانگردی این وزارتخانه ، سرپرستی امور جهانگردی کشور را به عهده گرفت . با تشکیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، معاونت سیاحتی و زیارتی این وزارتخانه ، دفتر ایرانگردی و جهانگردی را به منظور برنامه ریزی صنعت توریسم ، آموزش دست اندرکاران صنعت جهانگردی ، درجه بندی نظارت و نرخ تأسیسات ، برقراری

۳- **درشکه** : این وسیله کרוک و فتر دارد و برای سه نفر جا دارد .

۴- **کالسکه** : وسیله ای است دارای کروک و فتر و چهار نفر مسافر می تواند با آن سفر کند .

۵- **دلیجان** : چهار چرخه ای است فنردار و سر بسته ، شبیه به کالسکه که برای ده نفر جا دارد .

ارتباط بین المللی با نهادها و ارگان های جهانگردی تشکیل داد . این دفتر بعد از مدتی برابر مصوبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی به نام سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی تغییر نام داد ، که عملاً از ادغام چهار شرکت دولتی به اسامی : شرکت سهامی تأسیسات جهانگردی ، شرکت سهامی گشت های ایران ، شرکت سهامی مراکز خانه های ایران و شرکت سهامی مراکز جهانگردی برای ورزشهای زمستانی به وجود آمد و با خط مشی تازه و هدف های مشخص به منظور مدیریت و بهره برداری از ۱۴۴ واحد پذیرایی ، مهمانسراها ، هتل و تأسیسات توریستی سراسر کشور و ارائه خدمات جهانگردی شروع به کار کرد .

در سال ۱۳۶۵ وزارت فرهنگ و هنر با وزارت ارشاد اسلامی ادغام شد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس گردید . در سال ۱۳۷۰ به منظور توسعه صنعت جهانگردی کشور ، ضمن تجدید نظر در تشکیلات حوزه معاونت سیاحتی و زیارتی ، امور ایرانگردی و جهانگردی ، برعهده واحدهای تابعه آن : دفتر برنامه ریزی و امور فنی ، اداره کل نظارت بر خدمات سیاحتی و زیارتی ، مرکز تحقیقات و مطالعات ایرانگردی و جهانگردی و مرکز آموزش جهانگردی گذاشته شد .

در سال ۱۳۷۶ شمسی ، حوزه معاونت امور سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی در یکدیگر ادغام شدند و سازمان ایرانگردی و جهانگردی کشور به عنوان یکی از سازمانهای تابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، متولی اداره امور گردشگری گردید . با جدا شدن سازمان میراث فرهنگی و سازمان ایرانگردی و جهانگردی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغام آن دو با یکدیگر در سال ۱۳۸۲ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تأسیس گردید که ریاست آن معاون رئیس جمهور محسوب می شود .

در سال ۱۳۸۴ سازمان صنایع دستی با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام شده و تشکیل سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری را دادند .

انواع گردشگری

۱- گردشگری تفریحی یا انبوه

این نوع گردشگری شامل افراد یا گروه هایی است که جهت استفاده از تعطیلات ، تفریح ، استراحت ، استفاده از آب و هوای گرمتر یا خنک تر از محل اقامت خود به مسافرت می روند . بیشترین بهره از گردشگری تفریحی ، در گردشگری دریایی دیده می شود . قسمت اعظم گردشگری دریایی ، گردشگری ساحلی است که خود به گردشگری ساحلی سه S (آفتاب - ماسه - دریا)^۲ و چهار S (آفتاب - ماسه - دریا - سکس)^۳ تقسیم می شود . سفر به سواحل و استفاده از خورشید و تفریحات آبی همچون شنا در دریا ، اسکی روی آب ، ماهیگیری ، قایق سواری ، غواصی و دیگر ورزش های ساحلی ، از علایق اکثر گردشگران دریایی محسوب می شود . سواحل با توجه به نزدیکی به کانون های جمعیتی ، اقلیم مناسب ، دسترسی آسان در ایام تعطیلات ، به خصوص در فصل تابستان می توانند گردشگران بسیاری را به سوی خود جذب کنند . در هر صورت اینگونه گردشگری که بعد از جنگ جهانی دوم ، معروف به چهار S شده است ، بزرگترین جاذبه گردشگری در جهان است . با برنامه ریزی و کار فرهنگی می توان گردشگری چهار S را به سه S تبدیل کرد و سکس و قمار را از آن حذف نمود .

۲- گردشگری فرهنگی - تاریخی

اگر بخواهیم موضوع گردشگری فرهنگی - تاریخی را از نظر محل هایی که گردشگران مورد بازدید قرار می دهند و فعالیت هایی که آنان انجام می دهند ، بررسی کنیم ، آنگاه می توان گردشگری مبتنی بر میراث تاریخی را شامل بازدید از موزه ها ، بناهای تاریخی و باستانی ، یادمان های تاریخی ، بناهای مذهبی ، معماری سنتی ، محل های مرتبط با وقایع و شخصیت های مهم تاریخی و گورستان های قدیم بدانیم . آنگاه گردشگری فرهنگی شامل بازدید و تجربه گردشگر از گالری های هنری ، هنرهای معاصر ، وقایع جاری (جشنواره های هنری) ، غذاها و نوشیدنی ها ، رقص های محلی ، ادیان و مذاهب ، صنایع دستی ، پوشاک محلی ، زبانها و گویش های محلی خواهد بود .

پس به اجمال گردشگری تاریخی - فرهنگی را می توان نوعی از گردشگری دانست که گردشگر در آن به جستجو ، فراگیری و تجربه درباره فرهنگ حال و گذشته جامعه خود یا دیگران می پردازد . گردشگرانی که در این گروه قرار دارند ، گردشگر « کاوشگر » نامیده می شوند .

۳- گردشگری ماجراجویانه

گردشگری ماجراجویانه گونه ای از گردشگری است که مهمترین هدف آن ، ایجاد هیجان برای گردشگران است . بسیاری از افراد در سفر ، دست به کارهایی می زنند که مخاطره آمیز است و می خواهند در این زمینه ، تجربه هایی بدست آورند ؛

1) 3-S : Sun - Sand - Sea

2) 4-S : Sun - Sand - Sea - Sex

مثل شکار حیوانات وحشی ، بالا رفتن از قله ها با شیب منفی ، شنا در رودخانه ها . گردشگران ماجراجویانه دارای ویژگی های خاص هستند . آنها اغلب تحصیل کرده ، حرفه ای ، علاقمند به موضوعات زیست محیطی و مشتاق نسبت به بازدید از مقاصد دور افتاده و صعب العبور می باشند . انگیزه انجام سفرهای ماجراجویانه می تواند هر یک از موارد زیر باشد : هیجان ، گذران اوقات فراغت در محیط های باز ، چالش های فردی ، فرصتی برای آموختن . نکته جالب توجه درباره این نوع گردشگری آن است که در حال حاضر ، در سطح بین المللی ، حضور زنان در برنامه های گردشگری ماجراجویانه به شدت در حال گسترش است و تا نزدیک ۶۰ درصد کل شرکت کنندگان در این برنامه ها را زنان تشکیل می دهند . گرایش زنان بیشتر به شرکت در زمینه هایی نظیر پیاده روی ، دوچرخه سواری ، صخره نوردی و قایق رانی در آب های خروشان است.

۴- گردشگری ورزشی

گردشگری مبتنی بر ورزش بخشی از گردشگری است که شامل مشارکت در فعالیت های ورزشی می باشد . فعالیت اینگونه از گردشگران می تواند شامل : شرکت در رقابت های ورزشی (اعضای تیم های ورزشی) ، تورهای استفاده از امکانات ورزشی (نظیر تورهای یک روزه برای اسکی) یا شرکت در اردوهای آموزشی باشد ؛ و شرکت کنندگان در گردشگری ورزشی ممکن است خود ورزشکاران باشند یا از اعضای اداری همراه تیم ورزشی (مثلاً رئیس فدراسیون - سرپرست یا پزشک تیم) یا تماشاچیان که برای دیدار از یک واقعه یا مسابقه ورزشی به مقصدی سفر می کنند . گردشگری ورزشی در سال های اخیر از رونق بیشتری برخوردار شده و به سرعت در حال گسترش است . دلیل این امر را در موارد متعدد می توان جستجو کرد . از جمله مهمترین این دلایل : توجه رسانه های جمعی به رویدادهای ورزشی و تبلیغات گسترده در خصوص آنها ، تغییر در سلیقه ، افزایش ایام فراغت ، گرایش بیشتر مردم به فعالیتهای ورزشی ، وجوه هنگفتی که از سوی تأمین کنندگان مالی مسابقات خرج تبلیغ درباره آنها می شود و تبدیل شدن باشگاه های ورزشی به بنگاه های اقتصادی بزرگ هستند .

۵- گردشگری درمانی

افراد زیادی در سراسر جهان به منظور کسب آرامش و درمان به سفر می روند . این نوع گردشگری از سابقه ای بسیار طولانی برخوردار است ؛ چنانچه در قرون پیش از میلاد ، شواهدی از سفر گردشگران رومی و یونانی به مناطق دارای چشمه های آب گرم و شفا دهنده به دست آمده است .

گردشگری درمانی به دو صورت عمده است : یا درمان به وسیله طبیعت و یا از طریق عمل جراحی . اغلب گردشگرانی که در زمره اینگونه از گردشگری به حساب می آیند ، به منظور بهره برداری از امکانات طبیعی به سفر می رفته اند . چشمه های آب گرم ، آب های معدنی ، استفاده از لجن درمانی در کنار سواحل دریاها و دریاچه ها ، هوای صاف و پاکیزه مناطق بکر طبیعی کوهستانی ، بدست آوردن گیاهان دارویی ، منشأ این سفرها در گذشته و حال بوده و هستند . در عین حال باید یادآور شد که در سال های اخیر علاوه بر موارد فوق ، جنبه های جدیدتری نیز به گردشگری درمانی افزوده شده است . تفاوت هزینه اعمال جراحی ، میان مقاصد مختلف سبب شده است که گروهی از مردم برای این اعمال ، با هزینه کمتر در کنار یک سفر ، به جرگه گردشگران درمانی بپیوندند

۶- گردشگری نوستالژیک

خاطرات و تجارب ایام گذشته، عنصری برانگیزنده برای سفر به مقاصدی است که فرد بیشتر در آن حضور داشته و به نوعی با ذهن و شخصیت او پیوند خورده است. سفر مجدد به چنین سرزمین‌هایی زنده کننده آن یادها و گاه تسکین دهنده آلام انسان است. نمودهای فراوانی از اینگونه گردشگری در سراسر جهان وجود دارد که می‌توان بدان اشاره کرد؛ بسیاری از بازماندگان آمریکایی جنگ دوم جهانی به اروپا، شرق دور یا شمال آفریقا، در محلهایی که صحنه‌های نبرد در جریان بوده است و ایشان در آنجا جنگیده‌اند، سفر می‌کنند تا آن روزها و هم‌زمان خود را یاد بنمایند. اشخاصی که دوره تحصیل یا کودکی خود را در شهر یا سرزمینی دیگر گذرانیده‌اند، اغلب سال‌ها بعد و همراه خانواده خود به آن سرزمین بازمی‌گردند و در کوچه‌ها و خیابان‌ها به دنبال خاطرات ایام جوانی خویش می‌گردند.

۷- گردشگری روستایی

در جوامع پیشرفته، بخش اعظم جمعیت در شهرها اسکان یافته‌اند. به عنوان مثال، در ایالات متحده تنها دو درصد جمعیت در بخش کشاورزی اشتغال دارند و زندگی شهری، مردم را در خود غرق کرده است؛ به این ترتیب، روستا و زندگی روستایی، مفهومی دور از ذهن و از طرفی جذاب برای این جمعیت شهرنشین به شمار می‌رود. این موضوع انگیزه اصلی تبدیل شدن روستا به یک مقصد گردشگری قرار می‌گیرد.

- فرهنگ مردم بومی (شامل همه آن چیزی که اسباب تفاوت میان آنها و جوامع دیگر است: نظیر معماری، مصالح ساختمانی، گویش، پوشش، موسیقی، مراسم، آداب و سنن و نظایر آن).

- طبیعت که از سوی گردشگران شهری، کالایی کمیاب و واجد ارزش تلقی می‌شود. محیطی مناسب، آرام و دلچسب برای گذراندن اوقات فراغت و استراحت، به دور از آلودگی‌های مرسوم محیط شهری.

گردشگری روستایی را به واقع باید نوعی از گردشگری پایدار تلقی کرد؛ زیرا انتظار می‌رود که حضور گردشگران به تقویت زندگی روستایی، ارتقای سطح آن، افزایش توان مالی مردمان روستا و بهبود اوضاع اقتصادی آن و حفظ محیط و فرهنگ روستایی، یاری رساند.

۸- گردشگری مذهبی

یکی از قدیمیترین انواع گردشگری که از جمله بزرگترین بخش‌های بازار سفر به شمار می‌رود، گردشگری مذهبی است. مسلمانان، چهارده قرن است که همه ساله به منظور انجام فریضه حج و زیارت مرقد پیامبر خاتم، از اقصای نقاط جهان به سوی مکه و مدینه رهسپار می‌شوند. مؤمنان مسیحی، بیش از بیست قرن است که به زیارت زادگاه عیسی مسیح (ع) در بیت اللحم می‌روند؛ و مرکز مذهبی کاتولیک‌ها در واتیکان، قرن‌ها است که در کانون توجه گردشگران مذهبی قرار دارد. میلیون‌ها تن از هندوان برای بجای آوردن مراسم مذهبی خود و پاکسازی معنوی، همه ساله خود را به کرانه‌های رود گنگ رسانیده و تن به آب مقدس آن می‌سپارند. بارگاه ملکوتی امامان شیعه در ایران، عراق و عربستان سعودی، میلیون‌ها مسلمان مشتاق را راهی سفر می‌کنند. زیارتگاه امامزادگان، بقاع متبرکه، کلیساها، کنیسه‌ها، آتشکده‌ها و معابد گوناگون در سراسر جهان، انگیزه سفر مذهبی مردمان به شمار می‌رود. چنین اماکنی، گاه خود به عنوان عنصر اصلی جذب گردشگر به

یک مقصد عمل میکنند (کعبه) و گردشگری در مقصد مورد نظر، حول همین جاذبه شکل گرفته است و گاه جاذبه هایی در مجموعه ای از عناصر جذب کننده گردشگر به یک مقصد هستند .

۹- اکوتوریسم (طبیعت گردی)

طبیعت گردی یا گردشگری بر مبنای محیط طبیعی ، از شاخه های بسیار گسترده و نیز به سرعت در حال گسترش گردشگری به شمار می رود . زیرگونه های طبیعت گردی ، به تبع تنوع طبیعت های طبیعی و انگیزه های بهره مندی از آن بسیار گسترده و پراکنده اند . گردشگری مبتنی بر طبیعت ، در محیط های بسته ساخته دست بشری (همچون باغ وحش ها ، باغ های گیاه شناسی ، باغ های پرندگان و آکواریوم ها) و در محیط باز طبیعی قابل انجام است . در این گونه از گردشگری ، هدف گردشگر می تواند شامل لذت جویی از طبیعت بکر ماجراجویی ، آموزش ، گذراندن اوقات فراغت ، تفریح و یا حتی درمان باشد .

میان گردشگری بر مبنای محیط طبیعی و انواع دیگر گردشگری ، هم پوشانی های متعدد وجود دارد . چنانچه به عنوان مثال ، گاه گردشگری ماجراجویانه یا بخش هایی از گردشگری درمانی و نیز گردشگری محیط زیست را زیر مجموعه گردشگری بر مبنای طبیعت دانسته اند .

۱۰- گردشگری قومی

گاه گردشگران ، با هدف مطالعه و بررسی ویژگی ها ، آداب و سنن و روش های زندگی یک قوم خاص به مناطق اسکان آنها سفر می کنند ؛ گاه نیز چنین اقوامی ممکن است چادر نشین و کوچ رو باشند . در این موارد گردشگران همراه این عشایر یا قبایل کوچک سفر کرده و با آنها در طول مسیر زندگی می کنند ؛ بنابراین ، چه این اقوام مقیم یک محل خاص و چه کوچ رو باشند ، گردشگرانی که با هدف شناسایی چنین اقوامی به سفر می روند ، غالباً ناگزیر از اقامت در قبیله یا همراهی آنان برای مدتی از زمان خواهند بود . نمونه هایی بسیاری از گردشگران اروپایی و آمریکایی در ایران دیده شده اند که مدتی را در میان عشایر و طوایف مختلف ، نظیر عشایر بختیاری گذرانده اند و شرح این سفرها را به رشته تحریر درآورده اند .

۱۱- توریسم بازرگانی و تجاری

مهمترین مسافرتها یی که تحت این عنوان صورت می گیرد عبارتند از: سفرهایی که افراد برای شرکت در بازارهای مکاره و نمایشگاههای کالا و صنایع و یا سرکشی و بازدید از تأسیسات کارخانه ها و نظایر آن می نماید شرکت در بازارهای مکاره نه فقط باعث پیدایش خریداران کالا می گردد بلکه افراد شرکت کننده می توانند با شرایط آسانتر و فرصت بهتری از نقاط دیدنی کشور بازدید کنند . معمولاً در مسافرتها یی بازرگانی محل اقامت اختیاری نیست و هزینه این قبیل مسافرتها به عهده شرکتهای تجاری است. افزایش مسافرتها یی بازرگانی و تجاری با روابط اقتصادی میان کشورها بستگی دارد. در حالیکه میزان مسافرتها یی تفریحی با هزینه مسافرت و درآمد خانواده ها رابطه دارد.

۱۲- توريسم سياسی

مسافرت به منظور شرکت در اجلاس و مجامع بين المللی، کنگره ها و سمینارهای سياسی، جشنهای ملی و مذهبی، مراسم ویژه سياسی مانند تدفین رهبران و شخصيتهاي سياسی، پیروزی رهبران احزاب و به حکومت رسیدن آنها و نظایر آن جهانگردی سياسی خوانده می شود.

باستان شناسی

باستان شناسی علم پرداختن به گذشته جوامع انسانی از طریق مطالعه آثار مادی به جای مانده و استخراج فرهنگ آنها در ادوار مختلف می باشد.

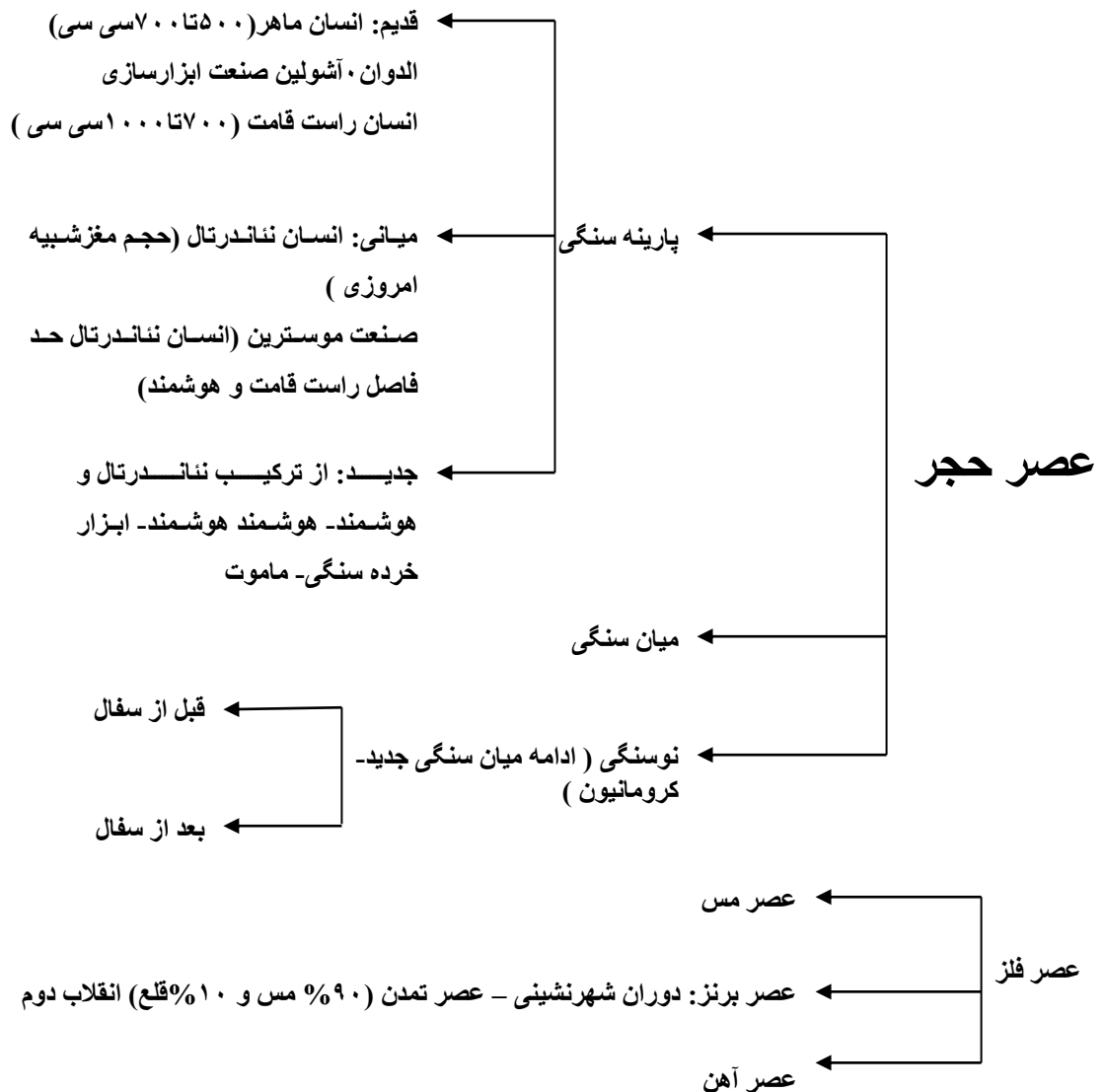
وظیفه علم تاریخ نیز پرداختن به گذشته انسان است اما تفاوت بین مورخ و باستان شناس این است که مورخ تاریخ گذشته جوامع انسانی را از طریق متون مدون استخراج می کند، ولی باستان شناس اطلاعات خود را از آثار و اشیای درون خاک بیرون می آورد. یعنی باستان شناس روی آثار مادی و مورخ روی آثار ادبی مطالعه می کند.



لوح حمورابی

تقسیم بندی دوره های باستان شناسی

الف- تقسیم بندی بر مبنای جنس آثار و اولویت کشف و استفاده انسان از آنها:



ب- تقسیم بندی بر مبنای نحوه زندگی انسان و تأثیر آن بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی وی:

۱- دوران جمع آوری غذا

۲- دوران آغاز کشاورزی و استقرار در دهکده ها

۳- دوران شهرنشینی

ج- تقسیم بندی جامعه شناسان و انسان شناسان که توسط باستان شناسان مورد استفاده قرار می گیرد. توسط لوئیس مورگان آمریکایی:

۱- عصر توحش

۲- عصر بربریت

۳- عصر تمدن

دوران پارینه سنگی برابر است با عصر مس و دوران جمع آوری غذا و عصر توحش
دوران حجر نو سنگی برابر است با دوران آغاز کشاورزی و استقرار در دهکده ها - عصر بربریت - انقلاب نوسنگی - پایان دوران یخبندان
عصر برنز برابر است با دوران شهرنشینی و عصر تمدن

دوران پارینه سنگی قدیم

این دوران منطبق با دوران جمع آوری غذا و همچنین عصر توحش در تقسیم بندی جامعه شناسان می باشد. در حدود دو میلیون سال پیش انسان برای ادامه زندگی با ساختن ابزار از سایر جانوران جدا شد و قدم به عرصه زندگی گذاشت. صنعت ابزارسازی الدوان (دارای یک لبه تیز) و صنعت آشولین (دارای دو لبه تیز) مربوط به این زمان بوده است. این انسان ها بعدها از آفریقا به آسیا و اروپا مهاجرت کردند و به شکار حیوانات و جمع آوری گیاهان پرداختند. دانشمندان آنها را که مغزی در حدود (۵۰۰ تا ۷۰۰ سی سی) داشتند، انسان ماهر نامیدند.

در حدود ۱,۵ میلیون سال پیش انسان هایی با مغز بزرگ تر (حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ سی سی) پیدا شد که انسان راست قامت نام گرفتند. این دوران که دوران پارینه سنگی قدیم بود، در حدود یکصد هزار سال پیش پایان یافت.

دوران دیرینه سنگی میانی

از یکصد هزار تا چهل هزار سال پیش را شامل می شود که زمان زندگی انسان نئاندرتال است. با توجه به اینکه حجم مغز آنها بسیار به انسان های امروزی شبیه بوده است، دارای دست های کوتاه تر، استخوان ابروی برجسته با پیشانی کوتاه و چانه تو رفته بوده است. و صنعت ابزارسازی آنها موسترین نام داشته است. انسان نئاندرتال حد فاصل انسان راست قامت و انسان هوشمند است.

پارینه سنگی جدید

از ترکیب انسان نئاندرتال و انسان هوشمند که جد انسان امروزی محسوب می شود، انسان هوشمند هوشمند پا به عرصه حیات گذاشت و از چهل هزار سال پیش نوع غالب کره زمین شد و انواع دیگر منقرض شدند. این دوران از نظر باستان شناسان دیرینه سنگی جدید نام داشت و صنعت ابزارسازی خرده سنگی در این دوره رایج بوده است.

دوران میان سنگی

اکثر باستان شناسان این دوران را ادامه دوران پارینه سنگی جدید می دانند. اما گروه دیگری دلایلی را جهت تفکیک این دوران از ادوار گذشته بر شمرده اند که عبارتند از:

۱- تغییر آب و هوایی و محیط زیستی: گرم شدن هوا بعد از عصر یخبندان، جنگلی شدن مناطق استپی، پیدایش گونه های جدید گیاهی.

۲- تغییرات در گونه های انسانی موجود: که در آن زمان انسان نوع کرومانیون به صورت غالب حیات در آمد.

۳- تغییرات در سنت های فرهنگی و شیوه های ابزارسازی: ابزارسازی به وسیله خرده سنگ ها با اشکال مثلثی، هلالی، دوزنقه.

مسائل مورد توجه باستان شناسان در این دوره :

۱- مراسم خاص جهت تدفین

۲- تغییرات در سبک های نقاشی و ساخت پیکر زنان از گل

۳- استفاده از زینت آلات

۴- تکامل وسایل شکار

۵- احتمال ساخت و استفاده از زورق

۶- احتمال اهلی شدن سگ

دوران نوسنگی

آغاز دوران نوسنگی مقارن با شروع دوران تولید غذا از طریق کشاورزی و دامداری و همچنین عصر بربریت در تقسیم بندی جامعه شناسان می باشد. شروع این دوران و پایان دوران میان سنگی را حداقل در آسیای جنوب غربی به ده الی دوازده هزار سال پیش برآورد می کنند.

۱- شروع تلاش های اولیه در زمینه کشاورزی و دامداری و تولید غذا

۲- استقرار دائم

۳- ساخت سفال و استفاده گسترده از آن در لایه های بالاتر از نوسنگی

زندگی مسالمت آمیز انسان، حیوانات و گیاهان در دوران نوسنگی را با عنوان انقلاب نوسنگی نامیده اند و از نظر تأثیرات در وضعیت اجتماعی و اقتصادی جوامع آنرا با انقلاب صنعتی اروپا در قرن نوزدهم مقایسه می کنند.

دوران مس

ساکنین دشت های ایران، اولین فلزکاران دنیا بوده و صاحبان تمدن های اولیه همچون سومر و مصر بسیار دیرتر از ساکنین آن زمان فلات ایران به این صنعت پرداخته اند. به نظر می رسد آغاز استفاده از این فلز تا اواخر هزاره ششم ادامه داشت. مسگری احتمالاً اولین حرفه تمام وقت انسان پیش از تاریخ بوده است. در گذشته مسگری اولین صنعتی بود که هر خانواده

برای رفع نیاز شخصی خود نمی توانست به آن مشغول شود. ۱۰۸۳ درجه سانتیگراد گرما نیاز داشته و در کوره های سفال کشف شده است.

دوران برنز

دوران برتر در طبقه بندی مبتنی بر نحوه زندگی اقتصادی معادل دوران شهرنشینی و در طبقه بندی جامعه شناسی برابر با عصر تمدن می باشد. برنز یا مفرغ یک آلیاژ فلزی است که از ترکیب ۹۰٪ مس و ۱۰٪ قلع حاصل می شود و در اثر ترکیب جلوه طلا گونه ای دارد و بیشتر در ساخت وسایل تزئینی کاربرد داشته است. این دوره که در خاورمیانه به اواسط هزاره چهارم مربوط می شود، انقلاب دوم نامیده شده است.

دوران آهن

اولین بار اقوام هیتی ساکن کوهستان های آسیای صغیر صنعت ذوب آهن را به دست گرفته و تا ۵۰۰ سال از کشف خود پاسداری کردند. در منطقه خاور میانه دوران برنز و آهن مقارن با دوران تاریخی بوده و با ورود آریایی ها در هزاره دوم پیش از میلاد به منطقه ایران، هند و آسیای صغیر، نامگذاری دوره های باستان شناسی با سلسله های پادشاهی رقم خورده است.

تاریخ ایران پیش از اسلام

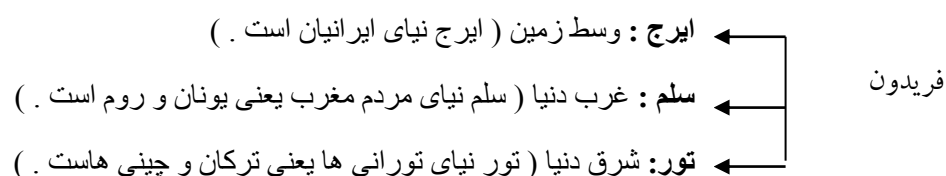
- ۱- دوران افسانه ای : از پیشدادیان تا دوره کیخسرو ، پادشاه کیانی .
- ۲- دوران حماسی : از فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره کیانیان .
- ۳- دوران تاریخی : از سال های پایانی فرمانروایی کیانیان تا سراسر دوران فرمانروایی اشکانیان و ساسانیان از آنجا که فردوسی بزرگترین سخن پرداز فارسی زبان است . شاهنامه پیش از هر اثر دیگری در معرفی تاریخ افسانه ای و حماسی ایران مؤثر بوده است .

پیشدادیان

پیشداد یعنی قانونگذار نخستین است و به نوشته شاهنامه فردوسی " کیومرث " اولین انسان و اولین فرمانروا بود . او در کوه ها زندگی می کرد و لباسش از پوست پلنگ بود و سی سال بر انسان و حیوان فرمانروایی کرد . پسر کیومرث " سیامک " نام داشت که به دست دیوها کشته شد . " هوشنگ " فرزند سیامک ، از دیوها انتقام گرفت . هوشنگ اولین کسی است که لقب پیشدادی یافت و شیوه استخراج فلزات و رام کردن حیوانات را به بشر آموخت . روزی هوشنگ سنگی به سوی غاری پرتاب کرد . از برخورد آن سنگ با سنگی دیگر ، جرقه ای پدید آمد و بوته ای خشک را به آتش کشید و بدین ترتیب آتش کشف شد . پسر هوشنگ ، " تهمورث (دیو بند) " نام داشت . او فن ساختن نخ از ابریشم و دوختن پارچه را به مردم آموخت. تهمورث دیوها را مطیع خود ساخت و آنان به او خواندن و نوشتن آموختند .

برادر تهمورث ، جمشید نام داشت . او ۷۰۰ سال حکومت کرد . جمشید ساختن اسلحه و خانه سازی را به مردم آموخت . سپس جمشید بر دیوان پیروز شد و روز پیروزی خود را ، نوروز نامید .

جمشید در اواخر عمر مغرور شد و گناهکاری پیشه ساخت و در نتیجه بدبختی پدید آمد . جادوگری به نام ضحاک او را اسیر نموده و با اره به دو نیم کرد . ضحاک هزار سال حکومت کرد و چون بر شانه اش دو مار روییده بود ، برای خوراک آن ها عده زیادی را کشت تا اینکه کاوه آهنگر علیه او برخاست . کاوه آهنگر چرمی بر سر نیزه کرد که آن را درفش کاویان نامیدند . درفش کاویان پرچم ایرانیان پیش از اسلام بوده است . با قیام کاوه آهنگر ، نوه جمشید که " فریدون " نام داشت و پنهان شده بود ، به کاخ ضحاک حمله کرد و او را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد . فریدون مدت ها حکومت کرد . او بر تمامی جهان حکم می راند .



چون ایران بهترین جای دنیا بود ، سلم و تور بر ایرج حسد بردند و او را کشتند . اما نوه ایرج ، " منوچهر " با کشتن سلم و تور انتقام گرفت . از زمان منوچهر ، جنگ ایران و توران آغاز شد . افراسیاب ، پادشاه توران به ایران حمله کرد . بر اساس روایات حماسی ، پس از مدتی جنگ ، دو طرف تصمیم گرفتند برای تعیین مرز ایران و توران ، آرش کمانگیر از بالای کوه دماوند تیری به سوی شرق پرتاب کند . آرش با تمام نیرو تیری پرتاب کرد ، به طوری که بر اثر فشار ناشی از این کار جان به جان آفرین تسلیم کرد . تیر پس از طی مسافتی طولانی در کنار رود جیحون ، به تنه درختی نشست و آنجا مرز ایران و توران شد .

اما افراسیاب که فرد شروری بود ، حمله به ایران را ادامه داد و کشتار و خرابی بسیار پدید آورد . ایرانیان سخت در برابر او ایستادگی می کردند . به خصوص پهلوانان سیستانی ، در جنگ ها دلیری بسیار نشان دادند . یکی از این پهلوانان سیستان ، " سام " نام داشت . او پسری داشت که به دلیل داشتن موهای سفید ، " زال " نامیده شد . سام از داشتن پسری با این رنگ مو شرمند بود ؛ لذا او را در کوهی رها کرد . اما سیمرغ که پرنده ای دانا بود ، او را نجات داد و بزرگ کرد . زال که جوانی زیبا و نیرومند شده بود ، به سوی پدرش که از عمل خود پشیمان شده بود ، بازگشت . زال صاحب فرزندی به نام " رستم " شد . او قوی ترین پهلوان ایرانی پیش از اسلام شد و بارها دشمنان ایران را شکست داد .

حکومت کیانیان

کی به معنی پادشاه است و کیانیان یعنی پادشاهان .

حملا وحشیانه افراسیاب ، ایران را دچار ویرانی و نابسامانی ساخت . پس از مدتی یکی از نوادگان فریدون ، به نام " کی قباد " فرمانروای ایران شد . کی قباد ، بنیانگذار سلسله کیانی است و پس از کی قباد ، " کی کاوس " به پادشاهی رسید . کی کاوس پادشاه خردمندی نبود و دوبار به دست دشمنان اسیر شد و هر دوبار رستم او را نجات داد . اقدامات کی کاوس ، سبب

رنجش پسرش " سیاوش " گردید . سیاوش به توران نزد افراسیاب رفت . افراسیاب در ابتدا با سیاوش مهربانی کرد ، اما سپس با ناجوانمردی او را به قتل رساند .

لشکریان ایران به فرماندهی رستم و به انتقام خون سیاوش ، خاک توران را مورد حمله قرار دادند . پس از مدتی پسر سیاوش " کی خسرو " که از دست افراسیاب جان سالم به در برده بود ، به ایران آمد و پادشاه شد . او به انتقام خون سیاوش به توران حمله کرد . پهلوانان ایرانی دلیرانه جنگیدند تا افراسیاب اسیر شده و به قتل رسید . کی خسرو که بدین ترتیب وظیفه خود را در نگهداری مرزهای ایران ، تمام شده می دانست ، از فرمانروایی کناره گرفت .

پس از کیخسرو " لهراسب " (یکی از نوادگان فریدون) به شاهی نشست که به خوبی کشور را اداره کرد . سپس فرمانروایی ایران به پسر لهراسب ، یعنی " گشتاسب " رسید . در زمان گشتاسب ، زرتشت پیامبر ایران پیش از اسلام ظهور کرد . گشتاسب و ایرانیان آیین زرتشت را پذیرفتند . " ارجاسب " پادشاه توران که دشمن خداپرستان (زرتشتیان) بود ، به ایران حمله کرد ؛ اما ایرانیان او را شکست دادند . در این دوره از جنگ های ایران و توران ، " اسفندیار " خدمات بزرگی انجام داد و در مقابل از پدر خواست که تاج و تخت را بدو واگذار کند . گشتاسب برای اینکه از خواسته پسر سرباز زند ، او را به سیستان فرستاد تا رستم را دست بسته به نزد پدرش بیاورد . رستم بسیار کوشید که اسفندیار را از اجرای فرمان پدر منصرف سازد ، اما موفق نشد . لذا جنگ در میان آن دو درگرفت . چون اسفندیار رویین تن بود ، رستم نتوانست او را شکست دهد ؛ لذا با راهنمایی سیمرغ ، تیری از چوب درخت گز بر چشم او زد و اسفندیار را کشت .

پس از کشته شدن اسفندیار ، پسرش " بهمن " به سیستان لشکر کشید . او عده زیادی را کشت و همه جا را ویران کرد . رستم نیز به دست برادر نادان و حسودش کشته شد . او در چاهی که برادرش بر سر راهش کنده بود ، افتاد و کشته شد . پیش از آن نیز در نبردی که با پسرش سهراب انجام داده بود ، او را به قتل رساند ؛ زیرا سهراب را از کودکی ندیده بود و نمی دانست که یا پسر خود می جنگد . پس از آنکه سهراب به قتل رسید ، رستم متوجه شد که فرزند خود را کشته و از این مصیبت سخت به ناله افتاد و دلشکسته شد .

پس از بهمن ، خواهرش " هما " به پادشاهی رسید و پس از او و با گذشت روزگار ، نوه هما ، " دارا " بر تخت نشست . در زمان دارا ، اسکندر به ایران حمله کرد . دارا را کشت و ایران را تصرف کرد . با کشته شدن دارا ، سلسله کیانیان نیز به پایان رسید .

تبدیل تاریخ ها

با توجه به اینکه همیشه دانشجویان با تبدیل و تطبیق تاریخ ایران دچار مشکل می شوند چگونگی تبدیل تاریخهای میلادی، هجری و خورشیدی در این نوشتار آمده است تا در صورت لزوم بتوانند از آن استفاده نمایند.

الف) تبدیل سال هجری قمری به میلادی

$$(\text{سال هجری قمری} \times \frac{32}{33}) + 622 = \text{سال میلادی}$$

$$\text{ب) تبدیل سال میلادی به هجری قمری} \quad (\text{سال هجری قمری} \times \frac{33}{32}) - 622 = \text{سال هجری قمری}$$

ج) تبدیل سال قمری به شمسی

$$(\frac{\text{سال قمری} \times 354}{365}) + 2 = \text{سال شمسی}$$

د) تبدیل سال شمسی به قمری

$$(\frac{\text{سال شمسی} \times 365}{354}) - 1 = \text{سال قمری}$$

ه) تبدیل شمسی به میلادی

✓ از اول فروردین تا ۱۱ دی ۶۲۱ به سال شمسی اضافه می کنیم

✓ از ۱۱ دی تا اول فروردین ۶۲۲ به سال شمسی اضافه می کنیم

و) تبدیل میلادی به شمسی

✓ از اول فروردین تا ۱۱ دی ۶۲۱ از سال شمسی کم می کنیم

✓ از ۱۱ دی تا اول فروردین ۶۲۲ از سال شمسی کم می کنیم

اولین سکونت گاهها در ایران

نخستین سکونت گاهها و روستاهای اولیه در ایران حداقل به هزاره هشتم ق.م مربوط است. یکی از این سکونت-گاهها در تپه گنج دره واقع در ده کیلومتری شهرستان هرسین است. اتاق های این خانه ها مستطیل شکل بوده اند. اتاق ها از داخل به شکل مدور با اندود کاهگل و سقف تیرپوش بوده اند.

هنگامی که اولین ساکنان ایران به صورت گروهی در منطقه ای مستقر شدند، مربوط به حدود ۷۰۰۰ سال ق.م است. باستان شناسان فاصله زمانی بین ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا تأسیس امپراطوری هخامنشی را، به دو دوره تقسیم کرده اند: دوره اول، دوره نوسنگی (هزاره هفتم ق.م) نام دارد و دوره دوم دوره مس و سنگ (حدود ۳۲۰۰ ق.م) است که با پیدایش خط این دو دوره پایان می پذیرد. اما از ۳۲۰۰ ق.م تمدنی در ایران به وجود آمد که به آنان، «عیلام آغازین» می گویند. اجتماعات شهری و تشکیل شهرها در این زمان شروع شده است. در واقع بشر زندگی کوچ نشینی و غارنشینی را رها کرده و با کار کشاورزی در یک منطقه زمین گیر شده است.

عیلامی ها از بخش غربی تا تمامی نواحی جنوب فلات ایران را در دست داشتند و شهرهای متعددی را به وجود آوردند. مهم ترین مناطقی که متعلق به عیلامی ها بوده عبارتند از شوش هفت تپه و چغازنبیل در دشت خوزستان. در سال ۶۳۹ ق.م آشوریان به سرکردگی پادشاه قدرتمندشان آشور یا نیپال، تمامی مناطقی را که در دست عیلامی ها بود تصرف نمودند و آسیب های فراوانی بر این تمدن وارد کردند. به همین دلیل آثار زیادی از عیلامی ها در دست نداریم غیر از بنای معبد زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شوش که هنوز آثار آن باقی است.

زیگورات چغازنبیل



زیگورات ها، جایگاه ها یا معابدی هستند که در دوره کهن مردم بین النهرین برای خدایان مورد پرستش خود بنا می کردند و چون عیلامی ها هم مقارن با تمدن های بین النهرین در شوش حکومت می کردند. این بنا نیز نام زیگورات به خود گرفته است.

چغازنبیل مرکب از دو کلمه چغا و زنبیل است که چغا به معنای تپه و زنبیل ظرفی است که از الیاف ساخته می شده و در گذشته برای آسانی حمل و نقل مواد و اشیاء مختلف به کار می رفته است. مساحت بنای زیگورات چغازنبیل ۱۰۰×۱۰۰ متر و بلندی آن ۵۰ متر است و به صورت چهارگوشه و پله پله ساخته شده است. این بنا دارای ۵ طبقه بوده و در طبقه آخر محوطه کوچکی قرار داشته که جایگاه رب النوع اینشو شیناک یا الهه اینشوشیناک خدای عیلامی ها بود. مصالح این بنا از خشت خام و آجر معمولی پخته است.

دو ویژگی مهم در بنای زیگورات چغازنبیل دیده می شود :

۱- بر روی آجرهای نما خطوطی به شکل خط میخی که همان خط عیلامی است حک شده است که اکثر آنها دارای یک نوشته درباره اینشو شیناک است.

۲ - قدیمی ترین طاق قوسی شکل ایران در یک بنا را می توان در زیگورات چغازنبیل و در سقف پله های آن مشاهده کرد. شکل این طاق ها بدون تیزه و مانند قسمتی از کمان دایره است که به آن «طاق گهواره ای» می گویند.

تپه حسنلو



این تپه در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی دریاچه ارومیه و در ۹ کیلومتری شمال شرقی شهرستان نقده واقع است و نام خود را از دهکده مجاور که حسنلو نام دارد گرفته است.

بخش شمال غربی فلات ایران، از تعدادی امیرنشین یا شهرهای کوچک اما ثروتمند تشکیل می شده که احتمالاً حسنلو یکی از شهرهای عمده این امیر نشینان بوده است . تپه حسنلو تپه بزرگ

و مدوری است که ۲۰ متر ارتفاع دارد و قطر دایره آن حدود ۲۷۰ متر است. ساکنان اولیه آن احتمالاً اقوام مانایی بوده اند.

تپه سیلک



تپه سیلک در ۳ کیلومتری غرب کاشان و در سمت راست جاده کاشان به باغ فین قرار دارد و شامل دو تپه شمالی و جنوبی است که تپه شمالی کوچکتر و قدیمی تر از تپه جنوبی است.

در تپه شمالی آثار معماری ابتدایی است و در آن از خشت خام دست ساز استفاده شده است اما تپه جنوبی شامل اتاق های

کوچک با راهروهای مختلف است و در ساخت آن از خشت های بزرگ قالبی با اندازه متوسط $20 \times 30 \times 10$ سانتی متر استفاده شده است. در لایه های بالاتر خانه ها بزرگتر شده و در آن ها اجاق و تنور دیده می شود. آثار بدست آمده در آخرین لایه های سطح تپه ، مربوط به دوره آغاز تمدن عیلامی هاست و حدود ۳۰۰۰ ق.م قدمت دارد. دهکده بزرگ سیلک به مرور توسعه یافته و دارای برج و بار مهمترین ویژگی تپه سیلک کشف الواح عیلامی است. این الواح گلی دارای علایم و طرح های مختلف است از جمله قدیمی ترین آثار و نگارش در فلات ایران به شمار می رود. و بوده است.

معماری صخره ای در ایران

غیر از دو روستای معروف ایران یعنی روستای میمند در کرمان و روستای کندوان در نزدیکی تبریز که در داخل صخره های کوه قرار گرفته اند بقیه معماری صخره ای ایران، مربوط به اعتقادات مذهبی و دینی است.

از مهم ترین دخمه های مادی می توان دخمه ها یا آرامگاههای زیر را نام برد : دخمه فخریگاه یا فخریکا در ۱۵-۱۰ کیلومتری شمال شرقی مهاباد، دخمه شیرین و فرهاد در نزدیکی شهر صحنه استان کرمانشاه ، دکان داود در نزدیکی سرپل ذهاب، دود دختر در نزدیکی فهایان فارس، آخور رستم در ۸ کیلومتری جنوب تخت جمشید و قیرقاپان در خاک کردستان عراق . این نوع آرامگاه سازی بعدها تکامل بیشتر یافت و دارای تزئینات، نماسازی با شکوه گردید که نمونه های آن آرامگاه های داریوش و خشایارشا وارد شیراول تا سوم در نقش رستم فارس و در کنار تخت جمشید است. در اغلب مقابر صخره ای غرب ایران که قدمت آنها بیشتر از عهدهخامنشی است ستون های ورودی دخمه ، عمق و حجم دخمه را مشخص می سازد ولی در دوره های بعدی موضوع عمق کمتر مطرح بوده است و بیشتر، تزئینات و نماسازی مورد توجه بوده است.

معماری دوره تاریخی ایران

هخامنشیان



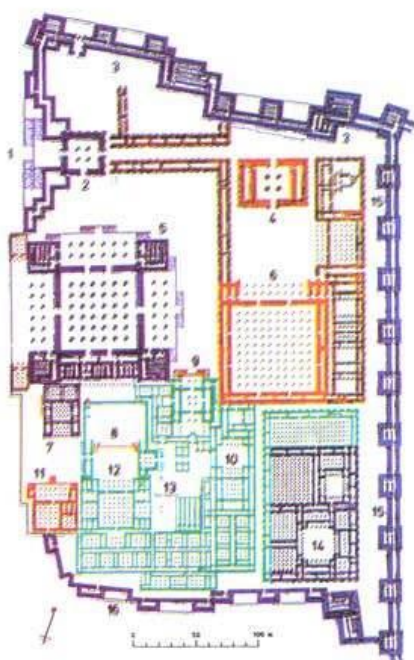
کوروش ، پادشاه هخامنشی، به عنوان نخستین نمایش قدرت، به ساختن مجموعه کاخ ها و معابد پاسارگاد در استان فارس پرداخت. مجموعه بناهای پاسارگاد معرف سبک معماری هخامنشی است. در پاسارگاد، کوروش را در بنایی با سقف شیب دار به خاک سپرده اند.

مزار کوروش دارای ۶ پله است که رو به بالا، از ارتفاعشان کاسته می شود. این بنا را پیش از مرگ کوروش، در سال ۵۲۹

ق.م ساخته بودند. بناهای باقی مانده پاسارگاد، اینکه ویران است و مشکل می توان دریافت که شکل آنها چگونه بوده است. کاخ بزرگ شوش را داریوش اول، پیش از ساختن آپادانا در تخت جمشید بنا کرد و می دانیم که تخت جمشید پایتختی آیینی بوده است. داریوش در حوالی سال های ۵۱۸-۵۱۶ ق.م ساخت بناهای عظیم تخت جمشید را آغاز کرد. تأسیس چنین مرکز بزرگ قدرت زمینی که به صورت شهر مینوی اساطیری ساخته شده بود می توانست توافق با خدایان را تأمین کند، جای مؤثری برای دعا و نیایش فراهم کند و امنیت و رفاه را به همه اقوام این امپراطوری پهناور هدیه کرد.

تخت جمشید

مساحت کل تخت جمشید ۱۴۰۰۰ متر مربع بوده و در دامنه کوه رحمت مشرف به جلگه مروودشت واقع شده و با تراشیدن قسمتی از کوه به وجود آمده است. پلکان ورودی بنای تخت جمشید از تخته سنگ های عظیم تراشیده شده است. این پلکان به یک ایوان منتهی می شود که گاوهای بالدار با سر آدمی از آن پاسداری می کنند. در این ایوان، کتیبه ای از خشایارشا دیده می شود. در این کتیبه نوشته



شده است که این «درگاه همه ملت هاست».

در عرض حیاط ورودی، تالار معروف به ۱۰۰ ستون قرار دارد. این مکان احتمالاً قرارگاه پاسداران شاه بودند است چون مستقیماً با دروازه ورودی و سایر تسهیلات مربوط است.

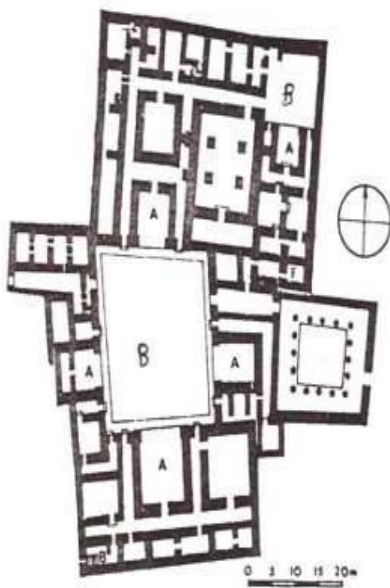
در قسمت های دیگر آپادانا، کاخ داریوش، کاخ های خشایار شاه و اردشیر و سایر کاخ های کم اعتبارتر و بناهای اداری قرار دارد.

نازک کاری سراسر بناهای تخت جمشید با دقت و وسواس در خور یک بنای شاهانه و مقدس انجام گرفته است. گرچه مجسمه های تخت جمشید تا حدود زیادی از سرمشق های آشوری در برخی جنبه ها از نقش برجسته های اقدام دیگر اقتباس شده اند ولی در آنها، رفتار و حالت متفاوت خوشایند و عبرت آموزی به چشم می خورد. همه تصویرها با وقار و برکنار از زندگی هستند و در آن ها، احساس آگاهی از حضور آسمانی به چشم می خورد.

دیوار بناهای تخت جمشید از خشت خام بوده که مدت ها پیش فرو ریخته است. داریوش اول در جلگه تخت جمشید (نقش رستم) محل آرامگاهش را برگزید و آن را بر صخره ای در نقش رستم تصویر کرد. این آرامگاه که از بناهای تخت جمشید و شوش سرمشق گرفته است، سرمشقی شده است برای آرامگاه های بعدی هخامنشیان که در همان صخره ها حجاری کرده اند.

اشکانیان

در شمال خاوری ایران که اینک کشورهای آسیای میانه قرار دارند، قوم دیگری به نام پارتیان، معماری کاملاً متفاوتی را تکوین بخشیدند. دو کار مهم پارتیان در زمینه معماری یکی دستیابی به گنبد روی گوشواره است و دیگری تکوین ایوان طاقدار است



کاخ آشور در خاک عراق یکی از بناهای اشکانی مربوط به قرن اول میلادی است، با اضافاتی از قرن سوم، که نقشه جالب تری را از لحاظ پیشرفت های بعدی ایرانیان ارائه می دهد. در آن نخستین نمونه چهار ایوان را می بینیم که به یک حیاط چهارگوش مرکزی مشرف است. آرایش و نماسازی پارتیان با مایه های یونانی و یا با شکل های رومی پیوند نزدیک داشت.

معبد کنگاور

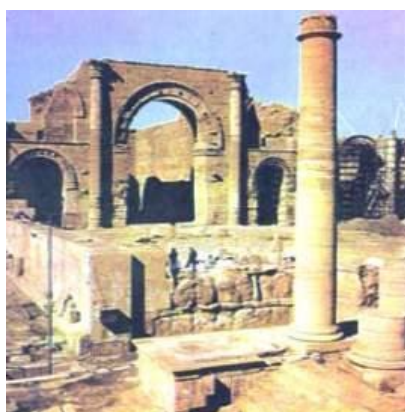
کنگاور یکی از شهرهای کرمانشاه است که از گذرگاه های اقوام ماد و هخامنشی بوده است. صفه یا سکویی که معبد کنگاور بر روی آن بنا شده است ۷ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و به وسیله دیوار ضخیمی از چهار طرف احاطه شده است. راه ورود به معبد کنگاور مانند تخت جمشید پلکانی دو طرفه است که هر طرف ۶۰ پلکان سنگی دارد. در قسمت عقب و در بالاترین نقطه صفه، آتشکده ای روباز قرار داشته و



آناهیتا (مظهر و فرشته آب) در این پرستشگاه نقش مؤثری ایفا می کرده است. پس از پیمودن پله های دو طرفه، از گوشه جنوب شرقی ۱۲ ستون در طرف راست و به قرینه آن، ۱۲ ستون هم در طرف چپ بر لبه خارجی دیوار صافه قرار داشته است.

کاخ نسا

کاخ نسا در عشق آباد (اشک آباد) و در حاشیه ی غربی بیابان قره قوم واقع است. این کاخ مربوط به قرن دوم و سوم قبل از میلاد و بنای آن چهارگوش است و چهار ایوان دارد. تالار بزرگ آن دارای سه ایوان است. سقف این تالار چوبی است که بر چهارستون به هم چسبیده استوار شده است.



کاخ و شهر هترا (الحضرا)

شهر هترا در فاصله ۳ کیلومتری رودخانه دجله و در جنوب غربی موصل واقع است. بنای شهر مربوط به سال ۱۱۷ میلادی است و حصار دور شهر شکل چند ضلعی دارد. در فاصله هر متر برجی قرار گرفته است. در پشت دیوار شهر خندقی حفر کرده بودند و شهر دارای ۴ دروازه در چهار جهت بوده است. معروفترین بنای شهر هترا، نیایشگاه خورشید بوده است.

کوه خواجه سیستان

مجموعه بناهای کوه خواجه را «قلعه» هم می نامند. این بنا شامل یک قصر و یک معبد است. ورودی آن پلکانی دوطرفه دارد و دارای یک ورودی در ضلع جنوبی است. همچنین در دو ضلع غربی و شرقی آن، ایوان های مسقف وسیع قرار گرفته است. به کارگیری گچ که از زمان پارت ها در فلات ایران رایج شد و تا دوران ساسانی ادامه یافت، در قسمت های مختلف بنا به کار گرفته شده است. بدنه دیواره های کوه خواجه نقاشی هایی با رنگ های شاد و از جمله نقش سه ایزد، انسانی بالدار خیالی و نقش شاه و ملکه همه نشانی از تأثیر شدید هنر یونانی دارند.

ساسانیان



یکی از بناهای مهم ساسانیان کاخ اردشیر اول در فیروز آباد به نام «رام اردشیر» است. طول نمای کاخ فیروز آباد حدود ۶۰ متر و دهانه طاق ایوان بزرگ مرکزی ۱۳ متر است. پشت ایوان مرکزی که در هر سمت آن دو ایوان مستطیل قرار دارد. سه طاق چهارگوش گنبد وار واقع است. این گنبدها، قدیمی ترین گنبدهای شناخته شده ایرانی است که بر روی دیوارهایی به قطر ۴ متر قرار گرفته اند.

دیوارهای کاخ فیروزآباد از سنگ های ناصاف و با کمک ملاط ساخته شده و روی آن سفیدکاری شده است. جزئیات تزیینات از کاخ های هخامنشی در تخت جمشید اقتباس گردیده است



قلعه دختر

قصر کوچکتر دیگری به نام قلعه دختر دارای برج و بارو است و بر بلندی صخره ای به دستور اردشیر ساخته شده است. این کاخ دارای یک ایوان بزرگ طاقدار است که در پشت این ایوان اتاق چهارگوش گنبداری قرار دارد. این گنبد به طرف آسمان باز بوده است.

طاق کسری

برجسته ترین یادگار دوره ساسانی طاق کسری در تیسفون (در عراق امروزی) واقع است. ایوان آن دهانه ای به قطر ۲۵ متر، بزرگتر از هر طاق اروپایی، بلندایی به ارتفاع ۳۰ متر و عمق نزدیک به ۵۰ متر دارد. زمانی بر بالای این طاق دیواری به بلندی ۷ متر وجود داشت. در این نما چند ردیف طاقنمای کم عمق باستونچه هایی به وجود آمده است.

کاخ بیشاپور

کاخ بیشاپور مربوط به شاپور اول، نمونه کاملتری از بنای ایواندار است. تالار بار عام که اتاق بزرگی به وسعت ۵۰۰ متر مربع است، گنبدی به ارتفاع ۲۵ متر دارد. در هر ضلع این اتاق، سه ایوان تعبیه شده است که آنها را از سنگ و آجر با ملات ساخته اند.

در دیوارهای تالار بار عام، شصت و چهار تاقچه به شکلی استادانه ساخته شده است. بسیاری از نقش برجسته های آرایشی آن از هنرهای یونان و روم اقتباس شده است.

کاخ سروستان



کاخ سروستان در سده پنجم توسط بهرام در سروستان (استان فارس) ساخته شده است. ایوان مرکز نمای شرقی، در هر طرف آراسته به ایوان کوچکتری است که دسترسی به اتاق گنبد دار مرکزی را میسر می سازد. در پشت آن حیاط چهارگوشی است که یگانه ایوان آن در وسط دیوار غربی قرار دارد.

این بنا یادآور نقشه کاخ فیروزآباد است اما در اینجا آزادی بیشتر و قرینه سازی کمتر به چشم می خورد.

طاق بستان



در طاق بستان که جایگاه چشمه های مقدس در نزدیکی کرمانشاه است دو ایوان تو رفته وجود دارد. تورفتگی سمت راست در قرن چهارم کنده شده و تورفتگی سمت چپ که بزرگتر است به قرن پنجم مربوط می شود. در دیوار انتهایی طاقچه ایوان نیز حجاری شده است.

در بالای آن نقش اعطای تاج به یک پادشاه و در پایین پیکره سواره یک شاه دیده می شود که این شاه را خسرو پرویز دانسته اند. اطراف این طاقچه را با اجزای معماری مانند ستونچه ها و قرنیز گچبری کرده اند.

بر دیوارهای جانبی حجاری هایی از شکارهای شاهانه دیده می شود و در دو گوشه طاقنما، دو تصویر انسان بالدار تاج هایی در دست دارند که معرف تاج شاهی است.

تخت سلیمان



یک از آثار مهم و با ارزش دوره ساسانی مجموعه تخت سلیمان در نزدیکی تکاب (استان آذربایجان غربی) است که بر روی صفحه یا تخت گاهی طبیعی به ارتفاع ۲۰ متر از سطح زمین های اطراف بنا شده است. حصاری بیضی شکل که مصالح آن از سنگ لاشه و ساروج است با ۳۸ برج دفاعی مخروطی شکل به ارتفاع ۱۴ متر اطراف آن را فرا گرفته

است. در وسط این مجموعه دریاچه ، کاخ خسرو دوم ساسانی با ایوان رفیع آن که به ایوان خسرو معروف است قرار دارد که از آجر قرمز و ملات ساروج ساخته شده است.

آتشکده ای نیز در شمال این کاخ قرار دارد که به آتشکده «آذر گشسب» شهرت دارد که شامل یک سالن مربع شکل با ۴ پایه قطور گنبد آجری آن بر روی این چهار پایه بنا شده (چهارطاقی) و تعداد زیادی بناهایی که در اطراف آتشکده است که احتمالاً محل اقامت خانواده شاه بوده است. بعد از ساسانیان ایلخانان مغول در این محل کاخی به عنوان کاخ تابستانی بنا کرده اند.

آتشکده ها

آتشکده ها و پرستشگاههای ساسانی در سراسر ایران و پادشاهی ساسانی پراکنده بود. شکل آنها یکسان بود. گنبدی بر روی گوشواره ها و بر بالای چهار پایه ای بزرگ واقع بود که طاقنماهایی آنها را به یکدیگر می پیوست. آتشکده چهار طاقی نیاسر که احتمالاً مربوط به قرن دوم است، یکی از نمونه های آتشکده های ساسانی است که عاقلانه حفظ شده است.



مهم ترین و مؤثرترین دستاوردهای ساسانی در زمینه معماری در توسعه گنبد و قرار دادن آن روی گوشواره و ساختن طاق های عظیم بدون قالب بود. تمرکز دادن بار روی نقاط ثابت جداگانه (مانند سروستان) و استفاده عالی از طاق های عرضی هم، زمینه مناسب را برای پیشرفت های بعدی فراهم ساخت

تاریخ و معماری دوران اسلامی

هنر و معماری در جهان پهناور اسلام دارای چهار شیوه بنیادی است. این چهار شیوه عبارتند از :

(۱) **شیوه مصری** : این شیوه از معماری کهن مصر ریشه گرفته است و در کشورهای اسلامی شرق آفریقا ، مصر، سودان و کشورهای پیرامونی تا حجاز را در بر می گیرد که در آن جا با شیوه شامی برخورد می کند.

(۲) **شیوه شامی** : این شیوه از هنر و معماری بیزانس ریشه گرفته و کشورهای سوریه ، فلسطین ، لبنان ، اردن و بخشی از ترکیه را در بر می گیرد و دارای ویژگی های مشترکی با شیوه مصری است . این شیوه در عربستان با شیوه مصری در هم آمیخته شد و دستاورد آنها ساختمان هایی است که امروزه در مکه و مدینه دیده می شود .

(۳) **شیوه مغربی** : که شیوه ای بسیار پیشرفته و چشمگیر است و در برگیرنده کشورهای مراکش امروز ، الجزایر و جنوب اسپانیا می باشد . شیوه مغربی ، یکی از شیوه های ارزشمند هنر و معماری اسلامی است . این شیوه بعدها به دو شاخه شد . یکی در شمال آفریقا برجای ماند و دیگری در اندلس پا گرفت . شاخه اندلسی پیشرفته تر از شاخه مغربی شد ، گرچه هر دو یک خواستگاه داشتند .

(۴) **شیوه ایرانی** : این شیوه از همه ارزشمندتر و گسترده تر بود و در برگیرنده کشورهای بین النهرین ، ایران ، افغانستان ، پاکستان ، جمهوری های ماوراء النهر (ازبکستان – تاجیکستان) و تا هند و اندونزی می باشد و همچنین شیخ نشین های پیرامون خلیج فارس مثل عمان .

سبک شناسی معماری ایرانی در طی شش شیوه ، بررسی می شود که در طول تاریخ کهن این کشور ، به گونه شگفتی پیوسته به دنبال هم پدیدار شده اند . از شش شیوه معماری ایرانی ، دو شیوه پارسی و پارتی پیش از اسلام و چهار شیوه خراسانی ، رازی ، آذری و اصفهانی ، از آن دوران اسلامی هستند و به دنبال دگرگونی های پس از آمدن اسلام به ایران پدیدار شدند . برخی از محققان نظیر پروفسر ویلبر معتقدند که اجرای هر طرح معماری به سه عنصر اجتماعی بستگی دارد. اول جامعه ای که به آن طرح نیازمند است؛ دوم شخص یا اشخاصی که از اجرای طرح حمایت می کنند و هزینه مالی آن را متعهد می شوند؛ سوم معمار یا استاد کارانی که طرح را اجرا می کنند. جذابیت تحقیق و مطالعه معماری ایران در این است که دریابیم چگونه این عوامل سه گانه بر یکدیگر تأثیر می گذارند و سرانجام به احداث بنایی منجر می شوند

کاربرد بناها

مطالعه درباره معماری ایران، نشان دهنده چگونگی گسترش آن در طی پانزده قرن گذشته است. در هر دوره بناهایی با ویژگیهای گوناگون در روستاها، شهرها، جاده های کاروانی، مناطق کویری، گذرگاههای کوهستانی و شهرهای ساحلی ایجاد گردیده که کاربردهای متفاوت داشته اند.

اهمیت معماری اسلامی وقتی آشکار می شود، که بدانیم در ساخته های این دوره به کاربرد مادی و معنوی بناها - که از مهمترین ویژگیهای آن است - توجه شده است. برای دریافتن اهمیت این ویژگیها در گسترش معماری شایسته است طبقه بندی بناهای دوره اسلامی و کاربرد آنها را مشخص کنیم.



بطور کلی بناهای دوره اسلامی را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف) بناهای مذهبی. شامل مساجد، آرامگاهها، مدارس، حسینیه ها، تکایا، و مصلی ها؛

ب) بناهای غیر مذهبی. شامل پلها، کاخها، کاروانسراها، حمامها، بازارها، قلعه ها و آب انبارها. در دو گروه فوق از بناهای دوره اسلامی، مکانی برای عبادت، تجارت و سکونت وجود داشته است.

بنا های مذهبی

مساجد و عوامل مشترک در آنها و تزئینات وابسته به معماری آنها

مساجد

با ظهور اسلام بسیاری از معابد، آتشکده ها، پرستش گاه ها و کلیساها با تغییر شکل مختصری تبدیل به مساجد شدند مانند مسجد یزد خواست که بر روی آتشکده بنا شده است و مسجد جامع بروجرد که بر روی آتشکده ای نیمه ویران ساخته شده است و مسجد نیریز که از تبدیل چهار طاقی به صورت مسجد درآمده و مسجد محمدیه نایین که بر روی مهرابه ای بنا گردیده است و مسجد جامع زواره که آن نیز بر روی مهرابه بنا گردیده است.

به طور کلی مساجد ایران را به چهار گروه تقسیم می کنند :

۱- شبستانی

۲ - چهار طاقی

۳ - ایوانی

۴ - چهار ایوانی

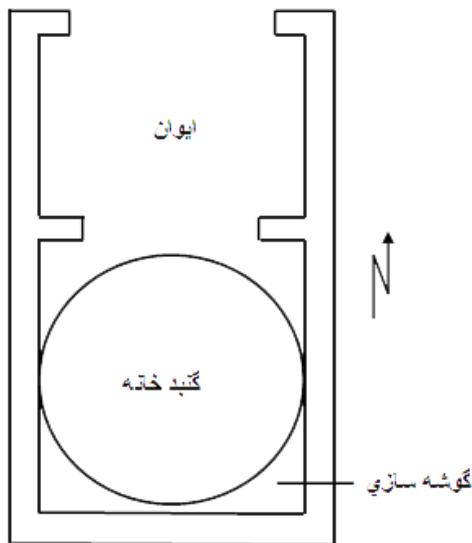
۱ - مساجد شبستانی

یکی از اولین مساجد شبستانی ، مسجد فهرج است که از بخش سرپوشیده در جانب قبله و حیاط مرکزی و ایوان جلوی آن و صفه هایی در اطراف تشکیل یافته است.

دومین مسجد شبستانی را تاریخانه دامغان می دانند که نقشه ای مستطیل شکل با حیاط مرکزی مربع و شبستانی در جهت قبله و رواق هایی در اطراف دارد.

سومین مسجد را در این تقسیم بندی، مسجد اولیه جامع نایین می دانند و آن را به قرن چهارم نسبت می دهند.

چهارمین مسجد از نوع شبستانی را مسجد اولیه جامع اصفهان به شمار می آورند و آن را به قرون اولیه اسلام نسبت می دهند.



۲- مساجد چهار طاقی

طرح این مساجد شامل چهار ستون در چهار گوشه مربع شکل می باشد که به وسیله چهار قوس در چهار جهت اصلی نمایان شده است و چون از چهار طرف باز بوده و به چهار طاق شهرت یافته است. بنای چهار طاقی بیشتر برای آتشکده یا آتشگاه مورد استفاده قرار می گرفته است مانند چهار طاقی نیاسر و خرم دشت در کاشان و چهار طاقیبرزو در اراک و چهار طاقی فراشبند در فارس.

پس از ظهور اسلام بسیاری از آتشکده ها تبدیل به مسجد شدند. برای این منظور ابتدا یک درگاه از چهار درگاه را که به طرف قبله بود مسدود کردند و به تدریج درگاه های شرقی و غربی را نیز پوشاندند و راه ورودی به چهار طاقی به درگاه شمالی منحصر شد و سپس ایوانی پوشیده در جلوی درگاه شمالی می ساختند مانند مسجد یزد خواست و مسجد اردبیل .

۳- مساجد ایوانی

بسیاری از کارشناسان معتقدند که شرق ایران به ویژه خراسان جایگاه ایوان هاست.



اولین ایوان های اسلامی در جنوب و مقابل گنبد خانه شکل گرفتند و سپس ابتدا ایوان شمالی در جهت قرینه سازی با ایوان جنوبی و بعضاً برای استفاده از آفتاب زمستان ساخته شد. نمازگزاران به اقتضای فصل از ایوان شمالی و جنوبی استفاده می کردند. از مساجد تک ایوانی می توان مسجد نیریز، مسجد

رجبعلی در محله درخونگاه تهران، مسجد جامع یزد و مسجد جامع سمنان را نام برد.

۴- مساجد دو ایوانی



مسجد زوزن در فریومد سر راه جاده خراسان و مسجد ساوه از نمونه های مساجد دو ایوانی هستند. مسجد دو ایوانی ساوه که از مساجد سلجوقی است ویژگی خاصی دارد که دو ایوان آن مقابل هم نبوده و در کنار هم هستند.

۵- مساجد چهار ایوانی

به نظر آندره گدار فرانسوی اولین مسجد چهار ایوانی در ایران، مدرسه خوارگرد یا خورجرد خواف است و بعد از آن مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع زواره و اردستان را جزو مساجد اولیه چهار ایوانی ایران می دانند. از نمونه های دیگر این مساجد، مسجد جامع اصفهان، اردستان، زواره، نطنز، ورامین، مسجد امام خمینی تهران و مسجد گوهرشاد در مشهد مقدس است. تقریباً تمام مساجدی که از دوره سلجوقی به بعد در ایران ساخته شده است. طرح چهار ایوانی دارند. چون طرح چهار ایوانی شکلی زیبا، متقارن، قابل قبول و کامل بوده است.

عناصر مشترک در مساجد

عناصر مشترک در مساجد عبارت اند از: صحن، ایوان، رواق، مناره، گنبد، شبستان و محراب، ولی بعضی از مساجد مانند مسجد شیخ لطف الله اصفهان فاقد صحن و مناره هستند. تعدادی از مساجد اولیه اسلامی نیز ایوان و گنبد ندارند مانند تاریخانه دامغان اما هیچ مسجدی نمی تواند محراب نداشته باشد. بنابراین کلیه عناصر ذکر شده، به نوعی کم یا زیاد در ساختمان مساجد اسلامی به کار گرفته شده اند.

صحن و حیاط



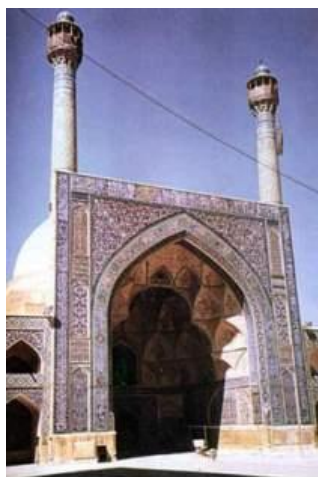
یکی از عناصر مهم معماری مساجد اسلامی، صحن و حیاط است که معمولاً طرح مربع یا مربع مستطیل دارد. در وسط آن، آب مظهر پاکیزگی و نظافت در حوض بزرگی که با فضاسازی بنا به صورت دایره و یا مربع و مستطیل و یا هشت گوش متناسب است متجلی می شود. محل حوض را در جایی انتخاب می کردند

که لااقل تصویربخش اعظمی از بنا به ویژه ایوان ها و طاق نماهای زیبا که دارای تزیینات و رنگ های الوان بودند کاملاً در حوض منعکس شود مانند مسجد امام خمینی اصفهان در بعضی از مساجد مانند مسجد عتیق شیراز بر روی حوض، سکو یا تخته گاهی ساخته اند که پایه های آن در حوض است. در بالای این سکو که به آن «خدای خانه» می گویند مؤمنین دور از دسترس مردم عادی، به تلاوت قرآن مجید می پرداختند.

رواق ها

رواق ها فضاهای سرپوشیده ستون دار اطراف صحن و حیاط مساجد هستند که معمولاً در پشت آنها دیوارهای انتهایی مسجد قرار دارند. ما در تاریخانه دامغان شاهد این رواق ها هستیم.

ایوان



زیباترین و عالی ترین ایوان ها، در مساجد و بناهای اسلامی ایران مشاهده می شود. ایوان های ایرانی اغلب بلند و متناسب با بنا ساخته شده اند. وجود طاق نماهای بسیار جالب و متنوع در اطراف ایوان ها، حالت موزونی به آن داده است. سقف ایوان ها که نیم کره گنبد است با عناصر تزیینی مانند مقرنس، آجرکاری، گچبری، آئینه کاری، نقاشی و به ویژه کاشی کاری، مزین شده است. ایوان های ورودی مسجد جامع یزد، مسجد شیخ لطف الله و مسجد و مدرسه چهار باغ (مادرشاه) در اصفهان از شاهکارهای هنری جهان محسوب می شوند. ایوان صحن امیرعلیشیر نوایی در آستان قدس رضوی از ایوان های مشهور معماری اسلامی است.

ایوان های حرم عبدالعظیم (علیه السلام) و حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) از با شکوهترین و زیباترین ایوان های اسلامی اند. ایوان های صفا صاحب، صفا استاد و صفا درویش در مسجد جامع اصفهان نیز از زیبایی خاصی برخوردارند

مناره ها

مناره ها بناهایی هستند در قالب برج بلند و باریک که معمولاً در کنار مساجد و بقاع متبرکه برای گفتن اذان ساخته می شوند. کلمه منار یا مناره به معنای جای نور و نار (آتش) است. پلکان های مناره ها از داخل به صورت مارپیچ است و هر چه به طرف رأس منار پیش می رود پهنای پله ها کمتر و باریک تر می شود. قدیم ترین منار یا برج راهنمای موجود در ایران، میل اژدها مربوط به دوره اشکانی است که در غرب نورآباد ممسنی قرار دارد. این میل ۷ متربلندی دارد و مصالح آن سنگ های سفید با تراش منظم است.

از دوره ساسانی نیز، مناری در فیروز آباد فارس باقی مانده است که به صورت توده بزرگی از سنگ و گچ است. این منار چهار ضلعی است و پلکان آن از خارج است. ارتفاع منار در اصل ۳۳ متر بوده و ابعاد آن در پای منار حدود ۱۱ متر است. قدیمی ترین مناره دوره اسلامی در شهرستان قم واقع است. این مناره آجری علاوه بر عملکرد شاخص شهری احتمالاً به



عنوان میل راهنما هم کاربرد داشته و در بالای آن اذان نیز گفته می شد. این مناره مدور و راه پله آن از درون است. از مناره های قدیمی دیگر مناره تاریخانه دامغان، منار مسجد جورجیر اصفهان و منار خشتی مسجد جامع مخرج در یزد است. یکی دیگر از مناره های آجری قدیمی ایران مناره ایاز کنار مقبره ارسلان جاذب در نزدیکی مشهد است که مربوط به قرن چهارم هجری است. منارها ابتدا منفرد بودند و مصالح آنها از خشت بود و بعدها با آجر همراه با تزیینات آجری و کتیبه ساخته شد. منار مسجد علی در اصفهان و منار تاریخانه بعداً به اصل بنا اضافه شده است. در همین زمان منارهای زوجی به ویژه ایوان های گنبد دار متعادل گردید که در این حالت به آن «گلدسته» نیز گفته می شود.

از قدیم ترین منارهای دوره سلجوقی می توان منار مسجد ساوه، منار مسجد پامنار و منار مسجد جامع کاشان را نام برد

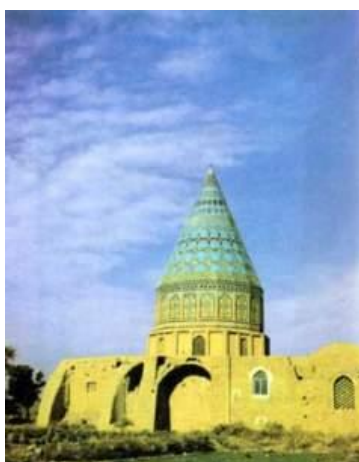
زیباترین منارهای زوجی ایران در دوره صفویه احداث شدند که نمونه های آن منارهای مسجد امام خمینی اصفهان، و منارهای مدرسه چهارباغ (مادرشاه) در اصفهان است.

هر گلدسته مأذنه شامل قسمت های زیر است :

۱. پایه
۲. بدنه یا ساقه
۳. محل گفتن اذان (مأذنه)
۴. تاج یا کلاهک

گنبد

گنبدها یکی از علائم معماری اسلامی هستند که متنوع ترین آنها در ایران به کار گرفته شده اند. مصالح آنها از خشت خام با



اندود کلاهگل یا آجر و سنگ است و رنگ آنها معمولاً آبی فیروزه ای است .

گنبدهای ایران به دو دسته رک و نار تقسیم می شوند. گنبدهای نار مانند گنبد مدرسه چهارباغ در اصفهان و گنبد میرزا رفیعا در اصفهان و گنبد مسجد گوهرشاد در مشهد.

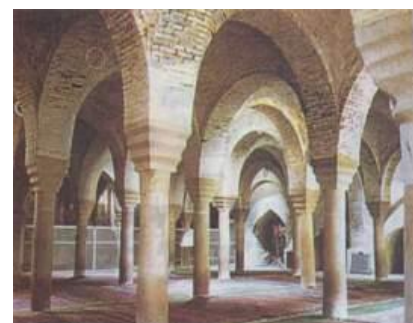
گنبدهای رک به سه گروه تقسیم می شوند که عبارتند از :

۱- گنبدهای رک هرمی مانند مقبره فیض کاشانی در کاشان و گنبد خانقاه حاج عبدالصمد در نطنز

۲- گنبدهای رک مخروطی مانند گنبد میل رادکان در قوچان

۳- گنبدهای رک اورچین (پله پله ای) مانند گنبد مقبره دانیال نبی (ع) در شوش گنبدهایی که ما از خارج بنا مشاهده می کنیم پوسته بیرونی بنای گنبد است که به آن اصطلاحاً «خود» می گویند، ولی گنبد دیگری در زیر گنبد خارجی وجود دارد که آن را از داخل مشاهده می کنیم و به آن اصطلاحاً «آهیانه» می گویند.

شبستان



شبستان ها فضاهای سرپوشیده و دارای ستون های یک شکل و موازی اند که از یک طرف به صحن مسجد راه دارند. سقف شبستان ها مسطح و یا قوسی شکل (طاق و تویزه) هستند. مساجد بستگی به اهمیت و اعتبار و تعداد نمازگزارانشان دارای یک یا چند شبستان هستند.

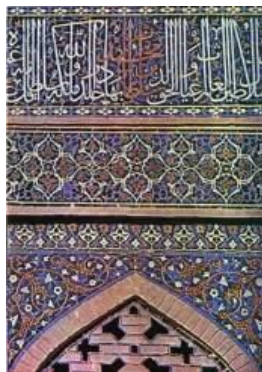
محراب

محراب نشان دهنده قبله مسلمین است کلیه مساجد اسلامی در کشورهای مسلمان محراب دارند. محراب ها در فرورفتگی قسمتی از دیوار قبله و از ساده ترین وجه تا پرنقش و نگارترین شکل ساخته می شوند. محراب های ساخته شده در ایران به



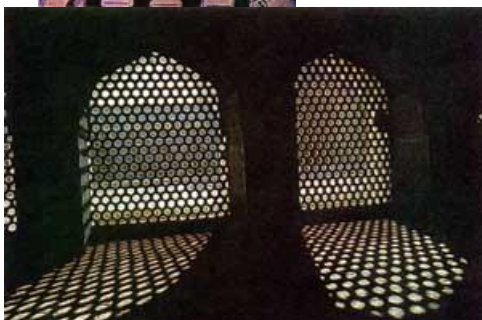
ویژه محراب های گچبری شده نظیر محراب اولجاتیو در قرن هشتم هجری در مسجد جامع اصفهان، محراب گچبری در مسجد اشترجان (اسفراین)، محراب مسجد جامع ورامین، مسجد نی ریز فارس و مسجد جامع اردستان، از زیبایی ویژه ای برخوردارند. همچنین محراب های کاشی کاری ایران مانند محراب زیبای مینایی و محراب مسجد میر عمادی کاشان از نمونه های بسیار عالی در ایران و جهان هستند.

کتیبه ها



کتیبه ها یکی از بارزترین عناصر نمادی معماری اسلامی به ویژه در مساجد و مقابر هستند. کتیبه های قدیمتر از آجرچینی و گچبری ها و کتیبه های جدیدتر با کاشی معرق و یا کاشی خشت اغلب به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی و بعضاً کتیبه های حجاری شده از سنگ مخصوصاً سنگ مرمر نیز دیده می شوند.

نورگیرها



اطراف گنبد و یا در ساق یا ساقه آن نورگیرهای زیبایی دیده می شود. این پنجره ها که معمولاً در بغل ایوان ها نیز به وجود آمده اند و اصطلاحاً به آن «پاچنگ» می گویند. در اکثر مساجد قدیمی جزو عناصر همراه مسجد هستند. نورگیرها از مصالح کاشی معرق، سنگ، آجر، کاشی و چوب ساخته می شوند و دارای نقوش اسلیمی یا هندسی هستند.

پنجره شبستان شمالی صحن حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده سهل بن علی (ع) بین قم و کاشان از شاهکارهای هنری ایران محسوب می شوند.

جنس پنجره های نورگیر در هند و پاکستان از سنگ مرمر است. یکی از زیباترین پنجره های نورگیر، پنجره های مشبک چوبی است مانند پنجره های محل نگهداری نخل در ابیانه.



ازاره ها از سطح زمین به فاصله یک متر و کمی بیشتر، کتیبه ای از سنگ یا کاشی تقریباً تمامی بناهای اسلامی و مساجد را به ویژه در محوطه ایوان و شبستان پوشانده است که به آن «ازاره» می گویند. ازاره های مسجد امام (مسجد شاه سابق) و مدرسه چهارباغ اصفهان و مسجد جامع اصفهان از مرمرهای مرغوب هستند. گاه لبه های بالایی از ااره ها را مختصری تزئین می کردند.

مقرنس کاری

مقرنس ها بیشتر در زیر نیم طاق کروی ایوان ها و نیم طاق های محراب ها عملکرد دارند. مقرنس های لانه زنبوری و مقرنس های کاسه ای از معروف ترین انواع



مقرنس هستند. عالی ترین کار مقرنس کاری متعلق به دوره صفوی مربوط به ایران ورودی مسجد امام (مسجد شاه)، مدرسه چهار باغ و مسجد شیخ لطف الله است که هر سه از نوع لانه زنبوری هستند. مقرنس کاری ایوان ورودی مسجد جامع یزد و ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان از نوع مقرنس کاری کاسه ای است.

گچ کاری



از گچ در سقف بسیاری از زیر ایوان ها به صورت مقرنس و رسمی بندی و یا کاربندی به خوبی استفاده کرده اند. به ویژه در کتیبه های ایوان ها و زیر گنبد ها ، گچ کارکرد مناسبی برای این اقدام دارد. اما مهم ترین نقش گچ در محراب های زیبا و با شکوه ایران است که نمونه های چنین محراب هایی را در مسجد جامع اصفهان (محراب اولجاتیو)

می توان مشاهده کرد.

آجر کاری و گره چینی



در دوره اسلامی به ویژه در عهد سلجوقی علاوه بر استفاده کاربردی از آجر، آن را به عنوان تزئینات بنا و مخصوصاً در نماسازی به کار می بردند. همچنین برای طرح های کاربندی و گره سازی حداکثر استفاده از آجر شده است.

نمونه های زیبای این آجرکاری ها را می توان در ضلع شرقی صحن مسجد جامع نایین، نماسازی برج های خرقان قزوین و ایوان



مسجد جامع اصفهان مشاهده کرد. یک نمونه دیگر از کار گره چینی با آجر که بسیار جالب توجه است. کاربندی با آجر در سقف مسجد جامع بروجرد است.

درهای چوبی و فلزی

اکثر امامزاده ها و زیارتگاه ها دارای درهای چوبی بسیار نفیس اند که روی آنها با انواع منبت و معرق چوب کار شده است. چوب این درها از درخت چنار یا گردو است که حشرات چوب خوار به آسانی نمی توانند در آن رخنه کنند.



عناصر تزئینی و آیینی منقول در بناهای مذهبی

به طور خلاصه در این بخش می توان از منبرهای قدیمی و رحل ها و سنگ آبه ها و زیلوهای قدیمی در مساجد نام برد. سنگ آبه ها ظروف سنگی بزرگی بودند که در داخل آنها آب آشامیدنی سالم ریخته می شد تا مردم از آب های دیگر برای رفع تشنگی استفاده نکنند زیرا آب های معمولی آلوده بودند.

مساجد مهمترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش

مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اقامه نماز جمعه، مراسم مذهبی، ایراد خطبه ها و تدریس در مساجد انجام می گرفت؛ زیرا مسجد بهترین مکان برای ابلاغ فرامین حکومت به مردم بود. کتیبه های باقیمانده بر دیوار بعضی از مساجد (مسجد جامع قزوین و مسجد جامع کاشان) حاوی وقف مکانهایی برای توسعه و تعمیرات مساجد از طرف واقف یا حکمران است. اغلب مساجد در مرکز شهرها، نزدیک بازارها و محدوده دارالحکومه ساخته می شدند و اگر شهری به بیش از یک مسجد نیاز داشت، مساجد دیگری از طرف حکومت یا افراد خیر احداث می شد. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر شهری مسجد جامع یا آدینه نداشت، اهمیت شهری هم نداشت. در صدر اسلام مساجد نقشه های ساده ای داشتند، ولی در طول زمان با طرحهای گوناگون و تزیینات مختلف، نقشه ها پیچیده شدند. در نقشه مساجد، از قرن چهارم هجری دگرگونیهایی به وجود آمد و بر اساس آن، مساجد متفاوت در شهرها احداث شد. مهمترین نقشه هایی که در مساجد به کار گرفته شده، شامل یک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی، و ترکیب چهار طاقو ایوان بوده که معماران دوره اسلامی آنها را از شیوه های معماری عهد اشکانی و ساسانی اقتباس کرده اند. مثلاً نقشه چهار ایوانی - در ساخت بسیاری از بناها - الهام گرفته از نقشه کاخ آشور، متعلق به زمان اشکانیان است. معماران دوره اسلامی مسجد را به شیوه های گوناگون می آراستند. در هر دوره یکی از عناصر تزئینی در آراستن مساجد متداول بوده است؛ برای مثال در عهد سلجوقیان آجرکاری، در عهد ایلخانیان گچبری و در عهد تیموریان و صفویان کاشیکاری رواج بیشتری داشته است و در مواردی نیز تزیینات آجرکاری، گچبری و کاشیکاری با هم به کار گرفته می شد.

مدارس علوم دینی

از جمله این مدارس، مدرسه مشهور چهارباغ (مادر شاه) اصفهان است که مربوط به دوره صفوی و به دستور مادر شاه سلطان حسین ساخته شده است.

مدارس دینی در عصر قاجار رونق دوره صفویه را نداشتند. از جمله مدارس این دوره مدرسه شهید مطهری (مدرسه سپهسالار) مدرسه صدر در تهران و مدرسه امام خمینی (سلطانی سابق) در کاشان مدرسه غیاثیه خرجود خواف در خراسان و مدرسه جده بزرگ در اصفهان می باشند.

معماری مدارس



مدارس نیز از جمله فضاهای معماری هستند که برابر خصوصیات جغرافیایی و آب و هوایی هر منطقه احداث می شوند. یکی از مهمترین عناصر فضایی یک مدرسه حجره های آن است قرار گرفتن حجره ها در چهار جبهه بنا، موجب تکوین شکل خاصی می گردد.

یکی از مدارس مشهور دوره ساسانیان، مدرسه جندی شاپور در اهواز است.

همچنین پایتخت ساسانیان یعنی بخارا دارای تعدادی مدرسه بوده است. در دوره صفویه و قاجاریه به تدریج مدرسی برای تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان دایر شد، از آن جمله مدرسه دارالفنون تهران که به دستور و همت میرزا تقی خان امیرکبیر ساخته شد و در واقع یک مرکز دانشگاهی بود. شکلی که کم و بیش آن را در کاروان سراها و خانقاه ها نیز می توان دید، عناصر عملکردی مدارس عبارت اند از: حجره محل اقامت طلبه ها، مدرسه محل تدریس استادان، کتابخانه، مسجد، اتاق های خادم، چراغ دار، سقا، آبکش و سرویس های بهداشتی

در صدر اسلام تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می شد. بتدریج با توسعه علوم اسلامی، فضای آموزشی از مساجد جدا گشت. در قرن پنجم هجری (همزمان با حکومت سلجوقیان) به تشویق خواجه نظام الملک، مدارس متعددی در شهرهای معروف اسلامی مانند بغداد، ری، نیشابور و جرجان ساخته شد. بعدها نقشه چهار ایوانی، که مورد توجه معماران قرار گرفت، برای فضاهای آموزشی طرحی متعارف شد. در اطراف ایوانها، حجره هایی به صورت یک یا دو طبقه برای استفاده و اقامت شبانه روزی دانشجویان و طلاب علوم دینی ساخته شد. غیر از ساعات تدریس، از مدارس به عنوان مسجد نیز استفاده می کردند. مدارس نیز همانند مساجد با آجرکاری، گچبری و کاشیکاری تزیین می شد (مانند مدارس غیاثیه، چهار باغ و مطهری).



زیارتگاه ها و آرامگاه ها

زیارتگاه ها و آرامگاه های ایران به شرح زیر تقسیم بندی می شوند:

۱- زیارتگاه ها و مقابری که منتسب به فرزندان و اقوام نزدیک امامان معصوم اند مانند آستانه حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم، زیارتگاه شاه چراغ برادر امام رضا در شیراز، شاهزاده حسین در قزوین و مرقد سلطان علی بن امام محمدباقر در شهر اردبهال کاشان.

۲- زیارتگاه ها و مقابری که مخصوص علم و فضیلت و نام آوران دینی و مذهبی و یاران ائمه اطهارند مانند خواجه اباصلت در مشهد و شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری.

۳- آرامگاه و زیارتگاه ادیبان و شاعران و عارفان و دانشمندان مانند آرامگاه شیخ عطار و خیام در نزدیکی نیشابور.

۴- آرامگاه هایی که مخصوص پادشاهان، امرا و حکام و فرمانروایان ایران است مانند گنبد کاووس یا قابوس در شهر گنبد قابوس در استان گلستان، مقبره طغرل سلجوقی (برج طغرل) در شهر ری و گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان که در کنار و

چسبیده به آن در محلی به نام «تربت خانه» مقبره سلطان محمد خدابنده (اولجاتیو از پادشاهان مغول) واقع است. اما قدیمی ترین مقبره تاریخ دار مربوط به ایران، مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا است. این بنا سرشار از آجر کاری های متنوع است که مانند حصیر به هم بافته شده و گنبد آن شبیه گنبدهای ساسانی است.



۵- برخی از اماکن مقدس به دلیل وجود آثاری که در آنهاست موجب تبرک و تیمن گشته اند مانند زیارتگاه قدمگاه در نزدیکی نیشابور و زیارتگاه جمکران در نزدیکی قم .

معماری مقابر

بسیاری از بناهای مقابر منفرد و تک بنا هستند یعنی فقط از گنبد و فضای زیر گنبد که محل قبر یا ضریح متوفی است تشکیل شده است مانند مقبره ملاحسن کاشی در سلطانیه ، مقبره شیخ عطار در نیشابور و مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا.



بیشتر مقابر شامل برج مقبره ای هستند. نمای بیرونی این برج ها اغلب با آجر، نماسازی و بدنه بنا به صورت مضرّس دندانه، دندانه تزیین شده است. معمولاً کتیبه ای آجری یا آجر لعابدار به صورت انواع خطوط کوفی در قسمت فوقانی بدنه دور تا دور گنبد وجود دارد که نام متوفی ، بافی و تاریخ بنا در آن ذکر شده است. مانند برج مهماندوست در دامغان، برج رادکان در نزدیکی گرگان، برج لاجیم در سوادکوه مازندران. تاریخ کتیبه برج لاجیم ۴۱۳ هجری و محل دفن یکی از امرای طبرستان (مازندران کنونی) است و احداث بنای آن مربوط به دوره آل زیار است . از دیگر برج مقبره های معروف ایران گنبد قابوس است که در شهر گنبد قابوس در استان گلستان قرار دارد و مربوط به قرن چهارم هجری می باشد. این برج مدفن قابوس بن وشمگیر از پادشاهان آل زیار است.

معروفترین بنای مجرد در ایران، تک بنای مشهور گنبد سلطانیه است که در سر راه قزوین به زنجان قرار گرفته است و به دلیل ارتفاع زیاد بنا از سطح زمین (۵۲ متر زیر گنبد با کف) و جحیم بودن آن جزو اولین بناهای عظیم و معروف جهان به شمار می رود. این بنا به دستور سلطان محمد خدابنده (اولجاتیو) در دشت سرسبز سلطانیه ساخته شده است. گنبد آن دو پوسته است و تمامی سطح خارجی آن با کاشی های آبی رنگ پوشیده شده است. فضاهای اطراف گنبد با انواع و اقسام تزیینات گچبری و نقاشی زینت یافته و طرح نقشه بنا هشت ضلعی است و اطراف آن را حیاط بزرگی احاطه می کرده است.

اما تعداد زیادی از آرامگاه ها و مقابر از یک مجموعه معماری تشکیل شده اند مانند مجموعه آستان قدس رضوی و مجموعه حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و مجموعه شاه چراغ و ...

به طور کلی آرامگاه به بنایی گفته می شود که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی در آن دفن شده باشد. این نوع بناها را به دو گروه مقبره های مذهبی (زیارتی) و مقبره های غیر مذهبی می توان تقسیم کرد. مقبره های مذهبی در بیشتر شهرها و روستاها به امامزاده معروف شده اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی (بجز مساجد) از اعتبار ویژه ای برخوردارند. امامزاده ها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی مورد احترام و علاقه مسلمانان بویژه شیعیان هستند. بناهای فوق در طول زمان توسعه یافته و از یک آرامگاه معمولی به مجموعه های بسیار با شکوهی تبدیل شده اند (مانند مجموعه بناهای مشهد، قم، بسطام و شیخ صفی). مقبره ها اغلب با نقشه های مدور، مربع و هشت ضلعی با شیوه های گوناگون معماری احداث شده اند (مانند مرقد اسماعیل سامانی در بخارا، گنبد قابوس در دشت گرگان، برج رادکان در خراسان، برج علاء الدین در ورامین و بنای سلطانیه در زنجان). همانند سایر بناهای اسلامی مقبره ها نیز با آجرکاری، گچبری، کاشیکاری و آینه کاری تزیین شده اند. تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره ها و زیارتگاهها از چنین سابقه طولانی و ویژگیهای معماری منحصر به فرد و تزیینات باشکوه برخوردار است. اینگونه بناها به نامهای برج، گنبد، بقیه و مزار نیز معروف شده اند (مانند برج رادکان، گنبد قابوس، بقعه شیخ صفی).

خانقاه ها

این اماکن مخصوص تجمع عرفا و صوفیان و دراویش است. بنای خانقاه مشابه بنای مدارس علوم دینی است و عناصر تشکیل دهنده آن عبارتند از : حیاط مربع و یا مربع مستطیل با حوضی در وسط و چهار باغچه، با صفا در چهار گوشه آن، در اطراف



حیاط و در فاصله ایوان ها حجره ها یا اتاق هایی ساخته شده که به اقامت سالکان طریقت و خادمان و مریدان اختصاص دارد. در هر خانقاه حجره هایی نیز به مسافران از راه رسیده اختصاص می دادند. و در هر خانقاه حجره ای نیز به پیر اختصاص دارد. حجره و زوایای کوچکی نیز برای خلوت نشینی و چله نشینی در هر خانقاه وجود دارد مانند زاویه «شاه نعمت الله ولی» در رواق جنوبی خانقاه شاه نعمت الله ولی در کرمان . سقف رواق شمالی مقبره شاه نعمت اله ولی در رواق جنوبی خانقاه شاه نعمت اله ولی در کرمان. سقف رواق شمالی مقبره شاه نعمت اله ولی با گچ ، کاربندی زیبایی شده است. اصل بنای شاه نعمت اله ولی مربوط به عصر صفوی است.

در تهران خانقاه های صفی علیشاه ، مشیرالسلطنه و ظهیرالدوله شهرت دارند. در شیراز خانقاه چهل تن و هفت تن از خانقاه های مشهور قدیمی هستند. در روستای بیدخت گناباد مقبره نور علیشاه ، از خانقاه های بزرگ و مشهور است. از خانقاه های دیگر می توان به مقبره صفی الدین اردبیلی جد پادشاهان صفوی در اردبیل اشاره کرد که گنبد «الله الله» آن مشهور است. دیوار فضای اصلی این مقبره با مهارت و ظرافت تنگبری شده و شبیه سالن مجموعه عالی قاپوست و به بنای چینی خانه معروف است.

حسینیه ها

تاریخ آغاز بنای حسینیه ها را مربوط به زمان حکومت صفویان می دانند که پذیرش مذهب تشیع در میان ایرانیان عمومی شد. کارکرد حسینیه ها در ایام سوگواری امام حسین (علیه السلام) و یارانش در واقعه کربلا است و بقیه اوقات سال از آن استفاده نمی شود. حسینیه ها یک در دارند و معمولاً سرپوشیده اند یا سقف آنها را در ایام سوگواری با چادرهای بزرگ می پوشانند.

تکایا

عملکرد مذهبی تکیه و حسینیه کم و بیش یکسان است ولی تکیه کارکرد وسیعتری نسبت به حسینیه دارد. تکایا صرفاً مذهبی نبوده و بلکه نمایشهای آیینی و حماسی نیز در آن انجام می شده است. از نظر فرم و شکل معماری نیز تکایا کاملتر از حسینیه ها هستند. تکایا به صورت معمولی فضایی باز هستند اما بعضی از تکیه ها سرپوشیده اند مانند دو تکیه بالا و پایین بازار تجریش که هر دو سرپوشیده اند.

معماری تکایا



در وسط صحن تکیه سکویی بلندتر از سطح زمین (حدود ۱ متر) تعبیه شده است که دایره‌ها هشت ضلعی است و قطر آن بین ۶ تا ۸ متر است که به منزله فضای نمایش می باشد. نمایش هایی نظیر رستم و سهراب، واقعه مرگ سیاوش و ... بالاخره نمایش های مذهبی و آیینی که همان تعزیه خوانی است. در اطراف صحن حیاط، اتاق یا حجره هایی در دو طبقه ساخته شده است که چهره های پایین ویژه مردان و غرفه های بالا مخصوص بانوان است. یکی از تکایای مهم ایران «تکیه دولت» در شهر تهران بوده که دستور ساخت آن در زمان ناصرالدین شاه صادر شده است.

یکی دیگر از تفاوت های تکیه با حسینیه در آن است که تکایا به چند گذر اصلی ختم می شوند مانند تکیه بالای تجریش که به چهار گذر اصلی می رسد.

مصلاها



مصلاها فضاهای وسیعی هستند که در گذشته برای اجرای فریضه نماز جمعه و نمازهای اعیاد در خارج از شهر احداث می شد. مصلاهی یزد که در تاریخ جعفری در قرن نهم از آن به نام «مصلاهی عتیق» نام برده شده است یکی از این مصلاهاست. احداث آن را مربوط به دوره آن مظفر می دانند. فضای این مصلا به شکل دوزنقه است. مصلاهی معروف دیگر، مصلاهی سبزواری است به شکل دایره

بوده است.

بنا های غیر مذهبی

پل ها



قدیمی ترین پلی که امروز ایجاد آن را به اوراتورها نسبت می دهند بر روی رود ارس که رود مرزی بین ایران و شوروی سابق است بسته شده است.

در دوران هخامنشی نیز چند پل کشف شده که تعدادی از آنها در محدوده کاخ ها و باغ های پاسارگاد در قرن های چهارم و پنجم قبل از میلاد بنا شده اند.

در دوره ساسانی پل های متعددی در ایران ساخته شد. پل و سد بیستون، بند قیصر (پل والرین) در شوشتر ، پل کشکان بر روی رود کشکان در ۵۲ کیلومتری خرم آباد، پل شکسته خرم آباد یا طاق پیل یا «پل شاپور» در خرم آباد و پل دختر در شمال غربی اندیشمک از پل های عهد ساسانی هستند.

قدیمی ترین پل و سد دوره اسلامی را بند امیر می دانند که ۱۵ کیلومتری جنوب تخت جمشید واقع است و در دوره آل بویه ساخته شده است .

در دوره سلجوقی نیز تعدادی پل ساخته شد. از قدیمی ترین پل های سلجوقی پل شهرستان در اصفهان است که بعضی معتقدند بر روی پایه های یک پل ساسانی بنا شده است. سنگینی این پل را با ایجاد طاق های کوچک در فاصله طاق های بزرگ روی پایه ها تقسیم کرده اند.

در دوره تیموری در منطقه قافلانکوه و بر روی روخانه قزل اوزن در نزدیکی زنجان، پلی از دوران تیموری بسته شده است که پل قافلانکوه نام دارد و مربوط به قرن نهم هجری است.

در دوره صفوی نیز پل هایی ساخته شده که از معروف ترین آنها پل جاجرود بر روی رودخانه جاجرود است. پل الله وردیخان (سی و سه پل) نیز که به طول ۲۹۰ متر بر روی روخانه زاینده رود ساخته شد مربوط به دوره صفوی است.

از پل هایی که دوره قاجار ساخته شد می توان به پل بلده بر روی رودخانه نور در شرق بلده اشاره کرد. در زمان رضاخان نیز پل های زیادی احداث شد که مهم ترین آنها پل ورسک در شمال ایران است.

پلها و آب بندها از بناهای غیر مذهبی هستند که در ادوار گذشته در مسیر جاده های کاروانی، راهها و روی رودها ایجاد شده اند. مهمترین پلها در مسیر جاده های کاروانی و جاهایی که طغیان آب رودخانه ها غیر قابل کنترل بوده، بنا شده اند. از دوران بسیار کهن، هنگامی که بشر توانست آب را مهار کند و مسیر آن را مشخص سازد و از تنه درختان برای عبور و مرور از عرض رودخانه استفاده کند، کار پل سازی آغاز شده است. معماران ایرانی در احداث پلها علاوه بر تسهیل امر عبور و مرور، ایجاد آب بندها را در نظر داشته اند. مشاهده قدیمیترین پلها یعنی پل بردیده از دوره هخامنشیان در جلگه مرودشت، بیستون در کرمانشاه از دوره ساسانیان، بند امیر در فارس از دوره آل بویه و پل خواجوی اصفهان، مؤید این نکته است که معماران در امر پل سازی علاوه بر گذر از رودخانه به ذخیره کردن آب نیز توجه داشته اند. ایران در دوره باستان و دوره

اسلامی سهم قابل توجهی در توسعه پل سازی - از قرن هشتم ق.م. تاکنون - به عهده داشته است. بقایای پلها و سدها نشان دهنده نوع معماری آن زمان است. ذوق و سلیقه معماران ایرانی در تزئین پلها نیز قابل توجه است؛ بعضی از پلها دارای تزیینات آجرکاری و کاشیکاری است (مانند پل خواجهی اصفهان).

کاخ ها

ایجاد بنای بزرگ یا کاخ سازی در این سرزمین به اواخر هزاره دوم قبل از میلاد مربوط است. در میان صفحات تاریخ معماری ایران، کاخ سازی هخامنشی، سه دوره متمایز وجود دارد که اولین دوره از سال ۵۵۰ قبل از میلاد در طراحی یکی از کاخ های پاسارگاد با ایجاد یک تالار بزرگ که به صورت یک مستطیل بزرگ که دارای سه معبر است، آغاز می شود. قسمت شرقی آن کاملاً طولانی و ستون دار است و در اتاق شبیه برج - در گوشه شمال غربی و جنوب غربی آن ساخته شده است.

دوره دوم از سال ۵۲۰ قبل از میلاد شروع می شود که نمونه بناهای مربوط به این دوره را در دشت گوهر که میان نقش رستم و تخت جمشید واقع است ایجاد کرده اند. نمونه سرزمین دوره معماری هخامنشی را در کاخ های آپادانای تخت جمشید و کاخ شوش می بینیم. چهار برج پیش آمده نسبت به سایر قسمت ها در گوشه های بنا تعبیه شده است. ضمناً این کاخ ها در وسط باغ بنا شده بلکه ضلع جنوبی آنها همان دیوار جنوبی باغ نیز هست.

کاخ های اشکانی

اشکانیان مردمی سلحشور و جنگجو بودند و به کاخ سازی توجه زیادی نداشتند. سه بنای معروف کاخ مانند دوره اشکانی عبارتند از: کاخ نسا در عشق آباد ترکمنستان، کاخ هترا در بغداد و کاخ کوه خواجه در سیستان و بلوچستان.

کاخ های ساسانی

مهم ترین کاخ های عصر ساسانی عبارتند از: کاخ بیشاپور، فیروزآباد، تخت سلیمان و سروستان

کاخ سازی در دوره اسلامی

با ظهور اسلام فرم و شکل کاخ سازی ایرانی تغییر یافت و عناصر اسلامی و عربی در ساخت کاخ های اسلامی ایران تأثیر گذاشت. از جمله استفاده زیاد از قوس های شکسته و تیزه دار.

اکثر این کاخ ها در شهر تاریخی اصفهان واقع اند و مربوط به دوران صفوی هستند. از کاخ های صفوی در اصفهان، می توان به تالار اشرف، بنای عالی قاپو، کاخ هشت بهشت و کاخ چهل ستون اشاره کرد.

در قزوین طرح یک کاخ صفوی در داخل محدوده فعلی شهر قرار دارد که فقط سر در (عالی قاپو) آن همراه با یک کوشک باغی که در زمان قاجاریه تغییراتی در آن داده شد، مشاهده می شود. این کوشک توسط شاه طهماسب، دومین پادشاه صفوی، که در زمان او قزوین پایتخت ایران بوده، بنا شده است. کوشک عبارت است از بنایی با یک فضای مرکزی که چهار ایوان در اطراف و چهار برج در گوشه های آن واقع شده و اطراف آن را راهرویی مسقف و ستون دار احاطه کرده است.



ساخت بنای عالی قاپو (درب عالی) در میدان نقش جهان اصفهان توسط شاه طهماسب به صورت کوشکی سه طبقه آغاز شد اما شاه عباس پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، عالی قاپو را به شکل امروزی خود گسترش داد محل استقرار پادشاهان و درباریان برای تماشای جشن ها و بازی های ورزشی، بر سر در این بنا قرار داشته است.

عالی قاپو کاخی است با دری با شکوه که تاریخ بنای آن به عصر تیموریان می رسد. این بنا را می توان مقر حکومتی دولت صفویه دانست .

کاخ نادرشاه به نام «قصرخورشید» نیز که در کلات نادری واقع است تنها بنای کاملی است که از نادرشاه باقی است.

در قرن یازدهم (ه.ش) توسط کریم خان کافی بنا شد که به «ارگ کریمخانی» شهرت دارد.

طرح این بنا یک فضای مرکزی چهار ایوانه با چهار اتاق در گوشه هاست.

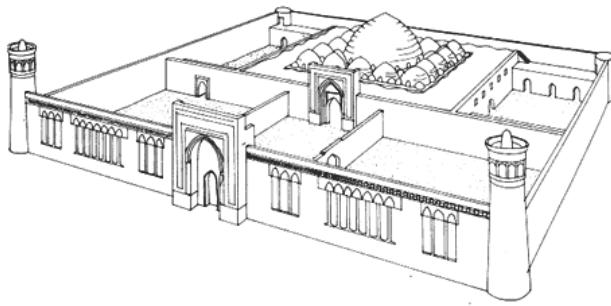
در قرن دوازدهم (ه.ش) که تهران پایتخت شد، پادشاهان قاجار در بخش شمالی هسته مرکزی آن زمان شهر، شروع به ساختن تعدادی بنا کردند. این محل بعدها «ارگ» نامگذاری شد. مهمترین کاخ گلستان است.

قاجاریه تعدادی کاخ ییلاقی در اطراف تهران بنا کردند که مهمترین آنها عبارتند از: کاخ صاحبقرانیه در نیاوران کاخ، شهرستانک و کاخ فرح آباد در شرق تهران.

در دوره پهلوی نیز کاخ هایی ساخته شد که بیشتر آنها از معماری غربی اقتباس شده اند. یکی از کاخ های دوره پهلوی که تقریباً شکل بناهای سنتی ایران را دارد کاخ سبز در مجموعه سعدآباد شمیران است.

تعدادی کاخ به ویژه در شمال ایران ساخته شد که تماماً شکل غربی دارند. مانند کاخ میان پشته در بندر انزلی و کاخ سرودسر و کاخ رامسر.

احداث کاخها در ایران به گذشته های بسیار دور باز می گردد. مفهوم امروزی کاخ با مفهوم این کلمه در گذشته متفاوت است. در گذشته بناهایی منفرد با نوعی معماری برتر از دیگر بناها احداث می گردید که کاربردهای متعددی داشت؛ مثلاً، ممکن بود زمانی به عنوان معبد و نیایشگاه و گاه به جای قلعه دفاعی و سرانجام برای سکونت حکمرانان استفاده شود (چغازنبیل). بتدریج ماهیت این بناها تغییر یافت و کاخها یا قصرها در ایران مقر حکومت سلسله های مختلف شد؛ برای مثال در زمان هخامنشی تخت جمشید، در زمان اشکانی کاخ آشور، در زمان ساسانی تیسفون و کسری و سروستان را می توان نام برد. در دوره اسلامی اینگونه بناها بتدریج برای سکونت و امور حکومتی استفاده گردید. از صدر اسلام کاخ یا بنای با شکوهی که در مقیاس برتر ساخته شده باشد، به جای نمانده است. شیوه معماری کاخ العمره و کاخ المشتی - که در زمان امویان احداث گردید و بقایای آن هنوز پابرجاست - از شیوه هنری عهد ساسانی اقتباس شده است. از زمان صفوی احداث کاخها وارد مرحله تازه ای شد و در پایه تخته های سه گانه آنها (تبریز، قزوین و اصفهان) نمونه های جالب توجهی ساخته است. کاخهای چهل ستون، هشت بهشت و عالی قاپوی اصفهان، صفی آباد به شهر، فین کاشان و فرخ آباد ساری از مهمترین نمونه های شیوه معماری عهد صفویان هستند. ایجاد کاخها به همین شیوه تا عهد نادرشاه (مانند کاخ خورشید کلات) و عهد قاجار (مانند کاخ صاحبقرانیه و شمس العماره) ادامه یافت. کاخها در ایران نقشه های گوناگونی داشته است: برخی کوشک



مانند بوده اند (مانند هشت بهشت صفی آباد)، بعضی نقشه مربع و مستطیل داشته اند و برخی چند ضلعی بوده اند. مهمترین مسأله در ساختن کاخها، بویژه از عهد صفوی به بعد، تزئین با کاشیکاری، گچبری، آیینہ کاری و سنگ کاری است.

کاروانسراها

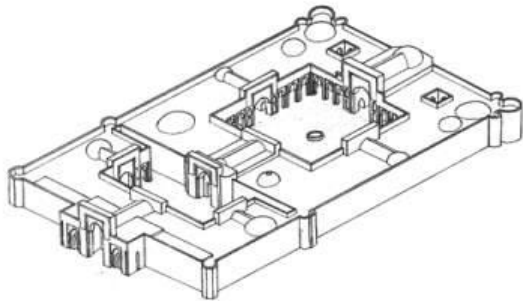
ساده تر از همه چنین می توان گفت که کاروانسرا ساختمانی است که کاروان را در خود جای می دهد و بزرگترین نوع ساختمانهای اسلامی است. پلان آن معمولا مربع یا مستطیل شکل است، با یک ورودی برجسته عظیم و بلند، معمولا ساده و بدون نقش، با دیوارهایی که گاهی اوقات بادگیرهایی در انتهای آن تعبیه شده است. یک دالان با طاق قوسی که مابین ورودی و حیاط داخلی قرار گرفته است، فضای کافی را برای جا دادن حیوانات بارکش فراهم ساخته است. بر روی سکوی برآمده ای که در پیرامون این حیاط قرار گرفته است، طاقگان هایی واقع شده اند که نمای داخلی را مفصل بندی کرده اند. در پشت آنها حجره های کوچکی برای منزل دادن مسافران تعبیه شده است. در کاروانسرا های دو طبقه، از حجره های پایینی برای انبار کردن کالاها و از حجره های بالایی برای منزل دادن مسافران استفاده می شد. با این حال، تمامی این نوع ساختمان ها و عملکرد ها، کاروانسرا نامیده نمی شوند. تا به امروز، بسیاری از آنها به عنوان رباط تشریح شده اند. این لغت از ریشه عربی ربط است که یکی از معانی آن افسار کردن اسب است. البته تصور توقفگاه کوتاهی که در وجود این لغت نهفته است، دلیل مناسبی برای انتخاب این نام به نظر می رسد، اما رباط معنی تخصصی تری را در بر دارد. این واژه در اواخر قرن چهارم ه. ق بیانگر نوعی دژگونه است که به عنوان مبنایی برای تداوم جهاد، مورد استفاده قرار می گرفت. بیشتر نمونه های سالم مانده از این نوع ساختمان در مغرب یافت می شوند، مانند مونا سیر، سوسه، طافرطست و طیط.

دلاوران دین در چنین ساختمانی، برای اقامت کوتاه مدت بر ضد کافران گرد می آمدند. رباط ها در سراسر جهان اسلام ساخته می شدند. با توسعه مرزهای اسلام و برقراری آرامش نسبی، فعالیت دلاوران دین (غازیان) کاهش یافت. اما ساختمانهایی که مورد استفاده آنها بود، باقی ماند. احتمالا تبدیل رباط برای استفاده در زمان صلح، مستلزم کار زیادی نبوده است. بنا بر این زیاد تعجب آور نیست که این واژه نیز بر کاروانسرا دلالت داشته باشد. واژه دیگری که به چنین بناهایی اشاره دارد، «خان» است که در مناطق ترک زبان به آن «هان» می گویند. معنای اصلی این واژه، هم در عربی و هم در فارسی، خانه است. بنابراین، ویژگی های ریشه این واژه را می توان دست کم در تعدادی از ساختمان های اولیه ای جستجو کرد که به خانه ای برای رفع نیاز مسافران شباهت داشتند. در زیر به اختصار تفاوت های چنین بناهایی عنوان می شود:

ساباط

این واژه که به بسیاری از زبان ها راه یافته، در فارسی کهن ریشه دارد. جزء اول آن، سا به معنای آسایش و جزء دومش پسوند بات نمودار ساختمان و بنا و عمارت است که در انتهای واژه های دیگری نظیر رباط، کاربات و خرابات آمده است. روی هم رفته، این واژه به جای آسایشگاه و استراحتگاه امروز به کار می رفته است.

ساباط به کلیه بناهایی که به منظور آسودن به پا می شده، چه در شهر و چه در بیرون از آن اطلاق می شده، در شهرستانهای جنوبی ایران هنوز هم این واژه در جای درست خود به کار می رود. این بناها عمدتاً به چند تختگاه، یک آب انبار و گاهی یک یا دو اتاق کوچک که تنها می توان به منظور رفع خستگی و اندکی آسودن مورد استفاده قرار داد. ساباط دارای سه تا هفت دهانه سرپوشیده است که دو سوی آن، تختگاه های کوچکی به اندازه یک تخت یا نیمکت قرار دارد و اغلب دهانه میانی آن، درگاه آب انبار است.



نمای سه بعدی رباط شرف - قرن ششم هجری - خراسان

رباط

این واژه به ساختمان های کنار راه و به ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می شود و از روزگاری بسیار کهن به زبان تازی راه یافته است. رباط علاوه بر حوض و آب انبار، دارای اتاق های متعددی است که گرداگرد حیاطی را فرا گرفته و مسافران می توانند یک یا چند شب در آن بیایند.



کاروانسرای مهیار - قرن یازدهم هجری - راه اصفهان به شیراز

کاروانسرا

به رباط های بزرگ و جامع کاروانسرا می گویند چه در شهر و چه بیرون از آن واقع شده باشد. کاروانسرا علاوه بر اتاق و ایوان، دارای باره بند، طویله و انبار است و اغلب ورودی آن را بازار کوچکی به نام غلافخانه تشکیل می دهد و بر روی سردر آن چند اتاق پاکیزه قرار گرفته که به کاروانسالار اختصاص دارد. گاهی در دو سوی کاروانسرا، برجهایی قرار می گرفته که در مواقع نا امنی، مورد استفاده مدافعان و راهداران قرار می گرفته است. در زبان عربی واژه خان به جای کاروانسرا مورد استفاده قرار می گیرد.

کاروان سراهای ایران

کاروان سراها از یادگارهای پرارزش معماری ایران هستند که به منظور ارتباط، نقل و انتقال های اقتصادی و انتظامی و از همه مهمتر، رفاه مردمی که سفر می کردند، بنیاد گردیده اند. کاروان سراها همچنین محل برخورد اندیشه ها و تبادل نظر درباره مسایل اجتماعی خاطرات و آداب و رسوم و مسایل مذهبی اقوام مختلف بوده است.

در دوره سلجوقی به دلیل رونق گرفتن داد و ستد و تجارت کاروان سراهایی احداث شد که یکی از مشهورترین آنها «کاروان سرای شرف» است که به «رباط شرف» مشهور است. طرح این بنای هزار ساله که در نزدیکی شهر مرزی سرخس در شمال شرقی خراسان قرار دارد.

دارای دو حیاط تو در تو با حجره و اتاق های متعدد برای استراحت کاروانیان است. شهرت این بنا بیشتر مربوط به تزئینات آجری زیبا و متنوع آن است که در نماسازی آن به کار رفته است.

عصر طلایی و شکوفایی احداث کاروان سراها در ایران، دوره صفویه است. کاروان سراسازی بعدها در دوره قاجاریه نیز ادامه یافت

ویژگی های معماری کاروان سراهای ایران

در کاروان سراها، جایگاه هایی به صورت اتاق انفرادی در مقابل آنها، ایوان های کوچکی قرار دارد. در پشت اتاق ها و گرداگرد کاروان سراها، محل نگهداری احشام و اصطبل چهارپایان واقع است. حصارهای کاروان سراها را ابتدا با خشت خام و بعد با آجر می ساختند. در چهار گوشه بنا، برج هایی به صورت نیم دایره پیش آمده، احداث می کردند و در آنها به دیده بانی می پرداختند. کاروان سراها فقط یک در ورودی و خروجی داشتند. ورودی ها دارای سردر و ایوان بودند که سقف بعضی از ایوان ها یک نیم گنبد ساده و برخی دیگر دارای تزئینات بودند. معمولاً ایوان ورودی دو طبقه و شاه نشینی در طبقه دوم برای اقامت بزرگان ساخته می شد. بقیه بنای کاروان سرا یک طبقه بود و معمولاً روی یک سکو یا صفه بنا می شد. دروازه ورودی کاروان سرا دارای در بزرگ دو لته و محکم از جنس چوب های چنار و گرده بود. هنگام شب از الوار برای چفت و بست کردن در استفاده می کردند. معمولاً ایوان های ورودی را با کاشی و آجر و یا گچ به صورت مقرنس های ساده تزیین می کردند و در کتیبه هایی که اطراف ایوان ورودی قرار داشت نام بانی و سازنده و تاریخ ساخت کاروان سرا را ذکر می کردند. کتیبه ها در شیوه رازی بیشتر از آجر و کاشی و در شیوه های آذری و اصفهانی و در دوره قاجار کتیبه ها اغلب از سنگ و کاشی است.

اتاق ها دارای در چوبی یک لته و بدون پنجره بودند. در جلوی اتاق ها ایوان کوچکی وجود دارد. سقف اتاق ها عموماً گنبدی شکل و پوشیده از لاشه سنگ و آجر و ساروج است.

نمای حیاط کاروان سراها از آجر و کف صحن حیاط، با قلوه سنگ مفروش شده و کف ایوان ها و اتاق ها را با آجر فرش می کردند و دیوار اتاقها اندود گچ داشت. در وسط حیاط مرکزی چاه و یا حوض آبی از سنگ بود و در وسط بعضی از آنها سکویی وجود داشت که بازرگانان کالاهای خود را روی آن عرضه می کردند.

ساخت کاروانسرا با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، از روزگاران قدیم در ایران مورد توجه خاص بوده است. به طور کلی کاروانسراها به دو گروه برون شهری و درون شهری تقسیم می شوند. توسعه راههای تجارتي و زیارتي باعث شده که در بین جاده های کاروانی در سراسر کشور کاروانسراهایی برای توقف و استراحت کاروانیان بنا شود. موقعیت

جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در ایران از علل ازدیاد و گسترش این بناها بوده است. در ایران به فاصله هر چهار فرسنگ (۲۶ کیلومتر) کاروانسرای برای استراحت بنا شده است. زیارت شهرهای مذهبی مانند قم، مشهد و کربلا باعث شده بود تا کاروانسراهای متعددی در مسیر جاده هایی که به این شهرها منتهی می شود، احداث گردد (در مسیر خراسان بزرگ، غرب به شرق، کرمانشاه و مشهد). این راه ارتباطی مهم از غرب به شهرهای مذهبی نجف و کربلا و از شرق به حرم حضرت رضا (ع) در مشهد متصل می شده است. همچنین در زمان صفوی برای رفاه حال زائران، کاروانسراهایی در این مسیر بنا شده که در حال حاضر بقایای پنجاه کاروانسرا باقی است. معماری کاروانسراهای ایران بسیار متنوع است. معماران با توجه به موقعیت اقلیمی سرزمین ایران، کاروانسراهایی با ویژگیهای گوناگون احداث کرده اند. در ساخت کاروانسراهای برون شهری از نقشه های چهار ایوانی، دو ایوانی، هشت ضلعی، مدور، کوهستانی و نوع کرانه خلیج فارس استفاده شده است. در احداث کاروانسراها مانند مساجد و مدارس بیشتر از طرح چهار ایوانی استفاده شده و اتاقهایی در اطراف حیاط، برای استفاده مسافران ساخته شده است. برخی از کاروانسراها با شیوه های آجر کاری، گچبری، و کاشیکاری مزین شده اند (مانند رباط شرف خراسان، کاروانسرای سپنج شاهرود و مهیار اصفهان).

حمام ها

برابر مدارک تاریخی سابقه شست و شو در ایران به قبل از زمان زرتشت مربوط است. هخامنشیان از حمام های خصوصی استفاده می کردند که یک نوع آن در تخت جمشید کشف شده و در کنار آن لوازم شست و شو مانند کاسه سفالین، گلابدان به دست آمده است.

در دوره اشکانی نیز نمونه هایی از حمام در کاخ آشور به دست آمده است. با ظهور دین مبین اسلام و تأکید این دین بر پاکیزگی، تحولی در زندگی مردم به وجود آمد. مورخان تعداد حمام های ایران را بسیار نوشته اند. شاردن، سیاح فرانسوی در دربار رضوی در سفرنامه خود تعداد حمام های اصفهان را ۲۷۲ دستگاه ذکر کرده است. از حمام های معروف می توان حمام گنجعلی خان در کرمان و حمام وکیل در نزدیکی بازار وکیل شیراز را نام برد.

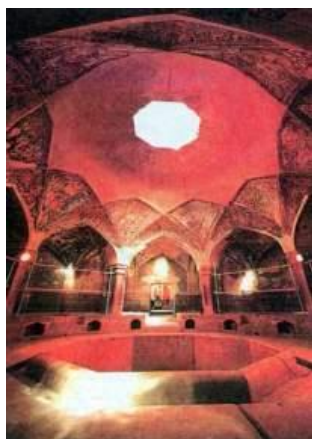
معماری حمام ها

حمام ها باید در جایی در مسیر آب روان ساخته می شدند و نیز خروجی فاضلاب آنها باید در نظر گرفته می شد. در حمام ها مسیر دسترسی به بنای اصلی حمام با طراحی های جالبی صورت می گرفت.

به این ترتیب که هر فضا به وسیله راهرو هشتی مانند از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم گردد و به این ترتیب از ورود ناگهانی هوای سرد جلوگیری می کردند. فضاهای تشکیل دهنده حمام عبارتند از :

۱- ورودی: سردر حمام ها معمولاً با آجر کاری، کاشی کاری و یا نقاشی روی گچ تزئین می شد. پس از پیش خوان نخست فضای ورودی در ارتباط مستقیم با خارج قرار می گرفت، پس به وسیله راهروی، باریک و پیچ دار که مانع از هدر رفتن دمای داخل حمام بود به یک دهلیز و از آنجا به بینه یا سربینه حمام می رسید.

۲- بینه یا سربینه : سربینه جایگاهی بود برای درآوردن لباس و نشستن و مانند سکویی دورتادور فضا را گرفته بود. یک قسمت از سکو وسیع تر و پرتزئین تر و تمیز تر از قسمت های دیگر بود که به آن شاه نشین می گفتند و مخصوص اعیان و بزرگان و دولتمردان بود فضای سربینه معمولاً هشت گوش و چهار گوش و به ندرت دایره بود.



۳- میان در : میان در دالانی پر پیچ و خم با سقف کوتاه بود که سربینه را به گرم خانه مرتبط می کرد. معمولاً سرویس های بهداشتی نیز در حد فاصل این دالان قرار داشت.

۴- گرم خانه : بعد از میان در به فضای گرم خانه می رسید. در گوشه ای از این فضا که محل تمیز کردن سرو بدن بود خزینه آب گرم قرار داشت. خزینه فضای حوض مانند با آب گرم بود که ابعاد آن متناسب با بزرگی و کوچکی حمام از ۱۲ الی ۲۵ متر مربع بود.

در کنار خزینه مخزن آب سرد قرار داشت. کف حمام ها با سنگ مرمر و یا ساروج پوشانده می شد و تمام قسمتهای گرم خانه و راهرو و سربینه و هشتی دارای اناره بودند که از جنس سنگ یا کاشی بود. آهک بری به صورت ساده و رنگی از جمله تزیینات داخلی حمام ها به شمار می رفت.

حمامها از دیگر بناهای غیر مذهبی ایران است که در شهرها و روستاهای مختلف احداث شده است. در ادیان مختلف آیین شستشو، غسل و تطهیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. طبق مدارک موجود توجه به پاکیزگی و طهارت در ایران زمین به دوران قدیم حتی پیش از زرتشت می رسد. بنابراین نیاز بشر به محلی برای شستشو و تطهیر، موجب احداث حمامها شده است. طبق مدارک باستانشناسی از جمله قدیمیترین حمامها، حمامی در تخت جمشید از دوره هخامنشی و حمامی در کاخ آشور متعلق به دوره اشکانیان است. بعد از ظهور اسلام، پاکیزگی - بویژه غسلهای متعدد و وضو برای نمازهای پنجگانه - در زندگی روزمره مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار شد تا جایی که سخن گوهر بار رسول اکرم (ص) «النجافه من الایمان» شعار هر مسلمان گردید. در شهرهای اسلامی حمامها در گذرگاههای اصلی شهر، راسته بازارها و کاخهای حکومتی طوری ساخته می شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمامها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهمترین بناهای شهری محسوب می شدند. فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمامها از سنگ مرمر و دیگر سنگها پوشیده شده بود، ازاره حمام با سنگ و کاشی تزیین می شد. از جمله تزیینات داخلی حمامها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلیخان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

قلعه ها



سرزمین ایران در گذشته ، به علت وضعیت جغرافیایی خاص که بین دو جلگه بین النهرین و پنجاب سند قرار گرفته ، کشور رابطی بوده است که اقوام و طوایف مختلف برای دسترسی به شرق و غرب مجبور بودند از آن عبور کنند و در نتیجه همواره مورد تهاجم به ویژه از طرف شرق و شمال شرق بوده است. بنابراین در سرتاسر ایران قلعه و برج و

بارو و ارگ و خندق و دروازه می بینیم که هر کدام نمونه های کوچک و بزرگ از استحکامات نظامی است. در نقاط مهم و گذرگاه ها و بر قله کوهها دژهایی می ساختند تا بتوانند بر دشمن مسلط باشند. از جمله این دژها می توان دژ کوهستانی قلعه استخر و قلعه ارجان را نام برد.

معماری و مصالح ساختمانی قلعه ها

با توجه به تقسیم بندی قلعه های ایران به دو نوع جلگه ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی آنها نیز متفاوت است. طرح اصلی قلعه های جلگه ای مربع یا مربع مستطیل است که در چهار گوشه آن برج های مدور برای دفاع ساخته شده اند. مصالح این قلعه ها خشت و گل است و به ندرت از آجر و گچ استفاده شده است. باروی این قلعه ها چینه ای است یا با خشت های قطور ساخته شده است. ضخامت بعضی از باروها به چهار متر هم می رسد. اطراف بعضی از قلعه ها خندق حفر می کردند و برای رسیدن به قلعه از پل متحرک بهره می گرفتند. بعضی از قلعه ها به دلیل امنیت آنها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد مانند قلعه هنجن در سر راه نظنز به ابیانه. از قلعه های مشهور ایران، قلعه فلک الافلاک خرم آباد است که هم اکنون تبدیل به موزه شده است.

آغاز خانه سازی بشر همواره با اندیشه دفاع در برابر دشمنان همراه بوده است و قلعه ها مظاهر بارز اندیشه دفاعی انسان هستند. به طور کلی قلعه ها به دو گروه عمده تقسیم می شود: قلعه های کوهستانی و قلعه های دشت. همانطور که در معرفی کاخها گفته شد، از یک بنا ممکن است استفاده های گوناگونی شود. از قلعه نیز در موقع آرامش و صلح به عنوان کاخ استفاده می شد. با این توضیح تخت جمشید را، با توجه به طراحی آن، می توان یک قلعه دانست. همچنین از تخت سلیمان در تکاب آذربایجان غربی - که مکانی مقدس بوده - گاهی به عنوان نیایشگاه و زمانی به عنوان کاخ استفاده می شده است. بزرگترین و مستحکمترین قلعه هایی که در ایران بنا شده، متعلق به فرقه اسماعیلیه است. این قلعه ها در بلندیهای رشته کوههای البرز بنا شده اند (مانند الموت). معماری اینگونه قلعه ها جنبه نظامی و دفاعی داشته و طرح و نقشه آنها ویژگیهای گوناگونی دارد. قلعه ها در صعب العبورترین بلندیهای کوهستانی بنا می شدند و چون طرح و نقشه ای از پیش آماده نداشتند، طراح یا معمار حصارها، برجها، اتاقها و ورودیها را با توجه به موقعیت طبیعی صخره ها، احداث می کرد. به این علت اغلب قلعه های کوهستانی دارای طرح هندسی مشخص نبودند. مصالح ساختمانی قلعه ها بیشتر قلوه سنگ و آجر، و ملاط آن ساروج و آهک بود. قلعه هایی که در دشت برای محافظت از کاروانها و یا برای استفاده سربازان بنا می شد عمدتاً طرح هندسی مشخص داشتند و دارای نقشه های مربع، مستطیل، چند ضلعی و مدور بودند. این قلعه ها دارای برج و بارو بودند و مصالح ساختمانی آنها نیز از آجر و خشت بود (مانند قلعه گلی ورامین، میان گاله گرگان، قوشچی ارومیه و قلعه کهنه کرمانشاه). در قرن دوازدهم هجری ایجاد قلعه در گذرگاهها به شیوه گذشته متوقف شد و پاسگاهها و سربازخانه هایی به شیوه جدید احداث گردید. همچنین در کرانه خلیج فارس قلعه هایی با سبک معماری غربی ساخته شد (مانند قلعه های هرمز، خارک، قشم و بندر عباس).

آب انبارها



آب انبار از مخازن آب زیرزمینی است که برای رفع نیاز مردم به آب شرب و برای ذخیره سازی آب در بیشتر مناطق ایران ساخته می شد. آب انبارها از عناصر معماری زیر تشکیل شده اند.

سردر : سردر به حفره فضایی شیب داری منتهی می شود. معمولاً در سردر نام بانی و سازنده آب انبار ذکر می شود.

پاشیر : محل انتهایی شیب آب انبار است که به وسیله پله های متعدد به آن دسترسی می یابند.

مخزن آب انبار:

این بخش معمولاً در زمین سفت تعبیه می شود تا از ریزش دیواره های آب انبار جلوگیری شود. بعضی از آب انبارها دارای بادگیرهایی برای خنک کردن آب بودند.

آب انبارها تزئیناتی به جز سر در نداشتند. پله ها از مصالح آجر و بدنه نیز از آجر و طاق آب انبار که سقف های گهواره ای یا کژاوه ای است تماماً از آجر و نحوه اجرای آن ضریبی است. از آب انبارها می توان آب انبار سید اسماعیل در تهران، آب انبار معصوم خانی در نایین ، آب انبار دو قلوی ۵ بادگیر در کیش و آب انبار روستای ایبانه را نام برد.

موقعیت اقلیمی مناطق مختلف ایران تأثیر زیادی در ابداعات معماری این سرزمین داشته است. از روزگاران کهن در کنار طرحهای عمده تأمین آب مانند ایجاد قنات و ساختن سد، به ذخیره سازی آبهای زمستانی و مصرف آن در فصلهای کم آب و خشک سال نیز توجه شده است و «آب انبار» را به همین منظور بنا کرده اند. قدیمیترین نمونه به جای مانده، منبع ذخیره آب معبد چغازنبیل در خوزستان از دوره هخامنشی است. آب انبارها به دو گروه کلی عمومی و خصوصی تقسیم می شوند. از نظر معماری آب انبارها شامل منبع ذخیره آب، پوشش منبع، بادگیر و هواکش، راه پله، پاشیر و سردر تزئینی و کتیبه هاست که در اشکال گوناگون مکعب، مستطیل، استوانه ای و چند ضلعی ساخته شده اند. مصالح ساختمانی آنها سنگ و آجر، شفته آهک و ساروج است. تعدادی از این آب انبارها با آجر و کاشی تزئین شده اند (مانند آب انبارهای قزوین، ده نمک سمنان و پنج بادگیر یزد).

یخچال

در نقاط گرمسیر و مناطقی که آب و هوای آن در روز و شب کاملاً متغیر است. (مانند سمنان و یزد و کرمان) یخچال هایی ساخته شده است. یخچال ها معمولاً در مسیر آب های روان و نیالوده ساخته می شوند.



معماری یخچال ها

برای ساختن یخچال ابتدایی گودالی به طول ۱۰۰ و عرض ۱۰ متر که عرض آن در جهت شرق و غرب و طول آن رو به

شمال و جنوب، به صورت مربع مستطیل، با عمق ۴۰ تا ۸۰ سانتی متر حفر می کردند. در قسمت جنوب این گودال، دیواری به ارتفاع ۱۰ تا ۱۲ متر کشیده می شد تا جلوی تابش آفتاب را بگیرد. این دیوار با خاک کوبیده خام ساخته می شد. هنگام تب و نزدیک سحر آب جاری را به داخل گودال هدایت می کردند. به علت سردی هوا، تمام یا قسمتی از آب یخ می بست. شب های بعد هم این عمل را تکرار می کردند. هنگام روز یخ ها را می شکستند در چاله عمیقی که به عنوان انبار یخ و به نام «پاچال» از بلندترین نقطه تا پایین ترین نقطه بود و قطر کوچک تر نیز هم سطح زمین بود. بنابراین اگر گنبد مخروطی یک یخچال را از بیرون مشاهده کنیم به همان اندازه گودال پاچال عمیق است

مراکز اقتصادی

بازار

سابقه پیدایش بازار در سکونتگاه های این مرز و بوم به چند هزاره پیش از میلاد می رسد. افزایش تبادلات اقتصادی و رشد شهرها و شهرنشینی موجب شکل گرفتن فضایی بازرگانی و تولیدی موسوم به «بازار» شد. همانند سابق بازار مهمترین شاهراه و مسیر ارتباطی شهر است که از مهم ترین و شلوغ ترین دروازه ها شروع و به مرکز میدان اصلی شهری می رسد و گاه از آنجا تا دروازه های دیگر نیز ادامه می یابد. عموم عناصر و فضاهای مهم شهری، مانند مسجد جامع و سایر مساجد بزرگ شهر، برخی مدرسه ها، بعضی از فضاهای حکومتی، اداری و نهادهای انتظامی کم و بیش همانند نهادهای اقتصادی، رابطه فضایی نزدیکی با بازار داشتند. اما در اواخر عهد قاجاریه به تدریج با ورود فن آوری مدرن، خصوصیات فضایی شهرها و در نتیجه بازارها دچار دگرگونی شد.

انواع بازارها به شرح زیر می باشند:



- ۱- بازارهای ادواری: بازارهایی که در مواقع معینی از روزهای هفته و ماه تشکیل می شوند مانند دوشنبه بازار، پنج شنبه بازار و
 - ۲- بازارهای شهری: بازارهایی که دارای فضایی ساخته شده هستند مانند بازار وکیل شیراز، بازار همدان و بازار نیشابور
 - ۳- بازارچه ها: بازارهای کوچکی که در مراکز محله ها برای تأمین نیازهای روزمره و هفتگی اهالی محله شکل می گرفت.
- بازارچه هر محله بنا به وسعت محله و جمعیت آن شامل تعدادی دکان بود که نیازهای اساسی را تأمین می کرد.

روند شکل گیری بازارهای شهری

هسته اولیه بعضی از بازارهای شهری (و بیشتر بازارهای روستایی) در بازراهایی که در برخی فضاهای باز و میدان های مهم سکونت گاه تشکیل می شد، تکوین می یافت و سپس فضاهایی کالبدی برای پاسخگویی به آن گروه از نیازهای فضایی که نمی توانست در محیط باز شکل گیرد، احداث می شد.

خصوصیات معماری

اغلب بازارهای شهری ایران دارای شکل خطی و ممتد هستند. البته باید توجه داشت که بازارها تنها در جهت طول، توسعه و گسترش نمی یافته اند بلکه با به خدمت گرفتن فضاهای مجاور خود و تغییر کارکرد، نیازهای فضایی و ساختمانی خود را تأمین می کردند. به این ترتیب، بازارهای پرونق واقع در شهرهای بزرگ بازرگانی علاوه بر بدنه اصلی که گاه متشکل از چند راسته بزرگ بود، دارای تعداد زیادی راسته مرعی و فضاهایی مانند کاروان سرا، تیمچه و ... نیز بودند بعضی از بازارها که قسمتی از آنها «قیصریه» نام داشت به خصوص در شهرهای بزرگ، مکان هایی برای عرضه کالاهای گران بها بودند.

سراها

در طول اصلی بازارها، فضاهایی بودند که در عمق قرار می گرفتند و فقط ورودی از طرف بازار داشتند. این سراها (باراندازها) مخصوص انبار کردن کالاهای خاص بودند. سراها بر دو نوع اند: سراهای سرپوشیده که تعدادشان بسیار کم است و سراهای روباز، همه سراها دارای حیاط مرکزی و بسیاری از آنها دو طبقه اند.

تیمچه ها

تیمچه ها فضاهای سرپوشیده ای هستند که به عرضه یک نوع کالا اختصاص دارند و به ندرت تیمچه های روباز هم دیده می شود. تیمچه ها یک فضای آزاد در وسط دارند اطراف آن حجره ها و مغازه ها در یک یا دو طبقه قرار گرفته اند. سقف اکثر تیمچه ها کاربندی و رسمی بندی و در گوشه ها مقرنس کاری شده است مانند تیمچه امین الدوله غفاری در کاشان از دیگر تیمچه های معروف یکی تیمچه حاجب الدوله تهران و تیمچه مهدیه در تهران و تیمچه مظفریه تبریز است.

چهارسوها، یعنی تقاطع دو بازار، سقف های بلندتری دارند و سقف آنها گنبدی است

مصالح و فناوری بازار

همیشه سعی می شود از بهترین مصالح و طرح های معماری در بنای بازار استفاده شود. در زمین های مرطوب قطعات سنگ را در شالوده و پی ستون ها (تویزه ها) به کار می بردند. تویزه ها و دیوارهای باربر، اغلب با آجر و گچ ساخته می شوند.

برای پوشش دهانه بزرگی مانند چهارسوها و تیمچه ها، از گنبد و کاربرندی استفاده می کردند. به این ترتیب ضمن آنکه می توانستند دهانه های بزرگ را به کمک تویزه های متقاطع بپوشانند، از نظر زیبایی هم حجم ها و شکل های ظریف و بدیعی را با کمک فن کاربرندی به وجود می آورند.

پشت بام بازارها، بیشتر با کاهگل پوشانده می شد که هم عایق حرارتی بود و هم تا حدودی به عنوان عایق رطوبتی عمل می کرد.

سابقه ایجاد بازار در ایران به روزگاران بسیار دور باز می گردد. طبق مدارک تاریخی بازار در بسیاری از شهرهای قبل از اسلام یکی از عناصر مهم شهری بوده است پس از اسلام، گسترش شهرهای اسلامی و افزایش ارتباطات اجتماعی، ازدیاد راههای کاروانی، توسعه کاروانسراها و تبادلات اقتصادی موجب شکل گرفتن فضای بازرگانی و تولیدی موسوم به بازار شد. در شهرهای اسلامی بازار محور اصلی و مرکز اقتصادی شهر بوده و انبارهای مهم، مراکز تولیدی، مراکز توزیع کالاهای گوناگون و مبادلات پولی در آن جای داشتند. بازارها بیشتر در امتداد مهمترین راههای اصلی شهر ساخته می شدند و در اغلب موارد راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهمترین و شلوغترین دروازه ها را به مرکز شهر متصل می کرد (مانند بازار سلطانیه، بازار اصفهان و بازار نایین). در بیشتر شهرهای اسلامی مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت. دکانها در دو سوی راسته اصلی و راسته های فرعی قرار داشتند. برخی از راسته ها به عرضه کالاهای مخصوص اختصاص داشت؛ مانند بازار بزازها، کفاشها، زرگرا و آهنگرها. کاروانسراهای درون شهری - که قبلاً مورد بحث قرار گرفت - اغلب در پشت دکانهای بازار قرار داشت و به وسیله راهرو یا فضای کوچک به بازار مرتبط می شد. بسیاری از سراها دو طبقه ساخته می شدند و همه آنها دارای حیاط مرکزی بودند. طول بازارها اندازه مشخص و معینی نداشت و به نسبت وسعت شهر و رونق بازار متفاوت بود. طول راسته اصلی در شهرهای کوچک و متوسط در حدود چند صد متر و در شهرهای بزرگ، بیش از یک کیلومتر بود و عرض بازارها بین پنج تا ده متر بوده است. در ساختمان بازارها از بهترین مصالح و شیوه های معماری استفاده می شد. ستونها و دیوارها بیشتر از سنگ و آجر بود و برای پوشاندن سقف از گچ و آجر استفاده می کردند. برای پوشاندن دهانه های بزرگ مانند چهارسوها و تیمچه ها از گنبد و کاربرندی استفاده می شد. پشت بام بازارها هم بیشتر با کاهگل پوشانده می شد؛ زیرا کاهگل هم عایق حرارتی بود و هم عایق رطوبتی. کف بازارها اغلب خاکی بود که در اثر گذشت زمان کوبیده و محکم می شد. البته گاهی از سنگ و آجر برای پوشاندن کف بازار و حجره ها استفاده می کردند. به هر حال، بازار یکی از مهمترین بناهای عمومی شهرهای گوناگون است که در وهله اول برای عرضه، تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، ولی بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد. رشد و رونق اقتصادی منجر به پیدایش انواع بازار شد که از میان آنها می توان از بازارهای ادواری، بازارهای روستایی، بازارهای ثابت، بازار بین راهی و بازارهای شهری نام برد.

مراکز علمی و فرهنگی

رصدخانه مراغه

رصدخانه ها یا مراکز ستاره شناسی از مراکز علمی و پژوهشی مهم در گذشته بودند. یکی از این مراکز رصدخانه الغ بیگ (فرزند تیمور) در سمرقند است که بسیار حائز اهمیت بوده.

و با نظارت خواجه نصیرالدین طوسی ساخته شد.

کتابخانه

تقریباً همه شهرهای ایران دارای کتابخانه های بزرگ با تعداد زیادی کتاب بوده اند که متأسفانه بسیاری از آنها از بین رفته اند. از جمله کتابخانه های مشهور ایران کتابخانه امیرنوح سامانی در بخارا، کتابخانه بزرگ مسجد عتیق یا مسجد جامع اصفهان و کتابخانه های شهرهای نیشابور، طوس و ... می باشند که اقوام وحشی چندین هزار کتاب آن را آتش زده و یا به جریان آب سپرده اند.

شهر و شهر سازی (مطالعه آزاد)

نخستین استقرارهای اولیه در ایران نیز از غارها شروع شد. دو غار معروف «هوتو» و «کمر بند» در نزدیکی بهشهر از جمله این غارها هستند. تاریخ تشکیل شهر در ایران به گذشته های دور می رسد. شهر به مکانی گفته می شود که دارای ساخت و ساز معماری باشد. از این رو شهر بدون بنا، شهر نیست.

در قدیم به شهر «شارستان» می گفتند ، اطراف شهر را دیوارعریضی می کشیدند که بارو نام داشت. معمولاً در چهارگوشه بارو، برج های دیده بانی برپا می ساختند و این امر به لحاظ امنیت، اهمیت زیادی داشت زیرا از این طریق رفت و آمدها به درون شهر کنترل می شد و هر کس نمی توانست آزادانه وارد شهر شود.

مافت

بافت عبارت است از مجموعه عوامل معماری و شهرسازی که تحت عناوین مختلف ، یک شهر و یا روستا را تشکیل می دهد. اما هر مجموعه ای از ساخت و سازهای معماری از نظر عملکرد و کاربرد مصالح و نوع و فرم و شکل تحت تأثیر آب و هوای اقلیم های مختلف است.

تصور شهر بدون در و دروازه و دیوار محافظ امکان نداشت. این موضوع مرحله اول امنیت هر شهر بود. شهر بدون نظام اجتماعی و قانون مند نیز نمی توانست ادامه حیات دهد.

بافت های مسکونی

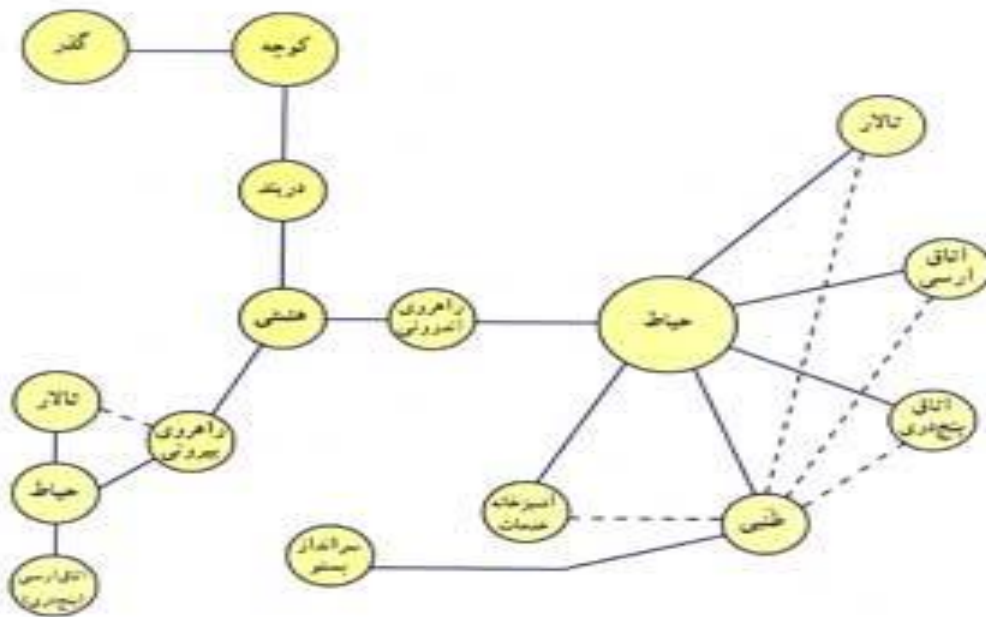
در اینجا دو نوع بافت مسکونی شرح داده می شود :

(۱) بافت گسسته

در بافت گسسته خانه ها نمی توانند به هم چسبیده باشند مانند خانه هایی که در مناطق جنگلی ساخته می شوند زیرا سکون هوا و رطوبت بالا در این مناطق نیاز دارد که خانه ها از هر چهار طرف فضای خارج، پنجره و ایوان داشته باشند تا جریان هوا دائماً در محوطه خانه عبور کند و از دم و گرمای داخل ساختمان بکاهد.

برعکس در بافت پیوسته، خانه ها به هم چسبیده اند مانند خانه هایی که در مناطق سردسیر و گرمسیر ساخته می شوند. این خانه ها برای جلوگیری از مبادله سریع گرما و سرما به هم چسبیده اند زیرا دیوارهای حائل مانع ورود سرما و گرما می شوند.

معماری خانه های سنتی ایران



خانه ها در ایران یا شمالی هستند و یا جنوبی زیرا بافت شهری اکثر شهرهای ایران شطرنجی است. حیاط خانه معمولاً در جنوب ساختمان یا بنای خانه قرار می گیرد. شکل هندسی زمین خانه ها مربع مستطیل است و همه خانه ها دارای باغچه و حوض بوده اند. در گذشته در خانه های قدیمی مستقیماً به حیاط باز نمی شد بلکه ابتدا به فضایی به نام هشتی راه می یافت و سپس از داخل هشتی، خانه به دو سمت بیرونی و اندرونی تقسیم می شد.

برای رسیدن به اندرونی می بایست ازدالان باریک و پیچ و خم داری عبور کرد. این عمل مانع از آن می شد که اهالی خانه از هشتی در دیدرس باشند. بنابراین یکی از صفات معماری ایران به ویژه در ساخت خانه های مسکونی رعایت درون گرایی است یعنی کسانی که در یک خانه زندگی می کنند دیده نشوند.

قسمت بیرونی که از نظر معماری و تزئینات برای یک خانه مهم بوده معمولاً یک اتاق بزرگ رو به قبله داشته که به آن «پنج دری» (به دلیل داشتن پنج یا هفت پنجره) یا «شاه نشین» می گویند. این اتاق و پنجره های آن (پنجره های ارسی) دارای تزئینات فراوان مشبک و منبت و گچکاری و نقاشی و آئینه کاری بوده است. تعداد کمی از خانه های قدیمی که در تهران باقی مانده اند عبارتند از: خانه وثوق الدوله، خانه امام جمعه تهران، خانه امیربهادر، عبارت باغ فردوسی و ... تهران در گذشته ۱۲ دروازه داشته که در زمان ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده بود. این دروازه های زیبا به دستور یکی از عاملان دوره رضا شاه تخریب شد.

عناصر تشکیل دهنده معماری

هر بنای دوره اسلامی چه بنای مذهبی، مانند مسجد و مدرسه و چه غیر مذهبی، مانند کاروانسرا و کاخ از فضاهای گوناگون تشکیل می شود و گاهی نیز ممکن است فضای تازه به صورت الحاقی به بناهای دیگر اضافه شود؛ مثلاً مناره یا منار در مسجد و مدرسه که جزیی از بناست و به طور مجزا هم کاربرد دارد. میانسرا - حیاط و صحن - یکی از ویژگیهای معماری اسلامی است. مساجد، مدارس و کاروانسراها عمدتاً دارای صحن یا حیاط مرکزی هستند.

میانسرا

در دوره اسلامی دو نقش مهم داشت: اول اینکه نیاز مسلمانان را به وضوخانه و محل تطهیر در مساجد و مدارس و نیاز مسافران را به استراحت، بارگیری و باربندی در حیاط کاروانسرا تأمین می کرد. دوم اینکه با کانون قرار دادن فضای داخلی، بنا را از سر و صدا و فعالیت زندگی روزمره و عادی جدا می کرد. شکل میانسرا عموماً مربع و مستطیل بود، ولی گاهی از نقشه های چند ضلعی و مدور هم استفاده می شد. میانسرا راه دسترسی به شبستان و بناهای وابسته مانند راه پله ها و اتاقها را مشخص می کرد و دارای ایوانی در یک یا دو یا چهار طرف بود.

ایوان

ایوان از زمان اشکانی مورد استفاده قرار گرفته و ساخت آن تا کنون به شیوه های گوناگون ادامه یافته است. ایوان که معمولاً از یک طاق آهنگ تشکیل می شود از سه طرف بسته و به طرف میانسرا باز می شود. ایوانها به صورت فضاهای ورودی و خروجی ساخته می شوند و در حالی که برای جریان یافتن هوا باز هستند، از تابش آفتاب جلوگیری می کنند و به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده اهمیت فوق العاده ای داشته، به بنا، برجستگی و شکوه می بخشند. ایوان کانونی است برای تزیینات مختلف بنا، چون ایجاد مقرنسها با شیوه آجر کاری، گچبری و کاشیکاری

رواق

به فضاهای سرپوشیده ستوندار یا متشکل از چشمه طاقهایی گفته می شود که در طرفین صحن یا میانسرای مساجد یا اماکن مذهبی ساخته می شود. دهانه اینگونه فضاها رو به صحن است و در ورودی مسجد را به شبستان یا گنبد خانه متصل می سازد.

گنبد

گنبد نیز مانند ایوان یکی از مهمترین عناصر معماری ایران است که سابقه آن به قبل از اسلام می رسد. پوشش گنبدی در معماری اسلامی ویژگیهای متعددی دارد و بیش از هر نوع پوششی کاربرد داشته است. ایجاد گنبد روی فضای مربع و یا چند ضلعی دارای چند مرحله بوده است: نخست اتاق چهار گوش با درها و طاقچه ها سپس بخش انتقالی بین اتاق چهار گوش و گنبد و در پایان گنبد اصلی معماران ایرانی روی بناهای گوناگون، بویژه روی مقبره ها، مساجد و مدارس، زیباترین گنبدها را ساخته اند. گنبدهای ایرانی دارای اشکال مختلفی است که برخی از آنها عبارتند از: گنبد مخروطی یا رک، گنبد یک پوش، گنبد پیوسته و گسسته. شکوه و زیبایی معماری ایران در دوره اسلامی بستگی زیادی به گنبدهای آن دارد که اغلب با کاشیکاری معرق تزیین شده اند (مانند مسجد شیخ لطف الله).

شبستان ستوندار

شبستانهای ستوندار – که ارتفاع چندانی ندارند – معمولاً در طرفین گنبدها بنا شده اند. این شبستانها به گونه ای ساخته شده اند که بتوان با افزودن یا برداشتن دهانه هایی، آنها را توسعه داد یا کوچک کرد. به این ترتیب چنین منطقه سرپوشیده ای را می توانستند با دیواری تیغه مانند که هیچ گونه عملکرد ساختمانی نداشت محصور کنند (مانند مسجد تربت جام و امیر چخماق یزد).

حجره

حجره یا اتاق معمولاً در اطراف حیاط مرکزی یا میانسرا به صورت مربع، مستطیل یا چند ضلعی ساخته می شد. این گونه حجره ها در مدارس برای استفاده طلاب و در کاروانسراها برای استراحت مسافران و گاهی به منظور چله نشینی و عزلت گزینی درویشان بنا می شد. در بعضی موارد حجره ها به صورت دوطبقه ساخته می شد که رفتن به طبقه بالا از طریق راهروهای ارتباطی انجام می گرفت. معمولاً چنین اتاقهایی از حداقل روشنایی برخوردار بودند، سقف آنها کوتاه بود و از نوع طاق آهنگ ساخته می شد.

مناره

منار به معنای جای نور است و به بنای بلند و کشیده اطلاق می شود که عموماً کنار بناهای مذهبی مانند مدارس، مساجد، و مقبره ها ساخته می شدند. قبل از اسلام از منار برای راهنمایی استفاده می کردند که گاهی نیز معرف وجود آتشکده و آتشگاههای بزرگ بود و به آن میل می گفتند (مانند میل نورآباد، میل فیروزآباد). در دوره اسلامی احداث مناره گسترش بیشتری یافت. یکی از قدیمیترین مناره ها متعلق به مسجد جامع دمشق است. از دیگر مناره های باقیمانده اوایل اسلام می توان به مناره مسجد اشاره کرد. اگرچه معلوم نشده که قدیمیترین مناره در ایران در کدامیک از بناهای مذهبی ساخته شده، ولی منار مسجد جامع سمنان و دامغان را می توان از قدیمیترین مناره های ایران دانست. لازم به یادآوری است که در آغاز مناره ها عموماً به صورت منفرد در مجاورت مساجد ساخته می شدند، ولی از دوره سلجوقی به بعد بتدریج مناره ها به صورت زوجی بر سر در ورودی و یا بر ایوان اصلی احداث گردید (مانند مسجد جامع اصفهان، مدرسه دو منار گلشن طبری). از نظر معماری مناره ها از سه قسمت اصلی پایه، ساقه یا بدنه و کلاهک یا تاج و بخشهای پلکان و نورگیر تشکیل می شود. مناره ها به اشکال استوانه ای، مخروطی و چند ضلعی ساخته شده اند. مناره ها در آغاز احداث بسیار ساده و عاری از تزیینات بودند، ولی بتدریج همانند دیگر عناصر معماری با تزییناتی چون آجرکاری، کاشیکاری، مقرنس و کتیبه آراسته شدند. مصالح ساختمانی مناره ها از آجر و سنگ بوده است. مناره ها برای استحکام بخشیدن و جلوگیری از رانش بنا ساخته می شدند.

بادگیر

معماران و استادکاران ایرانی با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناطق گوناگون ایران شیوه های معماری را در شهر های مختلف توسعه بخشیدند؛ همان طور که به دلیل سرما ایجاد بناهای فاقد میانسرا در آذربایجان متداول بوده، ساختن بادگیر نیز در مناطق کویری رواج داشته است. سالیان بس دراز، بادگیر یکی از اجزای مهم بناها در نواحی گرم و خشک ایران بوده است. هر بادگیر شامل برجهای تهویه بر فراز ساختمان است. در بالای هر برج یک رشته دهانه های عمودی وجود دارد که در مقابل بادهای وزان قرار گرفته و برای گرفتن نسیم و هدایت آن به اتاق همکف یا زیرزمین که رطوبت را از یک حوض آب اخذ می کند، تعبیه شده است. در شهرهای کویری ایران مانند کاشان، یزد و کرمان از بادگیر در بناهای مختلف به نحوه مطلوب استفاده شده است. در بعضی بناها حتی چندین بادگیر ساخته شده (مانند آب انبار پنج بادگیر یزد).

پله

گرچه پله یک اثر معماری مهم به حساب نمی آید، ولی کاربردهای سودمندی در معماری دارد. راه پله های مارپیچ داخل مناره ها و پله هایی که به بامها و فضاهای داخلی و خارجی بنا و به پاشیرهای سراشیبی آب انبارها منتهی می شود از اهمیت ویژه ای برخوردارند. همچنین پله ها، راههای ارتباطی مفید به طبقه دوم یا پشت بام به شمار می روند. در بعضی از بناها پله ها علاوه بر کاربرد ارتباطی، وسیله سبک کردن حجمهای ساختمانی نیز هستند (مانند بنای تایباد خراسان). مدرسه غیاثیه خرگرد دارای هشت دستگاه پله است. همچنین مسجد کبود تبریز پله هایی در شش قسمت دارد که دو دستگاه پله به نمای اصلی متصل است و چهار دستگاه در گوشه های گنبد خانه یا شبستان قرار دارد که به طبقه دوم متصل می شود. مصالح ساختمانی پله ها اغلب آجر است.

سردابه

تعداد بسیاری از آرامگاهها مدفن اصلی شخصیتی مذهبی یا سیاسی هستند که زیر طبقه همکف ساخته می شدند. از آنجا که طبقه همکف باید محلی برای زیارت یا مراسم مذهبی می داشت، معمولاً محل تدفین را در طبقه ای پایین تر از سطح زمین می ساختند. احداث سردابه بیشتر در آرامگاههای ناحیه شمال و آذربایجان مرسوم بوده است. از قرن هشتم هجری به بعد نصب ضریح چوبی در روی مزارها به صورت سمبلیک متداول شد. صندوقهای چوبی منبت کاری شده نام بسیاری از دروودگران هنرمند را بر خود دارد.

روشهای ساخت و تزئین (مطالعه آزاد)

به طور کلی آگاهی ما از نحوه ساخت، طراحی و سایر امور ساختمانی دوره اسلامی بسیار کم و محدود است. بدون شک ایجاد بناها، چه مجموعه های مذهبی و چه غیر مذهبی، مستلزم آگاهی از علوم چون هندسه، ریاضی و طراحی بوده است و استادکاران طی قرون متمادی با بهره گیری از علوم، توانسته اند شاهکارهایی در هنر معماری به وجود آورند. متأسفانه در متون تاریخی دوره اسلامی مطالب مهم و تصاویر چندانی در مورد چگونگی ایجاد بناها به چشم نمی خورد. تنها نمونه های قابل ذکر دو نقاشی منسوب به بهزاد، با تاریخ ۸۷۲ هجری، در ظفرنامه و خمسه نظامی است. این نقاشیها در حال حاضر در دانشگاه هابکینز آمریکا نگهداری می شوند و در آنها نحوه ساخت مسجد جامع تیمور و همچنین کاخ خورنق به شیوه مینیاتور به تصویر کشیده شده است. در این نقاشیها تا حدودی تزئینات و ابزار و وسایل معماری مرسوم آن روزگار مانند داربست، گونیای چوبی، اره، خط کش، بیل، تیشه، ماله، نردبان، و ... و همچنین مصالح ساختمانی مانند سنگ، آجر، گچ، ملاط و کاشی و مراحل اجرای ساختمان نشان داده شده است. برخی محققان بر این عقیده اند که علت فقدان مطالب سودمند درباره معماران دوره اسلامی و روشهای طراحی و ساختمانی آنها، این است که معماران در مقایسه با شاعران، فیلسوفان و مورخان، کمتر مورد توجه بوده اند. البته این رأی درست به نظر نمی رسد؛ زیرا در ادوار مختلف نیاز همگان به معمار و استادکاران ساختمانی برای ایجاد محلهای مسکونی، تجاری و عبادی امری مسلم بوده است. مورخان اسلامی چون بیهقی، ابن خلدون و خواجه رشیدالدین، مطالب سودمندی درباره معماری و معماران نوشته اند؛ از جمله نوشته اند معماران از علوم ریاضی و هندسه اطلاع داشتند و در احداث بناها قبل از هر چیز به طراحی و نقشه کشی مبادرت می ورزیدند. فارابی فیلسوف بزرگ ایران می گوید معماری مبتنی بر علم الحیل است و حیل، مهارت، هنر و فنی است که با کار استادانه و هنرمندانه در اشکال

هندسی نشان داده می شود. هندسه مبنای معماری بود و معمار بسیار ماهر و استاد را مهندس می گفتند که به معنای هندسه دان است. همچنین متونی در دست است که در آنها از هندسه و طرحهای هندسی برای معماران بحث می شود و سراسر این کتابها دارای توضیحاتی است که به معماری عملی ارتباط پیدا می کند. بخشی از کتاب مفتاح الحساب نوشته جمشید کاشی ریاضیدان و منجم عصر تیموری، به معماری اختصاص یافته و در آن بخش از روشهای ساختن طاق و گنبد و مقرنس بحث می کند، از انواع طاقهایی که او شرح می دهد برخی را در بناهای تیموری می توان دید. معماران، استادکاران، بنایان و دیگر گروههای وابسته به علم معماری، با آگاهی کامل از فن معماری و با ابتکار و ابداعات خاص خود و رعایت کامل اصول هندسه و مهارت های سنتی و همچنین الهام از عقاید دینی فضای معماری ایران را شکوهی جاودانه بخشیدند. مسئولیت ساخت بنا نیز به عهده گروههای متعددی بوده است؛ مثلاً گروهی مسئول احداث ساختمان تا مرحله سفت کاری، و گروهی مسئول تزیینات بنا مانند آجرکاری، گچبری و کاشیکاری بوده اند. همچنین بین استادکاران، سلسله مراتبی وجود داشته، مانند مهندس، معمار، بنا، سرکارگر، سنگکار، گچکار، کاشیکار و کارگر ساده که هر یک مسئولیت خاصی داشتند. لازم به یادآوری است که معماران ایرانی به علت فروتنی از ثبت کردن نام خود بر بناها خودداری می کردند؛ به همین علت جز تعدادی از بناها که نام معمار یا سازنده آن مشخص شد، بقیه فاقد نام استادکار یا سازنده آن است.

مصالح ساختمانی

مصالحی که در ایجاد بناهای دوره اسلامی به کار رفته متنوع است.

آجر = مهمترین مصالح ساختمانی در ایران قبل و بعد از اسلام بوده است. آجرهای به کار رفته در معماری عموماً مربع شکل است که در کارگاههای آجرپزی در سراسر ایران ساخته می شد. آجر علاوه بر استفاده در ساختن بدنه بنا برای تزیین آن نیز نقش مهمی داشت و از اوایل اسلام تا دوره تیموری تزیین بیشتر بناها با آجرکاری است. همچنین از آجرهای تراشدار و قالبی نیز استفاده می شد. آجرهای پخته رنگهای گوناگونی چون زرد کمرنگ، قرمز و قرمز تیره داشته که بیشتر در ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۳$ ، $۲۰ \times ۲۰ \times ۵$ و $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$ سانتیمتر ساخته می شد و در قسمتهای مختلف بنا مانند ایوانها، طاقنها، گنبدها، مناره ها و اتاقها به کار می رفت (برجهای خرقان، گنبد قابوس، مناره مسجد ساوه).

گچ = گچ از دیگر مصالح ساختمانی است که در تمامی ادوار، در معماری استفاده شده است. از آنجایی که گچ از مصالح ارزان قیمت بوده و زود سفت می شده است، کاربردهای متعدد داشته و مورد توجه معماران بوده است. گچبری برای آراستن سطوح داخلی بناها، نوشتن کتیبه ها، تزیین محرابها، زیر گنبدها و ایوانها به کار می رفته است. بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی با گچبری تزیین شده اند. اهمیت گچبری در بناهای اسلامی به حدی بود که هنرمندان این رشته به «جصاص» معروف بودند و نام بسیاری از این هنرمندان در کتیبه های بناها به یادگار مانده است. علاوه بر این، هنرمندان گچبر در قرن پنجم تا دهم هجری از شیوه های گوناگونی مانند گچبری رنگی، گچکاری وصله ای، گچکاری توپر و توخالی، گچبری مشبک و گچبری مسطح و برجسته استفاده کرده اند (مانند اصفهان: محراب اولجایتو، زنجان: گنبد سلطانیه، همدان: گنبد علویان و اشترجان: محراب اشترجان).

کاشی = استفاده از کاشی برای تزیین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها از دوره سلجوقی آغاز شد و در طی قرون متمادی بویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج رسید. کاشی نقش عمده ای در تزیین بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه های متفاوت توسط هنرمندان کاشیکار به کار می رفت. استفاده از کاشیهای یک رنگ، کاشی هفت رنگ، کاشی معرق و تلفیق آجر و کاشی در دوره های سلجوقی، ایلخانی و تیموری و صفوی در تزیین بنا مرسوم بوده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. تزیین بخشهای گوناگون بنا، از پوشش گنبد و مناره گرفته تا سطح داخلی بنا و زیر گنبد و دیوارها و محراب با کاشیهای مختلف، بویژه کاشیهای معرق، به بناهای مذهبی و غیر مذهبی ایران دوره اسلامی زیبایی خاصی بخشیده است (مانند گناباد: مسجد گناباد و غیاثیه، خرگرد: مدرسه خرگرد، مشهد: مسجد گوهرشاد، تبریز: مسجد کبود، اصفهان: مسجد شیخ لطف الله و مسجد امام).

خشت = از دیگر مصالح ساختمانی معمول در معماری ایران خشت است. در دوره اسلامی یا تمامی بنا از خشت بوده یا بخشی از دیوارها از خشت و بقیه از آجر بوده است. از آنجایی که مقاومت خشت در برابر باد و باران و برف اندک است، بناهای خشتی زیادی از روزگاران گذشته باقی نمانده است.

سنگ = در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزیین بنا استفاده می شد. گرچه به علت موقعیت جغرافیایی و اقلیمی استفاده از سنگ در برخی نقاط چون آذربایجان بیشتر دیده می شود، اما بهره گیری از آن تقریباً در سراسر ایران مرسوم و متداول بوده است. استفاده از سسنگ در پی بنا و دیوارها اهمیت ویژه ای داشت و برای ساختن کتیبه ها سنگهای گوناگونی چون سنگ سیاه، سنگ آهک، سنگ مرمر که با دقت تراشیده و گاهی حجاری می شد - به کار می رفت (مروند: کاروانسرای مروند، شیراز: مسجد جامع، کاشان: کتیبه های مسجد میدان).

چوب = استفاده از چوب برای ساختن در، پنجره، صندوقهای ضریح، ستونها و تیر سقف و چهار چوب، از ویژگیهای معماری اسلامی است که در ناحیه مازندران و گیلان رواج بیشتری داشته است. درختهای تبریزی، سپیدار، چنار، کاج و گردو از جمله درختهایی بودند که از چوب آنها برای بخشهای گوناگون بنا استفاده می شده است (ورامین: مسجد جامع، تبریز: ارگ علیشاه، ساری: امام زاده صالح).

شیشه = کاوشهای باستانشناسی سالهای اخیر و همچنین بناهای باقیمانده از ادوار مختلف اسلامی نشان می دهد که از شیشه های الوان به رنگهای سرخ، آبی، بنفش و سبز برای تأمین روشنایی و تزیین در و پنجره و قابهای گنبد خانه و شبستانها استفاده می شده است. همچنین مطالعه متون تاریخی و مشاهده مینیاتورهای قرن ششم تا دوازدهم هجری نشان می دهد که شیشه، کاربرد وسیعی داشته است (خرگرد: غیاثیه، شاه زند: مقبره شیرین بکا آقا، اصفهان: عالی قاپو).

سبک شناسی معماری ایرانی

شیوه های مطرح شده در معماری ایرانی عبارتند از: شیوه های پارتی، پارسی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی که شیوه های پارسی و پارتی متعلق به دوره های پیش از اسلام و سبکهای خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی مربوط به دوران اسلامی می باشند.

ساختمانهای تخت جمشید نمونه های خوبی جهت توضیح شیوه پارسی هستند که شامل: دروازه ملل، آپادانا، تالار صد ستون، تچرا، هدیش و تالار شورا هستند که از بارزترین ویژگیهای آنها استفاده از سنگهای پاکتراش و گاهی صیقل شده، منظم و بهره گیری از بهترین مصالح، بنا کردن ساختمانها بر روی سکو هایی از سنگ، آرایش فضاهای درونی با کاشی های لعاب دار، بهره گیری از پایه ستون و سر ستون و استفاده از نقوش برجسته (ستونها در این دوره دارای حداکثر ارتفاع هستند) می باشند.

شیوه پارتی بعد از حمله اسکندر به ایران و در دوره های اشکانی و ساسانی پیدا می شود و در این دوران است که توجه به معماری یونانی رو به افول می رود. در این دوران استفاده از مصالح بومی رواج می یابد و مهمترین دستاورد این عصر استفاده از پوششهای طاقی در دهانه های بزرگ و گنبدها در زمینه چهار گوش می باشد که آتشکده فیروزآباد، کاخ بیشابور، کاخ سروستان، ایوان کرخه از نمونه های ابنیه این دوران می باشند در این عصر گچ بری با خطوط شکسته و خمیده و استفاده از کنگره ها در نمای ساختمانها رواج یافته و قرینه سازی در نیایشگاهها و کاخ ها مورد توجه قرار می گیرد.

با ورود اسلام به ایران سبکهای معماری تا حدودی دستخوش تغییرات می گردند و سبکهایی چون خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی به عرصه ظهور می رسند.

شیوه خراسانی، همانطور که از نامش بر می آید، در خراسان شکل می گیرد و از آنجا به شهرهای دیگر اشاعه می یابد (از سده نخست هجری تا سده چهارم) این شیوه بر اصولی چون سادگی، دوری از بیهودگی، مردم واری و استفاده از مصالح بومی استوار بوده که یکی از اصیل ترین بناهای این شیوه، مسجد جامع "فهرج" است. مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان از نمونه هایی دیگر در این سبک می باشند.

شیوه رازی نیز در شهرری ظهور می نماید، از زمان آل زیار آغاز و در زمانهای آل بویه، سلجوقی، اتابکان و خوارزمشاهیان ادامه می یابد. "در این شیوه نغز کاری شیوه پارسی، شکوه شیوه پارتی و ریزه کاری شیوه خراسانی با هم پدیدار می شوند. "از مهمترین ویژگیهای این سبک ساخت بناهایی است با کارکردهایی ویژه و خاص مانند آرامگاههای برجی و میل ها (برجهای راهنما برای مسافران در بیابانها). در این شیوه نیز ساخت تاق و گنبد پیشرفت ارزنده ای دارد و از گچبری بسیار در تزئین بناها استفاده می نمایند. یکی از شیوه های گچبری که در این دوره بسیار رواج داشته گچ بری "گچ تراش" بوده که گچ را با رنگهای مختلف می آمیختند و زمانیکه سفت می شد آنرا به اشکالی در می آوردند و همچون کاشی در کنارهم قرار می دادند و تصویری را خلق می کردند از نمونه های ای سبک می توان به گنبد قابوس و گنبد کبود مراغه اشاره نمود.

شیوه آذری را می توان به دو دوره تقسیم کرد، یک دوره از زمان هولاکو و پایتخت شدن مراغه و دوره دوم از زمان تیمور و پایتختی سمرقند. آنچه که به عنوان مشخصه اصلی این سبک می توان ذکر نمود، بهره گیری هر چه بیشتر از هندسه و طرحهای متنوع و پیچیده در آثار معماری و ساخت بناهای بسیار بزرگ می باشد در این سبک از کاشی تراش یا معرق بیشتر از سبکهای گذشته بهره گرفته شده است و در دوره دوم استفاده از کاشی هفت رنگ (کاشی سفید لعاب دار که پس از

نقاشی روی آن آنرا داخل کوره می گذاشتند و در تزیین استفاده می کردند) و خشتی در برخی ساختمانها باب می گردد در این شیوه از تاقهایی چون تاق " آهنگ یا استوانه ای " ، تاق " تویزه " و تاق " کلنبو " (گنبد کوچکی با خیز کم که در مکانهایی چون سقف نشیمن ، خانه های اشرافی و پوشش چهار سوق بازارها به کار می رفته) بهره می گرفتند . گنبد " سلطانیه " را می توان نمونه ای از این سبک دانست .

شیوه اصفهانی آخرین شیوه در معماری ایرانی می باشد که برای این سبک نیز می توان دو دوره را در نظر گرفت :

- از زمان قره قویونلوها تا حکومت محمد شاه قاجار

- از زمان افشاریان تا پایان حکومت زندیان

از جمله ویژگیهای این شیوه ، ساده شدن طرحها و استفاده از اشکال هندسی ساده (برخلاف شیوه آذری که از طرحهای پیچیده هندسی بهره گرفته می شد) ، استفاده از گنبد های گسسته میان تهی و بهره گیری هر چه بیشتر از کاشی های هفت رنگ تا کاشیهای تراش یا معرق در تزیینات.

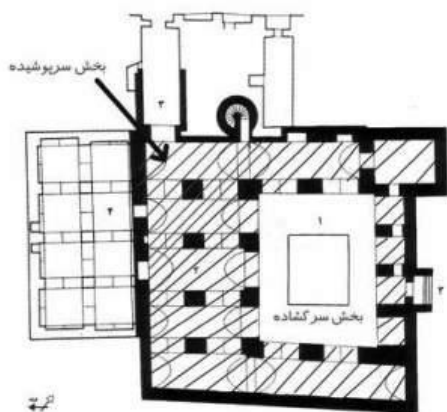
در این شیوه بر خلاف شیوه های قبل در مصالح تغییراتی ایجاد و سپس از آنها استفاده می کردند که البته این کار سبب پایین آمدن کیفیت بناها می گشت (در شیوه های گذشته از مصالح به شکل اولیه شان استفاده می نمودند و تغییر و تحولی در آنها ایجاد نمی کردند مثلاً آجر را بدون تراشیدن مورد استفاده قرار می دادند) از جمله بناهای مطرح در این سبک ، مسجد امام اصفهان ، مسجد شیخ لطف الله و عمارت عالی قاپو می باشند

به طور کلی می توان اصول معماری ایرانی را در مردم واری (توجه به نیازهای انسان و در نظر گرفتن تناسبات) ، پرهیز از بیهودگی (دوری از خلق فضاهای بی کاربرد و صرفاً تزیینی) نیارش (توجه در به کارگیری مصالح) ، خودبسندگی (توجه به معماری بومی) و درون گرایی در نظر گرفتن اعتقادات و پابندی به ارزشهای بومی خلاصه نمود .

مسجد جامع فهرج (کهن ترین مسجد ایران)



تنها مسجد بجای مانده از قرن اول هجری در ایران ،مسجد جامع فهرج میباشد.آنگونه که از منابع تاریخی برمی آید ،این مسجد پس ازفتح یزد بدست سپاهیان اسلام بنا گردیده ،اما کتیبه ای که این مدعا را تایید کرده باشد،در دسترس نیست .نقشه این مسجد و قرارگرفتن محراب آن در محور عرضی و تزیینات بکار رفته در آن،حاکی از آن است این بنا در صدر اسلام بنا گردیده است .



در بناهای تاریخی سده های نخستین اسلامی بهره گیری از سبک معماری ساسانی در سطح وسیعی مشهود است.مسجد جامع فهرج به عنوان کهنترین مسجد باقی مانده در ایران زمین در زمان سعید بن عثمان در سال ۴۵ ه.ق بنا گردید

این نیز بنا کاملاً به سبک و سیاق معماری عصر ساسانی بنا گردیده و نقشه اصلی آن بسیار ساده می باشد و در واقع تقلیدی از طرح و شکل مسجد النبی است.خشتهایی به اندازه ۵×۳۲×۳۲ - آنگونه که در عصر ساسانی مرسوم

بوده ، تزئینات گچبری و قوسهای ناری و تاقهای ناوی و آهنگ بکار رفته در مسجد جامع فهرج این موضوع را تایید میکند شبستانی با سه دهانه دارد که دهانه میانی بزرگتر از دهانه چپ و راست است. چفدها، خاگی و تاقها، آهنگ هستند . از ویژگیهای جالب این مسجد، طرح درهایی با نقوش ساسانی است که بر دیوارهای مسجد برجای مانده است. احتمالاً معمار میخواست در دورانی که ساخت درهای پر تجمل مرسوم نبوده، اثری از درهای زیبایی کهن برجای بگذارد . مناره گلین مسجد احتمالاً در دوران بعد (قرن ۴ یا ۵) به آن افزوده شده است و ورودی اصلی مسجد _ که شمالی بوده _ به کنار مناره تغییر مکان داده است .

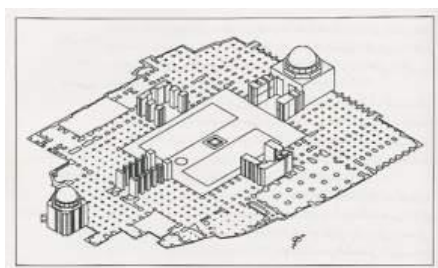
بطور کلی معماری این مسجد ، بجز پلان آن، کاملاً ساسانی بوده و همه تزئینات به شیوه پیش از اسلام است.

تاریخانه دامغان (شیوه خراسانی) :



این مسجد یکی دیگر از مساجد اولیه اسلامی (قرن دوم هجری) و با شیوه خراسانی بنا شده است . بخشی از این مسجد چندین بار دوباره سازی شده است. صحن بزرگ آن تقریباً چهار گوش می باشد و در اطراف آن رواق هایی با طاق ضربی روی پایه هایی مدور قرار دارد .

نقشه کلی مسجد ساده و بی پیرایه و شبیه یک حیاط اندرونی است . ساختار کلی این مسجد و مصالح آن در حین سادگی شبیه طرح بناهای دوران ساسانی است و نوع آجر چینی آن و ابعاد آجرهای آن قرمز رنگ و ستون ها بیشتر شبیه طرح بناهای دوران ساسانی نیز می باشد . در رواق های اطراف حیاط دهانه وسط نسبت به دهانه های دیگر ارتفاع بیشتری دارد . قوس های آن ابتدا بدون تیزه و صاف بوده اند و قوسهای جناقی (تیره دار) بعدها زده اند .



مسجد اولیه جامع اصفهان (شیوه خراسانی) :

کاوش های اخیر نشان می دهد ، طرح اصلی و ابتدایی مسجد جامع اصفهان شبستانی (۱۵۶ هجری قمری) این مسجد بزرگ، تاریخی کهن دارد و در دوره های مختلف تغییرات کلی در آن شده است . تقریباً از تمامی دوره ها ، سلسله ها و پادشاهان ایرانی بعد از اسلام در آن اثر و کتیبه ای دیده می شود و به ویژه در عهد سلجوقی ، تیموری و صفوی . نظر به این که مسجد کنونی دارای شیوه ای بیشتر رازی است .

مسجد جامع اردستان:

گنبد و ایوان آن مربوط به شیوه رازی است ، بر روی بنای شبستانی ساخته شده است . در تزئینات آجری آن نهایت دقت و ظرافت به کار رفته است .

ستونهای شبستان آن ابتدا به صورت مربع بوده و سپس هشت ضلعی شده است .

مسجد جامع نائین (شیوه خراسانی) :

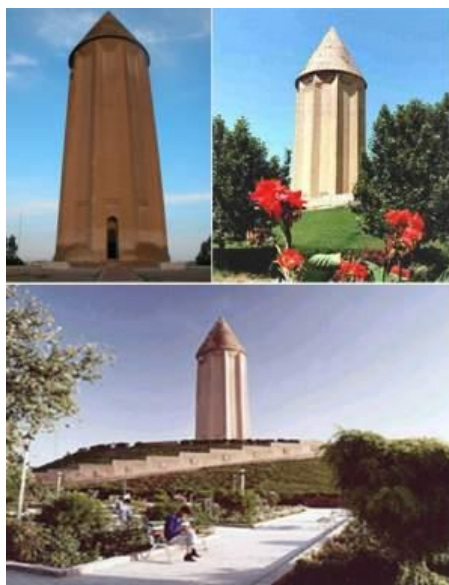
یکی از بناهای شیوه خراسانی (شبستانی) است . قدیمی ترین قسمت مسجد مربوط به شبستان جنوبی است .

تغییرات زیادی در دوره های بعد از جمله در زمان آل بویه در آن دیده شده ، لذا مسجد ترکیبی است از شیوه خراسانی و رازی را نشان می دهد .

مسجد جامع نیریز (شیوه خراسانی) :

این مسجد در اصل شیوه خراسانی داشته ، بعدها ملحقاتی به آن اضافه شده است. طرح اولیه این مسجد شبستانی در جنوب ، و ایوانی در مقابل شبستان داشته است . گروهی از کارشناسان عقیده دارند که قبل از آن ، این مسجد آتشکده بوده است .

گنبد قابوس (شیوه رازی) :



در اوائل قرن چهارم هجری یکی از بهترین بناهای برج مقبره ای ایران یعنی گنبد قابوس نزدیکی گرگان ساخته شد . این برج مدفن بانی آن قابوس بن وشمگیر از آل زیار است .

این بنا در شهری به همین نام قرار دارد که از هزار سال پیش تا کنون بر روی تپه خاکی خود نمایی می کند . در عین سادگی یکی از غرور انگیزترین بناهای آرامگاهی است که نه تنها در خاک ایران بلکه در سرتاسر جهان اسلام ساخته شده است .

با روی کار آمدن دیلمیان آل زیار و آل بویه مجدداً عظمت معماری اصیل ایرانی در سرتاسر ایران آن روز جلوه گر شد و سبک و شیوه رازی را در معماری اسلامی پدید آورد .

بنای گنبد قابوس دارای شکوه و عظمت و اندازه های متناسب است . تپه ای که پای بست (پی بنا) بر آن نهاده شده و اکنون در حدود ۱۵ متر عمق دارد . خود تپه ، تپه ای باستانی است درون این پای بست سردابی بوده است که آثار طاق آن هنوز باقی است .

بدنه برج را ده پا پیل^۱ مضرس^۲ شکل است ، احاطه کرده است . ارتفاع این مضرس ها ۳۷ متر تا زیر گنبد است و با آجر ساده کار شده است . گنبد دو پوسته بوده و گنبد درونی خاکی و از آجر معمولی است و پوسته بیرونی گنبد مخروطی شکل است .



برجهای خرقان- قزوین

در کنار روستای حصار در ۳۰ کیلومتری آبگرم، آرامگاه دو تن از بزرگان دوره سلجوقی به نام های "ابو سعید بیجار" پسر سعد و "ابو منصور ایلنای" پسر تکین قرار دارد که به صورت دو برج شکوهمند آجری با فاصله ۲۹ متر

معمار برج قدیمتر "محمد... زنجانی" و دومی "ابوالمعالی محمدبن... زنجانی" آمده

است. برج شرقی با ارتفاع تقریبی ۱۵ متر و قطر ۱۱ متر با طرحی هشت ضلعی و ستون های مدور در هر گوشه بر پایه ای از

سنگ بنا شده است. ضخامت دیواره های برج به ۶۰ سانتی متر می رسد. این برج در سال ۴۶۰ هجری قمری ساخته شده و نخستین بنا با گنبد دوپوش غیر مخروطی اسلامی است.

بنای غربی که در سال ۴۸۶ هجری قمری به پایان رسیده از نظر طرح و نقشه همانند برج قدیمی تر است با این تفاوت که یک پلکان مارپیچ دارد و ضمن رعایت ابعاد برج قبلی حدود ۵۵ سانتی متر مرتفع تر است و کشیده تر به نظر می رسد. این دو برج در زلزله ویرانگر تیر ۸۱ آج به شدت آسیب دیدند.



برج لاجیم و برج رادکان (شیوه رازی) :

در نزدیکی گرگان واقع است و از لحاظ زمانی فاصله ای کم و جدا از میل گنبد قابوس ساخته شده اند .

برج لاجیم نقشه ای دایره شکل دارد ، گنبد آن به مرور زمان صدمات زیادی متحمل شده و از شکل اولیه خارج شده است ؛ نمای آن گره سازی ندارد و دارای کنگره است .

شهر سلطانیه:

در محل کنونی دهکده سلطانیه و در میان خانه های روستایی ، بنای گنبد سلطان محمد خدابنده خود نمایی می کند . در زمان ایلخانان مغول در این ناحیه شهری به وجود آمده که با سرعت شگفت آور ، در شمار یکی از آبادترین شهرهای جهان قرار گرفته است .



در این منطقه مرتع و چمن زار طبیعی سطح زمین را پوشانده که از زمان های گذشته چراگاه احشام و مرکز پرورش اسب و محل تشکیل اردوگاه بوده است . ارغون خان که از نیمه قرن هفتم حکومت داشت در صدد برآمد در این محل شهر جدیدی بسازد و با این فکر ساختمان حصار شهر را شروع کرد ، اما عمر وی وفا نکرد و کار بنای شهر ناتمام ماند ؛ تا اینکه فرزند کوچکش الجایتو که در اوائل قرن هشتم بعد از برادر خود غازان خان به پادشاهی رسید کار پدر را دنبال کرد و به احداث شهر جدید پرداخت .



الجایتو به واسطه یکی از زنانش به دین اسلام گروید و نام محمد را بر خود نهاد و در اعتلای شاعر این دین کوشش فراوان کرد . الجایتو دستور داد تا مهندسان و معماران و بنایان و صنعت گران و سایر اهل فن از تمام کشورهای تابعه او روانه آن دیار شده و در آن جا اقامت کرده و به کار بنای شهر بپردازند . طرح و نقشه شهر به واسطه وزیر دانشمند او خواجه رشیدالدین فضل الله انجام گرفته بود .

او فرمان داد بناهای بسیاری شامل مسجد و کاخ و دارالشفاء و مدرسه و... بسازند. مسجدی که به خرج سلطان بنا گردید از مرمر و چینی ساخته شده بود .

از میان تمام ساختمان های این شهر جدید ، با شکوه و عظیم ترین بنا آرامگاهی است که به دستور سلطان در مرکز شهر برای او ساخته بودند.

به این ترتیب سلطانیه بعد از تبریز بزرگترین و پرجمعیت ترین و با شکوه ترین شهر امپراطوری وسیع ایلخانی گردید . شهر سلطانیه به همان سرعتی که به وجود آمد و رونق گرفت ، پس از سقوط دولت ایلخانی که با مرگ سلطان ابوسعید روی داد ، راه زوال پیش گرفت .

شهر باعظمت سلطانیه با همه حوادث طبیعی و دگرگونی های سیاسی تا پایان دولت صفوی هنوز به صورت شهر کوچکی با نعمت فراوان ، مطرح بود .

گنبد سلطانیه (شیوه آذری) :

اکنون تنها اثر مهمی که از آن همه بناهای با شکوه عهد الجایتو در شهر سلطانیه به جای مانده ، بنای عظیمی است که به گنبد سلطان محمد خدابنده معروف است . الجایتو پس از طرح سلطانیه فرمان داد تا آرامگاهی به همان عظمت برای او در مرکز شهر بسازند . طرح بنا هشت گوش است و بنایی که اکنون به نام تربت خانه معروف است به آن افزوده شد .

ارتفاع بنا از نوک گنبد تا کف زمین در حدود ۵۲ متر و قطر داخلی آن نیز به ۲۵ متر ضخامت ، دیوارهای اصلی که پایه های بنا را تشکیل می دهند ، به ۷ متر می رسد ؛ گنبد آن دوپوسته پیوسته است . دیوارهای اصلی بنا اگر چه قطور بوده و ضخامت آن ها به ۷ متر می رسد ، ولی وجود ۸ طاق رفیع وسیع که آنها را از یکدیگر جدا می سازد ، باعث شده که بنا خشن جلوه نکند.

در هشت گوش فوقانی بنا هشت مناره ظریف وجود داشته که گنبد را در بر گرفته و این منظره از دور شکل جالبی دارد . امروزه از این ۸ مناره فقط بقایایی باقی مانده است . تمام سطح گنبد پوشیده از کاشی های فیروزه ای رنگ بوده و قسمت تحتانی و قاعده گنبد با خطوط کوفی مربع با کاشی گره سازی سازی شده است .

تا زمان ناصرالدین شاه تقریباً یک قرن پیش تمام تزئینات کاشی کاری گنبد دست نخورده باقی مانده بود لیکن امروز قسمت های زیادی از آن فرو ریخته است .



مسجد کبود

مسجد جهانشاه مسجد کبود (گوی مسجد) از آثار ابوالمظفر جهانشاه بن قرايوسف از سلسله ترکمانان قراقویونلو می باشد که در ۸۷۰ هجری به همت و نظارت جان بیگم خاتون، زن جهانشاه بن قرايوسف قره قویونلو ،پایان یافته است .

در کتابهای تاریخی، این بنای باشکوه را «عمارت مظفریه» خوانده اند که مورد توجه ابو المظفر یعقوب بهادر خان قرار گرفت. در این روزگار تبریز در نهایت آبادانی و رونق بود. در نیمه اول قرن یازدهم هجری، کاتب چلبی

و اولیا چلبی جهانگردان ترک عثمانی و در نیمه دوم همین قرن، تاورنیه و شاردون جهانگردان فرانسوی از این مسجد دیدن کرده بودند. کاتب چلبی در تاریخ جهان نما می نویسد :

درگاه مسجد جهانشاه بلند تر از طاق کسری است. بنایی عالی است که با کاشیهای زیبا آراسته شده، گنبد های بلندی دارد.... جامع دل انگیزی است که هر کس داخل شود دلش اجازه بیرون شدن را نمیدهد. لیکن شیعیان غالبا از رفتن بدان مسجد خودداری میکنند. این بنا با کاشیهای زیبا آراسته شده، گنبدهای بلندی دارد و همه در و دیوار آن با کاشیهای رنگارنگ زینت یافته است» مادام دیولافوا جهانگرد فرانسوی می نویسد :

شهر تبریز ابنیه قدیمی زیادی ندارد اما آنچه باقی مانده شایان توجه است بهترین نمونه آن مسجد کبود است که در قرن ۱۵ میلادی در زمان جهانشاه قره قویونلوها ساخته شده است. متأسفانه گنبد این بنای بی نظیر به واسطه زلزله خراب شده و قسمتی از دیوارها را نیز با خود فرو ریخته است. این مسجد حیاط بزرگی داشته که در اطراف آن طاق نماهای جالب توجهی بوده و در مرکز آن حوض بزرگی برای وضو گرفتن وجود داشته است «

انگیزه ایجاد این مسجد را به خاطر علاقه جهانشاه قراقویونلو به مذهب شیعه یاد کرده و می نویسد: «این شخص دوستدار خاندان نبوت و عصمت و طهارت بوده است. در تمام کاشیکاریهای بی نظیرش، عبارت (علی ولی الله) و اسامی مقدس حسینین سلام الله علیها به اشکال مختلف، زینت بخش دیوارها بوده است. سنگفرش کف این بنا بسیار باشکوه و خوش منظره بوده که هنوز هم آسیب ندیده است. درب ورودی مسجد به دهلیز یا کفشکن باز میشود. مسجد مرکزی بزرگ در جنوب دهلیز واقع شده است. این مسجد به شکل مربع و طول هر ضلع آن شانزده و نیم متر است. گنبد فیروزه گون بزرگ و بسیار معروف مسجد کبود در بالای این قسمت قرار داشت. این گنبد بود که مسجد را به فیروزه اسلام مشهور ساخته بود

متأسفانه پس از زلزله وحشتناک تبریز به سال ۱۱۹۲ هجری، تمام سقف مسجد فرو ریخته و خس و خاشاک فراوانی چون پوشاکی ستبر روی آنها را فرا گرفته و مرمر محراب بی نظیر آن از وسط شکسته و به روی خاک افتاده بود .

در صحن و محل عمارات ضمیمه مسجد کبود، دبستان جهانشاه و موزه آذربایجان بر پاست که در سال ۱۳۳۷ ساخته شده و اکنون یکی از مراکز دیدنی و تاریخی تبریز می باشد. موزه مشروطیت مهمترین قسمت موزه آذربایجان است .

معماری مسجد کبود

نمای روبروی مسجد با سردرب کاشیکاری شده، شکوه و جلال بخصوصی دارد. مصالح بنا آجری است. سنگهای ساختمانی نادری در آن به کاررفته است. از بقایای مسجد معلوم می شود که آجرها با گچ بندکشی شده است. صحن مربع شکل، حوضی برای وضو، شبستانهای اطراف برای درس و همچنین پناهگاه مستمندان، مسجد را تشکیل می دادند. در قسمت جلوی صحن و رو به قبله، بنای اصلی مسجد به پا شده که محوطه ای محصور، پوشیده و مربع شکل است. فاصله پایه های سقف ضربی آن، ۱۲ متر است که بر روی چهار پایه یک محوطه مربع شکل قرار دارد. بالای این بنا گنبدی قرار داشت که از آجر ساخته شده بود ، که ریخته است. تزئینات دل انگیز و زیبایی متنوع به داخل مسجد اختصاص دارد. کف مسجد کاشیهای براق داشت . شبستان بزرگ محاط به رواق های به هم پیوسته است و از سه سو با طاقنماهایی به رواقهای اطراف خود ارتباط دارد . این شبستان با سقفی ضربی پوشیده شده است که قطر دهانه آن ۱۷ متر است . تنها خصوصیت جالب این گنبد ساخت آن بر روی چهارپایه مربعی است که این مربع خود به خود به تقارن و تجانس در درون مسجد می انجامد لذا عظمت و زیبایی مسجد را که طی قرون مختلف به نامهای مختلف خوانده شده است باید به لحاظ معماری خاص آن دانست .

اگر نمازگاه را که شامل محراب نیز است از بنای اصلی جدا کنیم، مربعی به طول ۳۰ متر به وجود می آید . آنچه در ابتدا به چشم ناظر می خورد، بزرگی و پهنای سردر است که با دیگر قسمتهای بنا هماهنگ نیست . ارتفاع سردر دو برابر پهنای آن است اما خطای چشم در ارزیابی عمودی و افقی آن را مرتفع تر و بلندتر نشان می دهد . سردر با ویژگیهای خاص خود به سه قسمت تقسیم شده است ؛ دو پایه بزرگ که طاق ضربی روی آنها زده شده و در وسط دو پایه محل استقرار درب ورودی است. حاشیه طاق سردر را ستون مارپیچی ممتد تشکیل می دهد. همه هنرها در کار تزیین این سردر به کار گرفته شده است .

این مسجد گلدسته ندارد. احتمالاً محل دو گلدسته مسجد در انتهای دو دیوار جلویی بود، زیرا گذشته از این که هیچ گونه محل ریزش ، پایه و پله ای برای صعود به گلدسته در محل نزدیک سردر مشاهده نمی شود، تمرکز سردر عظیم بادو گلدسته مرتفع ظرافت و عظمت خاصی به بنا می داد که با هنر سازندگان مغایرت داشت و حتی کمترین اعتباری نمی توانست در معیارهای معماری داشته باشد .

مرمت و تعمیر بنا

در مورد بناهای تاریخی، همواره هدف اصلی و اساسی مرمت است . روش کار در مرمت مسجد کبود به این صورت می باشد که قسمتهای تخریب شده بعد از اینکه زیر سازی و سفید کاری گردید طرحها و کتیبه ها و امثال اینها بازیابی شده و سپس بر روی دیوار منتقل می شود و بعد از شیارزنی، دور خطوط رنگ آمیزی شده و در انتها با لایه پارالوئید تثبیت می شود .

از سال ۱۳۷۶ مرمت نقش و نگار و از آبان ماه ۱۳۷۷ مرمت کتیبه ها آغاز و تا به حال نیز ادامه داشته است. در شبستان اصلی چهار پایه کتیبه های هفت پایه تکمیل و دوباره نویسی شده است .

طرحهای گره بندی اضلاع هر پایه تقریباً ۶۰٪ مرمت شده است. طرحهای لچک و ترنج چهار گوشه شبستان اصلی ۹۰٪ مرمت شده است. کتیبه های فوقانی لچک و ترنج نیز ۷۰٪ مرمت شده است. بقیه کار به صورت کادر بندی پیشرفته است. کاشیهای شش گوشه لانه زنبوری به کار رفته در شبستان کوچک تقریباً ۲۰٪ به صورت نقاشی مرمت شده است.

روحیات ملل

در روحیات ملل از مباحث ارتباط اجتماعی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، مردم‌شناسی، جغرافیا، تاریخ و ... یاری گرفته شده است. روحیات ملل درباره روحیات، خصوصیات و رفتار ثابت ملت‌ها بحث می‌کند. زمانیکه می‌گوییم: هوشمندی فرانسوی، دقت ژاپنی، تساهل هلندی و نظم آلمان، باید بدانیم چه مواردی باعث به وجود آوردن این صفات شده است. با شناخت روحیات ملل مختلف می‌توانیم میزبان خوبی برای جهانگردان باشیم و صنعت توریسم را گسترش دهیم.

منابعی که در زبان فارسی برای مطالعه روحیه ملت‌ها وجود دارد عبارتند از:

۱- روح ملت‌ها آندره زیگفرد (ترجمه احمد آرام).

۲- خلیقات ما ایرانیان سید محمد علی جمالزاده.

۳- جامعه‌شناسی خودمانی حسن نراقی.

۴- روانشناسی اجتماعی ایران دکتر علی محمد ایزدی.

۵- صدای گریه طفلان ز مکتب‌ها کیومرث فلاحتی.

۶- شهر خوبان کیومرث فلاحتی.

۷- ما چگونه ما شدیم صادق زیباکلام.

۸- یک سال در میان ایرانیان.

۹- سفرنامه‌ها، منجمله سفرنامه شاردن.

نظریه برخی جهانگردان درباره ایران:

۱- در کتاب حواریون ارنست رنان آمده است: حقا که ایرانیان طبعی شاعرانه دارند و بسیار قناعت کارند.

۲- ولتر درباره مشرق‌زمینیان و ایرانیان می‌گوید: آن‌ها تقریباً همه بنده و غلام بوده‌اند. از خصایص بندگی و بردگی یکی همین است که در همه چیز با اغراق و مبالغه سخن می‌گویند. به همین لحاظ علم بیان و فن فصاحت آسیایی به ویژه ایرانی، مهیب و وحشتناک است.

۳- شاردن سیاح معروف دوره صفویه در سفرنامه‌اش درباره ایرانیان نوشته است:

الف) بیش از هر چیز دلشان می‌خواهد زندگی کنند و خوش باشند.

ب) باور ندارند که عیش و عشرت را در حرکت و تکاپو و کارهای پر زحمت هم می‌توان بدست آورد.

ج) بسیار مخفی‌کار و متقلب هستند.

د) بزرگترین متملقین عالم‌اند.

ه) در کارشان پرگویی و قسم و آیه را بسیار به کار می‌برند.

و) در خدعه و فریب مهارت دارند.

برای آشنایی با نظرات صاحب‌نظران جهانگردان و ایران‌شناسان در مورد روحیه ایرانیان منابع زیر قابل بررسی و اهمیت می‌باشند:

* المقدمه - ابن خلدون

* سفرنامه‌ها (تا پخته شود خامی) - منوچهر دانش‌پژوه

* ایران از نگاه انیرانی - مهرداد جوانبخت

* سه سال در ایران - کنت دوگو بینو

* بررسی فلسفه های جامعه شناختی ایران - آن لمبتون

* مالک و زارع در ایران - آن لمبتون

* ایرانیان در میان انگلیسی ها - سر دنیس رایت

* انگلیسی ها در میان ایرانیان - سر دنیس رایت

* حاجی بابای اصفهانی - جیمز موریه

* بدون دخترم هرگز - بتی محمودی

فرمول اصلی این است :

انسان - زیست بوم (اقلیم ، اقتصاد ، ابزار ، روش (مدیریت و تعلیم و تربیت)) - فرهنگ - رفتار اجتماعی - شخصیت (که از طریق توارث ، محیط ، ویژگی فردی شکل می گیرد .)

انسان در یک محیط یا زیست بوم ، فرهنگی را می سازد که رفتار اجتماعی او را شکل می دهد و رفتار اجتماعی به نوبه خود ، شخصیت فرد را هم رقم می زند .

حال این سؤال پیش می آید : کدام صفات و روحیات تمدن ساز است ؟ و چرا ملتی بر ملتی دیگر برتری می یابد و پیروز می شود ؟

از میان نظریات مختلف دو نمونه را ذکر می کنیم :

۱- نظریه ابن خلدون (نمونه نظریه شرقی)

آنچه باعث می شود ملتی بر ملتی دیگر برتری یابد ، عصبیت است و این عصبیت باعث حرکت ایجاد روحیه تسلط و پیروزی یک قوم بر قوم دیگر می شود . این روحیه نسل اول قومی است که عصبیت دارد . نسل دوم این قوم قدرت را استحکام می بخشد و سازمان می دهد و نسل سوم به شادی می گراید و رو به شادکامی می آورد و کاری به نسل قبلی ندارد و نسل اول را نمی شناسد و توسط قومی که انگیزه و نبوغ بیشتری دارد شکست می خورد . عمر هر نسل به طور متوسط سی سال است .

۲- نظریه آرنولد توین بی

توین بی ، قبول ندارد که نژاد یا جغرافیا تنها عامل تمدن ساز باشند .

الف (نژاد با تمدن رابطه مستقیم ندارد . یعنی نمی توانیم بگوییم فلان نژاد ، اصالتاً می تواند تمدن برتر باشد . هر نژادی می تواند تمدن ساز باشد .

ب (محیط جغرافیایی به خودی خود نمی تواند به وجود آورنده باشد و در هر محیطی تمدن می تواند به وجود بیاید .

ج (آنچه باعث می شود تمدن به وجود آید و قومی برتر شود ، روحیه مبارزه طلبی با محیط است که باعث ساخت تمدن است .

برخورد دو یا چند فرهنگ

دو یا چند فرهنگ در سه حالت می توانند با هم روبرو شوند :

۱- جنگ : که می تواند باعث برخورد فرهنگی و ایجاد تمدن باشد .

۲- تجارت و جهانگردی از این نوع است .

۳- مهاجرت .

گاهی برخورد فرهنگ ها منجر به انفجار فرهنگی می شود ؛ یعنی فرهنگ بزرگی به وجود می آید . مانند : پیدایش تمدن و فرهنگ اسلامی در قرون ۳ تا ۵ هجری .

روحیات مردم انگلستان

انگلستان یک کشور پر باران است ، شاید این حالت باعث شده است که مردم این کشور در خانه یا مکانی سر بسته بمانند و مطالعه کنند . در برخورد اول ممکن است شما آن ها را مردم گریز ببینید ، زیرا زود آشنا نیستند . از این نظر می توان گفت که درون گرا هستند . اما علاوه بر درون گرایی ، خیلی سخت کوش اند . سخت کوشی انگلیسی ، وجه غالب روحی آن هاست و بر اثر این سخت کوشی ، انگلستان به جایی رسید که گفتند آفتاب در انگلستان غروب نمی کند ؛ زیرا دامنه مستعمرات آن ها شرق و غرب را در بر گرفته بود . یکی دیگر از آثار فرهنگی و اجتماعی بریتانیا این است که رفتارهای متناقض و گوناگون دارند . بطور مثال از یک طرف بسیار مبادی آداب اشرافی هستند و به اتیکت خیلی اهمیت می دهند . در مهمانی شب به لباس خاص آن مهمانی توجه می کنند . آقایان رنگ کراوات را باید طوری انتخاب کنند که مشکل ایجاد نکند .

هیچ کس را تنها با لفظ آقا و خانم خطاب نمی کنند و حتماً به دنبال این الفاظ اسم او را هم می گویند ؛ زیرا خدمه را نیز آقا یا خانم صدا می زنند . با وجود اهمیت دادن به اتیکت ، بسیار مقتصد هستند ؛ یعنی خیلی مصرف گرا نیستند و در نهایت قناعت زندگی می کنند . از لحاظ اقتصاد کشاورزی و تولید لبنیات بسیار پیشرفته هستند و گوشت و لبنیات اروپا را تا چندی پیش ، از انگلستان تأمین می شد . تفاوت انگلیسی ها با سایر اروپاییان در این است که انگلیسی ها تنها کشور اروپایی هستند که قانون اساسی ندارند و برابر عرف رفتار می کنند و به همین خاطر است که به اتیکت هایشان بسیار اهمیت می دهند . انگلیسی ها خیلی به آداب خودشان وابسته اند . در ارتباط با اتحادیه اروپا سرسختی نشان می دهند . به طبیعت علاقمندند ، به طوریکه بزرگترین باغ وحش دنیا در لندن است .

خرافاتن ترین کشور اروپا انگلستان است . هیچ کس اتاق شماره ۱۳ را در هتل ها کرایه نمی کند . نعل اسب ، احضار روح ، فال قهوه و شعبده بازی در این کشور طرفدارانی جدی دارد . نجیب زاده (Gentleman) در انگلستان کسی است که همه اتیکت ها را داشته باشد . وقت شناسی فرد انگلیسی بسیار مشهور است و از این نظر اجرای برنامه های بازدید جهانگردی فوق العاده به مجری برنامه کمک می کند .

فرد انگلیسی به صبحانه اهمیت خاص می دهد و معمولاً صبحانه خود را با آب سرد شروع می کند و قهوه و چای مورد علاقه اوست و صبحانه انگلیسی ها ، غذاهایی مختصر مانند تخم مرغ و یا ماهی می باشد . انگلیسی ها به غذاهایی که از مواد دریایی تهیه شده باشد ، علاقمندند .

با توجه به صفات خاصی که در بالا برای فرد انگلیسی ذکر شد ، چنین می توان نتیجه گرفت که اجرای برنامه های بازدید برای گردشگران انگلیسی به علت تمایلات خاص و نظم لازم در این ملت آسان است ؛ ولی باید به این نکته توجه شود که برنامه های آنان باید کاملاً منطقی بوده و از روی برنامه و نظم خاص اجرا شود .

روحیات مردم آلمان

آلمان با دو عامل در زمینه فرهنگ معروف است :

۱- فلسفه : فلاسفه ای مانند هگل ، مارکس ، فویر باخ و نیچه .

۲- موسیقی منظم و کلاسیک غربی : مثل بتهون و باخ که از معروفترین آن ها هستند .

از نظر صنعت حرف اول را در اروپا و یا شاید در دنیا می زنند . آلمان را بعد از جنگ جهانی اول خانم ها ساختند و الآن هم زن های آلمانی را فعالتر از سایر زنان اروپایی می بینیم و حالت کدبانویی و آشپزی خانم های فرانسوی و ایتالیایی را کمتر در زنان آلمان می توان دید .

آلمان جزء کشورهای پیراست و از نظر رفاهی به کودکان و کهنسالان در این کشور اهمیت زیاد داده می شود . به تنوع غذا اهمیت نمی دهند (آلمان معروف به کشور سیب زمینی خورهاست ، زیرا در جنگ جهانی دوم با کاشتن آن خود را از خطر مرگ و قحطی نجات داده اند) . شهرداری در این کشور قدرت زیادی دارد و تمام خدمات شهری و شهروندی مثل حقوق معلمان و ساخت و ساز مدارس و ... در دست شهرداری ها است . از لحاظ ابزار ، ماشین مهمترین ابزار آن هاست . مواردی از قبیل لوکوموتیو ، دستگاه چاپ ، تلفن و ... اختراع آلمانی هاست . بعد از جنگ جهانی دوم کمتر به هنر پرداخته اند و اکثر هنرمندان و هنرپیشه گان آنها حین جنگ به آمریکا رفته اند ، اما در زمینه ادبیات نویسندگان برجسته ای دارند . تدبیر آن ها این است که نظم ، چه در بعد رفتاری و چه در بعد فکری ، موتور حرکت افراد است (روز تعطیلی وحدت دو آلمان را حذف کردند تا یک درصد به اقتصاد کمک شود) .

سن بازنشستگی در آلمان ، زندگی دوباره است ؛ زیرا بازنشستگان به مسافرت ، امور هنری و ... تشویق می شوند . علت مسافرت زیاد آلمان ها عبارتند از : بارانی بودن هوا و پولدار بودن .

شخصیت فرد آلمانی دارای وجوه زیر است :

- | | | |
|-------------------|-----------------------------------|------------------|
| ۱- نظم | ۲- مسئولیت پذیری | ۳- اعتماد به نفس |
| ۴- صداقت | ۵- رک گویی و صراحت بیان | ۶- عقل گرایی |
| ۷- روحیه کار جمعی | ۸- حیوان دوستی (چون بچه ندارند) | ۹- سفر دوستی |

روحیات مردم فرانسه

کشور فرانسه سه ویژگی عمده دارد :

۱- غربی است . ۲- اروپایی است . ۳- مدیترانه ای است .

زیست بوم فرانسه همان ویژگی های اروپای غربی را دارد ، اما با یک سری ویژگی های خاص برای فرانسوی ها که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۴۰ درصد گل های اروپایی می توانند در آنجا رشد کنند . یک چهارم (۱/۴) این کشور جنگلی است .

۱۰ درصد کشور ، مناطق حفاظت شده است . ۶ پارک ملی دارد که پیدایش آن ها به خاطر ایجاد محیط اکولوژیک مناسب برای رفع آلودگی محیط صنعتی آن کشور است .

فرانسوی ها دوست دارند که خود را آزادیخواه نشان دهند . خیلی روی زبان فرانسه متعصب هستند . انگلیسی را یاد می گیرند اما سعی می کنند غیر از فرانسه صحبت نکنند . در اروپا هر کسی که زبان فرانسه را می داند ، با شخصیت است . فرانسه در هنر زبانزد است ، بطوریکه بزرگترین گالری های هنری و موزه ها را دارد .

آشپزی برای فرانسوی ها یک هنر است . به صبحانه چندان اهمیت نمی دهند و غذای اصلی آنان شام است . بیفتک غذای ملی فرانسه است و آشپزی فرانسوی شهرت جهانی دارد . آنان سعی کرده اند آشپزی را در خدمت صنعت توریسم درآورند . غذاهای جدید را اختراع کرده اند که باب طبع مردم دنیا باشد . پای سفره و سر میز شام بحث می کنند و گپ می زنند . یک شام رسمی حدود ۲ ساعت طول می کشد . فرانسوی ها سعی می کنند که خرج و دخلشان را با هم تطبیق دهند . از قرض بدشان می آید . پدر نقش مهمی در خانواده فرانسوی دارد . مقتصد هستند و وقتی پولشان زیاد شد ، آن موقع بلند پروازی می کنند . حس همکاریشان با هم خوب است . سعی می کنند حقوق فردی را محترم بشمارند و بسیار اهل تحقیق هستند . ادبیات فرانسه به ویژه رمان نویسی در جهان معروف است .

ایتالیا

افرادی آتشین مزاج ، شوخ و اهل تفریح و خوشگذرانی هستند . قدرت انتقاد و سرکشی شدید دارند که پایه آن همان آتشی بودن و حرارت درونی افراد آن است . اعتصاب متعدد سالیانه در ایتالیا مؤید این نظر می باشد . فرد ایتالیایی از مقررات و تشریفات گریزان است و در زندگی پیرو همکاری و مساعدت حتی در زمینه های خلاف قانون می باشد . به شکم اهمیت خاص می دهد . از برنامه های طولانی گریزان است و روح فرمانبرداری و اطاعت در او وجود ندارد . در مقابل مشکلات بسیار پر جنب و جوش است ولی به همان نسبت نیز سریعاً آرام و خاموش می گردد .

اهل استقامت و بردباری نیست و از نظر وی لحظه و زمان فعلی اهمیت بیشتری دارد . شوخ مزاج و همراه است ولی هر آن ممکن است که دوستی را فراموش نموده و حتی تبدیل به دشمن سخت شود . به همان نسبت که امکان دارد مجدداً دوست و رفیق بسیار صمیمی گردد .

فرد ایتالیایی اصولاً قابل اطمینان و اعتماد نیست ؛ لذا همیشه نسبت به دیگران به علت وجود این خصیصه حالت دفاعی و احتیاط دارد . بطور کلی اجرای تور ایتالیایی مشکل تر از سایر ملل است و راهنمای تور باید مدام دنبال فعالیت های او باشد و توجه بیشتری مبذول نماید ؛ زیرا فرد ایتالیایی استعداد خاص در تشویق و ترغیب سایرین به اعتصاب و به هم زدن برنامه ها دارد . به هیچ وجه وقت شناس نیست ؛ لذا از تأخیر و تغییر برنامه ها ناراحت نمی شوند و سریع اعتراض می نمایند ولی به همان سرعت نیز خاموش می شوند . بطور کلی اجرای برنامه های بازدید ایتالیایی محتاج دقت و توجه خاص است .

هلند : آسان گیری و تساهل

نژاد هلندی و آلمانی تقریباً یکی است . زبان هلندی به زبان آلمان شبیه است . مردم نژادهای دیگر در هلند ، مراکشی ها و ترک ها هستند . زیست بوم هلند پر آب و مستعد برای پرورش گل است . بزرگترین باغ گل جهان در آمستردام نزدیک لاهه است .

روزی که لاله از ایران به عثمانی و از عثمانی به هلند رفت ، تبدیل به یکی از جشن های آن ها شده است . کارناوال (جشن گل هلند در اردیبهشت ماه برگزار می گردد .

هلندی ها خود را عادل می دانند و به حقوق فردی احترام می گذارند ، به همین دلیل دادگاه لاهه برای منازعات بین المللی است . اما وجه مشخص هلندی ها آسان گیری است . اما پیش گیری را هم در نظر دارند تا از آسان گیری لطمه نخورند . هر چیزی که در آلمان ممنوع است ، در هلند آزاد است . مثل خودکشی های اختیاری (موقع مرگ مغزی) ، فروش آزاد مواد مخدر در سوپرمارکت ها (اما تعداد معتادین هلند کمتر از بقیه اروپاست) . اما تنها کشوری است که پلیس هر زمان که بخواهد ، بدون حکم وارد منزل کسی می شود .

ملت هلند از آب کره می گیرند . دهها نوع محصول لبنی دارند . هلند یک کشور کاملاً صنعتی است . کشاورزی و دامپروری مکانیزه دارند . معروف است که هلندی ها کشورشان را از آب گرفته اند (یعنی دریا را خشک کرده اند) اسطوره پطروس .

سوئیس

سوئیس ها با همه دنیا فرق دارند . یکی از مشخصات روحی سوئیس ها بی طرفی آن هاست . (صلیب سرخ) و به همین علت کشورشان سالم و امن بوده و سرمایه های دنیا را در خود جمع می کنند .

این بی طرفی در آموزش آن ها دیده می شود ؛ یعنی مدارس از لحاظ نظام های مختلف آموزشی بی طرف اند . در سوئیس چندین زبان وجود دارد . چون جمعیت کم است ، برای هر کاری از مردم نظرخواهی می شود . مثل تغییر مکان یک پل . در سوئیس باید به وجود نظم دقت کرد . اگر کسی ما را به خانه اش دعوت کرد نه زودتر برویم و نه دیرتر . سعی نکنید جواهرآلات و ماشین خود را به رخ آن ها بکشید ، چون به این چیزها اهمیت نمی دهند .

زمان غذا خوردن سوئیس ها کمی با دیگران فرق می کند . به ناهار ، شام می گویند و آن را دیرتر می خورند (۳ بعدازظهر) ، شام را نیز دیرتر می خورند و به آن شب چره می گویند .

مردم سوئیس با اتیکت و مهربان هستند و به نظافت خیلی اهمیت می دهند .

منطقه سرد کوهستانی سوئیس در زمستان از نقاط جالب توریستی برای ثروتمندان دنیا جهت اسکی است .

ساعت ساخت سوئیس معروف است . از لحاظ اقتصادی صنعتی هستند و در بانکداری قوی هستند .

دقت ژاپنی (در وقت شناسی همانند انگلیسی ها و از نظر نظم مانند آلمانی ها هستند)

ژاپنی ها از نژاد زرد هستند . از لحاظ آب و هوایی ژاپن پرآب ، مرطوب و بارانی است و با جزیره های جدا جدا ، کم خاکی ، زلزله ، آتشفشان و خط سیل دست به گریبان هستند .

از نظر معیشتی مردمی با پیشینه کشاورزی بوده اند ولی اکنون صنعتی و فوق مدرن هستند . اکنون ابزارهای ماشینی روبات و دیگر ابزارهای فوق مدرن را در اختیار دارند .

ژاپن در ردیف مذهبی ترین کشورهای دنیا است . آنقدر مذهبی و سنتی هستند که تا روحانی نیاید و دعایش را نخواند ، پی هیچ ساختمانی را نمی ریزند . برای ویروس های کامپیوتر خود نیز دعا ساخته اند .

مثل ما عید مردگان دارند . به علت کمبود زمین ، مرده های خود را می سوزانند . مردمی سازگار و قابل تطبیق با محیط هستند . در زمان شکست ، خودکشی از وظایف و میراث سامورایی ها بوده . ارتباط غیر کلامی در فرهنگ ژاپنی بسیار کاربرد دارد . اگر یک ژاپنی بخواهد خبر مرگ دیگری را به کسی بدهد ، باید این کار را با خنده انجام دهد . تعظیم ها معانی مختلفی دارند .

در فرهنگ ما ، " هیس کردن " برای ساکت کردن به کار می رود و عملی غیر محترمانه است ، ولی در ژاپن این کار عملی محترمانه است و تأکید را می رساند .

ژاپنی ها تجمل پرست و مصرف گرا نیستند . از ویژگی های فرهنگی ژاپنی ها دقت آن ها است .

خیلی به خارجی ها با کنجکاوی نگاه می کنند . ایرانی های مقیم ژاپن چندان خوشنام نیستند (شرارت و کارهای خلاف عرف) . درباره مسائل شخصی افراد و سردرآوردن از کار کسی خیلی سؤال می کنند و این به دلیل روح کنجکاوی آن ها است . به ندرت انگلیسی را خوب می دانند . تا با آن ها شروع به حرف زدن نکنی ، آن ها شروع نمی کنند . آنطور که فکر می کنید دوست ندارند با شما حرف بزنند . تواضع را یک ارزش می دانند لذا به یکدیگر تعظیم می کنند . ژاپنی ها عادت دارند بابت هر موضوعی هدیه بدهند یا بگیرند و مثل ما پول هدیه می دهند .

عادت دارند برای هر مناسبتی کارت پستال بفرستند و این عادت به قدری شدید است که هر خانه دو صندوق پستی دارد . به مشتری خیلی اهمیت می دهند . مشتری گرایی از ویژگی های معروف ژاپنی هاست و یک عبارت معروف دارند : " جناب مشتری ، جناب خداست ."

مبادی آداب هستند . کمی تعارفی هستند . مستقیماً نه نمی گویند که کسی را بیازارند . تودار هستند و عاطفه شان را بروز نمی دهند . مثلاً در موفقیت زیاد خوشحالی نمی کنند و هنگام شکست هم ممکن است که بخندند . خیلی مطابق آداب و سنن رفتار می کنند .

در ژاپن در کلاس های دبستان و دبیرستان ، سیاست ، جنگ و مسائل عقیدتی تدریس نمی شود ؛ اما در زندگی اجتماعی نقش مذهب بسیار پررنگ است .

خیلی مسئولیت پذیرند . اگر کاری به آن ها ارجاع شود ، حتماً انجام می دهند . میانگین خوابشان کمتر از ۵ ساعت است و به پیشینه خود و شرکتشان اهمیت می دهند . اگر مشکلی پیش بیاید ، صاحب کار خود را مسئول می دانند

هنگام استخدام توصیه را نمی پذیرند و مصاحبه می کنند . اگر قراردادی با ژاپنی ها می بندید ، ضامنتان باید یک فرد ژاپنی باشد . ۲ بار در سال (از ۳ روز تا یک هفته) تعطیل همگانی دارند و به سفر می روند . در تعطیلات به دیدار اهل قبور ، مهمانی و جدید تر هم به سفرهای خارجی می روند . یکی از خصوصیات ژاپنی ها فرمانبرداری از قانون است . دقت ژاپنی ها به حدی است که گوشه برجسته اسکناس برای درک بهتر نابینایان طراحی و مشخص شده است . ژاپنی ها بسیار محتاط هستند . هنگام عزا به صاحب عزا پول می دهند . در دبستان ها و دبیرستان ها ، نظافت مدارس به عهده دانش آموزان است . حساب خرج و مخارج را دارند . در غذا بسیار کم و در مصرف مشروبات الکلی (ساکی) بسیار محتاط هستند .

به بحث و گفتگو و رسیدن به عمق مطالب بسیار علاقمندند . لذا راهنمای جهانگردی باید بسیار با اطلاع و دقیق باشد . بر خلاف آلمان ها موقع غذا خوردن با هم حرف می زنند . آن ها رنگ شاد را دوست دارند و به همین خاطر خیلی علاقمندند که در دامن طبیعت غذا بخورند .

چین

چینی ها ملتی هستند که همه چیز می خورند و غذاهای دریایی و آبیان در اولویت هستند و کمتر گوشت می خورند. زیست بوم چین محیطی استوایی است. مفهوم خانواده و قداست آن برای چینی ها بسیار مهم است. اصولاً یک چینی را بدون خانواده اش نمی توان تصور کرد. انضباط در خون چینی هاست. چینی ها هوشمند هستند، اما هوش آن ها هوش فردی نیست، بلکه هوش جمعی است. یعنی ممکن است از یک چینی هوش سرشاری نبینیم، اما وقتی در یک گروه قرار می گیرد، خیلی خوب و هوشمندانه امور را پیش می برد. تاریخ چین در ۷۰۰ سال گذشته شبیه ایران بوده است. حمله مغول به هر دو کشور همزمان صورت گرفت. همزمان با دوره صفویه در ایران، سلسله قدرتمندی در چین حکومت می کرد. روند اصلاحات در چین همزمان با پادشاهی ناصرالدین شاه و محمد شاه در ایران انجام شد و مانند ایرانیان در این تاریخ دانشجو به اروپا فرستادند. دو کشور در دنیا بیشترین ذخیره ارزی را دارند که عبارتند از چین و تایوان (که هر دو چینی اند).

سابقه خط و زبان چینی به بیش از ۴۰۰۰ سال می رسد و هنوز خط آن ها در مرحله نیمه تصویری قرار دارد و تغییر مراحل تکامل زبان در این کشور آنقدر نیست که نتوان متون هزاران سال پیش را خواند. با توجه به وسعت چین، خط تنها مایه وحدت انسان های چینی در نقاط مختلف چین بوده است.

در چین چیزی به عنوان مذهب مثل غرب و اروپا دیده نمی شود. آن ها به خدا اعتقاد نداشته و اعتقاد آن ها به آسمانی است که زمین را کنترل می کند. اعتقاد دارند در دنیا برای هر چیزی متضادی وجود دارد و چیزی که دنیا را اداره می کند، برقراری رابطه بین تضادهاست.

چینی ها اعتقاد پر ریشه ای به تناسخ ارواح دارند. آن ها معتقدند خوب بودن باعث می شود که هنگام خلقت مجدد، انسان به صورت انسان آفریده می شود نه به صورت حیوان و یا اشکال دیگر.

آیین های اصلی چینی ها عبارتند از: کنفوسیوس و دائوئیست. آیین بودا از طریق هند وارد چین شد و در تبت بزرگترین فرقه بودایی را می توان یافت. مذهب بودایی پیش از آنکه بر کنفوسیوس و دائوئیست تأثیر بگذارد، از آنها تأثیر می گیرد. چینی های بودایی می گویند: "ما کنفوسیوسی هستیم که بودا را هم قبول داریم."

دین اسلام در ترکستان چین دیده می شود. ۵ درصد جمعیت چین که معادل هشتاد میلیون نفر است، مسلمانان سنی حنفی هستند که بنا بر نوع سیستم حکومتی چین بسیار تحت کنترل هستند و توریست های مسلمان غرب آسیا به سختی می توانند به این نواحی سفر کنند. اسلام از طریق بازرگانی ایرانی به چین راه یافت. نیت نماز مسلمانان چین به زبان فارسی است. حدود ۷ درصد جمعیت چین زیر خط فقر هستند و به خاطر تک فرزندی بودن، نسل لوسی در حال شکل گرفتن است. یادگیری زبان خارجی برای آن ها مشکل است. روز تعطیلی در چین "یکشنبه" است. برخی کلمات فارسی رایج در زبان چینی: بازار، شیر، خداآمرزد.

چین یک کشور خودبسنده و خودکفا بوده و چینی ها خود را بهترین ملت دنیا می دانند.

مالزی

اقوام مالزیایی از نژاد زرد هستند. آب و هوای مالزی شرجی و مرطوب است و برای ما ایرانیان سخت و آزار دهنده

روحیه مردم مالزی روحیه سخت کوش و مقلد مثبت در آسیای دور است . (امسال با پارسال از لحاظ پیشرفت صنعتی متفاوت است .)

این کشور از لحاظ توجه به مدرنیته و پیوند سنت با آن ، بسیار موفق بوده است . مردم هم فرایض دینی را انجام می دهند و هم صنعت و دموکراسی غربی را بومی کرده اند . دانشگاه ها را ارتقا بخشیده اند . سیستم آموزشی در این کشور انگلیسی است . دولت مالزی توانسته است نخبه هایی مثل " ماهاتیر محمد " را جمع کند . سیستم حکومت مالزی پادشاهی است . اما با همه پادشاهی های دنیا فرق دارد . ۹ شاه دارد که هر چند سال با رأی گیری یکی از آن ها را انتخاب می کنند ، اما قدرت نخست وزیر بیشتر است . عملکرد بخش خصوصی در این کشور بسیار توانمند است . برج مالزی بعد از برج میلاد در چین دومین برج آسیاست و سر در آن را اصفهانی ها کاشیکاری کرده اند . در مالزی سطح درآمدها به هم نزدیک است . مسابقات قرائت قرآن و نمایش طرز انجام مناسک حج از مواردی است که برای اولین بار مالزی ها ابداع کردند و به بقیه کشورهای مسلمان یاد داده اند . بزرگترین جشن آن ها عید فطر و عید قربان است .

بسیار خونگرم هستند و ایرانی ها را دوست دارند . پذیرش سنت و مدرنیته به صورت مداوم ، از ویژگی های مردم مالزی است . خانم های با حجاب و بی حجاب در کنار هم کار می کنند اما قواعد اخلاقی به شدت رعایت می شوند . سیگار کشیدن در معابر عمومی ممنوع است . زبانشان مالزیایی است و انگلیسی نیز در بین آن ها رایج است .

در مالزی قبایلی وجود دارند که دو نسل عقب تر آدمخوار بوده اند . اما پس از ۲۰۰ سال چنین پیشرفت کرده اند . به تحصیلات و خرید خیلی علاقمند هستند (مخصوصاً اگر تحصیلات در انگلستان انجام شود .) به خاطر پیشرفتشان بسیار متعصب و ناسیونالیست های سختی شده اند . از چهار سالگی انگلیسی را یاد می گیرند و جوانانشان به هنر بسیار علاقمند هستند .

هند

هند بعد از هالیوود بزرگترین صنعت فیلم سازی را دارد که بالیوود نام دارد و از لحاظ تعداد ساخت فیلم در سال در دنیا اول است . مردم در سینما فیلم ها را سرپایی می بینند .

جامعه هند سعی نموده خود را با دنیای جدید وفق دهد ، به همین علت هند با فرار مغزها روبرو نیست ، بلکه صادر کننده مغزهاست . دخترها یک کامپیوتر به عنوان جهیزیه با خود به خانه شوهر می برند . اهل تعارف نیستند . زبان انگلیسی و پارلمان را ، انگلیسی ها به هند آموختند .

(وقتی انسان حافظه تاریخی نداشته باشد و از گذشته درس نگیرد ، حافظه اقتصادی و اجتماعی نیز نخواهد داشت .)

ترکیه

ترک ها از نژاد خاصی نیستند . آن ها اختلاطی از آریایی ها ، اقوام قبل از آریایی ها ، ترکان مهاجر عثمانی ، اعراب ، مردم شمال اروپا و یونان هستند . ترکیه از لحاظ آب و هوایی و مناطق شمال و جنوب شباهت زیادی به ایران دارد . فقط کویر ایران را ندارد . معیشت آن ها از طریق کشاورزی است و جدیداً خدمات و صنعت افزایش یافته است . در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۵ میلیون نفر از ترکیه بازدید کردند . روحیه غالب آن ها ، روح نظامی است ، که سختکوشی را باید به آن اضافه نمود . در وهله اول احساس می کنید که بلند صحبت می کنند ولی بعدها عادت خواهید کرد .

سلیقه ترک ها به ایرانیان نزدیک است . اصل خیلی از لغات ترکی استانبولی ، فارسی است . آبدست (وضو) ، بد دعا (نفرین) ، پیغمبر (پیغمبر) ، آویزه (لوستر) ، خسته خانه (بیمارستان) ، نماز (نماز) ، همشیره (پرستار) ، عجزخانه (داروخانه) ، چارشی (چارسوق) . ترک ها حنفی مذهب هستند و ابو حنیفه ایرانی بوده است . آتاتورک اصالتاً یونانی است . تنها سفر رضاشاه به ترکیه بوده است که مجسمه اش در یکی از میدان های استانبول (میدان تقسیم) هنوز وجود دارد . رضاشاه از آتاتورک ، و امان الله خان (پادشاه افغانستان) از رضاخان تقلید کرد و هریک نسبت به مقدار تقلیدشان، در تغییر جامعه موفق بوده اند . ترک ها کمتر به ایران می آیند و کمتر از یک درصد توریست های ایرانی اهل ترکیه هستند و بیشتر توریست های ترکیه ، ایرانی هستند (حدود ۱۹ درصد) .

اعراب

افرادی مقاوم و حرارتی هستند و به همین درجه نیز افرادی کم توقع و غیر منتقد می باشند . با کمترین خدمت و بذل توجه ، بسیار سپاسگزار می گردند و به همین دلیل است که میزان رضایت و خرسندی در میان این قوم بسیار آسان است . سریع دوست می شوند و دوستی را بسیار نزدیک می نمایند و هنگامیکه از کسی نفرت پیدا نمایند ، تبدیل به دشمنی خطرناک و خونی می گردند . تعصب در میان این ملت عجیب است . بطوریکه با ایراد یک کلمه و یا جمله نامناسب ، احتمال عکس العمل شدید و گاه خطرناک می رود . آزادی برای آنان چندان اهمیت ندارد ولی هنگامیکه به آن برسند ، حد و حدودی را برای آن قائل نیستند . نسبت به زن و رفتار وی بسیار ابتدایی و خشک فکر می کنند ؛ لذا استفاده از خانم ها برای راهنمایی تور اعراب مناسب نمی باشد . اعراب به شکم اهمیت خاص می دهند ؛ لذا در اجرای بازدید گروه های عرب باید به این نکات توجه گردد .

آشنایی با صنایع دستی ایران

فصل اول - کلیات

چگونگی پیدایش صنایع دستی

در حدود ۸۰۰۰ سال قبل که به عصر «نوسنگی» معروف است، مردمی در منطقه وسیعی در آسیای جنوب غربی زندگی می کردند که برای نخستین بار در گروه های کوچک جمع آمده، در یک مکان ساکن شدند و اولین دهکده ها را به وجود آوردند. آثار به دست آمده از دوران پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی، گواه بر فعالیت انسان در ساخت ابزار و وسایل سنگی است. ابزارهایی چون تیغه های دنداندار و به شکل های مختلف هندسی در مکان هایی مانند بیستون و غارهای هوتو و کمر بند به دست آمده است. انسانی که یاد گرفته بود با کاشتن دانه های خوراکی مقدار بیشتری از آن را به دست آورد، ناگزیر بود آن را در جایی ذخیره کند. او ظرف هایی را می خواست که در برابر گرما و رطوبت هوا مقاومت داشته باشد و غلات، در آن فاسد نشود. از این رو انسان دوران نوسنگی با الهام از همان شکل های طبیعی و با آمیختن آب و خاک، اولین ظرف های سفالی را ساخت.

تعریف صنایع دستی

صنایع دستی که هم می تواند، حالت کارگاهی و هم حالت خانگی داشته باشد، همانند صنایع کوچک قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد، بدون نیاز به فن آوری پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مصرفی آن در داخل کشور قابل تهیه می باشد. افزون بر این، صنایع دستی هر دو ویژگی مصرفی و هنری را داشته، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده نیز هست و در مجموع آن را یک «هنر- صنعت» نامیده اند.

صنایع سنگین

صنایع سنگین زمینه ساز توسعه اقتصادی هر کشور است و از آن به عنوان «صنایع مادر» نیز یاد می شود؛ نیازمند سرمایه گذاری بسیار زیاد، ماشین آلات و تجهیزات عمده نیروی انسانی و برخوردار از تخصص های فنی می باشد.

صنایع سبک

صنایع سبک در مقایسه با صنایع سنگین، نیازمند تجهیزات و به همان نسبت سرمایه کمتر و نیروی انسانی با تخصص های نسبتاً پایین است. لازمه استقرار آن، بهره گیری از ماشین آلات خودکار و نیمه خودکار است.

ویژگی های صنایع دستی ایران

الف) صنایع دستی ایران محملی برای میراث فرهنگی و هنری این مرز و بوم است که ریشه در اعتقادات مذهبی و باورهای قومی و نیز قوه ابتکار و خلاقیت استادکاران ایرانی دارد.

ب) امکان تأمین قسمت عمده مواد اولیه مصرفی از منابع داخلی؛

ج) همانند و شبیه نبودن این فرآورده های تولید به یکدیگر؛

د) انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به وسیله دست و ابزار و وسایل دستی؛

ه (خود مصرفی بودن بخش عمده تولید و برآورده ساختن نیازهای داخلی؛

ویژگی های صنایع دستی از نظر اقتصادی

۱. سهولت ایجاد مراکز تولید؛
۲. بی نیازی به سرمایه های کلان؛
۳. اشتغال زا بودن این «هنر - صنعت»؛
۴. وجود ارزش افزوده بالا؛
۵. جنبه های کاربردی و تزئینی؛
۶. داشتن زمینه ای مناسب برای جلب جهانگرد و صادرات؛

طبقه بندی صنایع دستی ایران

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| ۱) طراحی سنتی و نگارگری | ۲) سفالگری و سرامیک سازی |
| ۳) بافته های داری | ۴) نساجی سنتی |
| ۵) شیشه گری | ۶) هنرهای مرتبط با فلز |
| ۷) هنرهای مرتبط با چوب | ۸) رنگرزی و چاپ سنتی |
| ۹) صحافی و جلد سازی سنتی | ۱۰) آثار لاکی و روغنی |
| ۱۱) رودوزی ها و بافتنی ها | ۱۲) سنگ تراشی و حکاکی روی سنگ |
| ۱۳) حصیر بافی | ۱۴) فرآورده های پوست و چرم |
| ۱۵) سایر صنایع دستی | |

فصل دوم - دستباف های سنتی

دستباف

آنچه به وسیله دست یا به کمک وسایل ساده بافته می شود، «دستبافت» نامیده می شود.

بافته های دستی

الف (بافته های دستگاهی

ب (بافته های داری

بافته های دستگاهی و بافته های داری



بافته های دستگاهی محصولاتی است که با کمک دستگاه های بافندگی دو وردی، چهار وردی، ژاکارد و نظیر آن ها تولید می شود؛ مانند پارچه های ساده و نقش دار، زری. بافته های داری، دستباف هایی است که با کمک دارهای افقی و عمودی بافته می شود. این محصولات، دو دسته اند: بافته های داری پرز دار، مانند قالی و بافته های داری بدون پرز، مانند گلیم .

دستگاه های بافندگی پارچه

الف) دستگاه های بافندگی ساده باف : که به آن ها دستگاه های «دورد دار» نیز می گویند، برای بافت پارچه هایی با نقوش هندسی و راه راه به کار می رود .

ب) دستگاه های بافندگی دستوری و ژاکارد : برای بافت انواع پارچه با نقوش غیر هندسی استفاده می شود؛ مانند دستگاه های ترمه بافی، زری بافی و مخمل نقش برجسته .

برخی از پارچه های سنتی ایران

الف) شعر	ب) کرباس	پ) زری
ت) ترمه	ث) مخمل	ج) جاجیم

بافته های داری

الف) بافته های داری پرزدار ، مانند انواع قالی ها و گبه؛

ب) بافته های داری بدون پرز ، مانند انواع گلیم؛

قالی

قالی، بافته ای است از هزاران گره کوچک که به مدد سرپنجه های قالبیافان هنرمند بر خامه و نخ، زده می شود تا محصولی ساخته و پرداخته شود که علاوه بر جنبه های مصرفی، هنر را در مقیاس وسیع، مطرح و متجلی سازد.

مصالح و وسایل مورد نیاز در قالبیافی

مصالح : پنبه، پشم، ابریشم

وسایل : دار قالی، قلاب، کاردک، سیخ پودکشی، دفه و دفتین، شانه، قیچی، نقشه قالی

انواع دار

الف) دار افقی

ب) دار عمودی

دار افقی : دستگاهی است بسیار ساده که به موازات زمین، به فاصله ۳۰ سانتی متری نصب می شود و شامل دو قطعه چوب استوانه ای با طول ۱/۵ برابر عرض قالی مورد نظر است که در بالا و پایین قرار می گیرد و سر اضافی آن به وسیله چهار عدد میخ چوبی یا فولادی بزرگ که در زمین کوبیده شده، مهار می گردد .

دار عمودی : که شکل تکامل یافته دارهای ابتدایی است، چارچوب مستطیل شکلی دارد که به طور عمودی بر سطح زمین مستقر می شود. این نوع دار از دو عدد چوب استوانه ای صاف و محکم که به طور موازی یکی در بالا و یکی در پایین قرار دارد و دو عدد چوب دیگر که حالت ستون های دستگاه را دارند (راست روها) تشکیل شده است.

گوه، چوب کوچی و چوب هاف

گوه : قطعه چوب گونیا شکلی است که برای محکم کردن دو طرف زیردار، در شکاف پایین راست روها کوبیده می شود. در موقع شل کردن چله ها و پایین کشی قالی گوه ها را بیرون می آورند .

چوب کوچی : چوبی است استوانه ای شکل به اندازه عرض دار قالی که برای تنظیم و تفکیک نخ های چله و جلوگیری از کجی قالی به کار می برند .

چوب هاف : باریک تر از چوب کوچی است، در بالای آن قرار می گیرد و در زمان پود دادن برای زیر و رو کردن چله ها از آن استفاده می شود .

سیخ پودکشی، دفه و دفتین و شانه

سیخ پودکشی : تسمه فلزی نازک و باریکی است که سر آن حالت قلاب دارد و برای پودکشی در روش بافت ترکی از آن استفاده می شود .

دفه و دفتین : ابزارهایی هستند که برای کوبیدن پود و ریشه های بافته شده از آن ها استفاده می شود. در روش فارسی از نوع سنگین آن که پره های بیشتری دارد استفاده می شود که به آن «دفتین» می گویند. در روش ترکی نیز «دفه» به کار می برند .

شانه : وسیله ای است که برای کرک گیری و جلو کشی ریشه های زده شده در حین بافت به صورت شانه کردن به کار می روند .

طراحی نقشه قالی

طرحی است که به وسیله طراحان و نقشه پردازان روی کاغذ شطرنجی رسم می شود. گاهی نیز از یک قالی بافته شده به عنوان نقشه استفاده می شود. یکی از مهمترین عناصر هنری قالی ایران، طرح های آن است. تنوع و زیبایی این طرح ها شهرت جهانی دارد و حاکی از ذوق، سلیقه، فرهنگ و اعتقادات هنرمندان این مرز و بوم است.

مراکز مهم تولید قالی در ایران

- ۱) قالی با چله ابریشم : در شهرستان های اصفهان، قم، ساوه، مراغه، زنجان و بناب بافته می شود.
- ۲) قالی با چله نخی ظریف : در شهرستان های اصفهان، تبریز، نایین، کرمان، کاشان و بیجار تولید می شود.
- ۳) قالی با چله نخی نسبتاً ظریف : در اراک، چهار محال و بختیاری، مشهد، سبزوار، سیستان و بلوچستان تولید می شود.
- ۴) قالی با چله نخی و پشمی : در میان عشایر ایران، قشقایی ها، بختیاری ها، ایل بویر احمد و ترکمن ها رواج دارد.

گبه

واژه گبه به معنی «زمخت و درشت» نام مشهورترین فرش اصیل درشت بافت عشایری است. بافتن گبه با طرح های ذهنی و ابتکار هندسی و نقشهای حیوانات به ویژه شیر، پلنگ، اسب، گوزن و انسان انجام می شود. پشم مصرفی در بافت گبه خودرنگ است و معمولاً از سه تا چهار رنگ تجاوز نمی کند.

گلیم

در ابتدا به جامه درشت پشمین، گلیم می گفتند ولی در حال حاضر، گلیم، بافته ای است، داری و بدون پرز که با نخ پشمی، پنبه ای یا کنفی، با درگیری تار و پود بافته می شود. به این ترتیب که از نخ پنبه ای به عنوان تار و از نخ پشمی رنگارنگ، به عنوان پود استفاده می شود. در گلیم بافی، نقشه کاربرد چندانی ندارد. گلیم های هر منطقه طرح و رنگ ویژه ای دارد که با توجه به آن از بافته های مناطق دیگر مجزا می شود.

انواع گلیم های ایرانی

(۱) شیوه پودگذاری (۲) شیوه پود پیچی

پودگذاری

در این شیوه، تنها از نخ تار و نخ پود برای بافت گلیم استفاده می کنند. پودهای رنگارنگ را از زیر و روی رشته های تار می گذرانند. با تغییر رنگ های پود است که نقش ها پدیدار می شود و هر دو رویه گلیم، صاف، هموار و همرنگ است.

شیوه پود پیچی

در این شیوه، علاوه بر نخ تار و نخ پود، از پود نازک نیز در بافت گلیم استفاده می شود و در واقع پود به حالت پیچش از میان نخ های تار عبور کرده، سپس با عبور پود نازک و کوبیدن آن با شانه، عمل درگیری نخ های تار و پود قطعی می شود. این شیوه بافت را بسیاری از صاحب نظران، حد واسطی میان گلیم بافی و قالی بافی و در واقع منزلگاه تکامل گلیم بافی به قالی بافی دانسته اند.

قلمکار

از بررسی هنر ایران، از گذشته های دور تا به امروز این نکته برداشت می شود که صنایع دستی در طول تاریخ، با وجود فراز و فرودهای بسیار، جریانی پیوسته داشته است ولی هرگاه مورد حمایت قرار گرفته و از سازماندهی و مدیریت خوب برخوردار بوده است توانمندی خود را بهتر و گسترده تر به نمایش گذاشته است و هنرمندان، آثار ماندگار و ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته اند. بی شک یکی از درخشان ترین این دوره ها، روزگار صفوی و به ویژه به هنگام پایتختی اصفهان در سده های یازدهم و دوازدهم هجری بوده است. در روزگار یاد شده، هنرهای صناعی ایران در اصفهان-قطب صنایع دستی و پایگاه رفیع هنرهای صناعی-توان بالای خود را در زمینه های گوناگون از آبگینه و سفالینه، زیراندازهای سنتی، نساجی و چاپ، کاشیکاری، هنرهای مرتبط با چوب، نگاره های فلزی و... به ثبت رسانده است.

گروه فرهنگ و صنایع دستی بر آن است تا با نوشتارهایی پی در پی، خوانندگان خود را با هنرهای اصفهان آشنا سازد و گامی هرچند کوچک برای نگهداری و گسترش این یادگارهای ارجمند بردارد.

یکی از این هنرها، قلمکارسازی یا چیت سازی بوده که درخشش آن از دوره ی صفویه و در شهر اصفهان آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است.

در تعریف قلمکار آمده است: پارچه ای ساده و مازور شده از کرباس، کتان و غیره که بر آن به وسیله ی قالب و مهر، نقوشی تصویر کرده باشند و آن را به اشکال پرده، سفره، رومیزی و... در آورند. (معین ۱۳۷۱: ۲۷۲۱/۳)

در گذشته ای نه چندان دور، قلمکارسازی به چیت سازی یا چیتگری مشهور بود، به گونه ای که هم اکنون "چیت ساز" نام خاندان بزرگی در اصفهان است که همچنان در عرصه ی هنر قلمکار سازی فعالیت دارند و پارچه های چاپ قلمکار با کیفیت و متنوعی را تولید و عرضه می دارند.

وجه تسمیه

به طور کلی وجه تسمیه ی قلمکار، به علت نوع تولید و نحوه ی منقش کردن پارچه در آغاز پیدایش این هنر بوده است. بدین معنی که در آغاز روی پارچه های پنبه ای و شاید ابریشمی، با قلم، نگاره های مورد نظر را نقاشی می کردند و نقوش مختلفی را پدید می آوردند ولی چون برای این نوع تولید، وقت زیادی صرف می شد و در ضمن، نقوش رسم شده با قلم دارای هماهنگی نبود و باعث یکسان نبودن تولیدات می شد و همچنین قیمت تمام شده را بالا می برد، بنابراین به واسطه ی نیاز به تولید زیاد، قلمکارسازان، انتقال نقوش به وسیله ی قالب های حکاکی و کنده کاری شده بر روی پارچه را تنها راه چاره ی این مشکل دانستند و به طراحی، حکاکی و کنده کاری قالبهای مورد نظر پرداختند. البته پس از یافتن راه حل تازه، به طور کلی نقش زنی به صورت قدیمی متروک نشد، بلکه برخی نگاره ها به وسیله ی قالب و طرح های دیگر با دست نقاشی می شد، ولی به مرور زمان و به دلیل نیاز به سرعت بیشتر در تولید، قلمکارسازی به صورت امروزی یعنی به کار گرفتن قالب برای کلیه ی نگاره ها و نقوش، فراگیر شد. در این روش قلمکارسازی، تنها نقصی که وجود دارد، استفاده از رنگهای انگشت شمار با قالبهای مشخص است در صورتی که در ابتدا که نقش زنی با قلم انجام می شد، این محدودیت در مورد استفاده از رنگ وجود نداشت و تنوع رنگی در تولیدات و خلاقیت هنری بیشتر دیده می شد.

نگاهی به تاریخچه ی قلمکارسازی تا دوره ی صفویه

تاریخچه ی چاپ قلمکار و قلمکارسازی، که یکی از انواع رایج چاپ روی پارچه است، در پرده ی ابهام است. روش های متداول چاپ های سنتی که به طور عمده، چاپ قلمکار، چاپ باتیک و (به گمان برخی از صاحب نظران) چاپ دستی را هم شامل می شود، از گذشته های دور در برخی از نقاط جهان دنبال شده است.

تنی چند از صاحب نظران، سابقه ی منقوش کردن پارچه به شیوه ی باتیک را حدود دو هزار سال پیش می دانند که از کشور اندونزی آغاز شده است و امروزه نیز هنرمندان بسیاری در جزایر زیادی در اندونزی به کار چاپ باتیک می پردازند. کشف بقایای نیم تنه ای پارچه ای در مصر متعلق به ۴۰۰ ق.م، که دارای نقوشی ستاره ای شکل و به رنگ آبی است و نیز کشف قالب های قلمکار در هند، که آن هم به حدود سده ی چهارم پیش از میلاد بر می گردد، همه ی دانسته های ما تا به امروز در مورد پیشینه ی چاپ های سنتی و از جمله چاپ قلمکار در دیگر کشورهای جهان است.

در خصوص تاریخچه ی چاپ پارچه در ایران، بررسی ها و مطالعات زیادی انجام نشده است، ولی به نظر می رسد با ورود پارچه های ساده ی ابریشمی از چین در دوره ی اشکانی، منقوش کردن برخی از پارچه ها در ایران مرسوم شده باشد، اما در دوره ی ساسانی، نقش های چاپی به بهترین شکل برای تزئین بافته های پنبه ای، کتان و ابریشمی به کار گرفته شد. کهن ترین قالب های شناخته شده در ایران، سه قالب تراشیده از سنگ است که همراه آثار سفالی سده های چهارم و پنجم هجری در حفاری های نیشابور به دست آمده است (نگاره ها و پارچه ها، ص ۲۱).

تمامی صاحب نظران و ویژه دانان این رشته، بر این باورند که بدون تردید، قلمکار و قلمکارسازی از دوره ی ایلخانی در ایران مرسوم بوده است. به این شوند (دلیل) که در دوره ی یاد شده، به خاطر پشتیبانی خانان مغول، پارچه های منقوش چینی در بازار ایران، فروش بسیار زیادی پیدا کرده بود و ایرانی ها نیز برای برابری کردن با چینی ها و همچنین برای جلب نظر مغولان، دست به نوآوری هایی زدند که از آن جمله نقاشی روی پارچه با قلم یا قلمکارنقاشی و سپس چاپ قلمکار با قالب و مهر بوده است (هنر و مردم، صص ۴۹-۵۰).

نشانه ها، گواه آن است که قلمکار سازی و چاپ قلمکار در دوره ی تیموریان نیز در شهرهایی از کشورمان همچون بروجرد، شیراز، رشت، نخجوان، سمنان، گناباد، مشهد، دامغان، نجف آباد، یزد، کاشان، اصفهان و همدان بازار گرمی داشته است. می توان گفت که قلمکار سازی که نوعی از چاپ های سنتی بر روی پارچه است، گذشته ی پرفراز و نشیبی داشته است، ولی بی گمان، هنری که امروز آن را به نام قلمکار می شناسیم، در روزگار گذشته، به نام چیت سازی شهره بوده است (مختار تجویدی ۱۳۵۶: ۶۳).

و گسترش و اوج شکوه آن به روزگار صفوی و به ویژه به دوران پایتختی اصفهان بر می گردد که به هنری برگزیده با کاربردهای فراوان، تبدیل شده بود.

نگاهی به قلمکارسازی پس از دوران صفویه

میرزا حسین تحویلدار می نویسد:

در طی دوران صفویه، تمام مغازه های بازار که اغلب دوطبقه بوده است و همچنین سرای شاه و تیمچه های بازار همگی به صنعت قلمکار اختصاص داشته و روزگاری پررونق برای قلمکارسازی سپری شده است (تحویلدار ۱۳۴۲: ۹۴). شوربختانه این هنر مردمی و بومی نیز مانند بیشتر هنرهای دستی ایران، رونق خود را به شوند بی توجهی، نادیده گرفتن سلیقه ی روز و ورود کالاهای مشابه خارجی، کم کم از دست داده است. با همه ی اینها، قلمکارسازی در دوره ی صفویه به چنان رونقی دست یافت که آثار آن در دوره های بعد و حتی تا به امروز تا حدودی باقی است. از بررسی دقیق وضعیت قلمکارسازی از حدود نیمه ی قرن دوازدهم هجری تا به امروز این نکته برداشت می شود که دو عامل مهم، باعث نابودی و یا دست کم از رونق افتادن هنر قلمکارسازی شده است: نخست تقلب برخی از تولیدکنندگان، دوم ورود کالاهای مشابه خارجی.

کاهش رونق قلمکارسازی تا اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی همچنان ادامه یافت تا اینکه در آغاز قرن فعلی، امتیازات ویژه ای برای صنعتگران و به خصوص قلمکارسازان قائل شدند و بار دیگر این هنر تا حدودی رونق گذشته ی خود را به دست آورد و در شهر اصفهان عده ای از استادکاران بزرگ قدیمی، مانند شیخ حریری، مشهدی عبدالخالق، حاج محمدرضا و حاج محمدتقی اخوان چیت ساز، امینها و برادران بیرجندی، شیخ بهایی و تنی چند از افراد صاحب ذوق خارجی به نام های

"براسل" و "مارتین" به کمک استادان ایرانی نامبرده، شرکت های تولید قلمکار و صنایع هنری دیگر را تشکیل دادند و در پی کوشش آنان بار دیگر این صنعت رونق گرفت.

قالب و قالب تراشی

یکی از مراحل مهم قلمکارسازی، تهیه ی قالب هایی است که نگاره ها بر روی آنها کنده شده است. قالب تراشی یکی از هنرهای بدیع و جالب ایرانی است که رونق و رواج آن از دوره ی صفویه بوده است. نمونه های جالب و ارزشمندی از قالب های قدیمی به جای مانده، که هم اکنون تعدادی از آنها در موزه های تبریز، مردم شناسی کاخ گلستان و گنجینه ی هنرهای اسلامی تهران و نمایشگاه دائمی آثار موزه ای صنایع دستی در تهران یافت می شود. ضمناً مجموعه داران و خانواده هایی در شهر اصفهان برخی قالب های ظریف و بی همانند قدیمی را در اختیار دارند.

قالب تراشی، به علت ظرافت های ویژه ی آن کاری است بسیار پر زحمت و همین طور مهم. قالب قلمکار اصولاً پس از مدتی استفاده، به علت آلوده شدن مداوم به رنگ، الیاف و کرک پارچه، گرد و غبار و تحمل ضربات زیاد، حساسیت خود را از دست می دهد و لبه های نقوش، تدریجاً ساییده می شود و در این حالت قابل استفاده نیست و به جای آن، نقش یا قالب جدیدی تولید یا قالب پیشین مرمت می شود.

در حال حاضر، به علت پر زحمت و وقت گیر بودن تراش قالب، معمولاً سعی در ترمیم و اصلاح قالب های قدیمی می شود، چرا که اگر قالبی از بین رود، استاد قالب تراش موظف است یک مجموعه ی پنج تایی یا احتمالاً یک قالب تنها را تولید کند. در صورتی که اصلاح هر قالب از نظر صرف وقت، قابل مقایسه با زمان صرف شده برای تراش و تولید قالب جدید نیست.

انواع چوب مصرفی برای قالب

در پی بررسی های کارشناسی و از دوره ی صفویه به این سو، برای تهیه ی قالب، از چوب درخت گلابی و درخت زالزالک به علت شکل پذیری و دوام نسبتاً زیاد آنها استفاده می شود. چوب زالزالک معمولاً برای قالب های ریز نقش و چوب گلابی برای قالب های درشت نقش استفاده می شود و علت استفاده از این دو نوع چوب به طور عمده، ترک برداشتن کم، سخت و محکم بودن، قابلیت انعطاف و صربه پذیری آنهاست.

یکی از مراحل مهم قلمکارسازی، تهیه ی قالب هایی است که نگاره ها بر روی آنها کنده شده است. قالب تراشی یکی از هنرهای بدیع و جالب ایرانی است که رونق و رواج آن از دوره ی صفویه بوده است.

ساخت قالب

مرحله ی اول: جور کردن چوب قالب؛ برای چوب مصرفی از درخت گلابی یا زالزالک استفاده می کنند و با برشی عرضی که به چوب می دهند، آن را به قطعات کوچکتر تقسیم می کنند. برای مدتی چوب ها را در لای خاک اره و یا در سایه نگهداری می کنند تا به تدریج کاملاً خشک شود.

قالب و قالب تراشی

یکی از مراحل مهم قلمکارسازی، تهیه ی قالب هایی است که نگاره ها بر روی آنها کنده شده است. قالب تراشی یکی از هنرهای بدیع و جالب ایرانی است که رونق و رواج آن از دوره ی صفویه بوده است. نمونه های جالب و ارزشمندی از قالب های قدیمی به جای مانده، که هم اکنون تعدادی از آنها در موزه های تبریز، مردم شناسی کاخ گلستان و گنجینه ی هنرهای اسلامی تهران و نمایشگاه دائمی آثار موزه ای صنایع دستی در تهران یافت می شود. ضمناً مجموعه داران و خانواده هایی در شهر اصفهان برخی قالب های ظریف و بی همانند قدیمی را در اختیار دارند.



قالب تراشی، به علت ظرافت های ویژه ی آن کاری است بسیار پر زحمت و همین طور مهم. قالب قلمکار اصولاً پس از مدتی استفاده، به علت آلوده شدن مداوم به رنگ، الیاف و کرک پارچه، گرد و غبار و تحمل ضربات زیاد، حساسیت خود را از دست می دهد و لبه های نقوش، تدریجاً ساییده می شود و در این حالت قابل استفاده نیست و به جای آن، نقش یا قالب جدیدی تولید یا قالب پیشین مرمت می شود.

در حال حاضر، به علت پر زحمت و وقت گیر بودن تراش قالب، معمولاً سعی در ترمیم و اصلاح قالب های قدیمی می شود، چرا که اگر قالبی از بین رود، استاد قالب تراش موظف است یک مجموعه ی پنج تایی یا احتمالاً یک قالب تنها را تولید کند. در صورتی که اصلاح هر قالب از نظر صرف وقت، قابل مقایسه با زمان صرف شده برای تراش و تولید قالب جدید نیست.

انواع چوب مصرفی برای قالب

در پی بررسی های کارشناسی و از دوره ی صفویه به این سو، برای تهیه ی قالب، از چوب درخت گلابی و درخت زالزالک به علت شکل پذیری و دوام نسبتاً زیاد آنها استفاده می شود. چوب زالزالک معمولاً برای قالب های ریز نقش و چوب گلابی برای قالب های درشت نقش استفاده می شود و علت استفاده از این دو نوع چوب به طور عمده، ترک برداشتن کم، سخت و محکم بودن، قابلیت انعطاف و ضربه پذیری آنهاست.

فصل سوم - سفالگری

تاریخچه هنر سفالگری

تاریخ آثار سفالی به دست آمده از گنج دره تپه و غار کمر بند به حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد می رسد. این سفالها دست ساز بوده و در ساخت آن ها فقط از خاک موجود در طبیعت استفاده شده است.

در مرحله دوم (هزاره پنجم و ششم قبل از میلاد) به سفالهای «چشمه علی»، «تپه زاغه»، «تپه سیلک» و «اسماعیل آباد» برمی خوریم که مانند سفالهای دوره اول خشن، با شکل ها و تزئینات ساده، در اندازه های کوچک و با پخت ناقص ساخته شده اند. در ساخت آن ها برای چسبندگی بهتر گل، از کاه خرد شده یا علف خشک استفاده کرده اند. در دوره بعد به واسطه استفاده «چرخ سفالگری» سفالها، ظرافت بیشتری پیدا کرده اند.

لعابکاری

لعابکاری را «کاسی ها» از بابل که قرن ها در تصرف آن ها بود به ایران آوردند. قدیمی ترین نمونه تزئینات سفالی لعابداری که در ایران به دست آمده به «معبد چغازنبیل» و عهد عیلام میانه منسوب است.

گل رس یا خاک رس اولین ماده مصرفی در ساخت ظروف سفالی

خاک رس در طبیعت

الف) خاک های اولیه : خاک هایی است که در کنار سنگهای مادر رسوب نموده، به وسیله آب یا باد جابه جا نشده، به طور نسبی خالص باقی مانده است.

ب) خاک های ثانویه : خاک هایی است که بر اثر عوامل طبیعی مانند باد و باران و جریان های موقت یا دائمی رودخانه ها از محل اولیه منتقل و در این جابجایی با مواد آلی و اکسیدهای مختلف مخلوط شده است. این نوع خاکها در مقایسه با خاکهای اولیه خلوص کمتری دارند اما از چسبندگی بیشتری برخوردار است.

ابزار و وسایل تولید سفال

سنگ خرد کن : برای تبدیل قطعه های سنگ بزرگ به خرده سنگ استفاده می شود.

آسیاب : برای پودر کردن مواد معدنی به کار می رود.

الک : برای دانه بندی، تمیز کردن و جداسازی مواد از یکدیگر از الک استفاده می کنند.

مخلوط کن : به هم زدن دوغابهای سرامیکی و ورز دادن خمیر سرامیک با مخلوط کن انجام می گیرد.

خشک کن : برای خشک کردن دوغاب بدنه های خام قبل از پخت، آن ها را در خشک کن قرار می دهند.

کوره : بدنه های خام و لعابدار را در کوره می پزند.

چرخ سفالگری : برای ساخت ظرفهای سفالی از چرخ سفالگری استفاده می شود.

ابزار کوچک چرخکاری: وسایلی است که برای شکل دادن ظرفهای سفالی، هنگام چرخ کاری به کار می رود.

روشهای تولید سفال

الف) روش دست ساخت

ب) روش ساخت ظروف با چرخ سفالگری

پ) روش ساخت دوغابی

روش دست ساخت

این روش بیشتر حالت حجمی دارد و مانند مجسمه سازی در آن عمل می شود. روشهای تولید دستی به گونه های زیر قابل اجراست :

الف (فشاری) : در این روش ابتدا مقداری گل را به صورت گلوله ای در آورده، سپس با انگشت شست، سوراخی در وسط آن ایجاد می کنند. با گردش انگشت شست در سوراخ، دهانه ظرف را باز نموده، سپس با کمک سایر انگشتان، شکل دلخواه را به وجود می آورند .

ب (مارپیچ یا فتیله ای) : پس از ورز دادن گل و پهن کردن آن به وسیله وردنه یا دست، آن را گلوله نموده، به صورت فتیله در می آورند. سپس نوارهای گل را به شکل دلخواه روی هم قرار داده، با لیسه صاف می کنند تا شکل مورد نظر به دست آید .

روش ساخت ظروف با چرخ سفالگری

در ساخت ظروف با چرخ سفالگری دو نوع چرخ به کار می رود :

الف (چرخ سفالگری کُند) : ساده ترین شکل آن دو صفحه چوبی است که زیر صفحه بالایی حالت مقعر دارد، به طوری که صفحه زیرین، ثابت است و صفحه رویی می چرخد و گل را شکل می دهد .

ب (چرخ سفالگری تند) : با استفاده از این چرخ، سفالگر به کمک پا، صفحه زیرین یا طبق چرخ را به گردش در آورده، با دو دست گل را در صفحه رویی شکل می دهد. این روش در سفالگری بیشترین تولید را به خود اختصاص داده است .

روش ساخت دوغابی

در شکل دادن فرآورده های سرامیکی از ابزاری به نام قالب استفاده می شود. نکته اساسی، تفاوت جنس قالب و خاصیت فیزیکی بدنه مورد استفاده است .

کار پرداخت در سفالگری

سفالگرانی که با چرخ، کار می کنند، یک روز پس از ساخت ظروف، کار «پرداخت» را به ویژه برای قسمت های بیرونی ته ظرف با ابزار روی چرخ انجام می دهند. پرداخت کردن ظروف به سفالگر، این امکان را می دهد که قسمت های اضافی و زیادی بدنه را تراشیده، علاوه بر یکنواختی در ضخامت بدنه، برای ظرف پایه کف حلقوی ایجاد کند .

انواع تزئین بدنه های سرامیکی

۱ (تزئین روی بدنه خام

۲) تزئین با رنگ و لعاب

تزئین روی بدنه خام

الف) نقش بریده یا مشبک : بریدن نقش به وسیله ابزار برنده و نیز از روی بدنه خام را «نقش بریده» می نامند .

- ب) نقش کنده یا حکاکی : کندن نقش بر روی سطح بدنه خام را «نقش کنده» می نامند .
- ج) نقش افزوده یا برجسته کاری : افزودن نقش بر روی بدنه خام را «نقش افزوده» می نامند .

تزئین با رنگ و لعاب

تزئینات نهایی روی بدنه های سرامیکی با اکسیدهای رنگی انجام می شود. تزئین به وسیله لعابهای رنگی، چهار گونه است :

الف) سفالینه های یک رنگ : از متداول ترین ظروفی است که ساخت آن تقریباً از ابتدای هزاره اول قبل از میلاد مورد توجه قرار گرفته است. در دوره اسلامی پوشش ظروف با لعاب یکرنگ ادامه پیدا کرده و رنگ های لاجوردی، آبی، سبز، زرد، قهوه ای و بیشتر از همه لعاب فیروزه ای دیده می شود .

ب) تزئین زیر لعاب: در این نوع تزئین معمولاً نقاشی، کنده کاری یا نقش برجسته در زیر لعاب دیده می شود .

پ) نقاشی هفت رنگ : سفالگران دوره سلجوقی پس از موفقیت در ساخت ظرفهای مختلف به نوعی سفالینه که بین هنرمندان اسلامی به «نقاشی رو لعاب» یا «هفت رنگ» معروف است، دست یافتند. امروزه از این روش در ساخت ظروف و به ویژه کاشی در ابعاد وسیع استفاده می شود .

ت) کاشی لعاب پران : بر روی سر در مسجد نطنز نوار کتیبه ای با زمینه نخودی و حرف فیروزه ای مشاهده می شود. این کتیبه که ساخت آن به شیوه «لعاب پران» مشهور است، استفاده زیادی در تزئینات ظریف کاشی کاری دارد .

کوره های سفالی

۱) کوره های ابتدایی: اجاق و اتاق آن ها از هم جدا نیست؛ یعنی مواد سوختی هم در همان محلی قرار دارد که سفالها برای پختن، چیده می شود. کنترل ما در این کوره ها مشکل، اتلاف حرارت زیاد، ضایعات کوره نیز زیاد و غیر قابل پیش بینی است.

۲) کوره های پیشرفته: اجاق و اتاق کوره از یکدیگر جداست. این کوره ها چه در داخل زمین و چه در روی آن ساخته شوند، حرارت آن ها قابل کنترل و ضایعات آن ها قابل پیش بینی است.

عوامل مؤثر در پخت سفال

خروج یا تبخیر آب فیزیکی و شیمیایی مواد، سوخت مواد آلی، تکمیل سوخت بدنه، واکنشهای شیمیایی، تغییرات حجمی فشار کوره.

فصل چهارم - مصنوعات چوبی

چوب ماده ای است، آسیب پذیر که شرایط مختلف جَوّی، محیطی و گذشت زمان، بر روی آن تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته، آن را فرسوده و به تدریج نابوده می کند. بنابراین تاریخ و زمان مشخصی در مورد استفاده انسان از این ماده در دست نیست.

داریوش در فرمان بنیاد شهر شوش می گوید: «تخته و چوب یکا از گاندرا و کرمانیا آورده شد». واژه (یکا) در زبان فارسی همان درخت جگ است که چوبی قهوه ای رنگ و سخت دارد. از این نقش برجسته قصر آپادانا در دوره هخامنشی آشکار

می شود که چوب را برای استفاده کاربردی و تزئینی در دوران مادها نیز به کار می گرفتند. در قسمتی از این نقش برجسته، یک درباری ماد در حال حمل یک صندلی چوبی مشاهده می شود که مربوط به سده پنجم پیش از میلاد است. در زمان ساسانیان استفاده از چوب در ساختمان رواج بسیار داشته است. به ویژه استفاده از کلافهای چوبی در میان دیوارها به منظور استحکام بخشیدن رایج بوده است.

منبت کاری

واژه منبت از نبات به معنی گیاه، گرفته شده است و در اصطلاح به نقش برجسته و کنده کاری روی چوب گفته می شود.

ابزار و وسایل مورد نیاز در منبت کاری

الف (مغار

ب (چکش چوبی

پ (دیگر وسایل و ابزارها

انواع مغار

مغار: تیغه ای است فولادی با دسته چوبی یا پلاستیک فشرده که در مقابل ضربه، مقاوم است. مغارها به چهار گروه تقسیم می شوند:

۱. مغارهای تخت : که تیغه ای تخت با لبه برش صاف دارد و برای دوربری خطوط و کنده کاری زمینه منبت استفاده می شوند.

۲. مغارهای نیم واز : که دارای تیغه ای ناودانی شکل با لبه برش هلالی است و برای دوربری قسمتهای منحنی شکل و ساخت و ساز استفاده می شود.

۳. مغارهای لگویی : با تیغه ای ناودانی شکل و لبه برش نیم دایره است و از آن برای دوربری قسمتهای دایره ای شکل و ساخت و ساز نقوش استفاده می شود.

۴. مغار شفره : با تیغه ای ناودانی با لبه برش به شکل هفت است و از آن برای شیار زدن و دوربری اولیه نقوش استفاده می شود.

چکش چوبی

چکش چوبی وسیله ای است که از یک دسته و یک سر چوبی درست شده و منبت کاران برای ضربه زدن به سردسته مغار از آن استفاده می کنند.

مراحل تولید منبت

۱. انتخاب و آماده نمودن طرح و قطعه چوب مناسب برای منبت کاری؛

۲. انتقال طرح روی چوب : که از طریق چسباندن طرح روی چوب، طراحی مستقیم، کپی کردن طرح، گرده کردن طرح روی چوب مورد نظر انجام می گیرد.

۳. دوربری : برای شکل گیری نقش مثبت، ابتدا دوربری و سپس زمینه اطراف نقوش را کنده کاری می کنند.

۴. کنده کاری : با استفاده از مغار تخت، ابتدا چوب اضافی کناره های زمینه کار و در نهایت چوب اضافی بخشهای میانی زمینه را برمی دارند.

۵. ساخت و ساز و روسازی : پس از تراشیدن زمینه کار، با مغار مناسب، ساخت و ساز را شروع می کنند.

معرق چوب

معرق چوب تلفیق و ترکیبی است از انواع چوبهای خودرنگ، مواد و مصالحی مانند استخوان، صدف، روی، مس، عاج، خاتم و غیره که در روی سطح چوبی، نقشی را به وجود می آورد.

مواد و مصالحی در ساخت معرق چوب

مواد و مصالحی که در ساخت معرق چوب به کار می رود، به دو گروه چوبی و غیر چوبی تقسیم می شوند:

۱. مواد و مصالح چوبی : در معرق چوب از انواع چوب خودرنگ مانند گردو، چنار، عنب، نارنج، سنج، زبان گنجشک، راش، گلابی، فوفل و بسیاری از چوبهای دیگر، بنا به طرح مورد نظر و سلیقه معرق کار انتخاب و استفاده می شود.

۲. مواد و مصالح غیر چوبی : هنرمند معرق کار، بنا به ذوق و سلیقه خود و طرح کار می تواند از مصالح دیگری مانند عاج، استخوان، صدف، فیبرهای مصنوعی، خاتم، مس و برنج استفاده کند.

ابزار و وسایل مورد نیاز در ساخت معرق چوب

۱. میز کار : که باید متناسب با قد معرق کار باشد.

۲. تخته پیشکار : تخته ای کوچک و معمولاً نئوپان یا هفت لایی است که در جلوی آن شکافی به شکل هفت وجود دارد.

۳. کمان اره : که اره مویی بر روی آن بسته می شود.

۴. اره مویی : تیغه ای برنده و بسیار ظریف است که اندازه های مختلفی دارد.

۵. در معرق کاری ابزار و وسایل دیگری مانند چوبسای، چکش، میخ سایه، میخ کش، تیزک و رنده به کار می رود.

حصیر بافی

حصیر به طور عمده با دو روش «مارپیچ» و «درهم بافته یا مشبک» بافته می شود.

روش حصیر بافی مارپیچ

این روش از دو عنصر تشکیل شده است: پایه و باریکه یا نواری که برای دوختن آن به کار می رود. «پایه» قطعه ای طویل و انعطاف پذیر و معمولاً با مقطع دایره یا بیضی است که از دسته ای علف، پوست درخت، چندین ترکه یا ترکیبی از آن ها تشکیل می شود. برای بافتن سبد پس از مارپیچ کردن پایه به دور خود، آن را با نواری از جنس علف یا تراشه محکم می

کنند. در صورت مرکب بودن پایه، آن را به هم می بندند و هر مارپیچ را به دیگری متصل می کنند. روش مارپیچ مناسب ساختن بسیاری از شکل‌های مدور است.

روش درهم بافته یا مشبک

نوع ساده این بافت از به هم بافتن دو گروه نوار از ماده مصرفی به وجود می آید که معمولاً به شیوه تار و پود عمود بر یکدیگر قرار می گیرند. اما گاهی ممکن است از زاویه قائمه خارج شوند. تارها از نظر ضخامت و انعطاف با پودها یکسانند، اما رنگ آن‌ها می تواند متفاوت باشد. در این روش، تنوع کمی وجود دارد که در میزان ظرافت تولیدات آن به چشم می خورد. این روش در تهیه ظروف و زیراندازها به کار می رود.

گره چینی

یکی از بزرگترین خدمات سرزمین ایران به تمدن دنیا ارائه فرهنگ، هنر و صنعت بوده است. تاریخ هنر و تمدن افتخارآمیز این کشور از ادوار پیش از تاریخ آغاز گشته و پس از هزاران سال به ما رسیده است. صنایع مترطفه و ارائه آثار ارزشمند هنری تنها به منظور ارائه زیبایی بوده نه استفاده مادی. مراد از ایجاد هنر و آثار هنری توسط ایرانیان رفع احتیاج روزانه عمومی نبوده بلکه برای عشق به زیبایی و ایجاد چیزهاییست که انسان از تماشای آن شاداب شده و لذت روحی می برد و ما میل داریم مردم این سرزمین بدین هنرها ترغیب شده و آثار گرانبهائی از خود به یادگار باقی گذارند. معماری، تزیین، تذهیب، نقاشی، مجسمه سازی و دیگر هنرها از صنایع ظریفه و آثار هنری به شمار می رود. هنرهای ظریف گوناگون که توسط هنرمندان ایرانی در بناهای تاریخی فراوان و متنوع دورانهای قدیمی و تاریخی مختلف قبل از اسلام و بعد از آن بکار رفته و روشنی بخش دیده و دل دوستداران و شیفتگان این گونه پدیده های ذوق و قریحه گذشتگان این سرزمین هنر آفرین است.

عشق به زیبایی در تمام ادوار موضوع اصلی هنرهای سنتی و تاریخی ایران بوده است. زیبایی و جمال طبیعت نگرش به طرحها و نقشه هائی که می توان آنرا به وسیله هنرهای سنتی نمایاند، تبدیل شده است. قدردانی و علاقه به هنرهای عالی زندگی، علامت ترقی و فرهنگ جامعه است. فرهنگ و تمدن حقیقی بسته به منش و سیرت نیکوست و ایمان به خدا و محبت و خدمت به بشر تنها راه اساسی منش و سیرت پسندیده و سفارش پیامبران الهی است. علما و دانشمندان و عارفان دوران گذشته کمال مطلوب زندگانی عالی را در سه چیز دانسته اند: نیکی - راستی و زیبایی.

هنر یکی از عوامل بیان زیبایی است و بنابراین از عناصر اصلی زندگی عالی و تمدن است. راستی و نیکی عوامل اصلی در رسانیدن انسان به زندگانی عالی می باشد. حس زیبایی قدردانی جمال و ذوق و سلیقه در تبدیل آن به شاهکارهای هنری باید با راستی و نیک پنداری توأم باشد. این عناصر پایه های اصلی زیبایی می باشد تا تشکیل تمدن و تاریخی را دهند که قابل دوام و بقاء باشد.

یکی از عناصر دائمی مورد استفاده در ساختمان و معماری ایران چوب بوده است. تنوع آن باعث شد که در پوشش پشت بامها تا قابهای تزیینی پنجره ها و ساخت اشیاء فلزی چوب مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از زیباترین و دلپذیرترین شاهکارهای هنری در رشته های نماسازی - رویه کاری اعم از سنگی، آجر، کاشیکاری، آئینه کاری و گچ بری طرحهای گوناگونی است که به نام گره سازی، گره کاری و یا گره جینی خوانده می شود. اینگونه طرحها شامل اشکال هندسی گوناگون از جمله مثلث، مربع، لوزی و چند ضلعی های متنوع و گوناگون و ستاره های ۴ و ۸ پر و دیگر

طرح‌های ستاره ای شکل و نظیر اینگونه ترسیمات است. کیفیت قرار گرفتن ماه و ستارگان و فواصل و ارتباط آنها می‌رساند که خلاقان و تنظیم کنندگان نقش‌های زیبا و حیرت انگیز از دنیائی که در آن زندگی می‌کرده اند الهام گرفته و احساس و اندیشه خود را به صورت نقوش زیبا و به صورت اشکال منظم هندسی دیگر (گل و مرغ) ارائه داده اند. طرز طراحی و رسم و پیاده کردن این نقوش زیبا و دل انگیز با مقیاس‌های مختلف که به صورت مسطح، مدور برجسته روی در و پنجره کاشیکاری گچ بری- آئینه کاری و دیگر آثار هنری با ابزارهای اولیه مانند پرگار- گونیا- خط کش- شمشه- تراز- شاغول و غیره بر در و دیوار آثار باستانی از جمله مساجد- مقابر- مناره ها و غیره، دیده هربیننده را خیره می‌کند که در تمامی آنها قطعات سنگ- آجر- کاشی- یا آئینه و غیره رابه یکی از صورتهای گفته شده می‌تراشند.

استفاده از هنر چه در حالت مشبک و چه در حالت آلت و لقط از دوران خلفای عباسی شروع شده و در قرن ۸ تا ۸ هجری قمری در سوریه و مصر متداول شده و از همان زمان به ایران رسیده است.

از سده ۴ هجری قمری به بعد در بناهای اسلامی ضمن روسازی درون و برون ساختمانها از جمله مساجد- گنبد ها- مناره ها و غیره بکار رفته که زیبایی خاصی به آنها بخشیده و نشانی از وحدانیت باری تعالی را بیان می‌دارد. این هنر در صنعت چوب به صورت ساده قطعات چوب به صورت زیبا با یکدیگر تلفیق شده و در ۳ نوع خاص خود هنرنمایی می‌کند.

۱- گره چینی توخالی یا مشبک که بیشتر در دهلیزها- دالانها- هشتی ها- پنجره های کوچک در نزدیکی سقفها و بخصوص در بادگیرها جهت جریان هوا به کار می‌رود و در نرده سازی و طارمی برای مقابر و حسینیه ها از آن استفاده می‌شود.

۲- گره چینی هائی که در درون ساختمانها از جمله سرسراها، اطاقها، مهمانخانه ها و کاخها استفاده می‌شود و قسمتهای مشبک را باشیشه های رنگی می‌پوشاند و نمائی زیبا و فریبنده جهت آرامش جسم و جان ساکنان در آن مکانها به وجود می‌آورند که نمونه های زیبای آن در خانه های قدیمی کاشان، اصفهان، یزد و نائین خود نمائی می‌کند.

۳- گره چینی هائی که در قسمتهای ورودی مساجد- مقابر- تکایا و حسینیه ها به کار می‌رود و از استحکام و پایداری بیشتری برخوردارند و به نام آلت و لقط مشهورند بطوریکه قسمتهای مشبک توخالی را با قطعات نازک چوب به صورت های بسیار زیبا و ماهرانه به جای شیشه پوشاند و در ساختن مقابر هم از آن استفاده می‌شود.

اوج و شکوفائی این هنر در زمان صفویان و قاجاریه در حد اعلای ریزه کاری و ظرافت این هنر در پنجره ها و درهای ارسی خودنمایی می‌کند که این کار به صورت یک چشمه هنر منحصر بفرد آن زمان جلوه یافته و ظریف ترین این هنر در خاتم سازی در قابهای عکس - میزهای تحریر و انواع اشیای تزئینی دیگر به یادگار مانده است.

از استادان بی بدیل این هنر می‌توان مرحوم استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان (آثار عتبات عالیات و درها و پنجره های مهمانسرای عباسی) مرحوم استاد مهدی عشاقی، استاد دعلی عباس عشاقی، مهدی اولیائی و استاد علی مظاهری را نام برد.

گره : پیچیدگی و به هم پیوستگی درنخ ریسمان- بند و پیوند گری گفته می‌شود (فرهنگ عمید)

لقط : از زمین برداشتن و برچیدن چیزهای ریز و کوچک است (فرهنگ عمید)

سرچشمه های این نوشتار:

- تاریخ صنایع ایران ترجمه عبدالله فریار

- هنر گره سازی و گره چینی در معماری و درودگری- جواد شفائی

گره سازی

هنر گره سازی یا گره کاری در کار درودگری از قرن ۵ه.ق، در بناهای گوناگون مذهبی و کاخها و سراهای بزرگ به چشم می خورد.

این هنر زیبا و در حال فراموشی از قطعه های درهم قفل شده چوب که «آلت» نامیده می شود، به وجود می آید. قطعه ای که در برخی طرحها که ذکر آن خواهد آمد مورد استفاده قرار می گیرد، قطعه ای است موسوم به «لقط»، که در بین آلتها قرار می گیرد. گره چینی به سه شیوه انجام می شود: ۱- در حالتی که نور و هوا از بین آلتها عبور کند، که «گره چینی مشبک» نامیده می شود. ۲- در حالتی که در بین آلتها از شیشه رنگی استفاده شود، «گره چینی شیشه دار» نامیده می شود. ۳- اگر آلتها با لقط همراه شود، «گره چینی توپر» نامیده می شود.

طرحهایی که دارای نقوش اسلیمی و منحنی هستند، در اصطلاح «قواره بری» و طرحهای هندسی «گره چینی» نامیده می شوند.



چوب مورد استفاده: چوب درخت چنار پرمصرف ترین چوب برای گره چینی است. چوب چنار، چوبی است نیمه سنگین، نیمه سخت، راست تار و خوش کار. زود خشک می شود ولی تاب بر می دارد. کار با آن با همه ابزار آسان است. قابلیت جذب لاک الکل دارد و به خوبی پرداخت می شود. قابلیت تورق و تراش زنی آن بالاست. چوب چنار از مناسبترین چوبها برای خراطی، معرق کاری، روکش، ساخت پایه صندلی لهستانی و به خصوص گره چینی است. (به علت قیمت پایین تر و مقاومت بیشتر در برابر حشرات موزی).

روش کار: ۱- تعیین اندازه کار، ۲- طراحی و رسم گره، ۳- الگو برداری (برای طرحهای اسلیمی از فیبر یا تخته سه لا استفاده می شود. ۴- ساخت چارچوب، ۵- برش چوب آلتها، ۶- وا گرفتن قالب روی آلتها: به مقدار مورد نیاز چوبهای واگیره از قالبهای آماده شده تهیه می گردد. ۷- نشان کردن آلتها، ۸- ابزار زنی آلتها، ۹- ساخت اتصال آلتها (فاق و زبانه کردن)، ۱۰- چیدن آلتها.

زیباترین نمونه های این هنر را در «کاخ چهلستون» و «مسجد سید» اصفهان و نمونه های قواره بری را در ارسیه های خانه های قدیمی میتوان دید.

گره سازی به تزئیناتی گفته می شود که به صورت هندسی و با قواعد مشخص رسم می شود و در بسیاری از مکانها می توان از آن استفاده کرد. در سردرها، کتیبه ها، درو پنجره ها، طاقها و غیره. گره را با آجر، کاشی، گچ، آئینه و غیره می توان ساخت. گره سازی انواع و زمینه های گوناگون دارد، چنانچه گفته شده است که هفتاد و دو بطن دارد و از درون یکدیگر توانایی زایش و به وجود آمدن گره های نو را دارد.

گره بسیار پُر دامنه است و به شطرنج معماران معروف گشته است. آنچه در گره باید مورد توجه قرار گیرد آن است که اولاً آلت خارج نداشته باشد (یعنی در طراحی گره آلت ها منحصر به آلات گره باشند) دیگر آنکه چنانچه طرح گره را در کنار آن تکرار کنیم آلت های گره یکدیگر را کامل کنند و زمینه بزرگتری ایجاد نمایند.

گره ها معمولاً شامل گره کند، گره تند، گره شل، گره کند و شل و گره تند و شل می باشند. گره دارای خاصیت تکثیر در درون خود است، یعنی همان طرح را در درون به گره تند تبدیل نمود و سپس این گره را مجدداً کند کرد و این عمل را به همین نحو ادامه داد (گره در گره، شاه گره).

آلتهای گره

گره سازی در چوب

گره سازی در چوب به دوشیوه مثبت کاری و مشبک کاری معمول است. از گره های معمول در معماری، در مثبت کاری نیز استفاده می شود، ولی انواع گره های معمول در مشبک کاری اصول و ضوابط خاص خود را دارد و با انواع گره های بنایی متفاوت است. به همین جهت این گروه گره ها به گره های درودگران موسوم است.

ترسیم زمینه گره های درودگران مانند سایر زمینه های گره با ربع یا $\frac{1}{2}$ زمینه یا یک زمینه کامل آغاز می شود و از تکرار آنها یک کادر گره در ابعاد بزرگ بوجود می آید. نحوه اجرا و ساخت گره چوب به نوع گره مورد نظر بستگی کامل دارد. مثلاً در برخی از انواع گره، کلاف کشی در چارچوب پنجره به صورت مربع و در بعضی به شکل لوز یا مثلث بندی انجام می شود و قطعات آلات چوبی در کلافهای مذکور جاسازی می شوند.



روشهای اتصال آلات به کلافها

الف - اتصال به وسیله مادگی یا ساختن فاق در کلاف و زبانه در آلت

ب- اتصالات کوم

ج- اتصالات بوسیلهٔ نیمانیم

گره چینی

از زمانهای گذشته تا به امروز چوب یکی از عناصر دائمی مورد استفاده در معماری ایران بوده است. موقعیت ویژه ای که چوب به عنوان یکی از مصالح ساختمانی دارد تنوع انواع آن باعث شد تا از این عنصر استفاده های بسیاری بشود و از پوشش پشت بامها گرفته تا قاب های تزئینی پنجره ها و ساخت اشیاء فلزی، چوب مورد استفاده قرار گیرد.

هنرمندان با ذوق و خلاق ایرانی در جهت زیباتر شدن بناها و ساختمانها توانسته اند آثاری خلق کنند که هر کدام به عنوان هنری مجزا مورد توجه قرار گیرند. که منبت، خاتم، معرق، گره چینی و مشبک و ... از آنجمله هستند. از سابقه "گره چینی و مشبک" در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست.

برخی پژوهشگران احتمال داده اند استفاده از این هنر چه در حالت مشبک و چه در حالت آلت و لغت از دوران خلفاء عباسی شروع شده و در قرن ۶ تا ۸ هجری قمری در مصر و سوریه متداول شده است و از همان زمان به ایران رسیده است. از این سبک کار معمولاً در ساخت درهای اماکن مقدسه، مقابر، منابر، و از مشبک در پنجره های منازل و کاخها، نرده ها استفاده می شده است. از دوران صفویه به بعد تعبیه شیشه های رنگی در چوب های مشبک رایج شده و اصطلاحاً به "ارسی" مشهور گردید.



از استادان بی بدیل این هنر مرحوم استاد غلامرضا آقا ابراهیمیان است که آثار باارزشی از او در مقرنس کاری، قطار بندی، رسمی بندی، مشبک و گره چینی در عتبات عالیات و بناهای تاریخی اصفهان موجود است. کلیه درها و پنجره های هتل عباسی نیز از آثار این هنرمند است.

در حال حاضر سازمان میراث فرهنگی علاوه بر تأسیس کارگاههای مرمت گره چینی و مشبک اقدام به برگزاری دوره های کوتاه آموزش این هنر برای علاقمندان کرده است.

از دیگر استادان این هنر اصیل و قدیمی می توان به مرحوم استاد مهدی عشاقی، استاد علی عباس عشاقی، استاد مهدی اولیائی و استاد علی مظاهری اشاره کرد.

خاتم

یکی از گونه های زیبا و هنرمندانه صنایع دستی در اصفهان خاتم سازی است. این هنر بی بدیل و کم نظیر در واقع هنر آرایش سطح اشیاء چوبی به صورتی شبیه به موزائیک با مثلث های کوچک است. خاتم ترکیبی است از چند ضلعی های منظم با تعداد اضلاع متفاوت که با استفاده از مواد اولیه گوناگون در رنگ های مختلف تشکیل می شود.

خاتم کاری

عبارت است از کنده کاری یک طرح به وسیله اجزا چوبی و مواد دیگری که بعداً بر زمینه چوبی نصب می گردد در لغت نامه دهخدا خاتم ساز چنین معنی شده است : « آنکه پاره های استخوان را در چوب با نقش و نگار بنشانند. خاتم سازی عمل خاتم ساز را گویند.» در دایره المعارف فارسی درباره خاتم کاری و خاتم سازی آمده است: « هنر آراستن سطح اشیاء به صورتی شبیه موزائیک، با مثلث های کوچک. طرح های گوناگون خاتم همواره به صورت اشکال منظم هندسی بوده است. این اشکال هندسی را با قراردادن مثلث های کوچک در کنار هم نقش بندی می کنند. مثلث ها را از چوب های گوناگون مانند چوب فوفل، آبنوس، نارنج و عناب، استخوانهای مختلف مانند استخوان شتر، گاو، اسب و همچنین عاج، صدف و مفتول های مسی و برنجی و در برخی موارد طلا و نقره برای ساختن خاتم، مواد اولیه را به صورت منشورهائی به ابعاد حدود ۱ تا ۲ میلیمتر رنگ آمیزی کرده و با پهلوی هم چیدن آنها طرح های مختلف می سازند. هرچه مثلث ها ریزتر و ظریفتر باشند، خاتم مرغوب تر است. در یک طرح خاتم، برای ساختن کوچک ترین واحد هندسی، حداقل سه مثلث و برای بزرگ ترین آن، حداکثر چهارصد مثلث به کار می رود.»



تاریخچه ی خاتم و خاتم کاری

این هنر از زمانهای دور در خاور نزدیک شناخته شده است . هنر خاتم کاری نوع مخصوصی از هنر دستی است که قدمت زیادی ندارد. قدیمی ترین نمونه آن در اروپا تقریباً همزمان با قدیمی ترین نوع آن در ایران است . در ایتالیا نوع خاصی از این هنر دستی به صورت قطعات استخوان، عاج، چوب که گاه رنگ می شده و گاه بدون رنگ به کار می رفته و بر روی هم طرحی را تشکیل می داده است که قدمت آن به سده هشتم هجری قمری (۱۴ م) می رسد. گویا هنر خاتم سازی به شیوه امروزی قبل از صفویه و در عهد استیلای ایلخانان مغول بر ایران و ایجاد رابطه مستقیم بین ایران و چین از مملکت چین به

ایران آمده ولی در خود ایران هم پیش از ظهور اسلام به گونه ای خاتم سازی رواج داشته است. مهمترین مرکز خاتم سازی جهان امروز، ایران است. هر چند در کشورهای هندوستان، سوریه، عراق و فلسطین نیز هنر خاتم کاری وجود دارد، اما به قدمت و ظرافتی که در ایران انجام می شود نیست، در حقیقت این هنر ویژه ایران است. خاتم های ایران در نمایشگاههای جهانی و بین المللی، همواره در رده اول و ممتاز بوده است.

مواد و مصالح خاتم سازی

چوب

انواع چوب: چوب فوفل، آبنوس، عناب، شاه چوب، آزاد، بقم، نارنج، چوب شمشاد، توسکا، کبوده، راش، گردو، بقم، عناب، نارنج و بعضی چوب های رنگ شده فلز مفتول های طلایی یا نقره ای، مس، برنج، آلومینیوم.

استخوان

استخوان ساق پا و دست شتر یا اسب، عاج فیل، استخوان اسب، استخوان مصنوعی

چسب

چسب چوب، سریشم وسایل و ابزار خاتم سازی وسایل و ابزار مورد نیاز عبارتند از: انواع رنده، تنگ، پرگار، خط کش و گونیا، چکش، گازانبر، پرس، دریل و مته، اره فلکه ی، دستگاه کاس زنی، انواع سوهان، دینام (ساب)، تیغ اره، لیسه، مقار و... مراحل تولید خاتم مراحل خاتم سازی عبارتست از: ۱- مثلی کردن چوبها ۲- پیچیدن خاتم ۳- توگلویی ۴- خاتم چسبانی ۵- روغنکاری

ابتدا انواع چوبها و استخوانها را در رنگهای مختلف تهیه کرده و با ابزار مخصوص خود به طول ۳۰ سانتیمتر و قطر ۱ تا ۲/۵ میلی متر می برند و از آنها مثلثهایی تهیه می شود که پس از سوهان کاری تمام اضلاع آن به حالت دلخواه و مطابق با طرح درآمده و برای تکمیل طرح نیاز به مفتولهای سیمی به صورت مثلث بوده که برای آماده سازی آنها نیز مراحل مختلفی طی می شود سپس برای درست کردن خاتم ابتدا طرح اشکالی که مورد نظر است را به وسیله استادکار کشیده و این مثلثها ی چوبی، استخوانی و فلزی با دستان بامهارت و استادانه هنرمند در کنار هم به وسیله سریشم قرار داده و چسبانده می شوند و به وسیله نخ محکم می گردند که از این کار اصطلاحاً «پره» درست می شود، بعد از چند ساعت نخها باز شده و اضلاع طرح سوهان کاری شده و چهار عدد از پره های ساخته شده را در کنار هم قرار می دهند و مجدداً با چسب به هم چسبانده می شوند که حاصل آن «توگلو» به دست می آید. مرحله بعدی که به «گل پیچی» مشهور است، به وسیله سیم مفتولی گردی که آنرا به صورت شش ضلعی منظم آماده می شود و به آن «شمسه» می گویند در اطراف هر ضلع شش سیم به وسیله سریشم چسبانده می شود و با نخ محکم می شود و حاصل آن طرح ستاره ای است، این طرحها آنقدر تکرار می شوند تا بر اساس طرح مورد نیاز درآمده و سپس در زیر فشار و پرس قرار گرفته که آن را اصطلاحاً «قامه» می گویند.

این قامه را به وسیله اره فلکه ی که تیغ مخصوص برش دارد به لایه ۱ تا ۲ میلی متری که اصطلاحاً به آن «لنگه» می گویند برش داده می شود. و با چند مرحله برش کاری و چسبانده لایه های بسیار نازک چوب در اطراف آن طرح اولیه یک خاتم به وجود می آید که تمامی این مراحل از ابتدا تا بدین جا بیش از ۴۰۰ مرحله کاری را شامل می شود. خاتمها بر اساس طرح

رنگ، شکل و ابعاد محل مورد استفاده بر روی سطح کار بوسیله چسب مخصوص چسبانده شده و با ایجاد طرح‌های گوناگون و قرینه‌سازی تمامی سطح طرح به وسیله خاتم مزین می‌گردد که پس از برخی ترمیم‌ها، سوهان، سمباده و بتونه کاری و نهایتاً ساییدن و صاف کردن سطح خاتم، کار برای روغن کاری و جلابخشی به وسیله مواد مخصوص مانند سیلر و کیلرو پولیستر آماده می‌شود. مرغوبیت یک خاتم خوب به ریز نقشی و منظم بودن طرح بستگی دارد که هماً اینها در مهارت استادکار در تهیه مواد اولیه و نحوه کاربرد آن و حوصله و دقت بسیار زیاد خلاصه می‌شود.

روغنکاری خاتم

اصولاً سطح یک خاتم به دو علت روغن زده می‌شود: براق شدن خاتم و حفاظت آن در مقابل رطوبت، گرما و سرما. در گذشته برای این کار روغن جلا یا سندلوس (شیره درخت کاج) به کار می‌رفت. بعد ها از روغن هاویلوکس استفاده شد و امروزه از پلی استر استفاده می‌کنند. خاتم از نظر گل تنوع زیادی دارد، از میان آنها می‌توان به: خاتم پره وارو، پره ای، ابری، نه گلی لایه دار، شش و لوز، بته جقه ای، خیابانی، طاقی، قمی، جناقی و خاتم دورنگ اشاره کرد. از انواع حاشیه نیز می‌توان حاشیه شش گلی، جویی، بازوبندی، طوره دار، شمسه دار و حاشیه تخمه دار را نام برد.

ارتباط بعضی شغل ها با خاتم کاری

نجاری- شبکه بری- منیاتوری- پلی استر زنی- جیر کاری

خصوصیات خاتم مرغوب و هنری

خصوصیات خاتم مرغوب و هنری عبارتند از: صاف بودن سطح کار و خالی نبودن هیچ جای خاتم.

یکنواخت بودن رنگ و مصالح به کار رفته در ساخت خاتم.

عدم تغییر در رنگ و شکل.

ترمیم کاری ها و بتونه کاری های در سطح کار مشخص نباشند.

قرینه بودن تمامی گل ها و و اشکال در سطح کار و زوایا و اضلاع.

رنگ کاری و روکش دادن محصول بایستی ماهرانه و بدون ناهمواری و شفاف باشد.

نقش ها و مثلث ها هر چه ریزتر باشند کیفیت و ارزش کار بیشتر است.

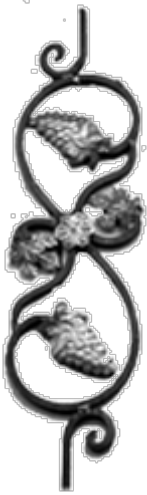
وزن مناسب جعبه نسبت نوع مصرف آن.

دقیق و مهندسی بودن اساس و ساختمان طرح که تمامی ابعاد با هم همسان، قرینه و یک اندازه باشند که اگر اسکلت طرح دقیق نباشد بهترین خاتم نیز بر روی آن، نماو جلوه ای ندارد و کل طرح را از بین می برد به همین جهت است که یک هنرمند خاتم کار، باید یک نجار چیره دست هم باشد.

علاوه بر اصفهان خاتم سازان شیراز نیز در این هنر شهره هستند و خاتم هائی که به وسیله هنرمندان اصفهان و شیراز تهیه می‌شود، خریداران بسیاری دارد. این فرآورده‌ها شامل ظروف متنوع و مختلف می‌باشند. در سال‌های اخیر هنرمندان خاتم ساز با تشکیل شرکت تعاونی خاتم سازان که زیر نظر سازمان صنایع دستی ایران فعالیت می‌کند انسجام بهتری یافته و تولیدات مرغوبتری را به گردشگران مخصوصاً خارجیان عرضه می‌کنند.

فصل پنجم - مصنوعات فلزی

سیر تحول ساخت «مصنوعات فلزی»



مردم نواحی بمپور، شهداد، تل ابلیس، تپه سیلک و تپه زاغه از حدود هفت هزار سال پیش با ساخت اشیای فلزی، به ویژه اشیای مسی آشنا بوده اند. پس از کشف فلزات دیگر، فلزکاران با افزودن قلع به مس، آلیاژ سختی به دست آوردند و به دنبال آن عصر مفرغ آغاز شد که قدمت آن به حدود سه هزار سال قبل از میلاد می رسد. با تشکیل حکومت هخامنشی هنر فلزکاری تحول یافت و جایگاه ویژه ای در صنعت این دوره پیدا کرد. هنر فلزکاری در دوره سامانی هنری درباری بود که هنر مردمی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. در اوایل دوره اسلامی استفاده از آلیاژهای مختلف رایج شد. در دوره صفویه علاوه بر آلیاژها، از آهن و فولاد نیز اشیای نفیسی با تزئین طلاکوبی ساخته شد. تا چندی پیش اشیای فلزی بسیاری چون سینی، دوری، کاسه، آینه و شمعدان و بسیاری ابزار و لوازم دیگر که روشهای ساخت و تزئین هر یک از آنها نیز متفاوت بود، ساخته می شد.

هنر دواتگری

ساخت اشیای فلزی به روش سرد به «دواتگری» معروف است که شاید بتوان گفت از نخستین شغلهاست و سابقه چند هزار ساله دارد. در ابتدا دواتگران با کوبیدن یک قطعه سنگ بر روی فلز سرد، ظرف یا شیء ساده را می ساختند.

شیوه های ساخت ظروف در هنر دواتگری

- الف) ساختن اشیاء به صورت یک تکه یا بدون درز؛
- ب) ساختن اشیاء با استفاده از دستگاه یا به روش خم کاری؛
- پ) ساختن اشیاء به صورت چند تکه یا درزدار.

شیوه ساخت اشیاء به صورت یک تکه یا بدون درز

در این روش ابتدا ورق فلز را به شکل دایره ای که شعاع آن حداقل برابر ارتفاع ظرف مورد نظر است می برند، سپس مرکز آن را بر روی سندان قرار داده، با چکش از مرکز به طرف محیط، ضربه های یکنواخت و کنار هم، به صورت مارپیچ وارد می کنند تا ورق به شکل کاسه در آید. آن گاه آن را وارونه بر روی سندان گذاشته با ضربه هایی در پیرامون دهانه ظرف را جمع می کنند تا به شکل گلدان یا مشابه آن درآید.

شیوه ساخت اشیاء به صورت چند تکه یا درز دار

در این روش هنرمند ابتدا فلز را به شکل مستطیل می برد. طول و عرض این مستطیل برابر اندازه حداکثر محیط و ارتفاع ظرف مورد نظر است. سپس لبه دو ضلع رو به روی هم را با چکش به حدی نازک می کند که به نصف قطر اولیه برسد. پس از اینکه لبه ظرف می کاهد، در قلمزنی و تزئین، مشکلاتی ایجاد می کند. بنابراین بیشتر قلمزنان ترجیح می دهند از ظرفهای یک تکه یا بدون درز استفاده کنند.

شیوه ساخت اشیاء با استفاده از دستگاه یا به روش خم کاری

در این روش، هنرمند از دستگاهی به نام «سه نظام» استفاده می کند. به این ترتیب که همانند روش اول یک صفحه گرد فلزی می برد و آن را همراه با قالبهایی که از جنس چدن و به شکل ظرف ساخته شده، به دستگاه می بندد و در حالیکه دستگاه روشن است و فلز و قالب را می چرخاند، با قلمهای فولادی به طول ۵۰ سانتی متر، فلز را فشرده، بر روی قالب می خواباند. در نتیجه ورق فلز به شکل قالب در می آید.

هنر قلمزنی

یکی از روشهای تزئین فلز «قلمزنی» است که طی آن با استفاده از چکش و انواع قلم، نقش مورد نظر را روی فلز ایجاد می کنند.

شیوه های رایج در قلمزنی

الف) شیوه عکسی	ب) شیوه زمینه پر
پ) شیوه منبت	ت) شیوه برجسته
ث) شیوه مشبک	ج) شیوه قلم گیری

هنر زرگری

ساخت زیور آلات از طلا و نقره را «زرگری» و نشان دادن سنگهای قیمتی روی آن ها را «جواهر سازی» می گویند .

هنر طلا کوبی

موج دار کردن فولاد با طلا و نقره را «طلا کوبی» می گویند. که به زرکوبی یا مطلا کاری نیز مشهور است . در گذشته طلا کوبی روی فلزاتی مانند مس، برنج و مفرغ نیز انجام می شد .



فیروزه کوبی

کار فیروزه کوب عبارت است از اشیاء ساخته شده از جنس مس، نقره، برنج و یا برنز که قطعات ریز فیروزه بر قسمت هایی از سطح های آن به شکل موزائیک کاری در کنار هم نشانده شده اند. فیروزه کوبی از معدود رشته های صنایع دستی می باشد که سابقه زیادی ندارد و قدمت آن به حدود ۶۰ سال قبل می رسد. طریقه شکل گیری آن بدین صورت بوده که هنرمندی بنام یوسف حکیمیان در مشهد با استفاده از ضایعات فیروزه کارگاههای فیروزه تراشی و نشان دادن آن بر قسمتهایی از سطح اشیاء مختلف توانست هنر جدیدی را به مجموعه هنرهای سنتی ایران با نام فیروزه کوبی اضافه نماید.

فیروزه کوبی در مشهد بر روی زیورآلاتی مثل گوشواره، دستبند، گل سینه و ... کار می شد. پس از آن حدود بیست سال بعد توسط صنعتگری بنام حاج داداش به اصفهان برده شد و در حال حاضر فقط در اصفهان رواج دارد.

ابزار کار فیروزه کوبی

چکش، دریل، انبردست، منقاش، پنس، سوهان، قالب خمکاری مخروطی شکل که الگوی کادربندی بوسیله آن تنظیم می‌شود، چراغ گازی یا بنزینی برای حرارت دادن، چرخ تراش با سنگ الماسه برای ساب دادن فیروزه‌ها، دستگاه سنگ آهن برای پرداخت قسمت‌های فلزی کار و ...

مواد اولیه کار فیروزه کوبی

ضایعات فیروزه، لاک گردوئی، روغن جلا (روغن زیتون یا روغن کنجد) و ...

شیوه کار

ابتدا زیرساخت شی موردنظر بوسیله انواع روشهای شکل دادن فلزات ساخته می‌شود. آنگاه قسمتی را که باید فیروزه کوبی گردد مشخص کرده و اطرافش را یک رشته باریک فلزی از جنس فلز خود شی قرار داده و لحیم می‌کنند. ارتفاع این رشته‌ها که به عنوان دیواره شکل موردنظر می‌باشند، باید دو تا سه میلیمتر از سطح فلز بالاتر باشد. اگر سطح مشخص شده وسعت زیادی داشته باشد درون آن را با رشته‌هایی از همان فلز، نقش داده و لحیم کاری می‌کنند. این کار علاوه بر زیبایی باعث استحکام بیشتر سطح فیروزه کوبی نیز می‌گردد. بعد از این، نوبت به چسباندن فیروزه‌ها بر روی کار می‌رسد.

برای این کار از ضایعات فیروزه کارگاههای فیروزه‌تراشی یا معادن فیروزه مشهد، نیشابور و دامغان استفاده می‌شود. بدلیل اینکه خرده سنگهای فیروزه همراه با خاک و تکه سنگ‌های دیگر هستند در ابتدا آنها را جداسازی و تمیز کرده و سپس برحسب اندازه از یکدیگر تفکیک و به اصطلاح دانه‌بندی می‌کنند. زیرا در ساخت متناسب با سطح کار از قطعات فیروزه با اندازه‌های مختلف استفاده می‌شود.

سپس شی موردنظر را تا حدود ۳۰ درجه سانتیگراد حرارت می‌دهند و در حین حرارت دادن، در قسمت‌های موردنظر برای فیروزه کوبی مقداری لاک پودر شده می‌پاشند. بعد از ذوب شدن لاک، آنرا در همان حالت حدود ۱۵ دقیقه می‌گذارند تا سرد شود، بعد از آن خرده سنگ‌های فیروزه را روی کار به گونه‌ای قرار می‌دهند که تمام سطح موردنظر را پر کند. در صورتی که سطح مدور باشد عمل فیروزه‌چینی در چند مرحله انجام می‌گردد. اگر بین خرده سنگ‌ها فضای خالی باقی ماند، حرارت را در حدود ۴۰ درجه سانتیگراد افزایش می‌دهند و مقدار دیگری لاک پودر شده بر روی سنگ‌ها می‌پاشند. بعد از ذوب شدن لاک، سنگ‌های ریزتری در فواصل خالی قرار داده و با دست فشار می‌دهند تا کاملاً به سطح کار بچسبند. بعد از اینکه شی کار شده سرد گردید قسمت‌های لاک خورده سفت و سخت خواهد شد. قسمت‌های اضافی لاک و برجستگی‌های جزئی سنگ‌های درون آن را به کمک چرخ تراش سنگ، ساییده و صیقل می‌دهند. در حین سمباده زدن باید روی کار آب جریان داشته باشد.

در این مرحله سنگ‌های فیروزه به رنگ فیروزه‌ای و لاک به رنگ تقریباً سیاه (قهوه‌ای تیره) نمایان می‌گردد. در صورتیکه در قسمت‌هایی از سطح کار باز هم ریختگی مشاهده گردد، مجدداً شی را حرارت داده و بوسیله لاک و خرده سنگ‌های ریز و یا نوعی بتونه فیروزه‌ای رنگ که با گل (مل) روغن و رنگ لاجورد تهیه شده کار را مرمت می‌کنند و سپس سمباده زده و صیقل می‌دهند.

آخرین مرحله از کار فیروزه کوبی پرداخت کار می باشد که دو مرحله دارد:

۱- پرداخت قسمت های فلزی که در حین کار کثیف شده اند. این کار بوسیله دستگاه سنگ آهن انجام می گردد.

۲- پرداخت قسمت های فیروزه کوبی شده که بوسیله روغن زیتون یا روغن کنجد پولیش داده می شود. این کار را چندین مرتبه تکرار می کنند تا روغن کاملاً به سطح فیروزه نفوذ کند.

ظروف فیروزه کوبی عموماً دارای نقش خاصی نمی باشند ولی می توان بر روی آنها نقش هایی را طراحی نمود و سپس زواربندی کرد و درون آن نقشها را با فیروزه پر نمود و یا می توان با مفتول های نازک فلزی بر روی ظروف نقش هایی درست کرد که این نقش ها با نوارهای نازک فلزی از لابه لای فیروزه ها جلوه گر شود.

از اساتید بنام فیروزه کوبی در اصفهان استاد روبن یورشلمی، استاد سلیمان صدیق پور و استاد ناصر یورشلمی می باشند. فیروزه کوبی در اصفهان علاوه بر ساخت جواهرات در ظروفی مثل لیوان، قاب عکس، کوزه، گلدان، قلمدان، زیرسیگاری، کاسه، بشقاب، گلاب پاش و ... نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

در حال حاضر کارگاههای فیروزه کوبی، تولید محدودی دارند که این امر باعث گردیده این هنر - صنعت آنطور که باید و شاید در بین اقشار جامعه شناخته شده نباشد هر چند که در شمار یکی از فرآورده های خوب صنایع دستی کشور محسوب می گردد. یکی از عوامل رکود تولید این هنر، عدم دسترسی کارگاهها به مواد اولیه یعنی فیروزه درجه ۲ می باشد با توجه به اینکه ما در کشور خود دارای منابع غنی فیروزه هستیم ولی متأسفانه این ماده بعد از گذشتن از دست واسطه های مختلف به قیمت بسیار بالائی به کارگاههای تولیدی می رسد، که این امر منجر به افزایش نرخ نهائی تولید کارهای فیروزه کوبی و در نتیجه پائین آمدن تقاضای خرید به خاطر قیمت بالای کار تمام شده گردیده است

فیروز کوبی یکی از معدود رشته های صنایع دستی است که سابقه تاریخی چندانی نداشته و در حال حاضر هم تولید تعداد بازدید : محدودی دارد و همین امر باعث آن گردیده تا فیروزه کوبی آنگونه که باید شناخته نشده باشد هر چند که زیبایی و گیرایی یک محصول خوب صنایع دستی را با خود دارد.

قدمت فیروزه کوبی به حدود ۷۰ سال قبل می رسد و در آن زمان صنعتگری بنام «یوسف حکیمان» معروف به محمد رضا در مشهد کار فیروزه کوبی بر روی زینت آلاتی نظیر دستبند، گل سینه، گوشواره... را شروع کرد. و حدود ۲۰ سال بعد این صنعت توسط صنعتگر دیگری بنام «حاج داداش» از مشهد به اصفهان برده شد. در حال حاضر صنعت دستی فیروزه کوبی فقط در اصفهان رایج و صنعتگران شاغل در این رشته نیز همچون تولید آن محدود است.

در اصفهان فیروزه کوبی صرفنظر از جواهرات در ظروفی مانند بشقاب، لیوان، کاسه و گلاب پاش و... نیز مورد استفاده قرار می گیرد. یکی از کارهای جنبی صنعت فیروزه کوبی تهیه «زیرساخت» است که در کارگاه زرگری و به طور جداگانه صورت می گیرد.

یک فرآورده فیروزه کوب اعم از زیور آلات و یا ظروف عبارت از شیئی است مسی، برنجی، نقره ای و یا برنزی که ذرات و قطعات ریز سنگ فیروزه بر قسمتهایی از سطوح آن به فرم موزاییک در کنار هم نشانداده شده و به این ترتیب جلوه ای خاص به آن بخشیده می شود. ساخت و پرداخت چنین فرآورده ای شامل دو مرحله کلی است:

الف) زرگری ب) فیروزه کوبی

صنعتگر تولید کننده فیروزه کوب در مراحل مختلف کار از ابزار کار و وسایلی نیز بهره می گیرد که عمدتاً شامل قالب، چکش، دریل، چراغ گاز، چراغ بنزینی، گاز انبر، انبردست، پنس، منقاش، لوله های مختلف فلزی، سوهان و سنگ سمباده است.

نکته حایز اهمیت در فیروزه کوبی در درجه نخست نصب صحیح فیروزه بر روی فلز است به گونه ای که دارای قدرت کافی بوده و هنگام پرداخت قطعات فیروزه از آن جدا نشود و دیگر اینکه هر چه ظرف فیروزه کوبی شده پرکارتر باشد و قطعات سنگ منظم تر در کنار یکدیگر نصب شده باشد و فاصله زیادی در بین قطعات فیروزه دیده نشود کار دارای ارزش هنری بیشتری است.



قلمدان سازی

پژوهشهای محققین برای اینکه به پدیده ای به نام قلمدان در ایران باستان پی ببرند. راه به جایی نبرده است. و از وجود این هنر در ادوار قبل از اسلام اطلاعی در دست نیست.

با ظهور اسلام، استفاده از قلمدان برای کارهای تحریری معمول گشت و در مدرسه ها، مکتب خانه ها و مراجع دیوانی مورد استفاده قرار گرفت.

در دوره سلجوقیان بر اثر حمایتی که از شعراء و نویسندگان و دبیران به عمل آمد، هنر قلمدان سازی پیشرفت بسیار کرد. این پیشرفت و ترقی تا عصر تیموریان ادامه داشت.

بررسی های انجام شده بیانگر این مطلب است. در عصر صفویه که خوشنویسی به نهایت ترقی و تعالی رسید هنر قلمدان سازی نیز به اوج رسید و قلمدان های ساخته شده در این عصر از گرانبهاترین و نفیس ترین میراث های فرهنگی ایران به شمار می رفت.

قلمدانهای برجای مانده از آن روزگار که برخی گوهرنشان و طلاکوب و مرصع هستند و بر بعضی نیز آیات قرآنی نوشته شده است. زینت بخش موزه های ایران و سایر کشورهای جهان می باشند.

در دوره قاجاریه و زندیه نیز هنر قلمدان سازی مثل روزگار صفویان در اوج بود و قلمدانهای ساخته شده در این دوره نمایانگر هنر هنرمندان اصفهانی هستند.

از مشهورترین قلمدان سازان دوران صفویه و قاجاریه می توان محمد زمان نگارگر، حسن خداداد، محمد خداداد، سمیرمی، محمدصادق امامی اصفهانی، کاظم بن نجفقلی، عبدالرحیم اصفهانی و آقا نجف قلمدان را نام برد.

اگر چه در حال حاضر قلمدان مانند گذشته مورد استفاده قرار نمی گیرد اما علاقمندان به هنرهای اسلامی ایرانی کماکان از این فراورده هنری استقبال کرده و خواهان و طالب آن هستند.

نقره کاری

بشر از چهار هزار سال ق.م، پس از کشف طلا، با کاربرد نقره آشنا بوده است. نقره فلزی است که مانند طلا و مس به صورت خالص در طبیعت موجود است، ولی بیشترین مقدار آن از سنگ معدن استخراج می شود. آثار کشف شده در تپه های سیلک کاشان متعلق به هزاره چهارم ق.م، یادآور این نکته است که مردم این ناحیه از ایران با کاربرد این فلز پالایش و ساخت اشیاء سیمین، آشنایی کامل داشته اند. معادن بسیاری در نقاط مختلف ایران دارای سنگ نقره هستند، از جمله: معادن نخلک در میانه کویر لوت در شمال انارک، که در زمان ساسانیان از محصول آنها به ویژه در ساخت ظروف سیمین استفاده می شد. هنر نقره کاری در عصر ساسانیان رونق بسیار داشت. از مقایسه اشیاء مکشوفه ساسانی با کارهای مشابه همعصر خود در بیزانس و روم، استنباط میشود که این دو هنر در تکنیک کار و اسلوب ساخت، نباید تفاوت چندانی با یکدیگر داشته باشند. نقره کاران ساسانی سه روش زیرین را در ساخت ظروف به کار می برده اند:

۱- ساخت اشیاء نقره به وسیله چکش کاری،

۲- هنر فلزکاری ریختگی در اشیاء سیمین،

۳- ساخت ظروف آستردار.

روش ساخت

برای ساخت ظروف نقره، پس از عیار کردن نقره با مس، نقره را ذوب کرده و داخل قالبیکه نام آن ریچه (ریجه) است می ریزند. ریچه به شکل دو صفحه آهنی که یکی از آنها دارای دو زه در اطراف آن است، می باشد. این دو صفحه را در هم چفت کرده و از شکاف بالای آن نقره مذاب را درون آن می ریزند تا به صورت شمش درآید. شمش را توسط دستگاه نورد که شامل دو غلتک سنگین است، به ضخامتهای مورد نیاز، نازک می کنند. روشهای نقره سازی که در حال حاضر مورد استفاده قرار میگیرد عبارتند از:



۱-چکش کاری: در این روش برای ساخت ظرف تنها از چکش استفاده می شود. به طور مثال برای ساخت کاسه ای با دهانه ۳۰ سانتیمتر، اندازه ورق نقره را ۵-۶ سانتیمتر اضافه تر می گیرند و به وسیله چکش آنرا گود می کنند(فرو می گیرند) تا به شکل دلخواه درآید. ۲-خمکاری با استفاده از قالب: در این روش ورق نقره روی قالبهای مخصوص کشیده و به وسیله میله ای که دستگیره چوبی دارد، آنقدر ورق را روی قالب می کشند تا شکل قالب را به خود بگیرد و سپس آن را از قالب جدا می کنند. ۳-ریخته گری: ساخت ظروف به وسیله قالبهایی از جنس نقره، برنج و به خصوص آلومینیوم است. برای مثال برای ساختن دسته یک گلدان که جدا روی ظرف نصب می شود، ابتدا درون قالب را از ماسه مرطوب پرمی کنند(برای جدا شدن آسان نقره از قالب)، سپس نیمه دیگر قالب را روی آن گذاشته و فشار می دهند و نقره مذاب را از شکاف، داخل قالب می ریزند. پس از خارج کردن نقره شکل گرفته، قسمتهایی که همسان نیست را سوهانکاری می کنند. ۴-پرسکاری: در پرسکاری با استفاده از یک قالب و دستگاه پرس، نقره را به شکل مورد نظر درمی آورند که بیشتر برای ظروف تخت استفاده می شود. دستگاه پرس دارای دو قالب منفی و مثبت است که با فشار در هم چفت شده و نقره را به شکل مورد نظر درمی آورند . پس از ساخته شدن ظرف، یک لایه از روی ظرف را می تراشند، که به آن چرخکاری گفته می شود تا ظرف براق شود. اگر ظرف دارای لبه باشد، ابتدا یک زه دور لبه آن لحیم می کنند و سپس آنرا برای قلمزنی آماده می کنند. زمان لحیم کاری ماده ای به نام تنکا (بوراکس B_2O_3) به قطعه می زنند، تا به خوبی به ظرف متصل شود. در حال حاضر افراد چندانی توانایی ساخت ظروف با روش چکش کاری را ندارند و بیشتر از روش خمکاری و پرس این کار را انجام می دهند.

ملیله سازی

ملیله سازی یکی از برجسته ترین صنایع فلزی ایران است که بدلیل ظرافتهایی که در آن بکار می رود تلفیق بلیغی از هنر و حوصله محسوب می گردد. این هنر وام دار هنرمندانی است که با ابزار بسیار ابتدایی به خلق آثاری ارزشمند مبادرت ورزیده و گاه بینایی خود را در این مسیر از دست داده اند. ملیله ساز که زمانی به خاطر اشتغالزایی زیاد، ظرافت و زیبایی زبانزد همه جهانیان بود با مرور زمان و مشکلات مختلف به بوته فراموشی سپرده شد و تعدادی کمی از علاقمندان واقعی، به این حرفه طاق و فرسا و کم سود ادامه دادند.

این مصنوعات دستی به حدی زیبا و ظریف است که امروز نیز زینت بخش موزه ها، مجموعه های هنری خصوصی و منازل افراد متمول در اقصی نقاط عالم می باشد. دست مایه هنرمندان ملیله سازی ایرانی، از جمله ره توشه گردشگران خارجی است که در پایان سفر خود به ایران، همراه می برند و به آن افتخار می کنند.

با اینحال، گران بودن نقره، وضعیت نامناسب اقتصادی، نبود رونق بازار، کاهش انگیزه، نبود سرمایه ی مورد نیاز، طاق و فرسا بودن کار و کناره گیری اجباری خبرگان از این حرفه، احیای جایگاه اولیه ملیله سازی را با مشکل مواجه می سازد.

تاریخچه:

قدیمی‌ترین اشیاء ملیله ایران به روایت اکثر محققان به سالهای ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از میلاد مسیح متعلق است چه آنکه طی سالهای یاد شده به دلیل رواج استعمال ظروف گرانقیمت از سوی طبقات ثروتمند و مرفه، صنعتگران فلزکار، به ویژه زرگران و نقره سازان تمامی توجه خود را به زیباتر ساختن ظروف معطوف داشتند و کوشیدند تا به اشیاء مصرفی حالتی تزئینی بدهند. با آنکه بر اثر تاراج اسکندر و سپاهیان او از دست ساخته‌های گرانقیمت این دوره که غنای کمی کم وزن و پربها بودند اثر چندانی باقی نمانده ولی آنچه طی یکی دو قرن اخیر در اثر کاوشهای باستان‌شناسی یا بطور تصادفی از زیر خاک بیرون آمده نشانه استادی و مهارت صنعتگران و مؤید وجود ملیله کاری در ایران پیش از تاریخ می‌باشد.

همچنین پروفیسور آرثر آپهام پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران ضمن اشاره به زرگری و نقره‌سازی در سالهای بعد از ظهور اسلام به مقداری ملیله که از منطقه «ری» یافت شده و به قرن دوازدهم میلادی تعلق دارد اشاره کرده است. متأسفانه از آنجا که اکثر اشیاء ملیله ایرانی اعم از طلا و نقره به منظور استفاده مجدد از فلزش ذوب شده نمونه‌های زیادی از آن در دسترس نیست و تنها از دوره قاجاریه مقداری سرقلیان گیره استکان - سینی در اندازه‌های مختلف - گوشواره - سینه ریز و ... باقی مانده که بخشی از آنها در موزه‌های داخلی و خارجی و بخشی دیگر در مجموعه‌های خصوصی یا نزد خانواده‌ها نگهداری می‌شود.

در سال‌های نزدیک به جنگ جهانی دوم و در همان شرایطی که گفته شد گروهی به صرافت احیاء هنرهای دستی افتاده بودند، جمعی از هنرمندان ملیله ساز زنجان به اصفهان و تهران رفتند و به ساخت زیورآلاتی به وسیله طلا و با بهره‌گیری از اسلوب فنی ملیله کاری پرداختند که حاصل کارشان، مخصوصاً «گوی»های کوچک زرینی که تولید می‌کردند، یکی از برجسته‌ترین فرآورده‌های بازار زرگران این دو شهر بود. در حال حاضر نیز ملیله کاری در شهرهای تهران، زنجان و اصفهان رواج دارد که فرآورده‌های تولیدی هنرمندان اصفهانی دارای جنبه‌ای تجملی و تشریفاتی است؛ ملیله کاران تهرانی بیشتر در امر ساخت جواهرات به فعالیت اشتغال دارند و زنجان تنها شهری است که مصنوعات مصرفی ملیله در آن تولید می‌شود. صنعتگران زنجانی در حال حاضر مواد اولیه کارشان را فقط از طریق ذوب ظروف نقره‌ای مستعمل تهیه می‌کنند. عیار نقره مصرفی در ملیله زنجان، با خلوص ۹۹/۹ درصد معروف به عیار ۱۰۰ استفاده می‌شود و به لحاظ کیفیت ساخت، ملیله اصفهان دارای نقوش بزرگتر نسبت به ملیله زنجان است و غنای ریز نقوش، زیبایی و ظرافت کار آن با ملیله زنجان برابری نمی‌کند. ملیله زنجان با توجه به طرحها و نقشهای اصیل و خصوصاً ظرافت زیاد آن در مجموع از کیفیت بالایی برخوردار است. ریز نقوش متداول در ملیله زنجان همانند سایر نقشهای صنایع دستی اکثراً ذهنی و الهام یافته از طبیعت و طرحهای سنتی است. مهمترین و رایج‌ترین نقشهای ملیله زنجان عبارتند از: اشک، جغه، پیچک، ترمه و غنچه، برگ، واو، ملیله، دو چشم، برگ فرنگ، سه چهارچشم، کورملیه و تابیده، که هر یک دارای ویژگی خاص خود می‌باشد.

آثار قدیمی ملیله در زنجان به کلی از بین رفته و یا جهت استفاده مجدد نقره ذوب گردیده است و به دلیل عدم وجود موزه در زنجان آثار نقره‌ای - ملیله کاری مورد حفظ و نگهداری قرار نگرفته است. امروزه در زنجان حدود ۳۰ کارگاه ملیله کاری فعال موجود می‌باشد که استادان ملیله کار این کارگاهها همگی از شاگردان استاد ((منصور کاظمیان مقدم)) می‌باشند. این استاد گرانقدر از سال ۱۳۵۵ به منظور حفظ و بقای این هنر با همکاری سازمان صنایع دستی زنجان به آموزش ملیله کاری در

مرکز آموزش استان اقدام نمودند. در پایان قابل ذکر است یکی از شاگردان ایشان به نام استاد ((عبدالحمید محرر)) در سال ۸۶ موفق به اخذ مُهر اصالت در این رشته از یونسکو گردید.

مواد اولیه:

- ✓ مواد اصلی : شامل طلا، نقره، مس
- ✓ مواد فرعی : موم، زغال، موادپاک کننده

ابزار آلات مليله كاری:

ابزار كار مليله كاری شبیه ابزار و ادوات زرگری است.

كوره : شامل كوره‌های زغالی یا كوره‌های گازی می‌باشد كه جهت ذوب فلزات حرارت تولید می‌كنند و دمای آنها معمولاً بالای ۱۳۰۰ درجه سانتی گراد می‌باشد.

بوته : ظرفی است استوانه‌ای شكل جهت ذوب نقره از آن استفاده می‌شود جنس آن از گرافیت و ظرفیت كوچكترین آن تقریباً ۵۰ گرم و بزرگترین آن يك كيلوگرم است.

حدیده : ابزاری است برای تهیه مفتولهای نقره با قطرهای مختلف به شكل استوانه كه از دو لایه بیرونی و درونی تشكيل شده است.

ریجه(ریژه) : قالب فلزی می‌باشد كه نقره بعد از ذوب داخل آن ریخته می‌شود. ریجه دو نوع است: ۱- مدادی كه جهت تهیه شمش استفاده می‌شود. ۲- كتابی كه برای ساخت نقره صفحه‌ای استفاده می‌شود.

دستگاه نورد : شمش مليله‌ای را به مفتول تبدیل می‌كند.

دمبوری : كه حاوی يك مخزن بنزین و يك دم هوا و همچنین يك مشعل می‌باشد و جهت آتشكاری جزئی بكار می‌رود.

انبر آتش كاری : دارای دسته‌ای بلند بوده و هنگام آتش و لحیم كاری استفاده می‌شود.

مته برقی : برای سوراخ كردن برخی قسمتهای زمینه كار از آن استفاده می‌شود.

تخته تاب : دو قطعه چوب برای تاییدن مفتول نقره‌ای بكار می‌رود.

قیچی : برای بریدن ورقه‌های آهنی و قطع مفتولهای نقره‌ای استفاده می‌شود.

فرچه یا برس سیمی : برای پاک كردن ناپاكی‌ها و چرك از روی مليله استفاده می‌شود.

آینه سوهان : برای براق كردن و شفاف نمودن سطح كار نقره استفاده می‌شود.

جفت : برای شكل دادن مفتول مليله به ریز نقشها بكار می‌رود.

قالب ریخته گری : برای ساختن اشیا از قبیل پایه و دسته استكان بكار می‌رود.

دندان : برای تبدیل نوار نقره‌ای به نوار دندانه دار استفاده می‌شود.

نحوه ساخت:

هنر ملیله کاری، محصول کار با طلا، نقره و مسی است که به صورت مفتولهای باریک درآمده است و با صرف وقت و دقت فوق العاده و مهارت و هنرمندی ملیله کار، بر منبلی شی یا محصول مورد نظر و با بهره گیری از نگاره‌های سنتی و طرحهای اسلیمی به هم پیوند و ارتباط یافته‌اند.

عمده ترین ماده اولیه ملیله کاری را نقره تشکیل می‌دهد که از طریق ذوب کردن سکه‌های نقره یا قراضه ظروف نقره‌ای تامین می‌شود. نقره مصرفی در ملیله کاری دارای ۱۰۰ عیار است ولی برای ساختن دسته یا پایه ظروف به طور معمول از نقره با عیار ۶۰ تا ۸۴ استفاده می‌کنند.

ملیله سازان برای شروع کار ابتدا نقره مصرفی را با عیار مورد نظر انتخاب و بوسیله ظرفی بنام «بوته» در کوره قرار داده و ذوب می‌کنند. آنگاه نقره مذاب را در داخل ابزاری بنام «ریچه» که ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر درازا دارد و دو شیار طولانی به قطر ۵ میلیمتر بر روی آن تعبیه شده می‌ریزند و به این طریق مفتولی به طول و قطر شیار روی «ریچه» بدست می‌آورند. در مرحله بعد، مفتول نقره‌ای را روی سندان گذاشته و به کمک چکش آن را به صورتی چهار پهلو در می‌آورند. سپس آن را با چراغ کوره‌ای حرارت داده و در شرایطی که مفتول کاملاً گرم شده و قابلیت انعطاف پیدا کرده است از میان دستگاه نورد قابل تنظیمی عبور داده و به مفتول‌هایی به قطر دلخواه تبدیلش می‌کنند. این مفتول‌های باریک در کوره حرارت داده شده و آماده حدیده کردن می‌شود.

عمل حدیده کردن موجب بدست آمدن مفتول‌هایی با ضخامت بسیار کم و قطر یکنواخت می‌گردد که مفتول حاصل ابتدا باید دولا تاب و پس از آن با کمک قسمت مسطح دستگاه نورد کوبیده شده و به صورت نواری به قطر تقریبی یک تا ۱/۵ میلیمتر درآید. این نوار که لبه‌ای مضرس دارد، نوار ملیله نامیده می‌شود و استادکاران ملیله ساز بعد از تهیه آن ابتدا صفحه‌ی فلزی مستطیل شکلی را که معمولاً از جنس مس و دارای ابعاد مختلف است انتخاب و یک سطح آن را کاملاً موم اندود می‌کنند.



بطوری که لایه‌ای به ضخامت سه تا چهار میلیمتر از موم روی صفحه را بپوشاند.

سپس قالبی را که به شکل محصول مورد نظر بریده شده روی صفحه مسی قرار داده و نواری را که پهنایی بیش از نوار مليله دارد از اطراف قالب می گذارند تا شکل قالب را بخود گرفته و در موم فرو رود.

هنگامی که به این ترتیب طرح اولیه مليله ساخته شد، استادکار میانه قالب را با نقش های مليله که قبلاً بوسیله دست و با کمک انبری ظریف ساخته شده پر می کند و در پایان کار آنها را با مفتول های بسیار ظریف فولادی به یکدیگر می بندد تا بر اثر حرکت و تکان خوردن جا عوض نکنند و تغییر شکل ندهند. نقوش رایج در مليله سازی اکثراً ذهنی و ملهم از نگاره های قدیمی و سنتی ایران است.

این اسکلت بوسیله حرارت دادن صفحه مسی از موم جدا و بر روی سطحی هموار قرار داده می شود و مقداری گرده لحیم که عبارت از برآکس و براده نقره است روی آن ریخته و شعله گاز را بر روی آن حرکت می دهند. بر اثر این کار، گرده لحیم ذوب شده و اتصال نقش های کوچک را با یکدیگر و همچنین دیواره نقش باعث می گردد.

پس از اتمام آتشکاری و اتصال کلیه قطعات به یکدیگر، سیم های فولادی را بریده و محصول را که تقریباً کار ساختش به پایان رسیده در پشتکی که حاوی محلول رقیق اسیدسولفوریک است قرار می دهند. یا در داخل ظرف محتوی زاغاب (محلول زاج سفید و آب) می جوشانند تا اضافات و لکه های روی نقره از بین برود. در پایان با برس سیمی ظریفی مليله ساخته شده را پاک نموده و ناهمواری هایش را بوسیله سوهان های ظریف و نیز سمباده از بین برده و آن را پرداخت می نمایند.

نوع دیگری از مليله، محصولاتی است که به وسیله خم کردن و لحیم دادن صفحات مليله ساخته می شود و شیوه تولید چنان است که ابتدا از مليله صفحاتی به اندازه های مورد نظر تهیه می کنند و سپس به کمک آنها محصولاتی نظیر گیره استکان و لیوان، قندان، گلاباش، قاب عکس، گل سفید، قاشق چای خوری و می سازند به وسیله نقره ای با عیار پایین تر دسته و پایه آن را ساخته و روی کار سوار می کنند .

مینا

از هنرهای دستی ایرانیان در ادوار گذشته و روزگاران دور تزئین و کنده کاری روی فلزات است. از جمله موارد فلزکاری می توان از ترصیع نام برد که به معنای نشاندن و جا دادن قطعات کوچک فلزهای مختلف روی سطح فلزی از جنس دیگر و ایجاد تناسب میان قطعات است.

بررسی هایی که در مورد میناکاری به عمل آمده بیانگر این مطلب است که میناکاری نیز مانند بسیاری از هنرهای دیگر برای اولین بار در ایران بوجود آمده و سپس به سایر کشورها راه یافته است.

در زمان صفویه میناکاری نیز همچون سایر هنرها ترقی بسیار کرد و شهر اصفهان به یکی از مراکز عمده این هنر تبدیل شد. هنوز نیز این شهر تنها مرکز این هنر محسوب می شود.

هنر میناکاری شامل فعل و انفعالات پیچیده ای است که به هم مربوط می شوند.

در عصر صفویان از نقش های اسلیمی و گل استفاده بسیار شد و رنگ قرمز در میناکاری مصرف بیشتری پیدا کرد.

در قدیم رنگ‌هائی که در صنعت میناسازی مورد استفاده قرار می‌گرفتند مانند رنگ‌های قلمکار گیاهی یا معدنی بودند اما در حال حاضر برای نقاشی ظروف و سایر اشیاء مینائی از رنگ‌های شیمیائی استفاده می‌شود.

میناکاران برای تهیه رنگ قرمز از طلا، رنگ سبز از مس و رنگ زرد از گل ماشی استفاده می‌کنند.

بیشتر اشیائی که هم اکنون میناسازان به خریداران و علاقمندان این هنر عرضه می‌کنند عبارتند از: گوشواره، گردنبند، انگشتر، سینه ریز، جعبه‌های کوچک و بزرگ آرایش، قوطی سیگار، سرویس چایخوری و شربت خوری، جام‌های میناکاری، بشقاب، گلدان، قاب‌های عکس، پیپ، گلاب پاش، جاروچهل چراغ، درها و پنجره‌هائی که برای مقابر ائمه در کربلا و نجف و سامره و مشهد و قم و سایر اماکن متبرکه ساخته شده‌اند.

در حال حاضر میناکاری کار هنرمندان اصفهانی طرفداران و خریداران بسیاری دارد و این رشته هنری از طرف سازمانهای ذیربط همچون سازمان صنایع دستی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

هنر میناکاری را می‌توان یکی از اختراعات خلاقه‌ی بشر دانست؛ زیرا این هنر شامل فعل و انفعال‌های پیچیده‌ایست که به هم ربط داده می‌شوند. از یک سوی عوامل ساده‌ای از قبیل سیلیس و منیزیم و پتاسیم و از سوی دیگر سنگ قیمتی که ترکیب آنها مینا را به وجود می‌آورد. از این رو این یک هنر آزمایشگاهی است و در حقیقت ماده‌ای است از ترکیب اکسیدهای فلزات که بر اثر حرارت، رنگ‌های مورد نظر را به دست می‌دهد در اختلاط با نمک به دست می‌آید در این عمل رنگ‌ها با درجه حرارت و طول زمان حرارت ارتباط زیاد پیدا می‌کند. بنابراین برای دسترسی به این پدیده هنری زیبا باید آتش و حرارت به دقت مراقبت و مهار شود. مینا که طبعاً شفاف است، شفافیت بیشتر خود را از اکسید قلع به دست می‌آورد که ترکیبات آن از زمان‌های قدیم تا به امروز ثابت و بدون تغییر مانده است.



مشکل بتوان گفت از چه زمانی هنر میناکاری در ایران رواج گرفته است زیرا از روزگاران پیش از عهد صفویه (سده دهم هجری) نمونه‌هایی از میناکاری در دست نیست و از دوران صفوی هم نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای بر جای نمانده است. لکن در دوران قاجار میناکاری به مقدار کم وجود داشته و اشیایی مانند سرقلیان و کوزه قلیان و کوزه و بادگیر قلیان را میناکاری می‌کرده‌اند. در دربار پادشاهان قاجار مخصوصاً ناصرالدین شاه که قلیان کشیدن از سرگرمی‌های او بوده قلیان‌های میناکاری شده وجود داشته است. همچنین در خانه‌های اشراف و بزرگان آن عصر نیز این قبیل اشیاء میناکاری شده موجود بوده است. اشیاء دیگری مانند کمربند، آفتابه لگن، انفیة دان، گلابپاش، گوشواره، اشکدان و قوطی سیگار میناکاری شده نیز موجود است.

در کتاب "بررسی هنر ایران" اثر پروفیسور پوپ درباره‌ی هنر میناکاری چنین آمده است:

« مینا کاری هنر درخشان آتش و خاک است، با رنگ‌های پخته و درخشان که سابقه آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد و ظهور آن بر روی فلز در طول سده‌ی ششم تا چهارم پیش از میلاد و پس از سال ۵۰۰ پیش از میلاد مشاهده می‌شود. هنر مینا کاری در ایران بیش از نقاط دیگر تجلی داشته و یکی از نمونه‌های قدیمی آن در عهد صفویه توسط شاردن جهانگرد فرانسه ذکر شده است که قطعه‌ی مینایی از کارهای اصفهان بوده، مشتمل بر طرحی از پرندگان و حیوانات بر زمینه گل و بته به رنگ آبی کم رنگ و سبز و زرد و قرمز.»

در مورد سابقه‌ی هنر مینا کاری در ایران لئوبرونستین و اروین مرگولیس **Erwin Margulies** یادآور شده‌اند که سابقه این هنر در ایران به زمان اشکانیان و ساسانیان می‌رسد؛ ولی استفاده از آن در آغاز اسلام، تا پیش از حکومت ایلخان مسلمان مغول، غازان خان (۶۹۴ تا ۷۰۳ هجری) روشن نیست. پادشاه در مدت کوتاهی به علم شیمی دست یافت و بر خلاف پیشینیان که مبالغه‌گفتی در راه پیدا کردن اکسیر صرف می‌کردند ترجیح داد که دانش و مساعی خود را صرف هنر مینا کاری نماید.

مؤلف کتاب «جغرافیای اصفهان» در سال ۱۲۹۴ هجری (۱۸۷۷ میلادی) درباره صنف میناکاران اصفهان می‌نویسد که مینا کاری در اصفهان استادان معروف داشت، مانند: آقاعلی فرزند آقاباقر نقاش که در فن نقاشی و مینا سازی هم‌ردیف پدرش بود و در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار درگذشت (حدود ۱۲۶۴ هجری برابر با ۱۸۴۷ میلادی) و اینک برخی از نقاشان این زمان در هنر مینا کاری هم استادی دارند و اگر به آنها سفارش کار مینا بشود مانند استادان مشهور گذشته از عهده‌ی انجام آن به خوبی بر می‌آیند و هم اکنون سرقلیانه‌ی مینا کاری خوبی ساخته می‌شود.

رواج صنعت مینا کاری در اصفهان از دوران پهلوی و حدود سال ۱۳۱۰ شمسی است و مخصوصاً طی سی سال اخیر این صنعت به وسیله‌ی یکی از استادان هنرمند و بنام اصفهان آقای شکرالله صنیع‌زاده بسط و توسعه یافت و شاگردانی در این مکتب تربیت شدند که هر یک دریچه‌ی دیگری را برای هنر مینا کاری گشودند. تا جایی که هم اکنون حدود پانصد نفر استاد و کارگر به تهیه‌ی اشیاء مینائی اشتغال دارند. بیشتر اشیائی که میناسازان فعلی به بازار عرضه می‌کنند عبارت است از: گوشواره - سینه ریز - گلوبند - انگشتر - جعبه‌های بزرگ و کوچک آرایش زنانه - قوطی سیگار - جعبه‌های خاتمکاری و مینا کاری - سرویس چای خوری مینا - شربت خوری مینا - جابهای مینا کاری - بشقاب مینا - گلدان مینا به اندازه‌های مختلف - تابلوهای بزرگ و کوچک مینا کاری که با هنرهای دیگر مانند طلاکاری و خاتم کاری و مینیاتور ترکیب می‌شود - کاسه قاب قدح مینا کاری - قاب‌های عکس در اندازه‌های مختلف - زیر سیگاری مینا - پیپ مینا - آلبوم عکس - گلاب پاش مینا - پنکه سقفی - جار و چهلچراغ مینا، درها و پنجره‌ها و ضریح‌های مینا کاری شده برای مقابر ائمه شیعه در کربلا و نجف و سامره و مشهد و قم و حضرت عبدالعظیم و اماکن متبرکه دیگر.

روی اشیاء طلایی و نقره‌ای هم می‌توان مینا کاری کرد ولی اساساً مینا کاری بر روی مس انجام می‌شود. برای فراهم آمدن مینا چند مرحله باید طی شود؛ به این ترتیب که ابتدا آن چیزی را که می‌خواهند مینا کاری کنند به هر شکل و هر اندازه باید به وسیله مسگر متخصص به شکل لازم در آید و پس از آن که ساخته شد استاد میناکار به آن لعاب سفید رنگ می‌دهد، معمولاً سه الی چهار بار لعاب داده می‌شود و در هر بار، شیء، به کوره می‌رود و حدود ۷۰۰ درجه حرارت می‌بیند تا رنگ لعابش ثابت شود. بعد روی آن با رنگ‌های گوناگون نقاشی می‌شود. سپس شیء باز به کوره می‌رود و حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ درجه حرارت می‌بیند تا رنگها به صورت مطلوب در آید.

در گذشته که میناکاری رواج اندکی داشت، رنگهایی که به کار می‌رفت مانند رنگ‌هایی که در صنعت قلمکار به کار می‌بردند، گیاهی یا معدنی بوده؛ ولی اکنون برای نقاشی ظروف و اشیاء مینایی از رنگ‌هایی شیمیایی استفاده می‌شود که معمولاً آنها را از آلمان وارد می‌کنند.

رنگهایی که در میناکاری به کار می‌رود بر سه نوع است:

(۱) رنگهای گیاهی که در چیت سازی هم به کار می‌رود.

(۲) رنگهای معدنی که در نقاشی و میناکاری به کار می‌رفته.

(۳) رنگهای فلزی که روی مینا کار می‌کنند.

برای میناکاری در تهیه رنگ قرمز از طلا هم استفاده می‌شود. رنگ سبز مینا از مس و رنگ زرد آن از گل ماش به دست می‌آید. رنگ آبی و فیروزه ای از فلزات و رنگ سفید از رنگ مخصوص تهیه می‌شده است که در شهر سامره از شهرهای عراق نوع خوب آن را به دست می‌آورده‌اند.

در دوران مغول سبک جدیدی در مینا کاری ایران به وجود آمده است. در دوره ی صفویه زمینه‌ی هنر مینا کاری تغییر یافت. ظروف نقره در این دوره با نقوش مینیاتور و مجالس بزم و رزم و شکار و دربار تزئین یافته و نقوش اسلیمی و ختایی نیز جایی در میان نقوش فوق خود نمایی می‌کردند. هنر مینا کاری را می‌توان یکی از اختراعات خلاقانه‌ی ایرانیان دانست، زیرا زیبایی این هنر، در مهارت هنرمند در مهار آتش و خاک و رنگ و لعاب است.

مینا به لحاظ روش تولید به دو دسته تقسیم می‌شود :

(۱) مینای خانه بندی

(۲) مینای نقاشی

● روش تولید

مینا طبعاً شفاف است و این شفافیت از اکسید قلع به وجود می‌آید و ترکیبات آن از زمانهای قدیم تا به امروز ثابت بدون تغییر مانده است. به طور کلی مینا کاری بر روی مس انجام می‌گیرد، هر چند می‌توان روی طلا و نقره نیز مینا کاری کرد. تولید مینا نیاز به طی مراحل خاصی دارد و آن این است که ابتدا ظرف مورد نظر (زیر ساخت) به دست مسگر یا دواتگر به شکل و اندازه‌ی لازم ساخته می‌شود، سپس استاد کار مینا به لعاب سفید رنگ می‌زند و در کوره می‌گذارد، سپس به نقاشی روی این بوم سفید پرداخته، در انتها طلا کاری می‌نماید و در نهایت با لعاب شفاف می‌پوشاند. در مراحل ساخت هر ظرف حدود ۸ بار به کوره می‌رود و هر بار بطور متوسط از ۲۰۰ تا ۸۰۰ درجه سانتی گراد حرارت می‌بیند تا رنگها به صورت مطلوب درآید.

(۱) مینای خانه بندی :

در این روش مفتولهای نازک فلزی را در سطح ظرف در محل نقوش اصلی به وسیله‌ی لحیم ثابت می‌نمایند. پس از تثبیت مفتول‌ها، داخل محدوده و سطوح به وجود آمده را با رنگهای مینایی پر می‌کنند و حرارت می‌دهند. اکثراً میناهای قدیمی به این روش ساخته می‌شوند.



(۲) مینای نقاشی :

که امروزه متداول است، در این روش ابتدا سطح کار را با رنگ سفید و غلیظ (با رنگی دیگر) می پوشانند و پس از حرارت روی این بوم سفید را نقاشی می نمایند. به همین دلیل به آن مینای نقاشی می گویند.

● مواد اولیه

– مواد اولیه‌ی مورد مصرف بدنه‌ی مینا :

از فلزاتی مانند مس، طلا، نقره، ورشو و برنج که در واقع زیر ساخت را فراهم می آورند استفاده می شود، که فلز مس به خاطر حالت چکش خواری، از بقیه فلزات رایج تر است.

– مواد اولیه‌ی مورد مصرف در لعاب مینا :

از سیلیس، کربنات، سدیم، پتاسیم، آهک، قلع و ... استفاده می شود. در مینا کاری برای تهیه‌ی رنگ قرمز از طلای حل شده به اضافی برآکس و کربنات سدیم، برای تهیه‌ی رنگ سبز از مس به اضافی کرومات سرب و برای تهیه‌ی رنگ زرد از ترکیب آهن ، اکسید کروم و قلع و در هر صورت برای شفافیت لعابها از اکسید قلع استفاده می شود . در گذشته که مینا کاری رواج اندکی داشته ، رنگها گیاهی یا معدنی بوده ، ولی اکنون برای نقاشی و لعاب اشیاء مینایی از رنگ های شیمیایی نیز استفاده می شود .

● ابزار کار

ابزار کار ساخت ظروف مینا عبارتند از :

(۱) ورقه‌ی مس (طلا یا نقره و ...)

(۲) کاغذ کپی

(۳) چکش: که با فرم‌های متنوعی که در سر خود دارند، قادرند حالت‌های مختلفی (فرورفتگی و برآمدگی) را در فلز ایجاد نمایند.

(۴) سندان : که می تواند بسته به اندازه و فرم مورد نظر کوچک یا بزرگ باشد، به جای سندان می توان از تنه‌ی درخت مناسب استفاده نمود.

(۵) گیره

(۶) کمان اره و تیغ اره‌ی فلز بر

(۷) قیچی فلز بر

۸ قلم مو

(۹) انواع رنگ‌های گیاهی – معدنی و فلزی

(۱۰) کوره

● محل تولید



● روش نگهداری

از آن جا نقوش مینا توسط لعاب شفاف پوشانده شده است، شستن با آب گرم و اسفنج صدمه‌ای به ظروف نمی‌زند ولی از کشیدن اشیاء نوک تیز و برنده و ضربه زدن به آن باید جلوگیری کرد (ضربه زدن ایجاد پریدگی می‌نماید) بدیهی است حرارت زیاد و نا متناسب نیز بعضی از رنگ‌های مینا را می‌سوزاند.

هنرمند ایرانی همواره با کارش هنریش به هنگام حک کردن نقشی بر سنگ یا فلزی و یا ترسیم نقش‌های هندسی و نمادین بر بافته‌ای و یا تراشیدن پیکره‌ای به هر حال مقصودی را بیان و رمز و رازی را آشکار ساخته است.

فصل ششم - نگارگری

نگارگری

نگار در معانی متعددی چون: نقش و نقاشی، نقشی که از حنا بر دست و پای محبوب کنند، تحریر، بت، صنم و معشوق به کار رفته است. در حقیقت «نگارگری» مفهوم عام دارد و روشها و سبکهای گوناگون نقاشی ایرانی را شامل می‌شود، چه آن‌ها که در کتاب و نسخه‌های خطی صورت گرفته شامل تذهیب کاری، تشعیر، حاشیه سازی، جدول کشی، گل و مرغ و غیره است، چه آن‌ها که بر دیوار بناها یا بومهای دیگر انجام گرفته است. نگارگری ایران تجسم و ابداع هر چه بیشتر زیباییهاست که در خیال روشن هنرمند نقش می‌بندد.

نگارگری ایران با مینیاتور غربی

در اروپا، لفظ «مینیاتور» به نقاشیهای ظریف داخل کتابهای مذهبی دوره‌های «بیزانس» و «گوتیک» گفته می‌شود. این واژه نخست به وسیله جهانگردان اروپایی و سپس توسط خاورشناسان سده نوزدهم در مورد نقاشی ایران استفاده شد. ولی هنرمندان ایرانی بیشتر عنوان «نگارگری» را برای نقاشی سنتی ایران جایز می‌دانند.

مکتب بغداد

با ترجمه کتابها از زبان های پهلوی، سانسکریت و یونانی به عربی در دوره عباسی و نسخه برداری از این کتابها، زیباسازی و نقش تصویر در آن ها نیز رایج شد. مشهورترین نسخه خطی در میان این کتابهای علمی، نسخه ای از کتاب «دستوریدوس» به تاریخ ۶۱۹ ه. ق است که هم اکنون اوراق شده است. از ویژگیهای نگاره های این دوره، شباهت چهره ها به نژاد سامی (عربی) است.

ویژگیهای نگارگری مکتب سلجوقی

در مکتب سلجوقی، نقشها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده و پدیدار گشته اند. چهره ها با چشمهای بادامی و شبیه به نژاد زرد و لباسها با گل و گیاه و نقوشی به سبک «اسلمی» تزئین می شد.

قدیمی ترین و معروفترین نسخه شاهنامه که تاکنون شناسایی شده کدام است و مربوط به چه دوره ای است؟

قدیمی ترین نسخه شاهنامه، «شاهنامه کاما» مربوط به دوره سلجوقی است.

ویژگیهای نگارگری مکتب مغول

با حمله مغول به ایران، موجی از ویرانی و مرگ، ایران را فرا گرفت و هستی مردم را تهدید کرد. ولی مغولان در اثر آشنایی با فرهنگ و هنر ایرانی و نفوذ اسلام، از هواخواهان فرهنگ و هنر ایرانی شدند. ارتباط ایلخانان با اقوام خود به ویژه چین، باعث نفوذ برخی از عوامل نقاشی چین در نقاشی ایرانی شد. به این ترتیب که ابرهای موج کنگره دار داخل هم، تنه درختان گره دار و بسیار پیچیده، صخره های بلند و قله های نوک تیز نوعی منظره سازی ناهمگن با نقاشی ایران که با ویژگیهای نقاشی عصر مغول تلفیق شده، در آثار این مکتب وجود دارد. همچنین پر تحرک شدن انسان ها و حیوان ها، درشتی و نازکی خطها و چین و شکن لباسها، به کارگیری صحنه های پر جمعیت تر و بر روی هم مجموعه مؤثرتری را به معرض دید می گذارد.

مکتب هرات

تیمور پس از تصرف شهرهای ایران، سمرقند را پایتخت خود قرار داد. او با کوچ دادن هنرمندان ایرانی و بغدادی به سمرقند، باعث شد که این شهر مرکز فرهنگ و هنر سرزمینهای اسلامی قرار گیرد. پس از تیمور، پسرش شاهرخ «هرات» را به پایتختی برگزید و هنرمندان را به هرات دعوت کرد و بدینسان مکتب هرات پایه ریزی شد.

ویژگیهای نگارگری مکتب هرات

هنر این دوره، هنری واقعی، ملی و موافق با طبع و روحیه ایرانی است. در این دوره، نگارگری وارد مرحله جدیدی از شکوفایی و تحول شد و به عالی ترین درجه خود رسید. کمال الدین بهزاد از هنرمندان این دوره، تحولاتی شگرف در هنر نگارگری ایران به وجود آورد که می توان به درستی و پر تحرک بودن طرحها همراه با پختگی شگفت انگیز رنگها و ظرافت به کار گرفته شده در نمایش درختان، گلها و حالتها و چهره ها اشاره کرد.

کلیله و دمنه، شاهنامه بایسنقری، مجمع التواریخ اثر حافظ ابرو، ظفرنامه، خمسه نظامی از کتابهای مصور شده این دوران است.

ویژگی های نگارگران مکتب تبریز

نگارگران تبریزی بی آنکه سطح تخت نقاشی را بشکنند، ترکیب بندیهای چند سطحی آفریدند که از پایین به بالا گسترده می شود و غالباً از حد فوقانی قاب بیرون می زند. همه چیز آکنده از حرکت و جنبش است. رنگها درخشان، پرمایه و پرکشش و حساس و آرام است. از جمله ویژگیهای نقاشیهای این دوره پوشش سر اشخاص به صورت کلاه قرمز رنگ قزلباشی است که دوازده ترک دارد.

تذهیب

تذهیب به معنی زراندود کردن و طلاکاری با نقوش الهام گرفته از طبیعت، ولی کاملاً تجریدی، منظم و هندسی است که با خطوط مشکی و آب طلا تزئین شده است. در اوایل دوره اسلامی تذهیب، برای تزئین و جداسازی آیات قرآن مجید مورد استفاده قرار گرفت. در سده سوم و چهارم هجری، ساده و بی پیرایه و با نقوش ساده و هندسی به کار گرفته شد. در سده هشتم با شکوه و مجلل، در سده نهم و دهم ظریف و پرمایه و در سده یازدهم و دوازدهم به اوج تنوع و تعدد مکاتب خود رسیده است.

تشعیر

تشعیر از شعر به معنای «مو» گرفته شده است. در تشعیر، خطوطی به نازکی و ظرافت یک موی به کار می رود که علت نام گذاری این هنر است. تشعیر با نقوش گیاهی و جانوری همراه است و معمولاً در حاشیه نسخه های خطی یا مرقعات با طلا رسم می شود.

ابزار و مواد نگارگری

قلم مو - بوم - رنگ - بست

بوم

به هر چیزی که نقش، بر روی آن صورت گیرد، «بوم» یا «کار» گویند. بوم می تواند از جنس فیبر سفید، چوب، کاغذ، مقوا، صاف و عاج باشد که هریک از این مواد، شرایط خاص خود را دارد و قبل از استفاده برای زمینه کار آن را آماده می کنند.

رنگهای مورد استفاده در نگارگری

(۱) رنگهای گیاهی: پوست گردو، چای و غیره که بیشتر برای رنگ کردن بوم و کاغذ به کار می رود.

(۲) رنگهای معدنی: طلا، نقره، لاجورد، سرنج و انواع اکسیدهای فلزی.

(۳) رنگهای شیمیایی.

رنگهای روحی و رنگهای جسمی

رنگهای روحی، رنگهایی هستند با رنگ دانه های ریز و شفاف مثل آبرنگ که برای تزئین قلمگیری و صورت سازی به کار می روند. رنگهای جسمی، رنگهایی هستند با رنگ دانه های درشت و قدرت پوشانندگی زیاد مثل گواش و رنگهای پودری .



فصل هفتم - رودوزیهای سنتی

رودوزیهای سنتی

رودوزی آن دسته از صنایع دستی کشور ماست که طی آن طرحها و نقوش سنتی با ابزاری ساده نظیر سوزن، قلاب و غیره و با بهره گیری از انواع نخهای رنگین یا فلزی بر روی پارچه های بدون نقش به وجود می آید.

چهار گروه اصلی رودوزیهای سنتی

(الف) رودوزی با حذف تار و پود؛

(ب) رودوزی با نخهای رنگی؛

(پ) رودوزی با زمینه پر؛

(ت) رودوزی با افزودنیهای تزئینی؛

نمونه هایی از رودوزی با نخهای رنگی

(۱) چشمه دوزی : قدیمی ترین رودوزی اصفهان است که معمولاً روی کتاب سفید یا رنگی با نخهای هم رنگ یا رنگی انجام می شود. این دوخت به وسیله نقشه و شمارش الیاف کتاب صورت می گیرد.

(۲) سکه دوزی : عبارت است از بیرون کشیدن تعدادی تار، پود یا هر دو از نقطه یا نقاط معینی از پارچه و پر کردن جای آن با سوزن، به طوری که نقشی از آن پدید آید.

(۳) شبکه دوزی : معمولاً روی پارچه کتانی، ابریشمی و پشمی ظریف، در اطراف کارهای قلابدوزی انجام می شود. بافت پارچه باید ساده باشد. محل شبکه را قبلاً روی پارچه تعیین کرده، نخهای پارچه را به اندازه لازم می کشند و برای دوخت آن از نخ هم رنگ یا رنگی استفاده می کنند .

انواع رودوزیها با نخهای رنگی

(الف) قلاب دوزی : ابتدا نقوش، روی پارچه شسته شده منتقل، و پس از آن پارچه به کارگاه بسته می شود. نخ را به پشت کارگاه می برند و قلاب فلزی را که دارای دسته چوبی است از روی نقش در پارچه فرو می کنند. نخ زیر پارچه را به دور قلاب پیچیده، قلاب را می چرخانند و از پارچه بیرون می آورند.

ب) برودری دوزی (دندان موشی): ابتدا روی نقشه را با نخ دولا دوخته، بعد روی آن را دندان موشی می دوزند. سپس بین نقشه هایی که در وسط دوخته می شود، بندهایی ایجاد می کنند. برای دوختن این بندها، نخ را سه مرتبه از یک طرف به طرف دیگر می برند و دور این نخها را از سمت راست به چپ دندان موشی می کنند، تا پر شود.

انواع رودوزی با زمینه پر

۱) بخارا دوزی: از تزئینات سنتی ایران است که بیشتر روی پارچه های چلوار یا کتان و به ندرت بر روی پارچه های ابریشمی انجام می شود. پس از انتقال نقش روی پارچه، از نخهای ابریشم تابیده به حالت توپردوزی کوتاه و بلند، استفاده می کنند.

۲) سوزن دوزی بلوچ: کار با نخهای دمس به رنگهای تند بر پارچه های کتان انجام می شود.

انواع رودوزی با افزودنیهای تزئینی

۱. مليله دوزی: دوختن مليله بر پارچه را مليله دوزی می گویند. مليله یا نقره ای یا طلایی است که میانش مثل لوله خالی باشد. مليله معمولاً بر پارچه های مخمل یا ترمه دوخته می شود.

۲. نقره دوزی: هم ردیف مليله دوزی است و معمولاً روی پارچه مخمل، ابریشم، تافته، اطلس، توری و کتان انجام می شود. نقره، سیمهای نازکی از طلا یا نقره است که مانند نخ با کمک سوزنی که قطر آن متناسب با ضخامت نقره مصرفی است، بر پارچه نقش می اندازند.

رودوزیهای تلفیقی

پس از انتقال طرح مورد نظر روی پارچه ساتن یا مخمل، با دوختن پولکهای مطلا، مليله و منجوقهای الوان روی طرح آن را پر می کنند. در این تزئینات، گاهی فلزاتی شبیه سکه به رنگهای مختلف به کار می برند.

فصل هشتم - رنگریزی و چاپ سنتی

رنگریزی

تثبیت یک ماده رنگ دار بر روی سطح اتکای مورد نظر را «رنگریزی» می گویند. ماده رنگی ممکن است به سطح جسم، چسبیده و ثابت شود یا آنکه در داخل الیاف نفوذ کند.

مراحل رنگریزی سنتی

الف) دندانان دادن ب) رنگریزی

دندانان دادن: به مجموعه عملیاتی می گویند که بر روی انواع الیاف انجام می شود. تا قدرت رنگ پذیری آن ها را افزایش داده و رنگ حاصل شده را ثابت و بادوام سازد. موادی را که به این منظور به کار می رود، دندانان می نامند. دندانان در روی سطح الیاف، خلل به وجود می آورد که باعث نفوذ بیشتر رنگ به داخل الیاف شود.

رنگرزی: در رنگرزی، برای آماده نمودن الیاف، ابتدا آن ها را در حمام آب گرم ۳۰ تا ۴۰ درجه سانتیگراد برای مدت دو ساعت خیس کرده، سپس در آب نیمه گرم شستشو می دهند تا مواد اضافی و چربی آن گرفته شود. چنانچه کلافها خشک شود، برای رنگرزی مجدداً آن ها را نمودار می کنند و داخل آب گرم حدود ۷۰ درجه سانتیگراد می ریزند، حرارت می دهند و دندان را به آن اضافه می کنند. سپس الیاف دندانه شده را داخل حمام رنگ می ریزند و دمای حمام را به تدریج به نقطه جوش می رسانند. در طول مدت جوش هر چند دقیقه یک بار الیاف را به هم زده، زیر و رو می کنند تا به طور یکنواخت رنگ بگیرد.

چاپ سنتی

کلیه فرآورده هایی که با قلم مو، قالب و شابلون، رنگ آمیزی و پذیرای نقش می شوند، در گروه «چاپ سنتی» قرار می گیرد؛ مانند چاپ قلمکار و چاپ کلاته ای .

انواع چاپ سنتی روی پارچه

۱) چاپ روی پارچه های پنبه ای و کتان که به «قلمکار سازی» یا چیت سازی معروف است و تاریخی طولانی دارد .

۲) چاپ روی پارچه های ابریشمی که به چاپ «کلاقه ای» مشهور است .

چاپ کلاقه ای یا باتیک یکی از روشهای چاپ بر روی پارچه است که در کشورهایمانند اندونزی ، تایلند، سریلانکا و هند و ایران از قدیم کاربرد داشته اند

این روش در ایران بیشتر در تبریز و اسکو رواج دارد و کلاقه ای نامیده می شود. واژه باتیک ریشه اندونزیایی دارد. در چاپ کلاقه ای، کلیه طرحها و رنگها را با استفاده از واکس و عملیات رنگرزی بر روی پارچه منتقل می کنند. برای این کار بیشتر از پارچه ابریشم استفاده می شود. تاروپود پارچه از واکس پوشیده می شود و هر دو روی پارچه یکسان نقش می شود.

رنگهای به کار رفته برای چاپ بیشتر از دسته رنگهای گیاهی مانند روناس ، اسپرک، پوست انار و زردچوبه است. یکی از ویژگی های چاپ کلاقه ای ایجاد رگه های رنگی است که در اثر شکستن واکس و نفوذ رنگ از میان این شکست ها به پارچه در حین عملیات رنگرزی بر روی پارچه پدید می آید.

ابزار کار چاپ باتیک «تیان» نام دارد که وسیله ای فلزی شبیه به قیف نازک است. همچنین قلم مو ، مهر و کارگاه چوبی (برای مهار کردن پارچه) نیز استفاده می شود. روش های چاپ باتیک عبارتند از چاپ مستقیم، چاپ برداشت، چاپ با شابلون، نقاشی باتیک روی پارچه ابریشمی، تار عنکبوتی، قلم مویی، بدون رنگرزی و باندا (پیچشی). استاد گنجینه از استادان معروف این سبک در ایران است.

روش چاپ قلمکار سازی

در این شیوه از چاپ نقش اندازی با قالبهای چوبی، بیشتر روی پارچه های پنبه ای یا کتان نظیر چلووار، متقال و غیره یا پارچه های کدري ساده انجام می شود. طراحی و ساخت قالبهای چوبی، اولین و شاید مهمترین مرحله چاپ قلمکار است . ابتدا نقش مورد نظر با مداد بر روی کاغذ پوستی یا روغنی رسم و سپس کار تفکیک رنگ انجام می شود. آنگاه نقش مربوطه به هر رنگ را بر روی چوب گلابی یا زالزالک منتقل نموده، اطراف آن را به کمک ابزار مخصوصی مانند چاقو یا مغار می تراشند تا نقوش، حالتی برجسته به خود گیرد. معمولاً برای هر طرح چهار قالب می سازند که هر قالب یک رنگ را بر روی پارچه منتقل می کند . پس از انتخاب و آماده کردن پارچه مورد نظر در اندازه مناسب، حاشیه دوزی و ریشه تابی، آن را برای چاپ آماده می کنند. برای سفید کردن، پارچه ها را در معرض نور خورشید قرار می دهند. هنرمند با کمک قالب چوبی به چاپ نقش بر روی پارچه می پردازد. در پایان پارچه نقش زده را می شویند تا رنگهای اضافی از بین برود .

گازری کردن پارچه

برای ثبات رنگ پارچه پوست انار ساییده شده را در آب جوش ریخته، مقداری مغز روناس به آن می افزایند و حرارت می دهند. سپس پارچه را در داخل پاتیل می جوشانند. با بیرون آوردن و شستن مجدد آن رنگهای به کار رفته ثابت می ماند. به این مرحله «گازری کردن» پارچه می گویند .



فصل نهم - شیشه گری

سیر تاریخی هنر شیشه گری

قدیمی ترین نمونه ها از شیشه های دست ساز در خاورمیانه پیدا شده است. باستان شناسان معتقدند که سومری ها در هزاره سوم قبل از میلاد با شیشه، آشنایی داشته اند. گیرشمن بطریهای شیشه ای زیادی از حفاریهای معبد چغازنبیل به دست آورده است. از زمان هخامنشیان،

شواهد اندکی برای استفاده کلی از شیشه در دست است. آثار شیشه ای کهن نشان می دهد که تا قبل از سده اول پیش از میلاد، از شیشه فقط به حالت توده ای استفاده می کرده اند. با کشف اشیای شیشه ای زمان پارتها و ساسانیان می توان گفت صنعت شیشه سازی در ایران رواج کامل داشته و از دو روش ساخت «دمیدن در قالب» و «دمیدن آزاد» استفاده می شده است. از دوره سلجوقیان تا دوره مغول ظرفهای شیشه ای بسیار زیبا با تزئینات مختلف به صورت مینایی، تراشیده یا با نقوش افزوده از کوره شیشه گران شهرهای مختلف ایران بیرون می آمد.

مواد و مصالح شیشه گری

(۱) **عناصر پایه:** سیلیس یا اکسید سیلیسیم، ماده اصلی تمام تولیدات شیشه است که به صورت شن، سنگ چخماق یا سنگ چینی وجود دارد. اکسید بوریک به عنوان عنصر اصلی در ساخت شیشه استفاده می شود .

۲) **عناصر ذوب کننده**: این عناصر مانند سود به صورت کربنات سدیم، سولفات سدیم، استات سدیم نقطه ذوب سیلیس را پایین آورده، به ضمیر شیشه حالت قلیایی می دهند.

وسایلی، مورد استفاده در کارگاه شیشه گری

روشهای ساخت شیشه

روش فوتی

خود بگیرد. سپس از میله دم جدا نموده، لبه کار را صاف می کنند و آن را به گرمخانه می برند، مانند انواع بطری، آبلیمو، گلاب و غیره .

روش پرسی

ساخت در قالب های پرس بادی نیز بیشتر برای انواع بطری به کار می رود، به این صورت که مقدار مناسب مواد مذاب را با میله دم از کوره بر می دارند و آن را بسیار سریع از میله دم جدا کرده، در قالب پرس قرار می دهند و با بستن قالب و فشار هوای وارد شده در قالب، خمیر شکل مورد نظر را می گیرد. سپس قالب را باز کرده، به سرعت شیء ساخته شده را خارج نموده، در گرمخانه قرار می دهند .

روش تولید شیشه رنگی

برای رنگی کردن شیشه، در خمیر آن از اکسیدهای فلزی به ترتیب زیر استفاده می کنند :

الف) اکسید آهن : رنگ سبز روشن و تیره به دست می آید. همچنین با افزودن اکسید کبالت به آن، آبی خیلی کم رنگ به وجود می آید .

ب) اکسید کرم : رنگ سبز، زرد یا آبی سبز خواهد داد .

پ) اکسید مس : معمولاً رنگ سبز یا آبی سبز خواهد داد. در بعضی حالات نیز رنگ قرمز ایجاد می کند .

روش آب گز کردن

شیء شیشه ای ساخته شده را بعد از انبری کردن، در مقابل حرارت کوره قرار می دهند تا کاملاً گداخته شود. سپس آن را وارد آب کرده، به سرعت خارج می کنند. به این ترتیب ترکهای ریزی در بدنه پدید می آید . سپس آن را در کوره حرارت می دهند تا ترکها به هم جوش بخورد. بعد از آن به تمام کردن ساخت ظرف ادامه می دهند .

قدیمی ترین کار تکمیلی و تزئین بر روی شیشه تراش شیشه است. در حال حاضر نیز تراش شیشه در کارگاههای شیشه گری معمول است. برای تراش، شیشه را با ضخامت زیاد و گاه دو پوست و سه پوست می سازند و از چرخهای سیلیسی ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتری ، تراشهای مختلف ایجاد می کنند.

نقاشی روی شیشه

این کار به دو صورت سرد و گرم اجرا می شود. برای نقاشی سرد از رنگهای روغنی بر روی شیشه های مات، شفاف یا رنگی استفاده می کنند. در نقاشی گرم از لعابهای رنگی شیشه ای با نقطه ذوب پائین استفاده می کنند. پودر این رنگها به طور عام، وارداتی هستند. آن ها را با ترانتین مخلوط کرده، با قلم مو روی شیشه نقاشی می کنند. سپس کار نقاشی شده را به گرمخانه برده، حرارت می دهند تا رنگ روی شیشه تثبیت شود.

فصل دهم - سایر مصنوعات صنایع دستی

سراجی سنتی

تهیه پوست و چرم و استفاده های کاربردی از آن بیشتر تابع موقعیتها و مناطقی است که انسان در آن زیست نموده است. اهمیت فرآورده های چرمی در صنایع دستی تا حدودی به ساختمان فیزیکی چرم مربوط است. این ماده مانند پارچه قابل دوختن و مانند چوب نقش پذیر است. قابلیت کشش دارد و قابل رنگ آمیزی و شکل پذیری می باشد. این ویژگیها سبب گردیده تا چرم در دستهای یک ذهن خلاق، شکلهای متفاوتی به خود بگیرد و کاربردهای فراوانی داشته باشد. مانند کیف، کفش، کمربند و غیره که از چرم ساخته می شود.

پوستین دوزی

برای ساختن پوستین، ابتدا پوست را دباغی و سپس رنگ آمیزی و یکدست می کنند و از روی الگو برش می زنند. پس از آن با نخهای ابریشمی روی آن را گلدوزی می کنند و در پایان، قسمتهای مختلف را به شیوه سنتی به هم می دوزند. هنر پوستین دوزی در شاندیز، دوین، مشهد، قوچان و درگز در استان خراسان، هنوز هم رواج دارد.



هنر جلد سازی

انواع جلدها

- جلد ضربی
- جلد روغنی
- جلد سوخت
- جلد معرق

جلد ضربی

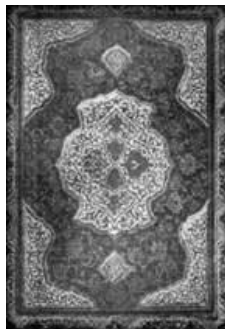
جلد ضربی را کوبیده نیز میگویند و به این ترتیب ساخته می شود که ابتدا طراح یا مذهب، طرح مورد نظر را روی دو قطعه برنج ضخیم طراحی می کند. سپس استاد قلمزن آن را حکاکی می کند. بعد از آن، صحاف این دو قطعه برنج حکاکی شده را کمی داغ کرده و با چکش روی چرمی که قبلاً در آب نهاده و نم برداشته می کوبد تا اثر نقش بر روی آن منتقل شود. در صورت تمایل فرو رفتگی و برجستگیهای ایجاد شده را با محلول طلا یا نقره می آریند.



جلد روغنی

ابتدا صحاف مقوا و عطف آن را به اندازه مورد نظر آماده می کند. سپس نقاش یا مذهب آن را بوم زده، زمینه نقاشی بر روی آن را فراهم می کند و تصاویری در رو و پشت مقوای جلد، نقاشی و رنگ آمیزی می کند. پس از پایان نقاشی جلوه خود نقاش روی آن روغن کمان می زده است و این روغن زدن را در فضای خالی از گرد و غبار چند بار تکرار می کرده تا نقش جلد تابناکی و

جلوه پیدا کند و از هر آسیبی محفوظ بماند.



جلد سوخت

ابتدا مذهب، نقشه را روی کاغذ یا پشت چرم با قلم مو طراحی می کند. سپس سوخت ساز، با وسیله ای به نام «نقش بر» و با دقت بسیار، نقش آن را از بوم جدا نموده و در محلی روی جلد یا درون آن که قبلاً با رنگ یا اطلس خوشرنگ آماده کرده، می کوبد تا بچسبد. به جهت رنگ تیره چرم مورد استفاده، به آن «سوخت» یا سوخته می گفتند.

روش ساخت جلد معرق

جلد معرق نیز مانند جلد سوخت است، با این تفاوت که در معرق قطعه هایی با رنگهای مختلف از چرم، تیماج یا ساگری بریده شده و روی زمینه آماده جلد، در کنار هم قرار می گیرد و نقشی را به وجود می آورد.

نمد مالی

نمد فرآورده ای است از پشم که بیشتر به عنوان لباس و کلاه یا زیرانداز از آن استفاده می شود.

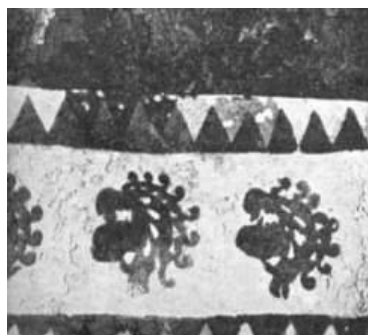
روش تهیه نمد

کار نمد مالی سخت و طاقت فرساست. پشم بعد از تمیز کردن و رنگرزی، حلاجی شده، سپس نمد مال با کمک دست و پا آن را روی زمین می غلتانند و در ضمن این کار کف صابون و آب به آن می افزایند. به این ترتیب پشم را در هم می کند و نمد می سازد.

پایه ماشه ساز

پایه واژه فرانسوی به معنی کاغذ و ماشه به معنی مچاله کردن است. روش کار چنین

است که با کاغذهای باطله، آب و مقداری چسب، خمیر تهیه می کنند و با آن اشیای کوچکی مانند قلمدان، جلد کتاب، جعبه آینه و غیره می سازند. پس از خشک شدن روی آن را نقاشی و سپس با لاک یا روغن می پوشانند.



ایلات و عشایر ایران

کوچ عبارتست از جابجایی دسته جمعی خانوارهای یک ایل، همراه با دام ها، از محلی به محل دیگر و بالعکس.

ایل و عشیره (ایل - طایفه - تیره - خانوار)

عشیره لغت عربی است از ریشه عشر به معنی دهه.

ایل لغت ترکی است به معنی طایفه، قبیله، عشیره و ...

هدف از کوچ عبارتست از موقعیت سرسبزی مراتع و چراگاه های طبیعی، در فاصله زمانی معین جهت پرورش دام و برخورداری از فراورده های دامی است.

- انواع کوچ
- ۱- کوچ عمودی: جابجایی گروهی خانوارهای کوچنده از دشت به ارتفاعات و بالعکس.
 - ۲- کوچ افقی: این شیوه جابجایی انسان و دام بیشتر مربوط به عشایری است که در سرزمین های وسیع، مسطح و خشک زندگی می کنند و عمده چهارپایانشان شتر است. (کرمان - بلوچستان)

زمان کوچ: زمان کوچ ارتباط مستقیم با گرم شدن و سرد شدن هوا دارد و نمی توان روز یا هفته معینی را در نظر گرفت؛ علاوه بر سرما و گرما، دوری و نزدیکی سردسیر و گرمسیر، زمان رویش و غلزار مورد تغذیه دام ها، داشتن یا نداشتن مراتع اختصاصی در زمان کوچ مؤثر است.

اصطلاحات در ایل:

- ۱- مال کنون: عبارتست از کندن و جمع کردن چادرها و اثاثیه داخل آن ها به قصد حرکت از گرمسیر به سردسیر و بالعکس. این امر علاوه بر عوامل جوی، بستگی به ساعت و روز حرکت دارد.
- ۲- ایل راه: فاصله بین و منطقه سردسیر و گرمسیر و بالعکس، که ایل باید در پیش گیرد را " ایل راه " گویند.
- ۳- ایل پیچ: اصطلاحی است در بین عشایر بختیاری و زمانی گفته می شود که ایل به هر دلیلی از مسیر اصلی خود منحرف گردد و طوایف و تیره ها هر کدام به کوهی بار اندازند. (به معنی اینکه ایل به کندی راه می پیماید).
- ۴- وارگه یا منزل: ایل در طی مسافت از سردسیر به گرمسیر و بالعکس، ناگزیر از ارتزاق در محل های مخصوص است که با محاسبه دقیق و موقعیت طبیعی محل تعیین شده است.

رسوم و تشریفات زایش

- ۱- هفت شب عده ای از مردان نگهداری و حفاظت از کودک را بر عهده می گیرند.
 - ۲- بالای سر کودک چراغ روشن می کنند و باور دارند با این عمل کودک از شر موجودات نامریی (بختک) محافظت می شود.
- در برخی ایلات برای محافظت از حیوانات و آدمیان، برخی اعمال تابویی رعایت می شود.

۱- فردریک بارث می نویسد: بره ها، بزغاله ها و کره الاغ ها و اسب ها، نباید به چادری که در آن کودک است داخل شوند.

۲- مردی که سوار بر اسب است و یا مردی که خیلی خسته است و همچنین زنی که مهره سفید و زرد به تن دارد نایستی به چادر نزدیک شود.

۳- مراسم نامگذاری در روز سوم و یا هفتم تولد و در مواردی با مفاهیم رمزی و باورهای جادویی همراه است.

۴- خانواده بدون پسر که دختران زیادی دارند، برای جلوگیری از دختر زایی نام دختر را گل بس، ماه بس، دختر بس و ...، و به منظور جلوگیری از مرگ نوزاد پسر، او را "بمانی، مندنی" می نامند.

مراسم مرگ و سوگواری

در میان آداب و رسوم جامعه عشایر، از میان حالات چهارگانه (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ) بیش از همه به ازدواج اهمیت می دهند؛ اما در بعضی از مناطق عشایری، مرگ و سوگواری به اندازه ازدواج مهم بوده، به ویژه اگر رؤسا و بزرگان را از دست داده باشند، تا یکسال سوگواری ادامه پیدا می کند؛ چرا که جامعه عشایری، مرگ اشخاص بزرگ از یک طرف سبب همبستگی قبیله ای و از سوی دیگر سبب رفع خصومت با دیگر طوایف می گردد.

در این زمان طوایف دور و نزدیک با فرستادن هدیه به منظور تأمین مخارج سوگواری در مراسم "پرسه" شرکت می کنند. در مراسم سوگواری، رسم "کتل گردانی" (اسب و سایر وسایل متوفی، پارچه سیاه پشت اسب و پارچه سبز گردن اسب (= یال بند) و چمری (ساز چپ) با استفاده از سرنا و دهل حرکات موزون و دسته جمعی و مویه کنان انجام می گیرد.

زبان

هر قوم و قبیله یکسری اصطلاحات دارد که آن ها را بکار می برد و معمولاً از زمانیکه فکر یا اندیشه در شخصی بوجود آید، آن فکر را با کلمات و اصطلاحات خاص خود بکار می برد؛ لذا زمانیکه بر روی زبان محلی تحقیق نمایید، می توانید بسیاری از افکار آنان را نیز بخوانید. خیلی از کلمات هستند که متروک شده و دیگر بکار نمی روند. در زبان عده ای از اقوام جن را از ما بهتران می نامند. و بعضی از بکار بردن کلمه مار وحشت دارند.

ادبیات

ادبیات در میان ایلات و عشایر بسیار غنی است و به دو صورت کتبی و شفاهی وجود دارد. ادبیات شفاهی سینه به سینه منتقل شده تا به امروز رسیده است. در مورد ادبیات کتبی، باید گفت بسیاری از طوایف و عشایر ایرانی در مناطق روستایی و شهری که دارای لهجه با گویش ویژه ای هستند، داستان ها و سروده هایی به زبان محلی دارند که به صورت دست نوشته، نزد مردم یافت می شود. داستان ها به صورت حماسی و عشقی است که از شاهنامه مدد گرفته شده است.

بازی و سرگرمی

در نزد ایلات و عشایر سان و کوچنده به عنوان تفریح و گذران اوقات فراغت وجود داشته است . بازی در جوامع سنتی نوعی کارآموزی تلقی می گردد ؛ مخصوصاً بین جوامع ایلاتی که بازمانده نظامی هستند .

سوارکاری ، تیراندازی ، چوب بازی ، کشتی گیری و ... نه تنها به عنوان گذران اوقات فراغت ، که با هدف آماده سازی فرد برای زندگی اجتماعی و مقابله با خطرات و هجوم های احتمالی بود .

در بین حیوانات هم بازی به عنوان آمادگی برای جنگ است ، اما محدود است ؛ ولی در میان انسان ها تنوع زیادی دارد .

بازی ها به چند دسته تقسیم می شوند :

۱- بازی های حسی که هدف از آن پرورش حواس است .

۲- بازی هایی که هدف از آن نیرومندی انسان است .

۳- بازی های فکری

۴- بازی های اجتماعی که دو دسته به عنوان رقیب در مقابل همدیگر قرار می گیرند .

از خصوصیات بازی های اجتماعی ، تعدیل در خودخواهی و تکروی فرد و همراه شدن با گروه است و دوم آماده سازی افراد در زندگی اجتماعی و مقابله با مشکلات و پیشامدهای اجتماعی است .

بازی کلمه ای است فارسی که اصل آن از واژیک پهلوی گرفته شده و به عنوان تفریح مجازی بکار می رفته است .

داستانسرایی و شاهنامه خوانی

یکی دیگر از اشکال تفریح و گذران اوقات فراغت در نزد ایلات و عشایر به خصوص در نزد قوم ترک و لر ، برپایی مجالسی است که اصولاً به خواندن شاهنامه فردوسی می پردازند ؛ زیرا آنان به داستان های حماسی و عشقی علاقمند بوده و به رشد و توسعه روحیه سلحشوری در خود می پردازند و از کسانی که سواد کمی دارند و توانسته اند داستان های شاهنامه را از حفظ شوند ، خواسته می شود که مجلس داری نمایند .

صفی نژاد در مورد اهمیت شاهنامه در میان عشایر کهگیلویه و بویر احمد از قول کی خورشید نامی می نویسد : در کنار جاده ، جلوی قافله ها را گرفته و هر کس که سواد داشت به قبيله برده ، از وی پذیرایی می کردند ، به او زن می دادند تا مجالس شاهنامه خوانی را برپا کنند .

نمایش

نمایش نیز مثل سایر رسوم در بین ایلات و عشایر وجود دارد که نمایش ها یا نشان دهنده داستان های رزمی و حماسی است و یا تعزیه و در آخر اینکه در جشن ها و مراسم ویژه مثل میرنوروزی و کوسه انجام می گرفته است . در اجرای این نمایش ها یا از حرکات و الفاظ کمدی و یا رفتار و گفتار جدی استفاده می شده است .

موسیقی

از زمان های بسیار دور در بین ایلات و عشایر موسیقی وجود داشته بطوریکه در شاهنامه ، از موسیقی در عهد پیشدادیان و کیانیان سخن رانده است ؛ و در عهد مادها ، هخامنشیان ، اشکانیان و ساسانیان که اوج هنر موسیقی و نوازندگی در عهد باستان است ، از اشکال مختلف موسیقی استفاده شده است .

امروزه بعد از گذشت نزدیک به ۱۵۰۰ سال از پادشاهی خسرو پرویز ، نام شماری از الحان ساخته شده توسط باربد در اشعار سرایندگان کُرد از طوایف اهل حق کرمانشاه ، چون سیدالحق مایدشتی و خانای قبادی سراینده خسرو و شیرین کُردی ، آمده است . مانند : گنج باد آور ، هورمشا ، مشکاوا ، اورنگی ، حقه کاوس ، ماه بر کوهان ، آرایش خورشید ، سبز در سبز ، نوشین باده ، مهرگانی و

مقام ها معمولاً ۳ نوع است :

۱- **مقام های کلام** : که مذهبی هستند و اجرای آن جز در جمخانه (نیایشگاه اهل حق) و به هنگام نیایش و آداب و مناسک دینی مجاز نیست .

۲- **هوره خوانی و بیت خوانی** : گل و دره ، دودنگی ، ساروخانی ، سحری ، خان امیری و

۳- **مقام های مجاز** : که نسبت به دو مقام بالا در مرتبه پایینتری قرار دارد .

سرودهای مذهبی (کلام ها) اهل حق همراه با طنبور (ساز مقدس) رمز یاری و سر سپردگی با خالق است ، از این رو در نگهداشت آن کوشیده اند .

درباره موسیقی غیر مذهبی ، " بایل نیکیتین " می نویسد : آوازهای غیر مذهبی کُردها هم بر پایه موضوع های عشقی و غنایی و هم قهرمانی ترکیب یافته اند .

فقیرترین عشایر کُرد از لحاظ آوازاها و نغمه های دلنواز غنی هستند . قصه های کوتاه (چریکه - هوره) درباره جنگ ها که به آواز می خوانند در حین کوچشان به سمت چراگاه های تابستانی و به هنگامی که در گردنه های سنگلاخی توقف می کنند ، طنین انداز است .

موسیقی در نزد ایلات و عشایر " لر " بیش از اینکه شادی بخش باشد ، حزن انگیز است و به احتمال زیاد دلیل آن ، هجوم اقوام مهاجم باشد .

رقص در میان ایلات و عشایر

از موضوعاتی که در کنار موسیقی قرار می گیرد ، رقص و پایکوبی و دست افشانی است که معمولاً در ایلات و عشایر ، در کنار هم قرار گرفته ، دست به دست هم داده و همه با هم یک حرکت را اجرا می کنند . در بعضی از ایلات و عشایر ، زن و مرد در کنار هم هستند ، مثل کُرد ها ؛ و در بعضی از ایلات زن و مرد جدا از هم می رقصند . در اینگونه رقص ها که از لحاظ حرکت پا ، تندی و کندی و نوع آواز با همدیگر تفاوت دارند ، وجه مشترک آن ها دست در دست دادن همه رقصندگان است که نفر اول و نفر آخر دستمالی در دست گرفته و سایرین را هماهنگ می کنند .

اقوام کرد

کردان در شمار مهمترین ایلات ایران به شمار می روند و شامل طوایفی مانند: مگری، گوران، کلهر، سنجابی، قبادی، زعفران لو و شاد لو می باشند.

قسمت اعظم در شمال غرب و غرب ایران، در مرز ترکیه و عراق از جنوب ماکو تا شمال لرستان سکونت دارند. کردهای ایران، همه از یک ریشه و نژاد آریایی هستند. زبان آن ها بازمانده زبان های اصیل کهن ایران است و در بخش های مختلف فرق می کند؛ اما لهجه «کردی سنه» و «کردی مگری»، از دیگر زبان ها رایج تر است. کوچ نشین های کرد، غالباً سنی مذهب هستند.

دومرگان، کردان کوچ نشین مگری را اینگونه توصیف می کند:

مردمی هستند زیبا، با قد متوسط و شانه عریض و سینه سنگین برآمده، دارای اندامی متناسب و کله ای کوچک. موهای سیاه و کمی مجعد، پیشانی بلند، بینی عقابی، چشم های درشت به رنگ سیاه تند، با ابروهای پرپشت و گونه های برجسته و گلگون، ریشی سیاه و کم پشت دارند.

پوشاک: پوشاک مردم را نیم تنه ای با شلوار بسیار گشاد و پیراهنی با آستین فراخ و بلند تشکیل می دهد. روی کت آن ها مليله دوزی شده و مندیلی به سر می نهند.

زنان کرد با دامنی کوتاه نیم تنه مليله دوزی شده و شب کلاه ظریف، از خوش پوشترین زنان ایلات محسوب می شوند.

ایلات کرد را در قلمرو جغرافیایی، به علت تفاوتی که با هم دارند می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- ایلات کرد آذربایجان ۲- ایلات کرد کردستان و کرمانشاه

بطور کلی تمامی ایلات و عشایر کرد کوچنده و کردهایی که به صورت یکجانشین، در شهرها و روستاها زندگی می کنند، از چند وجه دارای خصوصیات مشترک و جالب توجه می باشند. مسکن کردها، غذا، بازی ها، آداب و رسوم و فولکلور هر کدام، نکات بسیار زیبایی است که در جای خود به بررسی هر کدام می پردازیم.

عشایر و مردم کرد، خانه را به هر شکل و صورت «مال» می نامند. یک مال از قسمت های زیر تشکیل شده است:

۱- نیشتمان: اتاق بزرگی که شامل دو قسمت است. قسمت عقب اجاق و انبار آذوقه است. در این محل برای نگهداری آرد، غلات و حبوبات از **کنو Kano** و برای نگهداری روغن از **هیزه Hiza** (خیک) استفاده می کنند. قسمت جلو که با نمد یا گلیم مفروش است، محل نشستن، غذا خوردن و خواب خانواده است.

۲- میوان خان: میوان هانه از نیشتمان کوچکتر است و با گلیم و قالیچه مفروش می گردد.

۳- برهیوان: اتاق نشیمن پاییزی. ۴- کادان: انبار علوفه.

۵- گوور: طویله. ۶- گل خان: آغل.

۷- تپال دان: انبار سوخت. ۸- کلانه: مرغ دان.

۹- کنه لان: جای نگهداری مشک های آب.

بازیل نیکتین «کردشناس معروف» در کتاب خود، بخشی را به مسکن و انواع آن اختصاص داده است و به توصیف دو نوع

مسکن پرداخته است: ۱- خانه ۲- سیاه چادر

* بطور کلی خانه مشتمل بر دو قسمت است:

۱- قسمت اول که خودشان کولان می نامند ، نوعی دالان یا راهرو است که در آن کوزه های آب ، هیزم و مواد سوختنی ، جاروب و ... را نگاه می دارند ؛ و انبار تابستانی (کوچیک) نیز در همان جا واقع است .

۲- قسمت دوم اتاقی است که در آن زندگی می کنند . در وسط آن تنور قرار دارد که به شکل کوزه بزرگی در زمین تعبیه شده است .

* سیاه چادر : چادرهای ایلات و عشایر ، منزل های سبک و قابل حملی هستند که آن ها را به آسانی جمع نموده و بر پشت حیوان قرار می دهند و هر کجا که بخواهند ، می روند . چادرهای کردها از تکه پارچه های سیاه که از موی بز بافته و به هم دوخته شده اند ، تشکیل یافته که به آن « رش مال » یا خانه سیاه می گویند . درون چادر با فرش های زیبا و مجلل مفروش شده اند . چادرهای بزرگ ، به وسیله تجیر (حصیر) به اتاقک هایی تقسیم می شوند . یک اتاق مختص زنان و اتاقی هم مختص رئیس خانواده است .

غذاهای ایلات کرد

کردان غذاهای متنوعی دارند : غذاهای تابستانی و غذاهای زمستانی .
غذاهای تابستانی :

۱- نان و دو (نان و دوغ) ، غذای عمومی عشایر و روستاییان .

۲- کلانه : از خمیر و پیاز ، گیاه معطر صحرایی موسوم به پیچک و کره می سازند که از بهترین غذاهای مقوی است .

۳- سیر و ماس (ماست) : نان و سیر را در دوغ کهنه موسوم به دوچن ترد کرده و روغن داغ روی آن می ریزند .

۴- پلاو : برنج رسمی با عدس یا کشمش .

۵- قارومه : گوشت قیمه شده با پیاز سرخ شده .

غذاهای زمستانی :

۱- دونیه : بلغور گندم پخته و دوغ ترش را با گیاهان معطر درست می کنند (به اصطلاح اهالی سنندج و کرمانشاه " ترخینه ") .

۲- شلم : گندم خرد شده ، شلغم و دانه انار .

۳- نیسک Nisk : آش عدس .

۴- دانه کلانه : آش گندم و نخود .

۵- سیف و رون Sife – u – Ron : سیب زمینی پخته را با پیاز و روغن سرخ می کنند .

۶- پلاو گوشت : برنج رسمی با گوشت .

کردها دارای ادبیات شفاهی بسیار غنی هستند . فولکلور کردی یعنی آن دسته از آثار منظوم و منثور که بدون اینکه بر صفحه کاغذ رقم زده باشد ، سینه به سینه از نسلی به نسل بعد منتقل می گردد و غالباً گویای آداب و رسوم آن ها می باشد و عبارتند از:

۱- هوره یا گورانی : به معنی منظومه به گویش اورامی که به صورت شفاهی تنها از راه شنیدن باقی مانده اند و بیانگر داستان قهرمانی ها ، عاشقی ها و حماسه هایی هستند که سراینده آن معلوم نیست و خواننده آن را « هوره خوان » می نامند . از هوره های حماسه ای مشهور : داستان رستم و سهراب ، رستم و اسفندیار و ...

۲- چریکه یا بیت : منظومه های عشقی و قهرمانی به گویش کردی کرمانج (گویش مردم مهاباد و سقز در ایران) سروده شده اند . و خواننده آن ها را « گورانی چوبین » می نامند .

رقص کردی : سرنازن ، سرچوبی کش ، شیخانی (تند) ، رونیه (معمولی ترین رقص) ، سه په پی ، میلانه (شانه ها) .

اقوام لر

اقوام لر در غرب رشته کوه زاگرس و جنوب کردستان سکونت دارند . برخی از جغرافی نویسان مانند ابن بلخی و اصطخری ، لر ها را از طوایف کرد می دانند . با این تفاوت که لر ها پیرو مذهب شیعه می باشند . در مقابل به عقیده بعضی ها ، لر ها با عناصر نژادی بیگانه چون ترک ها و سامی ها ترکیب شده اند ولی احتمال بستگی لر ها با کردان بیشتر از سایر نژادهاست . لر ها از خویشاوندان نزدیک اقوام پارس هستند و زبان های لری از لهجه های نزدیک به زبان های ایرانی بخصوص پهلوی اشکانی و ساسانی است .

« دوخانیکوف » در نژادشناسی ایران ، لر ها را چنین توصیف می کند : قد متوسط ، جسم نیرومند ، موی سیاه ، ابروانی پر پشت ، بینی بزرگ و عقابی ، گونه برجسته و گردن کوتاه . ایلات و طوایف لرستان عبارتند از : کاکاوند ، ملک شاهی ، یوسف وند ، سیران وند و کبیر کوهی که در مناطق پشت کوه سکونت دارند .

سکوند ، فولادوند ، عیسوند ، حاجی وند ، زلفی و میر هادی در نواحی جنوب و مغرب بروجرد ساکن هستند . ایلات بختیاری به عنوان مهمترین یلات و عشایر لر (هفت لنگ و چهار لنگ بختیاری) از فارس و اصفهان تا خوزستان و لرستان را در قلمرو خود دارند .

تمام بختیاری ها به دو ایل بزرگ هفت لنگ و چهارلنگ تقسیم می شوند و هر کدام به نوبه خود به چند شاخه و تیره قسمت می شوند .

بختیاری ها مانند ایلات دیگر تعدادی اسکان یافته و تعدادی دیگر هنوز چادر نشین می باشند . بیلاق و قشلاق بختیاری ها بین طولی اصفهان تا فارس و خوزستان (مرز ایلات قشقایی) صورت می گیرد . منبع معیشت و زندگی بختیاری ها مانند همه ایلات لر است ؛ که اهم آن زراعت و پرورش دام می باشد ، ولی صناعی مانند نخ ریزی و پشم ریزی و بافت گلیم و قالی بین آن ها رواج دارد .

۱- عشایر لک و لر

بطور کلی طوایف لرستان به دو بخش لک و لر تقسیم می شوند . لر ها و لک از نظر لهجه ، سنن ، آداب و برخی مسائل مذهبی با هم متفاوت هستند . ایلات و طوایف لک در شمال و شمالغربی لرستان در منطقه کردنشین سکونت دارند . لک ها در اصل جنوبی ترین گروه قبائل کرد به شمار می آمده اند ، اما امروزه با طوایف لر آمیخته و همسان شده اند . لک ها شامل طوایفی چون دلقان و باجلان و مافی می باشند .

لر های ایران در لرستان ، ایلام ، چهارمحال و بختیاری ، کهگیلویه و بویر احمد و بخشی در استان فارس و بوشهر زندگی می کنند .

۲- بختیاری ها

بختیاری ها یکی از شعبه های اقوام قدیم نژاد آریایی هستند که سکونتگاه های اصلی بختیاری ها، محدوده شرقی و غربی کوه زاگرس در قلمرو کرمانشاه، همدان، لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و غرب استان فارس کنونی است.

وجه تسمیه بختیاری

هردوت مورخ یونانی، بختیاری را باکتری می داند که نام قبیله است که از بلخ (در قدیم سرزمین بلخ را باکتر و مردم آن را باکتریان می گفتند) و شرق دریای خزر به جنوب سفر کرده و در آنجا مستقر شده اند. نظر دیگر این است که در گذشته، لرها به دو گروه لر بزرگ و لر کوچک تقسیم شده اند. در جنگ صفویه و عثمانی ها، گروه زیادی از ایل بزرگ به سپاه شاه پیوسته، با دلاوری ای که داشتند دشمن را به سختی شکست دادند و چون افراد لر بزرگ با شرکت در این جنگ، شاه را همراهی و یاری کرده بودند، لر بزرگ را بختیاری نامیدند (جغرافیای کوچ نشینی).

۳- خوراک و مصرف آن

نان غذای اصلی عشایر بختیاری است و در زمان وفور مواد لبنی، ماست و دوغ همراه آن است. با اینکه عشایر منطقه، تولیدکنندگان اصلی گوشت مصرفی مناطق همجوارند، اما خود کمتر مصرف می کنند. در الگوی غذای عشایر منطقه بختیاری مصرف سبزی های خوراکی خودرو و انواع میوه های جنگلی متداول است. مصرف چای و دخانیات نیز در میان عشایر بسیار متداول است.

۴- مراسم محلی

این نوع مراسم خاص منطقه است و علیرغم مشابهت هایی که با مراسم سایر نقاط عشایری ایران دارد، ویژگی بومی بختیاری ها را نشان می دهد. اهم این مراسم از قرار زیر است:

* مراسم طلب باران

در مواقع خشکسالی، یک نفر آدم کوسه (بی ریش و سیل) را انتخاب می کنند. برایش ریش و سیل می گذارند. یک کیسه چرمی بزرگ روی سرش قرار می دهند. لباس های گشادی به تن می کنند و کیسه ای هم روی دوشش می گذارند. سپس عده زیادی دور او را گرفته و با هم و دسته جمعی به در خانه ها می روند و شروع می کنند به خواندن این شعرها:

سی او عیال دارون، خدا بزَن بارونک

هارهار هارونک، خدا بزَن بارونک

هارهار هارونک، خدا بزَن بارونک

گندما که زیر خاکن، ز تشنئی هلاکن

آنگاه شخصی که به در خانه یا چادرش رفته اند، مقداری آرد یا گندم به آن ها می دهد. در پایان از آردهای جمع شده، نانی می پزند و تکه چوبی در میان نان ها قرار می دهند. آن را بین سایرین تقسیم یم کنند و کسی که چوب از نانش دربیاید، او را می گیرند و آنقدر کتک می زنند تا یکنفر بیاید و ضمانت کند و بگوید که تا فلان روز باران می بارد. اگر ت روز تعیین شده باران نبارد، ضامن را کتک می زنند تا یکنفر دیگر ضامن او شود. این کار تا آمدن باران ادامه دارد.

* مراسم چل کچلون

این مراسم به هنگامی برگزار می شود که باران زیاد ببارد و خسارت به بار آورد .

* ختنه سوران

از دیگر رسومی که بختیاری ها به آن اهمیت می دهند ، ختنه سوران است که قبلاً جشن آن ها دست کمی از عروسی نداشت . در این جشن نیز مراسم دستمال بازی و چوب بازی برقرار بود . ختنه بر عهده سلمانانی ها است که از بهار تا اواخر تابستان در میان مال های ایل می گردند و پسر بچه ها را ختنه می کنند .

* اعیاد ملی مذهبی

بختیاری ها برای اعیاد ملی و مذهبی ، به ویژه عید نوروز ، مراسم سیزده بدر ، بزرگداشت تولد ائمه ، عید قربان ، عید غدیر و عید فطر اهمیت خاصی قائلند . شب عید در چادرهای خود می مانند ، ولی روز اول عید با لباس های مخصوص خود و کلاه های لری کجی که به سر گذاشته اند ، به دید و بازدید می پردازند .

بختیاری ها اعتقاد دارند لباس سیاه را حتماً باید تا قبل از نوروز از تن درآورد ؛ زیرا در غیر اینصورت باروری و نعمت از طایفه رخت خواهد بست .

۵- پوشاک بختیاری ها

الف) تن پوش زنان

- لچک : کلاه چه ، علاوه بر سکه های دوخته شده بر لبه لچک ، منجق و الماس دوزی نیز می باشد .
- می نا : روسری که به شیوه خاص دور سر و گردن پیچیده و بلندی آن از پشت تا نزدیک زانو می باشد .
- جومه جوه : پیراهن بلند و چاکدار که نوع مردانه آن نیز وجود دارد .
- شولار : شلواری حدود ۵ تا ۶ متر پارچه که بالای آن چین دار است و به شلوار قری معروف است .
- پاکش : زیر شلواری .
- کت زنانه که بیشتر اوقات از جنس مخمل است .
- میل پا : حلقه نقره که به میچ پا می بندند .
- میل دست : حلقه نقره که به میچ دست می بندند .
- بند سیزن (سوزنی) : زنجیری همراه با سکه که از دو پهلوی سر به پشت کمر زنان آویزان می شوند .

ب) تن پوش مردان بختیاری

- گیوه ، جلزقه (جلیقه) ، چوقا ، کت ، شلوار گشاد ، کلاه نمندی ، شلوار دور کمر .

۶- موسیقی بومی

مقام های موسیقی ایل بختیاری به نام بیت معروف هستند . از معروفترین آن ها مقام گله داری ، برزگری ، ابوالقاسم خان و مقام شیرعلی مردون که تعداد آن ها ۲۰ تا ۲۵ مقام است .

هر طایفه و تیره ، نوازندگان محلی ویژه ای دارند که به آن ها « توشمال » می گویند . توشمال ها دارای طایفه و محل زندگی جداگانه ای هستند و مخارج خود را با شرکت در مراسم عروسی ، عزاداری و جشن های دیگر به دست می آورند . در مراسم عروسی ، توشمال ها ترانه هایی را که شعرای محلی سروده اند ، می خوانند . موضوع این ترانه ها بیشتر در شرح قهرمانی های برخی سلحشوران ایل و یا با جنبه عاشقانه می باشد .

بختیاری ها توشمال را مردمی پایین تر از خود می دانند . هر چند خود آن ها به این موضوع واقفند که توشمال ها در غم و شادی آنان شریکند . آلات موسیقی بختیاری ها شامل کرنا ، ساز و دهل است .

۷- رقص های محلی

در مراسم عروسی زن و مرد با هم می رقصند ؛ ولی زنان و مردان بختیاری در رقص دسته جمعی در دنبال هم قرار می گیرند و به این صورت است که یک قسمت از دایره را زنان و قسمت دیگر را مردان تشکیل می دهند .

- رقص دستمال : زنان با لباس رنگارنگ و زیورآلات مخصوص ، در رقص دستمال شرکت می کنند .

- رقص آرام : در این نوع رقص ، افراد سه قدم را به طور ضربی به جلو برمی دارند و دو قدم دیگر به عقب برمی گردند و این رفتار طوری تنظیم شده است که از دایره منظم خارج نمی شوند .

- رقص تند : حرکت پا مثل رقص آرام است ، اما ریتم تندی دارند و به عقب بر نمی گردند .

- رقص مجسمه : با آهنگ ساز اجرا می شود . هروقت نوای ساز قطع می شود ، افراد نیز در همان حال می ایستند تا آهنگ بعدی نواخته شود .

- چوب بازی : این بازی دو نفره است و اغلب در موقع عروسی صورت می گیرد . در این بازی یک نفر مهاجم و یک نفر مدافع خواهد بود .

۸- بازی های سنتی

- الخترو : در این بازی دو دسته دو نفره روبروی هم می ایستند . هر نفر یک پای خود را بلند کرده و با دست پاچه شلوار خود را می گیرد و همدیگر را هل می دهند و هرکس که افتاد ، بازنده است .

- کله برد : چهار سنگ و یک پیش سنگ (۴۰ متر طول ، ۱۰ متر عرض)

- سوار کاری و قیقاج : از جمله سرگرمی بختیاری ها در مراسم عروسی ، سوار کاری است .

- برداشتن دستمال در میدان .

۹- خالکوبی

زن ها برای پسردار شدن و بعضی برای درمان این کار را انجام می دهند .

اقوام ترک

ترک زبانان به دو دسته عمده و چند دسته کوچک تقسیم می شوند :

الف) دسته اول ایلات آذربایجان هستند . مانند : شاهسون ها ، ارسباران ، خلخالی .

ب) دسته دوم ایلات فارس می باشند . مانند قشقایی و ایلات خمسه .

الف) ایلات آذربایجان: در منطقه آذربایجان سکونت دارند . معیشت آن ها دامپروری است . مراتع دامنه های سهند و سبلان بهترین چراگاه های تابستانی برای احشام آنان است و عموماً به ییلاق و قشلاق کوچ می کنند .

- ایلات شاهسون: سابقه آن ها به دوران شاه اسماعیل صفوی می رسد . به زبان آذری تکلم می کنند و در مقایسه با سایر ایلات از همه قدرتمندتر هستند . مردم این ایل چابک و پر تحرک بوده و در حال حاضر به اسکان و زراعت ، گرایش پیدا کرده اند . قلمرو اصلی آن ها حواشی ارس و ارتفاعات اهر و مشکین شهر می باشد .

- عشایر ارسباران بیشتر در مناطق کوهستانی و جنگلی به سر می برند . قلمرو عمده کوچ نشینان در آذربایجان شرقی است . ایلات ارسباران در تابستان به ارتفاعات ارسباران و سبلان می روند و در زمستان به دشت مغان و کرانه رود ارس روی می آورند . ورزیده ترین دامداران را در میان این ایل می توان جستجو کرد .

- ایل خلخال در اطراف خلخال و جنوب اردبیل سکونت دارند .

ب) ایلات فارس : ایلات فارس در مقایسه با سایر ایلات ایران ، از لحاظ وسعت قلمرو سکونت و جابجایی مهمتر می باشند . مجموع ایلات و طوایف فارس بالغ بر چهل ایل و طایفه است ، که بنابر عقیده برخی ، غالب آن ها از نواحی دور دست به فارس آمده اند . مهمترین آن ها ایل قشقایی و خمسه می باشند که حدود قلمرو قشقایی از آباده تا فیروزآباد و کازرون است

* ایلات قشقایی

به دلیل اهمیتی که ایل قشقایی از نظر حفظ آداب و رسوم محلی خود نسبت به سایر ایلات آذری زبان دارند ، به بررسی این ایل می پردازیم . ویژگی های موجود در ایل قشقایی معرف فرهنگ پابرجا و استوار در میان کلیه آذری زبانان است . قشقایی یکی از دو ایل بزرگ ایران است و از ایلات ترک زبانان به شمار می روند . مرکز اصلی این ایل فارس است . قشقایی ها در دوره های مختلف به این سرزمین کوچیده و ساکن شده اند .

استقرار ایلات ترک در مناطق گوناگون ایران در دوران سلجوقیان ، مغولان ، تیموریان و صفویه شدت یافته است . پاره ای از مورخان ، مسکن اصلی ایل قشقایی را آذربایجان و تبریز می دانند . ترانه های فولکلوریک قشقایی ها هم این نظر را تأیید می کند .

وجه تسمیه

- روایت های مختلفی در مورد وجه تسمیه قشقایی ذکر شده است که یکی از آن ها « قاچ قویی » بوده ؛ یعنی بگذار و فرار کن و تدریجاً از کثرت استعمال ، قشقایی شده است و به همین دلیل بین سایر ایلات شیراز ، خاصه بوییر احمدی ها معروف است که " ترک پاشنه ندارند " . بعضی استقامت نمی کنند و می گذارد و فرار می کند .

میرزا حسن فسایی (صاحب فارسنامه ناصری) درباره نام قشقایی معتقد است که ریشه این نام « قاچ قایی » به معنی گریخته بوده است و در این باره می نویسد : چون ایل خلیج از اراضی ممالک روم به خاک عراق عجم آمدند. گروهی از آن

ها فرار کرده و در ممالک فارس توقف نمودند و مردمان خلیج این گروه را قاچ قایی گفتند و دیگر اینکه "قاشقه" در گویش ترکی به چهارپایان، مخصوصاً به اسبی که در پیشانی نشان سفید داشته باشد، گفته می شود.

سابقه تاریخی

ایل قشقایی را قبل از دوره صفویه از قفقاز به شمال ایران کنونی نقل مکان دادند و سپس در زمان شاه عباس اول آن ها را به فارس کوچاندند. در سال ۱۱۴۷ ق نادرشاه پس از فتح گرجستان، شصت هزار خانوار ایلات قشقایی، شاهسون و افشار آذربایجان را کوچانده و در شهرهای خراسان جای داد؛ اما در زمان کریم خان به دلیل قدرت و اعتبار ایلات قشقایی در دربار، به مناطق قبلی خود بازگشتند.

طوایف و تیره های ایل قشقایی

۱) طایفه دره شوری: یکی از طوایف مهم ایل قشقایی است که تعدادی از آن ها تخت قاپو گردیده و بقیه هم در حال اسکان می باشند.

۲) طایفه عمله: طایفه عمله یا عمال اجرای دستورات و فرمان های ایلخانی (جمع آوری حق مالکانه، رسیدگی به امور کشاورزی، تنظیم امور ایل و...) با اینکه اکنون سمت و وظایف قبلی خود را از دست داده اند، هنوز هم به اسم عمله خوانده می شوند.

طایفه عمله دارای یک تیره به نام صفی خانی است که این تیره از ۷۲ زیر تیره تشکیل شده است.

۳) طایفه فارسیمدان: این طایفه زمستان ها در حوالی شهر کازرون و تابستان در پیرامون شهرستان های آباده و قمشه به سر می برند.

۴) طایفه شش بلوکی: چون مردم این طایفه در اصل از ناحیه شش بلوک خلیجستان به این منطقه آمده اند به شش بلوکی نام گرفتند و از راه زراعت و گله داری امرار معاش می کنند.

۵) طایفه کشکولی: طایفه کشکولی به دو طایفه کشکولی بزرگ و کوچک تقسیم می شوند و بر روی هم از ۵۲ تیره تشکیل گردیده است.

مساکن ایل قشقایی

الف) چادر: چادرهای ایلی را که «بوهون» خوانده می شود را از موی بز و به رنگ سیاه می بافند. این چادرها به شکل مستطیل است و از چند بخش گوناگون تشکیل شده است.

به جز چادر سیاه که چادر رسمی است، چادرهای برزنتی سفید یا اخرائی رنگ دو پوشش برای پذیرایی مهمان ها و برای استفاده در جشن ها و عروسی ها وجود دارد. گاهی در درون این چادرها شستشو می کنند و باز یک نوع چادر کوچک مستطیلی شکل از کرباس سفید رنگ نیز دارند که ویژه آبریزگاه است. چادر آبریزگاه به وسیله تجیری از میان به دو بخش مجزا تقسیم می شود و در قسمت وسط آن چاله کوچکی کنده اند.

ب) خانه های روستایی : بعضی از عشایر قشقایی در گرمسیر و یا در سردسیر دارای مساکنی هستند که همانند خانه های روستاییان می باشد. این خانه ها از خشت خام، گل، سنگ و آجر ساخته می شود و چوب و حصیر و شاخ و برگ درختان هم سقف آن را می پوشاند.

پوشاک قشقایی

الف) پوشاک زنان : پوشاک زنان قشقایی بسیار زیبا و جالب توجه است و عبارتست از : چهار یا پنج دامن چین دار که تنبان یا زیر جامه نامیده می شود و تنبان ها را روی هم می پوشند و هر کدام از ۱۲ تا ۱۴ متر پارچه دوخته می شود. تنبان های زیری از پارچه ارزان مانند چیت و دامن های رویی از پارچه های بهتر مانند مخمل یا تور است.

پیراهن زنان تا ساق پا، یقه بسته و آستین بلند است و در دو طرف پایین چاک دارد که روی دامن ها قرار می گیرد. اگر پیراهن گلداز نباشد، پیش سینه را پولک دوزی می کنند.

بر روی سر کلاخچه ای (کلاهچه) و بر روی کلاخچه، چارقد تور یا زری سه گوش بزرگی سر می کنند و آن را با سنجاقی محکم زیر گلو می بندند و روی آن را دستمال کلاغی رنگی می بندند و کلاغی را از پشت سر گره می زنند و قسمت زیری آن را از پشت آویزان می کنند.

پوشش پایشان کفش ساده یا گیوه است، جوراب نمی پوشند و دانه میخک خوشبو را به عنوان گلوبند در کنار سایر زینت آلات استفاده می کنند.

ب) پوشاک مردان : لباس مردان عمدتاً کت و شلوار است.

آرخالق = لباس آستردار بلند که تا میچ پا می آید. زیر آرخالق، پیراهن به رنگ های گوناگون ساده یا راه راه با شلوار بلند می پوشند. کفش آن ها گیوه است و بر روی آرخالق در قسمت کمر شال پهنی می بندند و کلاه دو گوش بر سر می گذارند که برای تمایز از سایر ایل ها بر سر می گذارند.

ویژگی های قومی مردم قشقایی

الف) اخلاق و عادت

قسقایی ها مردمی زحمتکش، غیور، دلاور و مهمان نواز هستند. این قوم به قدری در تیراندازی مهارت دارند که سواره، کبکی را در حال پرواز و خرگوشی را در هنگام دویدن، هدف قرار داده و می زنند.

آرنولد ویلسن یکی از مدیران سابق نفت ایران و انگلیس، درباره عشایر قشقایی می نویسد :

سکنه این نواحی در تیراندازی مهارت دارند. همواره به جنگ و پیکار ابراز علاقه می کنند. قشقاییان به نوشیدن چای و کشیدن قلیان علاقه زیادی دارند. مردم این ایل اجاق یا کانون پدری را محترم و مقدس می دانند؛ حتی وقتی که دختر به خانه بخت می رود، پیش از رفتن، ۳ بار به دور اجاق خانه پدری باید گردانده شود و سپس انگشتی از خاکستر اجاق را به دهان می گذارد تا بدین وسیله از زحمات پدر حق شناسی نموده باشد.

ب (اعیاد

قشقایى ها به اعیاد نوروز ، فطر و قربان اهمیت می دهند . روز قبل از عید به گورستان می روند و برای مردگان خود فاتحه می خوانند . بعد به حمام می روند . زنان و کودکان به سر و دست خود حنا می بندند و لباس نو می پوشند و شام شب عیدشان باید حتماً پلو باشد .

عید فطر : در این روز همه افرادی که به سن بلوغ رسیده اند ، اعم از اینکه روزه گرفته باشند یا نه ، باید به اشخاص مستحق تیره فطریه بدهند .

عید قربان : در این روز خانواده فقیر و غنی ، گوسفندی که از قبل انتخاب کرده اند را سم هایش را تمیز می کنند و بر برخی از قسمت های بدنش حنا می بندند و در کنار بقاع متبرکه عمل ذبح را انجام می دهند .

۱- تولد نوزاد اول و ختنه سوران

اگر پسر نباشد ، مادر نوزاد مورد غمخواری نزدیکان قرار می گیرد و اگر پسر بود ، خبر دهنده مژدگانی قابلی می گیرد و جشن و رقص و آواز و ساز و دهل برگزار می شود .

سلمانی قبل از ختنه کردن که آن هم جشن گرفته می شود ، دستمالی را در جلوی کودک می گذارد و ۳ بار شاباش می گیرد . هرکس نسبت به بودجه مالی ، مقداری پول روی دستمال می گذارد ؛ اما اکنون فقط پدر کودک به سلمانی پول می دهد .

۲- مراسم جشن چله به در

یکی از پرشکوه ترین مراسم ، چله به در است که وقتی ۴۵ روز از فصل زمستان می گذرد و طبیعت چهره جدیدی به خود می گیرد ، چادر نشینان تغییر مکان داده و جای چادرها را عوض می کنند و این تحول را چله به در می گویند . در این روز مقدار زیادی خار و خاشاک جمع آوری می کرده و ۲ ردیف آتش می افروختند و گوسفندان را از میان آن عبور می دادند و با برهم زدن ظروف مسی ، سر و صدای زیادی می کنند و می گویند : " چله به در ، قضا به در " .

۳- مراسم طلب باران (کوسه گلین)

جوانان ایل در تاریکی شب مراسم را اجرا می کنند . در این مراسم یک نفر خود را به شکل هیولایی در می آورد . لباس مشکی می پوشد . شال و پاپیچ به وی می بندند . شاخ بزرگی به سرش و ریش بلند به صورتش می گذارند و با آرد صورتش را سفید می کنند . چماقی به دست وی می دهند و عده ای هم به دنبال وی راه می افتند و به چادرها می روند و می گویند : باران آوردم ، کوسه کوسه گلینم ، شاخ زرینم ، شیرینی ام را می خوام . " بعضی به او شیرینی می دهند و طشت پرآب به سرش می ریزند .

۴- مراسم جابجایی موقت

ساعت و زمان را با استخاره تعیین می کنند و در جهت حرکت کوچندگان ، وجود ستاره نحس را خوش یمن نمی دانند و اگر ستاره در مسیر حرکت نباشد ، کوچ می کنند .

۵- مراسم جشن اسفندماه

اسفند نمایانگر بهار در ایل است. در این ماه به علت تغییر درجه حرارت هوا، سرسبزی طبیعت، زاد و ولد دام ها و وفور لبنیات، مراسم جشن اسفندماه می گیرند.

شب اول اسفند مقداری جوهر قرمز در آب حل می کنند و قسمتی از پشم گوسفندان را رنگ آمیزی می کنند. هنگام عصر دختر بچه ها و پسر بچه ها مقداری علوفه خشک و خار جمع آوری کرده و همزمان با غروب آفتاب آتش می زنند و شادی می کنند و صبح روز بعد خاکسترها را نگاه می کنند و اگر در وسط آن جای پای شتر یا گوسفند دیده شود، آن را شانس می دانند.

- رقص قشقایی نماد همبستگی، اتحاد و دوستی است. در هنگام رقص همه دست در دست و دوشادوش یکدیگرند. زنان و مردان در کنار هم هستند. دستمال در دست می گیرند و یا چوب بازی می کنند. زنان حول یک دایره ایستاده و کل Kel می کشند.

رقص چوب، رقص هلی، رقص هلی سنگین (یورقاهلی = رقص زنانه تند)، رقص هلی اوچ باسما، رقص هلی بش باسما (بعد از ۵ حرکت پا، دست ها را به سمت بالا می کشند).

چرا موسیقی قشقایی غم انگیز است؟

موسیقی قشقایی با احساسات و عواطف و گذشته آن ها هماهنگ و این هنر ملی که معرف خواست های قلبی و آرام کننده آلام درونی آن هاست، سال هاست از دستبرد حوادث و ایام، تا حدی مصون مانده است.

با موسیقی خو گرفته اند، هر چند جنبه غم و اندوه دارد. برای مثال بی گناه کشته شدن سیاوش به دست افراسیاب و کشته شدن ایرج پسر فریدون به دست برادران خود، موجب پیدایش آهنگ های غم انگیز و ملال آور "کین سیاوش" و "کین ایرج" شده و علت اینکه اغلب آهنگ های ایلات غم انگیز است، می تواند دلایل زیادی داشته باشد:

۱- عدم دل بستگی به دنیای مادی.

۲- مسایل و مشکلات زندگی کوچ نشینی.

۳- جریان های مذهبی و مصائبی که بر خاندان نبوت گذشته.

۴- مهاجرت های اجباری و تبعید و دور ماندن از غافله گروه ها.

* ایلات خمسه

عشایر خمسه از ۵ ایل بزرگ: اینانلو، بهارلو، عرب، باصری و نفر تشکیل شده و وجه تسمیه عشایر خمسه نیز به همین علت است. ایل های مذکور به جز ایل عرب، بیشتر از قشقایی ها هستند که به مرور زمان تخت قاپو گردیده اند و در شرق و جنوب شرق فارس زندگی می کنند.

۱- ایل عرب: مردم این ایل در اصل از عربستان، یمن و عمان به فارس مهاجرت کرده اند. عشایر عرب در سده نخست اسلامی به ایران آمده و در جنوب ایران و گروهی در سرزمین فارس و گروهی دیگر در خاک خوزستان اقامت نموده اند. گویش مردم این ایل مخلوط است؛ زیرا در آن واژه های عربی، ترکی، لری و فارسی وجود دارد.

- ۲- ایل اینانلو : مردم این ایل پیش از تخت قاپو شدن در مرودشت و در ناحیه داراب و فسا ، ییلاق و قشلاق می کرده اند و از سال ۱۲۵۹ شمسی ، زندگی چادرنشینی را رها کرده و به زراعت پرداخته اند .
عشایر اینانلو از ترکستان آمده و در فارس مستقر شده اند .
- ۳- ایل بهارلو : مردم این ایل ، سال ها قبل اسکان یافته و در حوالی رود داراب به سر می برند . منطقه گرمسیر و سردسیر آن ها بین مرودشت ، سروستان و داراب است .
- ۴- ایل باصری : آن ها در دشت ها و کوه های جنوب ، شرق و شمال شهر شیراز ، ییلاق و قشلاق می کنند و از راه زراعت و گله داری امرار معاش می کنند .
- ۵- ایل نفر : رئیس این ایل از زمان حکومت نادرشاه افشار ، حاجی حسین خان نفر بود و مردم آن در ناحیه گراس (Geras) زندگی می کنند .

اقوام بلوچ

قلمرو سکونت ایلات بلوچ تنها بلوچستان نیست . بلکه این ایل در سیستان و بلوچستان و کرمان و حتی خراسان نیز سکونت دارند ولی ساکنین بلوچستان از اولویت برخوردارند .
در مورد استقرار بلوچ در جغرافیای مفصل ایران آمده است که عمده آن ها از مهاجرین ایرانی هستند که بعد از فتح اعراب از مغرب ایران کوچ کردند و به نواحی مشرق و جنوب شرقی پناه بردند .
سیستانی ها همه از نژاد خالص ایرانی و بیشتر از نژاد آریایی تاجیک می باشند ولی از نژاد بلوچ و قانی نیز در سیستان وجود دارد . طایفه های سیستانی عبارتند از : براهوئی ، سربندی ، شهرکی ، سرگزی ، سیدها (هاشمی و طباطبایی) ، میر عرب و ... و طوایف عمده بلوچ عبارتند از : یار احمد زائی ، میر عبدی ، ناروئی ، سارانی ، سراوانی و غیره که خود هر یک به تیره های کوچکتر تقسیم می شوند .

ویژگی های نژادی مردم بلوچستان

به عقیده مردم شناسان ، قوم بلوچ از نژاد آریایی می باشند . این مردم چشم و ابروی مشکی ، موهای پرپشت و مشکی ، قد بلند و زیبا رو هستند . کلاً مردم بلوچستان مهمان نواز ، جنگجو ، دلاور ، قانع ، بردبار و دارای تحمل و صبر بسیار در مقابل مشکلات هستند . در دوستی وفادار و در دشمنی سر سخت هستند . مردم بلوچ به تعدد زوج علاقه و توجه بسیار دارند و فرزندان زیادی را بوجود می آورند . آنان طلاق دادن را زشت می دانند . مردم این ناحیه به قلیان علاقه دارند ولی از تریاک و الکل گریزانند . بلوچ ها در تیراندازی و کوهنوردی نظیر ندارند ؛ زیرا از قدرت جسمانی فوق العاده بالایی برخوردارند .

پوشاک مردان بلوچ

- ۱- سربند : پارچه ای است تقریباً به طول ۲ متر و آن را همانند عمامه به دور سر می پیچند .
- ۲- پیراهن : دو نوع پیراهن دارند . یک نوع آن دارای آستین بلند و یقه برگردان است که چاک نسبتاً بلند در دو پهلو دارد و نوع دوم آن با آستین کوتاه و یقه بدون برگردان می باشد . جنس پارچه ها از کتان است و به رنگ های سفید ، کرم و طوسی است .

- ۳- شلوار : مردان بلوچ همانند مردان کرد ، شلوار گشاد با دمپای تنگ دارند .
- ۴- کفش : سه نوع کفش دارند . کفش بافته شده از گیاه ، کفش صندل چرمی ، کفش مجلل با نخ های ابریشمی الوان .

پوشاک زنان بلوچ

۱- جامک : پیراهن زنانه است که پیش سینه دست دوزی شده دارد .

۲- تگو : چارقد .

۳- سربیک : روسری بزرگتر از چارقد .

۴- پاجامک : شلواری که حاشیه دمپای آن گلدوزی شده باشد .

۵- کرو : جوراب .

۶- کفش .

زبان

زبان بلوچی در میان لهجه های مختلف زبان ایرانی شکل و ترکیب خاصی دارد و از جمله زبان های مهم ایران است. این لهجه به زبان پهلوی اشکانی و ساسانی نزدیک است . زبان بلوچ به دو شعبه شمالی و جنوبی تقسیم می شود که بلوچی شمالی شامل : زاهدان ، خاش و سیستان ، و بلوچی جنوبی شامل نواحی ایرانشهر ، سراوان و چابهار است که تلفظ بیشتر لغات با هم متفاوت است .

رقص

در منطقه خاش رسم است در مراسم عروسی زنان و مردان همراه با هم در جشن عروسی می رقصند ؛ امادر دیگر نقاط این استان بستگی به شرایط ، محیط ، سلیقه ، رسوم و عقاید مردم ، رقص ها متفاوت است . در بعضی نقاط فقط شعر می خوانند و ساز می زنند . سرنا ، دهل و دوتار از ابزارآلات موسیقی این منطقه می باشد .

صنایع دستی

صنایع دستی در این استان پر رونق است و از صنایع دستی آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد :

سفالسازی ، حصیربافی ، پشمی بافی ، جواهرسازی ، چادربافی ، خورجین بافی ، قالیبافی ، سوزن دوزی و ... که این فعالیت ها اکثراً زنان بلوچ انجام می دهند و مهمترین آن ها سوزن دوزی است .

نامگذاری فرزندان

بلوچ ها اکثراً نوزاد اول خود را چنانچه دختر باشد ، به نام مادر و اگر پسر باشد ، به نام پدر خود نام می نهند و انتخاب نام روزهای هفته برای اسم پسران بسیار زیاد معمول است . به جز یکشنبه و سه شنبه که این دو روز را بد و نحس می دانند .

بعضی از خانواده ها اسم درختان را انتخاب می کنند مانند کهور و ... و اسم دختران معمولاً مرکب از دو کلمه است مانند نور کنج ، مهر خاتون و

اقوام ترکمن

ترکمن ها که در حقیقت از مهاجمین آسیای مرکزی به این سرزمین هستند ، در جنوب شرقی دریای خزر و در نواحی شمالی خراسان و شرق مازندران سکونت دارند . زبانشان ترکی است و چهره آن ها مغولی است . اگرچه در سال های اخیر دست از کوچ نشینی برداشته اند ولی هنوز آداب و رسوم و سنن دیرینه قبیله ای خود را حفظ کرده اند . پرورش اسب و سوارکاری ترکمن ها شهرت دارد . مردمانی شجاع و نسبت به ایلات دیگر ایران خشن تر هستند . صنعت قالی بافی از گذشته های دور در این اقوام وجود داشته و قالی ترکمنی شهرت خاص داشته است . گله داری و کشاورزی از اشتغالات عمده ترکمن ها می باشد .

ترکمن ها به طوایف متعدد تقسیم می شوند و ۳ طایفه از میان آن ها اهمیت و نفوذ بیشتری دارند :

۱- یموت (در ترکمن صحرا) : الف) تیره آتابی ب) تیره جعفربای

۲- کوکلان

۳- تکه

قوم کوکلان در نواحی کوهستانی شرق گرگان سکونت دارند و قلمرو سکونت آنان تا اطراف بجنورد کشیده می شود . طایفه " تکه " بیشتر در ترکمنستان سکونت دارند ولی حدود ۱۰۰ خانواده آن ها در اطراف گنبد ساکن می باشند . اساس زندگی ترکمن ها بر پرورش اسب ، ماهیگیری و قالی بافی است که میزان هر کدام نسبت به منطقه سکونت متفاوت است . ترکمن ها به دلیل اینکه در دین و مذهب تعصب خاصی دارند ، توتم و تابوهای فراوانی نیز در بین آن ها دیده می شود .

ترکمن ها برای خانواده به عنوان بنیاد اصلی جامعه اهمیت فوق العاده ای قائل هستند . زن ترکمن همانند بسیاری از اقوام و عشایر ایرانی سهم مهمی در زندگی ایفا می کند و یکی از خصوصیات مهم ترکمن ها ، مهمان نوازی آنان است . جشن و شادی در میان آن ها اهمیت زیادی دارد . مرگ از نظر آن ها مشیت الهی است و انتقام معنایی ندارد . هنگامیکه مهمان برایشان می آید ، از او پذیرایی می کنند و بهترین خوراکی ها را برای وی مهیا می کنند . خوراک مهمانی آنان « چکدرمه » (Chek – der – meh) نامیده می شود و شامل برنج و گوشت است .

لباس زنان شامل پیراهنی بلند است که از رنگ های شاد و گل و بوته دار پُر شده است . زنان ترکمن بسیار به آداب و رسوم اهمیت می دهند و زنان شوهردار حلقه ای زیر شالی که به سر می کنند ، می گذارند که نشانگر این است که زن دارای همسر و فرزند است .

معمولاً مردان ترکمن در مراسم سنتی و مذهبی خود کلاه های پوستین دار بر سر گذاشته و با قبایی بلند در حالی که شالی به کمر خود می بندند ، فریادگر ماجراهایی می شوند که تاریخ ایران در خصوص این نژاد مظلوم به خود دیده است .

اقوام گیلانی

وضعیت جغرافیای سرزمین گیلان ، پوشش انبوه گیاهی ، دسترسی به دریا و دیگر عوامل اقلیمی ، مردم گیلان را انسان های شاداب ، سرزنده و با روحیه ای متفاوت با دیگر نقاط ایران زمین بارآورده است . مردم گیلان وابسته به زمین هستند . زمینی که قرن هاست محل کاشت برنج است . این محصول بر پندارها و عقاید عامیانه مردم در سیستم زندگی اقتصادی و نوع معیشت آنان بطور یکسان تأثیر نهاده است .

دریا نیز در زندگی مردم گیلان تأثیر زیادی دارد. بدست آوردن روزی از دریا ، قایقرانی و خلوت نمودن با آب ، خود حکایتی مفصل دارد .

گیل مردان و گیل زنان در تمامی فصول سال ، دوش به دوش یکدیگر در تمامی امور زندگی فعالیت می نمایند . تنوع محیطی ، نوع تنوع معیشتی را برای آنان ایجاد کرده است . غذاهای عمده گیلانی ها عبارت است از میرزا قاسمی ، باقالاقتوق و کباب ترش . انواع شیرینی ها نیز مانند کلوچه ، رشته خشکبار و ... را می توان نام برد .

اقوام مازندرانی

عدم اختلاط بین ساکنان نواحی مختلف سواحل خزر باعث شده است که آداب و رسوم و عقاید مذهبی ، حتی لهجه ها و زبان های خاصی در نواحی نزدیک به هم به وجود آید و در طی تاریخ نیز به وجود خود ادامه دهد. در استان مازندران ، جوامع انسانی به دو گروه مازندرانی و ترکمن ها که هر یک دارای آداب و رسوم اجتماعی خاصی هستند ، تقسیم می شوند. در این حوزه شهرها و روستاها به هم نزدیک هستند و در فاصله بین شهرهای بزرگ منطقه نیز شهرهای کوچک و روستاها قرار دارد. در طول زمان تردد افراد مختلف با زمینه های اجتماعی - فرهنگی متفاوت ، و ساکن شدن آن ها در شهرهای بزرگ ، به تدریج به دگرگونی در آداب و رسوم محلی انجامیده است.

اولین نکته ای که در ورود به مازندران توجه را به سوی خود جلب می کند ، نقش زنان در امر فعالیت های کشاورزی و دامداری است. زنان مازندران از قدیم الایام دوش به دوش مردان در آبادانی سرزمین خود کوشیده اند ، به ویژه در امر برنج کاری تلاش زنان چشمگیرتر است . در فصل سرد سال که امکان کشت برنج وجود ندارد و در مزارع کاهو و سبزیجات کاشته می شود ، باز زنان نقش مهمتری بر عهده دارند .

ازدواج نیز از آدابی است که در مازندران بسیار مورد توجه است ؛ البته در شهرها ، بسیاری از مراسم و خرده فرهنگ ها کنار گذاشته شده ، اما در مناطق روستایی آداب و رسوم تا حد ممکن بطور کامل رعایت می شود .

اهالی مازندران به روشنایی و نور آفتاب علاقه و اعتقاد خاصی دارند ، بطوریکه به روشنایی و نورآفتاب قسم می خورند . از لحاظ رژیم غذایی ، آن ها وابستگی زیادی به رژیم نشاسته ای به ویژه برنج دارند ، به گونه ای که اگر در یک وعده غذایی برنج طبخ نشود ، گویا در آن روز غذا میل نکرده اند.

غذای محلی

گفته می شود بیش از ۳۲۰۰ نوع غذای محلی در ایران وجود دارند که هر یک شیوه پخت و دستورالعمل خاصی دارد. مهم ترین غذاهای مخصوص ایران که کم و بیش رنگ ملی دارند عبارتند از: پلو، آبگوشت، چلوکباب و کباب و آش. تمام غذاهای مناطق مختلف محلی ایران به دلیل لذیذ بودن در همه نقاط مصرف می شوند ولی اگر بخواهیم یک سفره کلی از غذاهای ایرانی را ترسیم کنیم بایستی انواع ماهی، برنج و سبزیجات را در شمال کشور، انواع کباب و آبگوشت را در شمال غرب و غرب، انواع آش و خورش را در مرکز ایران، انواع ماهی در جنوب و انواع خورش های محلی را در شرق ایران قرار دهیم .

پلو یا چلو، برنجی است که با روغن یا کره به طریزی خاص پخته می شود و احياناً انواع سبزی ها، حبوبات و یا کشمش و زیره را نیز با آن مخلوط می کنند و ترکیبی لذیذ به وجود می آورند. چلو، که برنج خالص سفید است اگر آبکش نشود به نام «دمی» یا «کته» خوانده می شود. برنج سفید (چلو) را با خورش که آن هم ترکیبی از سبزی یا حبوبات با گوشت است، مصرف می کنند. خورش انواع متعدد دارد خورش های قیمه، فسنجان، قورمه سبزی و قیمه بادمجان از معروف ترین خورش های ایرانی هستند. آبگوشت نیز از گوشت (به ویژه گوشت گوسفند) و سیب زمینی و گوجه فرنگی و حبوبات تشکیل شده که غذای لذیذی است و مصرف بالایی دارد. در ایران گوشت بریان کرده روی ذغال نیز به نام «کباب» خوانده می شود و انواع کباب تهیه و مصرف می شود. انواع گوشت شامل گوشت قرمز، مانند گوشت گوسفند، گاو و گوساله و گوشت سفید از جمله طیور؛ مانند :مرغ خانگی، کبک، قرقاول و مرغابی و ماهی ها و جانوران دریایی فلس دار – که به موجب مذهب اسلام «حرام گوشت» نیستند – به مصرف می رسند. تنها در نواحی ساحلی، چون اطراف دریای خزر و خلیج فارس است که ماهی، غذای معمول همه روز است، اما در برخی موارد خاص، مانند شب نوروز (شب سال نو) ماهی، به ویژه ماهی دودی و سفید، بر سر سفره بیش تر مردم دیده می شود. شرع اسلام خوردن گوشت حیوانات درنده و گوشت خوار را حرام کرده است. ایرانیان، صبحانه ساده ای به عنوان «ناشتا» صرف می کنند که از چای، نان و پنیر تشکیل شده است. البته نیمرو، کره، مربا و عسل نیز در وعده صبحانه مصرف می شود ولی ناهار و شام آن ها مفصل تر است و تهیه آن ها وقت بیش تری می گیرد و با آداب خاصی خورده می شود. ایرانیان به فن طبخ و خوراک اهمیت خاصی می دهند. در ایران صرف میوه های لذیذ و انواع تره بار، مانند خربزه و هندوانه و خیار، به ویژه پس از صرف غذا، معمول است. نوشیدنی رایج ایرانیان در تابستان آب یخ و دوغ (ماست و آب) و در زمستان به ویژه چای است البته در سراسر روزهای سال، چای پرمصرف ترین نوشیدنی ایرانی است. خانواده های ایرانی علاقه خاصی به تهیه انواع شربت ها، مانند : شربت آلبالو، به لیمو و تمشک، مربا و ترشی (مخلوط از میوه و یا حبوبات و سبزیها با سرکه) مانند ترشی لپته، ترشی انبه و ترشی مخلوط نشان می دهند و این ترشی به منزله «سُس» چاشنی غذاهای دیگر مانند چلو با آبگوشت می شود و معمولاً غذاهای گوشت چرب را با ترشی که به اعتقاد مردم «برنده صفر» است، صرف می کنند. صرف تنقلات چون آجیل و میوه های خشک و هم چنین انواع شیرینی ها، مانند قُطاب، سوهان، گز، باقلوا، بامیه و زولبیا نیز در ایران بسیار معمول است. مصرف انواع شله زرد و مسقطی نیز به عنوان دسر در ایران رایج است. «شله زرد» مخلوطی از برنج و زعفران و شکر است که شبیه ژله بوده و در روزهای مقدس به عنوان «نذری» تهیه می شود و در برخی خانواده ها نیز به عنوان دسر مصرف می شود .

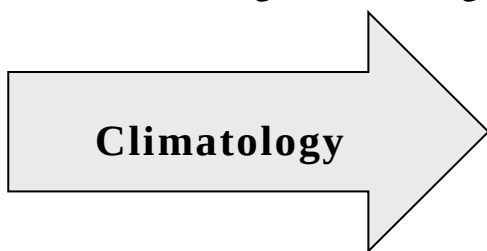
در پاره‌ای از روزهای سال و در جشن‌ها یا مراسم عزاداری، خوراکی‌های مخصوصی در ایران تهیه می‌شوند که خاص آن روز هستند. مانند شیرین‌پلوی روزهای جشن که از خراشه پوست پرتقال و زعفران و احیاناً پسته، کشمش و گوشت یا مرغ با پلو پخته می‌شود. «حلوا ی» ایام سوگواری خوراک دیگری است که آن را از آرد سرخ شده در روغن به همراه شکر می‌پزند و طعم خوبی دارد و ایرانیان معمولاً آن را برای اموات خود خیرات می‌کنند. خوراکی دیگر «حلیم» است که از گندم، با ادویه و گوشت و روغن درست می‌شود، طعم خوبی دارد و معمولاً در زمستان‌ها برای صبحانه مصرف می‌شود.

گفتنی است که در جامعه ایران، نان دارای جایگاه خاصی است و به اعتقاد ایرانیان «نان نعمت خداست» و نباید نعمت خدا را کفران کرد. بنابراین نان غذای اصلی جامعه محسوب و بدین لحاظ مقدس شمرده می‌شود. انواع شیرینی‌های محلی در سراسر ایران تهیه و مصرف می‌شوند. آخرین تحولی که در شیوه تغذیه مردم ایران پدید آمده، مصرف زیاد برنج، ماکارونی، رشته فرنگی، انواع سالادها، ژله و میگوست.

به طور کلی می‌توان گفت در شمال و جنوب کشور ایران ماهی غذای اصلی را تشکیل می‌دهد. در شمال ایران که منطقه‌ای جنگلی با انواع گیاهان و سبزیجات است، مصرف ماهی به همراه برنج و طبخ انواع خورش‌های محلی با انواع سبزیجات و حبوبات بسیار معمول است. در مناطق شمال غربی و غرب ایران که منطقه کوهستانی است، مصرف انواع کباب‌ها رایج است ضمن این که انواع دلمه و آش و هم چنین برنج و نان نیز مصرف بالایی دارد. در مناطق مرکزی ایران نیز غذاهای مخصوص محلی از قبیل انواع خورش‌ها و آش‌ها بیش تر رایج است.

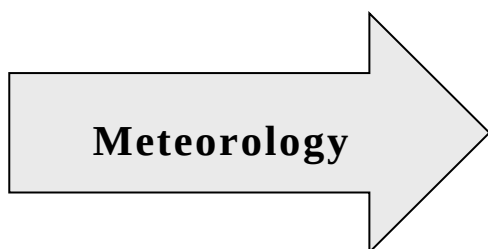
آب و هوا

اولین عاملی که گردشگران قبل از حرکت از محل زندگی به آن توجه می کنند آب و هوا می باشد .



شناخت آب و هوای یک ناحیه (اقلیم شناسی):

"کلیماتولوژی" ، شرایط کلی و طولانی مدت هوا را بررسی می کند.

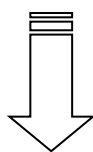
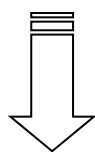


شناخت آب و هوای یک ناحیه (اقلیم شناسی):

"هواشناسی" ، بیانگر وضعیت لحظه ای آب و هوا است .

تعریف آب و هوا : مجموعه شرایطی که در نتیجه ترکیب عناصر و عوامل آب و هوایی در طولانی مدت در یک منطقه بوجود می آید.

آب و هوا = عناصر آب و هوایی + عوامل آب و هوایی



• عرض جغرافیایی

• دوری و نزدیکی به دریا

• ارتفاع

• رطوبت

• دما

• فشار

۱- عرض جغرافیایی در ایران : ایران بین مدار 25° - 44° عرض شمالی در منطقه معتدل قرار گرفته است .

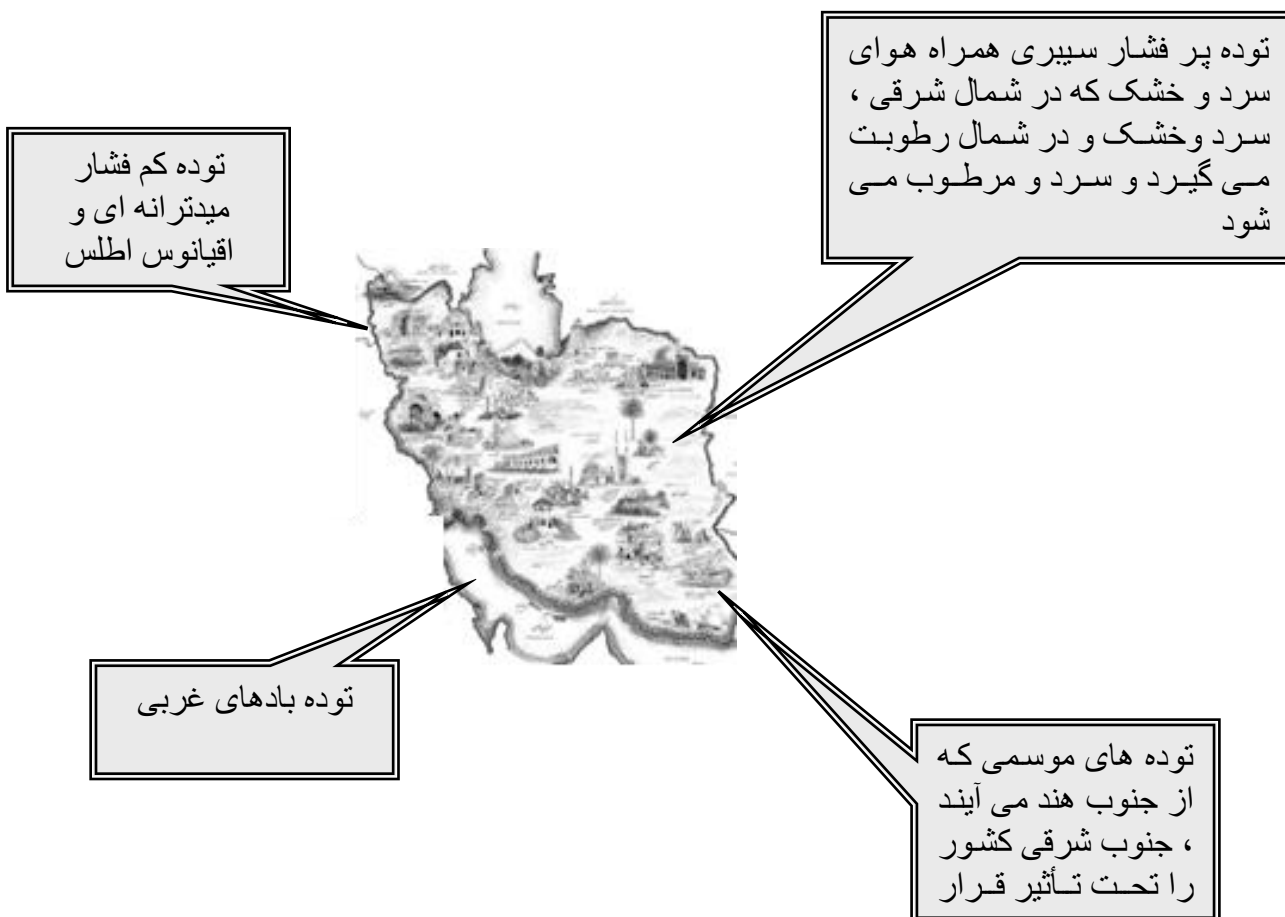
۲- ارتفاع : عرض جغرافیایی بدون توجه به ارتفاع و در واقع جهت ارتفاع قابل بررسی و توجیه نیست . ارتفاعات هم نقشی مشابه نقش عرض جغرافیایی دارند به گونه ای که هم باعث تغییر زاویه تابش می شوند و هم به مسیر جریانات هوا و توده های جوی جهت می دهند .

با هر ۱۰۰۰ متر افزایش ارتفاع ، ۳° کاهش دما وجود دارد

اهمیت جهت ارتفاع یا جهت چین خوردگی ها هنگامیکه در ارتباط با مسیر جریانات هوا قرار می گیرند بیشتر می شود . برای مثال رشته کوههای البرز و زاگرس که یکی در جهت غرب به شرق و دیگری در جهت شمال غرب به جنوب شرق کشیده شده به گونه ای قرار گرفته اند که یک سمت از آنها در مقابل توده های هوا و یک سمت آن پشت به توده ها و جریانات هوایی قرار می گیرد. بنابراین در ایران ، عامل ارتفاعات یکی از عوامل مهم در شکل گیری اقلیم است .

۳- توده های جوی :

توده های عمده که کشور ما را تحت تأثیر قرار می دهند عبارتند از :



۴- دوری و نزدیکی از دریا : دوری و نزدیکی از دریا هم ، می تواند در شکل گیری اقلیم مؤثر باشد . ایران به علت دور بودن از دریا از رطوبت کمتری برخوردار است، به استثنای شمال و جنوب که به صورت محلی و منطقه ای مرطوب می باشد .

* عوامل ایجاد کننده آب و هوا در ایران را می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد :

۱- عوامل ماکرو اقلیم (ماکرو کلیما) : این عوامل در سطح جهانی تأثیر می گذارند . مثل عرض جغرافیایی - توده های هوا

۲- عوامل میکرو اقلیم (میکرو کلیما) : این عوامل بصورت جزئی در یک منطقه یا کشور، باعث تغییر در آب و هوا می شود. مثل ارتفاعات و جهت ارتفاعات ، دوری و نزدیکی به دریا .

* از عوامل جزئی تر در میکرو اقلیم می توان جنگل یا پوشش گیاهی را در نظر گرفت که می توانند در اقلیم محلی تأثیر گذار باشند، نه در کل یک اقلیم.

کشور ایران به دلیل گستردگی و وجود کوهستانهای بسیار و زمین های بیابانی و همجواری با دو دریای بزرگ در شمال و جنوب، و نیز به علت قرار داشتن در مجاورت نسبی اروپا و دریای مدیترانه و صحرای بزرگ آفریقا و اقیانوس هند و ارتفاعات داخلی آسیا و سرزمین وسیع سردسیر دارای آنچنان تنوعی در اقلیم است که در کمتر کشوری دیده می شود . اثر دوری و نزدیکی دریا را می توان از مقایسه باران بسیار و پوشش گیاهی غنی و شرایط انسانی سواحل دریای خزر با بیابان های خشک و بی آب و علف و خالی از سکنه مراکز ایران به خوبی درک کرد.

در مجموع چهار نوع آب و هوا در ایران قابل تشخیص است که عبارتند از:

 **آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی :** بخش های وسیعی از سرزمین های داخلی و کناره های جنوبی ایران را پوشش داده است . از ویژگیهای این نوع آب و هوا وجود گرمای خشک و طولانی است که بیش از ۷ ماه سال را در برمی گیرد . میزان بارش سالانه در این نواحی بین ۳۰ تا ۲۵۰ میلی متر (mm) متغیر است .

 **آب و هوای کوهستانی (سرد و معتدل کوهستانی) :** در ارتفاعات و قله های بلند دیده می شود بارش سالانه ناحیه از ۲۵۰ میلی متر تا ۶۰۰ میلی متر متغیر است .

 **آب و هوای خزری :** مناطق میان دریای خزر و رشته کوههای البرز را پوشش می دهد و میزان بارش سالانه در این نواحی بین ۶۰۰ تا ۲۰۰۰ میلی متر متغیر است.

 **آب و هوای مدیترانه ای :** خاص مناطق غربی کشور است. در این نواحی تابستان ها با گرمای شدید در دله ها و هوای معتدل در ارتفاعات همراه بوده و زمستانها هوای معتدل در دره ها و سرمای شدید در ارتفاعات حکم فرماست .

باغ ایرانی

اصل واژه باغ فارسی است و در زبان پهلوی و سغدی به همین شکل آمده و در زبان تازی نیز باغ به کار می رود و در بعضی زبان های هندی " باک " نامیده شده ؛ و مفهوم باغ و پردیس در فارسی یکی است .

پردیس در زبان مادی « پارادائیزا (= Paradaeza) » به معنی باغ و بوستان است و این واژه ریشه فارسی " ژالیز و فردوس " است . این واژه در اوستا نیز به کار رفته است .

Pairi به معنی پیرامون و daeza به معنی دیوار کشیدن است و در کل معنی " درختکاری پیرامون ساختمان " را می دهد . این کلمه در پهلوی تبدیل به پالیز شد و مفهوم باغ و پردیس ، همان بهشت است که در آمار و فرهنگ ایرانی جای گرفته است . در دوره هخامنشیان تعداد زیادی باغ وجود داشته ، بطوریکه گزنفون از آن ها نام برده است . چون باغ در یونان وجود نداشت ، همان واژه فارسی را به کار بردند . این واژه در زبان یونانی " Paradeisos " و در زبان انگلیسی " Paradise " به معنی بهشت به کار برده می شود .

منشأ پیدایش باغ ۴۰۰۰ ق . م ، زمانی است که شکارچیان از کوه ها جهت کشاورزی ، به طرف دره ها و دشت ها سرازیر شدند و جنبه های مختلف زندگی و باورهایشان را روی بعضی از اشیا مانند کاسه های سفالین نقش کردند . روی بعضی از اشیاء سفالی ، نقش آبگیر و درخت دیده می شود . گاه تصویر آبگیری در مرکز باغی که به چهار بخش تقسیم شده ، دیده می شود .

در اوستا در قسمت گات ها (سروده های زرتشت) درباره درختکاری و نگهداری از آن پند داده شده است . و یکی از فرشتگان اوروزا ، نگهبان درختان و گیاهان بوده ؛ و هرکس که شاخه درختان را بشکند مورد خشم فرشته قرار می گیرد .

هخامنشیان

آثار باغ پاسارگاد با شبکه آبیاری آن از زمان هخامنشیان باقی مانده است . کوروش درلیدیه باغی ساخته و به دست خود در آن درخت کاشته است .

باغ هخامنشی دارای طرح مستطیل با خیابان ها و درختان متقاطع بود . حجاری های به جای مانده ، به خوبی اهمیت باغ در میان ایرانیان را نشان می دهد .

باغ در دوره ساسانیان بر پایه اصول گذشته بوده . در دوران اسلامی باغ های انبوه ، فضای کاخ را احاطه می کرد ؛ اما از لحاظ نظم هندسی به قرار گذشته بود و از همان قرن اول هجری ، باغ ایرانی توسعه پیدا می کند . مانند باغ های زیبای آندلسی (الحمرا) و باغ باربری کشمیر .

بابر شاه از شاهان مغولی حاکم بر هند ، شیوه باغ آرایی ایران را به هند برد و باغ هایی را در آگرا (شمال هند) احداث کرد و سپس جهانگیر (جانشین وی) چندین باغ در منطقه کشمیر ایجاد نمود .

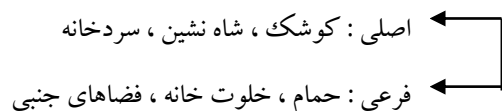
ویل دورانت در کتاب تاریخ و تمدن گفته است که باغ ایرانی مورد تقلید سایر ملل مثل هند ، اعراب و در قرون وسطی بر اروپا تأثیر گذاشته است .

جلوه باغ در فرهنگ ایرانی

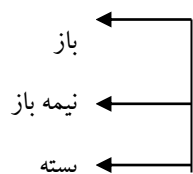
علاوه بر اینکه باغ جایی برای تفریح و تفرج بوده، خود نیز نقشی در فرهنگ و آداب و رسوم مردمان دارد. باغ‌ها بیش از هر چیز در ادبیات و شعر فارسی، معماری و هنرهای ایرانی تأثیر گذاشته است؛ علاوه بر این، باغ‌ها در معماری و تزئینات وابسته مثل کاشیکاری تأثیر گذاشته بودند.

عناصر تشکیل دهنده باغ ایرانی

- ۱) عناصر اصلی: عناصری هستند که بدون آن‌ها شکل‌گیری باغ غیر ممکن است. مانند زمین، آب، گیاه و فضا.
 - ۲) عناصر فرعی: که وقتی این چهار عنصر در فکر معمار ایرانی، در کنار هم قرار می‌گیرند، باغ شکل می‌گیرد. مانند برکه، استخر، فواره، حمام و آشپزخانه.
- زمین:** زمین دارای ویژگی‌های عمومی مثل: شکل و موقعیت، جنس خاک، شیب و اختلاف سطح، قابلیت آبیاری و حاصلخیزی می‌باشد. به علاوه در زمین‌های شیب‌دار، امکان حرکت آب به صورت طبیعی فراهم می‌گردد و زمانیکه شیب زیاد باشد، امکان استفاده از آبشار و آبشره در باغ نیز وجود دارد.
- آب:** آب از دو جنبه کارکردی و زیباشناختی در باغ مهم است. این جنبه در مباحثی همچون نحوه حضور آب در باغ، چگونگی گردش و حرکت در آن، منابع تأمین آب و آبیاری باغ قابل پیگیری است. آب از چشمه‌ها و قنات‌ها تأمین می‌شده و میزان آب نشان دهنده مساحت باغ بوده است. به خاطر احترام و قداست آب در نزد ایرانیان، آب در باغ‌ها به شیوه‌های گوناگون حرکت می‌کرد.
- گیاهان:** گذشت از جنس و گونه، از نظر محل قرارگیری، طرح کاشت، زیبایی و سودمندی، بسیار قابل ملاحظه هستند. گیاهان با اهداف سایه اندازی، محصول دهی و تزئین به کار می‌رفتند.
- بیشترین حجم باغ را درختان میوه و درختان سایه افکن، و کمترین میزان آن را گیاهان تزئینی تشکیل می‌داده‌اند.
- فضا:** در میان عناصر چهارگانه، فضا عنصری معمارانه است که همچون قالب و ظرفی، دیگر عناصر را در بر می‌گیرد و یک محیط انسانی به وجود می‌آورد.
- فضاها در باغ به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند:

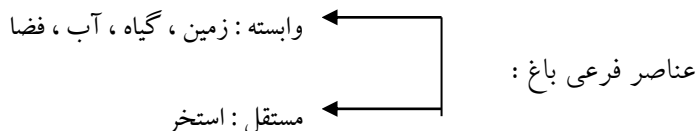
۱. تقسیم از نظر مقیاس
- 

تمام فضاهای اصلی و فرعی، توأمان معماری باغ را شکل می‌دهند، که هر کدام از فضاهای اصلی در مکان هندسی خود قرار می‌گیرد.

۲. تقسیم از نظر ویژگی کالبدی فضا:
- 

عناصر فرعی باغ

بدون عناصر فرعی ، باغ شکل می گیرد . اما این عناصر به باغ زیبایی و روح می بخشد و به قوام یافتن فضای داخلی باغ ، کمک می کند . اجزای فرعی بیشتر وابسته به اجزای اصلی هستند ؛ اما به صورت مستقل هم می توانند حضور داشته باشند . از جمله اجزای فرعی می توان به تزئینات معماری باغ اشاره کرد . همچنین جلوه هایی خاص از حضور آب مثل آبشیره و آبشار .



هندس ، ساختار و نظام باغ ایرانی

ساخت باغ ایرانی از اصول و قواعدی خاص و با هندسه ای منظم به وجود می آید که این اصول و قواعد ممکن است از نظام های اقتصادی و اجتماعی ، کارکردی ، آبیاری ، نظام گیاهی تبعیت کند تا جایی که هیچ باغ ایرانی بدون توجه به این نظام ها شکل نگرفته و به وجود نمی آید .

تأثیر عناصر باغ ها بر سایر هنرها

باغ از گذشته ای دور در ذهن ایرانی ها وجود داشته و به صورت یک پدیده فرهنگی درآمده است . باغ توسط ویژگی های مذهبی ، تاریخی و سنت های ریشه دار در شعر فارسی و تفکر عرفانی شکل می گیرد . باغ ها روح و مظهر طبیعت تلقی می شوند . گل ها در باغ ، گنجینه ای همیشگی هستند و اطلاعات در مورد گل ها ناکافی است ؛ حتی تاریخ پیدایش گل رز (گل سرسبد گل ها) که نام گل از آن گرفته شده است .

گل نسترن به رنگ یاسی از گل های اصیل ایران است .

اما در ایران خود گل مهم است ، نه منشأ آن . که توانسته در هنرها و تزئینات باغ های ایران ، در نقاشی ها و کاشیکاری ها ، در فرش ها ، پارچه ها رسوخ کند و زیبایی و جلوه ای خاص به این هنرها بدهد .

در باغ ایرانی درختان چنار و کاج ، به صورت یک در میان کاشته می شوند تا در زمستان سبزی باغ حفظ شود و همچنین باغ ایران بزرگتر جلوه کند .

اُسطوره ها و ادیان باستانی

سخنی کوتاه دربارهٔ اسطوره

اسطوره، معرّب واژه یونانی *Historia* به معنی «روایت» و «تاریخ» است. واژه *Myth* در زبان های اروپایی از واژه یونانی *Mythos* گرفته شده به معنی شرح، خبر و قصه. دانش اسطوره شناسی را «میتولوژی» می گویند. اسطوره واقعیت فرهنگی بسیار پیچیده ای دارد که آن را می توان از دیدگاه های گوناگون بررسی کرد. جامعه شناسان، قوم شناسان، روان شناسان و دین شناسان از اسطوره ها کمک می گیرند تا بتوانند با جمع کهن بهتر آشنا شوند. اسطوره خاستگاه عاطفه بشر است و آرزوهای او را باز می تاباند. از این رو با فلسفه و دین پیوندی نزدیک دارد و در آثار ادبی و هنر تاثیر فراوان گذاشته است.

انسان در جوامع کهن پیچیدگی های جهان و طبیعت را به گونه ای نمادین ساختار اجتماعی اقوام باستانی را به ما نشان می دهند.

هر چند اسطوره ها در جزئیات با هم متفاوتند، اما ساختارشان شبیه به هم است، زیرا همگی طرحی جهانی دارند. به نظر یونگ امروزه ما «به لطف نمایه ها و اُسطوره های به یادگار مانده، در حال کشف تاریخ باستان هستیم.» موضوع مهم در اسطوره شناسی اهمیتی است که نمادها دارند، زیرا نقش خدایان، نیمه خدایان و قهرمانان را در زندگی اجتماعی مردم در دوران گذشته روشن می سازند.

اسطوره نقل کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه ای است که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است. به بیانی دیگر، اسطوره حکایت می کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت و یا تنها جزئی از آن پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می گویند چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می گوید. شخصیت های اسطوره موجودات مافوق طبیعی اند و خاصه به دلیل کارهایی که در زمان سرآغاز هر چیز انجام داده اند، شهرت دارند. اساطیر کار خلاق آنان را باز می نمایند و قداست و یا تنها فوق طبیعی بودن را عیان می سازند.

می دانید که سنت پرستش مادر_خدا در ایران از دوره های کهن سنگی و نوسنگی آغاز و در دوره های بعد به گونه های دیگر نمایان می شود.

در سنگ نوشته هایی که از دوران هخامنشی به جا مانده و به خط میخی و زبان فارسی باستان است، مادر_خدا نامی مشخص میابد و «آناهیتا» خوانده می شود. و این همان ایزدبانویی است که شاهان هخامنشی او را همانند اهورامزدا و مهر «میترا» ستایش می کرده اند. از این دوران به بعد است که مجسمه های فراوانی از این ایزدبانوی اساطیری به فرمان اردشیر دوم در شهرهای شوش، اکباتان، دمشق و بابل ساخته و تصویر او در کتیبه ها نقش می شود. این تصاویر مانند مجسمه های بُرنزی و گلی دوران های پیشین نیستند که به گونه ای ابتدایی ساخته شده بودند، بلکه از زیبایی و شکوه ویژه برخوردارند.

در اُسطوره های ایرانی انسان در طول تاریخ دیرپای خود همواره ذهنیتی داشته و در این نظام ذهنی پدیده پرستش ایزد بانوان بسیار رایج بوده است.

آناهیتا یکی از این ایزد بانوان است. تندیس های فراوانی که در بسیاری از نقاط ایران یافت شده است، وجود او را در ذهن و باورهای مردم این مرز و بوم ثابت می کند. اما متأسفانه میزان آگاهی ما از این ایزد بانوی ارجمند بسیار اندک است.

انسان در طول تاریخ دیرپای خود همواره ذهنیتی دینی داشته و در این نظام ذهنی پدیده پرستش مادر خدایان یکی از کهن ترین سنت های رایج بوده است.

آناهیتا، این ایزد بانوی نامدار ایرانی، یکی از این مادر خدایان است. تندیس های فراوانی که در بسیاری از نقاط این سرزمین یافت شده است، وجود او را در ذهن و باورهای مردم این مرز و بوم ثابت می کند. اما دایره آگاهی های ما از این مادر خدای کهن چندان نیز گسترده نیست. مثلاً هنوز هم برای ما تاریخ دقیق پیوستن این بانوی ارجمند به جمع خدایان اساطیری این سرزمین دشوار است، همچنان که کاملاً مشخص نیست که وی از چه زمانی به نامی که شهرت یافته، خوانده شده است. ما با توجه به پیکره های بسیاری که از این مادر خدای صاحب نام در جای جای این مرز و بوم یافت شده است، از او به عنوان یک « ایزد بانوی ایرانی » نام بردیم، اما واقعیت آن است که این بانوی بزرگ را نه تنها ساکنان این مرز و بوم، بلکه مردم بسیاری از بخش های جهان نیز ارج می نهاده اند و ستایش می کرده اند. البته سخن ما در این گفتار در درجه نخست درباره رب النوعی است که در ایران به نام آناهیتا یا ناهید شهرت داشته است.

ممکن است در این جا این پرسش کلی مطرح شود که چرا در جهان کهن به مادر خدایان و اصولاً زنان تا این حد ارج نهاده می شد و برای آنان اعتبار ویژه ای قائل بودند. پاسخ این پرسش دشوار نیست، باید توجه داشت که در جوامع بدوی، زن وظایف بسیار مهمی داشت. او گذشته از آن که ناقل خون قبیله بود، نگهبان آتش نیز بود. به نظر گیرشمن، زن حتی سازنده ظروف سفالین و دست افزارهای ابتدایی برای انجام امور کشاورزی بوده است.

از این رو جای شگفتی نیست اگر زن در جوامع بدوی نه تنها کارهای قبیله را مستقیماً انجام میداده، بلکه حتی به مقام روحانیت نیز می رسیده است.

گفتیم که تعیین تاریخ دقیق حضور آناهیتا در جمع خدایان اساطیری ساده نیست، اما آنچه به تحقیق می دانیم این است که نام وی برای نخستین بار در کتیبه های اردشیر دوم در همدان و شوش ظاهر می شود. چیزی که در این کتیبه ها نظر را جلب می کند، این است که در آن ها آناهیتا بلافاصله پس از آهورامزدا* و پیش از مهر « میترا »* ذکر می گردد، و این واقعیت نشانگر پایگاه ارجمند اوست.

در دوره پارتیان نیز آناهیتا در کنار آهورامزدا و مهر پرستش می شده است. اما به نظر می رسد در این دوره در میان سه خدای یاد شده، ناهید جایگاه والاتری داشته است. گیرشمن حتی معتقد است که در دوران پارتیان همه معابد ایرانی به آناهیتا تعلق داشته اند.

اما آیین ستایش آناهیتا همین جا پایان نمی یابد؛ در عصر ساسانیان، که دین رسمی ایرانیان زرتشتی بود، شاهان این سلسله آیین وی را گرامی می داشتند و از آن پاسداری می کردند. کتیبه هایی که از این روزگار به جای مانده، گواه این سخن است. ما حتی در برخی از آن ها نرسی و خسرو دوم را می بینیم که حلقه سلطنت را از ناهید دریافت می کنند.

نکته شایان ذکر دیگر این است که در پاره ای از یشت های کهن اوستا از رب النوعی به نام « آپام نپات » نوه آب ها یاد می شود که اگر چه در آغاز جایگاهی همسان با آهورا مزدا و مهر دارد، اما کم کم از اهمیت وی تا بدان حد کاسته می شود

که در اوستا دیگر سخنی از او به میان نمی آید. اکنون آناهیتا «ایزد بانوی آب ها» جای او را می گیرد و دیری نمی پاید که از چنان اعتباری برخوردار می شود که سرود شکوه مندی در یشت پنج اوستا به او اختصاص می یابد. در برخی از متون دوره میانه اردوی سور آناهیتا به دو خدای مستقل اطلاق می شود: یکی اردوی سور پدر آب ها و دیگری آناهیتا مادر آب ها

اما در متون یاد شده به جمع این خدایان «آپام نپات» نیز افزوده می شود.

اگر در اینجا پرسیده شود که چگونه چنین امری ممکن است، پاسخ چندان دشوار نیست: باید در نظر داشت که اصولاً هیچ موجود اساطیری در قالبی تغییر ناپذیر و نهایی نمی گنجد. در این مورد خدایان نیز مستثنی نیستند. آن ها نیز پیوسته در حال تغییر و تبدیلتند؛ در دوره ای پدید می آیند و بر تخت سلطنت ذهن ها می نشینند و سپس سقوط می کنند و جای خود را به خدایان دیگر وا می گذارند. اما این مسئله سبب نمی شود که صفات و ویژگی های آن باقی نماند و جلوه ای نو به خود نگیرد و سرانجام به شکلی دیگر، در زمان و مکانی دیگر و در قالب ایزدی دیگر، ظاهر نشود. این واقعیت درباره آپام نپات و آناهیتا نیز صدق می کند.

در متون دوره اسلامی لقب آناهیتا «بغدخت» یا «بیدخت» است و این واژه را می توان در نام بسیاری از شهرها و پرستشگاه های کهن این سرزمین باز یافت. اگر شمار زیادی از بناها و بقعه ها در ایران اثری از نام این خداوند آب ها و چشمه سارها دارد، باید نشانه جایگاه والای این ایزدبانوی اساطیری در باورهای مردم این مرز و بوم دانست. ضمناً نباید فراموش کرد که بسیاری از آتشکده های معروف ایران در آغاز پرستشگاه های ناهید «آناهیتا» بوده اند. ما نمونه هایی از این آتشکده ها را در پاره ای از شهر های این سرزمین (به ویژه در یزد) می یابیم که پس از پیروزی مسلمانان به مسجد بدل شده اند.

اما دایره نفوذ این ایزدبانوی اساطیری به همین جا محدود نمی گردد: در ادبیات و به ویژه در شعر فارسی نیز بارها از ناهید «یا زهره» به عنوان نمادی برای موسیقی نام برده شده است.

آیین زروان

واژه زروان

زروان دین تازه ای در مقابل کیش زرتشتی محسوب نمی شد بلکه بیشتر یک طرز تلقی دیگر از مسئله خیر و شر بود و نوعی مذهب کلامی در آیین مزدیسنا بشمار می آمد. این کلمه اوستایی در اوستا **Zarvan** در پهلوی **Zurvan** یا **Zarvan** به معنی زمان است. در عصر اوستایی به عنوان یک ایزد مورد توجه و حتی درجه دوم، از آن نشانی نداریم، بلکه به شکل ایزدی بسیار کم اهمیت در پاره ای از قسمتهای متأخر اوستا نمایان می شود هر چند دلایل متیقنی در دست نیست که به این پرسش پاسخ داده شود اما با این حال بایستی مقارن با آغاز شاهنشاهی اشکانی، شروع چنین جنبشی را پیوند داد. ابتدا بنگریم که آیا در اوستای قدیم اشاره ای به زروان شده است یا نه. حاصل این نگرش منفی است. اما برخی از محققان، بر مبنای افسانه ای که بعدها برای زروان ساخته شد، یعنی اورمزد و اهریمن، یا «سپنتامینو» و «انگره مینو»

که دو گوهر قدیم و خودآفریده بودند ، هر دو پسران توأم زروان هستند ، متوجه گاتاها شدند. در یک قطعه گاتایی از دو گوهر همزاد که نماینده خیر و شر هستند ، یاد شده است. (گاتاها ، یسناها ۳/۳۰).

منشأ پیدایش زروان

چون در گاتاها اشاره شده که سپنتامینو (= اهورامزدا) و انگره مینو یا اک مئینو (= اهریمن) توأمان بوده اند که نمایانگر خیر و شر محسوب می شدند ، اما به پدر و آفریننده این توأمان اشاره ای نشده است و بایستی این پدر و آفریننده همان زروان باشد . این نکته نشان می دهد که چرا زروانیان همواره خود را همچون یک فرقه اصیل زرتشتی قلمداد کرده اند . گزارش معروف پلوتارک در باب آیین زرتشت در حقیقت معرف کیش زروانی است و نشان می دهد که زروانی ها همواره یک فرقه زرتشتی تلقی می شده اند. هر چند به موجب سکوت کامل گاتایی به هیچ وجه چنین استنباط قاطعی نمی توانیم داشته باشیم ، اما بی گمان منشأ پیدایش زروانیسم را در همین نقطه بایستی جستجو کرد . بنابر آیین زروانی زروان خدایی است که در زمانی که هیچ چیز وجود ندارد نیایشهایی به جا می آورد تا پسری با ویژگیهای آرمانی اورمزد داشته باشد که جهان را بیافریند. در پایان هزار سال زروان در اینکه این نیایش به ثمر برسد شک می کند و همان هنگام نطفه اورمزد و اهریمن در بطن او بسته می شود . اورمزد ثمره نیایش و صبر او و اهریمن میوه شک اوست. زروان آن هنگام پیمان می بندد پسری را که نخست زاده شود فرمانروای جهان کند. اهریمن از این نیت آگاه می شود و سعی می کند نخست به دنیا بیاید. به این ترتیب اهریمن آلوده و بدبو در برابر زروان ظاهر می گردد و اورمزد ، پاکیزه و خوشبو و پر از نور و روشنایی پس از او زاده می شود . زروان برای التیام به پیمانش مجبور می شود اهریمن را برای دورانی از نه هزار سال باقیمانده فرمانروا کند ، با اطمینان به اینکه در پیکاری که در پایان جهان میان دو همزاد رخ خواهد داد اورمزد پیروز خواهد شد و به تنهایی و تا ابد فرمانروایی خواهد کرد . به این ترتیب کل آفرینش زروانی در دوازده هزار سال انجام خواهد شد.

در بندهشن در مورد زروان با اشاره سخن رفته است که اورمزد در روشنایی قرار داشت و این روشنایی

بی پایان ، زمان سرمدی بود .

گسترش زروان در غرب ایران

با روی کار آمدن ساسانیان این مذهب در نواحی غربی ایران تفوق داشت و البته سابقه آن به زمان اشکانیان و قبل از آن می رسید. اینکه خدای بزرگ مانی در نزد مانویان با زروان انطباق دارد نه با اهورامزدا ، نشان می دهد که مقارن با ظهور مانی ظاهراً آیین زروان در نواحی غرب ایران رواج داشته است. نفوذ مذهب زروانی در بعضی پادشاهان ساسانی و پاره ای طبقات موبدان بوده است . کرتیر گرایشهای زروانی را در عهد شاپور دوم نوعی بدعت می دانست چون این مذهب در نظر آنها جایی برای اختیار نداشت و محلی نیز برای ثواب و عقاید اخروی نداشت. قبل از انوشیروان کسانی بودند که بطور بارز تمایلات زروانی نشان دادند یا بدان منسوب شدند . از جمله یزدگرد دوم که ظاهراً برای مقاومت در مقابل نفوذ موبدان گرایش به تسامح مذهبی داشت وقتی در صدد بر آمد تا جهت جلوگیری از نفوذ مسیحیت در ارمنستان در آنجا به ترویج آیین زرتشتی پردازد کیشی که به نشر و ترویج آن همت گماشت آنگونه که بعضی از روایات ارمنی بر می آید کیش زروانی بود. وزیر او مهرنرسی به قدری در آیین زروانی رسوخ داشت که یک تن از اولاد خود را "زروانداد" نام داد و او بعدها در ادبیات پهلوی زرتشتیان همچون مظهر کامل بدعت گری تلقی شد. اینکه بعد از خسرو انوشیروان در آثار پهلوی

تأثیر زیادی از این مذهب باقی نمانده نشان می دهد که خسرو با حمایت و ترویج آیین اثرتیت موبدان ، مذهب زروانی را نیز مثل مزدکی و مانوی به شدت تعقیب کرده است. پس از سقوط ساسانیان در دوران نخستین اسلامی کوشش فراوانی شد تا زروانیسم که جنبش مذهبی عمیق بود از میان رفته و فراموش شود . با این وصف تأثیرات شدیدی که در میان فرقه های اسلامی بر جای نهاد و نشانه هایی که در کتاب « **روایات هرمزدیار** » باقی است نشان می دهد که این کوشش به طور کامل مؤثر واقع نشد :

دیگر بدانند در آفرینش جهان و اختران و گردش افلاک و روشنی و تاریکی و نیکویی و بدی که در جهان پدید است ، ولی در کتاب پهلوی جهان را آفریده گویند و پیداست که جز از « **زمان** » دیگر همه آفریده است و آفریدگار زمان را هم گویند زمانه ، زمانه را کناره پدید نیست ، بالا پدید نیست و بن پدید نیست ، همیشه بوده است ، و همیشه باشد . هر که خردی دارد نگوید که زمانه از کجا آمد ... پس آتش و آب را بیافرید ، چون به هم رسانید اورمزد موجود آمد . زمان نیز آفریدگار بود پس اورمزد پاک و روشن و خوشبوی و نیکو کردار بود و بر همه نیکویی ها توانا بود . پس چون فروشیب تر نگرید ، ۹۶۰۰۰۰ فرسنگ اهریمن را دید سیاه و گنده و پلید و بدکار . اورمزد را شکفت آمد که خصمی ، سهمگین بود . اورمزد چون آن خصم را دید اندیشه کرد که مرا از میان بر باید گرفت .

این قسمتی بود که در « **رساله علمای اسلام** » به دیگر روش نیز موجود است و حاکی از عقاید زروانی است و نویسنده آن بایستی زروانی بوده باشد . در این نوشته ها زمینه عقاید جبری به طور کامل مشهود است و بعدها دهریه ، که روزگار و زمان را عنصر قدیم و خداوند می دانستند ، از عقاید زروانی متأثر شدند و خود زروانی ها نیز به دهریه موسوم گشتند . آیین زروانی یا دهری را قدریه نیز می خواندند . چون زروان تنها به معنی زمان نبود بلکه مفهوم سرنوشت و قضا و قدر را نیز داشت دو فرقه از فرقه های اسلامی سخت تحت تأثیر عقاید زروانی قرار گرفتند و آن دو فرقه ، قدریه و دهریه می باشند . از سویی دیگر هر چند در فرقه جبریه نیز اعتقاد صرف به سرنوشت و حاکم نبودن انسانی بر کارسازی اراده خود ، اساس است ، با این حال سرچشمه این معتقدات مأخوذ از قدر دهریان نیست . دیگر طرح مسائلی است درباره آفرینش و سنوآت آفرینش که موجب بحث هایی شده است ، و دیگر مسئله تثلیث زروانی است . منبع دیگر اطلاعات ما درباره زروان آیین میترا می باشد . چون زروان در آیین مهر و همچنین در آیین مانی دارای مقام فوق العاده ای می باشد .

مانویان ایران پیشوای دیوان را به اسم آز و یا اهریمن می خواندند . بزرگترین خدای جهان نیکی و روشنایی را مانویان ایران « **زروان** » و فرزند او را که باز جنبه خدایی داشت « **هرمزد** » می نامیدند

آیین میترا (مهر پرستی)

در کنار دین زرتشت آیین مهر پرستی ایران قرار دارد . مهر یا میترا (خورشید خدا) مشترک میان ایران و هند است و خدای نور و راستی به شمار می رود . در اوستا این ایزد از زمره بزرگترین ایزدان است و در آیین کهن ایران پیش از عصر اوستایی یکی از بزرگترین خدایان بوده است . در کتیبه هخامنشی نیز به املا و تلفظ اوستایی « **میترا** » آمده است ، در سانسکریت (Mitra) و در پهلوی (Mitr) و در پارسی مصطلح امروزی « **مهر** » شده است .

کهن ترین سند مکتوبی که نام این خدای کهن بشری در آن ثبت و به دست ما رسیده است در الواح گلینی است متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد به سال ۱۹۰۷ میلادی در کاپاتوکا از شهرهای آسیای صغیر ، در محلی به نام بغاز کوی الواح گلین

پیدا شد؛ در یکی از این لوح ها که پیمانی است میان هیتی ها و میتانی ها از میترا و وارونا دو خدای بزرگ هند و ایران استعانت شده است. در وداها جز یکی دوبار آنهم به اختصار از میترا به تنهایی یاد نشده است.

اصلاحی که زرتشت در آیین خود روا داشت، میترا را از مقام بلندش در ردیف یکی از ایزدان کوچک پایین آورد. اما در زمان هخامنشیان دوباره توجه و نظرها به سوی این خدای پیشین جلب شد. پس از داریوش در آسیای صغیر، شهرت این خدا میان مغان بسیار بود. مغان در نواحی این منطقه مراسم پرستش آیین مهری را، با تمام دقایقش به جا می آوردند و به همین جهت اغلب مورخان یونانی چون از منطقه دیدار می کردند و سخن می گفتند، آیین میترا را نادانسته به جای آیین زرتشت معرفی می کردند. گو اینکه آیین میترا سخت با آیین زرتشتی در آمیخته بود. از همین آسیای صغیر بود که آیین میترا به وسیله سربازان رومی، به ایتالیا رفت و از ایتالیا در تمام خطه مغرب زمین پراکنده شد و این حادثه در سده یکم پیش از میلاد در صورت قطعی اش انجام گرفت.

اما این میترايي که از آسیای صغیر به روم و جهان غرب راهی شد، آن میترايي که در آیین مزدایی و اوستاست، نبود. اما در صورت دقت، بسیاری از اجزای متشکله این آیین در همین دوران، پایه هایی ایرانی دارد که یا آن اصول ایرانی، در فرهنگ دینی ایران مهجور بوده و یا چنان دستخوش تغییر شکل شده که بنیاد ایرانش فراموش شده است. در اروپا کلیسا به ویران کردن آثار و معابد میترايي پرداخت و در مبارزه ای سخت، آیین میترا و مؤمنان به آن را، پراکنده ساخت و معابد مهری، به کلیسا تبدیل گشت. در ایران این مبارزه از زمان ساسانیان شروع شد و مهرابه ها به آتشکده بدل شد، همان آتشکده هایی که در دوران تسلط تازیان به مسجد تبدیل گشت.

کشته شدن گاو به دست مهر، ممیزه اساسی این آیین است و بدون استثنا در تمام مهرابه ها در انتهای آن، نقش کشته شدن گاو به دست مهر، چه به وسیله نقاشی و چه به وسیله نقش برجسته، وجود داشته است. بر پایه اساطیر کهن، در شب یلدا "مهر" در کوه البرز در یک غار از فروغ زاییده می شود و بواسطه وجود او از روز بعد بر طول مدت روز و روشنایی افزوده می شود. پارسیان همواره میترا (مهر) و ناهید (آناهیتا) را به عنوان دو فرشته مقرب درگاه ایزد، مقدس دانسته و احترام می گذاردند. در آیین ایرانیان باستان، میترا فرشته ای است که سمبل پشتیبانی از راستگويان و درستکاران است، همینطور ناظر بر عهد ها و پیمانها، معاهدات و قراردادها. آنها بر این اعتقاد بودند که اگر کسی عهدي ببندد و بر آن وفادار نماند، میترا از او انتقام می گیرد. نباید تصور کرد که این دو فرشته، همچون الهه های یونانی هستند، چرا که اگر این چنین بود، ایرانیان که مهارت بسزایی در کار سنگتراشی و مجسمه سازی داشتند چون یونانیان از آنها مجسمه می ساختند. میترا و آناهیتا تنها نمادی از راستی، درستی، نیکی و حقیقت بودند و ایرانیان آنها را در خود می پروراندند. از کارهایی که به میترا

منسوب می دارند، غلبه بر گاو خشکسالی (نماد اهریمنی) است. گفته شده میترا گاو شرور را از آسمان به زمین کشانده، بر گرده اش سوار گشته و دشنه ای در کتفش فرو کرده است. از اصابت دشنه به کتف گاو "سه قطره خون" بر زمین چکیده که منشأ رویدن سه گیاه شده است.

از اولین قطره گندم، دومین انگور و سومین، گیاه شفا بخش هوم روید. بدین ترتیب زمین بارور و حاصلخیز



شد . یکی از مواری که باعث جشن گرفتن در شب یلدا می شود ، شکرگزاری بابت این پیروزی و برکت حاصل از آن است . هنگامی که میترا بر گاو خشکسالی (اهریمن) غلبه کرد از یارانش با نان و شراب (برکت و شادی) پذیرایی کرد و به آنها نوید داد که هرگاه اهریمن بر جهان مستولی شود ، باز می گردد و با او به ستیز و مقابله می پردازد و حتماً بر او پیروز می شود سپس خود با حواریونش به آسمان عروج کرد . در مسیحیت چون روز میلاد مسیح مشخص نبوده این روز را روز تولد مسیح اعلام کردند .

معجزه آب

میترا با زدن تیری به صخره از آن چشمه ای جاوید به وجود آورد. این همان چشمه آب زندگانی میباشد.

معجزه شکار

میترا سوار بر اسب تاخته و حیوانات را شکار میکند تمام تیرهای او به هدف میزنند و با هر تیر موجودی را شکار میکند. بعد از شکار میترا به سراغ دشمنان خود میرود و آنها را از پای در می آورد. لقب مهر شکست ناپذیر از همین جا پدید می آید

شام آخر

در آخرین روز زندگی زمینی میترا او در ضیافتی شرکت میکند. و خون گاو، گوشت او، نان و شراب میخورد. این ضیافت درون غاری انجام میشود.

عروج میترا

بعد از ضیافت میترا سوار ارا به خورشید شده و به آسمان عروج میکند.

رستاخیز

در آخر کار جهان آتشی عظیم در تمام جهان درمیگیرد و تنها پیروان میترا از آن آسوده خواهند بود.

آیین های مهرپرستان

آزمایش های مهر پرستان

چشمان نوآموز را میبستند مهیار نوآموز را به جلو میراند سپس ناگهان او را هل میداد و شخص دیگری قبل از زمین خوردن او را در آغوش میگرفت که به این شخص ناجی گفته میشد.

در منابعی گفته شده که مچ دو دست نوچه را با روده مرغ میبستند سپس آنها را درون برکه آبی میانداختند شخصی با شمشیر روده را پاره میکرد که همان ناجی بود. ترساندن نوچه ، خوابیدن در قبر، شنای طولانی، مبارزه با گاو، گرسنگی طولانی، ماندن در آب یخ زده ، روزه داری از دیگر آزمایش ها بوده است. به قولی نوچه باید چهل آزمایش را پشت سر میگذاشت تا به سلک

مهریان در آید. باد از انجام این آزمایش‌ها نوچه درون آب میرفت و هنگام بیرون آمدن میگفتند که حیات دوباره پیدا کرده‌است. سپس قسم می‌خورد و خالکوبی میکرد. هنگام قسم خوردن نوچه دست راست را بلند میکرد و اینگونه شخصی میتوانست به آیین مهر در آید.



مهرپرستان هنگامی که در مهرابه جمع میشدند گاو را قربانی میکردند. گوشت این حیوان را کباب میکردند و خون آن را در جامی در زیر مهراب میریختند. این خون را باشیره هوم و شراب مخلوط میکردند و به آن آب حیات میگفتند. این آب مقدس را در جام‌های مخصوص میریختند. و حاضران آن را به همراه کباب و نان می‌خوردند. سپس سرودهایی در سپاس از مهر میخوانده‌اند. در مهرابه‌ها شمع و آتش روشن میکردند که نماد مهر بود.

مهرابه‌ها

به پرستشگاه‌های مهرپرستان مهرابه گفته می‌شود. که از مهر آبه ساخته شده‌است. آبه به معنی جای گود است. ساختمان مهرابه‌ها از یک ورودی سپس دهلیز درونی که به سه راهرو منتهی میشد تشکیل شده‌است. تالار روبرویی بزرگ بوده و تالار اصلی معبد بوده‌است. دو راهروی که در سمت چپ و راست قرار داشتند تنگتر بوده و سقف آن هم کوتاهتر است. مهراب بالای تالار اصلی قرار میگرفت و عبارت است از گودی اندکی در دیوار که نقش مهر (و گاهی مجسمه او) در حال کشتن گاو در آن دیده میشد دو مهربان نیز در دو سوی او دیده میشدند. در دو طرف تالار اصلی نیمکتهایی سنگی قرار میدادند. روشنی مهرابه از روزنه‌های کوچک سقف و یا پنجره‌های باریک تامین میشد، به طوری که فضای مهرابه تقریباً تاریک بود. و این برای آن بود که حالت اصلی غار حفظ شود.

مدارج روحانی در آیین میترا

مدارج روحانی در آیین میترا، هفت درجه یا هفت منصب و مقام است (همانند هفت وادی عرفان ایران که در تاریخ عرفان و عارفان ایرانی آمده است)، بحث درباره این مناصب، و اینکه چگونه و تحت چه شرایطی، یک مهری دین، از مقام اول به مقامات بالاتر ترقی می کرد و در هر مرحله ای چه اعمالی انجام می داد و چگونه روانش منزّه و تصفیه می گشت و چگونه به اسرار دین وقوف می یافت و بسیاری از مسایل دیگر، برای ما در پرده ای از تاریکی قرار دارند. هفت درجه یا هفت مقام، در سلسله مراتب میان محققان جز یک مورد اختلافی به وجود نیاورده است و آنهم مقام دوم است که درباره اش توضیح داده خواهد شد. هفت مقام روحانی عبارتند از:

نخست « مقام کلاغ » (آب) که آن را پیک نیز می گفتند.

دوم مقام « همسر » (باد)

سوم « مقام سرباز » (خاک)

چهارم «مقام شیر» (آتش)

پنجم «مقام پارسی» .

ششم «مقام خورشید» .

هفتم «مقام پدر یا پدر پدران» .

کلاغ : در قربانی کردن گاو، کلاغ منادی است . علامت مشخصه = چوبی است که به دور آن دو مار چنبره زده اند. در هنگام اجرای وظایف نقاب کلاغ به صورت خود می زند .

همسر : به جای همسر میترا نقابی به چهره می زند به عقد میترا در می آیند . فشردن دست راست به علامت وفاداری است .
سرباز : میترا خدایی شکست ناپذیر ، در راه چیرگی بر شر پیکار می کند . ورود به دین مهرها برای همیشه مسجل می شود . لباس قهوه ای رنگ بر تن دارد . علامت نیزه و کلاه خود ، علامت مهر بر پیشانی آنان زده می شود . تاج بر سر نمی گذارند و میترا تاج سر آن هاست .

شیر : جامه ای به رنگ ارغوان بر تن دارد . علامت مشخصه او بیلچه است و به جای آب ، عسل بر روی دست شیر می ریزند و بر روی زبانش نیز عسل می ریزند . شیر چشمانی سیاه دارد و غرور از اقامت او هویداست .

پارسی : جامه ای به رنگ خاکستری بر تن دارد . دستانش را با عسل تطهیر می کنند . نشان آن داس است .

پیک خورشید : علامت مشخصه آن مشعل است .

باید متذکر شد که زبان دینی پیروان میترا در اروپا یونانی بوده است و در نام گذاری این هفت مقام نیز از زبان یونانی استفاده کرده اند (نامهای ایرانی هفت درجه یا هفت مقام میتراپی در اثر از بین رفتن مدارک روشن نیست ولی آثار آن را در هفت وادی عرفانی ایرانی و باطنیان می توان جستجو کرد) . در کتیبه هایی که از آنان باقی است زبان یونانی مورد استفاده بوده است .

همانطور که نوشته شد مقام و منصب هفتم آیین میتراپی مرحله تشریف برای یک سالک بود . این مقام را «پتر - **PATER**» یا پدر و پدر پدران می نامیدند . پدران در واقع عالی ترین مناصب را در آیین میتراپی داشتند . همین لقب را عیسویان چنانکه هشتاد درصد مراسم میتراپی را اقتباس کردند ، به خود نسبت دادند . بزرگترین منصب روحانی شان پاپ (پدر پدران) شده و کشیشان را پدر گفتند . میان فرقه باطنیه یا اسماعیلیه نیز هفت منصب روحانی و هفت مقام برای تکمیل مدارج ارتقا ، تقلیدی از همین بنیان میتراپی بود . میان صوفیه نیز هفت وادی سلوک ، بر اساس همین هفت مرحله میتراپی بنا پیدا کرد . در این مقایسه به ویژه مقام «پیر» یا هفتمین مرحله سلوک که سالک به مقام «پیر» (= پدر) می رسید جالب توجه است. در آیین میتراپی مقام پیر یا پدر ، با اسناد «عقاب» نیز شناخته می شد . به این معنی که نهایی ترین مقام ارتقای میتراپی ، مقام عقاب بود . اکنون هرگاه به معتقدات و اصطلاحات عرفانی ایران بنگریم به ویژه به «منطق الطیر» عطار و هفت وادی مطرح شده در آن توجه کنیم در خواهیم یافت که سیمرغ یا عقاب ، نهایی ترین مدارج کمال عرفان ایرانی بوده است .

مقام پدر پدران که بسیار پارسا بود و عالی ترین مقام را در مدارج میترایی داشت در ادبیات پارسی ، به ویژه اشعار حافظ « پیر مغان » شد . مطالعه اشعار حافظ درباره تأثیرات آیین میترایی در وی و همچنین نظر حافظ درباره آیین میترا و چگونگی اجمالی آیین میترا در عصر حافظ بسیار جالب توجه است:

حلقه پیر مغانم ز ازل در گوش است

بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود

با توجه به اینکه روحانیان و بزرگان آیین میترایی « مغ » خوانده می شدند و کتیبه هایی نیز در تأکید این موضوع موجود است « پیر مغان » همان پتر (= پدر) مغان ، یعنی پدر مغان ، پیر مغان ، و بزرگ و سرور روحانیان آیین میتراست . چنانکه حافظ می گوید :

گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن

پیر ما گفت که در صومعه همت نبود

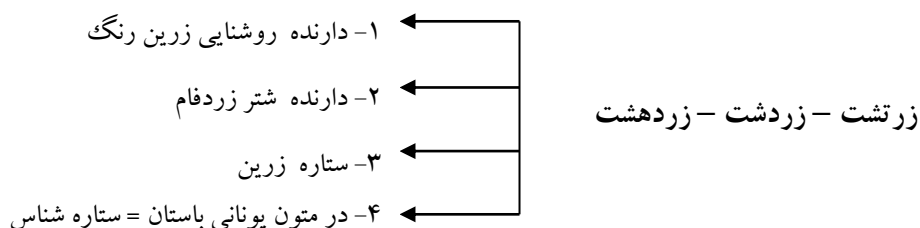
نمادهای مهری

صلیب : علامت صلیب^۱ از علائم مهر پرستان است. مهربان به صلیب شکسته نیز به نام چرخ خورشید احترام می گذاشتند. این نماد نشانه چرخ خورشید است

درخت کاج : در میان مهر پرستان به درخت کاج اهمیت به سزایی داده میشود

ناقوس : در آیین مهرپرستی از ناقوس استفاده می شده که در کلیسا نیز این موضوع دیده می شود

زرتشت





زرتشت

زَرْتُشت، زردشت، زردهُشت یا زراتُشت (در اوستا زَرَثُشتَر به تعبیری به معنی «دارنده روشنایی زرین‌رنگ» و به تعبیری دیگر «دارنده شتر زردفام» و سرانجام به معنای «ستاره زرین») نام پیامبر ایرانی و بنیادگذار دین زرتشتی یا مزدیسنا و سراینده گاهان (کهنترین بخش اوستا) است. در متون باستانی یونانی، معنای زرتشت برابر با ستاره‌شناس دانسته شده‌است. بعضی پژوهشگران بر این باورند که زایش زرتشت در روز ششم فروردین بوده‌است ولی درباره تاریخ زایش او دیدگاه‌های فراوانی وجود دارد. برآوردها از ششصد تا نهصد سال پیش از میلاد تفاوت دارند. تولد زرتشت را در شمال غربی ایران در نزدیکی دریاچه چیچست (ارومیه) و برخی در شرق ایران دانسته‌اند که احتمال این که از شرق ایران بوده باشد بیشتر است. پس از اعلام پیامبری در سن ۳۰ سالگی، زندگی بر زرتشت در منطقه مذکور ایران سخت شد و او ناچار به کوچ به شمال شرقی ایران آن روزگار یعنی منطقه بلخ شد. در آنجا زرتشت از پشتیبانی گشتاسب‌شاه برخوردار شد و توانست دین خود را گسترش دهد. زرتشت در سن ۷۷ سالگی در روز خور برابر با یازدهم دی ماه در نیایشگاه بلخ بدست یک تورانی به نام توربراتور کشته شد.

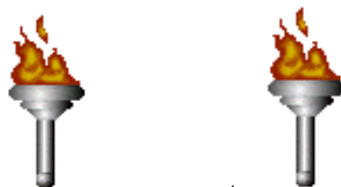
تبار و خانواده زرتشت

جد پدری زرتشت شخصی بود به نام پیتراگتراسپه. نام خانوادگی زرتشت اسپنتمان بود. مادر او دُغدو و پدر وی پوروشسب نام داشتند. پوروشسب اسپنتمان مردی دانشور و درستکار بود. دغدو دختر فری‌هیم‌روا از خاندان نژادگان (اشراف) و دینور بود. حاصل ازدواج پوروشسب و دغدو پنج پسر بود و زرتشت سومین آنهاست. زرتشت از همسر خود به نام هووی شش فرزند داشت. نام سه پسر ایشان ایست‌واستَره، اوروُت‌تَره، هورُچیژَه و نام سه دخترشان فرینی، ثریتی و پوروچیستا بود. میدیوماه پسرعموی زرتشت و نخستین کسی که به پیامبر ایمان آورد. لفظ اشو که به معنی مقدس روحانی و جسمانی راستی و درستی است و در اوستا زیاد آمده‌است صفت یا عنوان پیغمبر می‌باشد.

اندیشه زرتشت

زرتشت آزادی و اختیار را گزینشی برای مردم میدانند. بهره کار هر کس همانست که انجام می‌دهد جبری برای اشخاص نیست نیکی اشخاص جز بهره‌ای از نیکوئی و شر اشخاص جز شری برای وی نخواهد بود. هرمزد یا اهورامزد در این آیین

خدا هست و اهریمن هم دیو است. تاریخ موجودیت زرتشت را نمی‌توان بطور قطع مشخص نمود که احتمالاً قدمت آنرا از ۹۰۰ سال تا ۶۰۰ سال پیش از میلاد می‌دانند. زرتشت از سرزمینی کهنی برخاست که مردمانش آریایی بودند.



زایش زرتشت

بعد تاریخی

داستان زایش زرتشت هنگامی به اسطوره وارد شد که در گذر زمان و در اثر از میان رفتن منابع تاریخی در مورد زرتشت ، پیروان و مورخان پس از وی در بررسی دقیق هویت زرتشت دچار اشتباه شدند. هنوز تاریخ دقیق زایش وی در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و اختلاف نظر مورخان تا چند هزار سال است. همچنین نمی‌توان آنرا به دید معجزه نگاه کرد ، چرا که بنا به تعالیم زرتشتی معجزه در مزدیسنا وجود ندارد.

در مورد سال زاده شدن زرتشت چند تاریخ متفاوت در نوشتار های مورخین دیده میشود. ۶۶۰ پیش از میلاد، ۱۷۶۸ پیش از میلاد و ۶۶۰۰ پیش از میلاد .

دیدگاه زرتشتیان

از دیدگاه زرتشتیان ، زاده شدن زرتشت بدین گونه بوده:

شش هزار سال از آنروز که اهریمن به جنگ با هرمزد آغاز کرده بود گذشته بود ، و در این مدت، اهریمن دوبار با (آفات و دیوان و تاریکی و بیماری و درد و نیاز و خشم و دروغ) به جهان هورمزد کمین زده و آب و خاک و گیاه و حیوان و مردم را آزار کرده بود. در سه هزار سال سوم، هورمزد برای رهایی از این آفت‌ها ، زرتشت را به این گیتی فرستاد و دین و آیینهای خود را به او سپرد تا مردمان را به سوی نیکی راهبری کند و جهان را به راستی و پاکی و آبادانی از شر و بدی اهریمن آزاد گرداند تا پیروزی هورمزد به انجام برسد. در پایان آن سه هزار سال، (رستاخیز) خواهد شد و بدی و زشتی و ناپاکی از میان بر خواهد خاست و دست اهریمن تا ابد از دامان آفریدگان اهورامزدا کوتاه خواهد شد و جهان، پاک و فر نخستین را باز خواهد یافت.

بنابر گفتارهای زرتشتی ، برای زادن زرتشت سه چیز از جهان بالا بهم پیوست: نخست، فره زرتشت که فروغ و شکوه ایزدی بود، دوم روان بود و سوم، تن. اینک بهتر است به تشریح هریک از این سه عنصر و چگونگی همگون شدن آنها برای زایش زرتشت پرداخته شود.

فره زرتشت

فره زرتشت را اهورا مزدا از «روشنایی بیکران» که در «سپهر ششم» بود بنا کرد و از آنجا به خورشید و از آنجا به ماه و از آنجا به سپهر ستارگان که در زیر سپهر ماه بود، فرود آورد. از «سپهر ستارگان» ، فره زرتشت به آتشگاه خاندان «فراهیم

روان زُیش» فرود آمد. از آن پس، آتشگاه فراهیم بدون نیازمندی به چوب و هیمة، پیوسته و با فروغ بسیار می‌سوخت. فراهیم نیای زرتشت شد و فره زرتشت از آتشگاه خانه در وجود زن فراهیم که فرزندی را آبستن بود داخل شد. پس از چندی زن فراهیم دختری دنیا آورد که نامش را «دغدوا» یا «دغدو» گذاردند. دغدوا همچون دیگر کودکان رشد میکرد و چون فره ایزدی را در وجود خود داشت چون چراغ میدرخشید و نور می‌پراکند. از دیگر سو، اهریمنان که از زادن زرتشت بیم داشتند، وسیله‌انگیختند تا فراهیم و دیگر مردمان گمان کنند که دغدوا ازینرو آنچنان میدرخشد که با جادوگران راه دارد. پس فراهیم فریب خورد و دغدوا را از خانه و قبیلهٔ خویش راند. دغدوا در مسیر آوارگی خود به قبیلهٔ «سپیتمان» رسید و در خانهٔ سرور قبیله فرود آمد. پس از چندی دغدو با «پوروشسپ»، فرزند رئیس قبیله ازدواج کرد. بدین گونه بود که فره زرتشت از خاندان فراهیم به خاندان سپیتمان و پوروشسپ، پدر زرتشت رسید.

روان زرتشت

روان زرتشت را هورمزد بگونهٔ «ایزدان بهشتی» آفرید. پیش از آنکه زرتشت به جهان زیرین بیاید، روان وی در جهان بالا میزیست. چون زمان زادن زردشت رسید «بهمن» و «اردیبهشت» از ایزدان مینوی و یاوران هورمزد، ساقهٔ بلند و زیبایی از گیاه «هَوم» را از سپهر ششم که جایگاه روشنایی بیکران است، برگرفتند و به زمین فرود آمدند و آن را بر سر درختی که دو مرغ بر آن آشیانه داشتند فرود آوردند.

«ماری» به آشیانه راه یافت و جوجهٔ مرغان را فرو برد. آنگاه ساقهٔ هوم، مار را کشت و مرغان را رهایی بخشید. آنگاه روزی پوروشسپ که تازه دغدوا را بزنی گرفته بود درپی گله به چراگاه رفت. در راه، بهمین و اردیبهشت بر او آشکار شدند و او را بسوی درختی که ساقهٔ هوم بر آن بود رهبری کردند. پوروشسپ به یاری این دو مهین فرشته، ساقهٔ مقدس را بدست آورد و آنرا بخانه برد و به زن خویش سپرد تا آن را نگاه دارد.

تن زرتشت

گوهرِ تن اشو زرتشت از «آب و گیاه» بدست «خورداد» و «امرداد»، دو ایزد دیگر از یاوران هورمزد ساخته شد. پس خورداد و مرداد در آسمان، ابر انگیختند و باران فروانی بر زمین بارید. چارپایان و مردمان شاد شدند و گیاهان، تازه و خرم گردیدند. مایهٔ تن زرتشت، که خورداد و امرداد در باران نشانده بودندش، با قطرات باران به زمین رسید و در دل گیاه جای گرفت. آنگاه پوروشسپ به راهنمایی خورداد و امرداد، شش گاو پرمایه برداشت و به چراگاه برد. گاوان از گیاهانی که مایهٔ تن زرتشت در آنها بود خوردند. بزودی پستانهای گاوان پرشیر شد و مایهٔ تن زرتشت به شیر آنها آمیخت. پوروشسپ گاوان را بخانه برد و به دغدو سپردشان تا آنها را بدوشد. آنگاه زن و شوی اش، ساقهٔ گیاه مقدس هوم را که بیاری بهمین و اردیبهشت بدست آورده بودند، نرم کردند و در شیر آمیختند و از آن خوردند. بدین گونه؛ روان زرتشت و مایهٔ تن وی در وجود دغدوا با فره زرتشت گرد آمد و پس از چندی زرتشت برای راهبری دین و آیین هورمزد در ششم فروردینگان از مادرش دغدوا در کنار دریای چیچست زاده شد.

شورش زرتشت بر ضد دینی که در آن بدنیا آمده بود.

زمانیکه زرتشت دینی را که در آن به دنیا آمده بود

زیر پرسش برد و سپس آنرا سرکوب کرد

از همان دوران جوانی، زرتشت به دینی که در آن به دنیا آمده بود شک کرد . به مراسم آن که با قربانی کردن حیوانات بی گناه همراه بود ، به گفته های آن که پر از خرافات و دروغ بود ، به آموزشهای آن و سرانجام به خدایان آن. او همگی را زیر پرسش برد.

در آن هنگام زرتشت جوانی بود سی ساله و بسیار زیبا که چهره نورانی او زبانزد همگان بود. عده ای میگفتند که فرایزدی در او دمیده و او با خود راز هستی را حمل میکند . او در تمام دانش آن زمان سرآمد روزگار خود شده بود. زبان شاعرانه ولی فراموش شده سخنوری برای او رازی نداشت. در دانش فلسفه، هستی شناسی و انسان شناسی به سرحد کمال رسیده بود و بهمین دلیل در میان فرزندان آن زمان به مرتبه ای بلند رسیده بود. درباره او داستانها گفته میشد. میگفتند که هنگامی که زرتشت چشم به جهان گشود تنها کودکی بود که با لبخند به دنیا آمد . میگفتند که او با خنده به دنیا آمد تا به جهان لبخند بیاورد. ولی زرتشت سی ساله درباره دینی که در آن به دنیا آمده بود پرسش هائی میکرد که با تمام دانش خود برای آن پاسخی نداشت . شک کردن آغاز هر دانشی است . و زرتشت به آموزش رهبران دینی آن زمان که « کریان » نامیده میشدند شک کرد.

او از خود میپرسید آیا دینی که او در آن بدنیا آمده میتواند مردمان و سایر جانداران را به خوشبختی برساند؟ آیا میتواند این زمین را شکوفا کند؟ اگر نه، پس پیروی از این دین برای چیست ؟ و اگر آری پس چرا زمین این چنین از ستم و بیدادگری میخروشد و میگردد؟

پایه های دین زرتشت

(۱) یکتاپرستی : از بین رفتن خدایان پنداری و پرستش خدای یگانه .

(۲) ایزدان : خدایان نخستین ، خدایان چند گانه و پرستش ایزدان .

(۳) نیروهای متضاد

(۴) امشاسپندان : ا = بی ، نا مشا = مرگ و نیستی سپنتا = پاک و پارسا و سود رسان

امشاسپندان شامل :

۱. وهومن = بهمن (اندیشه نیک)

۲. اشاوهِشتا = اردیبهشت (بهترین راستی و درستی)

۳. خشته وئیریّه = شهریور (کشور آرزو شده ، خویشنداری)

۴. سپنتا آرمئیتی = اسفند (فروتنی و فداکاری پاک ، مهر و عشق)

۵. هورتت = خرداد (کمال ، رسایی و بالندگی)

۶. امرتت = مرداد (بی مرگی و جاودانگی)

(۵) دیوان : در فرهنگ زرتشتی ، در آدمی ده دیو است که تباه کننده انسان است .

۱. خشم
۲. آژ
۳. رشک
۴. فراموشی
۵. دشمنی و کینه
۶. فزونی خواهش های جهانی
۷. دیو بسیار خوردن و خوابیدن
۸. دیو خودستایی
۹. دیو ناسپاسی
۱۰. دیو تن پروری و تنبلی

در فرهنگ زرتشت هر جا واژه دیو بیاید ، به معنی مردمان بی دین ، بی فرهنگ ، ستمکار ، گمراه و خدانشناس است .

(۶) **فروهر** : فر = پیش وهر = راندن و بردن ، و در کل به معنی پیش برنده است .

و در وجود آدمی نیز فروهر وجود دارد .

(۷) **سروش** : به معنی " سراوشا " می آید و در لفظ به معنای شنیدن است و در دین زرتشت به فرمانبرداری از اهورامزدا گفته می شود . در دین زرتشت " سروش واژ " سرودی است که واجب است زرتشتیان هر روز آن را تکرار کنند .
فروران : (گزینش کیش زرتشتی) کیش زرتشتی بر پایه آزادی گزینش استوار است و اجباری نیست .

سدره و کشتی

سدره : لباس سفید گشاد بدون یقه (که از جلو چاک خورده است) ، با آستین کوتاه که از ۸ تکه تشکیل شده است .

(۱) گیتی (۲) تن (۳) ادراک و احساس (۴) جان (۵) کالبد

(۶) دین (۷) روان (۸) نیروهای دریابنده

کشتی : بندی است سفید و باریک و بلند از ۷۲ نخ از پشم گوسفند که روی لباس می بندند .

شماره ۷۲ نشانه ۷۲ بخش یسنا است .

۷۲ از ۶ ردیف ۱۲ تایی تشکیل شده است که عدد ۱۲ نشان دهنده ۱۲ ماه سال است و عدد ۶ نشانه ۶ جشن بزرگ گاهنبار است.

جشن ها و آیین ها

برگزاری جشن و عید از ویژگی فرهنگی ملت هاست . واژه جشن (آیین شادمانی) از واژه یسن / یسنه اوستایی گرفته شده است . یزسن پهلوی = ستایش و پرستش . هیچ فرهنگی را سراغ نداریم که جشن نداشته باشد .

کمتر دیده می شود که دو جامعه دارای جشن شبیه به هم باشند . اما جشن از بعضی از جهات همگونی هایی دارند و آن عبارتند از :

۱- جشن ها با زیاده روی کردن در خوراک ، آشامیدن ، خندیدن و شور و هیجان گروهی همراه است .

۲- به بازی گرفتن و مسخره کردن قدرت و حکومت با وارونه جلوه دادن رابطه های اجتماعی و سیاسی :

الف) در روم خرده فروشان ، چند روزی حکومت می کردند .

ب) در اروپا تا پایان سده میانه ، جشن دیوانگان برگزار می شد . (یک پاپ خنده دار انتخاب می کردند ، کشیش هایی با لباس زنانه آرایش می کردند و کتاب مقدس را وارونه می گرفتند . این جشن در روزهای کریسمس ، ششم ژانویه و آمدن ماژها ادامه داشت .)

ج) در ایران حاجی فیروز (میر نوروزی) را در روزهای پنجه درست می کردند.

(که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی)

۳- کم و زیاد شدن عادت ها و حرمت خوردنی ها و آشامیدنی ها

الف) در بعضی جاها ، گوشت حیوان توتم خورده می شود و از خوردن سفارش شده ها پرهیز می کنند .

ب) رابطه جنسی نیز در برخی قبیله ها ، دگرگون شده و تابوها شکسته می شود .

۴- قربانی کردن : بسیاری از جشن ها با قربانی کردن و خوردن گوشت آن همراه است و در بین دین ها ، تنها دین زرتشت است که قربانی کردن را قدغن کرده است .

رده بندی کردن جشن ها

۱- جشن ها و آیین های باستانی و اسطوره ای : مانند نوروز ، تیرگان ، مهرگان .

۲- جشن ها و آیین های دینی

۳- جشن ها و آیین های ملی و میهنی

۴- جشن ها و آیین های خانوادگی

۵- جشن ها و آیین های منطقه ای (ویژه یک شهر یا یک روستاست و در رده بندی ۱،۲،۳ قرار می گیرد .)

۱- جشن باستانی : در ابتدا برای یادآوری فصل ها و تنظیم برنامه های کشاورزی بوده است . مانند تیرگان ، نوروز، مهرگان .

۲- جشن های دینی : چهار دین در ایران وجود دارد .

یهود : عید فصح (یادبود مهاجرت از مصر)

زرتشتی : تولد و مرگ اشو زرتشت ، گاهنبارها

مسیحی : تولد عیسی ، صلیب کشیدن ، رستاخیز

اسلام : تولد محمد(ص)، عید فطر، قربان، غدیر، تولد و شهادت

به علت اینکه آیین های اسلامی بر پایه گاهشماری قمری است . یازده روز تفاوت گردش سال باعث همزمانی جشن های باستانی - مذهبی می شود .

۳- جشن ملی مانند : ۲۲ بهمن و ۱۲ فروردین .

۴- جشن و آیین خانوادگی مانند : تولد ، ازدواج ، مرگ .

۵- جشن و آیین های منطقه ای مانند : گلابگیری ، قالیشویان مشهد اردهال .

جوامع اولیه بر این باورند که ماه و خورشید و همه ستارگان ایزدانی هستند که بر سرنوشت و نیک و بد جهان فرمانروایی می کنند .

گاهشماری و محاسبه گردش سیاره ها برای دانستن روز و ساعت برگزاری آیین ها ، نیایش ها ، جشن ها و زمان شکار و کشاورزی بود . مردم شناسان اعتقاد دارند که شروع گاهشماری با آغاز کشاورزی همراه بوده است ؛ زیرا کشاورزان باید زمان کاشت ، داشت و برداشت را می دانستند .

کهن ترین گاهشماری ، قمری است ؛ زیرا تغییر صورت ماه برای مردم محسوس بوده است .

گاهشماری قمری بعدها با گاهشماری خورشیدی که فصل بندی ثابت بهار و تابستان و پاییز و زمستان را دارد ، هماهنگ شد . گاهشماری خورشیدی ۱۲ بار گردش زمین به دور خورشید ۳۶۵ روز و ربع است .

نام روزها

بنابر گاهشماری ایران پیش از اسلام ، همه ماه ها سی روز است . به جای روزهای هفته ، هر یک از سی روز ماه اسم داشته اند و روزهای ماه مانند روزهای هفته ، در گاهشماری کهن اروپایی نام ستارگان و ایزدان را دارند .

۱- اورمزد	۲- بهمن	۳- اردیبهشت	۴- شهریور	۵- سپندارمذ
۶- خرداد	۷- مرداد	۸- دی به آذر	۹- آذر	۱۰- آبان
۱۱- خور	۱۲- ماه	۱۳- تیر	۱۴- گوش (گئوش)	۱۵- دی به مهر
۱۶- مهر	۱۷- سروش	۱۸- رشن	۱۹- فروردین	۲۰- وهرام
۲۱- رام	۲۲- باد	۲۳- دی به دین	۲۴- دین	۲۵- ارد
۲۶- اشتاد	۲۷- آسمان	۲۸- زامیاد	۲۹- مانتره سپند	۳۰- انارم

نام ۱۲ ماه سال و جشن ها

فروردینگان (۱۹) ، اردیبهشتگان (۳) ، خردادگان (۶) ، تیرگان (۱۳) ، امردادگان (۷) ، شهریورگان (۴) ، مهرگان (۱۶) ، آبانگان (۱۰) ، آذرگان (۹) ، دیگان (۱ - ۸ - ۱۵ - ۲۳) ، بهمنگان (۲) ، سپندارمذگان (۵) .
در آثار بسیاری از شاعران ، از جمله فردوسی ، از نام روزها استفاده شده است .
به شهریور بهمن از بامداد
جهاندار داراب را بار داد (روز چهارم بهمن ماه)
در گاهشماری زرتشتیان چهار روز " نابر" است . شامل بهمن (۲) ، ماه (۱۲) ، گوش (۱۴) ، رام (۲۱) که هنوز زرتشتیان در یزد به آن عمل می کنند و جشن مهرگان فقط به صورت مقالات یادآوری می شود .

فصل ها و آغاز سال

نظرات مختلفی وجود دارد که مرحوم تقی زاده در کتاب گاهشماری در ایران قدیم ارائه نموده است .
- از کهن ترین سال ها ، ایران دو فصل زمستانه و تابستانه داشته است .
- ۲ ماه تابستان و ۱۰ ماه زمستان (که ریشه هندی و اروپایی دارد).
- تابستان ۷ ماهه و زمستان ۵ ماهه ریشه ایرانی دارد . (جشن سده ، ۱۰ بهمن در صدمین روز فصل زمستان ۵ ماهه برگزار می شد).

- هنگامی سال دارای ۶ فصل بوده است ۶ جشن گاهنبار وجود داشته است .
و زمانی چهار فصل بوده (در زمان پهلوی = وهار ، هامین ، پاییز ، زمستان) .
در میان کشاورزان ایران ، هنوز محاسبه فصل ها به جای ماه ها فراموش نشده است .
مانند چهل و پنجم بهار (۱۵ اردیبهشت) ، هفتادم تابستان (۱۰ شهریور)

آغاز سال

در ایران کهن ، آغاز سال اول بهار بوده ؛ ولی با محاسبه کردن کیبسه ، دگرگونی در آن به وجود آمد . زمانی آغاز سال اول تابستان (ماه تیر) بود .

و زمانی آغاز سال اول پاییز (مهرماه) بود .

و در دوره ای سال ثابت در ایران از نوزده حمل (۱۹ فروردین) آغاز می شد .

سرانجام با گاهشماری جلالی ، آغاز سال بر اعتدال بهاری و آغاز فروردین استوار ماند .

و گاهشماری قمری بعد از اسلام فقط جنبه دینی و مذهبی دارد .

کیبسه

واژه کیبسه معرب واژه سریانی " کبیشتا " و به معنی پر و افزوده می باشد . هر چهار سال یکبار در ایران امروز ، سال کیبسه می گردد . پیش از اسلام هر ۱۲۰ سال ، یک ماه به سال می افزودند . کیبسه کردن در دوره نابسامانی ساسانی انجام نشد و به همین دلیل نوروز به آغاز تابستان رسید .

در گاهشماری قمری ، هر سه سال یکبار یک ماه اضافه می شد . سال قمری ۱۱ روز کمتر از شمسی است .

از سال ۱۳۰۴ خورشیدی ، به شش ماه اول یک روز اضافه شد و اسفند ۲۹ روز شد و روزهای پنجه نیز به فراموشی سپرده شد.

نوروز

در ادبیات فارسی ، جشن نوروز را مانند بسیاری دیگر از آیین ها ، رسم ها و فرهنگ ها به نخستین پادشاهان نسبت می دهند . شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری ، چون فردوسی ، منوچهری ، عنصری ، بیرونی ، طبری ، و مسعودی ، برگزاری جشن نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند .

– چو خورشید تابان میان هوا نشسته بر او شاه فرمانروا

– به جمشید بر گوهر افشاندن مر آن روز را روز نو خواندند

روزها یا ماه جشن نوروز

مدت برگزاری جشن های مهرگان ، یلدا و سده یک روز یا یک شب است . و جشن نوروز دست کم یک یا دو هفته می باشد.

ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروز را یک ماه می نویسد ، و چون در گذشته ، پادشاهان همه روزهای این ماه را جشن می گرفتند عید ۶ بخش بوده :

۱- ۵ روز نخست را به پادشاهان اختصاص می دادند .

۲- ۵ روز اشراف .

۳- ۵ روز خادمان و کارکنان پادشاهی .

۴- ۵ روز ندیمان و درباریان .

۵- ۵ روز توده مردم .

۶- ۵ روز برزیگران .

کمپفر(در زمان شاه سلیمان صفوی) در سفرنامه خود گفته که نوروز ۳ هفته طول می کشیده است .
امروزه مراسم عید نوروز با چهارشنبه آخر سال آغاز و در سیزده بدر پایان می پذیرد .

آداب پیش از نوروز

پنجه ، میر نوروزی ، چهارشنبه سوری ، پنجشنبه آخر سال ، خانه تکانی ، کاشتن سبزه .

پنجه

بنابر سال نمای کهن ، هر سال ۱۲ ماه و هر ماه ۳۰ روز است و پنج روز آخر سال را پنجه گویند . این پنج روز را که همزمان با یکی از شش جشن گاهنبار است را جشن می گرفته اند . که این مراسم پنجه تا سال ۱۳۰۴ برگزار می شد .

چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه سوری)

در مورد چهارشنبه سوری در کتاب ها و سندهای تاریخی اشاره ای نشده است و فقط در این نیم قرن اخیر است که مقاله ها و پژوهش های متعددی در این باره منتشر شده و یا در نوشته های مربوط به نوروز ، به چهارشنبه سوری نیز پرداخته اند .
مراسم چهارشنبه سوری در همه مناطق ایران اجرا می شود ؛ بدین صورت که در آخرین چهارشنبه سال (یعنی نزدیک غروب آفتاب روز سه شنبه) همه اهل خانه آتش می افروزند و با گفتن " زردی من از تو ، سرخی تو از من " بیماری ها و نگرانی های سال کهنه را به آتش می سپارند تا سال نو را با آسودگی و شادی آغاز کنند .

بی گمان چهارشنبه سوری از رسم های کهن پیش از اسلام نیست . در آن زمان هر یک از روزهای ماه را نامی بود ، نه روزهای هفته را .

آتش افروزی ایرانیان قبل از نوروز ، از آیین دیرین است و افتادن این آتش افروزی به شب آخرین چهارشنبه سال، پس از اسلام رسم شده است ؛ زیرا روز سه شنبه نزد عرب ها روز شوم و نحسی است . این است که ایرانیان آتش افروزی پایان سال خود را به آخرین چهارشنبه انداختند تا پیشآمدهای سال نو از آسیب روز پلیدی چون چهارشنبه ، بر کنار ماند .

یکی از دلیل هایی که نشان می دهد ، چهارشنبه سوری از آیین های پیش از اسلام است ، می تواند این باشد که مراسم آن در غروب آفتاب روز سه شنبه برگزار می شود . در گاهشماری قمری آغاز بیست و چهار ساعت شبانه روز از غروب آفتاب روز پیش است و چهارشنبه سوری مانند بسیاری از آیین ها ، جشن ها و سوگواری های مذهبی در غروب روز پیش برگزار می شود . نحس بودن چهارشنبه سوری در باورهای عامیانه باعث شده که هنوز بعدازظهر به احوال پرسی و مهمانی نمی روند و پنجشنبه را عامه " شب جمعه " می گویند ؛ در صورتیکه آیین های کهن مثل نوروز، مهرگان و سده بر اساس گاهشماری خورشیدی از نیمه شب یا سپیده دم آغاز می شود .

در برخی از شهرهای آذربایجان چون ارومیه ، اردبیل و زنجان ، همه چهارشنبه های اسفند ، هریک نقش و نام معینی دارند .
از جمله در منطقه زنجان بدین شرح است :

نخستین چهارشنبه : " موله " نام دارد و روز شستن و تمیز کردن است .

دومین چهارشنبه : " سوله " نام دارد و روز خرید وسایل عید است .

سومین چهارشنبه : " گوله " نام دارد و روز خیس کردن و کاشتن عدس ، گندم و ... برای سبزه نوروز است.

چهارمین چهارشنبه : " کوله " نام دارد و چهارشنبه سوری است .

آجیل خوردن ، فال گرفتن ، فال گویی و قاشق زنی ، از رسم هایی است که هنوز در شهرهای کوچک و روستاها انجام می شود .

روزهای مردگان و پنجشنبه آخر سال

زرتشتیان معتقدند که : روان و فره مردگان ، هیچ گاه کسی را که به وی تعلق داشت فراموش نمی کنند و هر سال هنگام جشن فروردین به خانه باز می گردند .

از صورت های برجای مانده این رسم ، در شهر و روستا ، به گورستان رفتن (پنجشنبه آخر سال) است ؛ به ویژه خانواده هایی که در طول سال عضوی را از دست داده اند .

خانه تکانی

اصطلاح خانه تکانی را بیشتر برای تمیز کردن ، نو خریدن ، تعمیر کردن ابزارها ، فرش ها ، لباس ها و ... به مناسبت نوروز به کار می برند .

خانه تکانی سه تا چهار هفته طول می کشد و بایستی تمامی ابزارها و وسیله هایی که در خانه است جابجا ، تمیز و تعمیر شده و به جای خود بازگردد . بعضی از اشیاء سنگین مانند فرش ها ، تابلوها ، پرده ها ، فقط سالی یکبار ، آن هم در هنگام خانه تکانی نوروزی جابجا و تمیز شود و در برخی از شهرهای آذربایجان ، نخستین چهارشنبه ماه اسفند (موله) به شستن و تمیز کردن فرش های خانه اختصاص دارد .

کاشتن سبزه

اسفندماه هنگام کاشتن دانه و غله است . کاشتن " سبزه عید " به صورت نمادین و شگون ، از روزگار کهن در همه خانه ها و در بین همه خانواده ها مرسوم است .

در ایران کهن ۲۵ روز پیش از نوروز ، در میدان شهر ۱۲ ستون از خشت خام برپا می شد و بر آن ها :

- | | | | |
|---------|---------|----------|--|
| ۱- گندم | ۲- جو | ۳- برنج | ۴- باقلا |
| ۵- ارزن | ۶- ذرت | ۷- لوبیا | ۸- نخود |
| ۹- کنجد | ۱۰- عدس | ۱۱- ماش | ۱۲- کاجيله (از تیره مرکبات که ساقه آن ۵۰ cm است) |

می کاشتند و در ششمین روز فروردین ، با سرود و ترنم و شادی ، این سبزه ها را می کنند و برای فرهیختگی به هر سو می پراکنند .

ابوریحان نقل می کند : این رسم در میان ایرانیان پایدار ماند که روز نوروز در کنار خانه ، هفت صنف از غلات در هفت استوانه بکارند و از روییدن این غلات ، خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه را حدس بزنند . امروزه در همه خانه ها رسم است که ده روز یا دوهفته پیش از نوروز ، در ظروف کوچک و بزرگ و یا پشت کوزه دانه هایی چون گندم ، عدس ، ماش و ... می کارند . موقع تحویل سال و روی سفره هفت سین بایستی سبزه بگذارند . این سبزه را تا روز سیزده نگه داشته و در این روز ، زمانی که برای سیزده بدر از خانه بیرون می روند ، در آب روان می اندازند .

امروزه جلوی ماشین قرار دادن سبزه در روز سیزده بدر به عنوان یک رسم در آمده است .

سفره هفت سین

افراد در زمان تحویل سال ، در کنار سفره هفت سین جمع می شوند .

هفت روئیدنی خوراکی است که با حرف " س " آغاز می شود و نمادی برای فراوانی روئیدنی ها و فراورده های کشاورزی است . « سیب ، سبزه ، سنجد ، سماق ، سیر ، سرکه ، سمنو » و افزون بر آن آیینی ، شمع ، تخم مرغ رنگ کرده ، ماهی ، نان ، سبزی ، گلاب ، سکه ، کتاب دینی می گذارند و این سفره در بیشتر خانه ها تا روز سیزده گسترده است .

در برخی از نوشته ها از سفره " هفت شین " سخن گفته و آن را رسمی کهن تر دانسته اند . در ریشه یابی هفت سین ، نظرهای دیگری چون هفت چین (هفت روئیدنی از کشتزار چیده شده) و هفت سینی از فراآورده های کشاورزی نیز بیان شده .

علت تعدد نظرها اشاره نشدن در کتاب های تاریخی و ادبی به هفت سین است و بیشتر از زمان قاجار مطالعاتی انجام گرفته است .

میرزاده عشقی در نوروزنامه مسمطی برای مردم آن دیار سروده :

« همه ایرانیان نوروز را از یاد بود کی

بپا سازند از مازندران تا شوش و ملک ری

بساط هفت سین چینند و بنشینند دور وی »

لباس نو

پوشیدن لباس نو ، رسم همگانی است . تهیه لباس برای سال تحویل در بین غنی و فقیر وجود دارد . خلعت دادن پادشاهان و امیران در جشن نوروز برای نو پوشاندن کارگزاران و زیر دستان بود . بسیاری از خانواده ها که درسوگ یکی از نزدیکان لباس سیاه پوشیده اند ، به مناسبت نوروز به ویژه هنگام سال تحویل ، لباسی دیگر می پوشند . کسانی که لباس نو ندارند ، می کوشند هر قدر هم اندک ، حتی جوراب ، پیراهن و یا چیزی در هنگام تحویل سال نو بپوشند . از باورهای کهن ایران این بود که در نوروز از طبیعت پیروی کنیم و لباس نو بپوشیم .

خوراک های نوروزی

خوراک ها با ویژگی های اقلیمی و نوع فراآورده های هر منطقه هماهنگی داشته و در عین حال بهترین و کمیاب ترین غذای منطقه بود .

امروزه در برخی شهرهای ایران " سبزی پلو با ماهی " خوردن در شب عید و " رشته پلو " در روز نوروز رسم است . پلودر شهرهای مرکزی و کویری ، تا چندی پیش ، غذای جشن ها و مهمانی ها و نشانه رفاه بود و این غذا خوراک خاص همه مردم - فقیر و غنی - در شب نوروز بود .

دید و بازدید نوروزی (عید دیدنی)

از جمله آیین نوروزی، دید و بازدید یا عید دیدنی است. رسم است که روز اول به دیدن بزرگان فامیل و طایفه می روند. دیدن های نوروزی که ناگزیر بازدید ها را به دنبال دارد و همراه با روبوسی است، در روزهای نخست فروردین که تعطیل رسمی است، بوده و گاه تا سیزده فروردین (و در عهد کهن تا آخر فروردین) بین خویشاوندان و دوستان و آشنایان دور و نزدیک ادامه دارد. رفت و آمد گروهی خانواده ها هنوز از میان نرفته است. تا زمانی که مسافرت های نوروزی رسم نشده بود، دید و بازدید عید، وظیفه ای الزامی بوده و چه بسیار افرادی که فقط سالی یکبار آن هم در نوروز به خانه یکدیگر می روند و خیلی از کدورت ها به مبارکی دید و بازدید عید، برطرف می شود.

نوروز اول (نو عید)

در دید و بازدید های نوروزی رسم است که نخست به خانه کسانی بروند که نوروز اول در گذشت عضوی از آن خانواده است. در این روز، خانواده و خویشاوندان، لباس سیاه را از تن سوگواران در می آورند و دیدار کنندگان در نوروز اول به خانواده سوگوار، تسلیت نمی گویند؛ بلکه برای آنان آرزوی شادمانی می کنند تا در آغاز سال نو، فال بد نزنند.

هدیه نوروزی (عیدی)

هدیه دادن به مناسبت نوروز رسمی کهن است. کتاب های تاریخی از پیشکش ها و بخشش های نوروزی قبل از اسلام و بعد از اسلام خبر می دهند. از رعیت به پادشاهان و حکمرانان و از پادشاهان به وزیران، دبیران، شاعران و از بزرگترها به کوچکترها به ویژه کودکان داده می شود.

پیشکشی رعیت (تاجر، صنعتگر، کشاورز) و حاکمان ولایات به پادشاهان و خلفا در واقع بخشی از باج و خراج و مالیات سالانه بود که به آن متعهد بودند و خزانه های کشور از آن آباد می شد.

امروزه به جای هدیه هایی چون سوغات، چشم روشنی، جاخالی پا از واژه کادو (فرانسوی) استفاده می شود. البته این باور وجود دارد که هدیه گرفتن از دست افراد مورد احترام از نظر سنتی تبرک داشته و دارای شگون و "دست لاف" است. (دست کردن)

کارت تبریک عید

تبریک گفتن عید در آداب کهن، به صورت نامه نگاری بوده، ولی با رواج صنعت چاپ، فرستادن کارت تبریک عید، وارد فرهنگ ما شده است. با کم شدن دید و بازدید ها، فرستادن کارت تبریک رونق بیشتری دارد و امروزه با پیشرفت تکنولوژی در شهرهای کوچک و بزرگ، فرستادن پیام کوتاه به وسیله تلفن همراه، رونق فراوانی یافته است.

سیزده بدر

در مورد سیزده بدر به مانند هفت سین، چیزی در منابع تاریخی دیده نمی شود، یا اینکه این ها رسوم گذشته نیستند و یا اینکه با معیارهای مورخان زمان، ارزش و اعتبار ثبت و ضبط نداشته است؛ که حالت دوم معتبر تر است، زیرا رسمی که در

همه روستاهای شهرهای بزرگ و کوچک اجرا می شود ، حاصل دو نسل و سه نسل نمی باشد . و همچنین مورخان رویدادها و جشن های رسمی را که در حضور شاهان و خاصان بوده را توصیف می کردند ؛ ولی سیزده بدر رسمی خانوادگی و عام و به بیانی پیش پا افتاده و همه پسند (و نه شاه پسند) بود و نحس بودن عدد سیزده در بسیاری از کشورها و نزد بسی از ملت ها ، باوری کهن است .

مسیحیان هیچ گاه سیزده نفر بر سر یک سفره غذا نمی خوردند و در باور تازیان ، سیزدهمین روز ماه ناخوشایند است . خانواده ها در این روز به صورت گروهی ، با هم غذای ظهر را آماده کرده و نیز آجیل ها و خوردنی ها سفره هفت سین را باخود برداشته و سبزه آن را به آب روان می اندازند .

رسم گره زدن سبزه برای دختران دم بخت ، شگونی برای ازدواج و همسریابی است و در هنگام گره زدن این شعر را می خوانند « سیزده بدر ، سال دگر ، خانه شوهر ، بچه بغل » مشی و شمیانه ، فرزندان کیومرث در این روز ازدواج کردند .

باورهای عامیانه درمورد نوروز

- روز سیزده ، کار کردن نحس است .
- روز سیزده باید یک نفر خوش قدم اول وارد خانه شود (زنان خوش قدم نیستند)
- کسی که روز نورز گریه کند ، تا پایان سال اندوه او را رها نمی کند.
- کسانی که مرده اند - سالی یکبار هنگام نوروز - فروهر آن ها به خانه برمی گردد . پس باید خانه را تمیز کنند و چراغ روشن کنند و با سوزاندن عود و کندر ، بوی خوش ایجاد کنند .

جشن زایش اشو زرتشت = ششم فروردین

جشن فروردینگان (فرودگ) = ۱۹ فروردین

فروردینگان به معنای " فروهرها " است و این جشن به عنوان تجلیل از فروهرها برگزار می شود . در این جشن زرتشتیان ، سر مزار درگذشتگان خود می روند و برای خوشنودی روان ها عود و کندر آتش می زنند .

جشن اردیبهشتگان / ۲ خورشیدی

در روز سوم اردیبهشت انجام می گرفته است . این روز بزرگ یادآور " اشه و هیسته " و ویژگی های آن یعنی بهترین راستی و پاکی می باشد . اردیبهشت دومین امشاسپند است . نیاززدن چهار گوهرا (آب ، باد ، خاک ، آتش) یعنی آلوده نکردن محیط زیست و پاک نگه داشتن آن و همچنین پاک نگه داشتن تن و جامه از ویژگی های این جشن می باشد . ایرانیان در این روز لباس سفید می پوشند و اردیبهشت یشت می خوانند .

جشن خردادگان / ۴ خورشیدی

روز ششم خرداد و پنجمین امشاسپند است . در اوستا هئورتات به معنای رسایی و کمال است و در عالم مادی ، نگهبان آب خرداد است و در این روز غسل و شستشو انجام می گرفته و مردم به چشمه ها و جویبارها می رفتند و به پایکوبی و شادی می پرداختند و خرداد یشت می خواندند و با شادی به یکدیگر نیلوفر یا گل یاس هدیه می کردند .

در این ماه، زرتشتیان در روزهای ۲۶ تا ۳۰ خرداد به زیارت پیر سبز چک چک می روند و همچنین در ۲۶ خرداد، زیارتگاه سستی پیر در شرق یزد، نزدیک مریم آباد مورد توجه آنان می باشد. به باور زرتشتیان این زیارتگاه، پناهگاه مادر شاهزادگان ساسانی است.

جشن تیرگان = ۱۳ تیر / ۱۰ خورشیدی

سیزدهمین روز در هر ماه زرتشتیان، "تیر" یا "تشت" نام دارد. روایت است تشت به باریدن باران کمک می کند. در زمان منوچهر، شاه پیشدادی، چون افراسیاب تورانی بر منوچهر پیروز شد و او را در طبرستان محاصره نمود، طرفین حاضر به سازش شده و قرار شد آرش، جوان دلیر ایرانی از قله دماوند تیری پرتاب نماید. این تیر در کنار رود جیحون بر درختی نشست و مرز ایران و توران مشخص شد. داستان دیگری که درباره جشن تیرگان آمده: در زمان فیروز ساسانی هفت سال ایران دچار خشکسالی شد تا مردم روی به بیابان آوردند و با نیایش از پروردگار، آرزوی باریدن باران کردند و پس از آن بارش باران شروع شد و به شادی آن در چنین روزی ایرانیان به یکدیگر آب می پاشند. از ویژگی های این روز تار نازکی از ابریشم هفت رنگ است که نودار رنگین کمان، و معروف به کمان آرش است که زرتشتیان این تار را در روز تیر به دست بسته و ده روز بعد در روز "باد" به هنگامی که تیر آرش بر درخت نشست، به باد می دهند.

جشن تیرما سیزه شو: هنوز در قسمت هایی از مازندران اجرا می شود. در شب سیزدهم آبان ماه، خانواده ها و خویشاوندان نزدیک در خانه بزرگ فامیل با تدارک قبلی جمع می شوند. این گردهمایی تا پاسی از شب ادامه دارد. هرکس به اندازه امکان، مقداری از خوردنی شب را که شامل آجیل و میوه و تنقلات و "شب چره" است، تدارک می بینند.

شگون چوب خوردن از لال

قسمت عمده رسم، آمدن لال است که در برخی از شهرها این مراسم لال شو (شب لال) گفته می شود. در این شب شخصی با لباس مبدل، دستمالی به سر بسته و صورتش را سیاه می کند و مانند لال ها با کسی حرف نمی زند. چند نفر او را همراهی می کنند. او وارد خانه شده و با چوبی که در دست دارد و به آن "شیش" گویند، ضربه ای به ساکنان خانه می زند و باور دارند که هرکس را بزند، تا سال دیگر آن فرد مریض نمی شود. این زدن را شگون برای تندرستی می دانند و به او چیزی می دهند.

لال مخصوصاً به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران شوهر نکرده و درختان بی میوه می رود و ترکه ای به آن ها می زند. یک نفر از حاضران پا درمیانی کرده و ضمانت می کند که مثلاً این زن یا آن دختر را زن و تا سال آینده زن باردار شده و یا دختر به خانه شوهر می رود.

صاحب خانه به آن ها شیرینی می دهد و آمدن لال را به خانه خود به فال نیک می گیرد.

از رسم های دیگر تیرماسیزه شو، "فال گرفتن با دیوان حافظ" است. نوجوانان محل، کمتر در خانه می مانند و به همراه لال و معمولاً به صورت ناشناس، از خانه ای به خانه دیگر رفته و شیرینی و آجیل گرفته و بین خود تقسیم می کنند.

رسوم آب پاشی در جشن تیرگان

در جشن تیرگان، شست و شو کردن در آب روان، رسمی کهن است. ابوریحان می نویسد: چون کیخسرو از جنگ با افراسیاب برگشت، در این روز از ناحیه ساوه عبور نمود و به کوهی رفت و تنها و بدون هیچ یک از لشکریان، به چشمه ای وارد شد و فرشته ای را دید و در دم مدهوش شد؛ ولی این کار با رسیدن بیژن پسر گودرز، مصادف شد و قدری از آب چشمه بر روی کیخسرو ریخت و رسم اغتسال و شست و شوی با آب، از آن زمان باقی ماند.

رسوم آب پاشان در دوره صفویه، در آغاز تابستان برگزار می شده و مورخان و سفرنامه نویسان از آن به تفصیل یاد کرده اند. این جشن آریایی که پیش از مسیح در میان آریایی ها به ویژه ایرانیان رواج داشته و هم اکنون در بین ایرانیان ارمنی و دیگر ارمنیان جهان مرسوم است و همه ساله آن را در ماه ژوئن که مصادف با تیرماه ایرانی است، برپا می دارند.

جشن امردادگان (هفتم مرداد) / سوم خورشیدی

واژه اوستایی امرداد، امرتات است و به معنی بی مرگی است و اگر الف آن را که پیشوند نفی است، برداریم، فرشته جاودانگی به دیو نیستی و مرگ تغییر شکل می دهد. چون امرداد فرشته جاودانی است در عالم جسمانی، نگهبانی نباتات و رویدنی ها با اوست. نیاکان ما در این رو به باغ ها و مزارع می رفتند و پس از نیایش به درگاه اهورامزدا، این جشن را با شادی و سرور در طبیعت برگزار می کردند.

جشن شهریورگان - چهارمین روز (۳۰ مرداد خورشیدی)

واژه شهریور در اوستا، خستره وئیریه است. جزء اول یعنی خستره معنی قدرت و حکومت کشور است و کلمات شهر و شهریار از این واژه گرفته شده است و جزء دوم به معنای آرزو شده است. این امشاسپند در عالم روحانی مظهر قدرت و نیرو می باشد و در عالم جسمانی، نگهبانی فلزات با اوست. این جشن نیز مانند سایر جشن ها با سپاس و نیایش به درگاه اهورامزدا آغاز و با جشن سرو به پایان می رسد.

جشن مهرگان - ۱۰ مهر (۱۶ خورشیدی)

در میان همه جشن هایی که در ایران باستان متداول بود، دو جشن از همه بزرگتر و مهمتر بودند که عبارتند از نوروز و مهرگان. نوروز پیش درآمد بهار است، در حالیکه مهرگان در نیمه دوم سال و سپری شدن گرمای تابستان است. مهرگان از روز مهر تا روز رام (۲۱-۱۶) ادامه داشت که روز اول را «مهرگان عامه» و روز آخر را «مهرگان خاصه» می نامند. این جشن مربوط به فرشته مهر که در اوستا، میترا به معنی نور و خورشید، مهر و محبت، و عهد و پیمان می باشد، نامیده می شود. روایت است که فریدون - شاه پیشدادی - در این روز به رهبری کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر چیره شد و ضحاک را در کوه دماوند حبس نمود و فریدون تاج پادشاهی بر سر نهاد. فرشتگان در جشن مهرگان به یاری فریدون آمدند و در روز رام، ضحاک اسیر و در کوه دماوند زندانی شد.

جشن آبانگان - ۱۰ آبان (۴ آبان خورشیدی)

آبان به معنای آب و هنگام آب است و یکی از عناصر پاک کننده نزد زرتشتیان است . درباره پیدایش جشن آبانگان روایت است که در پی جنگ های طولانی بین ایران و توران ، افراسیاب دستور داد تا کاریزها و نهرها را ویران کنند . پس از جنگ پسر تهماسب که " زو " نام داشت ، دستور داد تا کاریزها و نهرها را لایروبی کنند و پس از لایروبی ، آب روان گردید . ایرانیان آمدن آب را جشن گرفتند .

در روایت دیگر آمده که پس از هفت سال خشکسالی ، در ماه آبان ، باران آغاز به باریدن نمود و از آن زمان جشن آبانگان پدید آمد . زرتشتیان در این روز همانند سایر جشن ها به شادی می پردازند . به کنار جوی ها و نهرها می روند و با خواندن اوستای آب زور (بخشی از اوستا) که توسط موبد خوانده می شود ، اهورامزدا را ستایش کرده و درخواست فراوانی آب و نگهداری آن را می نمایند .

جشن آذرگان - ۹ آذر باستانی (۳ آذر خورشیدی)

آذر به معنی آتش است و یکی دیگر از چهار عنصر پاک کننده نزد زرتشتیان است . از آن جا که آتش بهترین و سریعترین عنصر پاک کننده و گرما می باشد ، از زمان های قدیم مورد احترام بوده است . زرتشتیان در جشن آذرگان مانند سایر جشن ها ، با لباس آراسته به نیایشگاه می روند و با خواندن آذر یشث (بخشی از اوستا) اهورامزدا را سپاس گفته و پس از نیایش به شادی می پردازند .

جشن دیگاه

دی یا دتوشو به معنی دادار و آفریدگار است و در نامه های اوستایی ، اغلب به جای واژه اهورامزدا به کار رفته است . در سی روز ماه ، روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم هر ماه به نام دی نامگذاری شده است که برای تمیز آن ها از یکدیگر ، هریک به نام روز بعدش خوانده می شود . بنابراین در ماه دی ، چهار روز به نام خدا نامیده می شود که در این روزها ، زرتشتیان به نیایش همگانی و استراحت می پردازند و در دی ماه چهار بار جشن برگزار می شود . در ماه دی روز یازدهم باستان / ۵ دی خورشیدی / زرتشت با حمله ارجاسب تورانی کشته شد .

یلدا

امروزه از چهار جشن دی ماه ، تنها شب نخستین روز دی ماه یا شب یلدا را جشن می گیرند . یعنی آخرین شب پاییز و نخستین شب زمستان . پایان قوس ، آغاز جدی و درازترین شب سال .

واژه یلدا سریانی و به معنی ولادت است . ولادت خورشید (مهر - میترا)

بنابر باور پیشینیان ، در پایان این دراز شب که اهریمنی و نامبارکش می دانستند ، تاریکی شکست می خورد و روشنایی پیروز و خورشید زاده می شود و روزها رو به بلندی می نهند .

در سده چهارم میلادی ، بر اثر اشتباهی که در محاسبه کیسه رخ داد ، روز ۲۵ دسامبر (بجای ۲۱ دسامبر) روز تولد میترا دانسته و تولد عیسی مسیح را نیز در این آغاز سال قرار دادند .

بنابراین نوئل اروپایی ، همان شب یلداست (Noel سالروز تولد مسیح) و نوئل واقعی در ۳۰ آذر و برابر با بیست و یکم دسامبر است .

انگیزه پایدار ماندن یلدا عبارتند از :

۱- یلدا شب زایش خورشید است . (از باورهای کهن)

۲- طولانی ترین شب سال است .

۳- پایان برداشت محصول تابستان و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است .

یلدا را می توان جشن گردهمایی خانوادگی دانست . به عبارتی دیگر در سرمای آغاز فصل زمستان ، دور کرسی نشستن و تا نیمه شب میوه و آجیل خوردن و فال حافظ گوش کردن از ویژگی های شب یلداست .

جشن بهمنگان - دوم بهمن اوستایی / ۲۶ دی خورشیدی

بهمن از واژه اوستایی وهومن به معنی اندیشه نیک است و همچنین یکی از امشاسپندان نزدیک به درگاه اهورامزدا می باشد . اشوزرتشت برای دریافت پیام های اهورایی ، از وهومن یاری می گیرد . پاسبانی چهارپایان سودمند در عالم جسمانی به این امشاسپند واگذار می شود . از این رو زرتشتیان در جشن بهمنگان ، از کشتار حیوانات سودمند و خوردن گوشت آنان ، خودداری می کنند و برخی از زرتشتیان پرهیز از خوردن و کشتار را در تمام روزهای بهمن ادامه می دهند . این جشن حامی مردان درستکار می باشد .

جشن سده - روز مهر از ماه بهمن - ۱۶ بهمن / ۱۰ بهمن خورشیدی (تعطیل زرتشتیان)

جشن سده ، جشن پیدایش آتش است که به پیدایش آتش در زمان هوشنگ پیشدادی اشاره می کند . سده از واژه " ست " در زبان پهلوی آمده است و معنی آن صد می باشد . سده هنگامی است که صد روز از زمستان می گذشت و یا به روایت امروز ۵۰ شب و ۵۰ روز به نوروز مانده است .

اجرای مراسم سده : پس از غروب آفتاب ، ۳ تن از موبدان ، در حالیکه لباس سپید بر تن دارند ، به سوی توده ای از هیزم خشک که از قبل تهیه گردیده ، حرکت می کنند . گروهی از جوانان که لباس سفید بر تن دارند با مشعل های روشن ، موبدان را همراهی می کنند . موبدان بخشی از اوستا را که آتش نیایش می باشد را می سرایند . موبد بزرگ به وسیله آتش موجود در آتشدان و جوانان سپید پوش با یاری از شعله های مشعل ، هیزم را آتش می زنند . گروه موزیک ، از آغاز تا پایان ، آهنگ شادی می نوازند . زرتشتیان با شادی و پیروزی ، شعله ور شدن آتش را جشن می گیرند ، به امید آنکه تا جشن سال دیگر ، روشنایی و گرمی در دل هایشان ، به خانه بازگردد .

جشن اسفندگان - ۵ اسفند باستانی / ۲۹ بهمن خورشیدی

سپندارمذ نگهبان زمین است و از آنجا که زمین مانند زنان در زندگی انسان نقش باروری و باردهی دارند ، جشن اسفندگان برای گرامیداشت زنان نیکوکار برگزار می شود . زرتشتیان این روز را به نام روز زن و روز مادر جشن می گیرند . واژه سپندارمذ در اوستا ، " سپنته آرمئی تی " آمده و به معنای فروتنی و بردباری می باشد .

پیر سبز چک چک

پیر سبز زیارتگاهی است در ۶۲ کیلومتری شمال شرقی یزد و بر سینه کوهی قرار گرفته که چشم انداز آن رو به دامنه خشک و ریگزار کویری است و از شکاف سنگ های کوه، جریان کمی از قطره های آب می چکد. این قطره های آب امکان رویش درختان کاج و سرو منطقه را فراهم آورده و زیارت کنندگان را سیراب می کند. این منطقه مزار " حیات بانو " است که توسط شبانی که در عالم رؤیا بوده، کشف شده است.

زرتشتیان سالی یکبار، در هفته پایانی خرداد (۲۴ - ۲۸ خرداد) به آنجا می روند و چند روز می مانند. در روزهای دیگر، فقط دربان زیارتگاه، نگهبان خانه ها و چند مسافر در آنجا قرار دارند.

در دامنه کوه زرتشتیان هر شهر، بنایی ساخته اند. بنایی که شامل یک مطبخ، چند صفا و چند اتاق است و به آن مجموعه " خيله " می گویند.

خيله ها در کمرکش کوه و پایین تر از معبد و چک چک آب ساخته شده اند. اهمیت خيله ها بستگی به دوری و نزدیکی به معبد دارد. خانواده هایی که امکان و قدمت بیشتری در زیارت سالانه داشته و از موقعیت اقتصادی و اجتماعی برخوردارند، خيله شان به معبد نزدیکتر است.

زیارتگاه های زرتشتیان که امروزه بیشتر در یزد و کرمان به جای مانده، هریک زمان معینی را برای زیارت های دسته جمعی به خود اختصاص داده، مثل « پیر هریشت » (۶ تا ۱۰ فروردین)، « پارس بانو » (۱۳ تا ۱۷ تیر / ویژه بانوان)، « پیر نارکی » (۱۲ تا ۱۶ مرداد)، « پیر سبز » (۲۴ تا ۲۸ خرداد) که همه در بهار و تابستان برگزار می شود. « آب مراد » (۲۴ کیلومتری غرب کرمان)، « بابا کمال » (۶ کیلومتری شمال شرقی کرمان)، « شاه مهر ایزد » (در محدوده شهر کرمان)، مهمترین زیارتگاه پیر چک چکو است.

از جمله مراسمی که در زمان زیارت پیر سبز چک چک انجام می شوند، عبارتند از:

۱- **مناسک و مراسم اعتقادی:** در مدت توقف، خانواده ها دو یا سه بار به زیارت می روند. شمع روشن کردن، دعا خواندن، نذر کردن، سدره پوشی و کشتی بستن از جمله مناسکی است که در معبد به جای می آورند.

۲- **لباس:** در این مراسم زنان لباس سنتی زرتشتی می پوشند و در یزد و کرمان لباس زرتشتی هنوز اصالت خود را حفظ نموده است.

لباس سنتی عبارتست از: ۱- روسری ابریشمی (سایه کوئی)، ۲- مقنعه بزرگ گلدار (مکنو)، ۳- زینت هایی که هنوز بعضی از زنان به روسری خود می آویزند (پَر دسمالی)، ۴- شلواری گشاد از پارچه گلدار که در مچ پا جمع می شود (شوال سیخ و تیر)، ۵- پیراهن گلدار (پَرئنه) .

۳- **خوراک:** ممنوعیت و محدودیت خوراکی در دین زرتشت در مقایسه با دین یهود و اسلام اندک است.

۴- **دید و بازدید:** جمع شدن در خيله ها باعث می شود، خانواده هایی که از هم دور هستند، بتوانند همدیگر را ببینند. با هم گپ بزنند و اگر دختر و پسری در سن ازدواج هستند، با همدیگر آشنا شوند. کتک زدن تازه دامادها در این روز از مراسم شادی بخش جوانان بوده است.

۵- آب پاشی اول تیر : خانواده هایی که تا اول تیر در خيله مانده اند ، به همدیگر آب می پاشند و همه مواظب هستند که غافلگیر نشوند . در روز آخر هنگام بازگشت ، زمزمه " آشم وهو " از معبد بلند است .

آیین سالانه قره کلیسا

واژه ارمنستان به معنی کشور آرمن ها است . بنابر نوشته های مورخان ، هایک نخستین رئیس این قوم ، چهار پسر داشت که نام یکی از آن ها آرمناک بود و ارمنی ها را منسوب به او می دانند .
" هائپاسان " نیز که نام هایک و از واژه " های " به معنی ارمنی گرفته شده ، نامی است که ارمنستان را در قدیم بدان می نامیدند .

از زمان " گریگور منور " که ارمنستان به مسیحیت گرویدند ، واژه ارمنی معرف قوم و دیانت ارمنی است .
کلیسای تادئوس (طاطائوس) معروف به قره کلیسا ، در دهی به همین نام - در دهستان چالدران از بخش سیه چشمه در شهرستان ماکو - استان آذربایجان غربی قرار گرفته است .

تادئوس یکی از حواریون مسیح ، در سال چهل میلادی به ارمنستان آمد و به تبلیغ مسیحیت پرداخت . گروه زیادی به آیین مسیحیت روی آوردند . از جمله « ساناتروک » پادشاه ارمنستان و دخترش « ساندخت » ؛ ولی سلطان کمی بعد پشیمان شد و دشمن مذهب جدید شد . او نتوانست دخترش را از دین جدید برگرداند . لذا دستور قتل طاطائوس و دختر خود را صادر کرد . طاطائوس و پیروان دیگر کشته شده و در ناحیه آرتاز به خاک سپرده شدند .

بعدها چهار کلیسا در این منطقه ساخته می شود که احتمالاً چالدران از چهارداران گرفته شده است .
در سال ۱۲۳۰م (۶۱۶ هجری) ، هنگام حمله چنگیز توسط ارغون - سردار مغول - کلیسا غارت و ویران شد و بعدها در زمان هلاکوخان این کلیسا مرمت شد .

این کلیسا یکبار نیز در سال ۷۱۲ هجری ، توسط زلزله ویران شده که زمان تعمیر آن مشخص نیست . در سال ۱۲۰۱ هجری ، در زمان لشکرکشی آغامحمدخان ، کلیسای مزبور مورد تاراج قرار گرفته و در سال ۱۲۲۴ هجری باموافقت عباس میرزا توسط اسقف " بزنونی " قسمتی از سنگ های سیاه را به سنگ سفید تبدیل می کنند . این جشن بین ۲۵ تیرماه تا ۱۰مرداد به مدت ۳ روز در روز پنجشنبه ، جمعه و شنبه برگزار می شود . محل توقف مسافران ، چادرهایی است که توسط خلیفه گری نصب شده و اجاره داده می شود . مراسم و مناسک دینی سه روز - دعای کلیسا در روزهای پنجشنبه و جمعه صبح و عصر برگزار می گردد . در روز شنبه تنها یکبار آیین ویژه عید به وسیله اسقف اعظم اجرا می شود . قربانی کردن وقت خاصی در دین مسیحیت ندارد ، اما در این سه روز انجام می گیرد .

آیین قالی شویان اردهال

بازمانده ای کهن از جشن تیرگان و آرزوی باران

آیین‌ها و باورداشت‌های مقدس، همواره برای مردمان باورمند بدان، به عنوان یک اصل مقدس و گرامی زنده می‌مانند و در کشاکش رویدادهای زمانه و هنگامه‌های گوناگون، تنها از شکلی به شکل دیگر در می‌آیند و یا وجه تسمیه خود را تغییر می‌دهند. نیایشگاه‌ها، زیارتگاه‌ها و هرگونه مکان مقدس دیگری نیز به همین گونه و در گذر زمان و بنا به مصلحت‌ها، پاره‌ای تغییرات در نام و آیین‌های وابسته به آن انجام می‌شود، اما تقدس خود را حفظ می‌کنند. از همین روی است که بسیاری از کلیساها در اروپا برجایگه نیایشگاه‌های میتراپی ساخته شده‌اند و بسیاری از مساجد و امامزاده‌ها در ایران، جایگاه آتشکده‌ها و دیگر نیایشگاه‌های کهن‌تر بوده‌اند و همان آتشکده‌ها نیز خود بر روی بازمانده‌های دیگری از نیایشگاه‌های پیروان و باورمندان به میترا و آناهید و تشر و دیگران سر بر کشیده بودند.

امروزه در اردهال کاشان به پیروی از رسمی کهن آیینی به نام «قالی شویان» برگزار می‌شود که از برخی ویژگی‌ها و شیوه‌های برگزاری مراسم، پیوند آن با آیین‌های جشن تیرگان، ستایش تشر/ تیر و یا دعای باران به دیده می‌آید.

«مشهد اردهال» در ۴۰ کیلومتری غرب کاشان و در کنار راهی است که از راوند به سوی دلیجان می‌رود. در این محل بنای امامزاده سلطان علی بن محمد باقر قرار دارد که قدمت آن به سده ششم هجری می‌رسد و در طول زمان، به ویژه در عصرهای صفوی و قاجار، بناها و آرایه‌های معماری گوناگونی بر آن افزوده شده و هنوز هم می‌شود. بنای نیایشگاه بر کنار یک خشک‌رود و در نزدیکی دره و گردنه‌های کوه «اردل» واقع است و تکیه بر جبهه جنوبی کوهی نه‌چندان بلند دارد. در روستا و دشت پیرامون، بازمانده‌های قلعه‌ها، امامزاده‌ها، درختان کهنسال و دیوارهای بزرگ و کهن فراوانی به چشم می‌خورد که نشانه‌ای از گذشته پر رونق آن ناحیه هستند.

در صحن امامزاده، سنگابی بزرگ و نگارین برای آب آشامیدنی و حوض بزرگی جای دارد که از آب قنات غیاث‌الدین سیراب می‌شده است. در گذشته، اتاقی به نام «آتش‌خانه» یا «چراغ‌خانه» نیز در آنجا بوده که امروزه همانند نمونه‌های مشابه آن در زیارتگاه‌های دیگر، ویران شده است.

در روز سیزدهم مهرماه هر سال (امروزه در دومین آدینه مهرماه) که سالگرد شهادت امامزاده دانسته می‌شود؛ مردمان بسیاری از دور و نزدیک در اردهال گرد هم می‌آیند تا شاهد مراسم نمادین تغسیل امامزاده باشند. در این مراسم که منحصراً توسط اهالی روستای «فین» کاشان و چند روستای دیگر برگزار می‌شود و دیگران حق شرکت در آنرا نداشته و تنها تماشاچی هستند؛ یکی از قالی‌های درون بنای امامزاده، به عنوان قالی‌ای که به هنگام شهادت در تابوت او بوده و پیکر امامزاده را در آن پیچیده بوده‌اند، به صورت لوله‌شده بر دوش جوانان قرار می‌گیرد و آنان آنرا به سوی چشمه‌ای که در حدود چند صد متری شرق بنا واقع است، می‌برند. به دنبال این دسته، گروهی دیگر که هر یک چوبدستی بلندی را بر دست دارند، حرکت می‌کنند و با تکان دادن چوبدستی در هوا به نبردی نمادین با قاتل امامزاده می‌پردازند.

قالی بر کنار چشمه به زمین می‌آید و آب چشمه را به نشانه غسل دادن امامزاده بر آن می‌افشانند و آنگاه دوباره آنرا با شور و هیجان به سوی بنا باز می‌گردانند. پیش از ورود قالی به آرامگاه، چوب بدستان با دویدن و تکان دادن چوب‌ها و فریاد و شعارهای مهیج، نبرد با «اشقیاء» قاتل امامزاده را دنبال می‌کنند. رسیدن حاملان قالی به درگاه ورودی امامزاده و سپردن آن به گروهی دیگر که می‌باید آنرا به درون ببرند، همراه با تشریفات خاصی است که شدت ازدحام و فشار و کش‌وقوس‌های

فراوان، آن هنگام را به لحظه‌هایی پر تب و تاب تبدیل می‌کند و بسیاری از جوانان چنان از شدت این همه‌مه و گیرودار از حال می‌روند که جز با دیدار آن، امکان توصیف دیگری نیست.

حاشیه این مراسم نیز دیدنی و جالب است. هزاران هزار مردمان و ماشین‌هایی که از دور و نزدیک در دشت ارده‌ال گرد آمده و گاه تا چند روز اتراق می‌کنند؛ پرده‌خوانان و شبیه‌خوانان توانا که یادمانی از آیین‌های نمایشی ایرانی هستند؛ دست‌فروشان بسیار و بازار مکاره بزرگی که تا چند روز در دشت پیرامون برگزار شده و هر آنچه از شیرینی‌ها و خوراکی‌ها، پارچه و پوشاک، عطر و ادویه، آینه و کارد و ظروف آشپزخانه، تله موش و دام پرندگان، ابزار کشاورزی و زین‌ابزار اسب و چارپایان، تا هر آنچه که فروش و تماشای آن حتی به وهم کسی هم نمی‌رسد، از دیدنی‌ها و ویژگی‌های آیین قالی‌شویان مشهد ارده‌ال است. بسیاری از مردم خرید پاره‌ای از جهیزیه دختران یا ابزار کشت و زرع خود از این بازار مکاره را خوش یمن و موجب برکت می‌دانند.

در زمینه رویدادهای تاریخی مربوط به چگونگی و چرایی ورود امامزاده به ارده‌ال و وقایع پیش‌آمده و سپس جنگ‌ها و شهادت او، روایت‌های متعدد و بسیار متفاوتی گفته شده است که همین تفاوت‌ها و تناقض‌های فراوان، در کنار نبود اسناد تاریخی، نشانه‌ای از داستان‌گونه بودن همه آنهاست. از همین روی است که ملا محسن فیض کاشانی، حکیم و عارف عصر صفوی در کتاب «انجم فروزان» وجود شخصیتی به نام سلطان علی و آرامگاه او در مشهد ارده‌ال را یکسره افسانه و خرافه می‌داند.

امروزه برخی از پژوهشگران و از جمله استاد جابر عناصری در «اساطیر و فرهنگ عامه ایران» (۱۳۷۴، ص ۹۹ تا ۱۰۱) این مراسم را بازمانده‌ای از جشن مهرگان می‌دانند. در حالیکه هیچگونه شباهتی بین مراسم قالی‌شویان با جشن مهرگان (جز نزدیکی زمانی این دو با یکدیگر) عرضه نشده است.

آیین قالی‌شویان ارده‌ال کاشان در سیزدهمین روز مهرماه برگزار می‌شده که در سال‌های اخیر برای فراهم آمدن امکان بیشتر حضور مردم، در دومین آدینه مهرماه برگزار می‌شود. این مراسم شباهتی فراوان با آیین‌های کهن ایرانی و همچنین آیین‌های در پیوند با «تشتیر» (تیر)، پرنورترین ستاره سراسر آسمان و ایزد باران‌آور و بخشنده سال خوب و خرم دارد و ظاهراً و به دلایل زیر نه تنها ارتباطی با وجه تسمیه شناخته‌شده خود ندارد، بلکه شباهتی فراوان با جشن تیرگان و دیگر آیین‌های باران‌خواهی دارد.

نخست اینکه، زمان برگزاری این مناسک که به سالگرد شهادت و تدفین امامزاده منسوب است، با گاهشماری خورشیدی سنجیده و انجام می‌شود که هیچ نمونه مشابهی در مناسبت‌های مذهبی دیگر ندارد.

دوم اینکه، سیزدهمین روز مهرماه برابر است با تیر روز از این ماه که نخستین تیر روز فصل پاییز و نخستین تیر روز از سال نوی زراعی است که می‌دانیم سال زراعی از ابتدای پاییز، آغاز و در پایان تابستان بعدی به پایان می‌رسد.

این روز، هنگام یکی دیگر از چهار جشن تیرگان سالیانه است که سه جشن دیگری عبارتند از جشن سیزده‌بدر در سیزدهمین روز فصل بهار برای سالی که از ابتدای بهار آغاز می‌شود؛ جشن تیرگان در سیزدهمین روز تابستان، هم برای گاهشماری فعلی و هم برای سالی که از ابتدای تابستان آغاز می‌شده؛ و نیز جشن دیگری در سیزدهم (و گاه چهاردهم) ژانویه برای سالی که از ابتدای زمستان آغاز می‌شده و امروزه تنها در میان ارمنیان ایران روایی دارد.

از سوی دیگر نام فصل پاییز در بسیاری از متون ادبیات فارسی از جمله در شاهنامه فردوسی به گونه «تیرماه» آمده است و منظور از آن، نه ماه تیر که کل فصل پاییز یا خزان است. در آثارالباقیه ابوریحان بیرونی نیز از اول پاییز به نام «تیرماه»

یاد شده و در فرهنگ اسدی توسی هم، تیر به معنای فصل خزان ضبط شده است. امروزه تا آنجا که این نگارنده می‌داند، چنین نامگذاری برای این فصل، در میان مردمان فارسی / تاجیکی زبان آسیای میانه و نیز در افغانستان کاربرد و روایی دارد. به عبارت دیگر، سیزدهم مهرماه برابر است با تیر روز از تیرماهی که خود نخستین تیر روز سال می‌بوده و مردمان در این روز برای آرزوی باران کافی و سالی پر باران و حاصلخیز به انجام آیین‌هایی در ستایش و گرامیداشت تشتر می‌پرداخته‌اند که نمونه‌های فراوان آن در «تشتر یشت» اوستا دیده می‌شود.

سوم اینکه، پیوند تابوت و تدفین و قالیشویی با مراسم دعای باران یا باران‌خواهی در نواحی گوناگون دیگری از ایران دیده شده است. هر چند که نگارنده نمی‌تواند دلیلی برای این ارتباط ارائه کند اما واقعیتی است که نمونه‌هایی از آنرا می‌توان در باورهای مردمی دنبال کرد. برای نمونه، در حسینیه «ششناو» تفرش، تابوتی نخل‌مانند را درست بر روی نهر آبی که از میانه حسینیه می‌گذرد، جای داده‌اند تا از آب چشمه فرو کاسته نشود. در روستاهای پیرامون تبریز، تابوتی را به هنگام خشکسالی در میان آب‌های قنات یا نهر می‌گذارند تا سبب افزایش آب شود و در روستاهای اطراف مراغه اینکار را با پاشیدن آب چشمه بر روی قالی انجام می‌دهند. نمونه‌ای که شباهتی فراوان با قالیشویان اردهال دارد.

چنین باورداشت‌هایی در متون جغرافیای تاریخی ایرانی نیز روایت شده است. اصطخری نقل می‌کند که مردمان شهر شوش تابوتی را یافتند که گفته می‌شد استخوان‌های دانیال نبی در آن بوده و «مردمان شوش آن تابوت را حرمت داشتندی و به وقت تنگی بیرون آوردندی و باران خواستندی» (اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، ۱۳۶۸، ص ۹۱).

چهارم اینکه، داستان‌هایی که از سرگذشت و جنگ‌های امامزاده با دشمنان، در باورها و نقل‌ها و قصه‌های مردم منطقه باقی مانده است نیز تا اندازه‌ای با آیین‌های باران‌خواهی در پیوند است. در گزارش‌هایی از این نمونه گفته می‌شود که امامزاده سلطان علی به هنگام جنگ با مشرکان دچار تشنگی سختی شد که چون دسترسی به آب نداشت، شمشیر خود را بر زمین فرو کرد و از جای آن شمشیر، چشمه آبی جوشان شد. همچنین گفته می‌شود که یکی از دلایل شکست امامزاده در جنگ، این بود که دشمنان بدخواه، گروهی از نسوان برهنه را به نبرد با او فرستادند که ایشان برای اجتناب از دیدار آنان، از نبرد خودداری کرد و این منجر به شکست شد. ارتباط چنین برهنگانی با طلب باران و آیین‌های نیایشی به درگاه ایزد باران‌آور، به فراوانی در اسطوره‌های بسیار کهن و به ویژه در اساطیر میاندورود (بین‌النهرین) فرا دست آمده است که اکنون فرصت مناسبی برای پرداختن بیشتر بدان نیست.

همچنین در روایت‌های دیگری از مردمان محلی، امامزاده را دلاوری می‌دانند که با اژدهایی «زرد زهر» که در کوه‌های خاوه (روستایی در غرب اردهال) منزل داشت، مبارزه کرده و او را هلاک می‌کند. در باورهای ایرانی، اژدها از نابود کنندگان و سوزندگان زمین زراعی و تباه‌گران آب‌ها دانسته می‌شود و در بند سوم از فرگرد یکم وندیداد، به روشنی از اژدها به عنوان عامل تباهی رود گرامی «دائیتیا» در «ایران‌ویج» یاد می‌شود.

پنجم اینکه، نکته جالب دیگری که نگارنده در این مراسم دیده، چنین است که پس از آب‌پاشی به قالی (و نه شستشو) و بازگشت حاملان قالی از کنار چشمه به سوی بنای امامزاده، گروهی از زنانی که به فراوانی در محل چشمه حاضر بودند، با کاسه‌های کوچکی که در زیر چادر به همراه داشتند و یا با کف دست، آغاز به پاشیدن آب به سر و روی یکدیگر کردند که البته برخی دیگر نیز آنان را از اینکار نهی می‌کردند.

تمامی آیین‌ها و مراسمی که در این روز در ارده‌ها برگزار می‌شود و همچنین شیوه گردهمایی مردمان و نمایش‌ها و بازارها و آب‌پاشی‌ها، حکایت از آیینی کهن همراه با جشن و شادی و حضور در صحرا دارد و نه مراسمی که با غم و مویه توأمان باشد. نگارنده جز مرثیه‌ها و روضه‌هایی که از بلندگوهای متولیان بنا پخش می‌شود، هیچ نمونه‌ای از اشک و زاری و ناله، حتی در میان برگزارکنندگان مراسم مشاهده نکرد.

همچنین به نظر می‌آید که بجز اینکه چنین مراسمی، یادمانی از آیین‌های ستایش و نیایش تشر و طلب باران بوده باشد؛ گمان می‌رود که بنای امامزاده نیز می‌تواند در اصل یکی از نیایشگاه‌های باستانی تشر در ایران بوده باشد که تاکنون نمونه‌ای قطعی از آن شناخته نشده است

موسیقی سنتی ایران

واژه‌ی «موسیقی»، یا «موزیک» که گاهی در ادبیات فارسی از آن با «موسیقار»^[۱] نیز یاد شده است واژه‌ای یونانی است، که پس از ترجمه‌ی کتاب‌های علمی یونانی به زبان عربی، در این زبان داخل شد، و چون بیشتر نویسندگان این کتاب‌ها ایرانی بودند و البته در زبان فارسی هم گاهی به همان گونه به کار گرفته می‌شد. تا آنکه امروز هم آن را به رسمیت شناخته‌اند و در نوشته‌ها و گفتارها به کار می‌برند.

این واژه از ریشه‌ی لاتین «Musa» گرفته شده است که فرشته‌ی هنر و دانش و الهه‌ی نغمه و سرود است.

ریشه‌ی واژه‌ی ایرانی موسیقی

چنانکه گفته شد واژه‌ی موسیقی در کتاب‌های علمی یا کتاب‌هایی که ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی بود، به کار می‌رفت، اما در دیگر دفترها این نام به کار گرفته نمی‌شد و در کتاب‌های دوره‌ی اول پس از اسلام معادل ایرانی آن بیشتر از نام موسیقی به چشم می‌خورد، تا آنکه امروز این معادل فراموش شده و یکجا جای خویش را به «موسیقی» داده است.

از موسیقیدان در ادب فارسی دری، با نام «رامشگر» یا «خنیاگر» یاد شده است. «رامشگر» از دو بخش «رامش» و پسوند «گر» ساخته شده است.

رامش به معنی خوشی، خوشحالی، خوشبختی آمده است و ایرانیان، گذران زندگی را به رامش، از جمله فرایض دینی می‌شمردند.

«خنیاگر» در زبان پهلوی «هونیاک کر» و با تخفیف «هونیاکر» بوده است، و آن نیز از یک ریشه و پسوند «گر» ساخته شده است. ریشه‌ی آن «هونیاک» نیز خود دارای دو بخش است. بخش نخست آن «هو»، همان است که در واژه‌ی «هومن» به معنای «اندیشه‌ی نیک» هنوز به همان صورت در واژه به جای مانده و با تبدیل «ه» به «خ» که در زبان‌شناسی مورد تحقیقی قرار گرفته از آن واژه‌ی «خوب» امروز ساخته شده است.

دیگر بخش، «نیاک» است، که دگرگون شده‌ی واژه‌ی «نواک» است که امروز «نوا» خوانده می‌شود. زیرا که بسیاری از واژه‌ها که به «ک» پیش از حرف صدadar پایان می‌پذیرفته‌اند به مرور از پهلوی به فارسی دری «ک» خود را از دست داده‌اند، مانند «داناک» (= دانا)، «رواک» (= روا) «پرستوک» (= پرستو) و ... و از آن میان فقط دو واژه‌ی «خوراک» و «پوشاک» به همان صورت نخستین باقی مانده است.

پس روی هم رفته «خنیاگر» یا «هونیاک» یا «خنیا» به معنی «آواز خوب» یا «نوا‌ی خوش» است و این همان است که فردوسی بزرگوار ما در مقدمه‌ی داستان کاووس و مازندران در آمدن رامشگر چیره‌دست و خواندن سرود مازندرانی، در یک بیت گفته است :

چنین گفت : کز شهر مازندران یکی خوش نوازم ز رامشگران

تاریخچه موسیقی

مصریها: موسیقی در بین مصریها نیز رواج داشته و آلات موسیقی از قبیل چنگ و طنبور و نی ساده و نی مضاعف و بوق و سیتار و طبل و دایره میان آنها مرسوم بوده است. همچنین یک قسم ساز مضرابی شبیه به سه تار بوده و فرنگیها آن را نمونه گیتار می دانند. اختراع یک قسم ارگ را که دارای لوله های متعدد بوده نیز به مصریها نسبت می دهند. از نقاشیهایی که روی ظروف قدیم مصر شده و آلات ضربی مختلفی که داشته اند چنین بر می آید که رقص نیز بین آنها مرسوم بوده و مصریها به این امر علاقه داشته اند.

سومریها: بطوریکه از تاریخ بر می آید موسیقی در تشریفات و رسوم مذهبی سومریها اهمیت داشته. در میان آثاری که از آنها بدست آمده، یک قطعه نقش برجسته ای است که شامل دو قسمت است: در قسمت پایین سازی است شبیه سیتار و چنگ که در قاعده آن جعبه ای برای انتشار و انعکاس صدا تعبیه شده و نوازنده ای آن را با دو دست می نوازد. در قسمت بالا هم چهار نفر موسیقیدان دیده می شود که یکی از آنها جامه ای بلند بر تن دارد و صفحه ای مدور را در یک دست گرفته و در دست دیگر چیزی شبیه به چکش دارد. نفر دیگر مشغول دست زدن است و یک نفر هم آواز خوان است و چنین به نظر می رسد که این اشخاص مامور اجرای قربانی هستند و این کار را با رسوم و تشریفات خاصی انجام می دهند.

عیلامیها: عیلامیها نیز موسیقی را هنگام بر پا کردن رسوم مذهبی به کار می برده اند. آلات موسیقی آنها یکی دو قسم چنگ و نی ساده و مضاعف و بعضی آلات ضربی بوده. از جمله سازی داشته شبیه سنتور که بعد ها تغییر شکل داده و کامل شده و سازه های کلاویه دار فرنگی را که کامل ترین آنها پیانو است از روی آن ساخته اند. از نقوش برجسته آثار عیلامی دو نمونه کامل از ارکستر آنها که یکی دسته نوازندگان و دیگری دسته سرایندگان است بدست آمده و در ((بریتیش میوزیوم)) است. دسته نوازندگان از یازده نوازنده تشکیل می شود که هفت نفر آنها چنگ می زنند و دو نفر نی مضاعف می زنند و یک نفر سازی شبیه به سنتور می نوازد و نوازنده دیگر هم یک قسم آلات ضربی می زند. در دسته سرایندگان نه بچه و شش زن شرکت کرده اند: زنی که در جلو واقع شده راهنمای سایرین است و زن دیگر زیر چانه گذاشته که عادت اغلب خوانندگان مشرق زمین است. سایر زن ها و بچه ها هم دست می زنند.

آشوریها: خداهای آشوری دوستدار موسیقی بوده و آشوریها به خاطر آنها در موقع عبادت و پرستش ارباب انواع موسیقی مخصوصی به کار می برده اند. آلات موسیقی آنها چنگ و سیتار و نی ساده و مضاعف و بوق و طنبور بوده. در آثاری که از آشوریها بدست آمده نمونه های مختلف از نوازندگان آشوری دیده می شود و اغلب آنها به صورت تک نوازی است. فقط در یکی از این نقشها یک ارکستر چهار نفری به نظر می آید که دو نفر آنها سازی که بین چنگ و سیتار است می نوازند و دو نفر دیگر آلات ضربی می زنند.

سایر ملل شرقی: موسیقی سایر ملل مشرق زمین با موسیقی کشور ما بی رابطه نیست از قبیل فینیقیها و یهودیها و اهالی فلسطین و سوریه که آلات موسیقی دیگری که با اختلافات جزئی شبیه به سازهای مذکور در فوق است داشته اند. مخصوصا از اشاراتی که در کتاب تورات شده معلوم می شود که موسیقی یهود اهمیت داشته و عده زیادی سرایندگان و نوازندگان دور او بوده و زبور داود با الحان مخصوصی خوانده می شده. همچنین اهالی آسیایی صغیر مانند ساکنان لیدیه و فریگیه و درینها از موسیقی یونانی نیز اقتباساتی کرده بودند و این کشورها نیز به تصرف شاهان هخامنشی درآمده موسیقی آنها هم شاید در موسیقی ما بی اثر نبوده است.

موسیقی در دوره هخامنشی : از موسیقی این دوره اطلاع کافی نداریم ولی ملتی که خود را رقیب یونان می دانسته و با اهالی آن سرزمین روابط تاریخی داشته و از حیث آثار صنعتی نمونه های پر ارزشی مانند حجاریهای تخت جمشید به یادگار گذارده ، بی شک از موسیقی هم بی بهره نبوده است . از این گذشته چون دولت هخامنشی جانشین دولتهای متمدن زمان خود گردید از صنایع آنها نیز تا آنجا که مطابق ذوق ایرانیها بود اقتباس کرد . اینک اشاراتی را که دو نفر از تاریخ نویسان معروف یونان در این باب کرده اند بیان می کنیم :

هرودت در تاریخ خود راجع به ایرانیها گوید :

((ایرانیان برای تقدیم نذر و قربانی به خدا و مقدسات خود مذبح ندارند ، آتش مقدس روشن نمی کنند ، بر قبور شراب نمی پاشند ، ولی یکی از موبدان حاضر می شود و یکی از سرودهای مقدس مذهبی را می خواند .))

از گفته هرودت چنین بر می آید که ایرانیان در آن موقع موسیقی مخصوصی برای تشریفات مذهبی داشته اند . و شاید سرودی که هرودت به آن اشاره می کند از سرودهای کتاب اوستا باشد ذکر می کنیم . زنون تاریخ نویس یونانی در کتابی که راجع به بخصال کوروش نوشته ، چند جمله ذکر کرده که می توان از نوشته های او نتایجی به دست آورد . چنانکه در یک جا چنین می نویسد :

((کوروش هنگام حمله به ارتش آسور بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدایی بلند و با احترام و ادب زیاد دنبال آن را بخواندند و چون سرود به پایان رسید آزاد مردان با قدمهای مساوی و با نظم تمام براه افتادند.)) در جای دیگر گوید :

((کوروش برای حرکت سپاه چنین دستور داد که صدای شیپور علامت حرکت و عزیمت خواهد بود و همین که صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان حاضر باشند و حرکت کنند.)) پس از چند سطر دیگر گوید :

((در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و رحیل بلند شد ، کوروش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلوی صفوف سپاهیان قرار گیرد . بعد کوروش می گوید : همین که من به محل مقصود رسیدم و حملات دو سپاه نزدیک شد سرود جنگی را می خوانم و شما بی درنگ جواب مرا بدهید . در موقع حمله چنانکه گفته بود کوروش سرود جنگ را آغاز کرد و سپاه همگی با وی هم آواز شدند .))

از مطالب فوق چنین بر می آید که ایرانیان دوره هخامنشی یک قسم موسیقی مخصوصی برای جنگ داشته اند که بی شک در تحریک احساسات سپاهیان موثر بوده و آلات موسیقی رزمی آنها از قبیل شیپور و طبل نیز در این هنگام بکار می رفته و سرودهای رزمی در بر انگیزتن حس شجاعت و دلیری سربازان و کامیابی آنها در میدان نبرد وسیله خوبی بوده است اما معلوم نیست این سرودها در چه مایه ای بوده و چه شعری با آنها خوانده می شده . ضمناً از بیانات زنون معلوم میشود همان طور که ایرانیان موسیقی مخصوصی برای میدان جنگ و ستیزه داشته اند ، بی شک آنقدر ها با موسیقی آشنا بوده اند که برای موقع فراغت و تفریح نیز موسیقی دیگری داشته باشند . چنانکه در کتاب هرودت کلمه ((نی)) مکرر ذکر شده و این طور به نظر میرسد که از نواختن این ساز تأثیرات مخصوصی حاصل میشده .

راجع به وجود موسیقی مذهبی در این دوره با اشاره ای که هرودت کرده مخصوصاً با توجه به این نکته که قدیمترین قسمت کتاب اوستا شامل سرودها و مناجاتهایی است که در وقت عبادت با تشریفات خاصی خوانده میشده شکی باقی نمی ماند . از نظر موسیقی یک قسمت از کتاب یسنا که موسوم به گاتها می باشد قدیمترین قسمت اوستا و شامل سرودهای

موثری است که شاید آهنگهای مخصوصی داشته . گاتها در اواسط کتاب یسنا واقع شده و عبارت از ۱۷ سرود مذهبی است و احتمال میرود که از خود زرتشت باشد. سرودهای گاتها را می توان شعر یا اقلا نثر مسجع نامید و همین ثابت میکند که خالی از آهنگ موسیقی نبوده . این نکته را نیز باید متوجه بود که قوم ایرانی در اصل از یکی از شاخه های مهم نژاد آریاییها جدا شده از ابتدا جهات مشترکی داشته اند چنانکه کتاب مذهبی هندیها موسوم به ودا که یادگار قدیم زبان ((سانسکریت)) است نیز شامل سرودها و ترانه های مذهبی و ادبی نژاد آریایی است واز مقایسه مطالب کتاب ودا و اوستا به خوبی معلوم میشود که قوم ایرانی و هندی فرزندان یک مادرند و احساسات و طرز تفکر و کیفیت ذوق آنها جنبه های مشترکی داشته وهمانطور که اشاره شد موسیقی ایران و هند دارای شباهتهایی به هم نیز می باشد .

ضمناً باید اشاره کرد که اگر اثری از نوازندگان و سرایندگان و آلات موسیقی این دوره در دست بود و حداقل در یکی از گوشه های آثار تاریخی حجاری یا نوشته و نقش برجسته ای بدست آمده بود ، راه تتبع و فهم مقصود را نزدیک تر می کرد . ولی هیچ گونه اثری باقی نمانده و اهل فن هم در خرابه های آثار هخامنشی چیزی در این خصوص کشف نکرده اند . پس از دوره هخامنشی چون اسکندر و جانشین او یونانی بودند و بعد از اشکانیان هم مردم خارجی به شمار می رفتند و نسبت به آثار تمدن ایرانی ابراز علاقه نمی کردند همانطور که در این دوره تمدن یونانی وارد ایران شد ، شاید از آهنگهای موسیقی آنها نیز اقتباسی شده باشد . مثلاً یکی از پادشاهان اشکانی موسوم به ارد اول دوستدار ادبیات یونانی بود و در مجالس او نمایشهای یونانی مانند تصنیفات « اری پید » را نمایش می دادند . وشاید همان کسانی که از نمایشهای یونانی اطلاع داشته و بازی می کرده اند ، از موسیقی یونان نیز بی بهره نبوده و در موقع خود آوازهای یونانی هم میخوانده اند ولی به واسطه موجود نبودن مدارک و اطلاعات کافی فعلاً بیش از این نمی توان در این موضوع بحث کرد

موسیقی در دوره ساسانی : از آنجا که پادشاهان ساسانی ایرانی نژاد بودند و به بسط و توسعه تمدن ایرانی علاقه مخصوصی داشتند ، در دوره آنها علوم و صنایع ترقی کرد و موسیقی هم در اثر ترغیب و تشویق آنها بیش از پیش رواج و رونق گرفت . اردشیر ساسانی مردم را به طبقات مختلف تقسیم کرده بود که از آن جمله موسیقی دانها طبقه خاصی را تشکیل می دادند و در نزد او مقامی مخصوص داشتند . ذوق ادبی و موسیقی بهرام گور معروف است ، چنانکه نوشته اند وی چهار صد تن نوازنده و خواننده از هند به ایران آورد و در زمان او موسیقی دانها بر سایر طبقات مقدم بودند و او آنها را نوازش بسیار می کرد . موسیقی دوره ساسانی مخصوصاً در زمان خسرو پرویز بیشتر ترقی کرد و باربد موسیقی دان خاص او بوده که در کتابهای ادب و تاریخ مانند شاهنامه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی حکایاتی از او نقل شده است . به طوریکه نوشته اند باربد مخترع عده ای نواها و آهنگهایی است که آنها را در حضور خسرو پرویز می نواخته و مشهور است که وی ۳۶۰ لحن موسیقی برای روزهای سال ساخته و هر روز یکی از آنها را که مناسب موقع بوده می نواخته است تا خسرو از تکرار نغمات موسیقی خسته نشود . مقام او نزد خسرو به آن پایه بود که هر کس حاجتی داشت مطلب خود را به وسیله او به عرض شاه می رساند . از جمله وقتی که اسب محبوب سلطان موسوم به ((شبذیز)) مرد ، کسی را جرات اظهار آن نبود ، باربد نغمه مخصوصی در این زمینه تهیه کرد و خسرو را از حادثه آگاه نمود . نظامی اسامی سی لحن باربد را که برای ۳۰ روز ماه ساخته در کتاب خسرو و شیرین آورده و مطلب را با این شعر آغاز کرده :

سماع ارغنون را ساز در داد

ستای باربد آواز در داد

اسامی که نظامی در خسرو و شیرین آورده معلوم نیست نغمات اختراعی باربد باشد ولی چون نام اغلب آنها فارسی خالص است و دیگران هم همین نامها را کم و بیش قبل از او ذکر کرده اند ، می توان با حدس نزدیک به یقین گفت که این

نغمات یادگار دوره ساسانی است. از قبیل: گنج باد آور، آرایش خورشید، مشکدانه، نیمروز، رامش جان، نوشین باده، نوروز، شب‌دیز، کبک دری، کیخسروی، سبزه در سبزه، سروستان، ماه، شادروان مروارید. از دیگر موسیقی دانه‌های این دوره نکیسامی باشد و درست معلوم نیست که وی ایرانی یا یونانی بوده. همین قدر او را در نواختن چنگ ماهر دانسته‌اند و نامش هنوز بر سر زبانهاست. دیگر بامشاد و رامتین یا ((رامین)) و آزاد وار چنگی که آنها نیز از مطربان و مغنیان و رامشگران دوره خسرو پرویز بوده‌اند. بعضی از تاریخ نویسان و تحقیق کنندگان ایرانی و اروپایی اسامی الحان قدیم موسیقی را گرد آورده و در اینکه کدام یک از آنها مربوط به دوره ساسانی است سخن‌ها گفته‌اند. از جمله استاد فقید عباس آشتیانی در اثر تتبع و کاوش در فرهنگها و دیوان شعرا نام عده‌ای از نغمات موسیقی را جمع آوری کرده و در مجله کاوه مقاله‌ای استادانه نوشته‌اند. اینک نیز برای نمونه نام چند نغمه دیگر را از میان اسامی که ایشان یافته و مربوط به دوره ساسانی می‌دانند ذکر می‌کنیم:

پالیزبان، سبز بهار، باغ سیاوشان، راه گل، شاد باد، تخت اردشیر، گنج سوخته دل انگیزان، خسروانی، نوروز (بزرگ و کوچک و خارا)، جامه دران، نهفت، در غم، گلزار، روشن چراغ، گل نوش، زیر افکن.

باری تجمل سلطنت ساسانیان خود دلیل دیگری است که موسیقی در آن دوره آبرو و احترام و رونق و اعتباری داشته مخصوص که بعضی از شاهان این سلسله از قبیل بهرام گور و خسرو پرویز مردمی عشرت دوست و عیش طلب و خوشگذران بوده‌اند. دلیل دیگر بر اهمیت موسیقی دوره ساسانی اینکه عربها بعد از فتح ایران موسیقی ایرانی را عینا اختیار کردند و بین آنهایی که بکلی از این هنر عاری بودند نوازندگان و خوانندگان پیدا شدند، چنانکه در جای خود اشاره خواهد شد. ضمناً اشاره به این نکته بی فایده نیست که به عقیده مزدک که در زمان قباد ساسانی مذهبی آورد، خداوند آسمانها مانند پادشاهی بر تخت نشسته و چهار قوه یعنی شعور و عقل و حافظه و شادی در پیش او ایستاده‌اند. و این چهار قوه به دستگیری شش وزیر امور عالم را اداره می‌کنند و وزیرها در میان دوازده روح در حرکتند که یکی از این ارواح ((خواننده)) است. قوه شادی که نماینده موسیقی است در نظر مزدک مانند سه قوه دیگر اهمیت داشته و این عقیده شاید از اوضاع زمان ساسانی در روح مزدک نفوذ کرده باشد. زیرا همانطور که ساسانیان مخصوصاً بعضی از شاهان این سلسله برای طبقه نوازندگان و سرایندگان مرتبه خاصی تشکیل داده بودند و آنها را احترام می‌کردند، مزدک هم یکی از قوا را که در نزد خدا محترم بوده قوه شادی و موسیقی تصور کرده است. راجع به سازهایی که در دوره ساسانی معمول بوده بطوریکه از مضمون حکایات و قصص و افسانه‌ها و اشعار و مطالبی که در این باب نوشته‌اند برمی‌آید، نای و عژک و رباب و بربط و چنگ در آن زمان متداول بوده است.

موسیقی در دوره اسلامی: پس از حمله عرب و اضمحلال دولت ساسانی موسیقی ایران در کشور های عربی زبان هم متداول شد و عربها موسیقی را نیز مانند سایر علوم و آداب و صنایع از ایران اقتباس کردند. عرب دوره جاهلیت از موسیقی بهره‌ای نداشت و تنها شاعر عرب که قبل از اسلام به اشعار خود تغنی کرده اعشی بن قیس است که از شاعران معروف دوره جاهلیت است. این شاعر در مجلس ملوک حیره و ایران آمد و رفت داشته و معروف است که در عهد انوشیروان به مدائن رفته و موسیقی ایرانی را فرا گرفته و کمی هم به زبان فارسی آشنا شده بطوریکه کلمات فارسی و اسامی آلات موسیقی از قبیل نای و سنج و بربط را در اشعار خود در آورده است. بعضی گویند اول دفعه در زمان عبد الله بن زبیر که مشغول مرمت خانه کعبه بود معماران و بناهای ایرانی که در این کار بر عهده داشتند، در ضمن عمل آواز می‌خواندند و عرب را آواز آنها

خوش آمد و بین این کارگران بعضی از موسیقی اطلاع داشتند و آوازهای ایرانی را یاد گرفته و اشعار عربی را با الحان ایرانی خوانده سعید بن مسجع بوده که مجذوب موسیقی ایرانی شده و برای همین منظور مسافرتی به ایران کرده و پس از مراجعت نغمات فارسی را که فرا گرفته بود در مکه رواج داده است .

از جمله موسیقی دانهای ایرانی یکی نشیط فارسی (متوفی ۸۰ هجری) است که از موالی عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بوده . دیگر ابن محرز است که دوره هشام بن عبدالملک را درک کرده و یونس کاتب که در دیوان مدنیه کاتب بوده است . ابن ندیم در کتاب الفهرست می نویسد که یونس کتابهایی راجع به موسیقی نوشته و از آن جمله اسم کتاب النغم را به نام وی ذکر می کند که فعلا اثری از آن باقی نیست. ابوالفرج اصفهانی نیز در آغانی از کتاب موسیقی یونس نام می برد و چنین به نظر می رسد که این اول کتابی است که بعد از اسلام راجع به موسیقی و نمونه و سرمشق کتاب آغانی ابوالفرج بوده است .

چون اسلام بعلمی موسیقی را ممنوع کرد ، این صنعت در صدر اسلام بخصوص در دوره خلفای راشدین که قوانین شرع را با کمال شدت اجرا می کردند ، تقریبا متروک شد ولی پس از آنکه خلفای اموی مسند خلافت را به مقام سلطنت تبدیل کردند و از شدت احکام شرع کاسته شد ، موسیقی نیز در مجلس آنها وارد شد و موسیقی دانهای ایرانی قرب و منزلتی تمام یافتند و پس از آشنائی به زبان عربی اشعار عرب را با الحان فارسی خواندند و بیشتر طرف توجه شدند . البته میان خلفای اموی همه نسبت به موسیقی یک عقیده نداشتند چنانکه سلیمان بن عبدالملک با موسیقی مخالف بود و اهل این فن را به دمشق برد و به این وسیله موسیقی ایران قدم از حجاز بیرون نهاد و در شهر های دیگر اسلامی نیز منتشر شد .

در دوره جاهلیت زندگانی عرب بسیار ساده و بی تکلف بود ولی پس از ظهور اسلام و فتح ایران و سایر کشورها و تشکیل دولت بزرگ اسلامی و آشنائی عربها به زندگانی پر تجمل پادشاهان قدیم ایران و روم بخصوص در دوره عباسیها که خلافت ایرانی در لباس عربی جلوه کرد ، خلفای عباسی بکلی خلافت را تبدیل به سلطنت نمودند و برای خود دربانان و خادمان مخصوص انتخاب نمودند و در حرم خلیفه کنیزان زیباروی از ملل مختلف گرد آمدند و خلفا اوقات فراغت را به عیش و نوش پرداختند و ثروت هنگفتی از اطراف ممالک اسلامی به مرکز خلافت آمد . و این طرز زندگی خلفا طبعا اوضاع اجتماعی و ادبی و علمی را تغییر داد و در ترقی و پیشرفت صنعت موسیقی کمک موثری شد . از طرف دیگر وزرای خلفای عباسی که اغلب از خاندان ایرانی بودند از قبیل برامکه و بنی سهل به احیای آداب و عادات ایرانی علاقه شدیدی داشتند و قدرت مادی و معنوی و ثروت و تجمل زندگانی آنها نیز برای پرورش اهل هنر مشوق دیگری بود . خلاصه دیری نگذشت که بغداد که جایگاه خلیفه عباسی بود مرکز علمی و ادبی و محل اجتماع ثروتمندان و اهل عیش و نوش گردید . و طبعا غزل سرایی و غناء و آواز خوش رونقی به سزا یافت و مطربان و خوانندگان و نوازندگان در اطراف خلیفه و وزراء و خانه های اعیان جمع شدند . و بطوریکه از کتاب آغانی برمی آید اوضاع خانه های بغداد و کنار جسر و رود دجله هنگام شب به صورتی حیرت انگیز در آمد و از هر طرف صدای ساز و آواز بلند شد و شعر و تغزل و رقص و سرایندگی و نوازندگی شیوع و انتشار غریبی یافت.

شک نیست که خلفای عباسی نخست به خوشگذرانی اشتیاقی نداشتند ، زیرا تازه روی کار آمده بودند و دشمنان زیاد داشتند و بواسطه جنگهای پی در پی فرصت عیش و نوش نمی کردند . چنانکه عبدالله سفاح اول خلیفه عباسی و برادرش منصور (خلیفه دوم) با باده نوشی و عیش و نوش مخالف بودند و گویند غوغایی شنید ؛ پرسید چه خبر است . گفتند یکی از بندگان در میان کنیزان مشغول طنبور زدن است . منصور بر سر آن جمع رفت و همه از ترس او پراکنده شدند . آنگاه منصور طنبور

را از دست خادم گرفت و چنان بر سر او کوفت که شکست و خادم را بواسطه ارتکاب به این عمل فروخت تا دیگر روی او را نبیند .

مهدی خلیفه سوم عباسی هنرهای زیبا از جمله موسیقی را دوست می داشت ولی نغمه نوازندگان و خوانندگان را از پشت پرده گوش می داد . و پسرش ابراهیم عاشق این هنر بود و فن خوانندگی و طرب را در خانه فرا گرفت و آوازی خوش داشت و خود از سراینندگان معروف این دوره بشمار آمد . اهل صنعت هم چون خلیفه را بی ترغیب ندیدند در تغزل و وصف می و معشوق و تحریض مردم به خوش گذرانی کوشش کردند .

در این موقع اشعار بشاربن برد شاعر غزل سرای ایرانی انتشار زیاد یافت و او بدون پروا مردم را به عیش و نوش و باده گساری دعوت می کرد ، تا آنجا که مردم از عفت کسان خود به هراس افتادند و مهدی امر کرد که بشارت حق غزل سرائی ندارد . ولی او در خفا اشعاری می سرود و شیوه خود را ترک نکرد . عاقبت طرفداری بشار از افکار و عقاید ایرانی و علاقه او به طریقه شعوبیه و افراط او در فن تغزل و سوء استفاده از ذوق لطیف شعری خود و بدگویی زیاد از عربها که شیوه او و سایر طرفداران شعوبیه بود به ضرر او تمام شد و در ۱۶۸ هجری به دست مهدی خلیفه عباسی کشته شد .

هارون الرشید خلیفه عباسی از یک طرف در زهد و تقوی افراط می کرد و از طرف دیگر در عیش و نوش و خوشگذرانی و باده نوشی هم زیاده روی می نمود و هر دو جنبه را دارا بود . پسرانش امین و مامون نسبت به موسیقی داناها و نوازندگان و خوانندگان زیاد محبت می کردند و مامون غناء را بسیار دوست می داشت . و در دوره او اهل این هنر قرب و منزلتی بسزا یافتند .

از حکایاتی که راجع به خوانندگان و نوازندگان در کتاب اغانی ذکر شده معلوم می شود که در دوره عباسی بخصوص در زمان هارون و مامون که درخشان ترین زمان خلافت عباسیان است ، فن موسیقی خیلی ترقی کرده و عده موسیقی داناها زیاد و اغلب ایرانی بوده اند . از جمله معاریف موسیقی شناسان این دوره دو نفر موسیقی دان مشهورند موسوم به ابراهیم موصلی و پسرش اسحق که حکایات نوازندگی و خوانندگی آنها به تفصیل در کتاب اغانی مسطور است و اینک بطور خلاصه از آنها نام می بریم .

ابراهیم موصلی: او از یک خانواده نجیب و اصیل ایرانی بوده و در کوفه متولد شده است . مسافرتی هم به ری و بغداد کرده و از استادان فن موسیقی نواختن عود و خواندن آواز را فرا گرفته .

مهدی خلیفه عباسی علاقه شدید به او داشته . ابراهیم در نظر هارون نیز محترم بوده است . چنانکه موسیقی دان و ندیم خاص وی شد . ابراهیم در اثر هدایایی که از هارون و سایر بزرگان گرفت ثروتی هنگفت یافت و عده زیادی شاگرد داشت که به آنها موسیقی تعلیم می داد . از جمله چند نفر از دختران جوان را برای فن خوانندگی تربیت می کرد . قبل از او زنهایی که از فن آواز اطلاع داشتند از کنیزان سیاه روی بودند ؛ و او برای اول دفعه چند دختر سفید روی زیبا صورت را در فن آواز تربیت کرد و وجاهت منظر نیز بیشتر سبب اهمیت این نوع خوانندگان شد . ابراهیم قوه سامعه دقیقی داشت و بین ۳۰ نفر دختر که عود می نواختند اگر یکی از سیمها ناکوک بوده فوراً تشخیص می داده است . گویند ابراهیم ۹۰۰ نغمه موسیقی ساخته بود . پسرش اسحق بین این الحان ۳۰۰ نغمه را شاهکار پدر خود دانسته و ۳۰۰ نغمه را متوسط و ۳۰۰ نغمه دیگر را مبتذل و نغمات عادی تشخیص داده . ابراهیم مسافرتی به ری کرده و در آنجا موسیقی قدیم ایران را از جوانویه زرتشتی فرا گرفته است .

اسحق ابن ابراهیم (۱۵۰-۲۳۵): شهرتی بسزا دارد و نوازنده و سازنده و خواننده و شاعر و ادیب بوده است . موسیقی را از پدر خود و سایر استادان فن از قبیل منصور زلزل که ایرانی بوده فرا گرفته . اسحق نیز مانند پدرش از هدایایی که به او داده

میشد ثروت هنگفتی به دست آورد. صاحب آغانی او را به دریا و سایر موسیقی دانها را به جویها و نهرها تشبیه کرده و وی را در موسیقی صاحب سبکی خاص دانسته و می نویسد که اسحق اوزان موسیقی را تحت نظم و ترتیب مخصوصی در آورده و در کتابی که حاوی مجموع تصانیف او است نغمات موسیقی را که خود ساخته از حیث وزن طبقه بندی کرده است. گویند اسحق بقدری خوب از کیفیت فواصل و پرده های موسیقی اطلاع داشته که قطعات موسیقی خیلی مشکل را روی عود ناکوک می نواخته، و این دلیل بر دقت قوه سامعه و مهارت انگشتان و آشنائی زیاد او با عود بوده است. از کتابهایی که او نوشته متأسفانه چیزی در دست نیست، ولی بی شک این کتابها مرجع کتاب آغانی ابو الفرج اصفهانی بوده است. پس از مرگ اسحق، خلیفه عباسی با اظهار تأسف گفت که مجلس خلیفه بی وجود اسحق دیگر زیور و رونقی نخواهد داشت. اسحق شاگردی موسوم به زریاب داشته که ندیم و خواننده مخصوص خلیفه بوده. زریاب سراینده و شاعر معروفی بوده و در بغداد نزد اسحق تعلیم موسیقی گرفته و بعد خواننده دربار هارون شده سپس به اسپانیا مسافرت کرده و خلیفه عبدالرحمن او را نوازش بسیار نموده و جاه و جلال تمام یافت. چنانکه در موقع عبور از معابر صد بنده در خدمت خود داشته است.

نهضت علمی موسیقی

موسیقی ایران در دوره قبل از اسلام یک نوع موسیقی عملی بوده و نوازندگان و سرایندگان در صدد جستجوی قواعد ارتباط اصوات و الحان نبودند. چنانکه بارید بزرگترین موسیقی دان دوره ساسانی را همه به نام نوازنده و سراینده معرفی کرده اند و الحانی هم که ساخته دلیل براین نیست که از نظر علمی در موسیقی وارد بوده است. زیرا امروز هم در کشور ما بسیاری از نوازندگان که سازنده نغماتی هستند از اصول و قوائد علمی موسیقی اطلاعی ندارند و فقط به مقتضای ذوق طبیعی الحانی ترکیب و تنظیم می کنند.

جای تعجب است با آنکه کتابهایی در فن موسیقی نوشته شد، هیچ گاه این کتب تغییری در موسیقی ما نداد و راه پیشرفت آنرا باز نکرد و هرگز تحولی در سبک نوازندگی و سازندگی ایجاد ننمود. در حقیقت می توان گفت که کتابهایی که راجع به این موضوع نوشته شد علم را با عمل توأم نکرد، بلکه تنها اثری باقی گذارد که ما می توانیم به طور خیلی ساده و مختصر درباره موسیقی دوران گذشته این سرزمین صحبت کنیم، زیرا در هیچ یک از این رسالت نه قاعده ای برای نوشتن الحان موسیقی بیان شده و نه از سبک سازندگی و ترکیب نغمات و الحان گفتگویی به میان آمده. از طرف دیگر نویسندگانی که در موسیقی بحث کرده اند همه مقلد یکدیگر بوده؛ و آنهایی که از خود ابتکاری داشته اند فقط رویه نویسندگان پیشین را انتقاد کرده و مطالب بسیار مختصری بر نوشته گذشتگان اضافه کرده اند و نوشته های آنها نیز ابدا تأثیری در سبک نوازندگان و سرایندگان نداشته است.

ابو نصر فارابی (۲۵۹-۳۳۹): اول کسی است که در دوره اسلامی کتابی در فن موسیقی نوشته و در آن از قوانین صوت و نسبتهای ریاضی صداها گفتگو کرده و رساله او برای ما باقی مانده است. فارابی در کتاب الموسیقی الکبیر می نویسد مطالبی را که قدما و گذشتگان راجع به موسیقی نوشته اند بررسی کرده. بنابراین قواعد و اصول اولیه موسیقی را از فیلسوفان یونان اتخاذ کرده است. فارابی به خوبی از عهده بیان قواعد اصلی موسیقی بر آمده بطوریکه دیگران که بعد از او در این فن کتاب نوشته اند نوشته های او را بعنوان اصل مسلم قبول کرده و تنها دنباله افکار او را گرفته و تعقیب کرده اند.

ابوعلی حسین بن سینا (۳۷۰-۴۲۸) : ابن سینا دو رساله در موسیقی نوشته یکی به عربی که جزء کتاب شفا است . دیگر به فارسی که جزء دانشنامه علائی است و بنام علاءالدوله همدانی از سلاطین دیلمی نگاشته و این اول کتاب موسیقی است که به زبان فارسی نوشته شده و به دست ما رسیده است . معروف است که چون علاءالدوله از کتابهای ابن سینا که به زبان عربی بود چیزی درک نکرد، بوعلی کتاب مذکور را در انواع حکمت به زبان فارسی نگاشت تا مورد استفاده او واقع شود . ابن سینا نیز مانند فارابیموسیقی را به زبانی دیگر شرح داده است . منتها چون فارابی به موسیقی علمی و نواختن ساز آشنا بوده سازهای زمان خود را کاملاً شرح داده ولی ابن سینا چیزی از خود اضافه نکرده و در تأیید مطالبی که فارابی نوشته اشاراتی نموده است .

صفی الدین عبدالمومن ارموی (وفات ۶۵۶) : رسالات فارابی و ابن سینا تا دو سه قرن تنها منبع اطلاعات راجع به موسیقی علمی بود . و در این مدت طولانی از نویسندگان ایرانی و عرب کسی چیزی راجع به موسیقی ننوشت تا آنکه صفی الدین عبدالمومن ارموی که معاصر مستعصم آخرین خلیفه عباسی بود ، دو کتاب در این فن نگاشت : یکی به نام رساله شرفیه و دیگر موسوم به کتاب الادوار .

صفی الدین در رساله شرفیه اشاره می کند که کتاب مزبور شامل اصولی است که از فیلسوفان یونان و قدما اتخاذ شده و ضمناً برای آنکه ثابت کند که رساله او تقلید نوشته های گذشتگان نیست ، می نویسد در این کتاب از مطالبی سخن به میان آمده که نویسندگان سابق به آن اشاره نکرده اند . البته منظور او از قدما اشخاصی است که قبل از وی راجع به موسیقی کتابهایی نوشته اند از قبیل خلیل بن احمد و واضع علم عروض که کتابی در اوزان شعر نوشته و از بین رفته است و نویسندگان رسالات اخوان الصفا و فارابی و ابن سینا و امثال آنها .

قطب الدین شیرازی (وفات ۷۱۰) : کتابی در فلسفه و علوم بنام دره التاج لعزه الدباج نوشته و در فن چهارم از جمله چهارم که در علم ریاضی است شرح مفصلی راجع به موسیقی نگاشته که مشتمل بر یک مقدمه و پنج مقاله است . این کتاب به فارسی نوشته شده و دارای مباحث قابل استفاده ای راجع به صوت و ملحقات آن و نسبت های ابعاد موسیقی و رابطه اصوات از نظر ریاضی و آوازه ها و پرده شناسی آلات موسیقی ذکر کرده و گفته های آنها را توضیح و تشریح کرده است و نسبت به صفی الدین خیلی اظهار تکریم و تمجید نموده . همچنین برای رابطه ابعاد و آوازه ها اشکالی ترسیم کرده و توضیحاتی داده است که دقت کامل او را در این فن نشان می دهد و در حقیقت کتاب او یکی تالیفات گرانبهائی است که در موسیقی نوشته شده است .

عبدالقادر مراغه ای (وفات ۸۳۸) : کتاب موسیقی خود موسوم به مقاصد الالحن را به نام یکی از شاهان عثمانی موسوم به سلطان مراد دوم موشح کرد و از سمرقند به آسیای صغیر رفت و در سال ۸۲۶ کتاب را به او تقدیم نمود . عبدالقادر مجدداً سفر دیگری به سمرقند رفت و در خدمت سلطان شاهرخ فرزند تیمور که مردی ادب دوست و هنر پرور بود روزگاری بسر می برد و تا آخر حیات نزد او بود . عبدالقادر دو کتاب دیگر در موسیقی نوشته یکی موسوم به جامع الالحن که در ۸۱۸ به سلطان شاهرخ تقدیم کرده ، دیگر شرحی است که به کتاب الادوار صفی الدین نوشته و به قرار معلوم این کتاب آخرین تالیف او است . از نوشته های او چنین بر می آید که وی ابتدا کتابی به نام کنزالحان نوشته و در آخر آن نعمات موسیقی را که خود ساخته بود با خط مخصوصی نوشته است ولی از این کتاب فعلاً اثری در دست نیست و شاید از بین رفته باشد

موسیقی ملی ایران، که مبنا و سابقه ای بسیار کهن دارد، شامل شاخه های مختلفی به شرح زیر است:

۱ - قبل از اسلام: موسیقی های اقوام کهن ایران شامل: بختیاری، کردی، لری و

۲ - بعد از اسلام:

الف - موسیقی مقامی (حماسی، تعزیه، عزا)

ب - ردیفی (دستگاه های موسیقی سنتی)

در دوره حاضر این تقسیم بندی به شرح زیر است:

۱ - قبل از اسلام

۲ - بعد از اسلام

۳ - موسیقی های محلی ایران و نغمه های سنتی (ملودی های دو گروه قبل) و تنظیم و تهیه کلاسیک آنها.

طبق روش طبقه بندی جدید در آواز و مقامات، که از حدود صد سال پیش برقرار شده، آواز و موسیقی سنتی ایران را در دوازده مجموعه قرار داده اند.



از دوازده مجموعه تقسیم بندی شده، هفت مجموعه که وسعت و استقلال بیشتری داشته اند، دستگاه نامیده شده و پنج مجموعه دیگر را که مستقل نبوده و از دستگاه های مزبور منشعب شده اند، آواز نامیده اند.

بنابراین موسیقی سنتی امروز ایران، که باقی مانده مقامات دوازده گانه قدیم است، قبلاً مفصل تر بوده و امروز جزئی از آن در دسترس است.

بر هفت دستگاه اصلی و پنج آواز، تعدادی گوشه استواری و الگوی نوازندگان و خوانندگان امروزی است.

شمار این گوشه ها را ۲۲۸ ذکر کرده اند، ردیف های مختلف و مشهور استادان موسیقی سنتی صد ساله اخیر مانند آقا حسینقلی، میرزا عبدالله، درویش خان و صبا نیز از همین نظم پیروی می کنند.

اسامی دستگاه ها و آواها در موسیقی سنتی ایران:

نام هفت دستگاه اصلی عبارت است از شور، ماهور، همایون، سه گاه، چهارگاه، نوا و راست پنجگاه؛ نام پنج آواز بدین شرح است: اصفهان، ابوعطا، بیات ترک، افشاری و دشتی.

اجزای دستگاه و آواز:

برای اجرای یک دستگاه با یک آواز ترتیبی را باید رعایت کرد که معمولاً این چنین است:

درآمد، آواز، تصنیف و رنگ، از زمان مرحوم درویش خان و به ابتکاری وی پیش درآمد و چهار مضرب نیز به این سلسله مراتب اضافه شده است.

ترانه های فولکلوریک ایران:

زنده یاد خالقی، در این باره چنین می نویسد:

یکی از منابع ذیقیمت موسیقی هر کشور آهنگ ها و نغمات و ترانه هایی است که در نقاط مختلف آن مملکت، خاصه در دهات، قصبات دور از شهر به وسیله مردم بومی و روستایی خوانده می شود و چون این نوع موسیقی کمتر تحت تاثیر افکار مردم شهر نشین واقع شده، طبیعی تر و به موسیقی حقیقی و اصیل و قدیمی آن کشور نزدیکتر

است؛ جمع آوری آنها علاوه بر اینکه باعث حفظ و نگهداری آنها است، کمکی هم به تحقیق درباره مختصات آن مملکت می کند، و چگونگی و کیفیت آن را معلوم می نماید.

چون در ایران اقوام مختلفی ساکنند که از نظر فرهنگ و قومی تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند، بنابراین موسیقی فولکوریک ایران دارای خصوصیات بسیار متنوعی از نظر طرز بیان و لحن موسیقی است. مثلاً موسیقی آذربایجانی، گیلانی، خراسانی، بختیاری، کردی، شیرازی و بلوچی نه تنها ملودی ها، بلکه در گویش نیز با یکدیگر بسیار متفاوتند.

از نظر فرم موسیقی می توان از دو نوع موسیقی بومی در ایران نام برد:

۱ - ترانه های بومی آوازی که به صورت انفرادی یا دسته جمعی خوانده می شود.

۲ - رقص های محلی سازی که با سازهای محلی به اجرا در می آید.

ترانه های محلی ایرانی از نظر ملودی بسیار غنی و پرمایه است که از این نظر یکی از غنی ترین، زیبا ترین و متنوع ترین ترانه های فولکوریک دنیا هستند. این ترانه ها که نشانه طرز فکر و تمدن و فرهنگ کشور هستند، سینه به سینه نقل شده و از نسلی به نسل دیگر می رسد و آئینه تمام نمای افکار و اندیشه های مردمی اند که خود خالق و آفریننده آن بشمار می روند. این ترانه ها از وضع اجتماع، طرز فکر، نوع زندگی و طبیعت که در سرزمین ایران وجود دارد، یکی از غنی ترین منابع فرهنگی ایران به شمار می آیند. این ترانه ها نمایاننده ملت و گذشته ایران هستند و می توانند بهترین الهام بخش موسیقیدانان در پدید آمدن آثار موسیقی علمی قرار گیرند.

نمونه هایی از موسیقی فولکوریک ایران:

موسیقی بختیاری، لرستان و فارس - موسیقی گیلان و تالش - موسیقی کردستان - موسیقی سواحل جنوب ایران - موسیقی سیستان و بلوچستان - موسیقی خراسان - موسیقی ترکمن - موسیقی آذربایجان

فولکوریک نمونه هایی از موسیقی :

موسیقی سازی:

موسیقی ایرانی از زمان های بسیار قدیم عمده تا با ساز و آواز توأم بوده است و در کتب تاریخی نیز هرگاه به موسیقی اشاره شده بیشتر نام الحان و ترانه ها بر جای مانده است. ولی شکی نیست که موسیقی سازی نیز دارای اهمیت بوده است.

در حدود صد سال قبل موسیقی سازی به تدریج راهی مشخص در پیش گرفت، و در این رشته نوازندگان و آهنگسازانی به وجود آمده و نوآوری هایی در این زمینه انجام دادند. به طور کلی موسیقی سازی ایرانی دارای دو بخش اساسی است:

الف - تکنوازی که بر پایه موسیقی سنتی و بداهه نوازی قرار دارد.

ب - همنازی که بر پایه کارهای جمعی اعم از گروه های کوچک یا بزرگ یک صدایی و یا چند صدایی استوار است.

تکنوازی :

تکنوازی در موسیقی مشرق زمین از اعتبار و اهمیت فراوانی برخوردار است. به تعبیری می توان آن را مربوط به فلسفه و عرفان شرق و ایجاد ارتباط معنوی با عالم بالا دانست. چرا که نوازنده شرق با ساز و موسیقی خود به نوعی عبادت خصوصاً در کنج خلوت و تنهایی خود می پردازد.

همنوازی :

از دوره ناصرالدین شاه قاجار کار گروه نوازی چه در زمینه موسیقی و سازهای سنتی و چه با رعایت اصول و قواعد موسیقی ارکستر غربی که به وسیله مسیو لومر (معلم موسیقی فرانسوی که برای تدریس در دارالفنون آن زمان و رشته موسیقی نظام به ایران دعوت شده بود) در قالب موسیقی نظام و سازهای غربی به ایران آورده شد، بیشتر معمول گردید. بعدها کم کم کار گروهی رونق بیشتری گرفت، و با اضافه شدن سازهای غربی به جمع سازهای ایرانی و اجرای قطعات ایرانی بر روی آنها با فرم تازه معمول شد.

ایرانیان در مقاطع مختلف تاریخی از آلات متعدد موسیقی، به ویژه قدیمی ترین آنها یعنی نی و دایره استفاده می نمودند. انواع آلات موسیقی که مورد استفاده قرار می گرفته و هنوز هم در گوشه و کنار این کشور پهناور استفاده می شود به همراه یک تقسیم بندی کلی به این شرح است:

آلات موسیقی بادی

نی

نی قدیمی ترین ساز بادی است و در ایران سه نوع آن مورد استفاده قرار می گیرد :

۱- نی کوتاه : نی کوتاه با قطر نسبتاً کلفت که سازيست محلی و با آن آهنگ های محلی را اجرا می کنند و دو نوع صدا از آن اخذ می شود :

الف - بم که در آن نوازنده از صدای خود کمک میگیرد و دورگه است .

ب- صدای زیر که یک اوکتاو با بم اختلاف دارد و گاهی نوازنده دو صدا را با هم مخلوط می کند این نوع نی معمولاً دارای ۷ بند است که ۵ سوراخ آن روی آن و یکی در پشت آن قرار دارد و طول آن معمولاً ۳۰ تا ۳۳ سانتی متر و قطر آن تقریباً ۲/۵ سانتی متر است و در اکثر نقاط ایران وجود دارد. نوازنده آنرا در وسط لبها قرار داده و دهان را کمی باز میکند و در آن می دم و صدای آن زیر و بسیار روشن است . وسعت هر یک از صداها ۶ نت میباشد و بعضی از نوازندگان چیره دست نیم پرده بالاتر را هم اخذ می کنند .

۲- نی بلند : که در قدیم به نای خرک معروف بوده است و شاید به خاطر بلندی به این نام معروف شده است . این نی تقریباً بلندترین نوع نی است که صدای بسیار بمی دارد و در قدیم صدای حالت دست بسته آنرا با صدای سیم بم عود یکی می دانستند . این نوع نی دارای ۵ سوراخ است که ۴ سوراخ روی آن و یکی در پشت آن قرار دارد و به درستی نمی توان گفت که دارای ۷ بند است . طول این ساز بین ۷۰ تا ۸۰ سانتی متر است و قطر دهانه آن تقریباً ۲/۵ سانتی متر است . صدای بسیار بم و سوزناکی دارد و در بین مردم ، این نی و نی کوتاه به نی چوپانی معروفند . نوازنده آنرا در گوشه لب قرار داده و ملودی های کم وسعت و کوتاه را اجرا می کند ، صدای آن دو رگه است . همراه با مقداری از صدای خود نوازنده که بیشتر

در مقام های دشتستانی و ماهور و بیات ترک قطعاتی می نوازند وسعت صدای آن ۶ نت است ولی معمولاً نوازندگان با تجربه ۷ صدا را از آن اخذ می کنند . این ساز در جنوب ایران و مازندران و بین قبایل ترکمن و خراسان نواخته می شود .

۳- نی هفت بند : جزء سازهای موسیقی اصیل ایرانی می باشد . ساختمان آن تقریباً تثبیت شده است و روی آن ۵ سوراخ و پشت آن ۱ سوراخ دارد . این ساز را معمولاً با دندان می نوازند (لیکن نوازندگانی هم هستند که آنرا با لب می نوازند و نواختن این ساز را با دندان جزء ابداعات نایب اسدالله اصفهانی می دانند که به احتمال قوی این طرز نواختن قبل از وی نیز رایج بوده است) بدین ترتیب که سر آن را در دهان بین دندان ها می گذارند و هوا را بدون واسطه به داخل نای می دمند . برای دمیدن در نی باید از نفسی که در داخل ششها اندوخته ایم استفاده شود . سرش را باید وسط دندان پیشین قرار داد و بعضی ها برحسب عادت نی رامیان دندان و نیش و پیشین می گذارند که حالت اول اصولی تر است و بخاطر اینکه هوا مستقیم وارد نی میشود در هر دو صورت زبان باید روی نی قرار گیرد . اگر نی را سمت راست بدن قرار دهیم باید سمت راست دهان روی نی باشد و طرف چپ آزاد و برعکس اگر طرف چپ بدن قرار گیرد قسمت چپ دهان بوسیله لبها نی را می پوشاند و هوای ششها باید بدون مزاحمت زبان و دندانها وارد نی گردد . لرزاندن لبها که به نظر بعضیها کار زشتی است به ویراسیون صدا کمک می کند و بیشتر برای صدای اوج و غیث مورد احتیاج است

نی هفت بند دارای ۴ منطقه صوتی به قرار زیر است : بم ، اوج ، غیث ، ذیل .

سرنا

سرنا ساز دیگری از خانواده آلات موسیقی بادی است که در تمان نقاط ایران معمول است و شامل سرنای بختیاری و آذربایجانی است . در ایران این ساز به همراه دهل و یا نقاره نواخته می شود. لازم به ذکر است که نواختن این ساز در نقاط مختلف کشور در مواقع خاصی و به منظورهای مختلف انجام می شود. در کردستان با نواختن دهل و سرنا مرگ کسی را خبر می دهند و در شمال ب همراهی طناب بازها سرنا نواخته می شود و در آذربایجان غربی، روستائیان در عروسی ها حین رقص چوبی، سرنا می نوازند.

کرنا

کرنا: سازی قدیمی و تاریخی است که در استان های مختلف ایران به شکل های متفاوت ساخته و اجرا می شود. مهمترین کرناها، کرنا شمال، گیلان و کرنا مشهد است. این ساز بیشتر در کردستان و آذربایجان مورد استعمال قرار می گیرد.

نی انبان

نی انبان بیشتر در جنوب ایران مورد استفاده قرار می گیرد و در بعضی نقاط ایران آن را " خیک نای " نیز می نامند و در نقاطی از آذربایجان نیز نواخته می شود.

آلات موسیقی زهی

چنگ

چنگ بسا کهن ترین ساز تاردار ایرانی می باشد و نام آن بیش از هر ساز دیگر در کتابها آمده و نقش آن در آثار باستانی بجا مانده است. بنا به اسناد موثق که از حجاریه‌های بابل و آشور و نواحی مجاور آن در دست است چنین برمی آید که در هشت قرن پیش از میلاد مسیح انواع و اقسام سازهای مختلف در نواحی مزبور به مراحل ترقی رسیده و در دست نوازندگان بوده است. نقشهایی که از آغاز این دوره ممتد تاریخ تمدن بشر از آلات موسیقی در دست است نشان میدهد که چنگ مثل سنتور و قانون از سازهای بسیار قدیمی است که از دو هزار سال پیش از میلاد در این مناطق رواج داشته است. نوع ابتدایی آن شکل مثلث و شامل یک تخته به طول تقریباً یک گز و یک میله چوبی است و معمولاً شکل دست انسان را داشته است. سیم‌های این ساز که معمولاً ۸ یا ۹ تا بوده به موازات وتر این مثلث قائم الزاویه بین تخته و میله امتداد یافته است. یک سر سیم‌ها به تخته وصل می شده و انتهای دیگر آن دور میخها یا گوشی‌هایی که روی میله چوبی قرار داشته پیچیده می شده و باقی مانده آن سیمها از طرف دیگر آویزان بوده است. چنگهایی که در دوره‌های اخیر تاریخ بابل و آشور نقش شده از حیث شکل و طرز گرفتن و نواختن با چنگهای دوره‌های قدیم تفاوت بسیار دارد. بر تعداد سیمها نیز افزوده شد. جعبه صوتی این نوع چنگ گاهی مستقیم و بدون انحنا و در موارد دیگر منحنی بوده است. طرز نواختن این ساز نیز تغییر کرده به این معنی که این را طوری می گرفتند که سیمها تقریباً عمود بر زمین باشد یعنی به خلاف قدیم که میله چوبی که به موازات زمین بود ولی سیمها عمود بر زمین نبود. نکته دیگر اینکه در نواختن این نوع چنگ زخمه بکار برده نمی شد بلکه آنرا با دست می نواختند و هر دو دست در نواختن آن دخیل بود.

کمانچه

((کمان کوچک را گویند. به معنی مضراب و زخمه زدن نیز می باشد) فرهنگ آندراج))
((این ساز چو روی کاسه اش پوست کشیده شده و خرک روی پوست قرار دارد در اثر تغییر هوا صدای آن هم عوض می شود ولی از آنجا که پوست کمانچه کلفت تر تار است، حرارت و رطوبت کمتر در آن تاثیر می کند. صدای کمانچه کمی تو دماغی است. وقتی ویولون به ایران آمد چون دارای چهار سیم بود، کمانچه کش‌ها هم یک سیم آخر را به تقلید ویولون اضافه کردند و چون در طرز نواختن خیلی شبیه به ویولون بود کمانچه کش‌ها معلم ویولون شدند))

یکی از قدیمی ترین سازهای زهی، کمانچه است که اولین شکل ویولون امروزی است. این ساز نقشش تک نواز و هم‌نواز، هر دو را به خوبی اجرا می کند. کمانچه سازی ملی است. در تمام استان‌های ایران نواختن آن متداول است و بیشتر در میان طوایف ترک و ترکمن رواج دارد.

نوازندگان ترکمن به کمانچه قیچاق می گویند. قیچاق سه سیم دارد و اندازه آن نیز از کمانچه‌های رایج کوچک تر است. جنس کاسه در گذشته از کدو با رویه پوست آهو بود در صورتیکه کمانچه‌های کنونی از چوب درخت توت ساخته می شود

بربط

بربط: سازی از خانواده سازهای رشته ای مفید که به آن "ال عود یا لوت" نیز می گویند. ساختمان این ساز شبیه گلابی است که از درازا به دو نیم شده است. دارای کاسه ای بزرگ و دسته ای کوتاه که در آغاز سه رشته سیم داشته است.

رباب

رباب: این ساز زهی است از چهار قسمت شامل شکم خربزه مانند، سینه، دسته و سر تشکیل شده است. سیم های رباب در قدیم از روده و امروز از نخ نایلون ساخته می شود و مضراب رباب از پر مرغ ساخته شده است. این ساز اساساً سازی محلی است و بیشتر در نواحی خراسان معمول است و همچنین در نواحی سیستان نیز نواخته می شود. در کشور های خاورمیانه و نزدیک هفت نوع رباب مختلف وجود داشته است :

۱- رباب با کاسه مربعی شکل ۲- رباب با کاسه استوانه ای ۳- رباب با کاسه کشتی یا کشکول ۴- رباب با کاسه گلابی شکل ۵- رباب با کاسه کروی شبیه به کمانچه کنونی ایران ۶- رباب با کاسه ای شبیه سه تار یا تنبور کنونی ۷- رباب با کاسه ای بیضی شکل ((مهدی فروغ - مداومت در اصول موسیقی ایرانی

رباب فعلی که در جنوب شرقی ایران باقی مانده از دسته آلات زهی مضرابی است که دارای ۱۸ سیم است . سیم ها در انتها به یک دکمه متصل شده و پس از عبور از خرک موازی هم در امتداد دسته ساز به گوشیها متصل میشوند . این ساز دارای جعبه بزرگتر پوست کشیده شده است و روی آن خرک قرار دارد که سیم های اصلی و فرعی از روی آن عبور میکنند . دسته ساز از چوب است و در روی آن سه یا چهار پرده از زه قرار دارد . در روی دسته که تعدادی روی جعبه دوم قرار گرفته سوراخهای زیادی به شکلهای مختلف کنده شده است . این جعبه فقط برای اضافه کردن طنین بیشتر ساز است . رباب دارای ۶ سیم زه ای اصلی است که به گوش ها متصل است و اضافه بر این ۱۲ سیم فلزی فرعی دارد که برای کمک به طنین صدای اصلی است و این سیمها به وسیله ۱۲ خرک کوچک عاجی به گوشیها که به بدنه ساز نصب شده متصلند . برای نواختن ساز را روی زانو قرار میدهند و با مضرابی که به شکل مثلث است بر سیم ها ضربه وارد میکنند . افغان ها به ساز ساده رباب ، قیچک می گویند . رباب واژه ای ایرانی است که به تعداد زیادی از ساز های متفاوت زهی می گویند . این ساز در گذشته با کمان و در حال حاضر با مضراب نواخته می شود . در پاکستان و شمال هند در گذشته حداقل به ۲ نوع ساز عود مانند رباب می گفته اند که یکی از آن دو در حال حاضر در افغانستان هنوز به همین نام متداول است.

تار

تار: یکی از سازهای زهی اصیل ایران است که یک شکم چند قسمتی دارد و دارای شش تار می باشد. از این گروه سازها، سه تار و دو تار را می توان نام برد که نوازندگی دوتار در ترکمن صحرا و نواحی خراسان بسیار معمول می باشد.

سه تار

سه تار سازی است قدیمی و از دسته سازهای زهی که در اثر ضربه ناخن انگشت سبابه به صدا در می آید . وجه تسمیه سه تار معلوم است ؛ زیرا اول دارای سه سیم بوده و بعد ها یک سیم به آن اضافه شده است . می گویند که سیم چهارم را ((مشتاق علیشاه)) اضافه کرده و به نام او آن را ((مشتاق)) گویند . سه تار تشکیل شده از کاسه ، دسته و پنجه که محل گوشی ها است . کاسه این ساز تقریباً کروی و به شکل گلابی است که از وسط نصف کرده باشند . جنس کاسه از چوب درخت توت است . روی کاسه ساز صفحه نازک چوبی قرار دارد که در روی آن نزدیک دسته ساز چند سوراخ تعبیه شده است . اندازه سه تار در نواحی مختلف فرق می کند و بطور متوسط در حدود ۷۶ تا ۸۰ سانتی متر است محل ارتعاش آزاد سیم یعنی فاصله خرک تا شیطانک ۶۳ سانتی متر است . روی دسته به وسیله زه باریکی پرده بندی شده است و در پهلوی دسته شیار است که محل گره زدن زه پرده ها است .

قانون

قانون یکی از قدیمیترین سازهای ایرانی است که توانایی بیان گوشه های موسیقی ایرانی را دارد ولی متأسفانه مدت مدیدی است که در سرزمین ما ناشناخته مانده در حالیکه در کشورهای همجوار سالهاست که ازین ساز استفاده شده است . تقریباً از نیم قرن پیش تاکنون موسیقی دانان ایرانی به اجرای این ساز روی آورده اند اما با وجود اینکه زمینه کار اینان بر نغمه های موسیقی ایرانی مبتنی بوده است به دلیل تقلید نا آگاهانه از روش و سبک نوازندگی موسیقی عربی ، این پندار اشتباه بوجود آمده ساز قانون عربیست و آنرا باید به شیوه عربی نواخت ، حال آنکه این سبک در قانون نوازی علاقمندان به موسیقی ایرانی را فرسنگها از شناخت اصول و ظرایف این ساز که کاملاً با موسیقی ایرانی منطبق است دور می سازد . (ملیحه سعیدی - آموزش ساز قانون)

چنگ و قانون جهان را تارهاست ناله هر تار در فرمان تو

قانون سازيست تقريباً به شکل سنتور و با مضراب فلزی که مانند انگشت دانه است و به انگشت اشاره میکنند نواخته می شود . قانون از یک جعبه مجوف چوبی ساخته شده که سطح قاعده زیرین و زیرین آن دوزنقه غیر منظم است . شکل و اندازه آن در نواحی مختلف فرق میکند مانند قانون مصری ، قانون ترکی ، قانون بغدادی . معمولاً قانون مصری بزرگتر و قانون ترکی کوچکتر است . هر قسمت از جعبه ساز نام خاصی دارد . برای خارج شدن ارتعاشات صوتی سه سوراخ که شکلهای متفاوت و از این نظر نامهای مختلفی دارد ایجاد میکنند

عود

بربط ظاهراً نام ایرانی همان سازيست که اعراب کاسه آنرا با چوب یعنی عود پوشانده اند . عود در اندازه های مختلف ساخته شده که اندازه معمول متداول همان عود های ساخت ایران است و به طور کلی بزرگ یا کوچک بودن ساز در نوازندگی ، اشکال یا تسهیلاتی بوجود نمی آورد . عود های ساخت کشور های عربی دارای کاسه ای بزرگ و عود های ترکیه کوچک و عود های ایران در اندازه متوسط می باشد . با توجه به صدای گرم و جذاب آن به خوبی قابل استفاده در موسیقی سنتی ایران

و بویژه برای تکنوازی آوازاها و گوشه های اصیل ایرانی است . عود سازيست با صدای بم و دلنشین و به علت وسعت کم صدا که جمعا دو اکتاو است باید نوازنده دقت و سلیقه بیشتری از خود نشان دهد تا در نواختن آن موفق گردد.

آلات موسیقی ضربی

از سازهای ضربی معروف ایرانی دهل، طبل و تنبک می باشند.

دهل

این ساز از استوانه کوتاهی از جنس چوب که قطر دایره آن حدود یک متر و ارتفاع آن ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است تشکیل شده و بر دو سطح دایره ای شکل آن پوست کشیده شده است. مضرابش دو چوب یکی به شکل عصا و دیگری ترکه ای نازک می باشد. دهل سازی کاملاً محلی و بیشتر همراهی کننده با سرنا است. در مناطق فارس، بلوچستان و کردستان بیش از سایر جاها مورد استفاده قرار می گیرد.

دایره

این ساز ضربی از حلقه ای چوبی تشکیل گردیده بر یکی از سطوح جانبی دایره ای شکل آن پوست کشیده شده است، این ساز را با ضرب سر انگشتان هر دو دست می نوازند و بیشتر شهری است تا محلی. سازی است همراهی کننده با سایر سازها. دایره در حال حاضر در آذربایجان بیشتر از سایر جاها رواج دارد.

طبل

یکی دیگر از سازهای ضربی که کوچکتر از دهل می باشد و مضراب آن دو کوبه چوبی است و آن را در مراسم عزاداری در اکثر مناطق ایران می نوازند.

تنبک

امروزه از دو قسم تمبک میتوان استفاده نمود :

الف : تمبک برای همراهی با ارکستر که آن را ((تمبک ارکستر)) می نامند .

ب : تمبک برای همراهی با ساز تنها یا ((تمبک تکنواز))

هر یک از تمبک های فوق از قسمتهای زیر تشکیل یافته است : دهانه بزرگ ، تنه ، نفیر ، دهانه کوچک. روی قسمت دهانه بزرگ پوست انداخته می شود . پوست تمبک تکنواز باید از پوست تمبک ارکستر نازک تر باشد . انتخاب پوست در صدای تمبک اهمیت زیادی دارد. پوست کهنه بز یا میش بهتر است . قطر پوست باید در تمام نقاط کاملاً یکسان باشد. رنگ پوست باید کاملاً یکسان باشد یعنی دانه دانه یا به اصطلاح اهل فن ((تگرگ)) نداشته باشد . معمولاً چون تمبک از کنده درخت گردو انتخاب و حداقل دو سال در سایه نگهداری می شود . و برای آنکه بعدها انحاء پیدا نکند آن را در دیگ آب جوشانده و در حدود ۱۵ روز لای پهن خشک قرار می دهند این عمل علاوه بر آنکه چوب را خشک می کند بر استحکام آن نیز می افزاید . به این ترتیب چوب برای ساختن تمبک آماده می گردد . چوب درخت توت نیز برای این منظور مناسب است و تا کنون زیاد مورد استفاده قرار گرفته است.))

سازهای مضرابی (زهی - کوبی)

ساز منحصر بفرد ایرانی که در این تقسیم بندی قرار می گیرد سنتور است. این ساز شامل جعبه ای دوزنقه ای است و از هفتاد و دو رشته سیم سفید و زرد تشکیل شده است. سنتور اساساً سازی است که قابلیت تکنوازی و همناوای را داراست و نواختن آن در تمام استان های ایران متداول است.

((سنتور سازی است شرقی و از دسته سازهای زهی با مضراب چکشی است . جعبه طنینی آن به شکل دوزنقه متساوی الساقین و جنس چوب آن از گردو است . دارای ۷۲ سیم و ۱۸ خرک است . سیم ها از یک طرف به گوشی ها و از طرف دیگر به میخ هایی متصل اند . از روی هر خرک ۴ سیم می گذرد که هم صدا کوک می شوند دامنه صوتی سنتور از اولین سیم زرد که مقابل نوازنده قرار دارد از mi_2 تا Fa_5 است . مضراب سنتور از چوب باریکی ساخته شده که جنس آن معمولاً از شمشاد یا گردو است و قسمت انتهایی آن حلقه ای قرار دارد که بین انگشت وسطی و سبابه و شست قرار می گیرد و نوک آن هلالی شکل است . سنتور را بطوری که قاعده طولش مقابل نوازنده باشد با دو ضرب چوبی می نوازند و کوک کردن آن به وسیله پس و پیش کردن خرک ها و پیچاندن گوشی ها صورت می گیرد))

پرچم شیر و خورشید ایران

نخستین اشاره در تاریخ اساطیر ایران به وجود پرچم ، به قیام کاوه آهنگر ، علیه ظلم و ستم آژی دهاک (ضحاک) برمی گردد . در آن هنگام کاوه برای آنکه مردم را علیه ضحاک بشوراند ، پیش بند چرمی خود را بر سر چوبی کرد و آن را بالا گرفت تا مردم گرد او جمع شدند . سپس کاخ فرمانروای خونخوار را در هم کوبید و فریدون را بر تخت شاهی نشاند . فریدون نیز پس از آن فرمان داد تا پاره چرم پیش بند کاوه را ، با دیباهای زرد و سرخ و بنفش آراستند و دُر و گوهر به آن افزودند و آن را درفش شاهی خواند و بدین سان " درفش کاویان " پدید آمد . نخستین رنگ های پرچم ایران زرد و سرخ و بنفش بود ، بدون آنکه نشانه ای ویژه بر روی آن وجود داشته باشد . درفش کاویان صرفاً افسانه نبوده و به استناد تاریخ تا پیش از حمله اعراب به ایران ، به ویژه در زمان ساسانیان و هخامنشیان ، پرچم ملی و نظامی ایران را درفش کاویان می گفتند ، هر چند این درفش کاویانی اساطیری نبوده است . محمد بن جریر طبری در کتاب تاریخ خود به نام الامم و الملوک می نویسد : درفش کاویان از پوست پلنگ درست شده ، به درازای دوازده ارش که اگر هر ارش را که فاصله بین نوک انگشتان دست تا بندگاه آرنج است را ۶۰ سانتی متر به حساب آوریم ، تقریباً پنج متر عرض و هفت متر طول می شود . ابولحسن مسعودی در مروج اهب نیز به همین موضوع اشاره می کند . به روایت اکثر کتب تاریخی ، درفش کاویان زمان ساسانیان از پوست شیر یا پلنگ ساخته شده بود ، بدون آنکه نقش جانوری بر روی آن باشد . هر پادشاهی که به قدرت می رسید تعدادی جواهر بر آن می افزود . به هنگام حمله اعراب به ایران ، در جنگی که در اطراف شهر نهاوند در گرفت ، درفش کاویان به دست آنان افتاد و چون آن را همراه با فرش مشهور " بهارستان " نزد عمر بن خطاب ، خلیفه مسلمانان بردند ، وی از بسیاری گوهرها ، دُر ها و جواهراتی که به درفش آویخته شده بود دچار شگفتی شد و به نوشته فضل الله حسینی قزوینی در کتاب المعجم می نویسد : " امیر المومنین سپس بفرمود تا آن گوهرها را برداشتند و آن پوست را سوزانیدند . "

با فتح ایران به دست اعراب مسلمان ، ایرانیان تا دویست سال هیچ درفش یا پرچمی نداشتند و تنها دو تن از قهرمانان ملی ایران زمین ، یعنی ابومسلم خراسانی و بابک خرم دین ، دارای پرچم بودند . ابومسلم پرچمی یکسره سیاه رنگ داشت و بابک سرخ رنگ به همین روی بود که طرفداران این دو را سیاه جامگان و سرخ جامگان می خواندند . از آنجایی که علمای اسلام تصویر پردازی و نگارگری را حرام می دانستند تا سال های مدید هیچ نقش و نگاری از جانداران بر روی درفش ها تصویر نمی شد .

نخستین تصویر بر روی پرچم ایران

در سال ۳۵۵ خورشیدی (۹۷۶ میلادی) که غزنویان ، با شکست دادن سامانیان ، زمام امور را در دست گرفتند ، سلطان محمود غزنوی برای نخستین بار دستور داد نقش یک ماه را بر روی پرچم خود که رنگ زمینه آن یکسره سیاه بود ، زر دوزی کنند . سپس در سال ۴۱۰ خورشیدی (۱۰۳۱ میلادی) سلطان مسعود غزنوی به انگیزه دلبستگی به شکار شیر ، دستور داد نقش و نگار یک شیر جایگزین ماه شود و از آن پس هیچگاه تصویر شیر از روی پرچم ملی ایران برداشته نشد تا انقلاب ایران در سال (۱۹۷۹ میلادی).

افزوده شدن نقش خورشید بر پشت شیر

در زمان خوارزمشاهیان یا سلجوقیان سکه هایی زده شد که نقش خورشید بر پشت آن بود ، رسمی که به سرعت در مورد پرچم ها نیز رعایت گردید . در مورد علت استفاده از خورشید دو دیدگاه وجود دارد ، یکی اینکه چون شیر گذشته از نماد دلاوری و قدرت ، نشانه ماه مرداد (اسد) هم بوده و خورشید در ماه مرداد در اوج بلندی و گرمای خود است ، به این ترتیب همبستگی میان خانه شیر (برج اسد) با میانه تابستان دیده می شود .

نظریه دیگر بر تأثیر آیین مهرپرستی و میترائیسم در ایران دلالت دارد و حکایت از آن دارد که به دلیل تقدس خورشید در این آیین ، ایرانیان کهن ترجیح دادند خورشید بر روی سکه ها و پرچم بر پشت شیر قرار گیرد .

پرچم در دوران صفویان

در میان شاهان سلسله صفویان که حدود ۲۳۰ سال بر ایران حاکم بودند ، تنها شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول بر روی پرچم خود نقش شیر و خورشید نداشتند . پرچم شاه اسماعیل یکسره سبز رنگ بود و بر بالای آن تصویر ماه قرار داشت . شاه طهماسب نیز چون خود زاده ماه فروردین (برج حمل) بود ، دستور داد به جای شیر و خورشید تصویر گوسفند (نماد برج حمل) را هم بر روی پرچم ها و هم بر سکه ها ترسیم کنند . پرچم ایران در بقیه دوران حاکمیت صفویان سبز رنگ بود و شیر و خورشید را بر روی آن زر دوزی می کردند . البته موقعیت و طرز قرارگرفتن شیر در همه این پرچم ها یکسان نبوده ، شیر گاه نشسته بوده ، گاه نیمرخ و گاه رو به سوی بیننده . در بعضی موارد هم خورشید از شیر جدا بوده و گاه چسبیده به آن . به استناد سیاحت نامه ژان شاردن جهانگرد فرانسوی ، استفاده او بیرق های نوک تیز و باریک که بر روی آن آیه ای از قرآن و تصویر شمشیر دو سر علی یا شیر خورشید بوده ، در دوران صفویان رسم بوده است . به نظر می آید که پرچم ایران تا زمان قاجارها ، مانند پرچم اعراب ، سه گوشه بوده و نه چهار گوش .

پرچم در عهد نادرشاه افشار

نادر که مردی خود ساخته بود توانست با کوششی عظیم ایران را از حکومت ملوک الطوایفی رها ساخته ، بار دیگر یکپارچه و متحد کند . سپاه او از سوی جنوب تا دهلی ، از شمال تا خوارزم و سمرقند و بخارا ، و از غرب تا موصل و کرکوک و بغداد و از شرق تا مرز چین پیشروی کرد . در همین دوره بود که تغییراتی در خور در پرچم ملی و نظامی ایران بوجود آمد . درفش شاهی یا بیرق سلطنتی در دوران نادرشاه از ابریشم سرخ و زرد ساخته می شد و بر روی آن تصویر شیر و خورشید هم وجود داشت اما درفش ملی ایرانیان در این زمان سه رنگ سبز و سفید و سرخ با شیری در حالت نیمرخ و در حال راه رفتن داشته که خورشیدی نیمه بر آمده بر پشت آن بود و در درون دایره خورشید نوشته بود : " الملک الله " سپاهیان نادر در تصویری که از جنگ وی با محمد گورکانی ، پادشاه هند ، کشیده شده ، بیرقی سه گوش با رنگ سفید در دست دارند که در گوشه بالایی آن نواری سبز رنگ و در قسمت پایینی آن نواری سرخ دوخته شده است . شیری با دم برافراشته به صورت نیمرخ در حال راه رفتن است و درون دایره خورشید آن بازهم " الملک الله " آمده است . بر این اساس می توان گفت پرچم سه رنگ عهد نادر مادر پرچم سه رنگ فعلی ایران است . زیرا در این زمان بود که برای نخستین بار این سه رنگ بر روی پرچم های نظامی و ملی آمد ، هر چند هنوز پرچم ها سه گوشه بودند .

دوره قاجارها ، پرچم چهارگوشه

در دوران آغامحمدخان قاجار، سر سلسله قاجاریان ، چند تغییر اساسی در شکل و رنگ پرچم داده شد ، یکی اینکه شکل آن برای نخستین بار از سه گوشه به چهارگوشه تغییر یافت و دوم این که آغامحمدخان به دلیل دشمنی که با نادر داشت سه رنگ سبز و سفید و سرخ پرچم نادری را برداشت و تنها رنگ سرخ را روی پرچم گذاشت . دایره سفید رنگ بزرگی در میان این پرچم بود که در آن تصویر شیر و خورشید به رسم معمول وجود داشت با این تفاوت بارز که برای نخستین بار شمشیری در دست شیر قرار داده شده بود . در عهد فتحعلی شاه قاجار، ایران دارای پرچمی دوگانه شد . یکی پرچمی یکسره سرخ با شیری نشسته و خورشید بر پشت که پرتوهای آن سراسر آن را پوشانده بود . نکته شگفت انگیز اینکه شیر پرچم زمان صلح شمشیر بدست داشت در حالی که در پرچم عهد جنگ چنین نبود . در زمان فتحعلی شاه بود که استفاده از پرچم سفید رنگ برای مقاصد دیپلماتیک و سیاسی مرسوم شد . در تصویری که یک نقاش روس از ورود سفیر ایران " ابوالحسن خان شیرازی " به دربار تزار روس کشیده ، پرچمی سفید رنگ منقوش به شیر و خورشید و شمشیر، پیشاپیش سفیر در حرکت است . سال ها بعد ، امیرکبیر از این ویژگی پرچم های سه گانه دوره فتحعلی شاه استفاده کرد و طرح پرچم امروزی را ریخت . برای نخستین بار در زمان محمدشاه قاجار (جانشین فتحعلی شاه) تاجی بر بالای خورشید قرار داده شد . در این دوره هم دو درفش یا پرچم به کار می رفته است که بر روی یکی شمشیر دو سر حضرت علی و بر دیگری شیر و خورشید قرار داشت که پرچم اول درفش شاهی و دوم درفش ملی و نظامی بود .

امیرکبیر و پرچم ایران

میرزا تقی خان امیرکبیر، بزرگمرد تاریخ ایران ، دلبستگی ویژه ای به نادرشاه داشت و به همین سبب بود که پیوسته به ناصرالدین شاه توصیه می کرد شرح زندگی نادر را بخواند . امیرکبیر همان رنگ های پرچم نادر را پذیرفت ، اما دستور داد شکل پرچم مستطیل باشد (بر خلاف شکل سه گوشه در عهد نادرشاه) و سراسر زمینه پرچم سفید ، با یک نوار سبز به عرض تقریبی ۱۰ سانتی متر در گوشه بالایی و نواری سرخ رنگ به همان اندازه در قسمت پایین پرچم دوخته شود و نشان شیر و خورشید و شمشیر در میانه پرچم قرار گیرد ، بدون آنکه تاجی بر بالای خورشید گذاشته شود . بدین ترتیب پرچم ایران تقریباً به شکل و فرم پرچم امروزی ایران درآمد .

انقلاب مشروطیت و پرچم ایران

با پیروزی جنبش مشروطه خواهی در ایران و گردن نهادن مظفرالدین شاه به تشکیل مجلس ، نمایندگان مردم در مجلس های اول و دوم به کار تدوین قانون اساسی و متمم آن می پردازند . در اصل پنجم متمم قانون اساسی آمده بود : " الوان رسمی بیرق ایران ، سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است " ، کاملاً مشخص است که نمایندگان در تصویب این اصل شتاب زده بوده اند . زیرا اشاره ای به ترتیب قرار گرفتن رنگ ها ، افقی یا عمودی بودن آن ها ، و اینکه شیر و خورشید بر کدام یک از رنگ ها قرار گیرد به میان نیامده بود . همچنین درباره وجود یا عدم وجود شمشیر یا جهت روی شیر ذکر نشده بود . به نظر می رسد بخشی از عجله نمایندگان به دلیل وجود شماری روحانی در مجلس بوده که استفاده از تصویر را حرام می دانستند . نمایندگان نو اندیش در توجیه رنگ های به کار رفته در پرچم به استدلالات دینی متوسل شدند ، بدین ترتیب که می گفتند رنگ سبز، رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ این دین است ، بنابراین پیشنهاد می شود رنگ سبز در

بالای پرچم ملی ایران قرار گیرد. در مورد رنگ سفید نیز به این حقیقت تاریخی استناد شد که رنگ سفید رنگ مورد علاقه زرتشتیان است، اقلیت دینی که هزاران سال در ایران به صلح و صفا زندگی کرده اند و اینکه سفید نماد صلح، آشتی و پاکدامنی است و لازم است در زیر رنگ سبز قرار گیرد. در مورد رنگ سرخ نیز با اشاره به ارزش خون شهید در اسلام، بویژه امام حسین و جان باختگان انقلاب مشروطیت به ضرورت پاسداشت خون شهیدان اشاره گردید. وقتی نمایندگان روحانی با این استدلالات مجاب شده بودند و زمینه مساعد شده بود، نو اندیشان حاضر در مجلس سخن را به موضوع نشان شیر و خورشید کشاندند و این موضوع را این گونه توجیه کردند که انقلاب مشروطیت در مرداد (سال ۱۲۸۵ هجری شمسی ۱۹۰۶ میلادی) به پیروزی رسید، یعنی در برج اسد (شیر). از سوی دیگر چون اکثر ایرانیان مسلمان شیعه و پیرو علی هستند و اسدالله از القاب حضرت علی است، بنابراین شیر هم نشانهٔ مرداد است و هم نشانهٔ امام اول شیعیان در مورد خورشید نیز چون انقلاب مشروطه در میانهٔ ماه مرداد به پیروزی رسید و خورشید در این ایام در اوج نیرومندی و گرمای خود است پیشنهاد می کنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم که این شیر و خورشید هم نشانهٔ علی باشد هم نشانهٔ ماه مرداد و هم نشانهٔ چهاردهم مرداد یعنی روز پیروزی مشروطه خواهان و البته وقتی شیر را نشانهٔ پیشوای امام اول بدانیم لازم است شمشیر ذوالفقار را نیز بدستش بدهیم. بدین ترتیب برای اولین بار پرچم ملی ایران به طور رسمی در قانون اساسی به عنوان نماد استقلال و حاکمیت ملی مطرح شد. در سال ۱۳۳۶ منوچهر اقبال، نخست وزیر وقت به پیشنهاد هیأتی از نمایندگان وزارت خانه های خارجه، آموزش و پرورش و جنگ طی بخش نامه ای ابعاد و جزییات دیگر پرچم را مشخص کرد. بخش نامه دیگری در سال ۱۳۳۷ در مورد تناسب طول و عرض پرچم صادر شد و طی آن مقرر گردید طول پرچم اندکی بیش از یک برابر و نیم عرضش باشد.

پرچم بعد از انقلاب

در اصل هجدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی) در مورد پرچم گفته شده است که پرچم جمهوری اسلامی از سه رنگ سبز، سفید و سرخ تشکیل می شود و نشانهٔ جمهوری اسلامی (تشکیل شده با حروف الله اکبر) در وسط آن قرار دارد.



پرچم ایران بعد از سال ۱۳۵۷



پرچم ایران قبل از سال ۱۳۵۷

زبان ایرانی کهن

از زبانهای ایرانی کهن به دو زبان فارسی باستان و اوستائی به وسیله مدارک کتبی آشنائی داریم:

فارسی باستان: این زبان که فرس قدیم و فرس هخامنشی نیز خوانده شده، زبان رسمی آریاییان در دوره هخامنشیان بود، و آن با سنسکریت و اوستایی خویشاوندی نزدیک دارد. مهمترین مدارکی که از زبان فارسی باستان در دست است، کتیبه های شاهنشاهان هخامنشی است که قدیمی ترین آن ها متعلق به «آریارمنه» پدر جد داریوش بزرگ (حدود ۶۱۰ - ۵۸۰ قبل از میلاد) [یعنی دوهزار و ششصد و هفده سال قبل از امروز] و تازه ترین آن ها از ارد شیر سوم (۳۵۸ - ۳۳۸ ق.م) است. مهمترین و بزرگترین اثر از زبان فارسی باستان کتیبه بغستان

(بیستون) است که به امر داریوش بر صخره بیستون (سرراه همدان به کرمانشاه) کنده شده است. این کتیبه ها به خط میخی نوشته شده و از مجموع آن ها قریب به ۵۰۰ لغت به زبان فارسی باستان استخراج می شود.

زبان اوستائی: زبان یکی از نواحی شرقی ایران بوده است، ولی به درستی معلوم نیست کدام ناحیه؛ و نیز روشن نیست که این زبان در چه زمان از رواج افتاده است. تنها اثری که از این زبان در دست است، اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است. سرودهای خود زرتشت، گاتاها که کهنترین قسمت اوستاست، حاکی از لهجه قدیمتری از این زبان است. کمترین زمانی که برای پیدایش زرتشت می توان قرار داد، قرن ششم قبل از میلاد است. بنابراین زبان گاتاها تازه تر از این زمان نیست، ولی می تواند بسیار قدیمی تر باشد. اوستا به خطی نوشته شده که به خط اوستائی مشهور است و ظاهراً در اواخر دوره ساسانی در حدود قرن ششم میلادی بوده. به همین منظور از روی خط پهلوی اختراع گردیده و به خلاف خط پهلوی، خطی روشن و ساده و وافی به مقصود است.

اوستا کتاب دینی - تاریخی زرتشتیان در یک زمان نوشته نشده، بلکه چنانکه از چگونگی زبان و مضمون قسمتهای مختلفش پیداست، در دوره های مختلف انشاء گردیده است. کتاب اوستا به مرور زمان توسط موبدان مختلف گردآوری و تهیه شده است و مرجع اصلی دینی زرتشتیان گاتاها است.

از زبانهای کهن دیگر، اثر مستقلى هنوز به دست نیامده، ولی از وجود بعضی از آنها به وسیله کلماتی که در زبانهای دیگر به جا مانده و یا ذکرى که مورخان کرده اند و یا به وسیله صورت میانه این زبانها، آگاهیم.

از این جمله یکی زبان مادی کهن ایران است که زبان شاهان سلسله ماد و مردم مغرب و مرکز ایران بوده است. در کتیبه های شاهان آشور از مردم ماد نام برده شده. کلماتی از این زبان در زبانهای یونانی و لاتینی باقی مانده، ولی مأخذ عمده اطلاعات ما از این زبان، کلمات و عباراتی است که در کتیبه های شاهان هخامنشی که جانشین شاهان مادی بودند به جای مانده است.

دیگر، زبانهای سغدی و خوارزمی و سکائی و پارتی است که از صورت میانه آنها مدارک کتبی در دست است و همه به نواحی شرقی فلات ایران تعلق دارند. در کتیبه های داریوش بزرگ نام شهرهایی که این زبانها در آنها رایج بوده یاد شده: سغد، خوارزم، سکا و پارت. همچنین از شهرهای دیگری چون هرات و رنج و بلخ نام برده شده که زبان جداگانه داشته اند. در مأخذ دیگر نیز به نام زبانهای بلخی و رنجی و هروی و مروزی و سگری و کرمانی برمی خوریم که به تدریج از میان رفته اند.

زبانهای ایرانی کهن با زبانهای کهن هندوستان به خصوص زبانی که در سرودهای ودا، که قدیمی ترین اثر زبانهای آریائی است، به کار رفته نزدیکی و شباهت بسیار دارند. غالب افعال و پیشوندها و پسوندها و لغات اصولاً یکی است، اما افعال و کلماتی نیز هست که مخصوص یکی از دو دسته است، مانند گفتن و سال و برف که تنها در زبانهای ایرانی دیده میشود. برای دریافتن شباهت اساسی این زبانها میتوان به ده عدد اول زبان سانسکریت و اوستایی توجه نمود. در اصوات و قواعد صرفی نیز اصولاً زبانهای کهن هند و ایرانی مشترک اند، ولی چنانکه از مقایسه ده عدد اول نیز برمی آید بعضی تفاوتهای اصلی در اصوات میان دو زبان وجود دارد که میتوان آنها را به عنوان میزان تشخیص به کار برد.

زبان ایرانی میانه: زبانهای میانه، فاصل بین زبانهای کهن و زبانهای کنونی ایران اند. دشوار است بگوئیم زبانهای میانه از چه تاریخی آغاز میشود. اگر در نظربیاوریم که سیر و تحول زبان از صورتی به صورتی دیگر تدریجی است، این نکته نیز به دست می آید که تصور حد قاطعی، میان زبانهای کهن و میانه و کنونی همیشه ممکن نیست. میزان تشخیص زبانهای میانه اصولاً یکی تفاوت آنها نسبت به صورت قدیمی تر این زبانها، عموماً ساده تر بودن و دیگر متروک بودن آنهاست. اما ممکن است بعضی از زبانهای رایج در تحول، محافظه کارتر از بعضی زبانهای متروک باشند. چنانچه پشتو و آسی، از پارتی و فارسی میانه محافظه کارترند.

از کتیبه های شاهان اخیر هخامنشی می توان دریافت که زبان فارسی باستان از همان ایام، رو به سادگی می رفته و اشتباهات دستوری این کتیبه ها ظاهر^۱ حاکی از این است که رعایت این قواعد از رواج افتاده بوده است. بنابراین میتوان مقدمه ظهور فارسی میانه را به اواخر دوره هخامنشی منسوب داشت (حدود قرن چهارم پیش از میلاد).

اطلاع ما از زبانهای ایرانی میانه، با کشفیاتی که از اوایل این قرن در آسیای مرکزی و چین حاصل شد افزوده گردید و چند زبان میانه که قبلاً از آنها آگاه نبودیم به دست آمد. فعلاً^۲ از زبانهای میانه، فارسی میانه پهلوی، زبان ساسانیان و زبان پارتی زبان اشکانیان و زبان سغدی و زبان سکائی ختنی و زبان خوارزمی شناخته شده. قطعات کوچکی نیز به خطی مشتق از خط یونانی به دست افتاده که ظاهر^۳ هپتالی و از زبانهای ایرانی است. از این گذشته کلمات بسیاری، از زبانهای پهلوی و پارتی که در دوره های ساسانی و اشکانی وارد زبان ارمنی شده، از مآخذ عمده برای تحقیق زبان های میانه ایران به شمار می رود.

زبانهای ایرانی را معمولاً^۴ می توان برحسب شباهت صوتی و دستوری و لغوی آنها به دو دسته عمده تقسیم کرد: دسته غربی و دسته شرقی.

زبانهای فارسی باستان و مادی و فارسی میانه پهلوی و پارتی و فارسی کنونی به دسته غربی تعلق دارند. زبانهای سغدی و سکائی و خوارزمی و آسی به دسته شرقی متعلق اند. زبان اوستائی از جهاتی به زبانهای دسته غربی و از جهاتی به زبانهای دسته شرقی شبیه است، از این رو منسوب داشتن آن به یکی از این دو دسته آسان نیست ولی از لحاظ موطن از زبان های شرق ایران است.

این تقسیم بندی در زبانها و لهجه های امروزی ایران نیز صادق است، چنانکه پارسی و کردی و لری و بلوچی و لهجه های سواحل جنوبی خزر و لهجه های مرکزی و جنوبی ایران همه به دسته غربی تعلق دارند ولی پشتو، زبان محلی افغانستان و یغوبی بازمانده سغدی و لهجه های ایرانی فلات پامیر و آسی، که مردم آن از مشرق به قفقاز کوچیده اند، به دسته شرقی

متعلق اند. لهجه های کافری افغانستان دنباله زبانی هستند که شاید حد فاصل میان زبانهای هندی و ایرانی بوده است و از این جهت با هر دو دسته وجوه اشتراکی دارد.

در زبانهای میانه به طور کلی میتوان گفت که دستور زبان ساده تر شده و تصریف اسامی و صفات و ضمائر اگر از میان نرفته، مختصر گردیده و دستگاه مفصل افعال با وجوه و حالات و زمانهای متعدد به سادگی گرائیده و به کار بردن حروف اضافه برای تعیین حالات مختلف اسم، بیش از زبانهای کهن معمول گردیده و افعال مرکب رواج بیشتر یافته اند.

در زبانهای میانه دسته غربی تطور به سوی سادگی بیشتر پیش رفته. در پهلوی و پارسی عملاً اسامی صرف نمی شوند، تنهیه از میان رفته است، تشخیص مذکر و مونث و خنثی نیز عملاً ناپدید شده. در کتیبه های پهلوی بعضی اسامی به y ختم می شوند که در پلوی کتابی به صورت w آمده است.

در این دو زبان از ماده های اصلی فعل ماده مضارع که فعل امر و فعل التزامی نیز از آن ساخته میشود، باقی مانده؛ ماضی و مشتقات آن، چنانکه در فارسی دری و غالب لهجه های کنونی ایران معمول است، از صفت مفعولی ساخته میشود، و این یکی از ممیزات مهم این زبان هاست. برای ادای معنی من گفتم در حقیقت عبارت گفته من با ضمیر ملکی به کار می رود.

این طرز بنا کردن فعل ماضی یکی از موجباتی است که در نتیجه آن در غالب لهجه های غربی ایران، و از جمله فارسی، ضمائر و صیغه های حالت اضافه اهمیت و تسلط یافته، و غالباً ضمائر فاعلی و سایر ضمائر را به کلی از صحنه زبان رانده است. در فارسی "من" اصولاً ضمیر ملکی است، که از "منا" در فارسی باستان نتیجه شده. ضمیر فاعلی در فارسی باستان برای متکلم آدم است که در فارسی اثری از آن به جا نمانده، ولی در لهجه های شرقی ایران عموماً و در بعضی لهجه های غربی مانند پارسی و خلخال و تاتی اثر آن بجاست.

در مورد افعال لازم، صفت مفعولی با فعل معین، یعنی با زمان حاضر فعل ha = بودن، برای ساختن ماضی به کار میرود. در سوم شخص، صفت مفعولی به تنهایی کار فعل را انجام میدهد. در پارسی، سوم شخص جمع، گاه با فعل معین به کار می رود و گاه بدون آن.

زبانهای دسته شرقی یعنی سغدی و سکائی ختنی و خوارزمی و آسی و پشتو و عده ای از لهجه های فلات پامیر، در لغات و تغییرات صوتی و قواعد دستوری مشترکاتی دارند که آن ها را از دسته غربی متمایز می سازد.

از حیث مشترکات دستوری، می توان فقدان کسره اضافه یا نظیر آن را در زبانهای شرقی ذکر کرد. همچنین در ساختمان افعال، می توان مشترکاتی یافت؛ چنانکه در سغدی و خوارزمی صیغه ماضی را می توان از ماده مضارع بنا کرد، به خلاف فارسی و پارسی که ماضی را همیشه از صفت مفعولی می گیرند و نیز این دو زبان کلمه، کام را برای بنای فعل آینده و به عنوان معین فعل به کار می برند.

پاسخ *

تعداد سوالات ۴۰

۱- فرهنگ یعنی چه؟

الف) هنجارها و واکنش های تعیین کننده رفتار *

ب) الگوی اجتماعی

ج) آموختن روش زندگی

د) همه ی امور به فرهنگ مربوط اند

۲- دربرگیرنده ی همه ی عناصری است که برای رفع نیازهای ما ضروری است

الف) آموزش

ب) نگرش اجتماعی

ج) گردشگری

د) فرهنگ *

۳- همه فرهنگ ها به هم وابسته اند و.....

الف) مکمل هم هستند

ب) متمم هم هستند

ج) باهم تعامل دارند

د) هویتی نامتغیر دارند *

۴- اکولوژی فرهنگی چیست؟

الف) دانش ارگانیسم زنده

ب) دانش محیط

ج) دانش محیط فرهنگی

د) سازگاری ارگانیسم با محیط *

۵- چشم انداز در زبان آلمانی کدام است؟

الف) پی ساگ

ب) لندشافت *

ج) پاسگیو

د) لنداسکیپ

۶- به عقیده یالویتگ به معنای چشم انداز است؟

الف) محل سکونت

ب) تعامل انسان و محیط

ج) محل سکونت و محیط

د) محل سکونت و تعامل با محیط *

۷- چشم انداز و فرهنگ.....

الف) مشابه اند

ب) متفاوتند

ج) چشم انداز جنبه ای از فرهنگ است *

د) فرهنگ جنبه ای از چشم انداز است

۸- اساسی ترین ارکان تحکیم هویت و خودباوری ملی است

الف) میراث تاریخی

ب) میراث ملی

(ج)فرهنگ		(د)میراث فرهنگی*	
۹-دوبعد میراث فرهنگی اند ؟			
الف)کلی .جزئی		ب)معنوی . دینی	
ج)مادی .معنوی*		د)مادی .صوری	
۱۰-گنجینه ی زنده ی بشری را تشکیل می دهد؟			
الف)میراث فرهنگی		ب)میراث ملموس	
ج)میراث ناملموس*		د)میراث مادی	
۱۱-نخستین موزه درچه سالی ایجاد شد ؟			
الف) ۱۲۸۸	ب) ۱۲۹۰*	ج) ۱۲۸۵	د) ۱۳۰۲
۱۲-درچه سالی قانون عتیقات به تصویب مجلس رسید؟			
الف) ۱۳۰۶	ب) ۱۳۰۸	ج) ۱۳۰۲	د) ۱۳۰۹*
۱۳-درسال ۱۳۴۳.....تاسیس شد			
الف)وزارت اوقاف		ب)وزارت فرهنگ وهنر*	
ج)اداره یعتیقات		د)اداره ی موزه ها	
۱۴-هم اکنون کاخ های سلطنتی باقی مانده چه کاربردی دارند ؟			
الف)سیاسی		ب)فرهنگی*	
ج)اجتماعی		د)نظامی	
۱۵-کدام یک از کاخ های تهران ،زیر نظارت وزارت دارایی است؟			
الف)گلستان*		ب)دارآباد	
ج)سعدآباد		د)نیاوران	
۱۶-میراث فرهنگی			
الف)غیرقابل برگشتند		ب)غیرقابل جایگزینی اند*	
ج)توانایی بهبود دارند		د)توانایی تغییر دارند	
۱۷-رشته های حفظ میراث ملموس کدامند ؟			
الف)تاریخ شفاهی		ب)حفظ زبان	
ج)فرهنگ عامه*		د)بایگانی	
۱۸-رشته های حفظ میراث معنوی نیست؟			
الف)فولکور		ب)تاریخ شفاهی	
ج)زبان		د)حفظ فیلم*	
۱۹-مجموعه میراث فرهنگی به ثبت جهانی رسیده ؟			
الف) ۹۰۰	ب) ۲۰۰	ج) ۸۵۰	د) ۸۳۰*

۲۰- چند اثر از ایران در یونسکو ثبت شده است ؟

الف) ۲۱* ب) ۲۵ ج) ۸۵ د) ۱۲

۲۱- یک اثر با دارا بودن این ویژگی می تواند ثبت جهانی شود

الف) در معرض نابودی باشد ب) مورد مشابه داشته باشد
ج) به فرهنگ توجه نداشته باشد د) منحصر به فرد باشد *

۲۲- زورخانه در کدام دسته از میراث جای می گیرد؟

الف) معنوی * ب) مادی ج) ملموس د) تاریخی

۲۳- قلعه جوشی در کدام استان قرار دارد ؟

الف) گیلان ب) تهران
ج) قم د) آذربایجان شرقی *

۲۴- کدام یک جز آثار جانی ثبت شده نیستند ؟

الف) شهر سوخته ب) کاخ گلستان
ج) گنبد قابوس د) کاخ نیاوران *

۲۵- وی با نگرش کلاسیک به بررسی فرهنگ پرداخته است ؟

الف) تیلور * ب) اسمیت ج) مک کلند د) مورگان

۲۶- فرهنگ دارای کدام ویژگی نیست ؟

الف) اکتسابی ب) تلقین پذیر
ج) ذاتی * د) دست یافتنی

۲۷- دانشی است که سازگاری ارگانیسم را با محیط مورد بررسی قرار می دهد؟

الف) زیست شناسی ب) اکولوژی *
ج) چشم انداز د) جغرافیا

۲۸- محل سکونت انسان و تعامل زیست محیطی او چه نام دارد ؟

الف) چشم انداز * ب) زیست بوم ج) زیست گاه د) زیست

۲۹- شامل فناوری های سنتی است ؟

الف) زبان ب) اسطوره ج) دانش سنتی * د) فولکور

۳۰- تصویب قانون میراث فرهنگی از چه دوره ای آغاز شد ؟

الف) پهلوی ب) قاجار ج) زندیه د) مشروطه *

۳۱- کتاب ها ، اموال و بناهای تاریخی در این دسته جای می گیرند ؟

الف) اموال ملموس *	ب) اموال محسوس
ج) اموال ناملموس	د) اموال فرهنگی
۳۲- بخش احساسی جامعه را تشکیل می دهد؟	
الف) اموال فرهنگی	ب) اموال ناملموس
ج) میراث ناملموس *	د) میراث مادی
۳۳- عمارت کلاه فرنگی در آنجا قرار دارد ؟	
الف) گیلان	ب) بوشهر *
	ج) تبریز
	د) ایلام
۳۴- کدام یک از جمله آثار بین المللی ثبت شده در یونسکو نیست ؟	
الف) بم	ب) آسیاب قطب آباد *
ج) بازار تبریز	د) قنات ها
۳۵- کوهستان های به علت دارا بودن امکانات و شرایط مناسب از مراکز مهم توریستی محسوب می شوند ؟	
الف) دماوند *	ب) البرز
	ج) الوند
	د) زاگرس
۳۶- میراث جهانی به دو دسته تقسیم می شوند ، آنها کدام اند ؟	
الف) فرهنگی - ورزشی	ب) فرهنگی - طبیعی *
ج) طبیعی - تاریخی	د) طبیعی - ملی
۳۷- معنی قاجار در زبان ترکی کدام است ؟	
الف) بزرگ	ب) ترک زبان
ج) قدیمی	د) دهی در استان زنجان *
۳۸- امکان تاریخی ، موزه ها ، معماری بناهای تاریخی و مذهبی جز کدامیک از جاذبه ها نمی باشد ؟	
الف) فرهنگی *	ب) تاریخ اجتماعی
	ج) ملی
	د) طبیعی
۳۹- موسیقی ، هنرهای نمایشی ، شعر ، ادبیات ، نقاشی ، حکاکی جز کدامیک از جاذبه ها هستند ؟	
الف) تاریخی	ب) فرهنگی *
	ج) اجتماعی
	د) رویدادی
۴۰- استون هیچ ولاندن بریج در کجا واقع شده اند ؟	
الف) انگلستان - انگلستان *	ب) فرانسه - انگلستان
ج) انگلستان - فرانسه	د) فرانسه - فرانسه

پاسخ *

تعداد سوالات ۳۰

۱- OIKOS به چه معناست؟			
الف) زیست بوم	ب) محل زیست *	ج) محل کار	د) محل مطالعه
۲- نام چینی و ایتالیایی ساز برپت کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) پی ئی یا آ - بادستوس *	ب) پی ئی یا آ - برپت		
ج) بادستوس - چنگ	د) کمانچه - تار		
۳- به عقیده یالویتگ به معنای چشم انداز است؟			
الف) محل سکونت و تعامل با محیط *	ب) محل سکونت و محیط		
ج) تعامل انسان و محیط	د) محل سکونت		
۴- ساز قانون مربوط به کدام دسته از آلات سازهای زیر می باشد؟			
الف) آلات موسیقی زهی *	ب) آلات موسیقی بادی		
ج) آلات موسیقی مضرابی	د) آلات موسیقی ضربی		
۵- آن بخش از علوم زمین را که به مطالعه اتمسفر (هوا سپهر یا جو) سیاره زمین می پردازد کدام گزینه زیر اطلاق می شود؟			
الف) علوم اتمسفری	ب) کلیماتولوژی *		
ج) زمین شناسی	د) هیچکدام		
۶- نام کتاب زرتشتیان چیست؟			
الف) انجیل	ب) تورات	ج) اوستا *	د) ودا
۷- چالانچی باشی از عناوین موسیقی کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) ساززن، خواننده، سازنده - باشی هم به معنی رئیس و سردسته			
ب) سازنده، خواننده - باشی هم به معنی رئیس و سردسته			
ج) سازنده، نوازنده، ساززن - باشی هم به معنی رئیس و سردسته *			
د) خواننده، نوازنده - باشی هم به معنی رئیس و سردسته			
۸- کدام یک جز آثار جانی ثبت شده نیستند؟			
الف) کاخ نیاوران *	ب) گنبد قابوس		

(ج) کاخ گلستان

(د) کاخ گلستان و نیاوران

۹- کاتولیک در لغت یونانی به چه معناست؟

الف) عمومی * ب) پیرو ج) سنتی د) اعتراض کننده

۱۰- در سال ۱۳۴۳..... تاسیس شد؟

الف) وزارت فرهنگ و هنر * ب) وزارت اوقاف

ج) اداره ی موزه ها د) اداره عتیقات

۱۱- کدام شکل از ساختمان های زیر مقاومت بیشتری در مقابل باد دارد؟

الف) ساختمان هایی که بناهای زاویه دار حاوی سطوح صاف دارند

ب) ساختمان هایی که شکل مدور دارند *

ج) ساختمان هایی که ستون های بلند دارند

د) هیچکدام

۱۲- کدامیک از ادیان زیر ترکیبی از دین اسلام و هندو است؟

الف) سیک * ب) یهود ج) زرتشت د) هندو

۱۳- لقبی که زرتشتیان به خدا داده اند چیست وبه چه معنی است؟

الف) امرتات - سرور دانا ب) گرشاسب - سروردانا

ج) اهورا مزدا - سروردانا * د) هورواتات - سروردانا

۱۴- وی با نگرش کلاسیک به بررسی فرهنگ پرداخته است؟

الف) مورگان ب) مک کلد ج) تیلور * د) اسمیت

۱۵- زورخانه در کدام دسته از میراث جای می گیرد؟

الف) تاریخی ب) معنوی * ج) مادی د) ملموس

۱۶- چند درصد از کل گردشگرهای جهان گردشگری مذهبی انجام می دهند؟

الف) ۱۱٪ * ب) ۱۴٪ ج) ۲۸٪ د) ۱۳٪

۱۷- نخستین دوره رویارویی ایران با غرب از نظر پوشاک در چه دوره ای بوده است؟

الف) قاجاریه * ب) زندیه ج) صفویه د) هیچکدام

۱۸- نصرانی لقب کدامیک از پیروان ادیان زیر می باشد؟

الف) دین بودا ب) دین مسیحیت *

ج) دین زرتشت د) دین اسلام

۱۹- به طور کلی ادیان جهان به چند دسته زیر تقسیم می شوند؟

الف) زرتشت و مانی	ب) هندو، سیک
ج) الهی و غیر الهی *	د) هیچکدام

۲۰- دانش اسطوره شناسی چه نام دارد؟

الف) میتولوژی *	ب) کلیما تولوژی
ج) ژئومورفولوژی	د) هیچکدام

۲۱- بزرگ ترین و پرجمعیت ترین دین جهان کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) دین زرتشت	ب) دین مسیحیت *
ج) دین اسلام	د) دین یهود

۲۲- پاپ رهبر کدامیک از مذاهب دین مسیحیت می باشد؟

الف) کاتولیک *	ب) پروتستان	ج) ارتدکس	د) اهل تسنن
----------------	-------------	-----------	-------------

۲۳- عامل بادهای ۱۲۰ روزه سیستان کدام گزینه زیر می باشد؟

الف) توده هوای مانسون یا موسمی هند	ب) توده هوای سودانی *
ج) توده هوای حاره ای	د) توده هوای سیبری

۲۴- از بانیان سپاه قزلباش است؟

الف) شاه اسماعیل اول *	ب) شاه طهماسب
ج) شاه اسماعیل دوم	د) آقا محمدخان

۲۵- کتاب دینی ارژنگ مربوط به کدامیک از ادیان غیر الهی است؟

الف) مانی *	ب) میترائیسم	ج) مزدک	د) هندو
-------------	--------------	---------	---------

۲۶- انسان نئادرتال حد فاصل انسان و انسان است.

الف) هوشمند - هوشمند هشمند	ب) راست قامت - هوشمند هشمند
ج) راست قامت - هوشمند *	د) ماهر - راست قامت

۲۷- گردشگری نوستالویشک نوعی از گردشگری است کشف هشد آن برای گردشگر می باشد؟

الف) شرکت در اجلاس بین المللی و سمینارهای سیاسی
ب) مطالعه و بررسی ویژگی های اداب و سنن
ج) بازدید از بازارهای اداب و سنن
د) تداعی کردن خاطرات ایام گذشته *

۲۸- کدامیک از انواع گردشگری زیر جزء گردشگری پایدار محسوب می شوند؟

الف) گردشگری تفریحی و انبوه	ب) گردشگری درمانی
-----------------------------	-------------------

ج) گردشگری ماجراجویانه

د) گردشگری روستایی *

۲۹- گردشگری ۴ s که بعد از جنگ جهانی دوم معرو شده است باعث به وجود آمدن کدام نوع گردشگری شده است؟

الف) گردشگری ماجراجویانه

ب) گردشگری نوستالژیک

ج) گردشگری انبوه *

د) گردشگری ورزشی

۳۰- از هم پوشانی گردشگری ماجراجویانه، گردشگری محیط زیست و گردشگری درمانی کدام نوع گردشگری پدید می آید؟

الف) گردشگری قومی

ب) گردشگری روستایی

ج) گردشگری اکوتوریسم *

د) گردشگری تفریحی

پاسخ *

تعداد سوالات ۳۰

۱- آثار فرهنگی دریاچه شورابیل، بقعه شیخ جبرائیل، آرامگاه شیخ صفی الدین مربوط به کدام استان زیر میباشد؟			
الف) گیلان	ب) کرمانشاه	ج) اردبیل *	د) البرز
۲- عرض جغرافیایی ایران کدام گزینه ی زیر می باشد؟			
الف) ۲۵-۴۰ درجه عرض جنوبی	ب) ۴۰-۲۵ درجه عرض شمالی *		
ج) ۴۴-۶۳ درجه طول شرقی	د) ۴۴-۶۳ درجه عرض شمالی		
۳- آثار فرهنگی عمارت کاخ سلیمانیه، پیست اسکی دیزین و خور، باغ لاله مربوط به کدام استان زیر میباشد؟			
الف) خراسان جنوبی	ب) البرز *		
ج) گلستان	د) خراسان شمالی		
۴- “کوشش ها دستاوردها سرمایه ها و اندوخته های مادی انسان که در طول قرن ها و هزاره ها تا امروز ادامه یافته و بزرگترین مظهر و نمود آن صنعت و تکنولوژی است ” تعریف کدام گزینه است؟			
الف) تاریخ	ب) باستانشناسی	ج) فرهنگ	د) تمدن *
۵- استفاده از چاقو، چادر و روبند در چه دوره ای از تاریخ معمول بوده است؟			
الف) قاجاریه *	ب) ساسانیان	ج) سامانیان	د) غزنویان
۶- نام کتاب زرتشتیان چیست؟			
الف) اوستا *	ب) تورات	ج) انجیل	د) ودا
۷- فرهنگ واژه ای است که از دو بخش ” فر ” به معنی و ” هنگ ” تشکیل شده			
الف) فارسی - کمال یافتن - شکوه وجلال	ب) عربی - بیرون آوردن - کمال یافتن		
ج) فارسی - شکوه وجلال - بیرون آوردن *	د) عربی - شکوه وجلال - بیرون آوردن		
۸- عامل بادهای ۱۲۰ روزه سیستان کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) توده ی هوای مانسون و موسمی هند *	ب) توده ی هوای سیبری		
ج) توده ی هوای سودانی	د) توده ی هوای حاره ای		
۹- میزان بارش سالیانه در آب و هوای سرد کوهستانی، کدام گزینه ی زیر می باشد؟			
الف) ۲۲۵ میلی لیتر	ب) ۳۵۰ میلی لیتر		
ج) ۵۰۰ میلی لیتر *	د) هیچ کدام		
۱۰- کدام یک از ادیان زیر ترکیبی از دین اسلام و هندو است؟			
الف) سیک *	ب) هندو	ج) یهود	د) زرتشت
۱۱- پاپ رهبر کدام یک از مذاهب دین مسیحیت می باشد؟			
الف) اهل تسنن	ب) کاتولیک *	ج) ارتدکس	د) پروتستان

۱۲- کتاب دینی ارزشنگ مربوط به کدام یک از ادیان غیر الهی است ؟			
الف) مزدک	ب) مانی *	ج) میترائیسم	د) هندو
۱۳- تابو به چه معناست؟			
الف) حرام و ممنوع *	ب) روحانی	ج) مقدس	د) حلال
۱۴- کنوانسیون میراث جهانی در چه سالی تشکیل شد؟			
الف) ۱۲۹۷ قمری	ب) ۱۹۶۰ میلادی *		
ج) ۱۹۴۰ میلادی	د) ۱۳۶۰ شمسی		
۱۵- مسجد تاریخانه دامغان فاقد عناصر.....و.....میباشد.			
الف) مناره-شبستان	ب) ایوان-گنبد *		
ج) شبستان-ایوان	د) مناره-صحن		
۱۶- این دستگاه تغییر شکل یافته ی واژه مازور است؟			
الف) راستگاه	ب) سه گاه	ج) ماهور *	د) شور
۱۷- جوجیستو بازی محلی کجاست؟			
الف) ژاپن *	ب) اندونزی	ج) تایلند	د) استرالیا
۱۸- یکی از شناخته شده ترین و پرجاذبه ترین بازی های سنتی و محلی عشایر کدام گزینه زیر می باشد؟			
الف) نجات بازی	ب) الک دولک		
ج) چوب بازی (ترکه بازی) *	د) تپله بازی		
۱۹- پدر مردم شناسی چه نام دارد؟			
الف) ابن خلدون	ب) ابن ندیم		
ج) ادوارد تیلر *	د) هرودت		
۲۰- روند تاثیر موسیقی بر فرهنگ یک منطقه چگونه است؟			
الف) سطحی ریشه ای	ب) ریشه ای آهسته *		
ج) ریشه ای سریع	د) سطحی آهسته		
۲۱- مزایای جشنواره و رویداد در کدام منطقه بیشتر است؟			
الف) روستایی *	ب) درون مرزی		
ج) برون مرزی	د) شهری		
۲۲- از جمله مزایای بازی های بومی نیست؟			
الف) اقتصادی *	ب) دانش	ج) اجتماعی	د) فیزیکی
۲۳- در جشن های ایرانی..... به جشن رسمیت و تقدس می بخشد؟			
الف) شادی	ب) میهمان ها	ج) آتش *	د) غذا
۲۴- بعداز جنگ جهانی دوم توجه به صنایع دستی به کدام دلیل فزونی یافت؟			

الف) برون زایی اقتصادی

ب) فزونی تقاضا

ج) استقلال *

د) نیاز

۲۵- تعریف صنایع دستی در دایره المعارف بریتانیا؟

الف) تلاش برای خلق اثر

ب) مهارت، ذوق و بینش انسان *

ج) هنر و استعداد انسان

د) هنری بومی

۲۶- وجود در شیراز سبب جلب توجه گردشگران خارجی به این شهر شده است؟

الف) تخت جمشید و پاسارگاد *

ب) بناهای تاریخی و فرهنگی

ج) بازار وکیل و حمام آن

د) حافظیه و سعدیه

۲۷- در بازی کلاه پیران چه کسانی کلاه بر سر دارند؟

الف) رئیس

ب) مهاجم

ج) سالار

د) مدافع *

۲۸ - The earliest paintings are illustrations of.....

۱- Hafez

۲- Nezami's Khamseh

۳- Ferdowsi's Shahnameh *

۴- non of them

۲۹ - The word of zenith means.....

۱- To honor or greatly respect

۲- A long narrow flat piece

۳- The best or most successful point or time *

۴- To make somebody confused

۳۰- Masolum means.....

۱- beautiful writing

۲- having many twists or curves

۳- the front of a building

۴- a special building made to hold the dead body of an important person *

پاسخ *

تعداد سوالات ۳۰

۱- صنایع دستی نوعی فعالیت است؟			
الف) اقتصادی *	ب) هنری	ج) ارزشی	د) اجتماعی
۲- کوکوی خاویار از غذاهای محلی کدام استان است؟			
الف) گیلان *	ب) خوزستان	ج) مازندران	د) گلستان
۳- دهل به شکل مرسوم در کدام استان استفاده می شد؟			
الف) خراسان	ب) مازندران	ج) کردستان *	د) بوشهر
۴- کدام یک از بافت های زیر جزء بافته های گره دار هستند؟			
الف) چادرشب	ب) ورنی و شیریکی		
ج) قالی و گبه *	د) گلیم و زیلو		
۵- متولی اصلی صنعت گردشگری ایران؟			
الف) سازمان حج	ب) سازمان میراث *		
ج) وزارت برنامه و بودجه	د) وزارت کشور		
۶- قدیمی ترین قالی دستباف بافته شده در جهان متعلق به کدام کشور و در کجا و در چه دوره ای بافته شده است؟			
الف) ایران - سیبری - هخامنشیان *	ب) ایران - هخامنشیان		
ج) یونان - اشکانیان	د) مصر - سیبری - هخامنشیان		
۷- فر یعنی چی ؟			
الف) کشیدن	ب) آهنگ	ج) جلوه *	د) قصد کردن
۸- فرهنگ یعنی چه؟			
الف) هنجارها و واکنش های تعیین کننده رفتار *	ب) الگوی اجتماعی		
ج) آموختن روش زندگی	د) همه ی امور به فرهنگ مربوط اند		
۹- ایرانیان در سه هزار سال ق.م در چه زمینه ای تخصص داشتند؟			
الف) تراشکاری	ب) گچ بری	ج) فلزکاری *	د) گلیم بافی
۱۰- جشن سده در چه زمانی از سال برگزار می شود و دلیل آن چیست؟			

الف) دهم بهمن ماه چون ۱۰۰ روز از زمستان بزرگ سپری میشد *

ب) دهم بهمن ماه چون ۹۰ روز از زمستان بزرگ سپری میشد

ج) یازدهم اسفند ماه چون ۹۰ روز از زمستان بزرگ سپری میشد

د) پنجم دی ماه چون ۱۰۰ روز از زمستان بزرگ سپری میشد

۱۱- رواج صنعت میناکاری در و در سال است؟

الف) اصفهان/ ۱۳۱۰ *

ج) تهران/ ۱۳۲۰

ب) تهران/ ۱۳۱۰

د) اصفهان/ ۱۳۲۰

۱۲- فرهنگ جامعه در برگیرنده ی یافته های است؟

الف) مادی

ب) انسانی

ج) معنوی *

د) ارزشی

۱۳- علت عدم توجه به صنایع دستی در این دوران انعقاد قرارداد با روسیه و انگلیس بوده است؟

الف) دوران پهلوی

ب) دوران قاجار *

ج) دوران صفویه

د) دوران پهلوی اول

۱۴- داشتن پارک مصنوعی سبب جذب گردشگران شده کدام است؟

الف) مشهد *

ب) تهران

ج) اصفهان

د) شیراز

۱۵- جزء اجزای فرهنگ نیست؟

الف) اعتقادات

ب) رفتار اجتماعی

ج) باورها *

د) سنت ها

۱۶- نخستین دوره ی رویارویی ایران با غرب از نظر پوشاک در چه دوره ای بوده است ؟

الف) قاجاریه *

ب) صفویه

ج) زندیه

د) هیچ کدام

۱۷- میزان بارش در آب و هوای خزری کدام گزینه می باشد ؟

الف) ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلی لیتر

ب) ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی لیتر

ج) ۶۰۰ تا ۲۰۰۰ میلی لیتر *

د) ۶۰۰ تا ۲۵۰۰ میلی لیتر

۱۸- آذربایجان و زنجان سومین چهارشنبه اسفند را چه می گویند؟

الف) گوله *

ب) سوله

ج) کوله

د) موله

۱۹- معنی لغوی اسطوره کدام گزینه ی زیر می باشد؟

الف) روایت تاریخ *

ب) داستان

ج) ضرب المثل

د) گویش

۲۰- دمای هوا در نتیجه ی کدام یک از عوامل زیر تغییر میکند؟

الف) تغییرات انرژی تابشی *

ب) تغییرات رطوبت

ج) تغییرات بارشی

د) هیچکدام

۲۱- مقدار آبی که به صورت بخار در هوا وجود دارد ، کدام گزینه ی زیر می باشد؟

الف) رطوبت هوا * ب) دمای هوا ج) بارش د) باد

۲۲- حفظ آثار تاریخی طبیعی و فرهنگی بشر که اهمیت جهانی دارد و متعلق به تمام انسانهای زمین ، فارغ از هر نوع نژاد ، مذهب و ملیت خاص -میباشد مربوط به کدام عهدنامه بین المللی میباشد؟

الف) میراث فرهنگی و گردشگری ب) میراث جهانی یونسکو *
ج) سازمان جهانی جهانگردی د) شورای بین المللی موزه ها

۲۳- فرمانروایی کیخسرو تا اواخر دوره کیانیان شامل کدامیک از موارد زیر می باشد؟

الف) دوران اسطوره ای ب) دوران تاریخی
ج) دوران حماسی * د) دوران افسانه ای

۲۴- آثار فرهنگی عمارت کاخ سلیمانیه ، پیست اسکی دیزین و خور ،باغ لاله مربوط به کدام استان زیر میباشد؟

الف) گلستان ب) خراسان شمالی ج) البرز * د) خراسان جنوبی

۲۵- کدام دین به مخالفت با میترا پرداخت؟

الف) اسلام ب) زرتشت * ج) بودا د) برهمن

۲۶- اولین مرحله تشرف به مناسک میترا چه نام دارد؟

الف) سرباز ب) همسر ج) شیر د) کلاغ *

۲۷- همسر در آیین میترا برابر با کدامیک از عناصر چهارگانه است؟

الف) باد * ب) آب ج) آتش د) خاک

۲۸- فشردن دست راست به علامت وفاداری در کدام مرحله دین میترا وجود داشته است؟

الف) شیر ب) پارسی ج) همسر * د) سرباز

۲۹- داس نشان کدام مرحله در آیین میترا می باشد

الف) کلاغ ب) همسر ج) پارسی * د) مرشد

۳۰- کدامیک از موارد زیر از معانی زرتشت محسوب نمی شود

الف) ستاره زرین ب) دارنده شتر زردفام
ج) ستاره شناس د) شتر زردفام *